کودتای نافرجام

آزمایش بزرگ مجاهدین و مقاومت ایران



کودتای نافرجام

آزمایش بزرگ مجاهدین و مقاومت ایران

[برگرفته از برنامه‌های سیمای آزادی، تلویزیون ملی ایران]

انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران
شابک: ۹-۱-۰۶۸۴۲۳۸-۱-۹۷۸
تاریخ انتشار: اردیبهشت ۱۴۰۴
بها : ۵۰ یورو

فهرســت

کنفرانس پیروزی عدالت و به‌رسمیت شناختن مشروعیت مقاومت-پاریس ۲مهر ۱۳۹۳ ..... ۹

مقدمه ۱۵

فصل اول -کودتای نافرجام آزمایش بزرگ مجاهدین و مقاومت ایران۱۷ژوئن ۲۰۳۳(۲۷خرداد۱۳۸۲) ۳۹

فصل دوم-حلقه های ننگین توطئه ۸۳

فصل سوم - مقاومت در برابر توطئه و تجارت ۱۰۹

فصل چهارم- پرواز درآتش ۱۷۷

فصل پنجم-بهای آزادی ۲۲۱

فصل ششم- یک سخنرانی و یک پیام تاریخی ۲۸۳

فصل هفتم- فرجام عبرت انگیز ۲۹۷

فصل هشتم - مشعل های انسانی در دادگاه پاریس ۳۲۱

فصل نهم -فرجام پرننگ ۳۶۵

فصل دهم- جاده صاف کنهای کودتا و جنایت علیه بشریت ۴۰۷

فصل یازدهم- رویارویی آزادی و عدالت با زدوبند و تجارت ۴۶۵

فصل دوازدهم-فرو ریختن پایه های توطئه ۵۱۱

فصل سیزدهم-پرده ها کنار می روند ۵۷۱

فصل چهاردهم-پیروزی عدالت ومقاومت ۶۳۳

فصل پانزدهم-بسته شدن کامل پروندهٔ ۱۷ژوئن ۶۵۷
با دومین حکم منع تعقیب

فصل شانزدهم-عکس العمل پر فضیحت رژیم آخوندی ۷۱۳
در قبال حکم منع تعقیب در پروندهٔ ۱۷ژوئن

فصل هفدهم-پیروزی عدالت و مقاومت ۷۴۱

تهنیت به مریم رهایی و ارتش آزادی-مسعود رجوی -۲۵اردیبهشت۹۰

مریم رجوی - ۱۷ژوئن ۲۰۰۴ (۲۸ خرداد ۱۳۸۳)

اگر مقاومت برای آزادی گناه است،
ما به این گناه بزرگ افتخار می کنیم،
به زندان رفتن به خاطر آزادی افتخار می کنیم
و به شهادت برای آزادی افتخار می کنیم.

۱۰سال بعد، مریم رجوی پیروزی نهایی و درخشان
کارزاری را که به مدت ۱۴سال با فداکاری تمام عیار
پیش برده بود، اعلام کرد.

کنفرانس پیروزی عدالت
و به‌رسمیت شناختن مشروعیت مقاومت
پاریس- ۲مهر ۱۳۹۳

به‌نام خدا، به‌نام ایران، به‌نام آزادی!

به‌نام صدیقه و ندا که تا هر زمان که سرود انسان و نغمهٔ آزادی جاریست نامشان جاودان خواهد ماند و سلام، و سلام بر جان ها و خون هایی که در دفاع از ضرورت مقاومت برای آزادی نثار شد.

هموطنان! دوستان عزیز!

بزرگترین سرمایه‌گذاری رژیم ولایت‌فقیه در فرانسه بر باد رفت، پروندهٔ ۱۷ژوئن فرو پاشید وکارزار شیطان‌سازی درهم‌شکست. حقانیت این مقاومت اثبات شد و پاکی و شفافیتش احترام همگان را برانگیخت و جهان بر مشروعیت مقاومت برای سرنگونی رژیم ولایت‌فقیه صحه گذاشت.

تحقیقات و پروندهٔ ۱۴ساله قضاییهٔ فرانسه، سند تاریخی جامعی است که واقعیت های تکان‌دهنده‌یی را دربارهٔ کشاکش میان مردم و مقاومت ایران با دیکتاتوری مذهبی و مماشاتگران حامی آن را روشن می‌سازد:

....

درخشان ترین واقعیت، پایداری بزرگ جنبش مقاومت است. در مقطع حمله ۱۷ژوئن،

آخوندها ۱۲دولت را برای نابودی این مقاومت با خود همراه کرده بودند. بسیاری از شما به‌یاد می‌آورید، یکی از مقامات وقت فرانسه رسماً می‌گفت: هدف حمله، از هم پاشاندن تشکیلات اپوزیسیون است. مقامات وقت فرانسه، خواستار گرفتن اطلاعات علیه مجاهدین از کشورهای دیگر می‌شدند، آنها پرونده خالی را به‌صورتی غیرعادی باز نگه داشتند.

....

پول مالیات‌دهندگان فرانسوی برای پروژه‌یی هزینه می‌شد که خواست استبداد مذهبی بود، یعنی انهدام مقاومت. بله! در کشاکش این ۱۴سال، آنچه بارز شد، نیروی ماندگاری و قدرت معنوی این جنبش بوده است. جنبشی که اعضایش در این سالیان، به‌ویژه در اشرف و لیبرتی زیر حداکثر فشار، محاصره و ۶قتل‌عام بوده‌اند جنبشی که در برابر ده‌ها دادگاه حاضر شده، جنبشی که مورد تحقیق بی‌وقفه ده‌ها سرویس اطلاعاتی، همراه با شیطان‌سازی قرار گرفته و با اهرم قضاییه، هدف یک کنترل سنگین واقع شده، ولی سرانجام از آتش همه توطئه‌ها پاک و سربلند بیرون آمده است.

و هم‌چنان که ویلیام بوردون وکیل برجستهٔ این مقاومت که الان اینجا حضور دارد، گفت: حکمِ منع تعقیب بر این اساس صادر شد که اپوزیسیون ایران، تجسم حق مشروع مقاومت در برابر دیکتاتوری و بربریت است و این در تاریخ قضا در فرانسه بی‌سابقه است. زیرا راه را بر احکام دیگری از این دست می‌گشاید و قدرت حق و حقوق را دوباره برقرار می‌سازد. این تصمیم قاضی ترویویدیک در عین‌حال اعادهٔ حیثیت از قضاییهٔ فرانسه نیز هست که برخلاف قاضی بروگیر که منافع دولتی را نمایندگی می‌کرد، استقلال عمل قضات را در فرانسه به‌نمایش می‌گذارد.

آن همه رنج‌ها و سوز دل‌ها و فداکاری‌های این سالیان که امروز ثمرهٔ آن را می‌بینیم، هرگز فراموش نمی‌شود. صدیقه و ندا که همواره همهٔ وجدان‌های این دوره زمانه را به بیداری فرا می‌خوانند، امروز بیش از همیشه زنده و حاضرند.

ایستادگی در نبرد با دشمن ضدبشری، در دل زندان‌ها، در اشرف و لیبرتی، در خیابان‌های تهران و سراسر جهان یا در صحنهٔ سخت‌ترین پیکارها در دادگاه‌های جهان. این راه و رسمی است که پیروزی می‌آفریند و برای آزادی، برای عدالت و حقوق بین‌الملل و برای جهان بشری راه می‌گشاید.





کنفرانس پیروزی عدالت و برسیمت شناختن مشروعیت مقاومت-پاریس۲مهر۱۳۹۳









کـــودتـــای نافـــرجـــام



کودتای نافرجام
آزمایش بزرگ مجاهدین و مقاومت ایران
۱۷ژوئن ۲۰۰۳ (۲۷خرداد ۱۳۸۲)

-**رافارن نخست‌وزیر فرانسه در روز ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ اعلام کرد** که سلسله عملیات پلیس «سیستم عصبی مرکزی یک سازمان تروریستی» را هدف قرار داده و منافع فرانسه «در منحل شدن همه سیستم‌های پوشش‌دهندهٔ تروریست هاست».



Libération

Raffarin assume la rafle des Moudjahidin

Les véritables raisons de l'opération restent pourtant imprécises.

par Guillaume ROLLIN et Armelle THORAVAL publié le 20 juin 2003 à 23h27

Jean-Pierre Raffarin a appuyé à son tour l'opération spectaculaire lancée par le juge d'instruction antiterroriste Jean-Louis Bruguière contre les Moudjahidin du peuple, après l'intervention, la veille, du patron de la DST. Le Premier ministre reprend d'ailleurs exactement la rhétorique de Pierre de Bousquet de Florian pour justifier cette offensive soudaine. Dans le Monde daté d'aujourd'hui, il estime qu'Auvers-sur-Oise, base historique de l'Organisation des Moudjahidin du peuple iranien (OMPI), était le «centre nerveux d'une organisation qualifiée de terroriste par l'Union européenne». Démanteler cette organisation, susceptible de «participer» à «l'accueil de terroristes sur notre territoire» relève donc selon Jean-Pierre Raffarin de «l'intérêt national».

Libération

Raffarin assume la rafle des Moudjahidin

Les véritables raisons de l'opération restent pourtant inexplicables.

par Guillaume MOLLIN et Armelle THORAVAL publié le 20 juin 2003 à 23h27

Jean-Pierre Raffarin a appuyé à son tour l'opération spectaculaire lancée par le juge d'instruction antiterroriste Jean-Louis Bruguière contre les Moudjahidin du peuple, après l'intervention, la veille, du patron de la DST. Le Premier ministre reprend d'ailleurs exactement la rhétorique de Pierre de Bousquet de Florian pour justifier cette offensive soudaine. Dans le Monde daté d'aujourd'hui, il estime qu'Auvers-sur-Oise, base historique de l'Organisation des Moudjahidin du peuple iranien (OMPI), était le «centre nerveux d'une organisation qualifiée de terroriste par l'Union européenne». Démanteler cette organisation, susceptible de «participer» à «l'accueil de terroristes sur notre territoire» relève donc selon Jean-Pierre Raffarin de «l'intérêt national».

Comme le préfet de la DST, il rappelle le nombre d'attentats commis contre l'Iran par les militants de l'OMPI pour mieux étayer sa démonstration. Ce propos ne permet pourtant toujours pas de comprendre quelle est la clé du déclenchement soudain de cette rafle, avec 167 interpellations et 22 personnes conservées en garde à vue hier soir. Le fait que les Moudjahidin sont engagés dans une lutte armée contre Téhéran n'est pas une nouveauté.

Extradition de Maryam Radjavi. Pour l'heure, la justice française va devoir décider, vendredi soir ou samedi matin, ce qu'elle fait de Maryam Radjavi, épouse du chef des Moudjahidin. Et des autres interpellés. L'un des scénarios évoqué hier était celui d'une expulsion vers un pays tiers, comme la Jordanie ou l'Egypte.William Bourdon, Marc Henzelin et François Serres, avocats de Maryam Radjavi et d'autres interpellés, ont écrit, hier après-midi, au ministre de l'Intérieur Nicolas Sarkozy. «Il va sans dire qu'une telle mesure, si elle était exécutée, pourrait être considérée comme une extradition déguisée, dès lors qu'elle serait de nature à faire encourir les plus grands risques pour la vie de madame Maryam Radjavi, puisque rien n'interdirait alors au pays "d'accueil" qui serait désigné, de l'extrader ou de l'expulser vers l'Iran.» En fin d'après-midi, un porte-parole des Moudjahidin, Farid Soleimani, a assuré «disposer d'informations selon lesquelles le gouvernement français négociait avec le régime de Téhéran pour expulser Maryam Radjavi». L'extradition vers l'Iran est à peu près impensable : la procédure est française, et les exigences de réciprocité sur le respect des droits sont impossibles à satisfaire.

Paris n'a pas été le théâtre atroce de nouvelles immolations hier. Mais une femme, l'une des trois personnes qui sont passées à l'acte mercredi, Sedighieh Mohageri, est décédée à l'hôpital Percy de Clamart hier. Les menaces du préfet de police de Paris, les 180 interpellations de sympathisants entre mercredi et jeudi, le message de Maryam Radjavi, demandant de stopper ces immolations expliquent peut-être le relatif calme à Paris. En revanche, à Rome, deux hommes âgés de 50 et 60 ans se sont aspergés d'essence puis y ont mis le feu devant l'ambassade de France. Leurs jours ne seraient pas en danger. A Berne, un troisième homme s'est immolé : il a été hospitalisé dans un état critique.

Au-delà des rumeurs, c'est un traitement aux apparences purement judiciaires qui devrait être adopté. Rafler 167 personnes sur la base de soupçons de financement d'activités terroristes ne peut se solder par un résultat zéro. Jean-Louis Bruguière instruit dans le cadre d'une saisine assez large l'association de malfaiteurs en relation avec une entreprise de caractère terroriste. Les preuves les plus solides trouvées par les policiers sont pour l'instant 9 millions de dollars dans un coffre-fort et quatre vallues. Avec ces éléments, estime une source judiciaire «Maryam Radjavi, en tant que leader, apparaît comme auteur principal. Il est difficile d'imaginer qu'elle ne soit pas écrouée, ainsi qu'un certain nombre de militants». La réponse devrait être donnée ce soir ou demain matin.

Grève de la faim. A Auvers-sur-Oise, un membre du Conseil national de la résistance iranienne regrettait : «Le ministère de l'Intérieur a promis d'ouvrir les portes de nos maisons ce matin. Au lieu de cela, on a trouvé les scellés de la DST.» Les sympathisants occupant les trottoirs de la rue des Gords ont entamé une grève de la faim. «Nous ne mangerons rien tant que le gouvernement français n'aura pas libéré Maryam Radjavi», affirme Hadi Saidi, réfugié iranien en Allemagne, en visite à Auvers lors de la perquisition. Les voisins ont apporté des couvertures en signe de solidarité. «Cela fait plus de vingt ans qu'ils sont installés ici. Est-ce qu'ils n'ont pas le droit d'être traités dignement ?», s'indigne une habitante. Vers14 heures hier, des policiers, arrivés en hélicoptère, ont mené une nouvelle perquisition au siège du CNRI, accompagnés de Saleh Radjavi, frère du chef des Moudjahidin, Massoud Radjavi, et toujours gardé à vue. En quête d'éléments probants ?.

- **در دومین سالگرد ۱۷ژوئن** (۳۰خرداد ۱۳۸۴) شهرداران شهرهای استان والدواز و بیش از یک صدهزار تن از مردم فرانسه در بیانیه‌یی به‌مناسبت دومین سالگرد ۱۷ژوئن زدوبند با فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران را محکوم کردند و خواستار حمایت از مریم رجوی رهبر اپوزیسیون دموکراتیک ایران شدند.



روزنامهٔ مترو- انعکاس بیانیه ۱۰۰هزارتن مردم فرانسه درمحکومیت زد و بند

- **در سومین سالگرد ۱۷ژوئن**(۳۰خرداد ۱۳۸۵) همسایگان اور، به‌اتفاق شهرداران، یک بیانیهٔ جدید با امضای ۳۰۰هزار تن از شهروندان فرانسوی را اعلام کردند.

- هم‌زمان، قضات مستقل دادگستری فرانسه، به لغو کلیه محدودیت های رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران رأی دادند.

- **در چهارمین سالگرد،** ۲۵۰هزار شهروند فرانسوی در بیانیهٔ «عدالت برای مقاومت» پایان‌دادن به بی‌عدالتی بزرگ علیه اپوزیسیون ایران را خواستار شدند و تأکید کردند: "راه‌حل بحران ایران هم‌چنان‌که رهبر مخالف ایرانی، مریم رجوی، اعلام کرده است، تغییر به‌دست مردم و مقاومت ایران می‌باشد." (۱۸تیر ۱۳۸۶)

در ۳۰آبان ۸۶ برابر با ۲۱نوامبر ۲۰۰۷: هم‌زمان با صدور حکم دادگاه پاریس، مبنی

بر تبرئهٔ دو تن از مجاهدین از اتهامات مربوط به تحریک خودسوزی های بعد از ۱۷ژوئن ۲۰۰۳، خبرگزاری های فرانسه و رویترز خبردادند که «ژاک شیراک پس از احضار توسط قاضی تحقیق، به خاطر اتهام هایی از جمله فساد مالی، مورد پیگرد قضایی قرار گرفت و یک فرد تحت نظر اعلام شد». از این پیشتر نیز، دومینیک دوویلپن نخست‌وزیر شیراک نیز تحت پیگرد قرار گرفته و با ژاک شیراک ممنوع‌الملاقات شده بود.



انعکاس خبر تحت تعقیب قرار گرفتن شیراک در روزنامه های فرانسه

دختر شیراک بخاطر فساد مالی در شعبه بازپرسی

– **در پنجمین سالگرد ۱۷ژوئن و ششمین سال کودتای نافرجام**، زیرساخت های توطئه فرو ریخت و پرده ها کنار رفت. لیست های تروریستی انگلستان و اتحادیهٔ اروپا که پایه های اتهامات دروغین برای حملهٔ ننگین ۱۷ژوئن بود، با ۳حکم قاطع بالاترین دادگاه های انگستان و۴حکم تاریخی دادگاه عدالت اروپا از هم دریده شدند و به زباله دان تاریخ افتادند.

سال ۱۳۸۷ به‌راستی سال ضربات سنگین و پیاپی بر زیرساخت های توطئه و زدوبندهای فاشیسم مذهبی بود.

– ۱۸اردیبهشت۸۷، حکم قاطع و نهایی دادگاه تجدید نظر انگلستان

حکم تاریخی دادگاه استیناف انگلستان ۷ مه ۲۰۰۸ – ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۷



Neutral Citation Number: [2008] EWCA Civ 443

Case No: 2007/9516

IN THE SUPREME COURT OF JUDICATURE
COURT OF APPEAL
APPLICATION FOR PERMISSION TO APPEAL FROM
THE PROSCRIBED ORGANISATIONS APPEALS COMMISSION
AND IN THE MATTER OF THE PEOPLE'S MOJAHADEEN ORGANISATION OF IRAN

Royal Courts of Justice
Strand, London, WC2A 2LL

Date: 7 May 2008

Before :

THE LORD CHIEF JUSTICE OF ENGLAND AND WALES
THE RIGHT HONOURABLE LORD JUSTICE LAWS
and
THE RIGHT HONOURABLE LADY JUSTICE ARDEN

Between :

The Secretary of State for the Home Department	**Applicant**
- and -	
Lord Alton of Liverpool and Others.	**Respondent**

Jonathan Swift, Gemma White and Oliver Sanders (instructed by **Treasury Solicitor**) for the **Applicant**
Nigel Pleming QC, Mark Muller QC and Edward Grieves (instructed by **Bindman & Partners**) for the **Respondent**
Special Advocates: Andrew Nicol QC and Martin Chamberlain

Hearing dates : 18th, 19th and 20th February 2008

APPROVED JUDGMENT

حکم تاریخی دادگاه استیناف انگلستان درباره لغو نامگذاری تروریستی مجاهدین

دادگاه حق فرجامخواهی را از دولت انگلیس سلب کرد و مقرر نمود که دولت همه هزینه‌های روند استیناف از جمله هزینه‌های مجاهدین را بپردازد

از حکم دادگاه

استیناگی که پژوهشخواه‌اور بر انشور آمید ارائه آن را داشت هیچ گونه چشم‌انداز منطقی برای موفقیت ندارد و راه‌کار منطقی رد تقاضای اوست













خبرگزاری رویترز: مقاومت ایران بر اساس حکم دادگاه، بر دولت انگلستان پیروز شد

ساندی تلگراف: پیروزی مخالفان ایرانی در دادگاه بریتانیا

به این از قدرت ارشد انگلستان به ریاست قاضی الکمات لرد فیلیپس، آن‌چنان ضربه تحقیر کننده‌ای به دولت انگلستان زده که جاذبانس سرتیتر رسانه‌های خبری در سراسر کشور شود.

وحشت دیکتاتوری تروریستی آموزه‌ها
سفیر انگلستان در تهران توسط رژیم آخوندی احضار شد

وال استریت ژورنال: دولت انگلستان در یک نبرد طولانی برای حفظ نام گروه مخالفان ایرانی در لیست تروریستی شکست خورد

به گفته چندین دیپلوماتی که در کاندکوها با رژیم ایران حضور داشتند، مقامات رژیم آیوان ساکاوایست که سوگیری مجاهدین خلق را در صدر تلویزیونهای خود در منطقه با دوشنوای تغیر برسر برنامه هسته‌ای خود قرار داده‌اند

رفع ابهام از مخالفان ایرانی نمی‌تواند پیامدهایی در رفتار با این گروه در نقاط دیگر و غیرممکن پیامدهایی در روابط بحرانی غرب با رژیم ایران داشته باشد

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پر اقتدار خلق قهرمان ایران

-۳تیر۸۷، اتفاق آرای مجلسین انگلستان و اعلام حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی توسط دولت این کشور.

- دوم آبان۸۷، دومین حکم قاطع دادگاه عدالت اروپا، برای لغو برچسب تروریستی از مجاهدین.

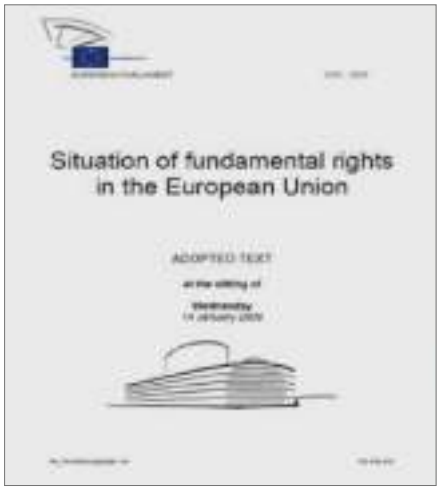
-۱۴آذر۸۷ سومین حکم قاطع دادگاه عدالت اروپا، برای لغو برچسب تروریستی از مجاهدین.

-۲۵دی ۸۷، قطعنامهٔ مهم و سرفصلی پارلمان اروپا که ازجمله شورای وزیران را به گردن گذاشتن به احکام دادگاه عدالت اروپا و حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی فراخواند.



حکم دادگاه عدالت اروپا

- و بالاخره ۷بهمن۱۳۸۷، روز حذف رسمی نام مجاهدین از لیست تروریستی در اجلاس ۲۷کشور عضو اتحادیهٔ اروپا در بروکسل.



P6_TA(2009)0019

Situation of fundamental rights in the European Union 2004-2008

European Parliament resolution of 14 January 2009 on the situation of fundamental rights in the European Union 2004-2008 (2007/2145(INI))

The European Parliament,

– having regard to the Charter of Fundamental Rights of the European Union (the Charter) of 7 December 2000, as adapted on 12 December 2007,

– having regard to the objectives of making the Union an area of freedom, security and justice and of implementing the principles of liberty, democracy and respect for fundamental rights and the rule of law, as set out in Articles 6 and 7 of the Treaty on European Union (EU Treaty),

– having regard to the innovations to which the governments of the Member States gave their agreement on 13 December 2007 by signing the Lisbon Treaty, the most significant of which are the conferral of binding legal status on the Charter and the requirement to accede to the European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (the ECHR),

– having regard to Council Directive 2000/43/EC of 29 June 2000 implementing the principle of equal treatment between persons irrespective of racial or ethnic origin[1], Council Directive 2000/78/EC of 27 November 2000 establishing a general framework for equal treatment in employment and occupation[2], and to the Council of Europe's Framework Convention for the Protection of National Minorities,

– having regard to Council Regulation (EC) No 168/2007 of 15 February 2007 establishing a European Union Agency for Fundamental Rights[3] (the Agency),

– having regard to the reports of the Agency, the European Monitoring Centre on Racism and Xenophobia and the non-governmental organisations (NGOs) concerned,

– having regard to the decisions of the Court of Justice of the European Communities (ECJ) and of the European Court of Human Rights (ECtHR),

– having regard to the annual reports on fundamental rights in the European Union drawn up by the European Union's network of independent experts,

– having regard to the reports by the bodies of the Council of Europe, in particular the reports on the human rights situation drawn up by the Parliamentary Assembly and the Commissioner for Human Rights,

---

1 OJ L 180, 19.7.2000, p. 22.
2 OJ L 303, 2.12.2000, p. 16.
3 OJ L 53, 22.2.2007, p. 1.

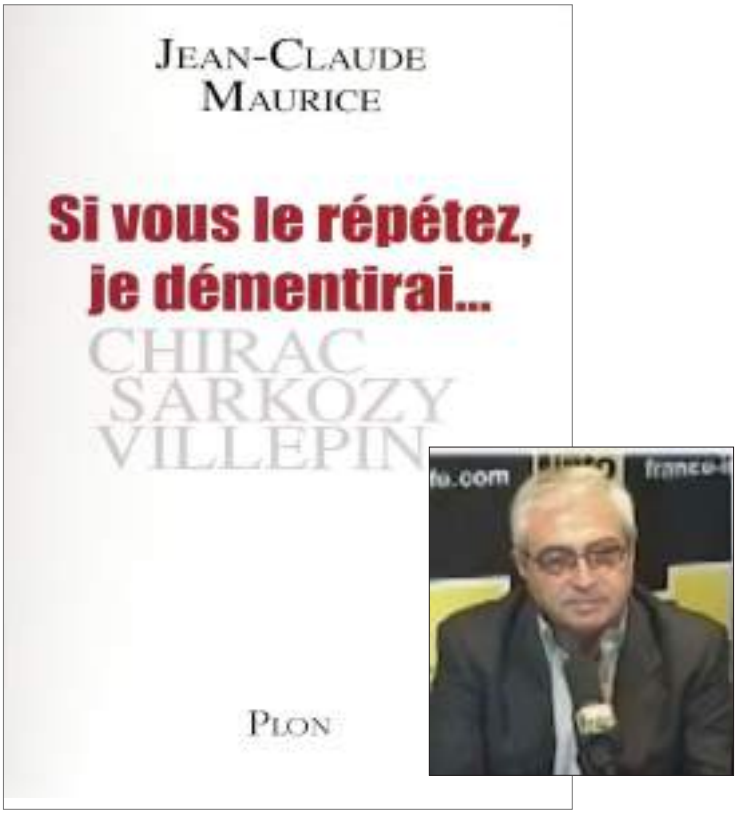


جلسه در پارلمان اروپا



گردهمایی در بروکسل

از سوی دیگر در ششمین سال، شاهد کنار رفتن پرده از صحنهٔ زدو بند ننگین و وطن فروشانه در تهران، توسط شاهد این صحنه، ژان کلود موریس، سردبیر روزنامهٔ ژورنال دو دیمانش بودیم. کسی که در جلسهٔ مذاکرات دوویلپن، وزیر خارجه ژاک شیراک و کمال خرازی وزیر خارجهٔ دیکتاتوری ولایت‌فقیه که در تهران در وزارت خارجه رژیم حضور داشت و از نزدیک شاهد این زدوبند ننگین بود. توجه بینندگان را به فصل «پرده کنار می رود» در همین کتاب جلب می کنیم.



در آستانه هفتمین سالگرد کودتای ۱۷ژوئن، دادگاه استیناف پاریس حکم برائت نهایی دو تن از وابستگان مقاومت ایران را صادر کرد و میخ دیگری بر تابوت توطئهٔ رژیم آخوندی و دولت شیراک کوبیده شد.

جمعه ۱ ژوئن ۲۰۱۰، شعبهٔ۱۱ دادگاه استیناف پاریس پس از ۲ماه و ۹روز شور و بررسی اسناد و مدارک و اظهارات شهود و دفاعیات وکلا، با تأکید بر این که هیچ مدرک و دلیلی وجود ندارد که نشان دهد دو متهم دخالتی در جریان خودسوزی های روز ۱۸ژوئن ۲۰۰۳ داشته یا تحریک به این اقدام کرده باشند، به برائت آنها رأی داد. این حکم نقطه پایانی بود بر توطئه کسانی که تلاش می‌کردند با این پرونده‌سازی، جای ظالم و قربانی را عوض کنند و بر نقش مسببان اصلی شهادت صدیقه مجاوری و ندا حسنی و درد و رنج سایر عبورکنندگان از آتش آن روزها سرپوش بگذارند.



دادگاه استیناف پاریس







در هفتمین سال، محاکمهٔ معامله گر اصلی با رژیم ضدبشری آخوندی بسیار عبرت آموز بود. روز ۸آبان ۸۸ ژاک شیراک رئیس‌جمهور پیشین فرانسه که حملهٔ ۱۷ژوئن با تصمیم او صورت گرفته بود، به دادگاه احضار شد. احضار توسط یک خانم قاضی فرانسوی به اتهام سوءاستفاده از اموال عمومی صورت گرفت.

این حکم قضایی، به مهمترین خبر فرانسه و یکی از مهمترین خبرهای مهم اروپا تبدیل شد. چرا که در تاریخ فرانسه این نخستین بار است که یک رئیس‌جمهور پیشین، به دادگاه احضار می‌شود.

۳روز پیش از آن نیز شارل پاسکوا وزیر کشور شیراک، به‌خاطر شراکت در معامله قاچاق سلاح به یک کشور آفریقایی، به یک سال زندان قطعی و ۱۰۰هزار یورو جریمه نقدی محکوم شد.[۱]


BBC Sign in Home News Sport Business Innovation Culture Travel Search BBC

NEWS

France ex-minister Pasqua acquitted over Angola arms

A French appeals court has overturned the conviction of former Interior Minister Charles Pasqua over arms trafficking to Angola in the 1990s.

Mr Pasqua, 84, had been jailed for one year over the "Angola-gate" affair, with two more years suspended.

The Paris court also cut the jail terms handed down in 2009 to Israeli-Russian businessman Arkady Gaydamak and French magistrate Pierre Falcone in the case.

The case centred on illegal arms sales to Angola during the civil war there.

It was alleged that Soviet-bloc arms worth $790m (£474m) were shipped to Angola in murky deals involving politicians and businessmen. In all, 42 people were put on trial.

Falcone's jail term has been cut to 18 months, from the original six years.

Mr Pasqua, a veteran right-wing politician, said Friday's ruling "shatters the entire accusation drawn up and pursued against me". Describing himself as "an old soldier" he said "It would take more than that to destroy me politically".

Mr Pasqua has accused former President Jacques Chirac and some other top politicians of using the scandal to harm his career.

An arrest warrant is still in force against Gaydamak, who is on the run, but his jail sentence of six years was halved.

محکومیت شارل پاسکوا به خاطرشراکت در معامله قاچاق سلاح به زندان و جریمه

۱-تلویزیون بی.بی.سی جهانی- ۷آبان ۱۳۸۸

حکم قضایی علیه شیراک به اتهام سوء استفاده از اموال عمومی

Libération

Chirac au tribunal, rôle fictif ou réel?

L'ancien Président saura aujourd'hui si la justice le renvoie en correctionnelle dans l'affaire des «emplois fictifs» qui remonte aux années 80, quand il était maire de Paris.



par Renaud Lecadre

Jacques Chirac sera fixé aujourd'hui. Non-lieu ou renvoi devant le tribunal correctionnel dans l'affaire des emplois fictifs de la mairie de Paris? La balance penche plutôt pour un renvoi.

Archéologie judiciaire ? L'affaire remonte à la période 1983-1996. Mais pour une fois, la justice française n'est pas responsable des lenteurs des procédures pénales. Pendant douze ans, Chirac s'est retranché derrière son immunité présidentielle. Il y eut certes des retards à l'allumage. Seule la Mairie de Paris pouvant porter plainte pour détournement de fonds publics, on imaginait mal Jean Tiberi, succédant à Jacques Chirac en 1995, s'en prendre à lui. En 1998, toutefois, un militant écologiste, Pierre-Alain Rossault, constatant l'inertie de la Mairie, obtenait du tribunal administratif le droit de porter plainte à sa place en tant que contribuable - procédure dite ut singuli. Ce n'est qu'en 2001 que Bertrand Delanoë, le maire PS, la reprendra à son compte.

exécutants. Autre source de retard : pendant que Chirac restait barricadé à l'Elysée, ses cinq directeurs de cabinet successifs (Robert Pandraud, Daniel Naftalski, Michel Roussin, Rémy Chardon et Bernard Ried) étaient mis en examen. C'est peu dire qu'ils ont mal supporté d'être poursuivis à la place du «grand». Dans un courrier commun à la juge d'instruction Xavière Simeoni, ils ont proclamé n'être que des auxiliaires du maire, aux attributions *«purement formelles, exclusives de toute appréciation»*. Particulièrement remonté, Pandraud expliquait à *Libération* : *«Nous étions des exécutants, et c'est dur de supporter une aussi longue mise en examen pour de simples actes administratifs.»* Bref, les ex-directs ont multiplié les recours et c'était leur bon droit. D'où deux arrêts de la Cour de cassation, dont l'un validant iniquement les poursuites à leur endroit *«comme auteurs ou à tout le moins comme complices»*.

Ces péripéties ont retardé derechef la procédure pénale, au point qu'on s'est rapproché dangereusement de la fin du mandat présidentiel. A la différence de l'affaire des emplois fictifs du RPR, aboutissant à la condamnation d'Alain Juppé mais réservant pour plus tard le cas Chirac, la juge en charge des emplois fictifs de la Mairie de Paris a préféré attendre un peu plus en vue de juger tout le monde en même temps. Une fois mis en examen, l'ex-Président, de peur de se fâcher avec ses co-prévenus, finira par lâcher que tout s'est déroulé sous *«l'autorité et l'impulsion du maire»*.

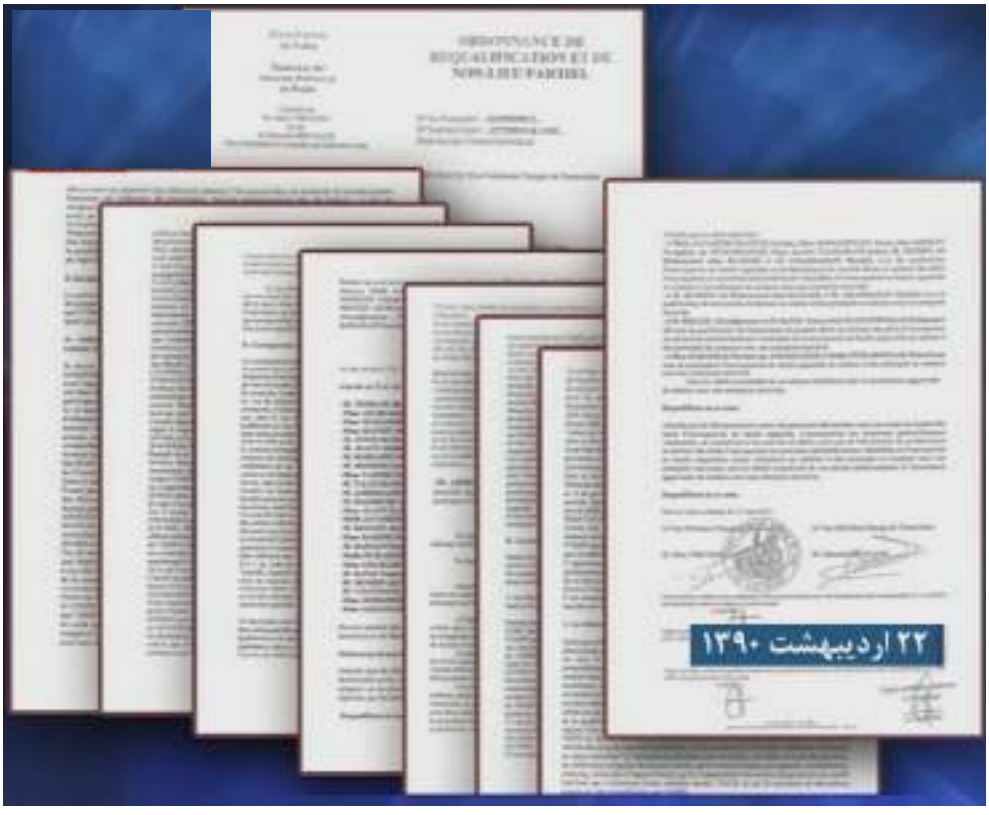
casquettes. L'affaire est d'autant plus gênante qu'elle cible directement Jacques Chirac. Le dossier juge à Nanterre visait des emplois fictifs (rémunérés par des entreprises amies du RPR ou la Mairie de Paris) bénéficiant à des permanents du RPR. C'est à ce titre que Juppé a été condamné, en tant que secrétaire général du parti, représentant la personne morale. Mais à Paris, la liste des emplois de complaisance dépasse le spectre du parti (lire page 3) et concerne le chiraquisme en général, mélangeant allégrement les casquettes (député de Corrèze, maire de Paris, président du RPR, candidat à l'Elysée), aux frais du contribuable parisien.

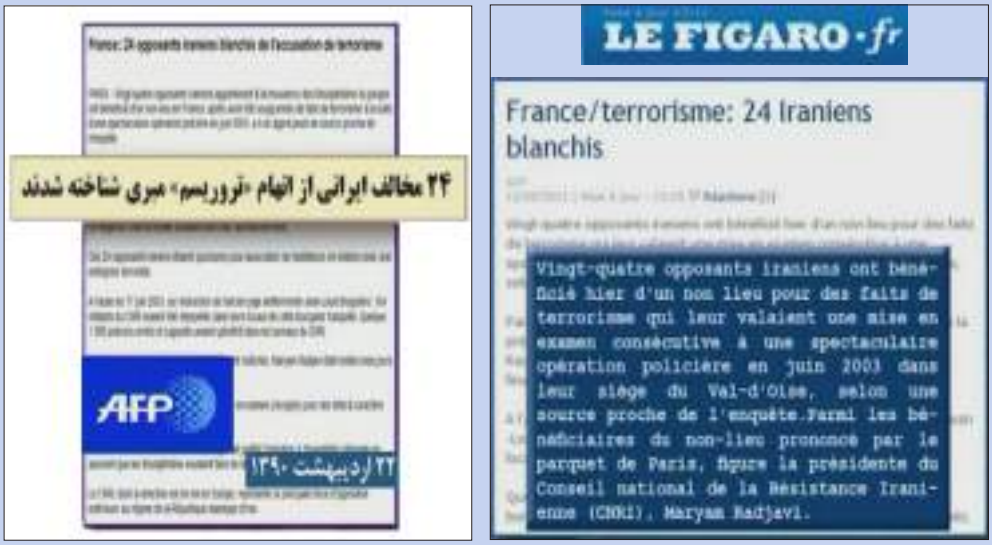
Sur les 699 «chargés de mission» recrutés par la mairie de Paris sous Chirac, 481 ont retenu l'attention des enquêteurs. Après (r), il s'avère que la majorité a vraiment travaillé, seul le recrutement pouvant poser problème. Au final, il en reste 43 *«sans activité réelle»*, selon le parquet. Lequel s'est activé, en vain, pour justifier un non-lieu, conformément aux desiderata de Sarkozy d'épargner Chirac pour mieux accabler Villepin. Avec cet argument (visant le cas de François Debré, fils de Michel) qui fera date : *«Le fait qu'il aurait pu être recruté uniquement pour faire plaisir à son père, comme le suggère l'intéressé, reste une hypothèse et non une certitude susceptible de caractériser l'infraction»*.

Pour aller plus loin :

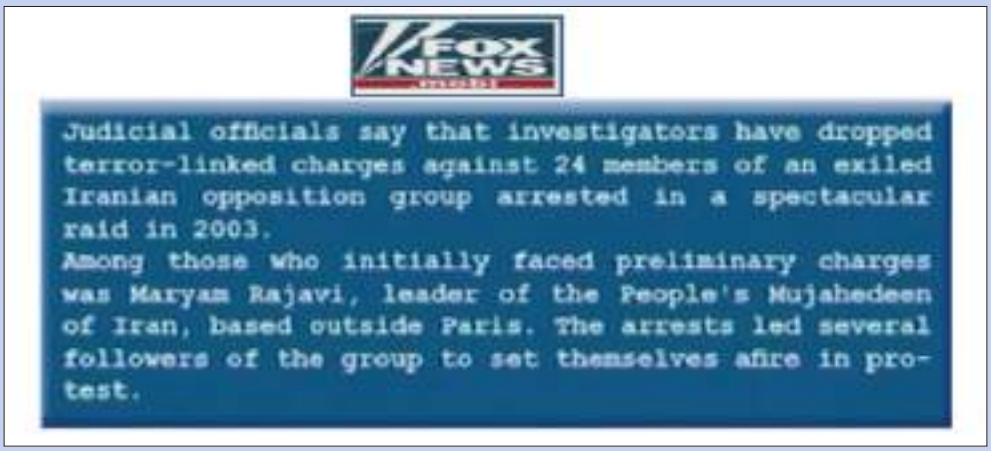
در هشتمین سال کودتای نافرجام، سرانجام پیروزی عدالت و مقاومت، چشم جهان را روشن کرد. پلیدترین، سیاه ترین، منفورترین و ناعادلانه‌ترین توطئهٔ ارتجاعی و استعماری معاصر، برای پایمال کردن حق مقاومت یک ملت برای آزادی، با پایداری ۸سالهٔ مجاهدین و مقاومت ایران شکست خورد و سرانجام، عدالت بر زدوبند و جنایت و بر سیاست مماشات پیروز شد و قاضی تحقیق، حکم منع تعقیب و لغو اتهام تروریستی در پروندهٔ ۱۷ژوئن را صادر کرد. دستگاه قضایی فرانسه نه تنها اذعان کرد که تحقیقات، بطلان اتهام تروریسم را اثبات کرده است، بلکه هم‌چنین اذعان نمود که از ابتدا نیز هیچ مبنایی برای این اتهام وجود نداشته است؛ علاوه بر این، این حکم قضایی تاریخی، بر حقانیت و مشروعیت مقاومت سراسری ایران و ارتش آزادیبخش ملی ایران، به‌عنوان مقاومت علیه ستم که در قانون حقوق‌بشر و شهروندی انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ به‌رسمیت شناخته شده است، مهر تأیید زد.

حکم منع تعقیب و لغو اتهام تروریستی در پروندهٔ ۱۷ژوئن





انعکاس حکم لغو اتهام تروریستی در پروندۀ ۱۷ژوئن -فیگارو و خبرگزاری فرانسه



انعکاس حکم لغو اتهام تروریستی در پروندۀ ۱۷ژوئن - تلویزیون فاکس نیوز امریکا



انعکاس حکم لغو اتهام تروریستی در پروندۀ ۱۷ژوئن-روزنامۀ واشینگتن پست

در نهمین سال، حقانیت مجاهدین و مقاومت تاریخی مردم ایران برای سرنگونی فاشیسم مذهبی، با دو رأی تاریخی دیگر در دادگاه استیناف آمریکا و دیوان عدالت اروپا پر نورتر و شگفت‌انگیزتر از همیشه باز هم درخشید.

ابتدا در ۱۴ژوئیهٔ ۲۰۱۱، دیوان عدالت اروپا اعلام کرد: دادستان دیوان عدالت اروپا از قضات خواست که درخواست استیناف فرانسه برای نگه‌داری نام مجاهدین در لیست اروپا را مردود بشناسند و دولت فرانسه را به پرداخت هزینه محکوم کند.







دیوان عدالت اروپا

دولت وقت فرانسه پس از حذف نام مجاهدین از لیست اروپا، از این جهت در تلاش برای لیست گذاری مجدد مجاهدین در اروپا پیشقدم شده و تقاضای استیناف کرده بود تا شاید بتواند به این وسیله پشتوانه یی برای پروندۀ رسوای کودتای ۱۷ژوئن دست و پا کند و از رسوایی بسته شدن این پرونده جلوگیری کند. اما در آستانۀ نهمین سالگرد، این حکم، میخ محکم دیگری بر تابوت پروندۀ ننگین ۱۷ژوئن هم بود.

چهارشنبه ۲۱دسامبر ۲۰۱۱ در لوکزامبورگ(مقر دیوان عدالت اروپا) سیزده قاضی دیوان عدالت اروپا، که عدالت اروپا را در بالاترین سطح نمایندگی می کنند، فرجام خواهی دولت فرانسه از حکم ۴ دسامبر ۲۰۰۸ دادگاه اتحادیه اروپا مبنی بر لغو برچسب تروریستی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را رد کردند و حکم تاریخی دادگاه عدالت اروپا را که منجر به خروج سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست اتحادیۀ اروپا گردید تأیید نمودند. قضّات دیوان عدالت اروپا به اتفاق آرا دولت فرانسه را به پرداخت تمامی هزینه های دادگاه منجمله هزینه هایی که ازسوی سازمان مجاهدین برای دادگاه پرداخت شده، محکوم کردند. حکم دیوان عدالت اروپا کلیۀ دلایل ارائه شده توسط دولت فرانسه برای فرجام خواهی از حکم ابطال برچسب تروریستی را مردود شناخت و آنها را فاقد اعتبار اعلام کرد. دولت فرانسه تنها عضو اتحادیۀ اروپا بود که از این حکم فرجام خواسته بود.

JUDGMENT OF THE COURT (Grand Chamber)

21 December 2011 (*)

(Appeal – Common foreign and security policy – Restrictive measures directed against certain persons and entities with a view to combating terrorism – Common Position 2001/931/CFSC – Regulation (EC) No 2580/2001 – Freezing of funds applicable to a group included in a list drawn up, revised and amended by the Council of the European Union – Rights of the defence)

In Case C-27/09 P,

APPEAL under Article 56 of the Statute of the Court of Justice, brought on 19 January 2009,

French Republic, represented by E. Belliard and by G. de Bergues and A. Adam, acting as Agents,

appellant,

the other parties to the proceedings being:

People's Mojahedin Organization of Iran, established at Auvers-sur-Oise (France), represented by J.-P. Spitzer, avocat, D. Vaughan QC and M.-E. Demetriou, Barrister,

applicant at first instance,

Council of the European Union,

defendant at first instance,

European Commission, represented by S. Boelaert and P. Aalto, acting as Agents, with an address for service in Luxembourg,

.....

.....

79 According to settled case-law, the Court of Justice will reject outright complaints directed against grounds of a judgment of the General Court included purely for the sake of completeness, since they cannot lead to the judgment's being set aside and are therefore ineffective (see, inter alia, Case C-399/08 P *Commission* v *Deutsche Post* [2010] ECR I-0000, paragraph 75, and Case C-96/09 P *Anheuser-Busch* v *Budějovický Budvar* [2011] ECR I-0000, paragraph 211 and case-law cited).

80 In those circumstances, it must be held that the second and third grounds of appeal are ineffective.

81 None of the grounds of appeal raised by the French Republic having been successful, the appeal must be dismissed.

Costs

82 Under Article 69(2) of the Rules of Procedure, which applies to appeal proceedings by virtue of Article 118 thereof, the unsuccessful party is to be ordered to pay the costs if they have been applied for in the successful party's pleadings. Since the French Republic has been unsuccessful and the PMOI has applied for an order for costs, the French Republic must be ordered to pay the costs.

On those grounds, the Court (Grand Chamber) hereby:

1. **Dismisses the appeal;**

2. **Orders the French Republic to pay the costs.**

[Signatures]

اما از آن مهمتر حکم تاریخی دادگاه استیناف آمریکا بود که در آستانهٔ نهمین سالگرد جنایت بزرگ ۱۷ژوئن، در روز ۱۲خرداد [۲]۱۳۹۱ در فراز پرشور و درخشان دیگری از کارزار مقاومت ایران برای درهم شکستن برچسب تروریستی، به‌اتفاق آرای هیأت قضات صادر شد. قضات آمریکا ضمن سرزنش وزارت خارجه به‌خاطر تعلل فاحش در بازبینی لیست‌گذاری مجاهدین، تصریح کردند که در صورت ادامهٔ تعلل، پس از مهلت مقرر ۴ماهه، دادگاه بلادرنگ نام مجاهدین را از لیست خارج می‌کند. به این ترتیب پروندهٔ زدوبند ننگین ۱۷ژوئن هم در زمرهٔ تمامی توطئه های آخوندها به گور سپرده شد.

United States Court of Appeals
FOR THE DISTRICT OF COLUMBIA CIRCUIT

Argued May 8, 2012 Decided June 1, 2012

No. 12-1118

دادگاه استیناف امریکا -۱۲خرداد ۱۳۹۱





۲-اول ژوئن ۲۰۱۲

در دهمین سال، دیگر اثری از مرکز لشکر بهتان نبود، لیست آمریکا که مبنا و مادر همهٔ توطئه ها به ویژه توطئهٔ سیاه ۱۷ژوئن بود، در ۷مهر ۱۳۹۱ درهم شکست و به یمن پایداری اشرفیان و کارزار سهمگین و گستردهٔ جهانی تحت هدایت رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران، بند از بندش گسست. بخش نهایی و تعیین کنندهٔ این نبرد نفس گیر که به کارزار صدروزه مشهور شد، درست در نهمین سالگرد کودتای ننگین و نافرجام ۱۷ژوئن از خرداد تا شهریور ۹۱ جریان داشت. اما سرانجام نسل ایمان با ارادهٔ برآمده از انقلاب رهایی بخش مریم، به یمن کارزار جهانی و بی وقفهٔ پشتیبانان و حامیان مقاومت ایران به پیروزی رسید. برچسب ننگین و ظالمانهٔ تروریستی در سالهای قبل با احکام متعدد دادگاه های انگلستان و اروپا و ازجمله در اردیبهشت ۹۰ با حکم تاریخی قضات فرانسه مبنی بر لغو اتهام تروریستی در پروندهٔ ۱۷ژوئن و اذعان به حقانیت مقاومت ایران در برابر فاشیسم مذهبی حاکم فرو ریخته بود، اما حالا در ۷مهر ۹۱یعنی ۴ماه پس از صدور حکم مندیمس در دادگاه استیناف فدرال واشنگتن، وزیر خارجهٔ امریکا، خروج نام سازمان مجاهدین خلق ایران، ارتش آزادیبخش ملی ایران و شورای ملی مقاومت ایران را از لیست وزارت خارجه اعلام کرد.



COUR D'APPEL
DE PARIS

TRIBUNAL DE
GRANDE INSTANCE
DE PARIS

CABINET DE
M. MARC TREVIDIC
ET DE
M. EDMOND BRUNAUD
VICE PRÉSIDENTS CHARGÉS DE L'INSTRUCTION

ORDONNANCE DE REQUALIFICATION ET DE NON-LIEU PARTIEL

N° DU PARQUET : . 0109939013 .
N° INSTRUCTION : . 2272/06/4 & 1401 .
PROCÉDURE CORRECTIONNELLE

Nous, M. Marc TREVIDIC et M. Edmond BRUNAUD, Vice Présidents Chargés de l'instruction au tribunal de grande instance de Paris,

Vu l'information suivie contre :

-M. TEHRANI Bahman sous C.J.
placement sous C.J.: 21/06/03
né en 1948 à TEHERAN de Ghassem et de Ozra FARAHANTCH, profession : sans
demeurant 19 rue des Gords 95430 AUVERS SUR OISE
ayant pour avocats : Me Philippe CHAMPETIER DE RIBES et Me Jean-Pierre SPITZER

-Mme AZARI Saha ép. BASSIDGI sous C.J.
Mandat de dépôt : 22/06/03, libérée le 30/06/03, placement sous C.J.: 01/07/03
née le 16/05/60 à ISPHAHAN de AZARI Amin Alla et de FATHI Pourandokhke
demeurant chez Maître François SERRES 66, avenue d'Iena 75116 PARIS
ayant pour avocat : Me François SERRES

Requalifions en ce sens;

Attendu que les faits poursuivis contre des personnes dénommées mais non mises en examen des chefs d'escroqueries en bande organisée, d'escroqueries sur personnes particulièrement vulnérables, de complicité et de recel de ces délits, ainsi que de blanchiment du produit direct ou indirect des délits d'escroqueries sur personnes particulièrement vulnérables et d'escroqueries en bande organisées, toutes infractions en relation à titre principal ou connexe avec une entreprise terroriste, sont en réalité constitutifs de ces mêmes infractionssans la circonstance aggravante de relation avec une entreprise terroriste,

Requalifions en ce sens.

Fait en notre cabinet, le 11 mai 2011

le Vice Président Chargé de l'instruction
M. Marc TREVIDIC

le Vice Président Chargé de l'instruction
M. Edmond BRUNAUD

Copie certifiée conforme pour notification de la présente ordonnance a été adressée par lettre recommandée le 11 mai 2011 aux personnes mises en examen et leurs avocats
Le greffier

Copie certifiée conforme de la présente ordonnance a été adressée le 11 mai 2011 à M. le Procureur de la République
Le greffier

Copie certifiée conforme pour notification de la présente ordonnance a été adressée par lettre recommandée le 11 mai 2011 à la partie civile et son avocat
Le greffier

Copie certifiée conforme
à l'original
Le Greffier

در یازدهمین سال کودتای نافرجام، خبرگزاری فرانسه در ۱۲بهمن ۹۲ گزارش داد:
«بسیار نادر است که یک عملیات دستگیری به‌نتیجه‌یی نظیر آنچه در سال۲۰۰۳ در فرانسه انجام گرفت، منجر شود. در این عملیات بیش از ۱۶۰تن از اعضای مجاهدین خلق، جنبش اپوزیسیون ایرانی در تبعید دستگیر شدند، اما تحقیقات این پرونده بدون رسیدن به هیچ نتیجه‌یی به پایان رسید. این اثبات می‌کند که آن عملیات، به‌منظور بهبود روابط میان پاریس و تهران بوده است.
«عملیات تئو » که در ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ اجرا شد و یکی از بازپرسان آن را یک «عمل نمایشی» توصیف کرد، به‌رغم پرونده‌های بزرگ و تحقیقات گسترده از لوکزامبورگ تا دوبی و عمان، مطلقاً به مرحلهٔ محاکمه نرسید.



قاضی فرانسوی مارک تریویدیک که این پرونده را در سال۲۰۰۹ تحویل گرفت، پس از ۵سال در پایان۲۰۱۳ تحقیقات خود را به اتمام رسانید و آن را بست.



قاضی فرانسوی مارک تریویدیک

به‌این ترتیب زدوبند ننگین سال۱۳۸۲ میان دولت وقت فرانسه و فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران به یمن ۱۰سال جانفشانی و پایداری اشرفی ها و اشرف نشان ها به عبرت روزگار تبدیل شد و حماسه های پایداری‌اش به صورت یک درس درخشان در تاریخ معاصر ثبت شد. درسی که در طرف دیگر هیچ‌گاه ننگ و رسوایی آن از چهره و کارنامه دست اندرکارانش پاک نخواهد شد. این واقعیتی است که بارها شخصیت های برجستهٔ سیاسی و حقوقی فرانسه بر آن تأکید کرده‌اند و با تبری جستن از عملکرد عاملان آن در دولت وقت فرانسه، از مردم و مقاومت ایران پوزش خواسته اند.

برنارد کوشنر وزیرخارجهٔ فرانسه در سالهای۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰، روز ۱۹بهمن ۱۳۹۲ در جمع نمایندگان بیش از ۳۰۰ تشکل ایرانی و در برابر رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران گفت: «برای من خیلی آموزنده بود وقتی که وکیل ایرانی‌تبار از انگلستان به ما گفت تحلیلی که از مجاهدین خلق می‌شد و تروریسمی که آنها را به آن متهم می‌کردند یک تحلیل غلط بود. من نیز آن را باور کرده بودم و می‌خواهم در برابر شما از این بابت پوزش بخواهم».



تروریسمی که آنها را متهم می کردند یک تحلیل غلط بود. من نیز آن را باور کرده بودم و می خواهم در برابر شما از این بابت پوزش بخواهم

گفتنی است که مردم فرانسه در گذشته، بارها از طریق نمایندگانشان اعلام کردند که در جریان درهم‌شکستن زدوبند ننگین ۱۷ژوئن، در کنار مقاومت ایران قرار دارند. یک نمونهٔ برجستهٔ آن در ابتدای سال۲۰۱۴، بیانیهٔ ۱۴هزار شهردار به‌عنوان منتخبان مردم فرانسه در حمایت از مقاومت ایران و مجاهدان اشرفی بود که در گردهمایی شهرداران و منتخبان با حضور رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت در مراسم سال نو میلادی، اعلام شد.

اهدا بیانیهٔ های ۱۴هزار شهردار منتخب مردم فرانسه در حمایت از مقاومت ایران



در دوازدهمین سال، حکم نهایی منع تعقیب توسط قضاییهٔ فرانسه در ۲۵شهریور۹۳، پروندهٔ ننگین ۱۷ژوئن را مختومه اعلام کرد. عدالت پیروز شد و زد و بند و شیطان سازی در یک نبرد تاریخی شکست خورد.

مریم رجوی با وکیل پرونده هانری لوکلرک

حکم نهایی مختومه اعلام شدن پرونده ۱۷ژوئن





در همین کتاب مشروح صدور این حکم و پیامدها و فراز و نشیب های آن از نظرتان خواهد گذشت.

فصل اول

کودتای نافرجام

آزمایش بزرگ مقاومت ایران

کودتای نافرجام
آزمایش بزرگ مجاهدین و مقاومت ایران
۱۷ژوئن ۲۰۰۳ (۲۷خرداد ۱۳۸۲)

مجاهدین و فعالان مقاومت ایران آن را یک کودتای استعماری می‌نامند. عبارت کودتای ناگهانی را اولین بار در فردای ۱۷ژوئن، مجله «مشاهد سیاسی» چاپ لندن به‌کار برد.

فرانسویان در شگفتند که چرا بازپرس و بازجویان و مقامات دولت شیراک، از نخست‌وزیر و وزیر خارجه و مدیر اطلاعات، مجاهدین و فعالات مقاومت ایران را به‌نحو چندش‌آوری در قضایای ۱۷ژوئن عیناً با فرهنگ و کلمات رژیم آخوندی و وزارت منفور اطلاعات مورد عتاب و خطاب قرار می‌دهند؟

اما در سالهای بعد ارتباطات برخی از این مقامات، با رشوه‌های کلان شرکت‌های نفتی به خبر رسانه‌های فرانسه تبدیل می‌شود.

- سندیکای قضات که ۷۲۰۰ قاضی فرانسوی را نمایندگی می‌کند، دادسرای ضد تروریستی را در این رابطه آلت دست توصیف می‌کند و سر فرود آوردن آن را در برابر مطامع سیاسی افشا و محکوم می‌کند.

- فدراسیون بین‌المللی حقوق‌بشر و جامعه حقوق‌بشر فرانسه هشدار می‌دهد که دادگستری فرانسه نباید با رژیم ایران همکاری و همدستی کند.







ارتباطات برخی از مقامات فرانسوی با رشوه‌های کلان شرکت‌های نفتی

- این تلویزیون ایتالیاست که برای نخستین بار اصطلاح مشعلهای انسانی را دربارهٔ جان‌باختگان مقاومت ایران به‌کار می‌برد.

- کوریر دلاسرا از صدیقه و ندا، تحت عنوان دو گرز آتشینی نام می‌بردکه به‌عنوان اعتراض خودشان را آتش زدند و تبدیل به دو گرز آتشین شدند، بر سر توطئهٔ ملایان فرود آمدند و آن را خنثی کردند.



- بسیاری از شخصیتهای فرانسوی ابراز خجالت می‌کنند و می‌گویند فرانسه یک معذرت‌خواهی اساسی به مردم و مقاومت ایران بدهکار است.

- داستان حمله‌یی که رادیو فرانس انتر آن را «غول‌آسا» توصیف کرد، چه بود ؟

-ساعت ۶ بامداد روز ۲۷خرداد ۱۳۸۲ در یک لشکرکشی زمینی که در تاریخِ ۳۰سال گذشته فرانسه بی‌سابقه است، ۱۶سرویس فرانسوی با ۱۳۸۰مأمور پلیس، همراه با انبوه مأموران اطلاعات، ۱۳خانهٔ پناهندگان سیاسی و خانواده‌های مقاومت ایران را مورد حمله قرار می‌دهند و ۱۶۵نفر از اعضای مقاومت و مجاهدین را دستگیر می‌کنند.

تمرکز حمله بر روی اقامتگاه رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران در اورسوراواز و ۳ خانهٔ مجاور آن است. هلی‌کوپترها از هوا و قایقهای مسلح از رودخانه اُواز در کنار اقامتگاه آماده ورود به صحنه هستند.

حتی خانهٔ محل اقامت پدر و مادر رضایی‌های شهید، خانه‌های مادران شهیدان و پناهندگان ایرانی، هم‌چنین محل اقامت دکتر منوچهر هزارخانی روشنفکر برجستهٔ ایرانی نیز در شمار همان ۱۳خانه، مورد حمله است. هزارخانی در این زمان ۶۹ساله است که محل اقامتش به اتهام تروریستی اشغال و کتابخانه آن تخریب می‌شود.



لشکرکشی بی سابقه درتاریخ ۳۰سال فرانسه با ۱۳۸۰ مأمور پلیس













صحنه هایی از دستگیری ها در حمله با ۱۳۸۰پلیس










انتقال دکتر صالح رجوی با هلی کوپتر



حمله به خانه دکتر منوچهر هزارخانی و تخریب کتابخانه وی

در اقامتگاه اورسوراواز، در خانهٔ دکتر صالح رجوی، همه چیز تخریب می‌شود و چیزی سالم نمی‌ماند. دختر نوجوان او به اعتراض برمی‌خیزد که پدرش را با دستبند و چشم بسته به کجا می‌برند؟ لحظاتی بعد دختر خردسال خود بر روی سیمانهای کف اتاق درازکش شده و مأموری با پوتین‌های خود بر روی گردن و گلوی او فشار می‌آورد تا وی را وادار به‌سکوت کند. دختر خردسال در همین حال به پدرش دلداری می‌دهد که نگران وضعیت او نباشد.

دکتر صالح رجوی، متخصص قلب، در این زمان ۶۷ساله است که نزدیک به ۴۵سال از عمر خود را در فرانسه به‌سر برده و دارای ۷تخصص و درجهٔ علمی دکتراست.

او برندهٔ اولین جایزهٔ تحقیقات علمی در زمینهٔ استفاده از الکترونیک در بیماریهای قلبی، دکترای تخصصی انتقال خون، متخصص بیماریهای ریوی و سل، متخصص طب هوانوردی و فضانوردی، متخصص طب «تربیت بدنی و ورزش»، مسئول تدریس بالینی در دانشکدهٔ پزشکی پاریس، نویسندهٔ رساله‌های «تصحیح نارسایی‌های قلبی» و برگزارکنندهٔ کنفرانسهای علمی متعدد در اروپا و آسیا از سوئد و چین و تونس تا یونان و هلند و پرتغال است.

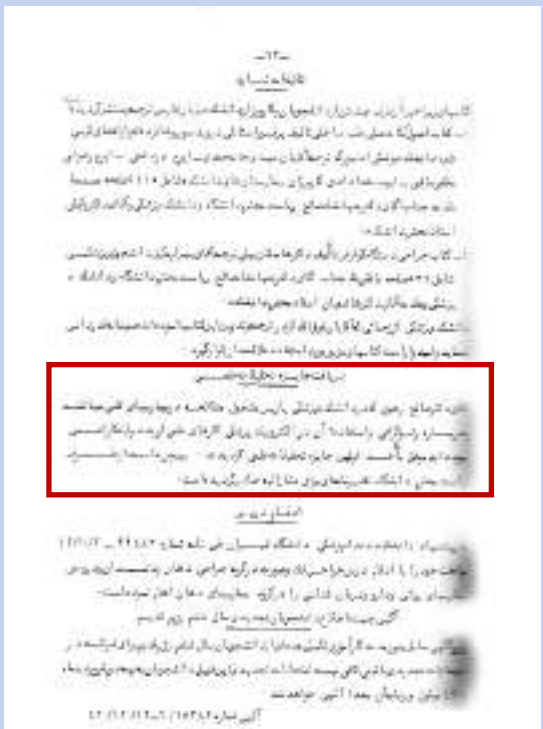
در خانهٔ او از اتاق کار و کتابخانه تا وان حمام و تأسیسات آب و برق، همه جا تخریب شده‌اند. در زیر استخر هم یک حفاری اساسی صورت می‌گیرد تا شاید انواع سلاح پیدا شود.

– اصلاً معلوم نیست که مأمورین، چرا به‌جای در، از دیوار وارد می‌شوند؟ و چرا درها را یکی پس از دیگری با انفجارها پیاپی درهم می‌شکنند؟! وجود عکاسان و خبرنگارانی که از قبل، توسط طراحان حمله، مطلع و توجیه شده‌اند، به‌خوبی نشان می‌دهد که صحنه‌های فیلمبرداری شده باید در جایی مشخصاً برای طرف حساب معامله سیاسی که از قبل انجام گرفته، مورد مصرف قرار بگیرد.



نشریهٔ رسمی دانشکده پزشکی

نشریهٔ رسمی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران -فروردین ۱۳۴۳



دکتر صالح رجوی برندهٔ اولین جایزهٔ تحقیقات علمی در زمینهٔ استفاده از الکترونیک در بیماری های قلبی - نویسنده رساله های « تصحیح نارسایی های قلبی»



PROFESSEUR ROBERT DEBRE

Paris, le 23 février 1961

Cher ami,

Monsieur Radjavi, étudiant iranien reçu externe, serait très heureux de pouvoir travailler dans votre Service.

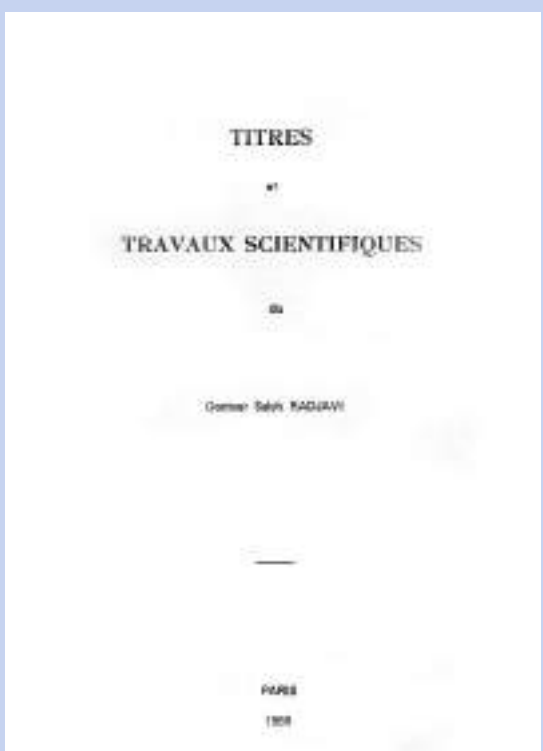
Je vous remercie de ce que vous pourrez faire pour lui.

Bien amicalement à vous.

Professeur Robert Debré

معرفی دکتر صالح رجوی برای دوره اکسترن توسط پروفسور رابرت دوبر

۲۳فوریه ۱۹۶۱ (سال ۱۳۴۰)



TITRES

et

TRAVAUX SCIENTIFIQUES

de

Docteur Saleh RADJAVI

PARIS

1968

تحقیقات علمی -تألیف دکتر صالح رجوی -پاریس-۱۹۶۹ (سال ۱۳۴۸)



صفحاتی از کتاب دکتر صالح رجوی -پاریس- تألیف ۱۹۶۹ (سال ۱۳۴۸)



مدرک تخصصی کاردیولوژی دکتر صالح رجوی



مدرک تخصصی دورهٔ طب هوانوردی و فضانوردی


CENTRE NATIONAL
DE
TRANSFUSION SANGUINE
6, rue Alexandre-Cabanel - Paris (15e)

Monsieur Radjavi Saleh

a suivi l'enseignement théorique et pratique dirigé à la formation des **Chefs de Centre de Transfusion Sanguine** pendant l'année 1963, et a subi avec succès les épreuves de sortie des dernier mois de cette

ANCIEN ÉLÈVE DU CENTRE NATIONAL
DE TRANSFUSION SANGUINE

Paris, le 3 Septembre 1963

تأییدیهٔ دورهٔ تخصصی انتقال خون



دکتر صالح رجوی مسئول تدریس بالینی در دانشکدهٔ پزشکی پاریس


FACULTÉ DE MÉDECINE

اعطای مدال ممتاز برای تألیف رسالهٔ تحقیقاتی «تصحیح نارسایی های قلبی»


RÉACTIONS VASCULAIRES SOUS L'EFFET DU
CHEZ 120 SUJETS NORMAUX ET PATHOLOGIQUES

رسالهٔ تحقیقاتی «تصحیح نارسایی های قلبی» دکتر صالح

- اما در داخل اقامتگاه اورسوراواز، لحظاتی پس از حمله ناگهان غریو شعارهای مرگ بر حکومت آخوندی، مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر خاتمی و مرگ بر رفسنجانی بالا می‌گیرد. آن‌گاه باتونها و مشت و لگد و تهدید با سلاحهای از ضامن خارج شده، وارد صحنه می‌شوند. گاه ۱۰ یا ۱۵نفر به ضرب‌وشتم یک مجاهد مشغولند. دستهای بسیاری از دستگیرشدگان که با بندهای سیمی و پلاستیکی محکم از پشت بسته شده است، تا ماهها درد دارد یا بی‌حس است و آثار زخم هویداست.

- اهالی محل و همسایگان در شگفتند که چرا بعد از ۲۲سال، به‌ناگهان بالاترین و بزرگترین مرکز تروریستی اروپا و فرانسه در کنار آنها کشف شده است؟! و چرا تابه‌حال هیچ خبری از این‌که بالاترین ستاد عملیاتی در کنار آنهاست، نبود؟!





تخریب همه چیز در خانه دکتر صالح رجوی



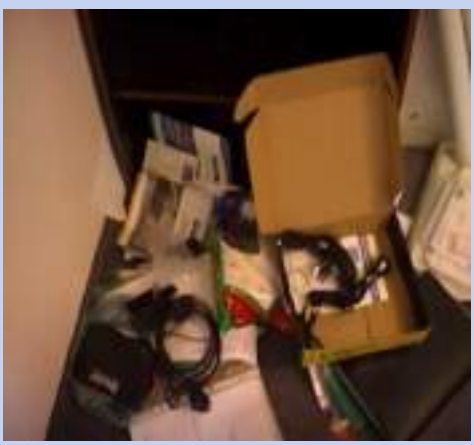












- تمامی خودروها، اوراق هویت، مدارک شخصی، اسناد آرشیو و کتابخانه، مدارک پزشکی، اسناد قانونی، کامپیوترها و دفاتر یادداشت شخصی و چک و پول نقد، ضبط می‌شود یا به یغما می‌رود.

- مراسم بازرسی و تفتیش و ضرب‌وشتم در داخل اقامتگاه، ۱۷ساعت به‌طول می‌انجامد. دقیقاً از ۶بامداد تا ۱۱شب. سگ‌های آموزش دیده، آخرین دستگاه‌ها و تجهیزات ردیابی و اکیپهای مختلف مأموران تخصصی که سانتیمتر به‌سانتیمتر اقامتگاه را چک و بازدید و تخریب می‌کنند و از همه جا عکس و فیلم می‌گیرند. آنها ۱۷ساعت به‌کار مشغولند. ابتدا متراژ تک‌تک اتاقها و راهروها و سقف‌ها و کف‌ها اندازه‌گیری و ثبت می‌شود و سپس همه جا سانتیمتر به‌سانتیمتر چک و بازرسی می‌شود و بسیاری نقاط نیز با بیل و کلنگ و دیلم و هیلتی تخریب می‌شود.





تخریب گستردهٔ اماکن –اقامتگاه اور سوراواز





















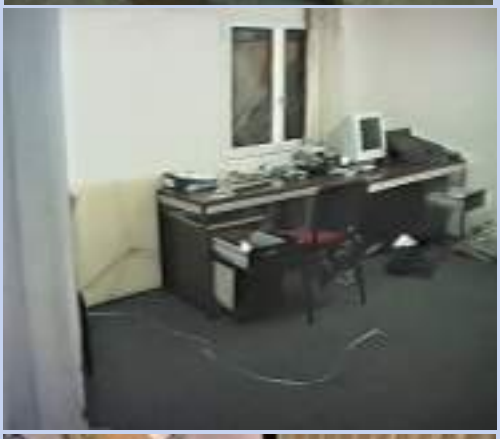
















– ابعاد یورش ناگهانی و دستگیری‌ها و احکام اخراج و تبعیدهای بعدی و کسانی که با دستبند به فرودگاه برده شده و به انگلستان و آلمان و ایتالیا و اتریش فرستاده شدند و هم‌چنین حجم خرابی‌ها و تخریب نشان می‌دهد که هدف طراحان حمله، چنان که رئیس اطلاعات فرانسه به‌صراحت در مصاحبه خود در برابر خبرنگاران اذعان کرد، **متلاشی کردن و انهدام کامل مجاهدین** بوده است. علاوه بر این گوییا انتظار یک انبار عظیم از انواع اسلحه و مهمات را در این محل داشته‌اند.

– لیبراسیون در ۱۳تیر ۱۳۸۲ در این باره نوشت: «قاضی بروگیر به‌تنهایی درگیر این مسأله شده است، با این اقناع که یک زَرادخانه به‌دست خواهد آورد، ولی از این‌که تنها یک سلاح و آن هم دارای جواز قانونی به‌دست آورده، دچار سرخوردگی شده است».



Libération

L'opération très bancale du juge Bruguière

Et si ces incarcérations répondaient à des objectifs commerciaux?

Comment justifier désormais l'assaut lancé à grands renforts de gendarmes lancé par le juge Jean-Louis Bruguière contre l'Organisation des moudjahidin du peuple iranien (OMPI) et Maryam Radjavi, la figure centrale de ce mouvement d'opposition d'inspiration islamo-marxiste ? La thèse d'un «abcès terroriste dangereux» est manifestement bancale compte tenu des éléments trouvés. Le rapport de la DST publié dans le Figaro le montre, comme un autre rapport qui détaille les trouvailles financières des policiers du contre-espionnage. La plupart des mises en examen reposent sur du «financement de terrorisme», mais les découvertes n'ont pas permis de relier l'origine des fonds des Moudjahidin à d'autres réseaux que certains Etats arabes, dont l'Arabie saoudite, Saddam Hussein ou la

– لیبراسیون می‌افزاید: تز «آبسه تروریستی خطرناک» علیه سازمان مجاهدین خلق ایران و مریم رجوی با توجه به داده‌های به‌دست آمده، لنگ می‌زند. به‌خصوص که گزارش د. اس. ت که در فیگارو منتشر شده است و گزارش دیگری که جزییات کشفیات مالی پلیس و اطلاعات را برمی‌شمارد، مؤید این امر است. طبق تحقیقات د. اس. ت (مدیریت مراقبت کشور):

«این سازمان از پول حاصل از منابع غیرقانونی استفاده نمی‌کند. بخشی از درآمد از طریق جمع‌آوری کمک مالی از اشخاص و پناهندگان ایرانی تأمین می‌شود. بخش دیگری هم کمکهای مالی اعضای خود این سازمان است».

ـ رسانه‌ها از قراردادهای کلان اقتصادی و رفت و آمد وزیر خارجه، وزیر تجارت و معاون کمپانی توتال به ایران در آستانه و روزهای پس از کودتای ننگین ۱۷ژوئن خبر دادند.

– مطبوعات فاش می‌کنند که حتی روز و زمان حمله را دوویلپن وزیر خارجه شیراک از

قبل با خرازی وزیر خارجه آخوند خاتمی در میان گذاشته و هماهنگ کرده بودند

در سالهای بعد ابعاد فضیحت به‌مناسبت های مختلف بیشتر روشن می‌شود و مطبوعات در این‌باره مقالات متعددی منتشر می‌کنند.

روزنامه لیبراسیون – در بارهٔ حکم قاضی بروگیر–۴ژوئیه ۲۰۰۳



Libération

L'opération très bancale du juge Bruguière

Et si ces incarcérations répondaient à des objectifs commerciaux?

Comment justifier déconnade l'assaut lancé à grands renforts de gendarmes lancé par le juge Jean-Louis Bruguière contre l'Organisation des moudjahidin du peuple iranien (OMPD et Maryam Radjavi, la figure centrale de ce mouvement d'opposition d'inspiration islamo-marxiste ? La thèse d'un «abcès terroriste dangereux» est manifestement bancale compte tenu des éléments trouvés. Le rapport de la DST publié dans le Figaro la montre, comme un autre rapport qui détaille les trouvailles financières des policiers du contre-espionnage. La plupart des mises en examen reposent sur du «financement de terrorisme», mais les découvertes n'ont pas permis de relier l'origine des fonds des Moudjahidin à d'autres réseaux que certains Etats arabes, dont l'Arabie saoudite, Saddam Hussein ou la diaspora iranienne : «Selon les résultats de notre enquête, l'organisation n'utilise pas d'argent d'origine frauduleuse. Une partie du financement provient des collectes de fonds organisées auprès des particuliers et des sympathisants iraniens. Une autre partie vient de dons de ses membres.» Effectivement, cette autre note de la DST liste des comptes repérés, les titulaires de ces comptes, en France et à l'étranger à partir desquels des versements ont été effectués pour l'OMPI. Mais cette note ne fait pas apparaître de circuits financiers masqués, de sociétés-écrans. Lorsque le juge de la détention a soutenu l'incarcération de Maryam Radjavi, il a estimé que les faits étaient «par leur nature, leur gravité et leurs conséquences sur l'équilibre géopolitique international» un trouble à l'ordre public. «L'équilibre géopolitique international», l'argument n'est pas si souvent évoqué pour écrouer quelqu'un.

Nécessité de se renforcer en Irak après la guerre contre l'Irak ou d'amener Téhéran à livrer des membres dirigeants du réseau d'Al-Qaeda, tout a été imaginé. Parmi les proches du mouvement des Moudjahidin, une autre thèse est soutenue. Certains pointent le calendrier diplomatico-commercial français récent. Le 24 avril, Dominique de Villepin se rendait à Téhéran, rendez-vous souhaité par Téhéran qui voulait une visite «politique» avant d'accueillir François Loos, le ministre du Commerce extérieur. Ce dernier s'est rendu à son tour en Iran pour y sceller, le 12 mai, un accord de protection des investissements français, en négociation depuis des années, mais qui n'aboutissait pas, valable dix ans. Au cours de la visite, Airbus, pour la vente d'une vingtaine d'avions, Renault, pour la négociation d'un joint-venture, Total-Irinatif, pour consolider ses positions, auraient sérieusement avancé leurs pions. Total a effectivement signé un contrat important le 12 juin. Or les Iraniens réclamaient avec de plus en plus de vigueur que la France s'occupe de «ses terroristes», les Moudjahidin.

Cette thèse est balayée d'un revers de main chez François Loos, où l'on souligne que le voyage était préparé de longue date et que les négociations industrielles en cours le sont également depuis longtemps. Un fin connaisseur des négociations commerciales décrypte que les discussions de Total ont toujours été très anciennes en Iran. Le juge Bruguière ne serait donc parti tout seul, persuadé de trouver tout un arsenal et déçu de ne trouver qu'une arme, et également détenue.



سایت فرانسوی «لیده دوژور» نیز در تاریخ ۱۲ اردیبهشت۸۶، «استدلال بازپرس.... ژان لویی بروگیر این بود که مریم رجوی تهدیدی برای «نظام سوق‌الجیشی جهانی» به‌شمار می‌آید. وی خجالت کشید سخنی از قراردادهای توتال در ایران به‌میان بیاورد.



....چند روز قبل از عملیات جنجالی ۱۷ژوئن، توتال و شرکت نفت انگلیس BP در رقابت برای قراردادی به‌مبلغ ۲میلیارد دلار برای استخراج منابع نفتی در بنگستان (در خوزستان ایران) بودند. در تاریخ ۲۲ژوئن ۲۰۰۳، چند روز بعد از دستگیریهای گسترده در اور، شرکت توتال این قرارداد را به‌نام خود به‌ثبت رساند.

بنابراین، روابط عاشقانه میان دو دولت ایران و فرانسه ۱۰سال به‌طول انجامید، به‌بهای چند مانور پست‌فطرتانه برای حفظ شرکت توتال در کشور آخوندها.





شرکت نفتی انگلیسی و فرانسوی در رقابت برای قرارداد ۲میلیارد دلاری



ملاقات دووپلین و جک استراوا با خاتمی

آنچه که «لیده دو ژور» تحت عنوان مانور پست‌فطرتانه به آن اشاره می‌کند و شامل زمینه‌سازی‌هایی از قبیل سفر فرانسوا لوس وزیر تجارت خارجی فرانسه به تهران، یک ماه قبل از کودتای ننگین ۱۷ژوئن بود، چند روز بعد از این کودتا روشن‌تر شد.



فرانسوالوس وزیر تجارت خارجی فرانسه





مذاکرات وزرای خارجه رژیم آخوندی ، انگلیس(جک استراو) و فرانسه (دوویلپن)

در اول تیرماه ۱۳۸۲ روزنامه‌های رژیم اعلام کردند که توتال، برنده مناقصه پارس۱۲ جنوبی شده است و این در حالی بود که بریتیش پترولیوم BP انگلیسی بر مبنای مناقصه، برنده بود.

دو هفته بعد، کریستوفر دومارژری مسئول وقت بخش خاورمیانه توتال قرارداد ۶۰درصد فاز۱۲ میدان گازی پارس جنوبی را امضا کرد.

رئیس دفتر وقت نمایندگی توتال در تهران در جلسهٔ خصوصی این نمایندگی گفت: «بریتیش پترولیوم و توتال هر دو مبارزه می‌کردند برای فاز۱۱ و ۱۲ که هر دو را بگیرند.... بریتیش پترولیوم مجدداً قیمت پایین‌تری داد، ولی چون بنا به‌صلاحدید، مقامات تصمیم گرفته بودند که فاز۱۲ را به توتال بدهند. به بریتیش پترولیوم داده نشد».

یکی از رؤسای بانکهای رژیم در فرانسه گفت: «دادن پروژه فاز۱۲ به توتال امتیاز اقتصادی بزرگ ما (رژیم) به فرانسه در مقابل عملیات ۱۷ژوئن علیه مخالفان ما بود».

در یک نمونهٔ دیگر، دو خبرنگار به‌نام کریستف دولوار از لوپوئن و کریستف دوبوآ از پاریزین در کتابی با عنوان «بنیادگرایان اسلامی از هم‌اکنون اینجا هستند» به ماهیت عملیات ننگین ۱۷ژوئن اشاره می‌کنند: در فصلی به‌نام فرانسه به «زدوبند» متهم می‌شود در صفحهٔ ۲۵۰ کتاب که در ۴مه ۲۰۰۴ در پاریس منتشر شد، آمده است:



کریستف دولوار خبرنگار روزنامهٔ لوپوئن و کریستف دوبوآ خبرنگار روزنامهٔ پاریزین

«موج دستگیری که در اورسوراواز صورت گرفت به‌عنوان یک پیش علامت مثبت به رژیم تهران تلقی گردید که از آن آشکارا استقبال نمود. فرانسه می‌خواهد یک جایگاه رده اول در خاورمیانه بیابد. عادی‌سازی روابط فرانسه و ایران بر توازن قضایی سنگینی می‌کند. در ۲۷آوریل ۲۰۰۴، دادستانی پاریس تصمیم می‌گیرد ادامه دهد و تحقیقات قضایی را می‌گشاید. آیا این یک تصادف است؟



تهران - مذاکرات آخوند خاتمی -حسن روحانی با دووپلین وجک استراو

چندین قرارداد درست قبل از آن توسط پاریس و تهران امضا شدند. در ۲۱آوریل، توتال یک قرارداد بالغ بر ۲.۱میلیارد دلاری برای بهره‌برداری از حوزهٔ گازی را برد. رنو یک بازار تولید ۲۵۰هزار خودرو در سال از ۲۰۰۶ به بعد و ۵۰۰هزار خودرو از ۲۰۰۸ به‌بعد را برد. بالاخره آلکاتل به‌عنوان شرکتی که تأسیسات جدید سیستم تلفنی کشور را برقرار می‌کند انتخاب گردید. در ۲۰۰۳ حجم تبادلات بین ایران و فرانسه ۳۰درصد افزایش یافت.

مخالفان ایرانی معتقدند قربانی این توافقات سیاسی سطح بالا شده‌اند. آنها وجود یک گزارش داخلی رژیم ملاها را افشا کردند که حاکی از سفر یک هیأت وزارت اطلاعات ایران به فرانسه بین ۱۲ تا ۱۸سپتامبر ۲۰۰۳ است. یک گزارش دیگر که از سوی شورای ملی مقاومت

ایران افشا گردید، دیدار شماری از مسئولان ایران و مقامات عالیرتبه فرانسه را افشا می‌کند.

یک چیز قطعی است: تهران حاضر به‌هر اقدامی هست تا این مخالفان را که در خارج مستقر هستند از میان بردارد. شیوه‌های مورد استفاده، گاه به‌نسبت فشار احتمالی روی دادگستری فرانسه، خشن‌تر هم بوده‌اند. سازمان مجاهدین خلق ایران جزء لیست سیاه ملاها قرار دارد. به‌گزارش د. اس ت بین ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۲ بیش از ۹مخالف در فرانسه به‌قتل رسیدند. چه با سلاح سرد و چه با گلولهٔ ۷.۶۵ میلی‌متری در هر حال کار به‌صورت حرفه‌یی انجام شد. این دلیل تناقص عجیبی است که منجر به این شد که "دهکده" ایرانی اورسوراواز تحت حفاظت مستمر ژاندارمری موبیل و ار. ژ قرار گیرد.

سایت بخشش انفو در روز ۱۳مارس ۲۰۰۹ نوشت: «در روز ۱۷ژوئن ۲۰۰۳، روز عملیات پلیسی در پاریس، شرکت توتال که کاندیدای بهره‌برداری از ذخایر نفتی بنگستان بود، برای این کار انتخاب شد».

و بالاخره ۶سال بعد، رسوایی معامله با رژیم آخوندی به‌حدی رسید که در دسامبر۲۰۰۹ شرکت توتال همکاری با رژیم در میدان گازی پارس جنوبی را متوقف کرد و کریستوفر دومارژی، مدیر عامل این شرکت به‌کثیف بودن رابطه با رژیم اعتراف کرد و در روز ۱۴آذر۱۳۸۸ در مصاحبه با تایمز مالی گفت: «در صورت همکاری با رژیم ایران جهانیان می‌گویند توتال برای پول حاضر است دست به‌هر کاری بزند». [۳]



کریستوفر دومارژی، مدیر عامل شرکت توتال

در روز ۲۵مهر ۱۳۸۶، رادیو فرانس کولتور در گزارشی دربارهٔ خودسوزی ۳سمپاتیزان مجاهدین در روزهای پس از ۱۷ژوئن گفت: «برای فهم اقدام این ۳سمپاتیزان مجاهدین، بایستی به ماه آوریل۲۰۰۳ بازگردیم. دومینیک دوویلپن، وزیر امور خارجه در یک دیدار رسمی از ایران به‌سر می‌برد. به این مناسبت، قراردادهای کلانی به‌امضا می‌رسند، با شرکت آلستوم برای مترو تهران، با پژو برای یک کارخانه و با توتال برای نفت. ملاها از گرم شدن روابط بین فرانسه و کشورشان ابراز خرسندی می‌کنند. دو ماه بعد در ۱۷ژوئن، پناهندگان

۳-وال‌استریت ژورنال ۱۴ آذر ۱۳۸۸

سیاسی ایرانی به‌طور گسترده در اورسوراواز و حوالی آن دستگیر می‌شوند.

در ۱۵تیر ۱۳۸۹ نیز روزنامهٔ لیبراسیون در مورد نقش شرکت فرانسوی توتال و شرکایش در همدستی با حکومت نظامی میانمار، مطلبی نوشت که شباهت بسیار زیادی به نقش توتال در همدستی با آخوندها برای کودتای ۱۷ژوئن دارد.

روز ۱۵تیر ۱۳۸۹ لیبراسیون نوشت: توتال و بانک BNP متهم به "همدستی" با حکومت نظامی میانمار شدند، در گزارشی که یک سازمان غیردولتی آمریکایی ـ تایلندی منتشر کرد شرکت فرانسوی توتال و شرکایش متهم به همدستی در قتلهای سیاسی و کار اجباری با حکومت میانمار شدند. آنها روستاییان را مجبور به کار اجباری در جنگلهای کشور کرده‌اند. در ۱۰سال اخیر شرکتهای نفتی بالغ بر ۹میلیارد دلار در این کشور سود برده‌اند، بانک فرانسوی BNP تأمین‌کنندهٔ شرکت توتال برای پروژه‌هایش در برمه میانمار می‌باشد.


Libération

Total et BNP Paribas accusés de «complicité» avec la junte birmane

Les nouvelles accusations portées à l'encontre de Total par Earthrights International (ERI) sont sévères. Dans un rapport publié hier à Paris, l'ONG américano-thaïlandaise avance que le groupe pétrolier français et ses partenaires Chevron (américain) et PTTEP (thaïlandais) se rendent «complices d'assassinats ciblés et de travail forcé» en Birmanie. ERI écrit que le gisement gazier de Yadana, dans le sud du pays, constitue la «principale source de revenus d'une dictature militaire notoirement répressive».

Ces accusations ne sont pas nouvelles. ERI les avait déjà étayées l'année dernière (Libération du 10 septembre). Mais dix mois plus tard, l'ONG fait état de nouveaux cas d'«éliminations ciblées» dans le village d'Ahlersakan. Elles auraient été commanditées par «l'officier Baley (aka) Nyi Nyi Soe, du bataillon 282, spécialement chargé de la sécurité du personnel des compagnies pétrolières et du gazoduc».

ـ مسئول کمیسیون خارجهٔ شورای ملی مقاومت در ۱۹فروردین۱۳۸۶ هنگام تشریح تلاشهای رژیم آخوندی برای ادامهٔ زدوبند با دولت ژاک شیراک و باز نگه‌داشتن پروندهٔ مضمحل شدهٔ ۱۷ژوئن، به استمرار حراج میلیاردها دلاری ثروت مردم محروم ایران در این در زدوبند اشاره می‌کند:

محمد محدثین: «کسانی که با مسائل فرانسه آشنا هستند خیلی خوب می‌دانند که سیاستها را شرکتهای بزرگ نفتی و کمپانیهای مالی تجاری تعیین می‌کنند. توتال، الف، شرکتهای بزرگ. این ایجاب می‌کند که رژیم آخوندها تنها و مهمترین امتیازی که از فرانسویها می‌خواهند اعمال فشار و محدودیت بر شورای ملی مقاومت است. من این‌جا آماری دارم که وزارت‌خارجهٔ رژیم خودش داده است حجم معاملات بازرگانی رژیم و فرانسه در فاصله سال۱۹۹۹ تا سال۲۰۰۶ یعنی طی ۷سال ۳برابر شده، یعنی از ۱,۴میلیارد یورو رسیده به

۴,۲ میلیارد یورو. یعنی تقریباً بیش از پنج و نیم میلیارد دلار. در سال۲۰۰۶ حجم مبادلات بازرگانی رژیم و دولت فرانسه یک میلیارد یورو یعنی ۱,۳میلیارد دلار در سال۲۰۰۶ بیشتر از سال۲۰۰۵بوده. به‌نسبت سال ۲۰۰۱ که این پرونده شروع شده حجم معاملات رژیم و فرانسه بیش از دو برابر شده است.

حجم مبادلات بازرگانی برای کشور جاافتاده‌یی مثل فرانسه که کشور نوپایی در تجارت بین‌المللی نیست دو برابر شدن یا ۳برابر شدن حجم مبادلات بین دو کشور چیز بسیار عظیمی است چیز بسیار زیادی است. فرانسه از شریک۱۵ و ۱۶ تجاری ایران به جایگاه دوم سوم مبادلات رژیم تبدیل شده است»[۴]

به‌نظر می‌رسد وزارت اطلاعات آخوندها که در تبادل مستمر اطلاعاتی و امنیتی با دستگاه اطلاعات فرانسه علیه مجاهدین و مقاومت ایران بوده، توانسته است اطلاعات فرانسه را نسبت به‌وجود یک زرادخانه مملو از انواع تسلیحات متقاعد کند.

در بولتن داخلی وزارت اطلاعات با شماره و کدبندی ۳۷۲۶/دال که چند روز پس از ۱۷ژوئن، در دوم تیرماه ۱۳۸۲ منتشر شده است، تصریح می‌شود که عملیات علیه مجاهدین در فرانسه در نوع خود بی‌سابقه بوده و از دو سال و نیم قبل توسط سرویس امنیت داخلی فرانسه (DST) برنامه‌ریزی شده و مراحل قضایی آن به‌تدریج پیش رفته است. مهمتر این‌که جزییات امر در جلسات تبادل توسط سرویس مذکور برای وزارت اطلاعات تشریح می‌شده است.



همچنین «بر اساس برنامه‌ریزی به‌عمل آمده، ۱۶نفر از اعضای اصلی منافقین در فرانسه به‌جرم مشارکت در اقدامات تروریستی محاکمه خواهند شد».

در ابتدای بولتن داخلی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی خطاب به «گیرندگان محترم» آمده است:

۴-تلویزیون ملی ایران سیمای آزادی ـ برنامه ارتباط مستقیم ۱۹فروردین ۱۳۸۶

«اخبار و گزارش‌های مندرج در بولتن "خبرها و نظرها" برای اطلاع جنابعالی است و با توجه به طبقه‌بندی حفاظتی، غیرقابل انتشار می‌باشد. خواهشمند است از دسترسی اشخاص دیگر و هم‌چنین درج اخبار آن در سایر بولتن‌ها بدون کسب مجوز از این وزارت خودداری فرمایید....

به‌منظور رفع ابهام برخی از گیرندگان محترم خبرنامه، به اطلاع می‌رساند اخباری که در ذیل عنوان آنها، عبارت: برای استحضار یا اطلاع... قید شده، فقط در خبرنامه گیرنده یا گیرندگان مزبور چاپ می‌شود و در خبرنامه سایر دریافت‌کنندگان درج نمی‌شود. وزارت اطلاعات».



صفحات چهارم و پنجم بولتن داخلی وزارت اطلاعات آخوندها به‌تاریخ ۲تیر ۱۳۸۲ می‌خوانیم:

«دستگیری گسترده اعضا و هواداران منافقین در فرانسه»

(م) تهران- وزارت اطلاعات: در ساعات اولیه بامداد ۲۷-۳-۸۲ بیش از ۱۶۵تن از اعضا و هواداران منافقین در پایگاه های این گروهک در حومه شهر پاریس دستگیر شدند.

عملیات گستردهٔ بازرسی پایگاهها و دستگیری عناصر منافقین بر اساس برنامه‌ریزی قبلی با دستور قضایی بازپرس ژان بروگیر (قاضی ضدتروریسم فرانسه) و به اتهام ارتباط جنایی با هدف آماده‌سازی اقدامات تروریستی و تأمین مالی یک فعالیت تروریستی با بهره‌گیری از حدود ۱۳۰۰تن از اعضای پلیس ضدتروریسم و ژاندارمری فرانسه صورت گرفت.

در نتیجهٔ این عملیات گسترده که روی ۱۳ پایگاه متعلق به این گروهک در حومهٔ پاریس از جمله مقر اورسور اواز انجام شد ۱۶۵تن از اعضا و هواداران منافقین بازداشت و مقادیری از مدارک و تجهیزات از جمله رایانه، دیش‌های ماهواره‌یی و تجهیزات اطلاع‌رسانی و ارتباطی و هم‌چنین چند میلیون دلار کشف و ضبط شد. پلیس فرانسه گفته است که این

عده در جریان جست‌وجو برای یافتن ۳۰۰تن از اعضای منافقین بازداشت شده‌اند. در این عملیات از ۳۰مترجم فارسی زبان برای برخورد با اعضا و هواداران استفاده شده است.

ملاحظات:

۱- خبر عملیات مذکور در روز سه‌شنبه ۲۷-۳-۸۲ انعکاس گسترده و قابل توجهی در رسانه‌های خارجی و داخلی داشته ا ست و اخبار و گزارش‌های تصویری آن در شبکه‌های تلویزیونی الجزیره، CNN، EURONEWS، BBC شبکه۲ تلویزیون فرانسه، شبکه LCE فرانسه و سایتهای BBC و.... انتشار یافته است.

۲- پخش برنامه سیمای آزادی (کانال ماهواره‌یی تلویزیون منافقین) از ساعت۹ صبح ۲۷-۳-۸۲ تا لحظه تنظیم گزارش قطع بوده است. شایان ذکر است استودیو تولید برنامه‌های سیمای آزادی در پاریس قرار دارد که به‌طور طبیعی حمله پلیس به مقرهای منافقین موجب تعطیلی آن شده است و امکان ارسال برنامه برای شرکت ماهواره‌یی مستقر در انگلیس میسر نیست.

۳- واکنش منافقین در وهلهٔ اول انعکاس خبر بسیار مختصر با عنوان «حملهٔ پلیس به هواداران سازمان در پاریس» به‌نقل از سایت دیدگاه بود و پس از چند ساعت اطلاعیه‌یی را از سوی دبیرخانه شورای ملی مقاومت با مضمون «غیر قانونی بودن اقدام، محکومیت اقدام پلیس و درخواست آزادی فوری و بدون قید و شرط افراد» منتشر کردند.

۴- هم‌چنین منافقین با اعلام تشکیل کمیته‌یی تحت عنوان « کمیتهٔ بین‌المللی دفاع از پناهندگان ایرانی» برای اعتراض به دستگیری افراد مذکور و درخواست آزادسازی آنها از کانالهای مختلف فراخوان داده‌اند.

(خ- انتشار محدود)

۵- عملیات مذکور که در نوع خود بی‌سابقه است، از بیش از دو و نیم سال قبل توسط سرویس امنیت داخلی فرانسه (DST) برنامه‌ریزی شده و مراحل قضایی آن، به‌تدریج پیش رفته بود که جزییات امر در جلسات تبادل توسط سرویس مذکور تشریح می‌شد. بر اساس برنامه‌ریزی به‌عمل آمده، ۱۶نفر از اعضای اصلی منافقین در فرانسه به جرم مشارکت در اقدامات تروریستی محاکمه خواهند شد».

اما ماهیت واقعی این حمله و تمامی توطئه‌های رژیم آخوندی علیه مجاهدین را رسانه‌های جهان، بارها و بارها اعلام کرده‌اند. این شناخت در یک پاراگراف از روزنامهٔ وال‌استریت خلاصه می‌شود وقتی در ۷می ۲۰۰۸ در مطلبی به قلم مارک شامپیون می‌نویسد: «مقامات ایرانی سال هاست که سرکوب سازمان مجاهدین را به یک اولویت در مذاکراتشان بر سر مسألهٔ

هسته‌یی یا موضوعات دیگر با کشورهای غربی کرده‌اند. این موضوع بر اساس اظهارات چندین دیپلمات که درگیر این گفتگوها بوده‌اند، می‌باشد».


بولتن داخلی وزارت اطلاعات

THE WALL STREET JOURNAL.

Iranian Dissidents Win U.K. Ruling

By MARC CHAMPION

May 7, 2008 2:2

By MARC CHAMPION

May 7, 2008 2:25 p.m.

Iranian officials for years have made suppression of the MEK a priority in negotiations with Western governments over Tehran's nuclear program and other issues, according to several diplomats who were involved in those talks. Iranian officials couldn't be reached for comment Wednesday.


THE WALL STREET JOURNAL.

Iranian officials for years have made suppression of the MEK a priority in negotiations with Western governments over Tehran's nuclear program and other issues, according to several diplomats who were involved in those talks.

Iranian officials for years have made suppression of the MEK a priority in negotiations with Western governments over Tehran's nuclear program and other issues, according to several diplomats who were involved in those talks. Iranian officials couldn't be reached for comment Wednesday.

روزنامهٔ وال استریت ژورنال-۷می ۲۰۰۷ (۱۸ اردیبهشت ۸۶) به قلم مارک شامپیون

بازتاب حملهٔ ۱۷ژوئن در رسانه ها



INTEMPERIES
L'orage s'est abattu sur Sarcelles
Page II

GREVES
Le cri d'alarme des entrepreneurs
Page III

HANDBALL
Les confidences du revenant Indriliunas
Page V

MERCREDI 18 JUIN 2003

www.leparisien.com

Val-d'Oise Matin

L'événement

Descente de police chez les Moudjahidin

AUVERS-SUR-OISE

Un repaire très discret à Saint-Ouen-l'Aumône

Cergy-Pontoise parlons-en, le 19 juin prochain !

SANN

روزنامهٔ والدواز متن –۱۸ژوئن ۲۰۰۳– حملهٔ پلیس به اقامتگاه مجاهدین

روزنامهٔ لوموند–۱۸ژوئن ۲۰۰۳– دستگیری گسترده مجاهدین



Le Monde

lemonde.fr

DIMANCHE 22 - LUNDI 23 JUIN 1003

8 FRANCE / SOCIÉTÉ

TERRORISME L'intervention conduite dans le Val-d'Oise et les Yvelines a permis l'interpellation de 165 personnes et la saisie d'importantes sommes d'argent

Vaste coup de filet contre l'opposition iranienne en région parisienne

Les Moudjahidin étaient installés en France depuis 1981

La place forte d'Auvers-sur-Oise

Quand l'OMPI accueillait les policiers avec des pierres

RÉSULTATS DES GRANDES ÉCOLES sur le 3615 FIGARO*

L'INFO CONTINUE LEFIGARO.fr

FÊTE DE LA MUSIQUE :
tout le programme du Val-d'Oise
cahier central détachable

>> Toutes les BROCANTES
Pages 29 à 32

5 pages d'offres d'emploi
et de petites annonces
pages 57 à 61

L'ECHO le Régional
www.tole95.com 1,10 €

VAURÉAL
ARGENTEUIL
PONTOISE
COURDIMANCHE
VAL-D'OISE

Auvers/Saint-Ouen-l'Aumône
énorme coup de filet
contre les « terroristes » iraniens

Instantané de l'assaut du raid. Mardi à 6 heures du matin policiers et gendarmes ont interpellé plus de 130 suspects dans le Val-d'Oise sur les « bases » des Moudjahidine du Peuple iraniens du docteur Saleh Radjavi à Auvers et à Saint-Ouen-l'Aumône. pages 2 à 6

SOMMAIRE

Sortir

L'ECHO le Régional

Evénement



Un impressionnant dispositif policier mis en place dès 6 heures du matin a verrouillé la rue des Gardes à Auvers-sur-Oise.

Jean-Pierre Bequet : « Des Auversois bien tranquilles »

Les Moudjahidins du Peuple menaient à Auvers-sur-Oise des activités très discrètes.

« Je ne voyais pas de raisons [illegible] mouvement. Mais on [illegible] Aujourd'hui, je suppose que cette opération [illegible] gouvernement français de donner un signe à l'Iran », commente Jean-Pierre Bequet, qui a été mis [illegible] d'Auvers...

J.-F. D.



Le colonel Cornière commandant la gendarmerie du Val-d'Oise a participé aux opérations



Jean-Pierre Bequet, le maire d'Auvers-sur-Oise rapidement mis hors cause.

Studios de télévision dans la ZI du Vert-Galant

« Des gens très discrets »

L'ECHO le Régional

Evénement



Une vue de l'interpellation des Moudjahidine à Auvers mardi à 6 heures du matin. (Crédit photo Hervé Rivière, Matthieu Gayet - Agence CRIDIF)



Zone industrielle du Vert-Galant, le siège de Saint-Ouen-l'Aumône où se trouvaient les studios d'enregistrement télé des Moudjahidine.

Maryam Radjavi, présidente de la république en exil interpellée à Auvers-sur-Oise

Avec cette arrestation, une des principales figures de la résistance au régime de Téhéran est soupçonnée d'avoir coordonné des actions violentes fomentées dans une des villas de la rue des Glands. Maryam Radjavi, l'épouse du principal dirigeant des Moudjahidine du peuple iranien, Massoud Radjavi, était séquestrée et gardée à vue à Paris. Tout comme le Dr Saïeh Radjavi, le frère de Massoud, qui a été également mis en examen.

Née en 1953 à Téhéran, Maryam est la fille de Bani Sadr, président de la république islamique de 1980 à 1981. Elle s'est engagée dans le mouvement de résistance au Shah dans les années 1970. Sur les bancs de l'université Chaid de Téhéran, elle apprend son militantisme aux côtés de l'opposition au totalitarisme, mais devient surtout l'une des dirigeantes du mouvement étudiant naissant des Moudjahidine du peuple, mouvement musulman démocratique et nationaliste qui souhaite établir une République en Iran.

Les intégristes musulmans progressent à l'université des manières de se battre par le Shah, puis le régime de Khomeiny, va placer définitivement dans la politique du pays, conduit Maryam Radjavi à rejoindre en 1982 le siège politique en exil, installé à Auvers-sur-Oise. Après avoir marié deux enfants, elle entre vite à la tête de la résistance avec son mari Massoud. Maryam devient l'un des chefs historiques de la lutte contre les Mollahs au pouvoir.



Maryam Radjavi

Elle est élue en août 2002 à la présidence de la république iranienne en exil par le conseil national de la résistance iranien (CNRI), le parlement en exil.

Sa dernière déclaration publique remonte au 10 mai 2002, lors du grand rassemblement d'Auvers à Bruxelles, une semaine après l'interpellation de l'organisation sur la liste des « terroristes » par l'Union Européenne : « Si les meilleurs moyens et leurs compétences n'ont que la vaste majorité du peuple iranien soutient cette résistance, pourquoi refusent-ils alors un sauf des États-Unis (direz pour du service démocratique de la République) une seule assemblée constituante (sur l'objet de la CNRI) est sur la liste de gens qui ont le gouvernement représentatif et non pas celle de la république islamique) ».

La mère, sa petite famille du CNRI a toujours fait confiance aux opposants « d'égale, manifestations et packagement manifestations ». « Cette action visant d'un mandat d'arrêt européen les terroristes, qui sont en première ligne contre les Mollahs au pouvoir ».

Caroline RAMADE

Chroniques de voisinage du QG d'Auvers

1978 : le docteur Saïeh Radjavi s'installe à Auvers-sur-Oise, dans un pavillon de la rue des Glands dont il est propriétaire.

1981 : mise en place d'une zone de sécurité rue des Glands.

1982-1984 : l'ensemble des bureaux de l'organisation des Moudjahidine du peuple d'Iran s'installe rue des Glands.
Auvers-sur-Oise devient le siège européen du Conseil National de la Résistance Iranienne.
Le docteur Saïeh Radjavi, cardiologue à l'hôpital d'Eaubonne, quitte son emploi.

1985 : la fille de Bani Sadr, Maryam, épouse Massoud Radjavi et devient Maryam Radjavi, future présidente de la république d'Iran « en exil ».

1986-1987 : refus systématique, le bureau se prononce « Pour » des Moudjahidine fraîchement depuis le 37, rue des Glands.

1990 : assassinat à Suresnes du Chapour Bakhtiar, ancien premier ministre du Chah d'Iran. Ensemble de mouvement de sécurité de la part des Moudjahidine. À partir de maintenant, un escadron entier de gendarmes mobiles (42 fonctionnaires) surveille les résidences.

21 octobre 1994 : demande officielle du préfet et du ministre de l'Intérieur de la mise en double imposé de la rue des Glands.

Décembre 1994 : délibération à l'unanimité du conseil municipal d'Auvers-sur-Oise contre la double imposé.

21 décembre 1994 : une réunion est en présence des représentants des renseignements généraux, la direction du cabinet du préfet, les Moudjahidine et la municipalité. Cette dernière propose une solution mixte consistant sur le modèle des ambassades « à l'égard » de la capitale.

12 mars 1995 : arrêté préfectoral de la mise en double imposé de la rue des Glands.

17 mars 1995 : création de l'association « sécurité et liberté à Auvers-sur-Oise », opposée à l'arrêté.

14 avril 1999 : délibération du Conseil général demandant le démantèlement dans les plus brefs délais des Moudjahidine. Sans résultat.

Mai 1996 : un pilote européen d'hélicoptère en Iran, les services de renseignements des Moudjahidine du Peuple iranien et les services de police belges découvrent un attentat en préparation.
Le CNR demande au gouvernement français de prendre les mesures pour la sécurité de Madame Radjavi.

2002 : l'UMP critique certains des Moudjahidine du Peuple (membres ou sympathisants) de leur rôle de gendarmerie internationale dénoncée par l'Union Européenne.

17 juin 2003 : [illegible]

25 ans d'opposition au régime de Téhéran

1978 : [illegible]

1979 : la République islamique d'Iran est proclamée le 1er avril.

1980 : guerre Iran-Irak. 29 au 30 janvier : Abol Hassan Bani Sadr (né en 1933) est élu président de la République islamique d'Iran.

1981 : [illegible]

1982 : Bani Sadr se brouille avec les Moudjahidine, lorsque ceux-ci choisissent le camp de l'Iraq et de Saddam Hussein.

1986 : 7 juin, Massoud Radjavi est expulsé de France en échange de la libération des journalistes otages, retenus au Liban : Philippe Rochot et Georges Hansen, qui seront libérés le 10 juin. Son épouse Maryam reste à Auvers-sur-Oise et est officiellement nommée présidente de la République d'Iran en exil. Massoud Radjavi rejoint exil à Bagdad. Il se rapproche du régime de Saddam Hussein.

1988 : fin de la guerre Iran-Irak.

1989 : 24 avril, Kazem Radjavi frère de Massoud est assassiné en Suisse.

1991 : [illegible]

2002 : [illegible]

2003 : 17 juin Maryam Radjavi, ainsi que son beau-frère, le docteur Saïeh Radjavi, sont interpellés à Auvers-sur-Oise, parmi d'autres...

روزنامۀفیگارو-۱۸ ژوئن ۲۰۰۳-فرانسه اپوزیسیون ایران را مضمحل می کند



LE FIGARO

1€

Figaroscope
Un guide de l'été culturel pour les 3 à 12 ans

Coupe des Confédérations
Premier match, ce soir à Lyon, des Bleus qui défendent leur titre

Baccalauréat
Que faire après ? Idées et conseils, filière par filière

L'ESSENTIEL

Le coup de filet contre les Moudjahidin du peuple, un geste clin-d'œil de Téhéran et de Washington

La France démantèle l'opposition iranienne

Toulouse : un nouveau « suicide » au compte d'Alègre

Le manque d'exercice physique et une consommation alimentaire trop importante sont en cause

Obésité et surpoids affectent 40 % des Français



Le Gazette - Page 2

FAITS DIVERS ET JUSTICE

Mercredi 18 juin 2003

Terrorisme : 150 personnes interpellées dans le Val-d'Oise et les Yvelines mardi matin

Coup de filet contre les Moudjahidines iraniens

Les policiers d'élite du Gign et du Raid ont investi l'ancien château mardi matin

Anvers : la plaque tournante

1,2 MILLION DE DOLLARS DANS UN COFFRE

روزنامۀ لاگازت-۱۸ ژوئن ۲۰۰۳- دستگیریهای مجاهدین ایرانی

روزنامۀ اکورژیونال–۱۸ژوئن ۲۰۰۳– اور سوراواز

اقدام ضدتروریستی در مرکز فرماندهی مجاهدین خلق

L'ECHO le Régional

Événement

Auvers-sur-Oise : descente anti-terroriste au QG des Moudjahidine du peuple

Mardi à l'aube, 75 personnes ont été interpellées au siège européen des opposants installé rue des Gords à Auvers-Sur-Oise et 57 moudjahidine arrêtés dans la ZI de Saint-Ouen-l'Aumône dans le cadre d'une vaste opération anti-terroriste. En tout, onze sites du Val-d'Oise ont été visités par 1 600 fonctionnaires. Certains Iraniens ont été placés en garde à vue dans les locaux de l'Etamat à Pontoise.

Mardi, 7 heures, l'effervescence a gagné la paisible rue des Gords à Auvers-sur-Oise, barrée de bout en bout par les CRS. Impossible de passer dans la cinébre rue qui est autour le siège européen du conseil national de la résistance iranienne (CNRI). A l'aube, soixante-quinze Moudjahidine du peuple, principal groupe d'opposition au régime de Téhéran, ont été interpellés dans le cadre d'une enquête conduite par le juge antiterroriste parisien Jean-Louis Bruguière.



Le sous-préfet de Pontoise Bernard Finance sur les lieux.

Mais le QG des opposants iraniens n'est pas le seul visé. Très vite, le bruit court que plusieurs autres sites ont été simultanément visités en région parisienne. On comprend alors qu'il s'agit d'un vaste coup de filet antiterroriste. Le juge Bruguière opère en fait dans le cadre d'une information judiciaire pour « *association de malfaiteurs en relation avec une entreprise terroriste* » ouverte en avril 2001 et élargie la semaine dernière par le parquet au délit de financement d'acte terroriste. Une enquête qui concerne des structures en lien, revendiquées par cette organisation, et non sur des actions en France.

Sur les cent soixante-sept personnes interpellées en Ile-de-France, plus de cent trente ont été arrêtées dans le Val-d'Oise. L'opération a mobilisé 1 600 policiers de plusieurs services dont ceux de la DST et s'est déroulée sur onze sites du Val-d'Oise et deux sites à Conflans-Sainte-Honorine (Yvelines). Après Auvers-sur-Oise, l'autre grande prise a eu lieu dans la zone industrielle du Vert-Galant à Saint-Ouen-l'Aumône. Cinquante-sept Moudjahidine logés dans un ancien bâtiment administratif en ont également sortis.

1,3 million de dollars saisis

Tandis que les principaux acteurs, comme l'épouse du principal dirigeant des Moudjahidine, Maryam Rajavi, ont été placés en garde à vue à Paris en fin de matinée, les autres ont été emmenés dans les locaux de l'ancienne caserne de l'Etamat à Pontoise, située en face de la direction départementale de la police. « *Ils vont être mis en examen par un juge d'instruction* », pourrait-on entendre à proximité dans les rangs des forces de l'ordre.

Présent sur place, le lieutenant-colonel Cormier, commandant du groupement de la gendarmerie du Val-d'Oise, Bernard Favrou, le sous-préfet et bien sûr le maire d'Auvers, Jean-Pierre Blazy, ont été propulsés comme acteurs de cette vaste opération antiterroriste. Marqués par les nombreux journalistes, ils n'étaient pas autorisés à donner des détails sur l'affaire. « *Voyez avec la DST (direction de surveillance du territoire) ! C'est elle qui a ouvert le dossier* », a répété un gendarme.

Réfugiés à Auvers dans des villas du bord de l'Oise depuis 1981, les résidents avaient pris l'habitude de voir les maisons protégées par les forces de l'ordre, que délogent par le GIGN (groupement d'intervention de la gendarmerie nationale) et le RAID (unité d'élite de la police).

Depuis mai 2003, il y a eu une nouveauté : l'organisation des Moudjahidine du peuple figure au

France Soir

L'opération contre les Moudjahidine saluée par Téhéran et Washington

Pourquoi Sarko a donné l'assaut

Près de 1.300 policiers et gendarmes ont effectué hier matin en région parisienne une gigantesque rafle chez ces ennemis du régime iranien



روزنامۀ فرانس سوار–۱۸ژوئن ۲۰۰۳– چرا سارکوزی دست به تهاجم زد

mobilisant près de 1.200 policiers et 80 gendarmes

tombe à pic



t contre les mouvements du peuple à Auvers-sur-Oise.

3 QUESTIONS À

Roland Jacquart

Président de l'Observatoire mondial du terrorisme

"Les autorités ont préféré mener une action préventive"

1. Qu'est-ce qui a motivé ce vaste coup de filet contre les Moudjahidine iraniens ?

La guerre en Irak a mis dans le pot-pourri entre autres contre l'Organisation des Moudjahidine du peuple iranien (OMPI) qui figure sur la liste européenne des groupes terroristes. Les services français se sont rendus compte que des flux d'argent importants et occultes allaient vers divers mouvements sectaires. Des millions d'euros, présents en Irak, étaient manipulés de manière douteuse et de nombreuses actions violentes. Des mouvements de pervers ont rapporté aussi de banlieues lyonnaises ont d'ailleurs été repérés par les policiers français. Les autorités ont donc préféré engager cette action préventive pour éviter tout risque d'attentat. Car nous savons que les Iraniens ne pardonnent rien.

2. Quel est le statut de l'OMPI dans la nébuleuse terroriste internationale ?

C'est une organisation autonome qui opère un jeu plus subtil que celui des autres d'al-Qaïda et qui n'a pas de vrais représentants. Ils sont à leur tête depuis 1981 Massoud et Maryam Radjavi, deux Iraniens qui ont fui l'Iran du régime des mollahs, puis celui des autres Iraniens, mais aussi d'Irakiens, qui ont fui le régime de Saddam Hussein. Mais la partie de leurs opposants exilés en Europe la dénonce.

3. Cette opération contre les opposants iraniens risque-t-elle de favoriser des attentats contre les intérêts français ?

Entre le risque de voir les Iraniens réagir à un attentat perpétré contre leurs intérêts et le risque d'une action des moudjahidine, les chefs des autorités françaises n'ont eu assez simple.

Massoud et Maryam Radjavi, couple jusqu'au-boutiste

C'EST UNE « SAINTE » qui a une nombreuse famille. Des filles de la police française leur mais. Maryam Radjavi est en train de consolider ce couple jour ses partisans. Avec son mari, Massoud, elle forme ce couple de fer et de feu, volontiers vu dans un rôle de la personnalité. Quelque que soient les critiques les démissions des Radjavi ont aussi de se retrouver emprisonnés en Irak ou en exil et n'ont pas revu l'Irak à l'Iran : un régime au bout de la corde des potences du régime lui était alors promise.

Le lieu en permanence recouvert d'un bandeau noir Maryam est l'épouse de Massoud depuis 1986 et porte le titre de « future présidente de l'Iran ». Sa mère a été exécutée par la police du Chah et elle a perdu une fille sous le régime de Khomeiny. Souvent du statut de réfugiée politique, elle fait de nombreux allers-retours entre la France et l'Irak, la figure de femme de l'Iran qui résiste et son opposition.

A 55 ans, Massoud Radjavi a tout contre : la prison, le torture, la fuite, la victoire, l'exil. Lorsqu'il rejoint les rangs des révolutionnaires en 1979, il est aussitôt emprisonné dans les cellules de sinistre des « politiques » à Téhéran. En outre les méthodes de la police secrète du Chah. Une torture est condamné à mort mais une campagne internationale le sauve. Il est libéré en janvier 1979 et se retrouve au sein de la direction du groupe. Il lance ses troupes aux côtés des partisans de l'Ayatollah Khomeiny, mais très rapidement, il comprend que le régime tenant ne tolère qu'un seul adepte : lui-même. Il est déclaré hors la loi en 1981 et s'installe en France. Depuis Auvers-sur-Oise, il dirige la machine rentrée à faire du terrorisme anti-



Massoud Radjavi et son épouse, Maryam, lors d'un rassemblement des Moudjahidine en Irak en décembre 1990.

iranien. En 1986, il est définitivement expulsé, sa mère de mécontent d'échange dans l'affaire des otages français au Liban.

Ce petit homme au costume sombre et à la moustache orientale va très rapidement tomber de part et d'autre de la guerre sans savoir que se livrent l'Irak et l'Iran. Il installe ses troupes à la solde du pays de Saddam Hussein et va bientôt le payer des troubles qu'il provoque à l'Iran. De quoi la vérité américaine. Il n'est volontiers et ses troupes, après quelques affrontements, acceptent finalement de déposer les armes.

M. Fra

Une armée iranienne en exil



Déploiement de combattantes, en mars 1998, dans le camp d'Ashraf qui était situé à 100 km au nord-est de Bagdad.

LES MOUDJAHIDINE DU PEUPLE ne sont pas uniquement un mouvement d'opposition armé. Fondé dans les années de milliers de personnes, ils sont considérés comme le plus important parti armé hors de ses frontières du monde.

Ses principales bases sont en Europe, notamment en France et en Grande-Bretagne. Ayant vu d'abord d'un contre des conflits en Afghanistan et en Irak, les moudjahidine du peuple n'ont pas eu en 1980 d'une scission au sein du Mouvement de l'Libération de l'Iran présidé par Mehdi Bazargan, issue d'intérêt porté sur l'action radicale, les moudjahidine veulent leurs fondamentaux pour les gens en Irak d'Iran. La terrible 'Savak' (police secrète) impose son attache les organisations au pouvoir, notamment au moyen systématique des adversaires du régime.

Les moudjahidine s'opposent à l'ayatollah Khomeiny. L'exilé de Neauphle-le-Château s'appuie sur une révolution populaire de l'opposition au Shah. Il finit le plus fort, après la victoire. En 1979, le vieux découvre une virulente de manière brutale qui s'installe à l'Iran dans les rangs de l'Armée avec dans l'ombre les factions se déchirent. Le nouveau maître de l'Iran ne pourrait tolérer un mouvement aussi développé qui menace quasi-insolite. Les moudjahidine s'engagent à lancer des contre en 1981 lorsque le président Banisadr est destitué. L'un des dirigeants de l'ayatollah, c'est à peu de valeur et les moudjahidine organisent la résistance armée.

Le régime islamiste s'installe. Les premiers dossiers explosifs entre de l'Iran et certains Chaque jour de leurs assauts importants. Le régime iranien envoie ses hommes sur le front de la guerre contre l'Irak. Le bilan est effroyable. Les premiers dossiers explosifs entre de l'Iran et certains Chaque jour de leurs assauts importants. Le régime iranien envoie ses hommes sur le front de la guerre contre l'Irak. Le bilan est effroyable.

C'est à Auvers-sur-Oise en 1981 que le CNRI (Conseil National de la Résistance Iranienne) s'installe. Cette fois-ci, ce n'est plus l'Irak qui affronte que la France abrite un mouvement terroriste. Derrière, toujours le même leader et les mêmes méthodes : les moudjahidine du peuple font le poids. En 1992, le chef des moudjahidine, Massoud Radjavi, prend un tournant décisif. Il se range aux côtés de Saddam Hussein. L'Irak est la plus proche de l'Iran, une guerre sanglante oppose les deux voisins de 1980 à 1988. En 1986, Radjavi crée à Bagdad l'Armée de Libération Nationale d'Iran (ANLI).

Puissamment équipée et entraînée par les soldats irakiens, l'ANLI ne cache pas à s'attaquer directement aux intérêts de l'ayatollah. Ainsi, en Suisse, « l'ennemi de Saint-Empereur » fait l'objet d'une enquête. Ses membres ont voulu s'emparer d'un véhicule d'un diplomate iranien. Ils ont agi en auxiliaires zélés de Saddam Hussein, y compris durant les derniers combats en Irak.

En ce qui concerne l'Iran, la situation est encore plus claire. Les relations entre Paris et Téhéran sont épouvantables. La France fait depuis longtemps la sourde oreille aux demandes iraniennes d'expulsion des opposants au régime. En leur accordant satisfaction, les autorités françaises viennent de faire un geste fort envers un pays de plus en plus réservé du doigt par les faucons de la Maison-Blanche.

M. F.

France - Iran - Etats-Unis : un ménage à trois

En effectuant ce gigantesque coup de force contre l'OMPI (l'organisation des moudjahidine du peuple en Iran), Paris tire sur beaucoup. D'une part, la diplomatie française regagne des points en évincé l'Amérique et d'autre part elle se concilie les bonnes grâces iraniennes.

Depuis 1997 Washington avait placé sur la liste des mouvements terroristes l'organisation politico-militaire du couple Radjavi. L'arrivée au pouvoir en Iran du modéré réformateur Mohammad Khatami (la même année) n'est pas étrangère à cette action. Les relations entre Washington et Téhéran s'améliorent. Depuis, l'administration Bush a remplacé la maison Clinton, l'Iran est placée sur la liste de « l'axe du mal ». Mais l'action française reste fait de retirer un mouvement honni des États-Unis. Les moudjahidine du peuple sont accusés d'avoir assassiné des diplomates américains, et ont agi en auxiliaires zélés de Saddam Hussein, y compris durant les derniers combats en Irak.

En ce qui concerne l'Iran, la situation est encore plus claire. Les relations entre Paris et Téhéran sont épouvantables. La France fait depuis longtemps la sourde oreille aux demandes iraniennes d'expulsion des opposants au régime. En leur accordant satisfaction, les autorités françaises viennent de faire un geste fort envers un pays de plus en plus réservé du doigt par les faucons de la Maison-Blanche.

M. F.

France Soir

DESCENTE ■ 160 membres de l'organisation iranienne ont été inter

La rafle chez les Moudjahidine

Dix-huit mois après avoir quitté la France, quatre millions de dollars (environ 4 millions d'euros) en cash, des gilets pare-balles, des uniformes, 200 passeports et autant de téléphones satellitaires, les 1.200 policiers (RAID, DST, PJ) et 80 gendarmes du GIGN qui ont opéré hier matin un vaste coup de filet contre les représentants de l'Organisation des Moudjahidines du peuple iranien (OMPI) (principal mouvement d'opposition en exil au régime de Téhéran) et cinq autres personnes ne sont pas repartis les mains vides. Ils viennent de mettre un terme à « l'anomalie » dont Auvers-sur-Oise et Saint-Chéron (Essonne) (Val d'Oise), les forces de l'ordre font la surveillance depuis 160 personnes, dont Maryam Radjavi, épouse de Massoud Radjavi, chef des Moudjahidines, désignée par le groupe comme « la future présidente de l'Iran ».

150 suspects, dont 16 déjà écroués hier à Fleury-Mérogis, ont été placés en garde à vue dans un gymnase de gendarmerie de Pontoise. Maître de l'enquête, la Direction de la surveillance du territoire (DST) espérait surtout trouver un moyen pour d'une quarantaine de cadres dirigeants. L'arrivée massive de contribuables en provenance d'Irak semble avoir accéléré cette opération qui s'inscrit dans le cadre d'une information judiciaire ouverte en 2001 pour « association de malfaiteurs en vue de préparer des actes de terrorisme et de financement d'une telle entreprise » à la suite de revendications.

« Arrestations à grand spectacle »

Le juge antiterroriste Jean-Louis Bruguière soupçonne l'OMPI et sa vaste nébuleuse d'associations de financer via l'argent « fléché » destiné aux activités terroristes notamment en Iran. Des comptes bancaires crédités de plusieurs centaines de millions d'euros ont d'ailleurs été bloqués. La sous-direction des affaires économiques et financières (police judiciaire) tente désormais d'y voir plus clair sur ces curieux mouvements.

William Bourdon, avocat de Mme Ellendritt, porte-parole de l'OMPI, une démocrate pro-« arrestations à grand spectacle » et rappelle : « que le mouvement des Moudjahidines, qui est l'objet de nombreuses années en France et, à leur connaissance, jamais été mis en cause dans une affaire de terrorisme et rappelle en outre pour l'ensemble leurs activités ont le statut de réfugiés politiques ». Un avis loin d'être partagé par Aymeri de Montesquiou, sénateur UDF et président du groupe d'information France-Iran : « Ses membres ne respectent pas la tradition des réfugiés de ne pas savoir d'accident politique. » Créée en 1965, l'OMPI est opposée dans l'immédiat en 1981 à Auvers-sur-Oise. Tolérée, se présente « laïque et démocrate » dans le cadre des relations très tendues entre la France et l'Iran qui digère mal ses liens de soutien en Europe. Ce récent retour en grâce s'est construit avant tout « en pleine politique en force de l'époque » selon Darvouch Abdali, politologue iranien, qui y voit l'avantage de concorde nations diplomatiques que strictement judiciaires.

Jean-Pierre Perglis avec Jean-Marc Tanguy

Nicolas Sarkozy bousculé par le PS

Ils « voulaient faire de la France leur terre arrière » : Nicolas Sarkozy, qui se félicitait hier devant les députés du succès de l'opération de police contre les Moudjahidine, a voulu pointer du doigt l'attentisme du gouvernement Jospin dans cette affaire. Mais ces propos ont aussitôt déclenché les foudres de l'opposition. André Vallini (PS, Isère) a ainsi exigé pour le ministre à « plus de modestie », en rappelant que l'enquête était en cours avant mai 2002. « Ils ne savent jamais rien et s'en prennent au passé », a répondu, avec véhémence, le ministre de l'Intérieur. Puis, Patrick Bloche (PS, Paris) a dénoncé l'attitude du ministre qui « confond l'hémicycle avec un ring de propagande ».

Maria Iarrua



Hier matin, 1.200 policiers (RAID, DST, PJ) et 80 gendarmes du GIGN ont opéré un vaste coup de fil

A Auvers-sur-Oise, avec le temps, ils étaient devenus des "amis"...

« JE DORMAIS DANS LA PORTE de mon hôtel » à Auvers-sur-Oise. Deux membres du GIGN veillent sur mon entrée jusqu'à 6 h du matin. « Bonjour, pas d'inquiétude ? Le responsable sera informé par notre hiérarchie, bien sûr ! » Drôle d'environnement pour une relative tranquillité, dans un paisible quartier pavillonnaire d'Auvers-sur-Oise. Croyez-le ou non, ce sont les maisons habitées par des Moudjahidines, les hommes du GIGN, qui, nouvelle... Arrivées au matin d'une longue nuit d'hiver.

Les téléphones de la rue des Genêts résonnent ce matin-là. Un coup de fil de nos collaborateurs, qui n'ont pas besoin de longues minutes pour comprendre de quoi il s'agit. Les hommes du GIGN, qui, nouvelle... Arrivées au matin d'une longue nuit d'hiver.

Les téléphones de la rue des Genêts résonnent ce matin-là. Un coup de fil de nos collaborateurs, qui n'ont pas besoin de longues minutes pour comprendre de quoi il s'agit. Les hommes du GIGN, qui, nouvelle... Arrivées au matin d'une longue nuit d'hiver.

Les téléphones de la rue des Genêts résonnent ce matin-là. Un coup de fil de nos collaborateurs, qui n'ont pas besoin de longues minutes pour comprendre de quoi il s'agit. Les hommes du GIGN, qui, nouvelle... Arrivées au matin d'une longue nuit d'hiver.



« J'étais persuadé qu'ils défendaient les droits de l'homme », assure une riveraine.

Marie, la maman d'Antoine a, elle, été « choquée » d'être la seule à ne pas savoir. « Elle n'est pas venue m'offrir des croissants, ce soir-là... » Et d'ajouter en riant : « Je vais devoir me mettre à la cuisine ! »

Avec le recul, les Moudjahidines étaient devenus des « amis ». Dans un petit village, pour qui Marie, « c'était peut-être plus facile à accepter que les sans-papiers et d'être la seule à ne pas savoir ».

Les réfugiés politiques auxquels la loi garantit le droit d'asile en Belgique et de l'Allemagne « ne faisaient pas de bruit ».

Mais, selon la maman d'Antoine, « il y eu quelques moments de tension. A leur arrivée en 1981, puis dans les années 1990. Mais cela fait maintenant longtemps que tout se passe à la perfection ». Et de la question, raconte Jean-Pierre Bequet, le maire d'Auvers-sur-Oise, relayé par le préfet à l'Intérieur du monde, le ne dit rien à « Il n'y pas beaucoup de communication là-dedans. C'est tout comme qu'ils revivaient dans leurs villages, comme avant le passé. » Drôle de tranquillité, tout de même, pour ces « amis » qui, selon Darvouch Abdali, « ne se sont jamais plaints de leur voisinage ».

Maxime Hamel

Un coup de filet signé Bruguière

Du chaleureux judiciaire. Telle pourrait être la définition de la méthode Bruguière, le juge d'instruction antiterroriste le plus célèbre de France. Adepte de « l'association de malfaiteurs », notion juridique fourre-tout, « l'Amiral », 56 ans, adore ces grands coups de filet contre de présumés réseaux terroristes. Même si à l'arrivée il ne reste que du menu fretin. En 1994-1995, le magistrat avait mis en examen 113 personnes soupçonnées d'appartenir à la mouvance terroriste algérienne. Cinq ans plus tard, 106 avaient comparu au Tribunal et 62 avaient été relaxées du chef de « terrorisme ». « Plus le filet est grand, plus il est jeté loin, et plus s'accroissent les risques de dysfonctionnement », avait accusé Louis Joinet, l'ex-chef général devant la commission nationale d'indemnisation qui avait accordé 2 MF à 22 détenus relaxés. En mai 1995, à quelques jours de la Coupe du Monde en France, Jean-Louis Bruguière avait ordonné l'arrestation de 53 islamistes présumés dont la plupart ont été relaxés deux ans plus tard. Critiqué pour cette « justice spectacle » et « arbitraire », le juge Bruguière, pipe à la main, tient son cap et fait valoir que la France aurait épargné par les attentats terroristes sur son sol.

J.-P. P.

ژئن ۲۰۰۳-یک ارتش ایرانی در تبعید

Le Monde

INTERNATIONAL

Iran : Washington et Téhéran se félicitent du coup de filet français

L'opération de police, à Auvers-sur-Oise, contre le siège des Moudjahidines du peuple, pour soupçons de préparatifs terroristes, provoque la surprise dans les milieux d'opposants iraniens en exil. A Paris, on assure qu'il ne s'agit pas de donner des gages au gouvernement iranien



Tentative d'immolation à Paris

روزنامهٔ لوموند-۱۹ ژوئن ۲۰۰۳- واشینگتن و تهران از دستگیری های فرانسه خشنود هستند

Libération



Opposants iraniens: coup de filet

167 arrestations à Auvers-sur-Oise: le «PC mondial» des Moudjahidin du peuple a été démantelé hier à l'aube au cours d'une opération spectaculaire. Pages 14 et 15

روزنامهٔ لیبراسیون-۱۸ ژوئن ۲۰۰۳-مخالفین ایرانی، دستگیریها

روزنامهٔ لیبراسیون -۱۸ژوئن ۲۰۰۳-فرانسه به مجاهدین ایرانی ضربه می زند

Libération

MERCREDI 18 JUIN 2003

SOCIETE

LA FRANCE FRAPPE LES MOUDJAHIDIN IRANIENS

Interrogations sur les motivations de la rafle d'hier à Auvers.



Des interrogations et un certain scepticisme ont accueilli, hier, l'annonce, à la surprise générale, de la mise en examen à Paris de trois Iraniens. Ils sont soupçonnés d'être les dirigeants en France de l'Organisation des Moudjahidin du peuple iranien (OMPI), qui a été basée depuis plus de vingt ans à Auvers-sur-Oise, avant d'être dissoute par le gouvernement français en 1981. Quatre-vingts militants ont été interpellés mardi matin à leur domicile, dans le cadre d'une enquête ouverte en février 2001 par le parquet de Paris pour «financement d'entreprise terroriste». Trois d'entre eux, Mohammad Banihashemi, Mohammad Nazari et Mohammad Reza Asgari, ont été mis en examen hier soir pour «participation à une association de malfaiteurs en relation avec une entreprise terroriste» et placés sous contrôle judiciaire. Ils ont interdiction de quitter le territoire français, de rencontrer d'autres membres de l'OMPI et doivent pointer une fois par semaine au commissariat de leur lieu de résidence. Ils ont également été astreints à verser une caution de 100 000 euros (657 000 francs) chacun.

Les trois hommes ont été entendus par le juge d'instruction Jean-Louis Bruguière, qui a ouvert le dossier en février 2001 après le dépôt d'une plainte par un ancien membre de l'OMPI, Mohammad Hassanzadeh, réfugié politique en France depuis 1997. Selon lui, l'OMPI, qui a changé de nom en 1993 pour devenir le Conseil national de la résistance iranienne (CNRI), aurait détourné des fonds pour financer ses activités. Le CNRI, dont la branche armée, l'Armée de libération nationale iranienne, a été rayée de la liste européenne des organisations terroristes en mai 2002, a toujours démenti ces accusations.

Hier, le président du CNRI, Mohammad Mohaddessin, a salué la décision de la justice française, estimant que «la vérité allait enfin éclater». Il a également annoncé que le CNRI allait déposer une plainte contre le ministre de l'Intérieur, Nicolas Sarkozy, pour «dénonciation calomnieuse». Selon lui, le ministre aurait «menti» en affirmant que les personnes interpellées mardi étaient soupçonnées d'avoir commandité des attentats en Iran.

Libération

JEUDI 19 JUIN 2003

L'EVENEMENT *Moudjahidin*

Pour la DST, une «organisation terroriste» proche de la «secte»

Le patron du contre-espionnage justifie la rafle.

C'est un homme que rien n'effraie et aux prédictions dépressives qui l'ont entouré hier sur un critère pour justifier «le brûle-pourpoint». L'opération policière «particulièrement lourde», selon lui, exercée contre l'Organisation des moudjahidin du peuple d'Iran (OMPI). D'habitude invisible, Pierre de Bousquet de Florian, directeur de la DST (Direction de la sécurité du territoire), a assumé, lors d'une point de presse à la préfecture de police, d'avoir «sauvé» des dizaines de réfugiés politiques opposants au régime islamique.

«Soleil de la liberté». Des photographies se demandent d'où partira la menace suivante. Vers 14 heures, les représentants chantent et agitent des drapeaux: «Bon le verre d'eau, le soleil de la liberté brillera, de mort des dictateurs n'en peut loin, la flamme de la résistance ne doit jamais s'éteindre.» Des femmes aux cheveux gris, entourées de poussette. Elles sont Israéliens, et s'interrogent. Une policière leur rétorque: «C'est n'avez qu'à rentrer chez vous.»

Vers 15 heures, un homme, Mohamed Vakili-Far, 46 ans, s'apprête à son tour d'asperger de sang sa voiture au-delà du cordon des CRS. Il s'enflamme. Les pompiers interviennent aussitôt. Tout comme ceux venant arrêter que les deux femmes qui l'avaient précédé. La préfecture de police tente la toute manifestation de l'OMPI dans la capitale. Mais, hier soir, un membre du Conseil national de la résistance iranienne affirmait que les manifestations continueront jusqu'à ce que Maryam soit libérée ●

OLIVIER AUDEOUD
AC LYLIA KHOUDRIGUI

«Pour certains, ils sont devenus des terroristes»

«Le régime iranien soutient et finance Ansar pour leur sale boulot, comme ici contre Radjavi»

«Nous avons fait ce qu'on nous demandait de faire»

«Nous avons suspecté les agissements dangereux»

«Nous avons suivi de près la création de l'association de soutien à la résistance iranienne»

**«Nous avons découvert entre fin et l'automne 2002 des projets d'attentats

روزنامهٔ لوموند–۲۳ ژوئن ۲۰۰۳– تروریست: متد بروگیر



Le Monde

Terrorisme : la méthode Bruguière

L'OPÉRATION contre l'organisation des Moudjahidines du peuple – plus de 160 interpellations, 17 détentions au parquet – illustre, une nouvelle fois, les méthodes du juge Jean-Louis Bruguière.

Les défenseurs du magistrat, qui traque le terrorisme international depuis plus de vingt ans, mettent un avant les attentats évités depuis le 11 septembre 2001. Ses détracteurs lui reprochent ses rafles à répétition et les longues détentions de suspects, dont un bon nombre sont finalement libérés.

▸Un magistrat hors normes face au dossier des Moudjahidines

▸Des pratiques efficaces mais contestées

Lire page 8

Des pratiques contestées à Bruxelles

Un traqueur obsessionnel du terrorisme international depuis plus de vingt ans

FRANCE-SOCIÉTÉ

Dominique Baudis profite de l'incarcération de « Patricia » pour porter plainte dans l'affaire Alègre

L'ancien maire de Toulouse a porté plainte jeudi 19 juin pour « faux témoignage » contre l'ex-policière et s'est constitué partie civile dans le dossier pour obtenir « que pleine au crime »

L'ire des sympathisants des Moudjahidines du peuple décède après s'être immolée

L'OIPR craint l'extradition de Maryam Radjavi

Les enquêteurs cherchent à élucider les contradictions du dossier

La réintégration d'une femme voilée confirmée

مجاهدین خلق
د. اس.ت در تنگنا
د. اس. ت به سختی خرابکاریی را که به بار آورده است، هضم می‌کند



Les chiffres de la dette que cache Raffarin

MOUDJAHIDIN
Le juge Bruguière rame pour remplir le dossier

Le Canard enchaîné
Journal satirique paraissant le mercredi

MOUDJAHIDIN DU PEUPLE : LA DST EMBARRASSÉE

La DST digère mal son grand "couac"

CORSE D'OBSTACLES

RÉFÉRENDUM CORSE : UN DILEMME...

Zéro partout

فصل دوم

حلقه های ننگین توطئه

حلقه های ننگین توطئه

یک ماه و اندی قبل از حملهٔ ۱۷ژوئن، در اردیبهشت سال۸۲ [۵]رژیم آخوندی به کمک سرویس اطلاعات فرانسه، در پاریس یک جلسهٔ چند روزه از ۳۰تن از مزدوران و مأموران پیشانی سیاه اطلاعات آخوندی، تحت عنوان «اعضای سابق مجاهدین» به‌راه انداخته بود تا حمله و هجوم علیه مجاهدین و استرداد آنها به فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران و اعدام محتمل بعدی آنها را زمینه‌سازی کند.

- حرف این خائنین، در سناریو آخوندساخته برای نمایش مسخرهٔ این ۳۰مزدور در پاریس، در بحبوحهٔ شرایطی که دولت قبلی عراق به‌تازگی در جنگ سقوط کرده بود، این بود که تسلیحات اتمی و شیمیایی و میکروبی عراق در قرارگاههای مجاهدین پنهان شده است و مجاهدین شیعیان و اکراد عراقی و هم‌چنین اعضای خود را شکنجه و سرکوب کرده اند.



احمد شمس حائری
مامور اطلاعات



محمد حسین سبحانی
مامور اطلاعات



کریم حقی
مامور اطلاعات

۵-آوریل۲۰۰۳



ادوارد ترمادویان
مأمور اطلاعات



ایوب کرد رستمی
مأمور اطلاعات



مهدی خوشحال
مأمور اطلاعات



ربابه شاهرخی
مأمور اطلاعات



بتول احمدی
مأمور اطلاعات



مجید فراهانی
مأمور اطلاعات

– شعار و خواستهٔ مشترک تمام این خائنان نیز از سالها پیش، همان خواستهٔ آخوندها یعنی محاکمه و حذف فیزیکی رهبری مقاومت و انهدام سازمان مجاهدین خلق ایران بود. فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران، جز این، فرجهٔ دیگری برای بقا نداشت.

– بعد از ۱۷ژوئن نیز، دستگاه اطلاعاتی فرانسه در یک همکاری و هماهنگی ننگین با وزارت اطلاعات رژیم ایران، یک دوجین از بدنام‌ترین مزدوران گشتاپوی آخوندی از قبیل مسعود خدابنده را تحت عنوان «اعضای سابق مجاهدین» برای استشهاد دروغ و پرونده‌سازی، بارها علیه مجاهدین و رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران بارها به‌کار گرفت. این در حالی بود که ابوالقاسم رضایی معاون دبیرخانه شورای ملی مقاومت که کلیهٔ مسئولیتهای مالی این پرونده را بر عهده دارد، در یک برنامه ارتباط مستقیم گفت که به‌رغم تمام پافشاری هایش برای پاسخگویی به قضات تحقیق، تنها یک بار ضمن ۴سال برای سؤال و جواب فراخوانده شد.

یکی از دستگیرشدگان ۱۷ژوئن، محمد محدثین مسئول کمیسیون خارجهٔ شورای ملی مقاومت است. وی در اسفند۸۳ در یک برنامه تلویزیونی ارتباط مستقیم دربارهٔ شهادت های دروغین مزدوران وزارت اطلاعات، علیه مجاهدین نزد د. اس. ت و بازپرس در فرانسه، توضیحات جالب توجهی ارائه کرد.

محمد محدثین: «اینها مزدورانی هستند که هر چه از آنها می‌خواهند همان را می‌گویند.

خیلی مشخص است طبق گزارش هایی که در وزارت اطلاعات و در داخل رژیم هست، اینها برای دادن هر شهادتی، ساعت ها صحبت کرده‌اند و آنها را توجیه کرده‌اند که چه بگویند و چه بنویسند که برای پرونده مطلوب باشد. البته حرفها آن‌قدر رسواست که هیچ کسی، هیچ قاضی و هیچ آدم بی‌طرفی این حرفها را جدی نمی‌گیرد. حرف ها حرفهای گوناگونی است.

در یک رشته از این حرف ها، می‌خواهند ثابت کنند که مجاهدین در عراق در سرکوب اکراد و شیعیان عراقی دست داشته‌اند که البته معلوم نیست این چه ربطی به پروندهٔ فرانسه دارد. از آن‌جا که سرویس مربوطه در فرانسه دستش خالی است، می‌خواهد یک چیز موهومی را در عراق ثابت کند. در گزارشهایی که در وزارت اطلاعات است و من بخشی از آنها را در اختیار دارم، ۴نفر از این مزدوران، به اسامی حقی، طیبی، خدابنده و میرعسگری گزارش داده‌اند که برخی از افراد این پرونده از جمله برادران مجاهد مهدی ابریشمچی و محمدعلی جابرزاده، در عملیات مروارید علیه کردها، فرمانده کل بودند! محمد محدثین نیز حضور داشت....

مزدوران تأکید کرده‌اند که مجاهدین بعد از جنگ خلیج فارس در قتل‌عام کردها با صدام حسین شریک بودند و این که مجاهدین چگونه به مرز با ایران فرستاده شدند که در مرز ایران با کردها بجنگند. مزدور وزارت اطلاعات برای پلیس و مقامات دادستانی فرانسه و د. اس. ت. شرح داده که مجاهدین چگونه سربازان ساده را کشتند. آنها آمدند در یک شهر عراقی در یک شهر کردستان عراق، ساکنان آنجا را کشتند و چند نفر از روستاییان را که موفق شده بودند از دست مجاهدین فرار کنند دستگیر کردند و در همان شهر حلق‌آویز کردند! این حرفها حرف هایی است که ۱۳ـ ۱۴سال پیش (سال ۱۹۹۱) رژیم مطرح می‌کرد و کسی آنها را جدی نمی‌گرفت؛ حالا دوباره همین حرفها را در این پرونده مطرح می‌کند. حرفهایی که بارها و بارها بالاترین مقامات کرد عراقی تکذیب کرده‌اند. حتی به مقامات قضایی نوشتند این شایعات را که مجاهدین در سرکوب کردهای عراقی دست داشته‌اند، خود ما هم شنیده‌ایم و رفتیم تحقیق کردیم و هیچ چیزی پیدا نکردیم که نشان دهد مجاهدین کاری علیه اکراد عراقی کرده باشند....

حالا بعد از ۱۵سال فضاحت بیشتر از این نمی‌شود. مزدور میرعسگری در شهادت خودش به پلیس فرانسه گفته است سازمان مجاهدین خلق ایران عملیات نظامی علیه اهداف ایرانی انجام می‌داد که گاهی قربانیان غیرنظامی متعدد می‌گرفت. آنهایی که این مزدور گفته همجنس‌ها و همپالگی‌های خودش هستند....

در واقع یک سری از این شهادت ها، روی این سوار شده که بگویند مجاهدین در سرکوب مردم عراق شرکت داشته‌اند، یا در ایران غیرنظامیان را می‌کشتند. این حرف ها در شرایطی است که آن کسانی که وزارت اطلاعات مدعی بود قربانیان عملیات نظامی

مجاهدین هستند و آنها را فرستاده بود فرانسه که به عنوان شاکی خصوصی وارد پرونده شوند، کارشان به‌جایی نرسید؛ حالا این مزدوران را آورده است که بگویند مجاهدین در ایران عملیات نظامی می‌کردند و غیرنظامیان را می‌کشتند.

یک رشته دیگر از اراجیف این مزدوران، مسائلی است که مربوط به‌مناسبات درونی مجاهدین است. به‌عنوان مثال برخی از مزدوران مانند حقی و میرعسگری در همین شهادت ها و مصاحبه‌هایی که با پلیس فرانسه و دادستانی کرده‌اند گفته‌اند که در مجاهدین، نظام کیش شخصیت به‌طور بی‌حد و حصر وجود داشت. خوب معلوم نیست که چه ربطی به پروندهٔ فرانسه دارد. میلیون ها دلار این رژیم خرج می کند که این مزخرفات را تولید کند. یکی از کسانی که (به این برنامه) زنگ زد گفت که در قرارگاه اشرف باز است. همه می‌توانند بروند ببینند.

بعد از سقوط دولت پیشین عراق که قرارگاه اشرف را همه توانستند بیایند از نزدیک ببینند این حرفها رنگی ندارد. در این پرونده، فلاکت و استیصال پرونده‌سازان را می‌شود فهمید.

یک رشتهٔ دیگر از حرفهایی که مزدورانی امثال حقی و سبحانی در این پرونده می‌زنند این است که مجاهدین را شستشوی مغزی می‌دهند! یا کسانی را که از مجاهدین می‌خواهند خارج شوند، مورد اذیت و آزار فیزیکی و فشارهای روانی قرار می‌دهند! بعضی را در زندان های مخوف در عراق یا در آپارتمان های مخفی زندانی می‌کنند! برخی از آنها سال های زیادی را در زندان مجاهدین گذرانده‌اند؛ تنها به این دلیل که خط سیاسی و انتخاب سیاسی مجاهدین را قبول نداشتند! این شهادتها از شکنجه در «زندانهای مخوف» مجاهدین صحبت کرده است. خوب وزارت اطلاعاتی احمق! پرونده‌ساز کم‌خرد! دو سال بعد از سقوط دولت پیشین عراق که همه چیز تحت کنترل دولت آمریکا بوده است، همهٔ افراد اشرف را ۷بار به‌قول خودشان از زیر ذره‌بین رد کرده‌اند و در نهایت دولت آمریکا و ائتلاف ۳۰کشور هم گفته‌اند که هیچ اتهامی حتی علیه یک عضو مجاهدین وجود ندارد و در قرارگاه اشرف هم که باز است و همه می‌توانند بروند و ببینند، پس این مزخرفات تکراری برای چیست و برای چه هدفی است؟

بخش دیگری از بازپرسی این مزدوران که خودشان برای وزارت اطلاعات در تهران هم فرستاده‌اند، این است که راجع به تک‌تک افرادی که در این پرونده تحت تحقیقات هستند، گزارش داده‌اند.

میلیونها دلار خرج کرده‌اند، مثلاً با مزدوری ۱۰ـ۱۲بار مصاحبه کرده‌اند که همین مزخرفات تکراری را بگوید. تازه این بخشی است که ما می‌دانیم و حتماً خیلی بیشتر از اینها بوده است. یک پرونده درست کرده‌اند که خالی است، پول مالیات‌دهندگان را دارند می‌دهند که یک عده بیایند و اتهاماتی را برای این پرونده درست کنند و بگویند که

اینها در شکنجهٔ مخالفان شرکت داشتند، در کشتار مخالفان دخالت داشته‌اند و.... و.... چیزهایی که من واقعاً شرمم می‌شود که بخوانم، یکی از این مزدوران می‌گوید که من خودم شاهد بودم که مجاهدین ناراضیانشان را شکنجه می‌کنند، آنها را اعدام می‌کنند، مجاهدین به ناراضیانشان، با عرض معذرت، تجاوز می‌کنند، زن و مرد. ننگ بر وزارت اطلاعات و مزدورانش! و ننگ بر کسانی که به این استنادات وزارت اطلاعات و حرفهای آنها گوش می‌کنند!

جالب است بدانید پرونده‌سازان فرانسه در دروغ‌پراکنی تا آن‌جا پیش رفته‌اند که می‌گویند که برخی از این افراد در آمریکا تحت اتهام هستند. حالا اینها کسانی هستند که آمریکا رفته در عراق و با تک‌تکشان صحبت کرده و رسماً اعلام کرده است و در نیویورک‌تایمز هم نوشته است که مقامات عالیرتبهٔ آمریکا اعلام کرده‌اند که هیچ اتهامی در مورد هیچ یک از این افراد وجود ندارد.

مثلاً در این پرونده یکی از مزدوران علیه آقای جابرزاده گفته است: "وی مسئول تنبیهات علیه مجاهدین بود، اعضای ضعیف را وی شکنجه می‌کرد. وی شخصاً من را شکنجه کرده است. وی در جریان عملیات مروارید فرمانده بوده است". یا در مورد من گفته است: "محدثین در عملیات علیه کردها فرمانده بوده است.... دستور عملیات در داخل ایران از عراق، توسط محدثین صادر می‌شده است"، دو تا از این مزدوران در مورد من گفته‌اند: "محدثین لیست مخالفین را که باید از بین بروند، (یعنی به اصطلاح اعضای ناراضی مجاهدین) اوکی می‌کرده است!" »

محمد محدثین در قسمت دیگری از توضیحاتش نقش رسوای سرویسهای فرانسوی را که تحت نظر و براساس تصمیم دولت وقت فرانسه عمل می کردند، تشریح می کند.

محمد محدثین: «ما از مدتها قبل از ۱۷ژوئن از داخل کشور مطلع شدیم که وزارت اطلاعات و یک سرویس فرانسوی شماری از ایادی وزارت اطلاعات را تحت عنوان اعضای سابق مجاهدین از کشورهای مختلف به‌پاریس دعوت کرده و از آنها می‌خواهند که علیه شورای ملی مقاومت و مجاهدین شکایت کنند. ما همان زمان یعنی در فوریه و ژوییه۲۰۰۲ در مورد این موضوع به مقامهای فرانسوی اعتراض کردیم که البته در آن زمان تکذیب کردند.

همکاری آنها بعد از ماجرای ۱۷ژوئن هم ادامه یافت؛ بعد از ۱۷ژوئن وقتی دیدند که این پرونده خالی است و به‌جایی نمی‌رسد، وزارت اطلاعات با سازمان امنیت فرانسه شروع کردند به‌پرونده‌سازی از طریق عوامل وزارت اطلاعات.

وزارت اطلاعات برای رسیدن به‌این هدف، کار زیادی کرد و پول زیادی هم هزینه کرد،

که همان موقع آنها را افشا کردیم.

اسناد مربوط به یک فقره از این پولها را سال گذشته منتشر کردیم که علی ربیعی دبیر شورای‌عالی امنیت رژیم، شکنجه‌گر و معاون سابق وزارت اطلاعات، یک میلیون دلار برای هزینه‌کردن در امور قضایی در فرانسه از محل اعتبارات شورای‌عالی امنیت دریافت کرده بود.

این پول را خرج وکیل و کارهای حقوقی و رشوه و بقیه هزینه‌ها در فرانسه کردند تا این شاکیان خصوصی را وارد پرونده کنند. اما این موضوع با اعتراض گستردهٔ حقوقدانان و وکلا و شخصیتهای سیاسی فرانسه مواجه شد.این موضوع آن‌قدر مفتضح بود که هر کسی می‌فهمید که هدف چیست. تا کنون این توطئه با شکست مواجه شده است و این افراد به عنوان شاکی خصوصی در پرونده پذیرفته نشده‌اند.

رژیم به‌موازات این، عده‌یی از عوامل خودش را، مأموران و جاسوسان خودش را، تحت عنوان اعضای سابق مجاهدین به نزد د. اس. ت و بازپرس در فرانسه فرستاده است، که علیه مجاهدین و علیه شورای ملی مقاومت و علیه کسانی که دادستانی فرانسه در پروندهٔ ۱۷ژوئن، آنها را تحت تحقیق گذاشته است، مثل خود من، شهادت بدهند. شهادتهای دروغ این افراد شامل، همان اراجیفی است که در روزنامه‌های خود رژیم در ۱۵ـ ۱۶سال گذشته به‌طور مستمر تکرار شده است و همین مزدوران در سالهای گذشته به‌سرویسهای پلیس در کشورها مختلف گفته‌اند و حالا می‌خواهند تحت عنوان شهادت در یک مرجع حقوقی ثبت کنند. دروغهایی که همهٔ آنها برای اعضای این پرونده، مثل خود من یا افراد دیگری که در این پرونده هستند، قابل اقامهٔ دعوا و موضوع اعلام جرم است».

مسئول کمیسیون خارجهٔ شورا در همین برنامه ارتباط مستقیم جنبه‌های دیگری از به‌کارگیری اظهارات مزدوران رژیم آخوندی به جای اسناد و مدارک توسط بخش ضدتروریسم دادستانی پاریس را تشریح کرد و گفت:

«جالب این‌جاست که سازندگان پروندهٔ ۱۷ژوئن، مطالب و اسنادی را که نتوانسته‌اند از طریق کنترل تلفنهای دفتر شورا، تعقیب و مراقبت افراد شورا، اسناد و مدارک کاغذی و کامپیوتری که از اور سورواز برده‌اند به‌دست بیاورند، می‌خواهند از یک مشت ایادی وزارت اطلاعات به‌دست بیاورند که برخی از آنها مانند مزدور کریم حقی و مزدور خدابنده بنا به‌گفته‌های خودشان نزد بازپرس، ۱۰ـ۱۵سال است هیچ ربطی به مجاهدین ندارند. البته تفاوت این مزدوران با آن مدارک در اینست که هرچه لازم است، همان را می‌گویند!

این قبل از هر چیز نشان‌دهندهٔ استیصال و افلاس اطلاعات آخوندی و همدستان فرانسوی‌اش می باشد که به‌شدت نیازمند این هستند که این پرونده را که در حال فروپاشی

است به‌نحوی سرپا نگهدارند. بنا به گزارشهایی که از وزارت اطلاعات به دست مقاومت ایران رسیده است سایر مزدورانی که در این پرونده به‌تفصیل شهادت داده‌اند محمد حسین سبحانی، ادهم طیبی، میرعسگری، حسین مشعوفی و ان خدابنده هستند.

اراجیف این ۷نفر به اضافهٔ یکی دو نفر که اسمشان را نخواسته‌اند بگویند که البته برای ما مشخص است چه کسانی هستند، تمامی محتوای این پرونده را تشکیل می‌دهد. با هریک از این مزدوران بارها مصاحبه کرده‌اند، با برخی از آنها بیش از ۱۰بار مصاحبه کرده‌اند.

شرم‌آور است که شعبهٔ ضد تروریستی دادستانی پاریس، تروریستهای آخوندی را به‌مثابه اهرمی علیه پیشتازان مبارزه علیه تروریسم یعنی همین مقاومت، به‌خدمت می‌گیرد و آنها را به‌کار می‌گیرد تا به‌دروغ علیه مقاومت پرونده‌سازی کنند. این نه‌تنها افلاس و استیصال د.اس.ت، شعبهٔ ضد تروریستی اطلاعات فرانسه و شعبهٔ ضد تروریستی دادستانی فرانسه، بلکه فقدان هرگونه پرنسیپ و اخلاق است. از ۱۷ژوئن تا امروز شاید بیش از ۱۵بار با مزدوری به اسم کریم حقی مصاحبه کرده‌اند. مدارک اینها از داخل ایران به‌دست ما رسیده است.

اما در گزارشی که ۱۹نوامبر از مجموعهٔ اظهارت این افراد تهیه شده است تصریح می‌شود که این افراد خودشان آمده‌اند برای شهادت و ما آنها را دعوت نکرده‌ایم.

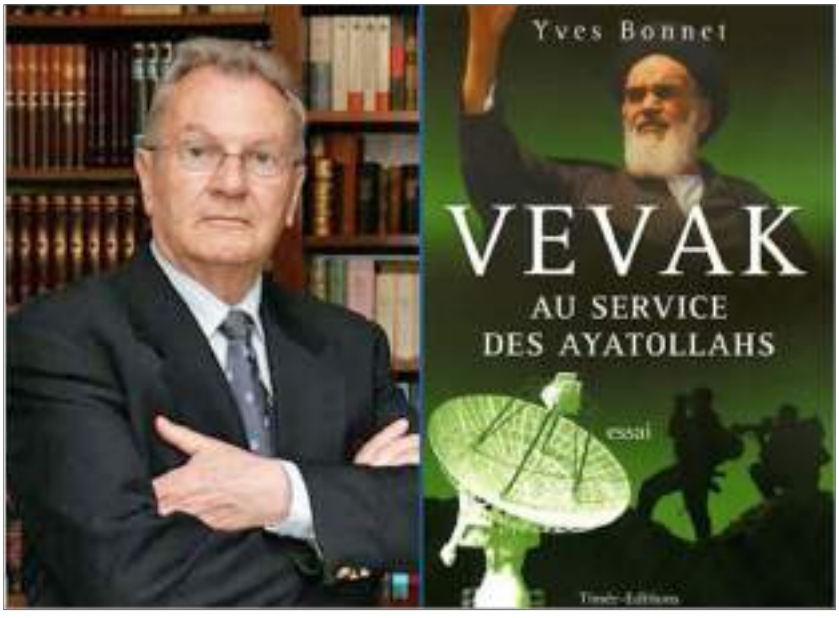
در یکی از بازپرسی‌ها مزدوری به‌اسم مشعوفی که از آلمان برای مصاحبه به‌فرانسه آمده است، در آخر مصاحبه‌اش به‌بازپرس فرانسوی گفته است که من حاضرم مجدداً به فرانسه بیایم و استماع های دیگری با شما داشته باشم و مطالبی را که لازم است بگویم برای این کار البته بایستی هزینه‌های من پرداخت شود و این کار در دورهٔ کلاس های درس من در آلمان نباشد. در مورد بقیهٔ مزدوران هم به‌همین شکل است. مزدوران خودفروش سیاسی، رذالت و خباثت سیاسی را به‌اوج رسانده‌اند.

یکی دیگر از اینها، مزدور خدابنده، در توضیحاتی که داده و در پرونده‌هایی که در وزارت اطلاعات ثبت است، تصریح می‌کند که من آمده‌ام به شما بگویم که منابع مالی مجاهدین ناسالم است، آمده‌ام که بگویم پولهایی را که مجاهدین دارند، از منابع خیریه به‌دست آمده است. مجاهدین پولهایی را به‌اسم خیریه جمع می‌کنند، صرف کارهای سیاسی می‌کنند. صرف فعالیتهای سیاسی شورای ملی مقاومت در خارج کشور می‌کنند و پولهایی را می‌فرستند برای عملیات در داخل کشور و بعد تصریح می‌کند که من همان کسی هستم که در سال۹۷ـ۹۸ به انگلستان گفتم که بنیاد خیریهٔ ایران‌اید[۶] وابسته به مجاهدین است

۶-بنیادی که در انگلستان به قربانیان رژیم کمک می کرد.

و پولهایش برای مجاهدین می‌رود. وی به این مزدوری و جاسوسی افتخار هم می‌کند....».

در مورد استفاده از مزدوران وزارت اطلاعات در ساختن پروندهٔ رسوای ۱۷ژوئن، روایتهای بسیاری وجود دارد. ازجمله آنچه در کتاب ایوبونه، رئیس سابق د.اس.ت نقل شده است. این کتاب که «واواک در خدمت آیت‌الله‌ها» نام دارد، در خرداد۱۳۸۸ منتشر شده است. در قسمتی از این کتاب آمده است:



کتاب واواک در خدمت آیت‌الله‌ها- تألیف ایوبونه رئیس سابق د.اس.ت فرانسه

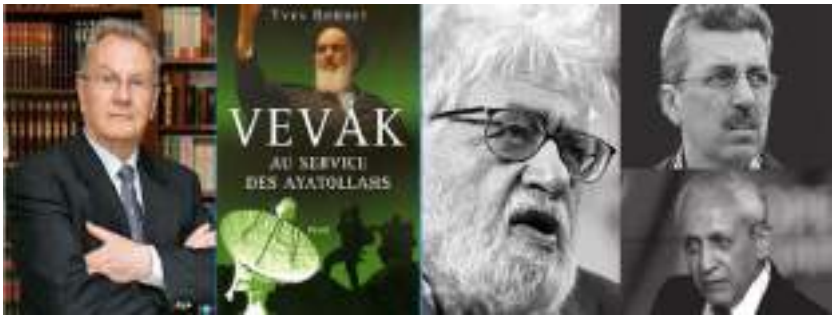
«شیراک در سال۲۰۰۳دستور موج دستگیری بزرگ ۱۷ژوئن را صادرکرد و د.اس.ت تا آنجا پیش رفت که از سالهای۲۰۰۰ با واواک رابطه برقرار نمود، امری که در زمان ریاست‌جمهوری فرانسوا میتران غیر قابل تصور بود....

واواک با موج به پیش می‌رود.... واواک ابتکارات را برای محکم کردن مواضع رسمی و دسترسی به این هدف نهایی که از دور خارج کردن سازمان مجاهدین است تشدید می‌کند. به این منظور، دم و دستگاه پایه‌یی خود در سفارت در پاریس را تقویت می‌کند، از یک طرف انجمنهای پوششی ایجاد می‌کند، از طرف دیگر و بالاخره، تظاهرات ضد مجاهدین سازماندهی می‌کند و ترتیب می‌دهد....

محمد حسین سبحانی یک مأمور واواک در کادر مأموریتی جدید، در چند تظاهرات در اور سورواز در حومه پاریس شرکت می‌کند. سپس آنها علیه اعضای شورای ملی مقاومت ایران که در پی عملیات ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ تحت پیگرد قانونی قرار گرفته‌اند شهادت می‌دهند....

در تفاوت با اقداماتی که واواک در گذشته انجام می‌داد و کارهای مأمورانش را از خارج

کشور هماهنگ می‌کرد، وزارت اطلاعات سیستم فرماندهی را در داخل ایران متمرکز می‌کند. افسران و ماموران وزارت اطلاعات که در اروپا مستقر هستند به تهران فراخوانده می‌شوند و دستورالعمل‌ها را مستقیماً در آنجا دریافت می‌کنند. به منظور به‌راه انداختن مجدد فعالیت‌های وزارت اطلاعات، در ژوئن۲۰۰۸ احسان نراقی از فرانسه، مسعود خدابنده از انگلستان و محمدحسن راستگو از آلمان به ایران فراخوانده می‌شوند....



فرانسه در کانون تار عنکبوتی قرار دارد که مأموران وزارت اطلاعات بطور خستگی ناپذیر دور مقاومت می‌تنند. رژیم ملاها همهٔ توانمندی‌هایش را برای اقناع و فریبکاری به‌کار می‌گیرد تا این‌که کشور ما نقش این تارعنکبوت را بازی بکند».

مزدوران اطلاعات آخوندی که برای د. اس. ت و بازپرس بروگیر براساس دستورالعمل دولت ژاک شیراک جای سند و مدرک و دلیل و برهان را در پرونده‌سازی سیاه ۱۷ژوئن گرفته‌اند، چنان سوابق فضاحت‌باری دارند که زبان از بیان آن قاصر است.

ابوالقاسم رضایی، معاون دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت ایران در برنامهٔ ارتباط مستقیم ۱۱خرداد ۱۳۸۴، گوشهٔ کوچکی از سوابق این مأموران و ارتباط ننگین آنها با دولت وقت فرانسه و بخش ضدتروریسم دادستانی پاریس را تشریح می‌کند:

ابوالقاسم رضایی: «شروع این پرونده به دو سال و نیم قبل از ۱۷ژوئن برمی‌گردد، رژیم با عناصرش، با ابزارش یعنی مزدورانش در اروپا زمینه‌سازی این پرونده را کرده بود. چون خط مماشات با رژیم چیزی نیست که از زمان جنگ عراق شروع شده باشد. قبل از آن هم همواره رژیم تنها خواسته‌اش از طرفهای اروپایی مابه‌ازای قراردادهای اقتصادی این بود که مقاومت را محدود کنند. اینها هم چون دستشان خالی بود از رژیم دلیل و مدرک می‌خواستند در مورد کارهای ما، رژیم هم مجبور بود که پرونده سازی کند.

ابزار این پرونده سازی همیشه کی بوده؟ مزدورانش در اروپا. اتفاقاً در این زمینه بسیار دست بسته بوده. اگر شما دقت کنید و تا آنجایی که همه در جریان پرونده قرار دارند یک عده مزدور مشخصی بودند قبل از ۱۷ژوئن که دروغهایی را به‌خورد سرویسهای فرانسوی دادند. البته آنها هم این دروغها را می‌خواستند. همین مزدورانی که در همین مدت رژیم

به‌کار گرفته چه در آلمان، چه فرانسه چه سایر کشورها، مدعی هستند که از اعضای سابق مجاهدین هستند.در پروسه پرونده آنها را به‌کار گرفته کلی حرفهای دروغ به خورد سرویسهای اطلاعاتی دادند....

خدابنده و طیبی و کریم حقی و مشعوفی و سبحانی.... اینها عناصری هستند که اینجا به کار گرفته شده‌اند. در گزارش دیدبان هم همینطور است، سبحانی و کریم حقی هم همانجا استفاده شده‌اند. یک عده مزدور دارد این‌جا، جلو اور مصرف می‌کند، در آلمان مصرفشان می‌کند و....

گزارش دیدبان چه به‌لحاظ محتوایی بی‌پایه است و چه به‌لحاظ فرم، می‌نیمم‌های تهیه گزارش را رعایت نکرده؛ ولی ابزار به‌کار گرفته شده، همین ۴تا مزدور وزارت اطلاعات هست در این پرونده، در توطئه برای ۱۷ژوئن و الان هم برای سرپا نگه‌داشتن این پروندهٔ مفتضح باز هم به‌کارشان می گیرند. این علامت چیه؟ دست خالی رژیم است یعنی میدان مانورش و عناصری که می‌خواهد به‌کار بگیرد، خوب اینجا آمد در تظاهرات فرانسه کاملا شکست خورد....

مزدور اکبر اکبری فرزند حسین خودش قبلاً نوشته بود در حالی که سعی کردم تا از اعتماد سازمان مجاهدین و ارتش آزادیبخش برخوردار شوم.... با بالا گرفتن آتش مبارزه مسلحانه احساس خطر کردم،[۷] لذا توطئه‌یی را طراحی کردم که با برداشتن مدارکی از ارتش آزادیبخش فرار کنم و.... من از سرنوشت خائنین دیگر هم چون عدالتیان عبرت نگرفتم.

یا مزدور رامین دارمی نامه‌ای به برادر گرامی‌اش «حاج سعید» [در وزارت اطلاعات] نوشته و گفته سرتیم من برادر محمدحسین سبحانی بود که همراه با علی قشقاوی، طالب جلیلیان و علی اشرفی در یک تیم‌بندی قرار گرفته بودیم. برادران اطلاعات روزانه نزد ما می‌آمدند و هر چه بود حل می کردند و در این فاصله با حاج محمود صحبت کردیم.

سبحانی سرتیم قشقاوی بوده. حالا قشقاوی کی بوده؟

این یک نفوذی خطرناکی بوده که شرم دارم همه اعترافات قبلی او را بخوانم. او گفته که جزو همین پاسدارها و کمیته‌چی‌ها بوده است. یک بار دو دختر در حین دیدن فیلم ویدئو دستگیر شدند و کمیته آنها را تحویل سپاه بابل داد، آن دو خیلی جوان بودند حدود ۲۰سال داشتند و بعد آنها به دختران تجاوز کردند، بعد سران بالای سپاه هم به آنها تجاوز کردند، ما هم کردیم، بعد آنها را بردیم جنازه آنها را در پست سپاه بابل به داخل رودخانه انداختیم. یک بار هم، یک خانواده را به‌خاطر داشتن مجله دستگیر کردیم آنها را گرفتیم

۷-این از نفوذیهایی بوده که وقتی عملیات زیاد شده احساس خطر کرده بود.

یک دختر داشتند به آنها هم تجاوز کردیم....

استفاده از مزدوران رسوا و برگهای سوختهٔ اطلاعات آخوندی به‌جای سند و مدرک، با آن‌که یکی از دلایل اصلی رسوا شدن پروندهٔ کودتای ننگین ۱۷ژوئن بود، اما در تلاشهای بعدی دولت ژاک شیراک برای بازسازی پروندهٔ رسوای ۱۷ژوئن هم‌چنان ادامه داشته است. در فاصلهٔ ۱۲تیر ۱۳۸۲ که این پرونده اولین ضربه را با آزادی رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت دریافت کرد تا خرداد ۱۳۸۵ و صدور حکم دادگاه استیناف پاریس مبنی بر رفع محدودیت از کسانی که بر اساس این پرونده متهم شده بودند، بخش ضدتروریسم دادستانی پاریس تلاش کرد تا پروندهٔ خالی و بدون سند و مدرک ۱۷ژوئن را با استفاده از اظهارات همین مأموران اطلاعات آخوندی، تحت عنوان اتهام پولشویی، بازسازی کند تا به‌خواست آخوندها از بسته‌شدن آن جلوگیری شود. این بخش از زدوبندهای دولت شیراک با دیکتاتوری فاشیستی ولایت‌فقیه البته رسواتر از قبل است.»

محمد محدثین مسئول کمیسیون خارجهٔ شورای ملی مقاومت ایران پس از اعلام حکم دادگاه استیناف پاریس در برنامهٔ ارتباط مستقیم ۳۱خرداد ۱۳۸۵ در این مورد گفت:

محمد محدثین: «یک رشته دیگر از فعالیت‌های رژیم، فرستادن یک تعداد از مزدوران خودش تحت نام اعضای مجاهدین به دستگاههای فرانسوی بود. در حالی که هیچ چیزی در این پرونده وجود نداشت عده‌یی را تحت عنوان اعضای مجاهدین از قبیل کریم حقی و.... فرستاد شهادت بدهند که ما در درون مجاهدین بودیم و اینها این جرایم تروریستی و مالی و.... را مرتکب شدند. از بنیادهای خیریه سوءاستفاده می‌کنند و در داخل خودشان سرکوب و شکنجه می‌کنند.

بر همین سیاق، هزاران صفحه پرونده تولید کرده‌اند که من و ابوالقاسم رضایی آنها را خوانده‌ایم. مطالب آن حرفهای ۶ یا ۷نفر از مزدوران وزارت اطلاعات تحت عنوان اعضای سابق سازمان مجاهدین است. این پرونده روی آدم‌هایی است که وزارت اطلاعات برایشان مدرک تولید کرده و آن را به دستگاه بازپرسی فرانسه داده‌اند. آن‌قدر مزخرف است که هر آدم عاقلی نگاه کند، می‌فهمد دروغ است و هیچ قاضی شرافتمندی این حرفها را جدی نمی‌گیرد».

ابوالقاسم رضایی، معاون دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت ایران که خود یکی از اهداف این توطئه است، در همین برنامهٔ ارتباط مستقیم که پس از صدور حکم دادگاه استیناف پاریس برگزار می‌شد، در مورد استفادهٔ مستمر دستگاه ضدتروریسم دادستانی پاریس از مأموران اطلاعات آخوندی، توضیحات روشنگرانه‌یی داده است:

ابوالقاسم رضایی: «بعد از ضربه اولیه و توطئه ۱۷ژوئن، رژیم به‌یک ترتیبی می‌خواست با پول خرج کردن و اطلاعات دروغ به دستگاههای اطلاعاتی فرانسه و به‌خصوص استفاده

از مزدوران پیشانی سیاه این پرونده سرپا باشد و این محدودیتها ادامه پیدا کند. پرونده خالی بود و حتماً خواسته بودند چیزی گفته شود تا این پرونده ادامه پیدا کند. اینها یک بسیج داده بودند برای این مزدوران که یکی از اسناد خیانت‌شان این مطالبی است که در مورد ما نوشتند و شهادتهای مزخرف و دروغی که نوشتند و صحبتی داشتیم با وکیلمان که شهادت دروغ جرم است و قابل تعقیب جزایی است.... اموال یک مقاومت تحت سرکوب را باید بدهند. حدود ۸میلیون دلار از صندوق مقاومت و جیب دستگیرشدگان و ۲۰۰کامپیوتر را برده‌اند که باید پس بدهند. قبلاً خودشان گفتند اثری از تروریسم نیست و رفتند روی مالی. من در د. اس. ت گفتم من مسئول مالی شورا هستم و حاضرم سانتیم به سانتیم آن را توضیح دهم. پوشال بودن این پرونده از اینجا روشن بود، با این‌که گفتم مسئول مالی شورا هستم، یک سؤال از من نکردند. جالب است ۱۳۰۰نیروی انتظامی را ریختند و یک عده را دستگیر کردند. اول روی موضوع اتهام که ما را برای چی گرفتید یعنی روی موضوع اصلی سؤالی نشده و مشخص است که نتیجه معامله بوده است. البته خودشان گفتند که منبع پولها سالم بوده است. حتی کسانی که به ما کمک کردند، به من این اجازه را دادند که در هر دادگاهی حاضر شوند و شهادت دهند به‌شرطی که اطلاعات به رژیم آخوندی نرسد؛ اگر برسد ما حاضر نیستیم اسم کسانی را که کمک کرده‌اند بدهیم».

ابوالقاسم رضایی هم‌چنین در فروردین۸۶ طی سخنانی در گردهمایی اعتراضی ایرانیان آزاده در پاریس به‌همین زدوبند رسوای آخوندها با دولت شیراک اشاره کرد.

ابوالقاسم رضایی: «آخرین برگ پرونده معاملات این دولتمردان با جانیان حاکم بر ایران، اتهام رذیلانهٔ پولشویی به مقاومت ایران در پرونده‌یی است که ۴سال است روی دست بخش ضدتروریستی دادسرای پاریس مانده است. چون با پوشالی بودن و رنگ باختن هر اتهامی به مقاومت، اتهام جدیدی عنوان می‌شود تا پرونده‌یی را که در نقطهٔ مرگ قرار دارد، زنده نگاه‌دارند.

۴سال قبل، در شرایطی که قلب مقاومت ایران، اشرف قهرمان آماج بمباران و توطئه بود، دولتمردان فرانسوی در یک معاملهٔ ننگین چند میلیاردی به افراد مقاومت ایران و دفتر شورای ملی مقاومت ایران حمله کردند، تا برای خوشایند ملاهای ضدبشر، مقاومت ایران را متلاشی کنند. اتهامشان چه بود؟ تروریسم و جمع‌آوری کمک برای کارهای تروریستی. اموال و پولهای ما را تحت این عنوان مصادره کردند. به‌زودی مجبور شدند که در روزنامه‌ها اعلام کنند که منشأ پولهای به‌دست آمده از دفتر شورا آلوده نیست و بعد از مدتی مجبور شدند از اتهام تروریسم هم دست بکشند چون هیچ عملی که مصداق این اتهام رذیلانه باشد از مقاومت ایران سر نزده بود و حالا جهت پرونده را عوض کرده

و سراغ اتهام پولشویی رفته‌اند.

کمک هایی که به‌دست مقاومت ایران می‌رسد نیازی به پولشویی ندارد و پاک است. آنچه که نیازمند پولشویی است، پولهایی است که از طرف رژیم ایران می‌رسد.

من به‌عنوان یکی از نفراتی که در ۱۷ژوئن هدف این توطئه قرار گرفتم بارها اعلام کردم که از موضع مسئولیتم آماده‌ام که در مورد سانتیم به سانتیم پولهای به‌دست آمده توضیح بدهم، ولی می‌دانید که در این ۴سال و از زمانی‌که در اثر مقاومت هموطنانمان و تلاشهای وکلایمان بیرون آمدیم حتی یکبار در این زمینه از من سؤال نکرده‌اند. مگر برای شما روشن نشد که منشأ پولها آلوده نیست چرا آنها را پس نمی‌دهید؟ پولهای توی جیب وکشو افراد را چرا بردید و چرا برنمی‌گردانید؟

آیا کامپیوتر ابزار تروریستی است که ۲۰۰ کامپیوتر ما را بعد از ۴سال هنوز پس نداده‌اید؟ آیا ادامهٔ این مصادره ضدعادلانه برای خوشایند ملایان نیست؟».

یک نیاز مبرم دیگر اطلاعات آخوندها و اطلاعات فرانسه این بود که این همانی شورای ملی مقاومت ایران را با سازمان مجاهدین خلق ایران نشان بدهند. چرا که در لیست تروریستی اتحادیه اروپا، شورای ملی مقاومت ایران صراحتاً از برچسب تروریستی مستثنی شده بود.

بر این اساس هیچ دولت یا ارگان رسمی و سرویس اطلاعاتی اروپایی نمی‌توانست مانع فعالیت‌های قانونی شورا و مسئولان و اعضا و هواداران آن تحت نام شورا بشود یا به آن برچسب تروریستی بزند و همین مانع کار و پرونده‌سازی‌های مشترک اطلاعات فرانسه و اطلاعات آخوندها بود. بنابراین آنها به‌شدت نیازمند اثبات این همانی شورا و مجاهدین بودند تا بتوانند برچسب تروریستی را به‌کار بیندازند و بر اساس آن، حمله ۱۷ژوئن و سرکوب و بگیر و ببندها و محدودیتها و مجازاتهای بعدی را توجیه کنند.

این‌جاست که وزارت اطلاعات آخوندها بار دیگر مأموران خود را تحت عنوان « اعضای سابق مجاهدین » به‌کار می‌گیرد. محدثین در این باره می‌گوید:

محمد محدثین: «یک رشتهٔ دیگر از حرفهایی که این مزدوران مطرح کرده‌اند، این است که مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت یک پدیده هستند. سالهاست که رژیم برای این موضوع زحمت بیهوده می‌کشد که نشان دهد شورای ملی مقاومت همان سازمان مجاهدین خلق است.

یک رشتهٔ دیگر از حرفها این است که منابع مالی شورای ملی مقاومت یا سازمان مجاهدین خلق ایران منابع سازمانهای خیریهٔ ایرانی است. در این رابطه به یک نمونه اشاره می‌کنیم: در صحبت‌های خدابنده، طیبی و سبحانی و حقی تصریح شده است پولهایی که توسط سازمانهای خیریهٔ ایرانی جمع‌آوری می‌شود، برای خرید سلاح و برای عملیات نظامی در ایران مصرف می‌شود.

تصمیم شورای اتحادیهٔ اروپا مبنی بر مستثنی کردن شورای ملی مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی ایران از لیست تروریستی -صفحهٔ ۱

COUNCIL DECISION

of 2 May 2002

implementing Article 2(3) of Regulation (EC) No 2580/2001 on specific restrictive measures directed against certain persons and entities with a view to combating terrorism and repealing Decision 2001/927/EC

(2002/334/EC)

THE COUNCIL OF THE EUROPEAN UNION,

Having regard to Council Regulation (EC) No 2580/2001 of 27 December 2001 on specific restrictive measures directed against certain persons and entities with a view to combating terrorism (1), and in particular Article 2(3) thereof,

Whereas:

(1) On 27 December 2001, the Council adopted Decision 2001/927/EC establishing the list provided for in Article 2(3) of Council Regulation (EC) No 2580/2001 on specific restrictive measures directed against certain persons and entities with a view to combating terrorism (2). On that occasion, the Council stated that this list constitutes the first stage in the implementation of the Regulation and that it will quickly be followed up with further lists.

(2) It is desirable to adopt an updated list of persons, groups and entities to which the aforesaid Regulation applies,

HAS DECIDED AS FOLLOWS:

Article 1

The list provided for in Article 2(3) of Regulation (EC) No 2580/2001 shall be as follows:

1. PERSONS

1. AL-MUGHASSIL, Ahmad Ibrahim (a.k.a. ABU OMRAN; a.k.a. AL-MUGHASSIL, Ahmed Ibrahim) born 26.6.1967 in Qatif-Bab al Shamal, Saudi Arabia; citizen Saudi Arabia
2. AL-NASSER, Abdelkarim Hussein Mohamed, born in Al Ihsa, Saudi Arabia; citizen Saudi Arabia
3. AL YACOUB, Ibrahim Salih Mohammed, born 16.10.1966 in Tarut, Saudi Arabia; citizen Saudi Arabia
4. ATWA, Ali (a.k.a. BOUSLIM, Amrmar Mansour; a.k.a. SALIM, Hassan Rostom), Lebanon, born 1960 in Lebanon; citizen Lebanon
5. EL-HDOUHE, Ali Saed Bin Ali (a.k.a. AL-HOURI, Ali Saed Bin Ali; a.k.a. EL-HOURI, Ali Saed Bin Ali) born 10.7.1965 alt. 11.7.1965 in El Dhubiya, Saudi Arabia; citizen Saudi Arabia
6. IZZ-AL-DIN, Hasan (a.k.a. GARBAYA, AHMED; a.k.a. SA-ID; a.k.a. SALWWAN, Samir), Lebanon, born 1963 in Lebanon, citizen Lebanon
7. MOHAMMED, Khalid Shaikh (a.k.a. ALI, Salem; a.k.a. BIN KHALID, Fahd Bin Adballah; a.k.a. HENIN, Ashraf Refaat Nabith; a.k.a. WADOOD, Khalid Adbul) born 14.4.1965 alt. 1.3.1964 in Kuwait; citizen Kuwait
8. MUGHNIYAH, Imad Fa'iz (a.k.a. MUGHNIYAH, Imad Fayiz), Senior Intelligence Officer of HIZBALLAH, born 7.12.1962 in Tayr Dibba, Lebanon, passport No 432298 (Lebanon);

2. GROUPS AND ENTITIES

1. Aum Shinrikyo (a.k.a. AUM, a.k.a Aum Supreme Truth, a.k.a. Aleph)
2. Babbar Khalsa
3. Gama'a al-Islamiyya (Islamic Group), (a.k.a. Al-Gama'a al-Islamiyya, IG)

(1) OJ L 344, 28.12.2001, p. 70.
(2) OJ L 344, 28.12.2001, p. 83.

تصمیم شورای اتحادیهٔ اروپا مبنی بر مستثنی کردن شورای ملی مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی ایران از لیست تروریستی -صفحهٔ ۲

4. Hamas-(Izz al-Din al-Qassem (terrorist wing of Hamas)
5. International Sikh Youth Federation (ISYF)
6. Kurdistan Workers' Party (PKK)
7. Lashkar e Tayyaba (LET)/Pasban-e-Ahle Hadis
8. Mujahedin-e Khalq Organisation (MEK or MKO) (minus the 'National Council of Resistance of Iran' (NCRI)) (a.k.a. The National Liberation Army of Iran (NLA, the military wing of the MEK), the People's Mujahidin of Iran (PMOI), National Council of Resistence (NCR), Muslim Iranian Student's Society)
9. Palestinian Islamic Jihad (PIJ)
10. Revolutionary People's Liberation Army/Front/Party (DHKP/C), (a.k.a. Devrimci Sol (Revolutionary Left), Dev Sol)
11. Shining Path (SL) (Sendero Luminoso)
12. United Self-Defense Forces/Group of Colombia (AUC) (Autodefensas Unidas de Colombia).

Article 2

Council Decision 2001/927/EC is hereby repealed.

Article 3

This Decision shall be published in the Official Journal.

It shall take effect on the day of its publication.

Done at Brussels, 2 May 2002.

For the Council
The President
J. PIQUÉ I CAMPS

یکی دیگر از مطالبی که مزدوران در این شهادتها گفته‌اند و تلاش کرده‌اند اثبات کنند، این است که دفتر شورای ملی مقاومت در اور در حومهٔ پاریس و مقر رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت، مرکز عملیات مجاهدین در داخل ایران بوده است. البته این حرف احمقانه‌یی است و کسی آن را جدی نمی‌گیرد که مثلاً یکی در پاریس نشسته باشد و عملیاتی را در ۶ هزار کیلومتر آن طرف‌تر در تهران فرماندهی کند. این حرف مبتذلی است و به جایی هم نمی‌رسد.

می‌خواهد بگوید که در اور در مقر رئیس‌جمهور این مقاومت، شما کار سیاسی نمی‌کنید، فرماندهی عملیات نظامی در داخل ایران می‌کنید و بعد انگ تروریسم بزند به آن عملیات و آن عملیات را منتسب کند به مقر رئیس‌جمهور این شورا و بعد بگوید که این شورا درگیر تروریسم است. البته کل این ابلهانه است، نه کسی قبول می‌کند که آن عملیات طینت تروریستی دارد، و نه کسی قبول می‌کند که آن عملیات از اور فرماندهی شده و نه کسی حرف این مزدوران را قبول می‌کند».

محمد محدثین در همین‌جا بر اساس اطلاعاتی که مقاومت ایران از داخل رژیم به‌دست آورده است، فاش می‌کند که علاوه بر شهادت ساختگی مأموران رسمی وزارت اطلاعات آخوندها، یک شهادت دروغ دیگر هم در این پرونده موجود است. شهادت بنی‌صدر در برابر مأموران اطلاعات فرانسه، که با سفلگی تمام به خدمت فاشیسم مذهبی شتافته و درست در سر بزنگاه بر روی مریم و مسعود رجوی خنجر می‌کشد. همان مسعود که جان او را پس از ۳۰خرداد سال ۶۰ نجات داد، او را به خانه و پایگاه خودش برد تا از دسترسی و گزند رژیم خمینی حفاظت شود و سپس به پاریس رساند. مسعود، آن‌چنان‌که بعدها عباس داوری تشریح کرد، به همه مجاهدین در آن خانه سفارش و تأکید کرده بود که اگر پاسداران به اینجا بریزند، فقط در یک صورت می‌توانند به بنی‌صدر دست پیدا کنند. فقط در صورتی که از روی جسد همه مجاهدین به‌ویژه اشرف و فرزندش عبور کنند....

اکنون بنگریم که بنی‌صدر، بر سر بزنگاه، چگونه تلافی می‌کند و چگونه برای اطلاعات آخوندها و اطلاعات فرانسه کمر به چاکری می‌بندد:

سؤال: یک سؤال در رابطه با پروندهٔ ۱۷ژوئن، آیا به جز افرادی که شما اسم بردید، کسان دیگری علیه مقاومت و علیه شورا در این پرونده وارد شده‌اند و صحبت کرده‌اند و شهادت داده‌اند یا خیر؟

محمد محدثین: «خیر، در این پرونده هیچ‌کس جز عوامل وزارت اطلاعات یعنی همین افرادی که خودشان را به‌عنوان اعضای سابق مجاهدین معرفی می‌کنند نیست، فقط یک شهادتی است که گفتم بنی‌صدر علیه مقاومت ایران برای مأموران فرانسوی و برای رژیم آخوندی و اطلاعات آن خوش‌خدمتی کرده است.

داستان بنی‌صدر با ما طولانی است. شورای ملی مقاومت سرانجام در ابتدای سال۱۳۶۳

به اتفاق آرا او را به همسویی با رژیم اخراج کرد و چند ماه بعد هم نامه‌نگاری مخفیانه او با خمینی افشا شد که به خمینی نوشته بود شما بزرگی را از سر بگیرید!

در شهادتش نزد مأموران اطلاعات و دادستانی فرانسه هم عیناً آنچه را که آنها می‌خواستند، گواهی می‌داد. این‌که شورای ملی مقاومت و مجاهدین یک پدیده هستند. وی می‌گوید در شورای ملی مقاومت چیزی غیر از مجاهدین وجود ندارد. من حتی می‌توانم به شما بگویم، من تنها عضو مستقل شورای ملی مقاومت بودم و با من تمام اعضای مستقل شورای ملی مقاومت، این شورا را ترک کردند، من می‌توانم به شما بگویم که شورای ملی مقاومت وجود خارجی ندارد. این در واقع سازمان مجاهدین است و هیچ چیز دیگری نیست، آنها فقط خودشان را شورا می‌گویند که ایزوله نشوند، آنها می‌خواهند از تصویر من استفاده کنند، و از مشروعیتی که من داشتم بهره ببرند! امروز شورا و مجاهدین و ارتش آزادیبخش یکی هستند و هیچ عضوی در شورا غیر از مجاهدین وجود ندارد.

جالب است بدانید که این کسانی که اسم بردیم از آنها، یعنی حقی، طیبی، خدابنده، و سبحانی و.... همهٔ این مزدوران، در زمانهایی که برای گزارش دادن به د. اس. ت یا برای شهادت دادن علیه مقاومت ایران به پاریس آمده‌اند، با بنی‌صدر هم ملاقات داشته‌اند و عکسهایشان هم هست که نشان می‌دهد این فرد تا کجا در همکاری با مزدوران وزارت اطلاعات علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت پیش رفته است».

روشنگریهای محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجهٔ شورای ملی مقاومت و ابوالقاسم رضایی، معاون دبیرخانهٔ شورا مبنی بر این‌که ابزار اصلی و تنها ابزار پرونده‌سازی علیه مجاهدین برای زمینه‌سازی یورش ۱۷ژوئن و هم‌چنین برای سرپا نگه‌داشتن این پرونده خالی که محصول معامله با رژیم بود، اظهارات و شهادتهای دروغ مأموران پیشانی سیاه وزارت اطلاعات بوده است، توسط گزارش مشترک کنگره و وزارت دفاع آمریکا که در دیماه۱۳۹۱ منتشر شد، مهر تأیید خورد.



بر اساس این گزارش مأموران وزارات اطلاعات، با عنوان اعضای سابق مجاهدین مأموریت داشتند که سرویسهای اطلاعاتی دولتهای مختلف را با دروغپردازی علیه مجاهدین تغذیه کنند. آن‌چه از سوی دولتها، تحت عنوان مدارک و اسناد تروریستی سازمان مجاهدین خلق ایران به دادگاههای آمریکا، انگلستان و دادگاه عدالت اروپا ارائه شده بود و پس از کارزارهای سنگین از مصونیت محرمانه بودن خارج شد و توسط وکلا و شخصیتهای سیاسی و حقوقی مورد ارزیابی قرار گرفت، چیزی جز بافته‌های همین مأموران اطلاعات آخوندی نبود و به‌همین دلیل هم بود که تمامی این دادگاهها بدون استثنا، علیه دولتهایی که طرف دعوای مجاهدین بودند، رأی دادند.

نگاهی به قسمتی از گزارش پنتاگون در مورد وزارت اطلاعات رژیم ایران که بر اساس تحقیقات مشترک کنگره و وزارت دفاع تهیه شده، از این جهت گویاست:

گزارش پنتاگون دربارهٔ وزارت اطلاعات رژیم ایران

تحقیقات مشترک کنگره و وزارت دفاع

«وزارت اطلاعات رژیم ایران در خارج هم عضوگیری می‌کنند، در سال‌های ۱۹۹۰تا ۱۹۹۳ اعضای سابق مجاهدین خلق را در اروپا عضوگیری کرد و آنها را برای راه‌اندازی کارزار اطلاعات دروغ علیه مجاهدین به‌کار گرفت. مجاهدین خلق یک گروه ضد رژیم جمهوری اسلامی است که در دههٔ ۶۰ تشکیل شده و نقش مهمی در انقلاب ایران ایفا کرد، اما بعد از انقلاب، به‌خاطر اختلافات ایدئولوژیکی که با حکومت داشت، رژیم جمهوری اسلامی مجاهدین را تهدید نظام تلقی کرد. مجاهدین خلق عملیات متعددی علیه رژیم ایران انجام داده است. رژیم ایران و دستگاه اطلاعاتی آن مجاهدین خلق را جدی‌ترین سازمان مخالف نظام می‌دانند....

بعد از جنگ ۱۹۹۱ علیه عراق، وزارت اطلاعات جنگ روانی علیه مجاهدین خلق را به‌عنوان اصلی‌ترین اهداف خود تعیین کرد اما به‌رغم اینها مجاهدین خلق به‌عنوان یک سازمان جدی و قابل‌اتکا سر پا مانده است.

جذب یک فرد انگلیسی به نام اَن سینگلتون و همسر ایرانی او مسعود خدابنده، یک نمونهٔ گویاست از این‌که وزارت اطلاعات چگونه غیرایرانیها را مجبور به همکاری می‌کند.

اَن سینگلتون در اواخر دههٔ ۸۰ با مجاهدین خلق مرتبط بوده و مسعود خدابنده و برادر او ابراهیم در آن زمان هر دو از اعضای مجاهدین بودند. در سال ۱۹۹۶ مسعود خدابنده تصمیم به ترک این سازمان گرفت. بعد از آن، او با اَن سینگلتون ازدواج کرد. به فاصله کمی بعد از این ازدواج، وزارت اطلاعات با تهدید به این‌که اموال گسترده مادر خدابنده را در تهران ضبط می‌کند، آنها را مجبور به همکاری کرد. سینگلتون و خدابنده حاضر به همکاری با وزارت اطلاعات و جاسوسی علیه مجاهدین خلق شدند. در سال ۲۰۰۲ سینگلتون در تهران با عوامل

وزارت اطلاعات که نسبت به سابقه او علاقه‌مند بودند ملاقات کرد. اَن سینگلتون در حین اقامت خود در تهران، آموزشها و تعلیمات وزارت اطلاعات را فرا گرفت و به‌دنبال بازگشت به انگلستان در زمستان۲۰۰۲ او سایت اینترلینک را راه‌اندازی کرد.

در سال۲۰۰۴ سینگلتون نهایتاً برادر همسر خود به نام ابراهیم را بعد از این‌که در سوریه دستگیر شده و از سوریه به ایران فرستاده شده بود ملاقات کرد. به‌نظر می‌رسد که رژیم سوریه از نزدیک با وزارت اطلاعات همکاری می‌کند، نهایتاً وزارت اطلاعات ابراهیم خدابنده را هم مجبور به همکاری با خود کرد....

بزرگترین بخش وزارت اطلاعات، مدیریت دروغپراکنی (یا نفاق) است که از جنگ روانی و دروغپراکنی علیه مخالفان دولت استفاده می‌کند. این بخش مسئول به‌کارگیری جنگ روانی جهت فریب رسانه‌ها و گمراه کردن دیگر آژانسهای اطلاعاتی در مورد توانمندیهای اطلاعاتی و نظامی ایران می‌باشد.... علی یونسی، وزیر اطلاعات سابق، در اکتبر۲۰۰۴ در تلویزیون دولتی گزارش داد که بخش دروغ‌پراکنی وزارت اطلاعات، هزاران مأمور از جمله برخی اعضای سابق مجاهدین را استخدام کرده تا کارکرد این بخش را تقویت کنند».



THE LIBRARY OF CONGRESS

IRAN'S MINISTRY OF INTELLIGENCE AND SECURITY: A PROFILE

A Report Prepared by the Federal Research Division
Library of Congress
under an Interagency Agreement with the
Combating Terrorism Technical Support Office's
Irregular Warfare Support Program

December 2012

Federal Research Division
Library of Congress
Washington, D.C. 20540-4840
Tel: 202-707-3900
Fax: 202-707-3920
E-Mail: frd@loc.gov
Homepage: http://www.loc.gov/rr/frd/

★ 64 Years of Service to the Federal Government ★
1948 – 2012

گزارش مشترک کنگره و وزرات دفاع امریکا- دی ماه ۱۳۹۱

TABLE OF CONTENTS

PREFACE i
1. EXECUTIVE SUMMARY 1
2. GROUP NAMES AND ALIASES 2
3. GROUP TYPE 3
4. OBJECTIVES 3
5. ETHNIC, POLITICAL, AND RELIGIOUS ORIENTATION 4
5.1 Ethnic Composition 4
5.2 Political Affiliation and Religious and Ideological Orientation 4
6. HISTORICAL BACKGROUND 5
7. ORGANIZATION 10
8. PRI
9. HE
10. CO
11. ME
12. ME
13. TR
14. ME
14.
14.
15. IN
15.
15.
15.
16. MC
17. PR
18. FI
19. FO
20. US
21. TE
22. IN
23. KE
24. CH

anti-MEK psychological warfare one of its main objectives, but MEK nonetheless has remained a viable organization. Aside from MEK, MOIS assassins also targeted opposition figures in cities abroad such as Baghdad, Berlin, Dubai, Geneva, Istanbul, Karachi, Oslo, Paris, Rome, and Stockholm.[61]



Anne Singleton and Masoud Khodabandeh
Source: http://www.mesconsult.com/

The recruitment of a British subject, Anne Singleton, and her Iranian husband, Masoud Khodabandeh, provides a relevant example of how MOIS coerces non-Iranians to cooperate. She worked with MEK in the late 1980s. Masoud Khodabandeh and his brother Ibrahim were both members of MEK at the time. In 1996 Masoud Khodabandeh decided to leave the organization. Later, he married Anne Singleton. Soon after their marriage, MOIS forced them to cooperate by threatening to confiscate Khodabandeh's mother's extensive property in Tehran. Singleton and Khodabandeh then agreed to work for MOIS and spy on MEK. In 2002 Singleton met in Tehran with MOIS agents who were interested in her background. She agreed to cooperate with MOIS to save her brother-in-law's life—he was still a member of MEK at the time. During her stay in Tehran, she received training from MOIS. After her return to England, she launched the *iran-interlink.org* Web site in the winter of 2002. After she made many trips to Iran and Singapore—the country where the agency contacts its foreign agents—MEK became doubtful of Singleton and Khodabandeh's loyalty to the organization. In 2004 Singleton finally met her brother-in-law, Ibrahim, who was sent from Syria to Iran after the

[61] "Masters of Disinformation," *Iran Terror Database*, November 22, 2005, 2, http://www.iranterror.com/index2.php?option=com_content&do_pdf=1&id=113 (accessed April 11, 2012); "Mujahedeen-e Khalq (MEK)," Federation of American Scientists, Intelligence Resource Program, July 13, 2004, http://www.fas.org/irp/world/para/mek.htm (accessed May 18, 2012).



Figure 4. Iran's Ministers of Intelligence and Security in Successive Administrations, 1985–Present
Source: Compiled from multiple sources used in the preparation of this report.


Saeed Hajjarian
Source: http://www.rferl.org

Many deputies have led the different directorates of MOIS since its establishment, but only a few were important figures in the organization. One of them was Saeed Hajjarian, one of the founders of the ministry. It is believed that he was the real brains of the Iranian intelligence system after the Revolution. He became the deputy of the first minister of intelligence and security (Reyshahri) after the ministry's establishment in 1984 and designed and organized the intelligence apparatus of the Islamic Republic. When Fallahian, the second minister, a hard-line cleric, came to office, Hajjarian left the ministry because he believed the new minister had a controversial reputation. Hajjarian and other leftist revolutionaries recognized that Iran needed a political opening; otherwise, the Islamic Republic would not last. Thus, he became the leading strategist for the reform movement in Iran. After Khatami's election as president in 1997, Khatami appointed Hajjarian as his advisor. In 2000 Hajjarian was assassinated by hard-liners.[8]

Saeed Emami (or Saeed Eslami) was the director of the Security Directorate and the most controversial MOIS deputy because he was in charge of the operation known as the "Chain Murders" that assassinated Iranian intellectuals in the 1990s. His scholarship to study in the United States in 1977 and his family's background (they were affiliated with the shah's regime) raised questions about his loyalty and suitability for employment by MOIS. Under Reyshahri's tenure, Emami held a key position in the Foreign Directorate. After Fallahian became minister of intelligence and security, Emami became director of the Security Directorate, the organization's main directorate. After a series of murders of Iranian intellectuals, which led President Khatami to conduct an investigation,


Saeed Emami
Source: http://www.saidy-sheikh.blogspot.com

[8] Mahmoud Sadeqi, "Reformist Strategist Saeed Hajjarian," *Tehran Bureau*, PBS, July 9, 2009, http://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/tehranbureau/2009/07/reformist-strategist-saeed-hajjarian.html (accessed 17 May, 2012).

Emami's role in these murders was exposed, and he was arrested. The ministry announced later that Emami committed suicide in prison.[9]

Mostafa Pourmohammadi was the attorney general of the Islamic Revolutionary Court—a special court in Iran that tries those who are suspected of threatening the Revolution and Islam— in Khorramdan and Khorasan provinces before he became director of the MOIS Counterintelligence Directorate in 1987. In 1991 he became the deputy head of MOIS. In 1997–98 he held the position of director of the Foreign Directorate of MOIS. In 2005, after President Ahmadinejad's first election, he was the main candidate for minister of intelligence and security. However, he ended up as minister of interior. He was forced by Ahmadinejad to resign in 2008 because of serious disagreements with the president.[10]


Mostafa Pourmohammadi
Source:
http://az-ebrahimmostafa.com/

At any given time, it is difficult to identify top personnel of MOIS other than the minister, but under the current administration, a man named Gousta seems to be the deputy head of the ministry, and another man named Ahangaran appears to run the Technology Directorate.[11]

9. HEADQUARTERS

MOIS headquarters appears to be in North Tehran.[12] (see map and photos in Appendix)

[9] Ebrahimi, "Who is Saeed Emami?"
[10] "Mostafa Pourmohammadi's Biography" [مصطفی پورمحمدی، بیوگرافی] *Khabarnegar Online* [Tehran], February 20, 2008, http://khabarnegaronline.ir/news-2420.aspx (accessed May 17, 2012); "Mostafa Pourmohammadi: I Had No Role in the Chain Murders."
[11] "The Deputy of the Minister of Intelligence: Enemies' Aggression is a Sign of Achievements by the Islamic Republic" [معاون وزیر اطلاعات: تهاجم دشمنان نشانه افتخارات نظام در کل نظام اسلامی است] Islamic Republic News Agency [Tehran] September 9, 2011, http://irna.ir/ViewSite.aspx?lNlD=8458830 (accessed May 17, 2012). The Islamic Republic News Agency (IRNA) is the official news agency in Iran that speaks for the government. "The Ministry of Intelligence Deputy: The Internet Network is a Spy" [معاون وزیر اطلاعات: شبکه جاسوسی در اینترنت] *Abrar Newspaper* [Tehran], April 5, 2012, http://www.alabarnews.ir/vdcghh0t0bbbdzy.xae.html (accessed May 17, 2012); "The Ministry of Intelligence Deputy: We Have Identified Two New Threats" [معاون وزیر اطلاعات: دو تهدید جدید را شناسایی کرده ایم] *Abrar News* [Tehran], January 29, 2012, http://alabarnews.ir/vdcdnn0f5yhtvnt.2uly.html (accessed May 17, 2012). The full name of the deputies, as well as the names of other directors of MOIS could not be found.
[12] "Satellite Image of the Ministry of Intelligence Building" [تصویر ماهواره‌ای از ساختمان اصلی وزارت اطلاعات] *Iran-Archive* (Iranian blog), September 2009, http://vahm.com/tr/pages.com/2009/09/blog-post_30.html (accessed May 16, 2012). This is an Iranian blog, which posts pictures and articles from other Web sites concerning the Iranian government.

10. COMMAND AND CONTROL

MOIS has a secret budget and is not accountable to other governmental organizations, including the cabinet or the Majles (parliament). It remains above the law, accountable only to the Supreme Leader, at present Ayatollah Khamenei.[13]

As discussed above, the Supreme Leader of Iran determines the national-security policies of the Islamic Republic of Iran (see Organization). The president must have the Supreme Leader's approval to select his minister of intelligence and security because the Supreme Leader receives the minister's counsel and works with the minister directly for implementation of his policies.[14] In terms of procedure, it appears that the Supreme Leader discusses and passes his general policies on to the Supreme National Security Council (SNSC), and MOIS, as a member of the council, executes the policies with regard to intelligence activities. It also seems that the Supreme Leader may pass an order directly to the minister of intelligence and security for more secret and specific missions.

11. MEMBERSHIP SIZE

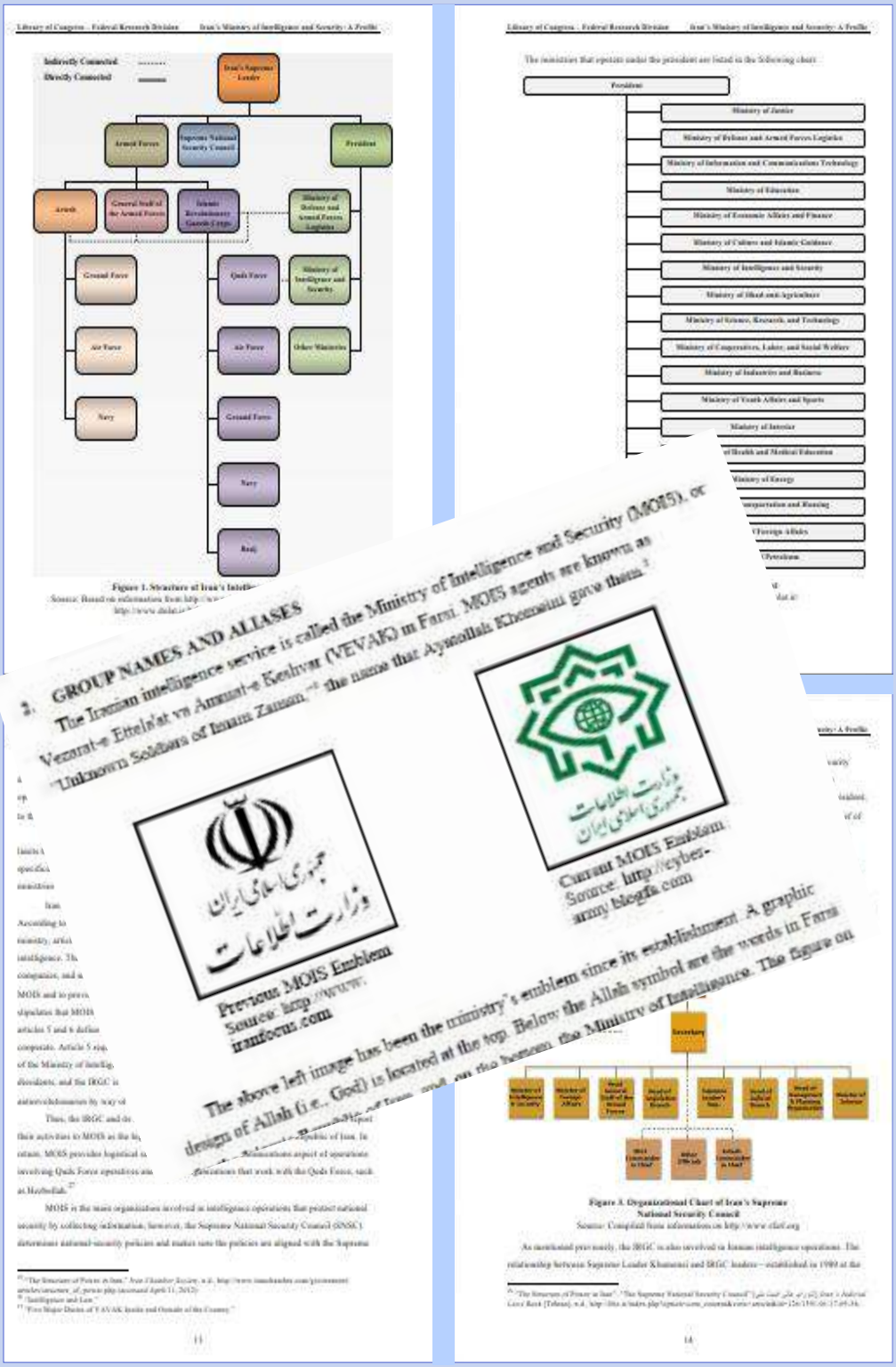
With more than 30,000 officers and support personnel, MOIS is ranked by experts as one of the largest and most active intelligence agencies in the Middle East.[15]

12. MEMBERSHIP AND RECRUITMENT

The Iranian constitution (article 12) prohibits MOIS agents from being members of any political group or party. MOIS agents go through an extremely stringent vetting process before they can become part of MOIS's missions and operations, which could implicate the highest government officials if exposed to the public.[16]

There are two ways to be recruited into MOIS. One way is to take the entrance examinations in specific majors requested by MOIS at Imam Mohammad Bagher University in Tehran. This university is associated with MOIS. MOIS accepts three times more candidates than it can accommodate and then puts them through physical, intelligence, and personality tests, as well as interviews and a background investigation. The physical examination at MOIS is less rigorous

[13] Zucker, "Disinformation Campaign in Overdrive: Iran's VEVAK in High Gear"; "Iran's Ministry of Intelligence and Security."
[14] "Five Major Duties of VAVAK Inside and Outside of the Country."
[15] Cyrus Moorman, "The Ministry of Intelligence and Security," *Iran Claassic*, September 16, 2010, http://iranclassic.org/archives/107 (accessed April 11, 2012).
[16] Zucker, "Disinformation Campaign in Overdrive: Iran's VEVAK in High Gear"; "Intelligence and Law."


Library of Congress – Federal Research Division
Iran's Ministry of Intelligence and Security: A Profile
Indirectly Connected
Directly Connected
Iran's Supreme Leader
Armed Forces
Supreme National Security Council
President
Artesh
General Staff of the Armed Forces
Islamic Revolutionary Guards Corps
Ministry of Defense and Armed Forces Logistics
Ground Force
Air Force
Navy
Qods Force
Air Force
Ground Force
Navy
Basij
Ministry of Intelligence and Security
Other Ministries
Figure 1. Structure of Iran's Intelli
Source: Based on information from http://
http://www.dolat.ir
Library of Congress – Federal Research Division
Iran's Ministry of Intelligence and Security: A Profile
The ministries that operate under the president are listed in the following chart:
President
Ministry of Justice
Ministry of Defense and Armed Forces Logistics
Ministry of Information and Communications Technology
Ministry of Education
Ministry of Economic Affairs and Finance
Ministry of Culture and Islamic Guidance
Ministry of Intelligence and Security
Ministry of Jihad-and-Agriculture
Ministry of Science, Research, and Technology
Ministry of Cooperatives, Labor, and Social Welfare
Ministry of Industries and Business
Ministry of Youth Affairs and Sports
Ministry of Interior
Ministry of Energy
Foreign Affairs
Petroleum
2. GROUP NAMES AND ALIASES
The Iranian intelligence service is called the Ministry of Intelligence and Security (MOIS), or Vezarat-e Ettela'at va Amniat-e Keshvar (VEVAK) in Farsi. MOIS agents are known as "Unknown Soldiers of Imam Zaman,"[4] the name that Ayatollah Khomeini gave them.[5]
Previous MOIS Emblem
Source: http://www.iranfocus.com
Current MOIS Emblem
Source: http://cyber-army.blogfa.com
The above left image has been the ministry's emblem since its establishment. A graphic design of Allah (i.e., God) is located at the top. Below the Allah symbol are the words in Farsi
Secretary
Figure 3. Organizational Chart of Iran's Supreme National Security Council
Source: Compiled from information on http://www.elaf.org
11
14

گزارش سالانهٔ سازمان اطلاعات و امنیت هلند که در آستانهٔ دهمین سالگرد کودتای نافرجام ۱۷ژوئن منتشر شد، شهادت رسمی و دولتی دیگری است بر رسوایی کارزار شیطان‌سازی به موازات جمع‌آوری اطلاعات و جاسوسی و پرونده‌سازیهای کاذب علیه مجاهدین و مقاومت که تماماً توسط وزارت اطلاعات رژیم آخوندی هدایت می‌شود و با به‌کارگیری بریده‌مزدوران و توابان تشنه به‌خون با باندرول اعضا و هواداران سابق مجاهدین و با ژست اپوزیسیون رژیم و منتقد مجاهدین در کشورهای مختلف به‌اجرا درمی‌آید.

در گزارش سالانهٔ سازمان اطلاعات و امنیت هلند (AVID) که در آستانهٔ دهمین سالگرد این پرونده‌سازی رسوا در ژوئن ۲۰۱۳ منتشر شده آمده است:

«سازمان اطلاعات و امنیت هلند پی برده است که حکومت ایران همواره در جنگ خود علیه جنبش مقاومت مجاهدین خلق فعال است و مشاهده می‌شود که وزارت اطلاعات حکومت ایران در این رابطه یک شبکه را در اروپا هدایت می‌کند که در هلند هم فعالیت دارد.

اعضای این شبکه از اعضای سابق مجاهدین هستند که توسط وزارت اطلاعات حکومت ایران استخدام شده‌اند.

آنها وظیفه دارند افکار عمومی را در مورد مجاهدین خلق از طریق لابی کردن، از طریق نشریه‌ها و از طریق گردهمایی‌های ضد مجاهدین، به‌طور منفی تحت تأثیر قرار دهند.

آنها هم‌چنین دربارهٔ مجاهدین خلق و کسانی که احتمال می‌رود از اعضای آنها باشند، برای وزارت اطلاعات حکومت ایران اطلاعات جمع‌آوری می‌کنند».

انتشار گزارش سالانهٔ سازمان اطلاعات و امنیت هلند در آستانهٔ دهمین سالگرد کودتای نافرجام ۱۷ژوئن







فصل سوم

مقاومت در برابر توطئه و تجارت

مقاومت در برابر توطئه و تجارت

در همان روز ۱۷ژوئن، به‌رغم همه زدنها و بستنها و انفجارها و دستگیریها، دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت اطلاعیه‌یی منتشر می‌کند که در آن آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت ایران، عمل ننگین دولت فرانسه را که تماماً موجب رضایت رژیم سفّاک آخوندی است، قویاً محکوم کرده و از رئیس‌جمهور فرانسه، خواهان رفع سریع هرگونه محدودیت از خانم مریم رجوی می‌شود.

در همین روز، در اطلاعیهٔ بعدی دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت اعلام می‌شود که:

- ایرانیان دستگیرشده در فرانسه دست به اعتصاب غذای نامحدود می‌زنند





National Council of Resistance of Iran

شورای ملی مقاومت ایران

آقای رجوی دولت فرانسه را مسئول حفظ جان خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران می‌داند

بامداد امروز رئیس فرانسه بدون هیچ تحقیق و دفاعی کلیه عرفهای شناخته شده انسانی و حقوق بین المللی، به نفع خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران حمله کرد.

آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت ایران، ضمن محکوم کردن شدید این عمل ننگین که تماماً موجب رضایت رژیم سفاک آخوندی است، از آقای ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه خواهان رفع سریع هر گونه محدودیت از خانم مریم رجوی می‌باشند بخصوص که دولت فرانسه مسئول حفاظت از جان رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران، که حضور قانونی در فرانسه دارند می‌باشد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۲۶ خرداد ۱۳۸۲/ ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳

-پلیس پناهجویان بی‌دفاع را وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد،

-مقاومت ایران اقدام شنیع و وحشیانه پلیس فرانسه را که تنها با وحشی‌گری‌های پاسداران رژیم ایران قابل قیاس است قویاً محکوم کرده و آنرا صرفاً در راستای استمالت و امتیاز دادن به فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران ارزیابی می‌نماید.

از آن سو، آخوند خاتمی بلادرنگ از آن یورش و کودتای استعماری استقبال می‌کند و درخواست استرداد و محاکمه و مجازات مریم رجوی و مجاهدین را به عمل می‌آورد . علاوه بر این از آمریکا هم طلبکاری مضاعف می‌کند که چرا پس از تسخیر عراق و خاتمه رسمی جنگ، بمباران قرارگاههای مجاهدین متوقف شده است!

سازمان مجاهدین خلق ایران

People's Mojahedin Organization of Iran

P.M.O.I

اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران

در باره اتهامات و اقدامات دولت فرانسه علیه مجاهدین وواکنشهای اعتراضی ایرانیان

از هموطنان جریحه دار شده استدعا میکنیم از دست زدن به خودسوزی اعتراضی خودداری و خواستهایشان را صرفا از طریق تحصن و اعتصاب و آکسیونهای آرام اعتراضی پیگیری کنند.

در حالی که بازداشت ناموجه خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران وشماری از اعضا و هواداران مقاومت ایران ادامه دارد و حملات وحشیانه سه شنبه ۲۷ خرداد علیه منازل پناهندگان ایرانی در فرانسه و روند رسیدگی قضایی به اتهامات عنوان شده ، به موضوع حاد نگرانی ایرانیان در داخل وخارج کشور تبدیل شده و توجهات اکید بین المللی را نیز برانگیخته است، سازمان مجاهدین خلق ایران بر اساس تمام موازین اصولی وتاریخچه روش خود ازهر گونه فرایند سالم قضایی برای رسیدگی به اتهامات ناروای عنوان شده ، استقبال میکند. چرا که مجاهدین ومقاومت ایران هیچ جرم و کار خلاف قانون مرتکب نشده اند و هیچ چیز برای پنهان کردن ندارند.

هجوم به خانه ها و صحنه سازی های سینمایی و منفجر کردن درها و شکستن شیشه ها و تخریب اماکن تنها برای خوشایند ملایان خون آشام حاکم بر ایران بوده است.

مجاهدین طی ۲۲ سال فعالیت خود در خارج خاک ایران ، پیوسته از هر گونه مراجعه و تحقیق استقبال کرده اند هیچ سوالی را بی پاسخ نگذاشته و با سند و مدرک پاسخ داده اند.

دولت فرانسه نیز میتوانست با مراجعه به خود مجاهدین در هر زمینه ای که مایل است تحقیق کند. هیچ نیازی به هجوم به خانه ها و حمله به پناهندگان و دستگیر کردن شماری از افراد بیگناه و اقداماتی که انجام شد نه در چارچوب کشف حقیقت بلکه تنها در چارچوب معامله با آخوندها قابل توضیح است. به همین دلیل با حداکثر قانون شکنی و بی عدالتی همراه بود .

شدت خشم و انزجار ایرانیان از رفتار شنیع دولت فرانسه علیه مقاومت ایران و پناهندگان ایرانی بحدی بود که چندین خودسوزی جانگداز اعتراضی را در کشورهای مختلف جهان در پی داشت و همچنان که همگان شاهد بودند که صدها تن برای دست زدن به چنین اقداماتی برانگیخته و منقلب بودند. اما خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت با فرستادن پیامهایی خواستار توقف خودسوزی ها شد.

سازمان مجاهدین خلق ایران با یادآوری پیامهای مکرر ایشان ، با ز هم از همه هموطنان جریحه دار شده استدعا میکند که به رغم هر میزان تاثر و ناراحتی ا ز دست زدن به خودسوزی اعتراضی خودداری کنند و خواستهایشان را با تمام قوا و صرفا در چارچوب قانون و به صورت اعتصاب و تحصن و آکسیونهای آرام اعتراضی پیگیری کنند.

سازمان مجاهدین خلق ایران

اول تیر ۱۳۸۲-۲۲ ژوئن ۲۰۰۳

خبرگزاری رسمی رژیم در ۲۸ خرداد اظهارات خاتمی را منتشر می‌کند که می‌گوید: «این روش برخورد با منافقین توسط آمریکا در عراق مشکوک است..... گروههای تروریستی باید محاکمه شوند و جمهوری اسلامی ایران در بین قربانیان تروریست است».

-سخنگوی وزارت خارجه رژیم نیز اعلام می‌کند: «عملیات اخیر پلیس فرانسه علیه مجاهدین خلق با در نظر گرفتن طبیعت تروریستی و خطرناک این گروه قابل تقدیر است».

کنفرانس مطبوعاتی آخوند خاتمی – ۲۸ خرداد ۱۳۸۲

سؤال : «قاضی هستم از خبرگزاری فرانسه. جناب آقای خاتمی همواره مقامات ایران از کشورهای غربی خواسته‌اند که سران منافقین یا مجاهدین خلق را به ایران تحویل بدهند. الآن که بعضی از سران این گروه توسط پلیس فرانسه دستگیر شده‌اند، آیا همین خواست را ایران از کشور فرانسه که روابط خوبی با آن دارد، دارد یا خیر....؟»

خاتمی: «آن چه انجام گرفته است عمل به تعهداتی است که فرانسه به‌عنوان عضوی از اتحادیهٔ اروپا انجام داده است. چون اتحادیهٔ اروپا این گروه را به‌عنوان گروه تروریستی شناخته و انتظار هم این است که اگر بنای مبارزه با تروریسم است همه‌جانبه و غیر تبعیض‌آمیز باشد.... و همین انتظار را هم از آمریکا داریم که رسماً دولت آمریکا گروه مزبور را به‌عنوان گروه تروریستی شناخته ولی متأسفانه اینها در عراق لااقل، رفتاری با آنها می‌شود که مشکوک است و سوءظن پیدا می‌کند که احیاناً ممکن است که آن‌چه که گفته می‌شود که مبارزه با تروریسم می‌کنند و احیاناً سوءاستفاده از این نیروها امکانش وجود داشته باشد. بنابراین فرانسه کار خودش را انجام داده است. طبیعی است که ما مدعی هستیم که تمام کسانی که اقدامهای تروریستی کردند و مدارک و اسنادش موجود است باید به‌صورت عادلانه مورد پیگرد قرار بگیرند و چون جمهوری اسلامی هم قربانی اینها بوده طبیعی است که درخواست طبیعی، درخواست معمولی این است که کسانی که در آنجایی که جنایت کردند یا جنایت بیشتری کرده‌اند به‌صورت عادلانه مورد محاکمه قرار گیرند».



در فردای ۱۷ ژوئن، یعنی چهارشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۲، وزارت اطلاعات آخوندها در پاریس به انتشار یک شماره ویژهٔ نشریهٔ مجاهد جعلی در یک برگ مبادرت می‌کند که در

آن به دروغ ادعا شده بود مسعود رجوی و ۴ تن از مسئولین مجاهدین شب گذشته توسط نیروهای ارتش امریکا در خاک عراق دستگیر و به نقطهٔ نامعلومی منتقل شدند و دولت آمریکا می‌خواهد آنها را در مذاکره با سران رژیم با رهبران گروه القاعده در ایران مبادله کند.

کلیشهٔ نشریهٔ مجاهد جعل شده توسط وزرات اطلاعات رژیم که هم‌زمان با کودتای ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ به خصوص در زندان ها توزیع شده است


مجاهد

شماره ویژه

پی در پی یک قرارداد ننگین و مخفیانه که هر دومی انجام شد

آمریکا رهبر مقاومت ملی را به آخوندها تحویل می دهد

رئیس جمهور در زندان

مجاهدین خلق در میدان

نبرد علیه آخوندهای خون آشام ادامه دارد

خودسوزی در اعتراض به حمله پلیس فرانسه به مقر مقاومت ایران در حومه شهر پاریس

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پر اقتدار خلق قهرمان ایران

-دروغ‌پردازی و جعل شمارهٔ ویژهٔ نشریهٔ مجاهد از سوی اطلاعات آخوندها که از فرط شتابزدگی با فرهنگ وزارت بدنام تهیه و تحریر شده، بلادرنگ از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران افشا و تکذیب می‌شود.

اما، همه چیز حاکی از آماده‌سازیهای همه جانبه قبل از ۱۷ ژوئن از سوی رژیم آخوندی و شریکان آن است. چرا که رژیم در ۷ خرداد در یک خبر کلیشه‌یی از سوی وزارت اطلاعات در روزنامه‌هایش از دستگیری مسعود رجوی، مهدی ابریشمچی و محمود عطایی خبر داده بود. روزنامه‌های حکومتی انتخاب، آفرینش، حیات نو و اعتماد در این شمار بودند. بخش فارسی رادیو فرانسه نیز در روز ۶ خرداد به نقل از سایت بازتاب متعلق به دبیر تشخیص مصلحت نظام گزارش کرد : «کماندوهای آمریکایی در شهر بعقوبه در عراق مسعود رجوی، محمود عطایی مسئول تحقیقات استراتژیک و مهدی ابریشمچی رابط سازمان مجاهدین با دولت عراق را بازداشت کرده و به مدت ۱۲ ساعت متوالی در مرکز فرماندهی آمریکا مورد بازجویی قرار دادند!».



در آن روزگار و در آن شرایط، آخوندها به راستی مانند افعی شرزه‌یی بودندکه برای بلعیدن مجاهدین و مقاومت ایران دهان باز کرده باشد. اما شگفتا که رهبری این مقاومت داغ انهدام و سوختن این جنبش و این آلترناتیو را بر دل آخوندها باقی گذاشت و آنها را از لب چشمه تشنه برگرداند و سر آنها را به سنگ کوبید.

تقریباً یک ماه قبل از ۱۷ ژوئن، خبرگزاری آسوشیتدپرس در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۲ درخواست مصرانه آخوند خاتمی از آمریکا برای کشتار و کارزار علیه مجاهدین را گزارش کرد.

خبرگزاری آسوشیتدپرس نوشت: «خاتمی که اردوی اصلاح‌طلبان در ایران را رهبری می‌کند که خواستار روابط بهتری با آمریکا هستند، در حالی‌که سیاستهای آمریکا را مورد ملامت قرار می‌داد گفت، که اختلافهای مهم و بزرگی وجود دارند. خاتمی گفت، ایران مخالف قرارداد میان آمریکا و گروه اپوزیسیون ایرانی مجاهدین خلق مستقر در عراق می‌باشد. او گفت، متأسفانه یک تفاهم و قرارداد با گروه تروریست به انجام رسیده است که شدیدترین اقدامهای تروریستی را انجام داده است. در حالی که ما انتظار داشتیم که طرف آمریکایی یک

کارزار علیه این گروه تروریست به عمل بیاورد. ما انتظار داشتیم آمریکا با این گروهٔ تروریست همانند آنچه ادعا می‌کند رفتار می‌نمود».



-بعد از ۱۷ ژوئن نیز خبرگزاری فرانسه در ۸ تیر ۱۳۸۲ خبر داد: «خرازی وزیر خارجه ایران شکایت می‌کند که نیروهای ائتلاف در عراق با مجاهدین خلق برخورد لازم را نکرده‌اند».



-یک شخصیت برجستهٔ فرانسوی در باره ابعاد حمله و دستگیریهای ۱۷ ژوئن می‌گوید: چنین دستگیری در تاریخ دستگیریها در فرانسه بی‌سابقه است. اما افکار عمومی خیلی زود فهمید که با یکی از بزرگترین دروغهای معاصر مواجه شده است.

-یک چهره نامدار مدافع حقوق بشر در فرانسه می‌گوید: آنچه در باره ۱۷ ژوئن می‌شنیدیم سرگیجه‌آور بود، شرم‌آور بود.

-یکی از رهبران حزب سوسیالیست می‌گوید: فرانسویان زیادی از آنچه گذشته است منزجر هستند. فرانسویان عموماً از آنچه که رخ داد متأثرند. وظیفه ماست که تأسف خود را ابراز کنیم.

-اکورژیونال در ۷ژانویه ۲۰۰۴ درجریان زلزله بم نوشت: شهر اورسوراواز به همراه بم رنج می‌برد. زیرا در این شهر ساکنین تار و پود دوستی خاصی با جامعه ایرانیان «مجاهدین خلق» تنیده‌اند و سیل کمکها به زلزله‌زدگان بم یکی از نشانه‌های آن است. مریم رجوی

مورد تشویق پرشور اهالی اور از هر سن و هر صنف و هر طبقه‌یی است. وی ستاره عزیز اوری‌ها شده است. او یک شاخص و یک سمبل واقعی است.


L'ECHO le Regional

pour son aide aux Iraniens

D

اکورژیونال- ۷ ژانویه ۲۰۰۴





کمک های اهالی اورسورواز به زلزله زدگان بم

قاضی ضدتروریست بروگیر، شاید نازنازی مطبوعات پاریس باشد ولی از زمانی که دستور بازرسی و حمله به اعضا شورای ملی مقاومت در اورسوراواز را داد و از زمان اعتصاب غذا و خودسوزیها برای اعتراض به دستگیرکردن پرزیدنت این شورا مریم رجوی، او برای اهالی اور بیشتر یک گرگ بزرگ بدجنس است.

در اور، وقتی مریم رجوی دیده می‌شود هر کسی خانواده‌اش را خبر می‌کند و به دنبال دوربین عکاسی و فیلم‌برداریش می‌دود. این مسأله را یک‌بار دیگر اهالی اور با یک استقبال پرشور از وی در مقابل شهرداری نشان دادند. رئیس‌جمهور در تبعید، برای کمک به زلزله‌زدگان منطقه بم آمده بود.

اهالی اور، بر روی شوربختی مردم ایران حساس شده‌اند، آنها از دو روز قبل به شهرداری می‌آمدند و کمک خود را که گاه کارتُنهای بزرگ است تقدیم می‌کردند، از کارتن کفش تا اسباب‌بازی که البته ارسال آنها با هواپیما به ایران، بسیار گران تمام می‌شود.

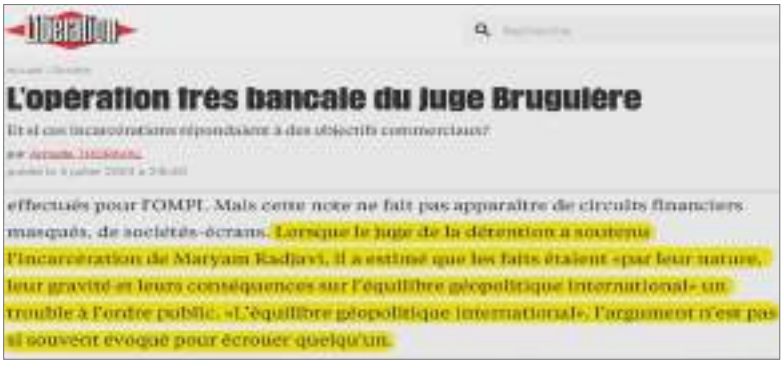
ژان پیر بکه شهردار اور نگران است که نتواند پول لازم برای ارسال این وسائل را پیدا کند، ولی وی با خوش‌رویی از کمکهایی استقبال می‌کند که به‌صورت مرتب در هال شهرداری گذاشته می‌شود و بعد با کامیون به صلیب سرخ منتقل می گردد. ژان پیربکه، از زمانی که به دفاع از پناهندگان ایرانی برخاست که به «تروریسم» متهم شده بودند، بسیار مردمی و محبوب شده است.

–اما در روز ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، مأموران مهاجم به‌مدت ۱۷ ساعت چنین جلوه دادند که کاری به کار خانم مریم رجوی ندارند.

اما حوالی ساعت ۱۱ شب از مریم رجوی و تنها خواهری که دستگیر نشده و برای پرستاری در کنار او باقی مانده بود، خواستند که به اداره اطلاعات فرانسه (د.اس.ت) برود. خانم رجوی هفته قبل از آن، در حالی‌که با اسکورت رسمی همراهی می‌شد به بیمارستان رفته و به یک عمل سنگین جراحی مبادرت کرده بود. رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ۲ شب را در بیمارستان گذرانده بود.

دادستان : مریم رجوی تعادل ژئوپلیتیک بین‌المللی را درهم می‌ریزد.





L'opération très bancale du juge Bruguière

effectués pour l'OMPI. Mais cette note ne fait pas apparaître de circuits financiers masqués, de sociétés-écrans. Lorsque le juge de la détention a soutenu l'incarcération de Maryam Radjavi, il a estimé que les faits étaient «par leur nature, leur gravité et leurs conséquences sur l'équilibre géopolitique international» un trouble à l'ordre public. «L'équilibre géopolitique international», l'argument n'est pas si souvent évoqué pour écrouer quelqu'un.

در ادعانامه صادره علیه مریم رجوی، آن‌چنان که دادستان نوشته است، جرم این است که او « تعادل ژئوپلیتیک بین‌المللی را درهم می‌ریزد و نظم عمومی را مختل می‌کند».- لیبراسیون چندی بعد تحت عنوان «عملیات بسیار لرزان قاضی بروگیر» نوشت: زمانی که او بازداشت مریم رجوی را تأیید کرد، برآوردش این بود که این داده‌ها « به‌خاطر ماهیتشان، به‌خاطر جدیت‌شان و به‌خاطر عواقب‌شان برای تعادل ژئوپلیتیک جهانی» اخلال در نظم عمومی محسوب می‌شود. اما « تعادل ژئوپلیتیک بین‌المللی» استدلالی است که چندان برای زندانی کردن کسی به کار گرفته نمی‌شود. لیبراسیون آنگاه می‌پرسد «و اگر این بازداشتها در خدمت منافع تجاری بوده باشد، آن‌وقت چی؟»

روزنامهٔ لیبراسیون۴ژوییهٔ ۲۰۰۳ -عملیات بسیار لرزان قاضی بروگیر



L'opération très bancale du juge Bruguière

-ماهنامهٔ آفریقا آسیا در ژوئن ۲۰۰۷، پرونده ۱۷ ژوئن را یک مضحکهٔ سیاسی توصیف می‌کندکه در سالهای پر مماشات دولت شیراک، در جای یک پروندهٔ قضایی مربوط به ترویسم قرار گرفت:

-مجلهٔ آفریقا آسیا می‌نویسد:



« در سال ۱۹۹۷ شرکت توتال یک قرارداد ۲.۴ میلیارد دلاری را برای بهره‌برداری از حوزهٔ پارس جنوبی به دست آورده بود. این قرارداد در زمانی امضا شد که کشورهای اروپایی به دنبال حکم دادگاه در رابطه با قتل مخالفین کرد در برلین، سفرای خود را فراخوانده بودند. بعد از جنگ (عراق)، قراردادها در حال فوران بوده‌اند. آنها تنها به توتال محدود نمی‌شوند و شرکتهای فرانسوی دیگر نیز به مهمانی دعوت شده‌اند: آلکاتل، رنو، پژو.... اما این وضعیت بدون مابه ازاء نبوده است. مقامات ایرانی آشکارا خواستار اعمال فشار روی مخالفان ایرانی در فرانسه بودهاند. از این نظر سالهای شیراک را می‌توان سالهای انواع مماشاتها توصیف کرد.

در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ دفاتر شورای ملی مقاومت ایران در پاریس هدف حمله بزرگ پلیس فرانسه واقع شد. ۱۶۴پناهندهٔ سیاسی ایرانی دستگیر شدند. اما بعداً همه آنها آزاد شدند و از آن تاریخ، پرونده قضایی مربوط به تروریسم تبدیل به مضحکه شده است. بعد از این حمله، روزنامهٔ همشهری به تاریخ ۲۲ ژوئن نوشت که اگرچه شرکت بریتیش پترولیوم در مناقصه، پیشنهاد بالاتری را برای توسعه میدانهای پارس جنوبی ارائه داده بود، اما این توتال بود که برنده شد».



ـ در سالهای بعد و به مناسبتهای مختلف، بی پایگی قانونی شماری از پرونده سازیهای بازپرس شعبهٔ ضدتروریسم پاریس که شعبه ۱۴ نامیده می‌شود، به‌عنوان روشی نادرست برای کسب شهرتی کثیف، مورد توجه رسانه های فرانسه قرار می گیرد:

نوِل آبزرواتور در ۷ ژوئن ۲۰۰۷ دربارهٔ سوابق ژان لویی بروگیر به‌مناسبت کاندیدا شدن او برای مجلس ملی فرانسه نوشت:

«طی سی سال، چند نفر در جریان تحقیقات بروگیر بازداشت شده اند؟ خیلی بیش از هزار نفر، و چند نفر بعد از سالها تحقیقات و زندان توسط دادگاه تبرئه شده اند؟ خیلی بیش از نیمی از آنها.... به هر حال این آمار برای اینکه بروگیر به دلیل دادن فرمان حملات گسترده ..... و انجام تحقیقات صرفاً برای اثبات جرم، نزد سازمانهای حقوق بشری شهرت کثیفی کسب کند، کافی بوده است».



نوِل آبزرواتور به نقل از یک وکیل در مورد اقدامات بروگیر اضافه می‌کند: «همهٔ رژیم های خودکامه همین طور شروع می کنند». یک افسر می‌گوید «بروگیر مسحور دنیای سرویسهای مخفی شده بود که در آن هیچ‌کس نمی‌داند چه کسی دارد از چه کسی استفاده ابزاری می‌کند. قاضی کم کم تمامی تحقیقات خود را به عهدهٔ د.اس.ت. واگذار می‌کند. در سال ۱۹۹۵، وی ریاست شعبه را به دست می‌گیرد: شعبهٔ ۱۴ در سیستمی بسته بدون هیچ‌گونه کنترلی....وی با علم کردن بمب های وهمی که هیچ کس از واقعیت آن آگاه نبود از همگان پیشی گرفت».

نوول آبزرواتور، در مورد شعبه یی که بروگیر در آن کار می کند، افزوده است: «پرونده های بروگیر اینک در پاریس، بین سایر قضات شعبهٔ ۱۴ تقسیم شده است. دولت جدید، طرح تشکیل یک «شورای امنیت» را دارد که به طور خاص موضوع تروریسم را در دست خواهد گرفت و در ارتباط مستقیم با کاخ الیزه خواهد بود. در واقع به نظر می رسد که شعبهٔ ۱۴ از این پس، رفتنی است».

نوول آبزرواتور خاطر نشان می‌کندکه: « در ۲۰۰۳ یکی از مجاهدین خلق ایران بعد از بازداشت ۱۶۵ فعال بنا بر تصمیم قاضی بروگیر خودسوزی می‌کند».

روزنامهٔ لیبراسیون در شمارهٔ ۲۴ آبان ۱۳۸۷ یک نمونهٔ دیگر از روشهای فاسد بازپرس بروگیر را افشا کرد:



«یک فرد جداشده از یک جنبش روآندایی به نام "عبدل ریزی بیزا" که شاهد اصلی بازپرس بروگیر در عملیات ۶ آوریل ۱۹۹۴ بوده است، در مصاحبه با یک رادیو روآندایی، اعتراف کرد که برای صدمه زدن به دولت رئیس‌جمهور "پل گاگمه" دروغ گفته است».

لیبراسیون می‌نویسد: «این فرد، جداشدهٔ یک جنبش چریکی آن دوران است که به خواست بروگیر شهادت داده بود که عضو یک گروه چریکی که مسئول سقوط هواپیمای رئیس‌جمهور رواندا بوده می باشد.

براساس این شهادت دروغ بودکه بروگیر حکم جلب رئیس پروتکل ریاست‌جمهوری رواندا را صادر کرد و او را دستگیر نمود».

لیبراسیون افزود: «اعتراف عبدل ریزی بیزا -که درحال حاضر در نروژ به‌عنوان پناهنده زندگی می‌کند- در مصاحبه با رادیو کنتاکت اف ام بیان شده و به نظر می‌رسد واقعی است».

وقایع ۱۷ژوئن

-در روز ۲۸ خرداد۱۳۸۲ [۸] سازمان مجاهدین خلق ایران با صدور یک اطلاعیه رسمی

۸-۱۸ژوئن ۲۰۰۳

اعلام کرد: دعاوی مطلقاً دروغ رئیس د.اس.ت در فرانسه علیه مجاهدین مبنی بر این‌که انجام دادن یک سلسله عملیات نظامی در اروپا را در دستور کار خود داشته‌اند، نشان‌دهنده دست خالی برای توجیه حملات غیرقانونی و برملاکنندهٔ معامله کثیف با فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران است.



سازمان مجاهدین خلق ایران

People's Mojahedin Organization of Iran

P.M.O.I

اطلاعیه ۱۲

دعاوی مطلقا دروغ رئیس د اس ت فرانسه علیه مجاهدین نشاندهنده دست خالی وزارت کشور فرانسه برای توجیه حملات غیرقانونی و برملاکننده معامله با ملایان است

یک سخنگوی سازمان مجاهدین خلق ایران دعاوی پیر دوبوسکه دوفلوریان، رئیس سازمان ضد جاسوسی فرانسه را مبنی بر اینکه «مجاهدین خلق طرح سوء قصدهایی علیه نمایندگی‌های دیپلماتیک رژیم ایران در کشورهای اروپایی را داشته‌اند» دروغ محض خواند و آن‌را قویا تکذیب نمود.

وی افزود متوسل شدن به یک چنین دروغ‌های مسخره و مطلقاً ساختگی برای توجیه حملات غیرقانونی علیه پناهندگان ایرانی و محل اقامت رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران بیش از پیش، نشاندهنده دست خالی وزارت کشور فرانسه و برملاکننده معامله کثیف با فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران است.

سخنگوی مجاهدین گفت مقامهای کشورهای اروپایی و سرویس‌های رسمی این کشورها به‌خوبی می‌دانند که مجاهدین طی بیست و دو سال گذشته هرگز درگیر چنین اقداماتی نبوده اند و کلیه فعالیتهایشان مسالمت‌آمیز و در چارچوب قوانین کشورهای اروپایی بوده است. حال آنکه تروریستهای صادراتی رژیم آخوندی بارها در خاک کشورهای اروپایی به هواداران و اعضا و نمایندگان مقاومت ایران حمله کرده که ترور دکتر کاظم رجوی در سوئیس (۹۰) و آقای محمد حسین نقدی در رم (۹۳) نمونه‌هایی از آنهاست.

سخنگوی مجاهدین اضافه نمود، تکرار اتهامات کهنه وزارت اطلاعات دیکتاتوری مذهبی و تروریستی آخوندها علیه مجاهدین و نسبت دادن برچسب‌هایی از قبیل «سکت»، «کیش شخصیت» و «حمله به غیرنظامیان» از سوی رئیس د اس ت فرانسه هیچ افتخاری نیست، هیچ کودکی را فریب نمی‌دهد و باز هم چنتهٔ خالی را برملا می‌کند. ملایان هم نتوانسته‌اند با این قبیل برچسب‌ها مانع حمایت مردم ایران از مجاهدین بشوند و از قضا به‌دلیل حمایت اکثریت قاطع مردم ایران از مجاهدین و بالا گرفتن خیزشهای اجتماعی علیه تمامیت رژیم آخوندی، آخوندها این چنین به معاملات کثیف علیه مجاهدین نیازمند شده‌اند.

در سطح بین‌المللی نیز اکثریت نمایندگان پارلمانهای کشورهای اروپا و کنگره آمریکا بارها در بیانیه‌های خود مجاهدین را یک جنبش مقاومت مشروع و متکی به مردم ایران توصیف نموده‌اند و خواستار لغو برچسب تروریستی علیه مجاهدین شده‌اند.

سازمان مجاهدین خلق ایران

۲۸ خرداد ۱۳۸۲ (۱۸ ژوئن ۲۰۰۳)

در این اطلاعیه آمده است: « تکرار اتهامات کهنهٔ وزارت اطلاعات دیکتاتوری مذهبی و تروریستی آخوندها علیه مجاهدین و نسبت دادن برچسبهایی از قبیل "سکت"، " کیش شخصیت" و "حمله به غیرنظامیان" از سوی رئیس د.اس.ت فرانسه هیچ افتخاری نیست، هیچ کودکی را فریب نمی‌دهد و باز هم چنتهٔ خالی را برملا می‌کند. ملایان هم نتوانسته‌اند با این قبیل برچسبها مانع حمایت مردم ایران از مجاهدین بشوند والا نیازمند چنین معاملات کثیفی نبودند».

- در روز ۲۸خرداد هم‌چنین درگیری خانواده‌های مجاهدین با نیروهای سرکوبگر رژیم در مقابل سفارت فرانسه در تهران گزارش می‌شود.



شورای ملی مقاومت ایران

National Council of Resistance of Iran

درگیری خانواده های مجاهدین با نیروهای سرکوبگر رژیم در مقابل سفارت فرانسه در تهران

تجمع خانواده های مجاهدین در مقابل سفارت فرانسه در تهران که از ساعت ۱۱ صبح امروز آغاز شده بود تا شروع تاریکی ادامه داشت. این خانواده ها که در اعتراض به دستگیری فرزندان خود توسط پلیس فرانسه، تجمع کرده بودند خواستار آزادی فرزندان مجاهد خود شدند.

خانواده های مجاهدین که توسط جوانان دلیر و دانشجویان انقلابی پیشتاز حمایت می شدند ضمن سر دادن شعارهایی علیه سران رژیم، خواستار رفع هرگونه محدودیت از رئیس جمهور برگزیده مقاومت، خانم مریم رجوی و آزادی کلیه دستگیرشدگان شدند.

این تجمع مورد حمله وحشیانه نیروی انتظامی رژیم واقع شد که با باطوم و پرتاب گاز اشک آور به جمعیت یورش بردند. جوانان انقلابی حاضر در صحنه نیز در برابر حمله و هجوم نیروی سرکوبگر رژیم مقاومت نموده و شعار می دادند تا «خون دررگ ماست آزادی هدف ماست»، «مرگ برخاتمی»، «فرانسه ننگت باد». قابل ذکر است که خانواده ها و دانشجویان اعلام کردند تاآزادی بی قید و شرط کلیه دستگیرشدگان هر روز ساعت ۱۱ صبح در مقابل سفارت فرانسه در تهران تجمع خواهند کرد تا پاسخ خواسته خود را بگیرند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۲۸خرداد ۱۳۸۲ (۱۸ ژوئن ۲۰۰۳)

خانواده‌های مجاهدین که توسط جوانان دلیر و دانشجویان انقلابی پیشتاز حمایت می‌شدند ضمن سردادن شعارهایی علیه سران رژیم، خواستار رفع هرگونه محدودیت از رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت، خانم مریم رجوی و آزادی کلیه دستگیرشدگان شدند.

این تجمع مورد حملهٔ وحشیانهٔ نیروی انتظامی رژیم واقع شد که با باطوم و پرتاب گاز اشک‌آور به جمعیت یورش بردند.

- در ۲۸خرداد خبرگزاری فرانسه درخواست رسمی ایران برای استرداد مجاهدین بازداشت شده را منتشر می‌کند. خبرگزاری فرانسه نوشت: «محمد خاتمی رئیس‌جمهور ایران از فرانسه خواست تا اعضای بازداشت شده گروه اپوزیسیون مسلح مجاهدین خلق را

برای محاکمه در تهران تحویل دهد و به واشنگتن گفت با دستگیری اعضای مجاهدینی که هنوز در عراق هستند هدایت این کار را از دست پاریس بیرون بیاورد و بدست گیرد.



خاتمی به خبرنگاران گفت: با توجه به این‌که جمهوری اسلامی قربانی اعمال این افراد بوده است، این طبیعی است که بخواهند آنها جایی که مرتکب جنایت شده‌اند یا حداقل جایی که آنها عمدهٔ جنایات خود را مرتکب شده‌اند، دادگاهی شوند.

خاتمی قبل از اینکه به آمریکا به‌خاطر عدم موفقیتش در جمع کردن اعضای این گروه که هنوز در عراق هستند انتقاد کند، گفت:" ما انتظار چنین چیزی را داشته‌ایم".

رئیس‌جمهور ایران گفت: ما انتظار مشابهی از آمریکا که هم‌چنین این گروه را تروریست خوانده است داریم. اما متاسفانه گرایش آمریکاییان در رابطه با این گروه در عراق به‌رغم حرفهای معکوسی که می‌زند موجب می‌شود که ما مظنون شویم. آنها می‌خواهند از آنها علیه ما استفاده کنند».

خبرگزاری فرانسه یادآوری می‌کند که: «ایران مدتها خواسته است پایگاه‌های مجاهدین خلق در عراق و فرانسه هدف قرار گیرند و باز هم کشورهای اتحادیه اروپا و آمریکا را متهم کرده است از دسته‌بندی این گروه به‌عنوان "تروریست" با اعمال سخت قانونی پشتیبانی نمی‌کنند.

ایران از شکایات خود مبنی بر این‌که به این گروه اجازه داده شده است در خارج از ایران عمل کند، استفاده می‌کرد تا از اتهامات مبنی بر این‌که به اعضای شبکه تروریستی اسامه بن لادن پناه داده و در سرکوب آنها موفق نبوده است، دفاع کند.

به‌طور خصوصی دیپلماتهای اینجا گفته‌اند یورش فرانسه به مجاهدین- که در حال حاضر یک منبع اصلی تحریک رهبری ایران را از سر راه برداشته است- می‌تواند تهران را وارد یک ژست متقابل کند.

یک دیپلمات اروپایی گفت: فرانسه دلایل زیادی برای این عمل دارد، اما به‌طور روشن دلیل اصلی این است که نمی‌خواهد یک گروه اپوزیسیون مسلح از هر کشوری مغازه خودش را در پاریس باز کند و این کاری است که مجاهدین انجام می‌داده‌اند.

این منبع گفت: اما من می‌توانم بگویم اتحادیه اروپا خواسته است و خواهد خواست

که ایران در رابطه با القاعده شفاف باشد. هنگامی که ما در باره القاعده صحبت می‌کنیم حوادث فرانسه نمونه‌یی بود و توپ را در زمین ایرانیان می‌اندازد. ماه گذشته، ایران نشان داده است که تعدادی از اعضای القاعده را نگه داشته است....».

- خبرگزاری فرانسه درگزارش مشروح خود که در روز ۲۸خرداد۱۳۸۲ [۹] منتشر کرد به‌وضوح به سربریدن مقاومت ایران در فرانسه اشاره می‌کند به این امید که شاید تهران را به دادن امتیازاتی به جامعه بین‌المللی وادار کند.

اما به گزارش این خبرگزاری مشکل در اینجاست که: « هر چند دیپلماتها پیش‌بینی کرده‌اند عملیات فرانسه علیه مجاهدین -عملیاتی که به‌طور موثر، دشمن علنی شماره یک ایران را سر زده و سربریده است – می‌تواند به تهران فشار بیشتری بیاورد تا به جامعه بین‌المللی امتیازاتی بدهد، اما خاتمی اظهار داشت که فرانسه، صرفاً مسئولیتش را انجام داده است»!





صدیقه مجاوری و ندا حسنی- دو مشعل انسانی

۹-۱۸ ژوئن ۲۰۰۳












10%
YES
PMOI
NOW















-روز بعد، ۲۹خرداد ۱۳۸۲ [۱۰] در حالی‌که تظاهرات و تجمع اعتراضی خانواده‌ها و دانشجویان در برابر سفارت فرانسه در تهران ادامه دارد و در حالی‌که موج خودسوزیهای اعتراضی بالا گرفته است، دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت، پیام رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت را از زندان که شب قبل تحریر شده است، منتشر می‌کند:

مریم رجوی از تظاهرکنندگان ایرانی می‌خواهد از خودسوزی خودداری کنند.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران، در پیامی خطاب به ایرانیان در سراسر جهان که نسبت به بازداشت غیرقانونی و ناموجه وی توسط دولت فرانسه دست به اعتراض زده اند، از آنان خواست که از خودسوزی خودداری کنند

خانم رجوی گفت: «خبر تظاهرات شما را شنیدم که برای آزادی من و سایر خواهران و برادرانتان فریاد می زنید، اما وقتی خبر خودسوزی شما عزیزانم را شنیدم بسیار بسیار متاثر شدم بطوری که کنترل تأثر و عواطفم برایم مشکل است. از شما می خواهم که هرچه سریعتر خودسوزی را متوقف کنید و مرا بیش از این دردمند و نگران نکنید، اما به تظاهرات و تحصن آرام خود ادامه دهید تا به اهداف خود برسید. اگرچه وصف الحال شما را می فهمم و می دانم که چقدر رنجیده خاطرید که در فرانسه یعنی کشوری که تاریخش و نامش با حقوق بشر و آزادی و دموکراسی پیوند خورده چرا باید از زندان و سلول حرف زد آن هم برای آزادیخواهان واقعی ایران. حتماً جواب آن را باید در یک معامله ای با رژیم پلید وآزادی کش آخوندها دید. بخصوص که فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران بدلیل تظاهرات پی درپی دانشجویان و مردم تهران و سایر شهرها و در مقابل شعارهای نفی تمامیت رژیم، به خود می لرزد و برای حفظ تعادل خود، ولو بطور مقطعی، نیاز به چنین توطئه ها و معاملاتی دارد».

رئیس‌جمهوربرگزیده مقاومت ایران تصریح کرد: «عزم خلل‌ناپذیر و همبستگی مردم ایران برای رهایی از دیکتاتوری مذهبی و تروریستی، قطعاً پیروز می‌شود. انشاءالله که هرچه سریع‌تر روز آزادی مردم ایران فرا برسد و همه دردها و رنجها پایان یابد».

۱۰- ۱۹ ژوئن ۲۰۰۳

مریم رجوی از تظاهرکنندگان ایرانی می خواهد از خودسوزی خودداری کنند

خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران، در پیامی خطاب به ایرانیان در سراسر جهان که نسبت به بازداشت غیرقانونی و ناموجه وی توسط دولت فرانسه دست به اعتراض زده‌اند، از آنان خواست که از خودسوزی خودداری کنند.

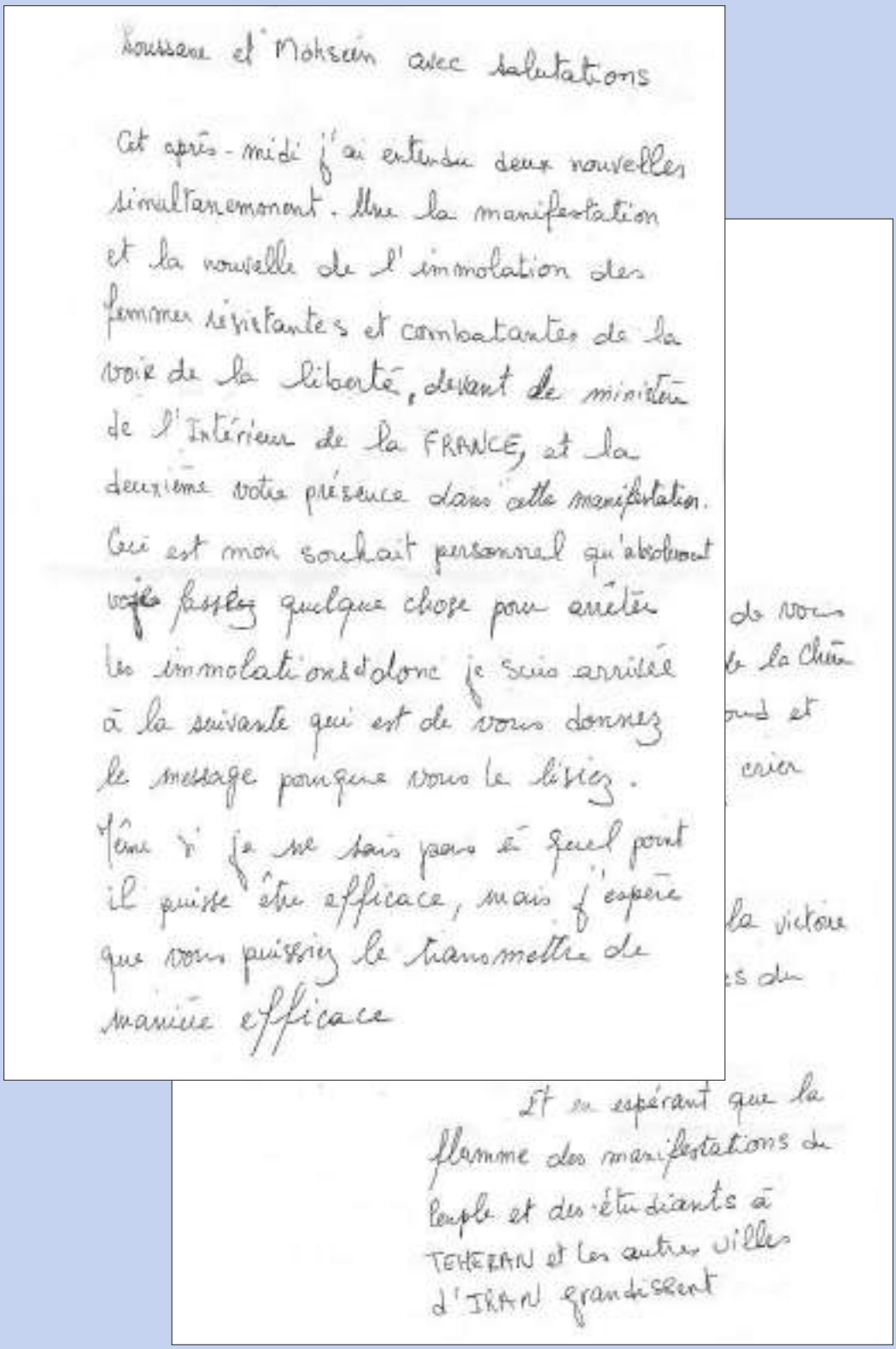
خانم رجوی گفت: «خبر تظاهرات شما را شنیدم که برای آزادی من و سایر خواهران و برادران‌تان فریاد می‌زنید، اما وقتی خبر خودسوزی شما عزیزانم را شنیدم بسیار بسیار متأثر شدم بطوری‌که کنترل تأثر و عواطفم برایم مشکل است».

وی افزود: «از شما می‌خواهم که هر چه سریع‌تر خودسوزی را متوقف کنید و مرا بیش از این دردمند و نگران نکنید، اما به تظاهرات و تحصن آرام خود ادامه دهید تا به اهداف خود برسید. اگرچه وصف‌الحال شما را می‌فهمم و می‌دانم که چقدر رنجیده خاطرید که در فرانسه یعنی کشوری که تاریخش و نامش با حقوق‌بشر و آزادی و دموکراسی پیوند خورده چرا باید از زندان و سلول حرف زد آنهم برای آزادی‌خواهان واقعی ایران. حتماً جواب آن‌را باید دریک معامله‌ای با رژیم پلید و آزادی‌کش آخوندها دید. به‌خصوص که فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران به‌دلیل تظاهرات پی درپی دانشجویان و مردم تهران و سایر شهرها و در مقابل شعارهای نفی تمامیت رژیم، به خود می‌لرزد و برای حفظ تعادل خود ولو مقطعی نیاز به چنین توطئه‌ها و معاملاتی دارد».

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران تصریح کرد: «عزم خلل‌ناپذیر و همبستگی مردم ایران برای رهایی از دیکتاتوری مذهبی وتروریستی، قطعاً پیروز می‌شود. انشاءالله که هر چه سریع‌تر روز آزادی مردم ایران فرا برسد و همه درد و رنجها پایان یابد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۲۹ خرداد ۱۳۸۲ (۱۹ ژوئن ۲۰۰۳)



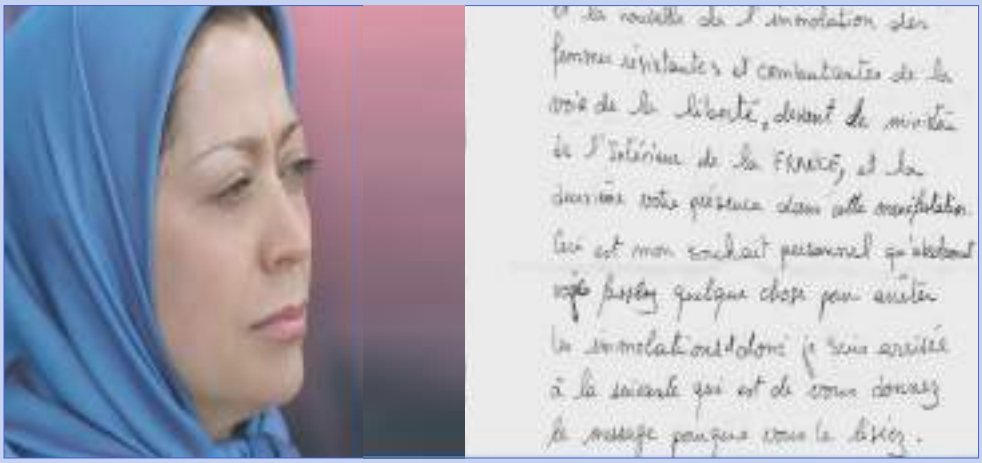
Roussane et Mahsein avec salutations

Cet après-midi j'ai entendu deux nouvelles simultanément. Une la manifestation et la nouvelle de l'immolation des femmes résistantes et combatantes de la voie de la liberté, devant le ministère de l'Intérieur de la FRANCE, et la deuxième votre présence dans cette manifestation. Ceci est mon souhait personnel qu'absolument vous fassiez quelque chose pour arrêter les immolations d'donc je suis arrivée à la suivante qui est de vous donnez le message pourque vous le lisiez. Même si je ne sais pas à quel point il puisse être efficace, mais j'espère que vous puissiez le transmettre de manière efficace

Et en espérant que la flamme des manifestations du peuple et des étudiants à TEHERAN et les autres villes d'IRAN grandissent

مریم رجوی از تظاهرکنندگان ایرانی می‌خواهد از خودسوزی خودداری کنند

قرائت درخواست مریم رجوی درجمع تظاهرکنندگان ایرانی







خبرگزاری فرانسه بلادرنگ متن کامل پیام مریم رجوی را مخابره می‌کند و همه رسانه‌ها آن را منعکس می‌کنند: «مریم رجوی از هواداران گروه خود خواست که خودشان را در اعتراض به یورش پلیس فرانسه که او و دیگران را دستگیر کرده است، آتش نزنند. بعد از خودسوزی چند تن از سمپاتیزانهای مریم رجوی طی پیامی که روز پنج‌شنبه توسط این گروه مخالف رژیم منتشر شد، گفت: "من فریادهای شما را که خواستار آزادی من و دیگر خواهران و برادران خود شدید، شنیدم اما هنگامی که شنیدم شما عزیزانم خود را به آتش می‌کشید برایم بسیار غم‌انگیز و زجرآور بود. برایم بسیار سخت است که اندوه خود را کنترل کنم و بر احساساتم غلبه نمایم".



او اضافه کرد: "از شما می‌خواهم از خودسوزی خودداری کنید، در غیر این‌صورت من غمگین‌تر و نگران‌تر از آن چیزی که الان هستم، می‌شوم، اما به تظاهرات مسالمت‌آمیز خود ادامه دهید تا به اهداف خود برسید".

مریم رجوی گفت:" من می‌فهمم شما چه احساسی دارید و تا چه حد این برای شما غم‌انگیز است که رزمندگان واقعی آزادی ایران در سلولهای زندان فرانسه کشوری که نامش و تاریخش با حقوق بشر، آزادی و دمکراسی در هم پیچیده شده است، می‌باشند".

او اضافه کرد: "شاید پاسخ در متن این معامله با رژیم جمهوری اسلامی ایران باشد که در مواجه با مجموعه تظاهراتی که در تهران و شهرهای دیگر برگزار شد به معاملات این چنینی برای حفظ تعادل خودش نیاز دارد"..... ».

-صبح پنجشنبه ۲۹ خرداد، ۴۸ ساعت پس از شروع حمله ۱۷ ژوئن، ۲۰هزار تن از مردم استانهای مختلف عراق، با گردهمآئی در قرارگاه اشرف، هجوم پلیس فرانسه به مقر رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران را محکوم می‌کنند و خواستار آزادی سریع او می‌شوند.





گردهمایی ۲۰هزار تن از مردم استانهای مختلف عراق ۴۸ساعت بعداز شروع حمله ۱۷ژوئن

-در روز ۳۰ خرداد یونسی وزیر اطلاعات رژیم از سرکوب مجاهدین در فرانسه قدردانی می‌کند. خبرگزاری رسمی رژیم گزارش می‌کند: «حجت‌الاسلام علی یونسی، وزیر اطلاعات روز پنج‌شنبه سرکوب بزرگ سازمان مجاهدین خلق ایران توسط پلیس فرانسه را ستود و گفت: "دیر یا زود کشورهای دیگر همین کار را خواهند کرد".

او گفت: طبق منشور سازمان ملل تمام کشورها مسئول برخورد با تروریستها هستند: ما از این کار فرانسه خیلی خوشحال هستیم، فرانسه مهد قانون است. آنها براساس وظیفه عمل کرده‌اند....».



یونسی وزیر اطلاعات رژیم از سرکوب مجاهدین در فرانسه قدردانی کرد

تلویزیون رژیم با اشاره به «دستگیری برخی عناصر منافقین در فرانسه گفت برخورد با تروریستها وظیفهٔ هر دولتی است و حرکت فرانسویها هم مانند برخورد جمهوری اسلامی ایران با عناصر القاعده در همین جهت بوده است».

-در روز ۳۱ خرداد آخوند نمازی دادستان کل رژیم از آنچه فرانسه انجام داده است قدردانی می‌کند و می‌گوید: «امیدواریم سایر کشورهای اروپایی نیز در این خصوص فعالیت کنند».

-در این زمان اخبار خودسوزی پناهندگان ایرانی در صدر خبرهای فرانسه و اروپاست و افکار عمومی را که در معرض بمباران تبلیغات و اطلاعات گمراه‌کننده علیه مجاهدین و مقاومت ایران قرار گرفته‌اند، به‌شدت منقلب می‌کند.

-در روز اول تیر سازمان مجاهدین خلق ایران با استناد به پیام خانم مریم رجوی از زندان «با یادآوری پیامهای مکرر ایشان، باز هم از همه هم‌وطنان جریحه‌دار شده استدعا می‌کند که به‌رغم هر میزان تاثر و ناراحتی از دست زدن به خودسوزی اعتراضی خودداری کنند و خواستهایشان را با تمام قوا و صرفا در چارچوب قانون و به‌صورت اعتصاب و تحصن و آکسیونهای آرام اعتراضی پیگیری کنند».



سازمان مجاهدین خلق ایران

People's Mojahedin Organization of Iran

P.M.O.I

اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران

در باره اتهامات و اقدامات دولت فرانسه علیه مجاهدین و واکنشهای اعتراضی ایرانیان

از هموطنان جریحه‌دار شده استدعا می‌کنیم از دست زدن به خودسوزی اعتراضی خودداری و خواستهایشان را صرفاً از طریق تحصن و اعتصاب و آکسیونهای آرام اعتراضی پیگیری کنند

در حالی که بازداشت ناموجه خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران و شماری از اعضا و هواداران مقاومت ایران ادامه دارد و حملات وحشیانه سه‌شنبه ۲۷ خرداد علیه منازل پناهندگان ایرانی در فرانسه و روند رسیدگی قضایی به اتهامات عنوان شده به موضوع خاو انگیزی ایرانیان در داخل و خارج کشور تبدیل شده و توجهات اکید بین‌المللی را نیز برانگیخته است، سازمان مجاهدین خلق ایران بر اساس تمام موازین اصولی و تاریخچه روش خود از هر گونه فرایند سالم قضایی برای رسیدگی به اتهامات ناروای عنوان شده، استقبال می‌کند. چرا که مجاهدین و مقاومت ایران هیچ جرم و کار خلاف قانون مرتکب نشده‌اند و هیچ چیز برای پنهان کردن ندارند.

هجوم به خانه‌ها و صحنه‌سازی‌های نمایشی و منفجر کردن درها و شکستن شیشه‌ها و تخریب اماکن تنها برای خوشایند ملایان خون‌آشام حاکم بر ایران بوده است.

مجاهدین طی ۲۲ سال فعالیت خود در خارج حاکمه ایران، بیوسته از هر گونه مراجعه و تحقیق استقبال کرده‌اند هیچ سوالی را بی‌پاسخ نگذاشته و با سند و مدرک پاسخ داده‌اند.

دولت فرانسه نیز می‌توانست با مراجعه به خود مجاهدین در هر زمینه‌ای که مایل است تحقیق کند. هیچ نیازی به هجوم به خانه‌ها و حمله به پناهندگان و دستگیر کردن شماری از افراد بی‌گناه نبود و اقداماتی که انجام شد نه در چارچوب کشف حقیقت، بلکه تنها در چارچوب معامله با آخوندها قابل توضیح است. به همین دلیل با حداکثر قانون‌شکنی و بی‌قانونی همراه بود.

شدت خشم و انزجار ایرانیان از رفتار شنیع دولت فرانسه علیه مقاومت ایران و پناهندگان ایرانی بحدی بود که چندین خودسوزی جانگداز اعتراضی را در کشورهای مختلف جهان در پی داشت و هنگامی که همگان شاهد بودند که صدها تن برای دست زدن به چنین اقداماتی برانگیخته و مغلوب بودند. اما خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت با فرستادن پیامهایی خواستار توقف خودسوزی‌ها شد.

سازمان مجاهدین خلق ایران با یادآوری پیامهای مکرر ایشان، باز هم از همه هموطنان جریحه دار شده استدعا می کند که به‌رغم هر میزان تاثر و ناراحتی از دست زدن به خودسوزی اعتراضی خودداری کنند و خواستهایشان را با تمام قوا و صرفاً در چارچوب قانون و به صورت اعتصاب و تحصن و آکسیونهای آرام اعتراضی پیگیری کنند.

سازمان مجاهدین خلق ایران

اول تیر ۱۳۸۲-۲۲ ژوئن ۲۰۰۳

در روز اول تیر در اورسوراواز ۲۰۰ نفر هم‌چنان درحال اعتصاب غذا هستند. دکتر صالح رجوی که پس از آزادی از بازداشت در جمع آنها حاضر شده، پیامها و تأکیدات رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت برای حفظ جان ایرانیان معترض را یادآوری می‌کند و از ایرانیانی که اعتصاب غذای خشک و بدون آب کرده و در وضعیت جسمی وخیمی بسر می‌برند، خواهش می‌کند لااقل آب بنوشند و آنان با قبول این درخواست، تأکید کردند که به اعتصاب غذای خود تا رسیدن به خواستشان که آزادی خانم رجوی است ادامه خواهند داد.




15


EPRISE GRÈVE DE LA FAIM SANS EAU
JUSQU'A LA LIBERATION DE :
MA AM RADJAVI


RAJAVI


اعتصاب غذا آزادی خانم رجوی


Release Mrs Maryam Rajavi




ajan Nou!
























AM RADJAVI





در همین ایام، علاوه بر عموم نیروها و شخصیتهای تبعیدی ایرانی، بسیاری از احزاب و اتحادیه‌های کارگری و انجمنهای زنان و بنیادهای فکری و نمایندگان پارلمان و شخصیتهای سیاسی و حقوق بشری در اروپا و آمریکا به اعتراض برمی‌خیزند.

-خانم دانیل میتران همسر رئیس‌جمهور فقید فرانسه، فرانسوا هولاند دبیر اول حزب سوسیالیست فرانسه ،کلود استیه،کریستین توبیرا، ژان مارک ارول ، پیربرسی رئیس حقوق بشر نوین، مولود آئونیت، اسقف گایو، آندره میشل جامعه‌شناس شهیر فرانسوی و رئیس افتخاری مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه، از فرانسه؛ سناتور جمهوری‌خواه سم براون بک، شیلا جکسون لی، اد تاونز، لیسی کلی، دنیس مور، نیک لمپسن، باب فیلنر، تام تانکردو، جیمز تَلنت، دنیس مجیت، دیوید اسکات، بنی تامپسون، کندریک میک، ریچارد پیر کلود و خالد دوران از آمریکا؛ الکسا مک دونو، فرانسوا کایر، مونیک ریچارد و سیوند رابنسون از کانادا؛ لرد ایوبری، لرد کوربت، لرد کلارک، لرد آنتون، وین گریفیث، جیم دوبین، مایک هنکاک، استیومک کیپ، پایرا خابرا، والری دیوی، لردآلتون، مارگارت اوئن، الیزابت سیدنی، مالکوم هارپر، داوینا میلر، کریس دیویس، گلین فورد و استراون استیونسون از انگلستان؛ دکتر آندره بری و دکتر هلموت مارکوف از آلمان؛ پائولو کازاکا از پرتغال؛ اولا سندبیک و پرنیل فرام از دانمارک؛ لنارت فریدن از سوئد؛ لوئیز مورگانتینی و آنتونیو استانگو دبیرکل شبکه سازمانهای مدافع حقوق بشر در حوزهٔ اروپا و مدیترانه از ایتالیا؛ و ژان اشپاتس رئیس مجلس ملی لوگزامبورگ در این شمارند.

دانیل میتران همسر رئیس جمهور فقید فرانسه



فرانسه



کریستین توبیرا



فرانسوا هولاند دبیر اول حزب سوسیالیست فرانسه



مولود آئونیت



پیر برسی رئیس حقوق بشر نوین فرانسه



اسقف گایو



آندره میشل جامعه شناس شهیر فرانسوی

امریکا



شیلا جکسون لی



سناتور جمهوری خواه سم براون بک



اد تاونز



لیسی کلی



نیک لمپسن



تام تانکردو



جمیز تلنت



دیوید اسکات



کندریک میک- امریکا



بنی تامپسون



کریس دیویس



استراون استیونسون



لرد ایوبری



لرد کوربت



لرد کلارک



وین گریفیث



جیم دوبین



مایک هنکاک

انگلستان



استیو مک کیپ



لرد آلتون



مارگارت اوئن



الیزابت سیدنی



مالکوم هارپر



داوینا میلر

آلمان



دکتر آندره بری



دکتر هلموت مارکف



پائولو کازاکا از پرتغال



پرنیل فرام از دانمارک



آنتونیو استانگو دبیرکل شبکه سازمانهای مدافع حقوق بشر در حوزه اروپا و مدیترانه از ایتالیا



ژان اسپاتس رئیس مجلس ملی لوگزامبورگ

-لرد کوربت می‌نویسد که جرم دستگیرشدگان فقط مبارزه برای آزادی و دمکراسی است.

-لرد ایوبری نایب رئیس گروه حقوق بشر پارلمان انگلستان در نامه‌اش به ژاک شیراک می‌نویسد: «از دستگیری خانم رجوی و ۱۶۵ تن دیگر از تبعیدیان ایرانی که در اورسوراواز زندگی می‌کنند، شوکه و متعجب شدم.... خوشحال خواهم شد شما به من توضیح بدهید چه چیزی تغییر کرده است که چنان اقدامهای خودسرانه و سرکوبگرانه‌یی را توجیه نماید».

-وین گریفیث نمایندهٔ مجلس عوام از حزب حاکم کارگر انگلستان می‌نویسد: «به نظر من تنها یک توضیح برای این اقدام وجود دارد که یک برنامه گسترده‌تر و سیاه‌تر وجود دارد که شورای ملی مقاومت قربانی و مهره‌های این بازی شده است».

-لرد کلارک می‌نویسد:« من در اندوه بسیاری از مردم دمکرات سهیم هستم که کسانی که برای استقرار آزادی مبارزه می‌کنند و نقض حقوق بشر در ایران را برجسته می‌کنند، در اسارت و رفتار دهشت‌بار پلیس فرانسه هستند. من از شورای ملی مقاومت ایران حمایت

می‌کنم و این افتخار را داشتم که در چند نوبت با خانم رجوی ملاقات کنم. لذا در این ساعات اضطرار به فکر او و دوستان و همکارانش هستم».

-گلین فورد نمایندهٔ پارلمان اروپا از حزب کارگر انگلستان در نامهٔ خود خطاب به رئیس‌جمهور فرانسه می‌نویسد: «این اقدام برخلاف تمامی اصول سیاسی، کنوانسیون ژنو در حمایت از پناهندگان و قطعا سنتهای فرانسه است....».



-هانس کریستین نیرسکوف رئیس کمیتهٔ بین‌المللی ساخارف می‌نویسد: «آنچه باعث شگفتی است این است که این اقدام علیه جنبشی صورت می‌گیرد که هیچ کارنامه‌یی از اقدام غیرقانونی یا تروریستی در فرانسه یا اروپا نداشته است».

- آندره میشل به متحصنین و اعتصابیون در اورسوراواز می‌گوید: «برای اجتناب از این که دولت فرانسه وارد سیاستی نشود که برای یک کشور مدعی احترام به حقوق بشر مایهٔ سرشکستگی باشد، و برای اجتناب از این که ما فرانسویها بیش از این به‌خاطر نقض حقوق و موقعیت پناهندگان ایرانی در برابر افکار عمومی ایران و جهانیان شرمنده نشویم، ما خواهان آزادی فوری دستگیرشدگان می‌باشیم. ما هم‌چنین خواهان پرداخت غرامت به آنان و تضمین این هستیم که حقوقشان برای ادامه زندگی در کشورمان با برخورداری از امنیت کامل تأدیه گردد».

- پائولو کازاکا نمایندهٔ پارلمان اروپا، از پرتغال، خطاب به ژاک شیراک می‌نویسد: « تمامی دمکراتهایی که در اروپا و در سراسر جهان فعالیت می‌کنند، خواهان آزادی مخالفان دیکتاتوری حاکم بر ایران هستند».

-استراون استیونسون نماینده پارلمان اروپا از انگلستان به شیراک می‌نویسد:

« این حملات به اپوزیسیون ایران، فرانسه را در طرف رژیم حاکم بر ایران قرار می‌دهد..... من از شما مصرانه می‌خواهم تضمین کنید که هیچ اخراج و استردادی در مورد بازداشت‌شدگان واقع نخواهدشد».

-استیونسون یکسال و اندی بعد در دیدار با رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران اعلام کرد: «حمایت از مقاومت مشروع مجاهدین بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزهٔ جهانی علیه تروریسم می‌باشد».



FACSIMILE

Struan Stevenson MEP
Chairman of the European Fisheries Committee

ASP 8 E 130
European Parliament
Rue Wiertz
B-1047 Brussels
Belgium

Tel: + 32 2 284 7710
Fax: + 32 2 284 9710
sstevenson@europarl.eu.int

For the Attention of	The Honourable Jaques Chirac
Fax Number	0033-147-422-465
No of Pages	1
Date	19 June 2003

Dear Mr President

I am appalled by reports of attacks by the French police against the Iranian refugees, who have been opposition activists or a part of Iran's main opposition, the National Council of Resistance of Iran. This is contrary to any political principles, the Geneva Convention refugee protections, and certainly the French tradition.

At a time when Tehran and other major cities are the scene of major anti-government demonstrations, who are demanding political freedoms and the replacement of the clerical regime, these attacks against the opposition will conclusively put France on the side of the ruling regime whose long held demand has now been fulfilled.

The National Council of Resistance of Iran has committed itself to struggling against the Iranian regime inside Iran, and they have had no unlawful, military, or "terrorist" attacks outside of Iran. Therefore, I urge your direct intervention to ensure the immediate release of the movement's leader, Mrs. Maryam Rajavi, who sent a message from her detention asking Iranian refugees to stop them. I would also urge you to ensure that no expulsion or extradition will take place, with regard to all those detained.

Struan Stevenson MEP

نامهٔ استونسون نمایندهٔ پارلمان اروپا از انگلستان به ژاک شیراک



نامه های پارلمانترهای کشورهای مختلف، رؤسای احزاب و شخصیت های سیاسی به ژاک شیراک

- میشل توبیانا رئیس وقت جامعهٔ حقوق بشر فرانسه و یکی از برجسته‌ترین روشنفکران این کشور که از فردای ۱۷ ژوئن زبان به اعتراض گشود.



میشل توبیانا رئیس وقت جامعهٔ حقوق بشرفرانسه و دانیل میتران در کنفرانس مطبوعاتی

او طی یک کنفرانس مطبوعاتی در مقر جامعه حقوق بشر «خشونت غیرقابل‌قبول» «در شرایط غیرقابل‌قبول» و بازداشتهای «برخلاف هرگونه موازین عمدی حق دفاع » را افشا کرد و گفت که به نظر وی این عملیات «خدمتی است» که پاریس به تهران کرده است.

وی اضافه کرد: «اتهام انجمن بزهکاری برای آماده‌سازی یک عمل تروریستی» اتهامی که بنا بر آن ۱۷ تن از مجاهدین ازجمله مسئولشان مریم رجوی تحت بازدداشت قرار گرفته‌اند «یک اتهامی است که در هر جایی از این مارک استفاده می‌شود».

- توبیانا تأکید کرد که «مقامات فرانسوی به‌طور کامل در جریان بازگشت خانم رجوی از عراق بودند و پاریس مخالفتی با آن نداشت». «سه روز قبل از تهاجم به محل اقامت خانم رجوی، پلیس به وی یک اسکورت رسمی داد تا نزد پزشکش برود.....».

-خبرگزاری فرانسه در روز ۲۳ ژوئن گزارش کرد: «رئیس لیگ حقوق بشر فرانسه در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: این یک خدمتگزاری به رژیم تهران است تا اینکه یک کار قضایی باشد.

ما نمی‌توانیم اجازه بدهیم که اپوزیسیون یک رژیمی که هر روز شاهد اعمالش هستیم، جنایتکار نشان داده شود، آن‌هم فقط به این دلیل که اپوزیسیون است. ما این‌گونه جنایتکار نشان دادن را رد می‌کنیم و آن‌را غیرقابل‌قبول می‌دانیم.

- این اتّحاد مقدس بین دولتها غیرقابل‌قبول است.

-توبیانا به دولت فرانسه در مورد استرداد مجاهدین و یا اخراج آنها به کشوری که به نوبه خود می‌تواند آنها را مستردد کند هشدار داد....».

-توبیانا در روز ۲۲ ژوئیه نیز در رادیو فرانس کولتور به‌صراحت اعلام کرد: «این جریان یک مسأله دیگری را مطرح می‌کند که بسیار وسیع‌تر است و آن جنایتکار نشان دادن یک اپوزیسیون سیاسی است. در ایران یک دیکتاتوری وجود دارد. آیا فقط به دلیل این‌که مخالفین چنین رژیمهایی هستیم و از خشونت علیه دولت استفاده می‌کنیم، دقت کنید گفتم خشونت علیه دولت و نه افراد غیرنظامی، آیا این یعنی یک عمل تروریستی؟ به نظر ما و در تاریخ جهان، نه و مسلماً نه.

ما می‌دانیم که اقدامات صورت گرفته علیه مجاهدین در فرانسه به دنبال سفر وزیر خارجه فرانسه به ایران، امضا یک قرارداد توسط توتال و پذیرایی وزیر کشور از مسئولین بلند پایه ایرانی صورت گرفته است. این وقایع پشت سر هم بود و بعد از یک یا دو ماه بعد اقداماتی علیه مجاهدین صورت می‌گیرد در این جریان سیستم قضایی وسیله‌یی است برای یک خواست سیاسی. من جرأت نمی‌کنم کلمه گروگان را به کار بگیرم ولی در هر صورت این کار نوعی اخطار است بر این‌که آنها را برای کسان دیگر گرفتند، بله این حتمی است».

برخی انعکاسات وقایع ۱۷ ژوئن در رسانه‌ها



FRANCE / SOCIÉTÉ

ENTRETIEN

Pierre de Bousquet : « Les Moudjahidin ont basculé dans une dérive sectaire »

« Le projet d'installer RG et DST ensemble est sérieux »

روزنامهٔ فیگارو –۲۰ ژوئن ۲۰۰۳

Aujourd'hui en Fra

SAMEDI 21 ET DIMANCHE 22 JUIN 2003

Auvers-sur-Oise

Danielle Mitterrand au chevet des Moudjahidin

D'ABORD UNE SALVE d'applaudissements. Puis « Libérez sans délai Maryam Radjavi ! » La formule qui est hurlée collectivement précède de l'arrivée de Danielle Mitterrand. Militante des droits de l'homme, la veuve de l'ancien président de la République s'est rendue, hier après-midi, à Auvers-sur-Oise, afin de soutenir les Moudjahidin du peuple, dont l'organisation est installée sur des Goods. A son passage, les opposants au régime iranien brandissent les nombreux portraits de Maryam Radjavi, leur leader charismatique qui était, hier soir, toujours en garde à vue. « C'est notre mère », résume une femme.

Entourée de 150 sympathisants, Danielle Mitterrand a choisi symboliquement de donner une conférence de presse devant l'une des trois entrées placées sous scellés — ils ont été levés dans la soirée, vers 19 h 15. La présidente de France Libertés s'est adressée aux manifestants et grévistes de la faim. « Vous n'êtes pas seuls. Votre voix est rapportée et amplifiée », assure-t-elle, avant de demander solennellement les raisons d'un aussi grand nombre d'interpellations mardi matin. « Je veux savoir », ajoute-t-elle, balayant les accusations de terrorisme ou de sectes à propos des Moudjahidin du peuple.



AUVERS-SUR-OISE, HIER APRES-MIDI. *Danielle Mitterrand est venue soutenir les opposants iraniens dont le leader charismatique, Maryam Radjavi, était toujours en garde à vue hier soir.* QUENTIN VEUILLET

Une quarantaine de grévistes de la faim

Leur technique de propagande est en tout cas efficace. Les slogans sont nodés, le dévouement des sympathisants évident et le sens de la mise en scène, au point. En retrait des manifestants très démonstratifs s'alignent les grévistes de la faim. Allongés sous de grosses couvertures ou adossés contre les clôtures de la propriété, une quarantaine d'opposants iraniens suivent désormais le mouvement entamé jeudi matin. Sur leur poitrine, ils ont tous agrafé une feuille de papier indiquant qu'ils mènent une grève « entière » selon l'expression des porte-parole, c'est-à-dire « sans manger, ni boire ». Avec la chaleur et la détresse, quelques malaises ont fait suite au départ de Danielle Mitterrand. Une femme se met à hurler, au bord de la crise de nerfs. Fatigués, la plupart des opposants somnolent.

Leur détermination prendra fin à la remise en liberté de Maryam Radjavi. Dans le cas contraire, « je suis prête à mourir », répond d'une voix ferme Maryam Radjavi. Responsable politique, elle vit dans la proximité d'Auvers parmi les Moudjahidin, depuis vingt et un ans. Elle explique avoir perdu « deux frères, exécutés par le régime islamiste ». Arrêtée mardi matin et relâchée en fin de soirée, elle dénonce l'attitude de la France. « Je ne suis pas une terroriste », ajoute-t-elle. Ne sortant que rarement de la résidence du docteur Radjavi, elle explique « s'être d'abord occupée de l'intendance et de la cuisine » avant de « se mettre au service 24 heures sur 24 » de la présidente du Conseil national de résistance iranienne.

Tout au long de sa visite, Danielle Mitterrand a eu des mots de réconfort pour chacun des sympathisants et militants. « Soyez solidaires, serrez-vous les coudes », lance-t-elle, une dernière fois, en prenant quelques photos. CLAIRE GUEDON

France Soir

AUVERS-SUR-OISE ■ Des centaines de militants ont apporté leur soutien hier à la femme du leader de l'OMPI, transférée à la prison de Fleury-Mérogis

Détenue, Maryam devient star



Mina, Asmaya, Fawzia et Rosa, autour d'un portrait de Maryam Radjavi, sont venues de Belgique pour soutenir les Moudjahidine du peuple.

Les Moudjahidine, "seul espoir de liberté"

Shahla, prête à "sacrifier" sa vie



300 personnes campent avec les moyens du bord

"En prison, nous avons peu dormi"



Libération

LUNDI 23 JUIN 2003

SOCIETE

MOUDJAHIDIN: «DES SOUPÇONS SANS PREUVE»

Les avocats des onze partisans écroués s'indignent.



L'irrésistible ascension de Maryam Radjavi

En vingt ans, elle a réussi à s'imposer parmi les Moudjahidin du peuple.

روزنامهٔ پاریزین–۲۱ ژوئن ۲۰۰۳

le Parisien Haute-de-Seine

24 HEURES

Auvers-sur-Oise

Danielle Mitterrand au chevet des Moudjahidin



Drogue

Plus de 10 kg d'héroïne écoulés en quelques mois

Méry-sur-Oise

Un fauteuil pour trois

2 grand paris LUNDI 23 JUIN 2003

20'

Les Moudjahidines privés de leader



روزنامه ۲۰دقیقه –۲۳ ژوئن ۲۰۰۳

l'Humanité

Iran. Les associations de défense des droits de l'homme dénoncent les méthodes de la lutte antiterroriste utilisées par le gouvernement français.

Paris dit s'intéresser de près aux comptes des Moudjahidin

Le quartier général des Moudjahidin du peuple à Auvers-sur-Oise était hier encore le théâtre de manifestations et de grèves de la faim, tandis que les explications officielles tentant de justifier la rafle policière contre l'organisation opposée au régime de Téhéran n'arrivent pas vraiment à convaincre du bien-fondé du coup de filet. Même si l'activisme du mouvement et le caractère sectaire qu'a donné le couple Radjavi à l'organisation sont sujets à caution. Pour le président de la Ligue des droits de l'homme, Michel Tubiana, on assiste là à des «dérives continuelles» de la justice antiterroriste française. Dénonçant, lors d'une conférence de presse au siège de son organisation, la «violence inacceptable» qui aurait accompagné les interpellations, les «conditions inadmissibles» des gardes à vue et le «mépris affiché des droits de la défense», Michel Tubiana a aussi estimé que l'opération était en «service rendu» par Paris à Téhéran. L'«association de malfaiteurs en vue de préparer des actes terroristes», chef de mise en examen de 17 Moudjahidin du peuple, dont leur responsable Maryam Radjavi, est une «accusation fourre-tout», a dit Me Tubiana, qui précisait par ailleurs que les autorités françaises étaient «parfaitement au courant» du retour d'Irak de la présidente de l'organisation. «Paris ne s'était pas opposé au retour de Mme Radjavi.» Trois jours avant l'assaut contre son lieu de résidence, la police lui a accordé officiellement une escorte pour aller chez son médecin, laissant-on également savoir dans l'entourage de l'opposante iranienne.



Michel Tubiana, ici avec Danielle Mitterrand, a dénoncé «le mépris affiché des droits de défense».

PAS DE DEMANDE D'EXTRADITION

Patrick Baudouin, président d'honneur de la Fédération internationale des droits de l'homme, a également fustigé cette «législation d'exception» qui ne «nécessite même pas de rapporter le début de la preuve d'une participation à des actes terroristes».

Selon le ministre de l'Intérieur, Nicolas Sarkozy, interviewé hier matin sur France Inter, la France s'intéresse de près à l'origine des fonds (8 millions de dollars) saisis dans les coffres d'Auvers-sur-Oise. Téhéran de son côté n'hésite tout accord intervenu avec Paris. Le porte-parole du ministère iranien des Affaires étrangères, Hamid Reza Asefi, a précisé que l'Iran «n'avait fait aucune demande officielle d'extradition» des dirigeants des Moudjahidin.

Le régime islamique fait dans le même temps face à une montée de la contestation intérieure. Téhéran et les villes de province ont le théâtre de fortes manifestations auxquelles le pouvoir répond par la répression et les arrestations. Les États-Unis ont une nouvelle fois exprimé leur détermination à soutenir le mouvement dans le cadre de ce «nouveau Moyen-Orient» que l'administration Bush entend redessiner dans la région après la guerre en Irak. Pour le secrétaire d'État Colin Powell, qui commentait la situation en Iran lors du forum économique mondial (World Economic Forum – WEF), à Shounet en Jordanie, «ces manifestations montrent que Washington était sur la bonne voie en tentant de promouvoir la démocratie et les réformes au Moyen-Orient».

Le secrétaire d'État a cependant affirmé que son pays n'avait pas l'intention d'entrer en conflit avec la République islamique. Washington a manifestement décidé de souffler le chaud et le froid. Le sous-secrétaire d'État américain John Bolton a pour sa part déclaré quelques jours plus tôt qu'une action militaire contre l'Iran était «une option».

TENSION AMÉRICANO-IRANIENNE

Reste que cette tension américano-iranienne est fortement alimentée par le dossier du nucléaire. Le porte-parole du ministère iranien des Affaires étrangères a rejeté lundi les propos du directeur général de l'AIEA, Mohammed El Baradei, qui avait demandé «une plus grande coopération de l'Iran» pour «clarifier» les questions concernant son programme nucléaire.

Mohamed El Baradei avait indiqué qu'«il y a des questions qui doivent nécessairement être clarifiées concernant le programme nucléaire de l'Iran».

D. B.

روزنامۀ پاریزین- ۲۴ژوئن ۲۰۰۳-پول مجاهدین تحت تحقیقات سختگیرانه

le Parisien

L'argent des Moujahidin passé au peigne fin



AUVERS-SUR-OISE (VAL-D'OISE), HIER. Les membres de l'OMPI manifestent pour demander la libération de Maryam Radjavi.

LA JUSTICE DEVRAIT EXAMINER, demain les demandes de mise en liberté, qui permettront de contester le placement en détention, déposées par les 11 membres de l'Organisation des Moujahidin du peuple iranien (OMPI) mis en examen et incarcérés pour « association de malfaiteurs » et « financement d'une entreprise terroriste ». Parmi eux figure Maryam Radjavi, « porte-parole dans de la résistance iranienne », femme du chef des Moujahidin du peuple, Massoud Radjavi. Depuis son placement en garde à vue, les membres de l'OMPI brandissent ses portraits pour demander sa libération. 150 Moujahidin s'agglutinaient hier soir à Auvers-sur-Oise, devant les locaux où ont été hospitalisés hier matin, Par ailleurs, deux sympathisants de l'OMPI, mis en examen tendredi pour avoir aidé une des leurs à s'évader par le bac à Paris — elle était décédée jeudi —, ont été écroués hier.

En provenance d'Iran

Sur le plan judiciaire, Maryam Radjavi a été « rapidement sur les mouvements anormaux de fonds enregistrés sur le compte de l'association Iran Aide, dont elle est la présidente. Les enquêteurs ont perquisitionné un raffle dans une agence de la Société générale, où ont été découverts des fonds au portage au nom de cette organisation. Au cours de la garde à vue, « à forte tonalité politique », selon un enquêteur, elle ne s'est guère montrée loquace. Elle a expliqué en substance que cet argent provenait principalement d'Iran. L'enquête a établi que l'OMPI utilisait de nombreuses sociétés écrans et moyens détournés pour financer ses activités. « Ces personnes ont expliqué qu'elles avaient des familles iraniennes en Iran, qui étaient obligées d'utiliser certains montages pour que l'argent ne soit pas bloqué par le régime, explique Me Sylvain Ben Abdallah, l'un des avocats de l'OMPI. Mais si l'origine frauduleuse ou l'utilisation à des fins terroristes n'ont été démontrées, « faute aux informations, elle a été longuement interrogée sur des comptes de téléphone et les échanges avec la « branche militaire » des Moujahidin du peuple, responsable de nombreux attentats en Iran. Arrêtée en France en août dernier, elle a eu également plusieurs conversations avec Massoud Radjavi, réfugié à Paris, qui n'a pas été localisé.

L'instruction va aussi tenter d'établir une hiérarchie dans l'OMPI. Parmi les 11 « sympathisants » placés en détention, trois n'ont pas le statut « d'initiés ». Certains, installés depuis vingt ans en France, pourraient avoir été « utilisés » comme « prête-noms » pour ouvrir des comptes bancaires, d'importants mouvements de fonds vers l'étranger ont été identifiés. Cet argent servait également à financer les déplacements des militants en Irak.

Reste à établir le caractère terroriste du dossier. La Ligue des droits de l'homme (et ministère de l'intérieur) « Nous refusons les dérives de la notion antiterroriste et l'intrusion du politique dans le judiciaire », s'est insurgé, hier, Patrick Tarbouriech, son président. Par ailleurs, les recherches de militants se poursuivent. Lors des opérations coup de filet, annoncées à l'appel quelques heures du mouvement, responsables notamment de l'achat de matériel militaire.

CHRISTOPHE DUBOIS AVEC FRANÇOIS EXEL

Une femme de 25 ans, qui s'était immolée par le feu la semaine dernière à Londres, est décédée hier.

La très laborieuse justification de la rafle d'Auvers-sur-Oise

La DST, les flics et le juge Bruguière n'ont pas trouvé grand-chose au siège des Moudjahidin.

L'HEURE DES PERQUISITIONS effectuées, le mardi, 17 juin à Auvers-sur-Oise, n'est sans doute pas encore venue. Depuis plus d'un an, les policiers de la DST et de la section antiterroriste du juge Jean-Louis Bruguière (« deux ans d'enquête, dont certains [...] ont mobilisé de nombreux fonctionnaires », nous dit-on) ont mis sous écoute les téléphones de Maryam Radjavi, la porte-parole des Moudjahidin du peuple (OMPI), et de plusieurs de ses proches. Ils ont également suivi leurs déplacements, photographié leurs rencontres, épluché leurs factures détaillées. Ils ont même, semble-t-il, mis sous surveillance les militants de l'OMPI qui se rendaient à Auvers-sur-Oise, où se trouve le siège de l'organisation. Bref, ils ont tout fait pour tenter de démontrer que l'OMPI, qui bénéficie du statut de réfugié politique en France depuis 1981, est en réalité une organisation terroriste, qui finance ses activités grâce à des détournements de fonds et des escroqueries.

Mais, à la lecture du rapport de synthèse rédigé par les policiers de la DST, on a du mal à croire que les enquêteurs aient découvert quoi que ce soit de vraiment probant. Le rapport, qui a été remis au juge Bruguière le 9 juin, est en effet bien maigre. Il ne contient aucune information nouvelle. Il se contente de reprendre des éléments déjà connus, et de les interpréter à charge. Ainsi, les policiers notent que Maryam Radjavi, qui dispose d'un passeport diplomatique irakien, s'est rendue à Bagdad à plusieurs reprises. Ils relèvent également que l'OMPI a bénéficié de nombreux soutiens politiques, notamment de la part de personnalités françaises. Ils soulignent que l'OMPI a organisé des manifestations, des meetings et des conférences de presse. Ils notent que l'OMPI a ouvert des bureaux à Londres, à Bruxelles, à Stockholm, à Rome, à Madrid, à Genève, à Washington, à Ottawa, à Canberra, à Tokyo, à Bonn, à Berlin, à Vienne, à Athènes, à Amsterdam, à Copenhague, à Oslo, à Helsinki, à Prague, à Varsovie, à Budapest, à Bucarest, à Sofia, à Belgrade, à Zagreb, à Ljubljana, à Skopje, à Tirana, à Pristina, à Podgorica, à Sarajevo, à Banja Luka, à Mostar, à Split, à Dubrovnik, à Rijeka, à Pula, à Zadar, à Šibenik, à Trogir, à Makarska, à Ploče, à Metković, à Opuzen, à Vela Luka, à Korčula, à Lastovo, à Mljet, à Dubrovnik, à Cavtat, à Herceg Novi, à Kotor, à Budva, à Bar, à Ulcinj, à Shkodër, à Durrës, à Vlorë, à Sarandë, à Gjirokastër, à Korçë, à Pogradec, à Elbasan, à Kukës, à Fier, à Lushnjë, à Berat, à Kuçovë, à Peqin, à Kavajë, à Durrës, à Tirana, à Shkodër, à Lezhë

La détention de Maryam Radjavi en appel aujourd'hui

La cour d'appel de Paris doit statuer dans la matinée sur le maintien en détention provisoire de Maryam Radjavi et de dix autres membres de son organisation : les Moudjahines du peuple iranien (OMPI). En attendant cette décision, une veillée se tenait, hier, à Auvers-sur-Oise (95), comme dans une vingtaine d'autres villes à travers le monde.

Dans le Val-d'Oise, treize jours après le début du mouvement, les grévistes de la faim, membres de l'OMPI, poursuivent leur jeûne. D'après l'organisation, leur nombre avoisinerait les 170. Selon les gendarmes, ils seraient à peine une trentaine. « Leur état de santé se dégrade, souligne Aschine Alavi, l'un des porte-parole des Moudjahidines. Leur tension est élevée et certains souffrent de problèmes cardiaques. » Selon la gendarmerie, une douzaine d'entre eux refusait toujours, hier, de s'hydrater. Au total, un millier de personnes, selon Ashine Alavi, 400, d'après les autorités, seraient actuellement devant les portes du siège européen de l'OMPI.



Hier, à Auvers-sur-Oise.

Aschine Alavi s'inquiète d'un éventuel maintien en détention de leur dirigeante. « J'ai peur qu'on aille alors vers un drame et que cela devienne incontrôlable. » Ce dernier n'exclut d'ailleurs pas des gestes de désespoir, à l'instar des immolations qui ont eu lieu, le 18 juin, devant les locaux de la DST, où Maryam Radjavi était entendue. « Je ne l'espère pas, mais qui peut vraiment savoir ce qui se passe dans leur tête ? », s'interroge le représentant de l'OMPI. « Ce serait absurde et irréel de ma part de dire que l'on peut maîtriser l'incontrôlable. » *Thomas Quéguiner*

détention

Les onze membres de l'OMPI, dont Maryam Radjavi, sont écroués depuis le 22 juin dernier. Ils avaient été interpellés cinq jours plus tôt avec 164 autres personnes dans le Val-d'Oise et les Yvelines.

20''

FAITS DIVERS

Il se défenestre avec sa fille
Un homme a défenestré sa fille de 2 ans du 5e étage, dimanche soir, à Maisons-Alfort, avant de sauter à son tour, et de se tuer. Sa fille est dans un état grave.

Le corps de l'enfant noyé retrouvé
Mort noyé dans le Loing (77), au cours d'une sortie en canoë, le corps de Thomas, 10 ans, a été retrouvé, hier, après seize jours de recherches.

Meurtre
Un homme de 41 ans a été tué, hier, d'un coup de couteau, à Fresnes. Son meurtrier s'est rendu à la police, pour « soulager sa conscience ».

Aujourd'hui en Fr

JEUDI 26 JUIN 2003

« Auvers-sur-Oise n'est pas le PC mondial du terrorisme »

JEAN-PIERRE BEQUET, maire de la commune

AUVERS-SUR-OISE (VAL-D'OISE)

«MERCI Jean-Pierre, merci Jean-Pierre ! » La cote de popularité du maire (PS) d'Auvers-sur-Oise a encore grimpé sur des Gaulois. La visite quotidienne de Jean-Pierre Béquet devant le siège de l'Organisation des Moudjahidin du peuple iranien (Ompi) a débuté hier après-midi sous un tonnerre d'acclamations et d'applaudissements. Une forêt pour les plus vigoureux des 300 militants qui y campent depuis huit jours de soutien à la fermeté des élus de la commune vis-à-vis du gouvernement. Un tiers d'entre eux sont en grève de la faim pour obtenir la libération de Maryam Radjavi, leur figure emblématique.

La nouvelle a vite fait le tour de ce qui ressemble de plus en plus à un village dans le village, même si le nombre des sympathisants varie d'un jour à l'autre. Le conseil municipal a pris mardi soir à l'unanimité une motion dans laquelle il dit attendre de l'Etat, qui « a favorisé et organisé l'implantation des réfugiés iraniens il y a plus de vingt ans », des explications sur « une opération de police d'une telle ampleur » et lui demande d'assumer ses responsabilités pour assurer la sécurité sur le site et la tranquillité publique. « L'opposition a modifié quelques termes, mais nous a suivis sur le fond », note avec satisfaction le maire socialiste. « Notre position est logique, non politique », nuance l'UMP Alain Pelletti, partagé entre son « soutien humain » et la « raison d'Etat ».

« La commune doit prendre en charge beaucoup de choses »

Ses citoyens de devoir faire face à des installations se sont estompées. Jean-Pierre Béquet s'inquiète maintenant de voir la grève de la faim, qui a encore provoqué six hospitalisations hier, s'éterniser. « Si j'en crois le délai déposé par ses avocats, Maryam Radjavi ne sera pas libérée avant le 1er juillet. En attendant, et même si ses amis sont très organisés, la commune doit prendre en charge beaucoup de choses. Elle met à disposition le terrain de football, les sanitaires, ramasse les déchets ménagers, sans aucun appui de l'Etat. Alors que c'est lui qui a provoqué tout ce bazar. Il peut l'enquête paraît bien mince, et nous nous posons tous des questions. »



AUVERS-SUR-OISE (VAL-D'OISE), HIER. *Les 300 militants qui campent depuis huit jours saluent la fermeté du maire et des élus de la commune vis-à-vis du gouvernement.* EPOMENTAN BOGO

Le rapport de la DST mis à mal

LORS de leur conférence de presse quotidienne, les porte-parole du Conseil national de la résistance iranienne (CNRI), vitrine politique des Moudjahidin, ont longuement critiqué hier les conclusions du rapport de la DST publiées mardi dans « le Figaro ». « Nous sommes évidemment satisfaits de lire que nos ressources financières ne sont pas frauduleuses, mais le reste est assez ridicule, a déclaré Archime Alavi, le fameux plan de Paris qui a été découvert chez nous et qui intéressait tant la police n'était qu'une demande anjour de la préfecture de police pour organiser une manifestation devant l'ambassade des Etats-Unis, l'an dernier », a-t-il expliqué. E.B.

A quelques jours du raid touristique dans la cité immortalisée par Van Gogh, rien n'habitants partagent aussi des préoccupations plus terre à terre. « La mobilisation des Moudjahidin ne gêne ni notre vie ni nos manifestations, car nous veillons à ce qu'elle reste discrète, explique le maire. Mais nous avons de plus en plus d'appels de touristes qui se demandent si la sécurité est assurée. On les rassure vite, car la rue est loin du centre et des lieux de visite. Mais en terme d'image, tout cela n'est pas forcément bien. Il faut arrêter de dire que c'est le PC mondial du terrorisme. Auvers, c'est la capitale de l'impressionnisme. »

ERIC BONNARD



LE FIGARO

1€

Mary Higgins Clark
Une journée en compagnie de la « reine du suspense ». Rencontre
Page 23

Soldes
Premier jour devant le Paris Etat des lieux
Pages 30 et 31

François René Duchâble
A 51 ans, le pianiste décide de quitter la scène. Portrait
Page 23

L'ESSENTIEL

Les opposants iraniens multiplient accusations et démentis, selon un document du contre-espionnage

Moudjahidin : le rapport secret de la DST

Opposition et syndicats mobilisent en faveur de Bové

Le bâtiment faisait route vers le Soudan

680 tonnes d'explosif dans un cargo



LE FIGARO

« Sans la liberté de blâmer, il n'est point d'éloge flatteur » Beaumarchais

AUVERS-SUR-OISE *Ils se défendent de toute préparation d'attentat*

Les Moudjahidin récusent le rapport de la DST

Marie-Estelle Pech

« Libérez sans délai Maryam Radjavi ! » Le nom du leader et symbole des Moudjahidin du peuple a été longuement scandé, hier, à Auvers-sur-Oise, pour le huitième jour consécutif, par quelque 300 manifestants. Une quarantaine d'entre eux, privés de la fête, étaient allongés sur le sol, enroulés dans des couvertures et prêts « à aller jusqu'au bout », scandait Fatima, venue d'Allemagne avec sa sœur.

Tous ont donné une nouvelle conférence de presse des porte-parole des Moudjahidin du peuple (MEK), devant leur siège du Conseil national de la résistance iranienne (CNRI). Alireza Akbari, membre de la commission des affaires étrangères du CNRI, a démenti les conclusions d'un rapport de la DST, publié dans *Le Figaro* de samedi, comme faisant partie d'un « complot », sans beaucoup de précisions.

Il a manifestement démenti les termes d'information utilisés par les renseignements français, affirmant qu'ils prouvaient « dans un cercle apparenté aux renseignements du régime iranien ». Le rapport de la DST utilise « les mêmes arguments que les services secrets iraniens qui souhaitent discréditer notre mouvement », a-t-il dit.

Enfin, les Moudjahidin n'auraient, selon lui, jamais eu l'intention d'assassiner tel ou tel acteur membre du mouvement collaborant avec les services de renseignements français. Idem « à l'intérieur » comme des cibles et des cellules ».

« Ce rapport est le premier qu'il n'y a aucun fondement juridique dans cette affaire, a-t-il déclaré. Nous sommes satisfaits de voir qu'il y est indiqué que nos ressources financières ne sont pas frauduleuses alors que c'est le principal argument utilisé par nos détracteurs. » Quant au juge de Paris devenu chez les Moudjahidin et dont *Le Figaro* a écrit qu'il aurait pu être visé par un plan d'action, « ce n'est qu'une autre manière de parvenir à empêcher que nous entendions exposer devant l'ambassade des États-Unis à Paris, en mai dernier, » poursuit Alireza Akbari. Nous voulions protester contre les bombardements des bases de la résistance iranienne en Irak par les Américains. Nous l'avions annoncée auparavant à la préfecture de police pour demander, en vain, l'autorisation de manifester. »

روزنامهٔ رفرم – ژوئن ۲۰۰۳

Réforme

Chaque semaine un regard protestant sur l'actualité

MOUDJAHIDINE DU PEUPLE

Victimes de la géopolitique



Les raisons de la rafle spectaculaire et violente contre les opposants iraniens à Auvers-sur-Oise ne sont pas encore élucidées. Ce coup de filet médiatique a-t-il été opéré en vue d'imposer la France comme interlocutrice à la fois des Etats-Unis et de l'Iran ?

Actualité
Difficiles
anticorru
p. 3

Enquête
La franc
p. 7-8

Compren
Les princ
du prote
p. 5

MARDI 24 JUIN 2003

Libération

Moudjahidin: les militants des droits de l'homme s'insurgent

La LDH dénonce les procédés de la section antiterroriste.

Question de principe. Hier, des organisations de défense des droits de l'homme ont exprimé leur inquiétude après la mise en examen, dimanche, de 17 Moudjahidin du peuple iranien pour *«appartenance à une association de malfaiteurs en relation avec une entreprise terroriste et financement du terrorisme»*. Elles ont dénoncé les *«dérives continuelles de la section antiterroriste»*, selon les mots du président de la Ligue des droits de l'homme (LDH), Michel Tubiana. *«C'est une question de principe: nous ne pouvons admettre qu'une opposition à un régime dont on voit au quotidien les agissements soit criminalisée, uniquement parce qu'il s'agit d'une opposition.»*

S'élevant contre la *«violence inacceptable»* lors des interpellations, les *«conditions inadmissibles»* des gardes à vue et le *«mépris affiché des droits de la défense»*, il a qualifié le chef de mise en examen d'*«incrimination fourre-tout»*. *«Il ne s'agit pas ici de lutte contre le terrorisme. Le politique vient une nouvelle fois empiéter sur le judiciaire»*, selon Patrick Baudoin, président d'honneur de la FIDH. Onze résistants sont toujours en détention, dont leur chef, Maryam Radjavi. Les six autres mis en examen ont été placés sous contrôle judiciaire. Quant aux deux sympathisants mis en examen vendredi pour avoir aidé une Iranienne à s'immoler à Paris, ils ont été écroués lundi. Hier, Michel Tubiana a mis en garde les autorités françaises: *«Tous risquent leur vie en cas d'extradition vers l'Iran ou d'expulsion vers des pays qui peuvent procéder à des réextraditions.»*



EMMANUEL ORTIZ

Danièle Mitterrand lors d'une manifestation à Auvers-sur-Oise.

Une semaine après la perquisition au Conseil national de la résistance iranienne, à Auvers-sur-Oise, 350 opposants manifestent toujours. Dans la nuit de dimanche à lundi, sept grévistes de la faim ont été transportés aux urgences de Pontoise. Hier, deux d'entre eux étaient encore à l'hôpital ●

GUILLAUME ROLLIN

● A Londres, une femme qui avait tenté de s'immoler par le feu la semaine dernière devant l'ambassade de France est décédée hier, a annoncé un porte-parole du Conseil national de la résistance iranienne.

روزنامۂ لاگازت –۲۵ ژوئن ۲۰۰۳

L'HEBDOMADAIRE

La gazette du Val d'Oise

Place de l'Hôtel de Ville - Pontoise
Rédaction : 01.34.25.10.20

Publicité : 01.34.25.10.18
E-mail : redaction-gazette-du-val-doise.fr

La carte scolaire des 860 établissements du Val-d'Oise

Rentrée 2003 : ce qui va changer

Lire en page 31





Mercredi 25 juin 2003 — édition du Val-d'Oise — n° 1424

Sommaire

Pages locales : 12 à 25
Pontoise — Page 12
Cergy-Pontoise — Page 13
Cergy — Page 14
Méry / Saint-Ouen-l'Aumône — Page 24
Vauréal — Page 26
Ressaucourt — Page 28
Le Plessis-Bouchard — Page 30
Franconville — Page 32
Cormeilles — Page 34
Pages 42 et 43
Pages diverses : p. 8 et 9
Osmoy — Page 6
Vaureal — Page 6
Grosrouvre — Page 6
Francouville — Page 6
Blancmesnil — Page 9

8 PAGES SPÉCIALES *Témoignages, reportages, photos exclusives*

Iraniens d'Auvers : une semaine en enfer



Notre enquête : pages 2 à 7

L'opération antiterroriste déclenchée le 3 juin contre les membres de l'Organisation des Moudjahidin du peuple iranien (OMPI) a débouché sur la mise en examen et l'incarcération de onze suspects, dont Maryam Rajavi, égérie du mouvement.
La Gazette vous propose six pages d'enquête pour découvrir le vrai visage de ces combattants qui avaient trouvé un refuge et, particulièrement à Auvers, une base arrière propice à leur lutte contre le régime de Téhéran. A cet étonnant mélange entre la secte et l'armée clandestine, l'Oise sait à présent d'une certaine "source", mais plus désormais que jamais.

Élections à Méry : J.-P. Pernot dans un fauteuil



Le maire sortant, Jean-Pierre Pernot (DVD), a été réélu confortablement, dimanche, avec près de 53% des voix. Son équipe aura 25 sièges, celle de Pierre Gilbaud-Lux 6 sièges, tandis que la liste dissidente de gauche aura un représentant au conseil municipal.

Lire en page 28

Pontoise : coup de colère au Nouveau St-Martin



La colère monte chez les habitants de la rue du Nouveau Saint-Martin. Les familles ne supportent plus les conditions de vie à la limite de l'insalubrité. La mairie, qui connaît la situation, a cependant annoncé des mesures énergiques.

Lire en page 19



Frémainville : le maire contre les 4X4

Maurice Mollet, maire de Frémainville (sortie ouest), mène un combat contre les 4X4 qui, chaque week-end, empruntent les routes de cette ville trois fois plus petite que Vauréal. Il a pris un arrêté municipal interdisant l'accès des chemins aux véhicules tout-terrains. Aujourd'hui, il menace ses adversaires d'une amende.

Page 11



Enghien : Evgueni Barcev, tsar des échecs

Le jeune Evgueni Barcev, 21 ans, l'autre génie d'Enghien-les-Bains, est sacré champion d'Europe aux Masters d'Hyères. Il est devenu le plus jeune grand maître français. Il a remporté sept parties, fait sept nulles et n'a connu aucune défaite. Il est actuellement classé 2e mondial, derrière Kasparov.

Page 18

Pour trouver les informations sur les parcs d'activités du Val d'Oise.
Tapez → www.carteco95.com

La Gazette - Page 2
ENQUÊTE
Mercredi 25 juin 2003



Le mystère des

Samedi dernier, quatre jours après le lancement de l'opération "Thor" qui a conduit à l'interpellation de 183 Iraniens dans le Val-d'Oise et dans les Yvelines, sept suspects sont mis en examen pour "terrorisme". Maryam Radjavi, épouse du Moudjahidin du peuple iranien (Oiep) est placée en détention à Fleury-Mérogis. Le Dr Saleh Radjavi échappe à la prison et fait un retour triomphal à Auvers, dans la nuit de samedi à dimanche. Après les immolations qui ont suivi le coup de filet, des militants de l'Oiep entament une grève de la faim. En une semaine, l'univers de cette organisation —secte totalitaire pour



Mardi, dernière matin. Remis en liberté sous contrôle judiciaire, le docteur Saleh Radjavi est accueilli en héros lors de son arrivée à Auvers-sur-Oise. Le leader en exil a pu prendre, d'où il l'on, sa première allocution publique depuis sa libération.



Dimanche, 16h0. Le député de la commission des affaires étrangères au sein de l'Oiep fait son entrée quelques minutes après Saleh Radjavi.



Samedi, les premiers journaux du matin font l'objet d'une lecture attentive.

Par petits groupes, assis sur le trottoir, ils déjeunent les premiers journaux du matin. Plus loin, une poignée d'hommes se serrent pour se rue-voir des flashes d'informateurs, qui tournent en rasade sur les ondes de radio. Samedi, 6h. Le camp de fortune installé dans le sur des Bords à Auvers-sur-Oise vient de se réveiller. Depuis les interpellations de mardi dernier, des centaines de sympathisants de l'Organisation des Moudjahidin du peuple d'Iran (Oiep) ont choisi de loger sur le campement. Ils ont fait le trajet depuis l'Allemagne, le Canada, la Belgique, l'Angleterre, avant un dernier saut sur le lac, complètement pour être là. Avec les habitants d'Auvers-sur-Oise, ils participent le café ou petit-déjeuner. Certains dans des gobelets en plastique, sur le stade municipal. A côté, les quarante gendarmes de la base commencent d'ouvrir un œil. Ils déflorent leur garnison défendue par la nuit. Toujours le même message : "Grève de la faim jusqu'à la libération de Maryam Radjavi".

Depuis la veille, les scellés qui interdisaient l'accès à la maison du docteur Radjavi ont été levés. A l'intérieur, quelques femmes passent le balai, pour effacer les plus gros, et effacer les traces de l'irruption policière de mardi. Les rideaux ont ouverts, mais nous ne bougeons pas du trottoir. Ecrit que Maryam Radjavi ne sera pas libérée. Ils ont enlevé les scellés, c'est bien, mais on n'est pas en paix nous-mêmes. La grève de la faim continuera. Si c'est le seul moyen qu'on nous reste, on le prend, dans le pays de la liberté, nous sommes sous contrôle judiciaire, —membre du Conseil de la résistance iranienne—, qui fait des allers-retours entre la maison du docteur et le campement.

«On travaille avec Jean Moulin»

Sur les 200 personnes interpellées mardi dernier, elles sept sont encore retenues dans les locaux du centre anti-terroriste à Paris. A Auvers, les sympathisants veulent croire vite que Maryam Radjavi, l'égérie du mouvement, va arriver dans la matinée, au terme de quatre jours de garde à vue à Vitrolles, la nouvelle tombe comme un couperet : les dix-sept membres de l'Oiep sont tous présentés dans l'après-midi à trois juges antiterroristes, dont le juge Bruguière, qui chapeaute l'opération. «Tout le monde espérait que Maryam Radjavi serait en marche. Mais c'est plutôt un effet d'augmenter d'un cran, d'user un sympathisant. Difficile de tuer le temps, dans la chaleur étouffante de l'après-midi. Dans des parapluies qui font office d'ombrelle, sous les quelques arbres qui jalonnent le terrain de foot, ils attendent. Jusque tard dans la soirée, des jeunes femmes distribuent T-shirts et feuilards à l'effigie de Maryam Radjavi, dont le portrait remplit désormais chaque parcelle de la palissade rue des Bords. Au bout de la rue, une sympathisante l'a vendu au gram, assistée par les gendarmes de la compagnie de Cergy, d'ordre de la sécurité publique. Progressivement, les pompiers-pompiers interviennent auprès des grévistes de la faim, au gré des évanouissements.

A Paris, les présentations devant les juges antiterroristes ont été retardées. Vers 20h40, les salles annoncent que le Parquet a requis le placement sous mandat de dépôt de Maryam Radjavi. Stéphane Rajavi, soeur du docteur, réagit au quart de tour, le visage rougi par la nouvelle : «C'est inacceptable que le président élu de la résistance soit privé de sa liberté, s'insurge un peu plus tard Jean Moulin, interpellé chez lui, en France un 24 juin, il y a 60 ans. Jean Moulin avait, lui aussi, refusé la défaite».

Jeudi 19 juin, 20h45. Après six heures de perquisition dans les pavillons d'Auvers, le Dr Saleh Radjavi, (the concerne d'une vaste et courant de deux policiers de la Dcri) regagne l'hélicoptère de la Sécurité civile qui va le ramener dans les heures qui suivent à son exil-engagement à Paris.





Dimanche, 7h15. Plongés sous à l'effet des dernières nouvelles, de nombreux Iraniens restent collés à leurs postes de radio.



Dimanche, 7h30. Malgré une nuit chaotique, cyclonique par le retour

Mercredi 25 juin 2003 — ENQUÊTE — La Gazette - Page 3

Moudjahidin

certains, aussi en exil sous ses couleurs — a été sérieusement ébranlé. Au cœur d'Auvers-sur-Oise, la résistance s'est organisée au fil des jours. Soutenus par des centaines de sympathisants venus de toute l'Europe, les opposants au régime de Téhéran, qui avaient élu domicile dans la paisible rue des Gords ont vécu une semaine en enfer.
Du coup de filet de mardi 17 juin, à l'annonce de l'incarcération de la présidente élue de la résistance iranienne : six pages spéciales pour mieux comprendre les mystères de l'Organisation des Moudjahidin du peuple d'Iran.



*** Suite de la une.

À 19h30 dimanche matin, comme pour signaler aux troupes en retraite une ruse d'ultime, le docteur Saleh Radjavi, dont la mise en liberté sous contrôle judiciaire venait d'être annoncée, fait un retour triomphal rue des Gords.

LE DOCTEUR RADJAVI A PARLÉ

Acclamé par une foule en liesse, il est porté à bout de bras jusqu'à une table qui tremble : celle de la Mairie. La mairie du docteur Vial. Au total, les plaques solidaires jouent la carte de la sérénité sur le mode « démocratie oui, manifestations non ». Mais ce sont plus qu'un soulèvement : le docteur Radjavi va parler. Entre allongeons. Et, avec mal dans l'aise gaucherie que la voix de son chef observe mainte. Sur le coup de la perte, devant les caméras de télévision, le docteur Radjavi a offert son hospitalité en français, résumant l'essentiel de ses positions. « J'ai confiance en la justice de la France : j'ai sûr que les faits et les preuves qui l'ont ou dans le cadre d'une enquête sérieuse, objective et impartiale. Ils [...] ne [illegible] ce qui [illegible] ».

Avant-hier, une ville des Yvelines pour [illegible] la DST a débarqué chez [illegible] ?

Des raisons politiques, peut-être ? Je ne vois pas d'autre explication. Je suis sûr que tout cela ensemble aux allégations du régime iranien, que nous connaissons. Ce régime ne tient pas, il traverse les difficultés sur son opposition. La propagande du régime iranien ne doit pas être prise pour parole d'évangile. [...] Je ne comprends vraiment pas les raisons des arrestations qui sont été prises. Nous avons tous été très surpris, très peinés et très étonnés [illegible] qu'elles soient [illegible] aux plus hautes responsabilités, des élus sont [illegible].

Et la mise en détention de Maryam Radjavi ?

Là encore, je comprends mal. S'il y avait très clairement [illegible] la morale des sympathisants de cette [illegible] qu'elle peut très bien [illegible] la période de mise en examen [illegible]. Nous sommes très bien [illegible]. [...] Que mon [illegible] en prison, pour l'instant. Mais elle, il faut qu'elle sorte. D'ici à mon [illegible] qu'elle a, l'espoir que les femmes [illegible] à son [illegible], elle seule est capable de calmer les gens. Ils ont l'impression que l'on est en train [illegible] et tout [illegible]. Maryam, c'est le symbole de l'amour des autres, de la liberté, de la démocratie.

Certains parlent d'une secte...

Les Moudjahidin ont subi entre deux dictatures : celle du Shah et celle de Khomeiny. Ces deux régimes font une propagande immonde pour discréditer les Moudjahidin.

Les flèches de l'ombre ont trouvé chez vous des soutiens, notamment d'argent, en petites coupures. D'où vient cet argent et à quoi sert-il ?

Ce sont des dons des Iraniens. Il n'y a pas d'autres sources. Notre résistance a ses racines dans son peuple. Ils sont prêts de mourir pour indépendance au régime qui les opprime. Il y a une grande solidarité et de la diversité matérielle. Ces argent sont [illegible] la vie normale de centaines de gens, des martyrs. Mais ce sont des sommes insignifiantes par rapport à l'aide que les Iraniens acceptent.

Saleh Radjavi : «Le dossier est complètement vide !»

La Gazette : Comment s'est passée votre interpellation ? Dans quelles conditions avez-vous été interrogé ?

Saleh Radjavi : Suivre Ces cagoulés, sans [illegible] sur l'une de mes [illegible] 50 kg et 1,70 cm, la version du 17 juin se [illegible] sur la moquette et les [illegible] dans le dos. La [illegible]... 36 personnes sont [illegible] en tout. Ils sont [illegible] aux [illegible], avec des détenteurs. Ils cherchent quelque chose d'[illegible]. Puis on [illegible] les interrogatoires, je n'ai pas [illegible] jusqu'à ces jours. Ils ne sont pas [illegible] pertinentes [illegible].

Avez-vous une idée des raisons pour lesquelles la DST a débarqué chez vous, ce matin-là ?

[illegible] soupçonné de préparer d'[illegible] des actes terroristes en [illegible]. Mais le dossier est complètement vide. Clairement, rendez-vous que j'ai [illegible] à 6 000 km de distance !


Saleh Radjavi, quelques heures après sa libération. *Domicilié à Auvers depuis 20 ans, cardiologue, il a exercé de longues années à la clinique du Plessis-Bouchard. Citoyen actif dans la commune, il a voulu présenter sur une liste aux municipales en 1977.*

Des Yvelines vous retournez à Auvers ?

Je ne sais, moi-même, aux membres de l'organisation des Moudjahidin à mais au Conseil National de la Résistance iranienne. Ce conseil comprend 165 membres de 6 partis politiques d'Iranien, dont les Moudjahidin. C'est ce qu'on appelle un parlement en exil. Nous nous battons pour renverser le régime des Mollahs et le remplacer par un gouvernement démocratique, pluraliste et laïque. Nous défendons le principe d'une démocratie où tous vivent en haut. Chaque sujet est tenu sur les gens d'en bas. Personne ne se sent [illegible] et les gens savent que leurs idées ne seront pas [illegible]. C'est pourquoi ils sont prêts à aller jusqu'au bout...

Que pensez-vous des immobiliers, et de ces gilets de la foire ?

Il faut calmer les gens. J'en d'ailleurs demandé aux femmes de reconnaissance à Iranien, ce qu'elles en [illegible]. L'énergie du désespoir peut conduire des extrémismes très graves. Ces images sont terrifiantes. Ces gens, prisonniers des deux régimes, ont subi des violences terribles. Aujourd'hui, leurs espoirs sont déçus. Et ces violences retombent. Si ce les ignorent pas sur les autres, car ce ne sont pas des terroristes. Mais ils les ignorent sur eux-mêmes.

Qu'allez-vous faire, à présent, face à la situation actuelle ?

Je vais continuer à calmer les esprits et tout faire pour obtenir la libération de Maryam Radjavi. Nous avons reçu une centaine de messages de soutien de députés américains et européens. Je suis actuellement surpris de voir la solidarité du peuple français. Des milliers de gens sont venus nous soutenir. Les esprits libres, à travers le monde, sont remués avec nous aussi.

Nous sommes prêts à affronter la justice. La résistance iranienne n'a rien à cacher. J'ai confiance malgré tout, dans la justice française. Et j'espère que nous continuerons quand de notre affaire. Nous allons continuer notre combat.

Reportage :
Elisabeth GARDET
Florence LALLEMENT
Marie-Angélique MIGNÉ
Jacques-Olivier BÉNESSE
Julien DUCOURET
François PELOILLE

Maryam Radjavi, de passage à Auvers le 16 août 1981. Il dénonce les tortures commises par le régime des Mollahs contre les Moudjahidin



ANALYSE

Ompi : «Un mouvement totalitaire et violent»

Trois questions à Jean-Pierre Chagnollaud, spécialiste du Moyen-orient, professeur en sciences politiques à la faculté de Cergy.

Quelles sont les caractéristiques de l'Organisation des Moudjahidin du peuple iranien ?

Ce mouvement, créé en 1965, en opposition au régime du Shah, et inscrit depuis 2002 sur la liste des organisations terroristes établie par l'Union européenne et les États-Unis, se caractérise par son totalitarisme et sa violence. Une violence qui s'exerce particulièrement à l'intérieur même de l'Ompi contre les militants et sympathisants : emprisonnements, tortures... En outre, ce mouvement est tout entier voué au culte de Maryam Radjavi, et qui peut le faire accéder à une secte. Les immolations qui eut eu lieu récemment à l'étranger le signe de cette dérive.

L'Ompi pourrait-il constituer une alternative au régime actuel des mollahs ?

En aucun cas. D'abord parce que la violence et le totalitarisme de l'Ompi sont connus de la population iranienne qui n'a aucun intérêt à remplacer un régime répressif comme un autre régime qui, bien qu'à l'opposé sur le spectre politique, utiliserait les mêmes méthodes de gouvernement. Mais plus encore, l'Ompi est totalement discréditée depuis que ses militants, réfugiés en Irak, ont fait alliance avec Saddam Hussein lors de la première guerre menée par les Iraniens, les Moudjahidin sont des traîtres.

Dans l'hypothèse où la France décide d'expulser Maryam Radjavi, et les principaux leaders du mouvement vers l'Iran, quels risques courent-ils ?

C'est clairement une menace de mort. Il faut se souvenir que la plupart des militants de l'Ompi sont réfugiés politiques en France, et qu'à ce titre ils ont bénéficié, jusqu'à la semaine dernière, de la protection de la France. Pour eux, c'est la pire décision qui pouvait être prise, puisque le régime de Téhéran les considère comme un véritable danger.

Repères

• Iran, 1965
Création du mouvement des Moudjahidin du peuple, opposition modérée au régime du Shah. Il est déclaré illégal en 1981, deux ans après la Révolution islamique et l'accession de Khomeiny au pouvoir.

• France, 1981
Le fondateur du mouvement, Massoud Radjavi, se réfugie en France. Il installe le Conseil national de la résistance iranienne à Auvers-sur-Oise où il est accueilli par son frère. Le Dr Saleh Radjavi. Au fil des ans, l'organisation rachète plusieurs pavillons dans le secteur de la rue des Gords.

• Irak, 1986
Expulsé de France, Massoud Radjavi s'installe en Irak où il forme l'Aile Militaire de l'Armée nationale d'Iran, bénéficie armée de son ennemi juré. Forte de 10 000 combattants dont la moitié de femmes.

ENQUÊTE

Jour après jour





Mardi 17 juin, 6h00 : 1.200 policiers et gendarmes interviennent simultanément dans le Val-d'Oise et les Yvelines. L'opération "Thésée" vient de débuter. Objectif : démanteler les réseaux français de l'Organisation des Moudjahidin du peuple iranien (OMPI). Près de 200 personnes sont interpellées.



La salle vient à Maryam Radjavi s'est exprimé tout au long de la semaine. Puings levés, les manifestants ont scandé des slogans réclamant sa libération.



Jeudi, 20h30. L'hélicoptère de la Gendarmerie survole nuit et jour le Val-d'Oise en quête d'une nouvelle perquisition à son domicile.

Le film de la semaine

• Mardi 17 juin

A 6 heures 04 : dix-huit hommes de l'opération "Thésée" (1 800 policiers et gendarmes) interviennent simultanément dans trois villes du Val-d'Oise et des Yvelines. Quinze perquisitions administratives sont menées au domicile de membres présumés de l'Organisation des moudjahidin du peuple iranien (OMPI), dont le chef, Maryam Radjavi, vit en exil à Auvers-sur-Oise, depuis 1986. Les enquêteurs de la DST, qui agissent sur commission rogatoire du juge antiterroriste Jean-Pierre Rieux-Brès, investissent quatre maisons à Auvers-sur-Oise, et un bâtiment industriel à Saint-Ouen-l'Aumône. Les enquêteurs découvrent à Auvers plus de 6 millions de dollars en petites coupures. A Saint-Ouen-l'Aumône, ce sont des centaines d'ordinateurs et des dizaines d'armes palestiniennes qui sont saisis. Le quartier bouge. Des manifestations de soutien aux moudjahidin sont interpellées. Le drapeau vert, blanc et rouge de l'OMPI flotte sur des balcons de la rue des Vignes.

• Mercredi

Deux femmes et un homme, membres de l'Organisation des moudjahidin du peuple iranien, comparaissent devant les juges de la DST à Paris. Les trois autres suspects, également en garde à vue, seront en appel pour que les Moudjahidin puissent ces tentatives de suicide. Le même jour, Pierre de Bousquet, porte-parole de l'OMPI, tente de fausser l'image de l'organisation en donnant une conférence de presse. Cette curieuse initiative surprend celle qui est chargée de l'affaire apparaît comme une justification de l'opération "Thésée". Le parquet du contre-espionnage français affirme que l'Etat, depuis l'invasion américaine en Irak, aurait regroupé ses militants arrêtés à Auvers pour en faire un quartier général. Hostiles d'une organisation communiste, à Auvers, paisiblement, les militants du mouvement passent leur deuxième nuit à la belle étoile. Jean-Pierre Brard, maire (PS), leur fait savoir les sanitaires de stade voisin. Les habitants de la rue des Vignes manifestent leur solidarité avec les réfugiés en leur apportant boissons et nourriture.

• Jeudi

Les riverains de la rue des Vignes, inquiets depuis le début de la semaine, apprennent une mauvaise nouvelle : la préfecture a interdit la manifestation prévue par le Conseil national de la résistance iranienne (CNRI), la vitrine politique de l'OMPI, à Paris. Cette manifestation devait réunir 30 000 personnes, selon les organisateurs. Le CNRI, qui a son siège à Auvers, est présidé par Mohammad Mohaddessin, un ancien député islamiste iranien. Il est également le représentant en France de Maryam Radjavi, la présidente élue de la résistance iranienne. Cette dernière, qui vit à Auvers, est considérée par les services français comme la véritable patronne de l'OMPI. Elle est également la compagne de Massoud Radjavi, le chef historique de l'organisation, qui a disparu depuis 1986. Les deux époux sont recherchés par Interpol pour "terrorisme".

• Vendredi

Après une nouvelle nuit en plein air, les militants de l'Etat regagnent la salle de Danielle Mitterrand, présidente de l'association France Liberté. Les services d'urgence sont prêts à accueillir les éventuelles victimes de débordements en proie de l'Etat.

• Samedi

Journée d'attente sous haute tension : c'est aujourd'hui que pourrait être lancé l'assaut. Des centaines de sympathisants venus de toute l'Europe, mais aussi des Etats-Unis, convergent à Auvers. Dans la soirée, 17 suspects sont déférés au parquet de Paris. Sept sont écroués dont Maryam Radjavi, mais rien à faire. Plusieurs blessés lors de heurts, plusieurs véhicules brûlés, sept contrôles judiciaires prononcés à Auvers. Parmi eux, le Dr Saleh Radjavi, est partie en triomphe.

• Dimanche

Sous un soleil de plomb, les gendarmes de la force mobile commencent leur mouvement. Plusieurs centaines de policiers sont mobilisés dans le quartier à l'origine de l'opération. Hélicoptère, canons à eau, gaz lacrymogènes, tirs de balles en caoutchouc, rien ne manque à l'attirail de Mayenne. Il y aura des morts, si, heureusement, les militants de l'Etat.

• Lundi

Une des femmes qui avait tenté de s'immoler, mercredi à Lourdes, décède de ses brûlures. A Fleury-Mérogis (Essonne), où est incarcérée Maryam Radjavi, en dépend le gouverneur de l'ordre est déployé autour de la prison pour faire face aux éventuelles manifestations qui pourraient être organisées par les militants de l'Etat.



Vendredi, 20h30. La vague de sympathisants s'organise : distribution des couvertures contre l'arrivée des froids.



Vendredi, en début de soirée, les enfants du rassemblement de la rue des Lilas apportent de la nourriture aux fraises qui campent dans la rue.

Samedi, 13h30 : après trois jours de grève de la faim, il reste encore à la résister.



Dimanche, 9h30. 300 personnes viennent de passer une nouvelle nuit à Auvers.



روزنامهٔ لاگازت –۲۵ ژوئن ۲۰۰۳



Mercredi 25 juin 2003 — ENQUÊTE — La Gazette - Page 5

Le point sur l'enquête

La Gazette - Page 6
ENQUÊTE
Mercredi 25 juin 2003



VISITE GUIDÉE *Après la perquisition de la Direction de la surveillance du territoire*

Les Iraniens ouvrent les portes de leur QG auversois

Samedi 14h : les Moudjahidin invitent la presse à faire le tour du propriétaire de leur quartier général. Une bonne dizaine d'heures après la levée des scellés des quatres pavillons. Une visite fortement balisée.



Sans menottes dorées. Le quartier général de l'Organisation des Moudjahidin du Peuple iranien (Oipi) a fait les frais de la visite très musclée des policiers du Raid et de la Dst auxerrois mardi dernier à la fourche du matin.

Parties défoncées, placards volés, carnages laissé, ordinateurs et périphériques emportés... : les enquêteurs ont scrupuleusement recherché les éléments qui confirmeraient l'implication de l'Oipi dans la préparation d'opérations terroristes.

Au terme de quatre jours de fouille minutieuse, les scellés ont été levés mercredi. Samedi, les Iraniens d'Auxerre ont ouvert les portes des quatre bâtiments de leur QG à la presse.

« Depuis ainsi l'intervention du directeur Bernard et de l'ensemble des personnes qui l'accompagnaient n'est vue comme une menace d'Allah pour nous, mais nous ne pouvons collaborer en montrant quoi que ce soit. Tout a été passé au crible », explique Shahrokh Rafiyani, membre du directoire "Salam Rafiyani.

Une visite très encadrée

Sous les yeux d'Hélène Tartaud, en charge des activités de traduction au sein de l'Oipi, et d'environ dix policiers du Raid et de la Dst, chargés de la sécurité, le petit groupe de journalistes a commencé sa visite par le pavillon du directeur. Rapidement, les policiers sont l'escorte d'un "guide", blaguer quelques jours de perquisitions passés, montrer et expliquer aux uns pour les hommes que nous les trois pavillons qui, du quartier général, font partie ci-contre et ci-dessous, les responsables de l'Oipi sont restés sur le qui-vive. Les visiteurs ont dû se contenter d'un véritable parcours fléché. Deuxième étage suspendu. Pas d'une demi-journée n'est évoquée autre la fouille des portes (ouvertes ou fermées) et la visite guidée (serrée) sont-elles. Certains pour mieux comprendre leurs motifs d'un jour, en hôtes des lieux n'auront pas oublié de laisser en évidence divers messages révélant la défense des Droits de l'Homme.



Guidé de la visite, Abdollah Rouhani évoque la violence de l'intervention (voir l'état de la porte en arrière-plan).

Étonnés au vrai de leur foi, les Moudjahidin n'ont pas perdu leur sens de la communication.



Pavillon du directeur Rafiyani : le carrelage du salon et la porte d'entrée ont fait les frais de l'intervention du Raid et de la Dst.





Un des bureaux du centre opérationnel. L'état du périphérique témoigne des méthodes musclées employées par les enquêteurs en charge du dossier.

COMPLAINTE

Dix femmes ont été interpellées



C'est dans ce pavillon situé au N, avenue Gabriel-Péri que dix femmes ont été interpellées mardi dernier.

« Ces familles sont là depuis plus de vingt ans et nous n'ont jamais posé de problèmes. Avec la communauté. On savait qu'elles étaient soupçonnées de relations terroristes, mais de là à penser qu'elles étaient impliquées dans un projet d'attentat, c'est inconcevable. L'un de leurs voisins, Carl Nanas, depuis douze ans, remarque : « Avant dans cette maison, il y avait plus d'animaux. Maintenant on voit parfois simplement des femmes, et il y avait aussi beaucoup plus d'allées et venues. Dans le quartier, ces familles ne perturbent pas vraiment l'ambiance, on sait très discrètes, une manière peut-être. Les dix femmes interpellées ou leurs maris habitent le logis, tout depuis 18 ans, dans la même cadre.

COMPLAINTE

«Des pratiques qui rappellent l'inquisition»

Hélène Tartaud, étudiante de traduction au sein de l'Organisation des Moudjahidin du Peuple iranien (Oipi), habite auxerre à 18 ans, mardi après quatre jours de garde à vue, nous avons pu la rencontrer pour évoquer avec elle les événements qui ont bouleversé son quotidien. Entretien.



Pourquoi l'Oipi a-t-elle choisi Auxerre pour implanter son quartier général ?

Hélène Tartaud : Nous avons choisi Auxerre parce que nous y avons trouvé des locaux qui correspondaient à nos besoins. Nous ne savions pas que la ville était jumelée avec Téhéran.

Comment avez-vous vécu l'intervention du Raid et de la Dst ?

H. T. : Nous avons été surpris par la violence de l'intervention. Nous avons été réveillés à 6h du matin par des cris et des coups de crosse contre la porte. Nous avons été menacés avec des armes de guerre. Nous avons été mis à terre, menottés dans le dos, et on nous a interdit de parler. Je n'ai pas compris ce qui se passait. Je pensais que c'était une attaque terroriste. Je n'ai pas compris tout de suite que c'était la police. Nous avons été traités comme des criminels. Nous avons été insultés, et certains d'entre nous ont même été frappés.

Comment vivez-vous la fouille de vos locaux ?

H. T. : Nous avons été choqués par le désordre dans lequel nous avons retrouvé nos affaires. Nous avons été choqués par le fait que les policiers aient fouillé dans nos affaires personnelles, dans nos sacs à main, dans nos portefeuilles. Nous avons été choqués par le fait que les policiers aient fouillé dans nos affaires personnelles, dans nos sacs à main, dans nos portefeuilles. Nous avons été choqués par le fait que les policiers aient fouillé dans nos affaires personnelles, dans nos sacs à main, dans nos portefeuilles.

Mercredi 25 juin 2003 — ENQUÊTE — La Gazette - Page 7

SOLIDARITÉ *De la part des riverains, de personnalités, de députés étrangers*

De nombreuses marques de soutien



À 14h30, vendredi, la route où Danielle Mitterrand a apporté réconfort et espoir aux familles d'horreur.





Jeudi en début d'après-midi, l'avocat des Mondjehinha a voulu voir une victime.

Saleh Radjavi, lors de la perquisition, où on l'a pas laissé pénétrer dans l'immeuble.

« Quand Jacques Rodjavi a rendu publiques, j'ai été invité chez eux. J'ai souhaité y aller avec mes enfants, je les soutiens. Le moment a bien compris de 3 à 4 des familles politiques africaines », Cet Ivoirien de la rue Eugène-Leleux est comme tant d'autres, surpris de ce qui vient de se passer. Il se comprend également avec les riverains présents et aux différentes manifestations de soutien qui se tiennent depuis le drame. Il a même suivi le défilé de mardi à qui voulait se rendre à la mairie du 18e arrondissement, où Danielle Mitterrand a apporté réconfort et espoir aux familles d'horreur.

Danielle Mitterrand à Auteuil

Plusieurs témoignages de sympathie ont jalonné cette journée de lutte. Vendredi après-midi, la veuve de l'ancien président de la République, Danielle Mitterrand, venait apporter son soutien aux familles de l'IMS Enguérin. Elle a été reçue par Mme Rodjavi, Mme Mondjehinha et Mme Ouattara, ainsi que par des membres du Collectif des familles de victimes du 19 septembre 2002. Elle a ensuite rencontré les riverains de la rue des Boulets, à qui elle a distribué des fleurs et des pommes. Les habitants étaient manifestement touchés par cette démarche, qui a été saluée par tous. Elle a ensuite rencontré les riverains de la rue des Boulets, à qui elle a distribué des fleurs et des pommes. Les habitants étaient manifestement touchés par cette démarche, qui a été saluée par tous.

Des messages de monde entier

De nombreux parlementaires, enfin, ont tenu au président Chirac lui faisant part de leur surprise. Des États-Unis, d'Angleterre, de Belgique, d'Allemagne ou du Danemark, des Pays-Bas... une centaine de messages ont été adressés aux instances ivoiriennes, d'après nous. Pas de prise de position officielle, en revanche, de l'opposition de gauche française.

JEAN-PIERRE DEQUET, MAIRE

«Une solidarité et une neutralité bienveillante»



Jean-Pierre Dequet, maire d'Asnières-sur-Oise, était au plus près, hélas après hélas, des événements qui secouent la ville et la rue des Bordes en particulier. Sa position ? « J'ai apporté une solidarité et une neutralité bienveillantes, dit-il. En expliquant : « Je ne soutiens pas politiquement parlant, le groupe des Mondjehinha du Peuple. Je ne peux pas accepter, par exemple, leur alliance avec Saddam Hussein. Par contre, je désapprouve totalement les méthodes employées à Auteuil. Elles totalement inexplicables, scandaleuses. Dans totalement inconcevable d'imaginer ça des gens qui l'on protégé depuis 30 ans, qui l'ont aidé enrichi plus de cadres. Le gouvernement devrait expliquer à l'opinion », dit le sénateur Jean-Pierre Dequet. « Il ne faut surtout pas que cette tragédie ait pour conséquence de nous diviser, ajoute-t-il. La guerre en Irak, celle en Côte d'Ivoire sont à l'origine de ce drame. Il faut maintenant tout faire pour que la paix revienne. »

Le maire d'Asnières, soucieux du calme retrouvé dans la commune, a invité, ce lundi, les élus de tous les courants et les habitants du quartier des Bordes, solidaires pour témoigner, exprimer à nos côtés, manifester et consoler ceux, affligés, qui ont perdu leurs proches. « Il est important que cette tragédie ne devienne pas, l'un d'entre eux, un motif pour les démanteler une aide aux moins nantis. Les parents peuvent compter sur moi et sur l'équipe municipale. Je serai à votre écoute. »

RAFLE *Les policiers se sont trompés de maison...*

Réveil au fusil pour les Poirrier

Le jour de l'intervention des CRS, les Poirrier, la famille logeant juste à côté des Dunlop, au N°9, a été victime d'une regrettable erreur. Les deux fils ont été sortis de leur lit par les policiers, plaqués au sol... puis abandonnés sans un mot d'excuse.

L'intervention du mardi 17 juin, après avoir été précédée, avec un tel luxe de précautions, de policiers, que l'histoire qui s'est produite chez les Poirrier aurait totalement vocation à faire... sourire. Antoine (16 ans) et Julien (23 ans) n'ont pourtant pas l'air en mesure de le faire. Ce n'était pas une fiction mais bien la réalité lorsqu'ils ont été violemment sortis de leur lit, à 6h du matin, par deux agents du DICN. La simple bonne pomme sur eux, le nom du batiment, les deux innocents se calepin ont été sommés de se coucher face, sans, avec rien de plus que dire que j'ai passé violemment. « J'ai quelqu'un été plaqué à terre, j'ai d'ailleurs une écorchure au menton, raconte Julien. «On n'avait pas le droit de parler. C'est seulement quand ils nous ont demandé si on était français qu'on a fini le rapprochement avec les menottes d'à côté. Avant cela, on se demandait vraiment ce qui se passait, pourquoi le petit frère... »

Heureusement pour les victimes du tableau malentendu, il a fallu peu de temps aux quatre super-policiers sur place, pour se rendre compte de leur grossière bévue, et heureusement, moins rapidement qu'il ne aurait fallu de leur (extrême), les habitants de ce paisible petit pavillon.

Pas de plainte, mais des excuses

« On ne pense pas que l'on puisse porter plainte. Il n'y a pas eu de violence, on pense d'abord à l'intervention. Mais, tout ce que l'on demande, ce sont quelques explications et surtout, des excuses. Pour l'instant, personne n'est venu nous voir pour dire que ce serait désolé vendredi après-midi. Julien, encore auteur de cette histoire rocambolesque.

Sur le seuil de ses volets, il reste tout aussi surpris – on sait déjà de ses politiques. Finalement, je trouve que c'est rajeunissant sur ce qu'il se battrait pour la liberté. Ce ne sont pas des terroristes mais ce sont eux qui se battent contre les terroristes, chez nous en plus. Moi, je n'ai rien à dire de problème avec eux. »

Antoine (20 ans) et Julien (23 ans) ont été sortis de leur lit par erreur, le mardi 17, à 6h du mat'. Lampe torche et canon de fusil braqués sur eux : on ne leur a pas demandé leur identité.



روزنامۀ لوپاریزین –۳۰ ژوئن ۲۰۰۳



LUNDI 30 JUIN 2003 www.leparisien.com N° 18238

le Parisien Val

Mgr Gaillot au chevet des Moudjahidin

AUVERS-SUR-OISE (VAL-D'OISE), HIER APRÈS-MIDI. « J'adresse ce que vous faites, vous avez beaucoup de courage et Maryam Radjavi a de la chance d'avoir des amis comme vous », chuchote Mgr Gaillot (à gauche) à un sympathisant de l'Organisation des Moudjahidin du peuple iranien (OMPI). Dès son arrivée à Auvers-sur-Oise, l'ancien évêque d'Evreux a visité, en privé, le siège européen de l'OMPI. Accompagné de l'ayatollah Gorjei, celui-ci échange ensuite quelques mots avec chacun des grévistes de la faim, alignés depuis deux jours sur les trottoirs de la rue des Gards. « La libération de Maryam Radjavi est le seul moyen pour qu'ils acceptent de manger à nouveau », explique-t-il. Mgr Gaillot estime que, si Maryam Radjavi doit être jugée, elle « pourrait simplement être assignée à résidence » en attendant. L'évêque a ensuite prononcé une prière par laquelle il invoque Dieu de ne pas laisser « sans espoir ceux qui sont en prison et que nous aimons ». La demande de remise en liberté de Maryam Radjavi sera examinée aujourd'hui par la cour d'appel. CAROLINE COLLOU



50 femmes en grève de la faim

Maryam Radjavi, figure controversée

Une voisine : « Ils ne sont pas des terroristes »

روزنامۀ اکورژیونال –۳۰ ژوئن ۲۰۰۳

SAMEDI 5 JUILLET 2003 www.leparisien.com

Val-d'Oise Matin

L'événement

Les Iraniens lèvent le camp

AUVERS-SUR-OISE

TRÈS FATIGUÉ, le petit groupe s'est écroulé au milieu des piles de couvertures et de vêtements pour une vente organisée. Hier matin, le stade d'Auvers-sur-Oise, face au siège de l'Organisation des Moudjahidines du peuple, évoquait une forteresse tiraillée à cinq heures. Les sympathisants pleurent, rongent, mastiquent et détruisent méthodiquement tables, sacs de couchage, drapeaux et tentes. A l'intérieur du terrain de sports, des centaines de centaines de chaises de jardin s'élèvent. Elles entourent aux 1 200 opposants au régime de Téhéran qui ont fêté jeudi, après cinq le retour de leur porte-parole, Maryam Radjavi.

L'épreuve du leader des Moudjahidin a été terrible. Après trois jours de détention provisoire à la mairie d'Auvers (le Préfet Mérigaud, Arrivée à Auvers-leurs avocats plus tôt, elle a retrouvé la résistance des docteur Radjavi, le frère de son mari). Les habitants de la rue des Cendres ont quant à eux renoué avec la tranquillité. Le maire, Jean-Pierre Bisquert (DVD), va d'ailleurs leur adresser une lettre « pour les remercier de leur patience et de leur solidarité ». « Je n'ai pas reçu un coup de fil de plainte de leur part », note-t-il. « Nous respectons les valeurs et le village d'Auvers qui nous a reçus. Tout s'est parfaitement passé », ajoute Olivier A., coordinateur pour Rhône-Alpes du Conseil national de la résistance iranienne. Le porte-parole devrait également rencontrer Lionel dans la soirée.

Le maire remercie les



AUVERS-SUR-OISE, HIER MATIN. Au milieu des couvertures, des matelas et des vêtements rassemblés par les Moudjahidin, un enfant s'est endormi en attendant le départ.

ILE-DE-FRANCE
Les prisons pleines à craquer
Page II

TAVERNY
Les deux braqueurs sont amis d'enfance
Page III

VTT
25 qualifiés pour les Nationaux
Page VI

VENDREDI 18 JUILLET 2003 www.leparisien.com

le Parisien atin

L'événement

La vie reprend son cours chez les Iraniens

Auvers-sur-Oise

LA RUE a cessé qu'aujourd'hui de vivre au rythme et fête de voitures. Une Mercedes est, au milieu des gravats de la cour, grandissime curiosité et rassemblement. Les voisins viennent admirer le véhicule, sorti après un sacré coup de fion. Il y a un trouble : celle-ci appartient à un des quelques Iraniens de Cavès, à Auvers-sur-Oise, au siège du Conseil national de la résistance iranienne (CNRI). La plupart ont cessé de travailler. Aujourd'hui ils préparent une exposition sur « la torture pour l'extermination des militants » et « comment vivre une interview télévisée ». Autant savoir vers quelques-uns à résidence et vous la trouver d'un accès d'expulsion.

De ce comparaison de tous ces gens heureux qui a duré trois jours. Il ne reste rien, si ce n'est ces petits riens à jamais gravés. Rudigé à la fois par le propriétaire d'une maison, il vivait les autres habitants à ne pas se rendre compte ceux chez lui.

Vacances et Tour de France...

La tour de Cavès a retrouvé sa sérénité. Hier, les habitants, profitaient d'une journée plus tiède pour vaquer les gros travaux. Le gros coup de fion a eu « changé » leurs relations avec leurs voisins, racontent. Pendant quatre ou cinq mois, ils ont vécu dans la crainte d'une expulsion. Quand, hier, ils ont découvert les travaux effectués dans le quartier, ils n'ont aujourd'hui leur exaspération et une compréhension exemplaires.

Dès la libération de Maryam Radjavi, « ils ont pu, enfin, vaquer jusqu'au moindre jugement ». C'est aussi le souvenir du temps et du passé dans chaque maison pour s'occuper du déménagement. Et ce dîner samedi pour les remercier de leur soutien et leur accompagnement à Chantilly y était. Elle parle avec drôlerie d'une soirée considérée comme de petites tables. Beaucoup devaient. Pour tous, un mois après, c'est encore l'instant qu'il retrouve sur les lauriers de coup de fion. Madame Azari, l'un des porte-parole du CNRI, a tenu d'apporter quelques éléments de explications. Personne ne peut les déranger en ce moment tranquille autant ne savait pas déranger en la campagne de dénonciation qu'une opération contre le terrorisme. Car la tour abritait de sérieux cherchent des armes et alors que l'Etat français entraîne ses affaires et retrouve depuis longtemps avec Sud le plus catholique, fait bien confiance aux réfugiés, mais ne cache pas ses contradictions concernant les personnes assignées à résidence. Thégarem de tous, « elles ne sont pas à l'abri d'une charge des mêmes ». Le cours d'Auvers, Jean-Pierre Stegart, 57ans, parle, lui, d'un statut de réfugié politique. Il sait de près l'assassin de ce dernier.

Dans la ville de Jeanne Radjavi, l'épouse de Massoud Radjavi se reposa. Entre les discussions avec les journalistes venus de la France entière, on parle des vacances et de la reprise économiques activités du conseil. Auvers, jadis accueillait les peintres étrangers des « ateliers » mis en place par des étudiants « et se battre pour que « l'OMPI (Organisation des Moudjahidine du peuple d'Iran) ne figure plus sur la liste des formations terroristes de l'Union européenne ».

Sur le parking d'en face, dans leur pavillon aux, les gendarmes continuent de surveiller les réfugiés politiques, comme de la face depuis 1981. Un œil distrait sur l'image du Tour.

Antoine Cao



A Saint-Ouen-l'Aumône, ils sont sur le départ

UN MOIS après la découverte de policiers qui avait abouti à l'interpellation de 57 personnes et la confiscation d'une grosse quantité de matériel informatique et audiovisuel, les membres de l'association Union Sociale des anciens habitants Tuileries, avenue du Petit Cabinet, à Saint-Ouen-l'Aumône, étaient dans tous déménagé, qui s'installe plus grande salle. Armoire, rangement et deux banquettes, seules les affaires personnelles de quelques locataires restaient à la vue, de Maryam Radjavi et la musique jouait différemment, par un locataire particulièrement la silhouette gauchère, le téléphone sonnait moins souvent.

« Il n'y a plus grand-chose à faire ici »

« Le centre culturel n'est plus en activité, explique l'animateur, un homme venu de Londres. Les autorités ne nous utilisent pas pour tel ou tel. La communauté iranienne en France et en Europe a été saisie, les documents saisis, filmés et disqués que nous avions stockés ont été emportés. Les célébrations aussi... Il n'y a plus grand-chose à faire ici. D'ailleurs, les quelques permanents vont être mutés. Le directeur du centre, le jeune Vali Ebrahimpour, est venu le voir pour « faire un point d'expérience, un petit quelque part dans la page. Il va rester quelque temps ici en tant que conseiller ».

Les quatre étages du bâtiment où l'association et d'espace de télévision, d'abandon de sa salle de culture et de musique des personnalités, certains le chassent ses responsables, sur le centre de personnes de passage, des étudiants, un régime transfert, comme l'affirme la police ? Trop avais opéré ses installations discrète ». Saint-Ouen-l'Aumône, la question ne se pose plus vraiment. Pour l'animateur, le lieu rechapatoire, l'une de rassembler et d'inspirer. Tout le monde avait quitté les lieux dans les procédures sommaires. Certains parlent de continuer à aider chez eux, mais ils sont encore choqués, inquiets, par l'attaque dans la cité Dal l'objet. Jamais ils n'auraient imaginé être traités un jour par un gouvernement français comme ils le sont en ce lieu.

Eric Bureau



SAINT-OUEN-L'AUMÔNE, ZONE DU VERT-GALANT, HIER. Dans le centre culturel, peu d'ordinateurs et d'écrans de télévision mais beaucoup de cartons. « Tout le monde aura quitté les lieux avant le fin de l'été », affirme un démenti. (AFP)



AUVERS-SUR-OISE, IL Y A UN MOIS (À GAUCHE), ET HIER (À DROITE). Dans ces deux clichés à six jours d'intervalle de Maryam Radjavi, leader des Moudjahidine du peuple. Dès lors, ses militants n'ont plus cessé de nettoyer, laver, ranger, nettoyer jusqu'au moindre espace ». Désormais, le lieu a retrouvé son calme.

فصل چهارم

پرواز در آتش

پرواز در آتش

در روز ۲ تیر از تهران خبر می‌رسد که نیروهای سرکوبگر رژیم آخوندی در پنجمین روز متوالی، اعتراض خانواده‌ها و دانشجویان هوادار مجاهدین در مقابل سفارت فرانسه در تهران را وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند و شماری از آنها را هم دستگیر می‌کنند.



- در تظاهرات پراکنده در نقاط مختلف تهران از جمله امیرآباد شعار «مریم رجوی آزاد باید گردد» شنیده می‌شود. صدها تن در فلکه دوم تهران‌پارس و در منطقه میرداماد دست به تظاهرات می‌زنند و به سوی نیروی انتظامی کوکتل مولوتف پرتاب می‌کنند.

هم‌زمان تظاهرات پراکنده‌یی در نقاط مختلف اصفهان و اهواز و شیراز در جریان است.

گروههایی از مردم با سر دادن شعار خواستار آزادی مریم رجوی از زندان فرانسه شده‌اند.

– عصر روز جمعه ۶ تیر، صدها تن از مردم و جوانان در تهران با برگزاری یک تجمع در مقابل پارک ملت در تهران خواهان آزادی فوری مریم رجوی می‌شوند. مأموران وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی با محاصرهٔ کامل پارک و بستن خیابان ولی‌عصر از تقاطع نیایش، تلاش می‌کنند جمعیت را متفرق کنند، اما با مقاومت شدید جوانان مواجه می‌شوند و تجمع تا حوالی ساعت ۱۰ شب ادامه می‌یابد .

در همین روز، رژیم یکبار دیگر رسماً خواهان استرداد مریم رجوی و اعضای مجاهدین از فرانسه می‌شود، اما از آنجا که دریافته است دیگر دیر شده و مجاهدین پس از آن ضربه و غافلگیری اولیه، به‌سرعت ابتکار عمل را به‌دست گرفته‌اند و فضای بین‌المللی را بر چنین درخواستهای جنایتکارانه‌ای بسته‌اند، خاطرنشان می‌کند که اگر هم در فرانسه محکوم شوند، فرانسه باید خودش به « همهٔ جنایات منافقین » رسیدگی کند.

–رادیو آلمان خبر داد: «دولت ایران بنابه اطلاعی که خود داده است در حال مذاکره با مقامات عالی فرانسه برای استرداد اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران است.... سخنگوی وزارت‌خارجه ایران این گمان را نیز رد کرد که ایران در قبال دستگیری مجاهدین خلق در سیاست خاورمیانه‌ای خود تغییراتی خواهد داد. دولت ایران از یورش نیروهای امنیتی فرانسه به مقر مجاهدین در روز سه‌شنبه استقبال کرده است».

آصفی سخنگوی وزارت‌خارجه رژیم که اظهاراتش در شبکه‌های تلویزیونی داخل و خارج ایران پخش می‌شد در این رابطه گفت:



تلویزیون رژیم –آصفی سخنگوی وزرات خارجه

«اعضای گروهک منافقین را گروهی تروریستی شناخته‌اند و دستگیری‌های آنها نیز در چارچوب مسئولیتهای اروپایی و بین‌المللی فرانسه بوده است. ملت ایران از جنایات گروهک تروریستی منافقین ضربات سنگینی خورده است. حق طبیعی ایران است که اعضای این گروهک به کشور مسترد شوند. اما اگر در فرانسه محکوم می‌شوند، باید به همهٔ جنایات منافقین رسیدگی شود».

سخنگوی وزارت خارجه رژیم ، از آمریکا طلبکاری کرد که چرا به‌رغم بمبارانها «این گروه در سیاست خارجی آمریکاییها نهادینه شده است».

- در همین روز رمضان‌زاده سخنگوی دولت خاتمی نیز یکبار دیگر استقبال دولت خاتمی از دستگیری اعضای مجاهدین را تکرار می‌کند .

به‌گزارش خبرگزاری رسمی رژیم در روز ۲ تیر وی هم‌چنین به بریدگان مجاهدین وعده می‌دهد که با آنان با «رأفت اسلامی» برخورد خواهد شد. اما تأکید می‌کند که هیچ‌گاه هیچ بخششی شامل حال رهبران آنها نخواهد شد.



رمضان زاده سخنگوی دولت خاتمی

- یک سخنگوی مجاهدین می‌گوید: «افتخار بر آنانی که هیچ‌گاه مشمول بخشش آخوندهای سفله نمی‌شوند . آنان بند از بند این رژیم خواهند گسست.

- در روز سوم تیر[۱۱] شورای شهر اور سورواز به‌اتفاق آرا در کنار مقاومت ایران قرار می‌گیرد و به دولت فرانسه اعتراض می‌کند. متعاقباً شهردار بیانیه‌یی به این شرح قرائت می‌کند:

«سه‌شنبه ۱ ژوئن در ساعت ۶صبح، به درخواست قاضی بروگیر، یک عملیات پلیسی در ابعاد گسترده در محلهای مسکونی که محل استقرار پناهندگان ایرانی و متعلق به سازمان مجاهدین خلق ایران بود، رخ داد.

شهردار اور فقط در ساعت ۶ صبح با یک تماس فرماندار وال‌دوآز مطلع شد. مطبوعات شب قبل با خبر شده بودند و این حضور آنها را در خیابان گورد قبل از ساعت ۶ توضیح می‌دهد.

امکانات به‌کار گرفته شده (پلیس، نیروی RAID، دو گروهان اضافی، پلیسCRS ، هلی‌کوپترها و کشتی‌ها) تناسبی با موضوع نداشتند.

لازم است یادآوری شود که مسئولان اصلی این جنبش که در خیابان گورد مستقر بودند از ۲۰ سال پیش از حفاظت دائمی گاردهای سیار برخوردار بودند و با بالاترین مقامات

۱۱- ۲۴ ژوئن ۲۰۰۳


Aujourd'hui en Fr

JEUDI 26 JUIN 2003

« Auvers-sur-Oise n'est pas le PC mondial du terrorisme »

قرائت بیانیهٔ اعتراضی به دولت فرانسه توسط شهردار شهر اورسورواز

دولتی ارتباط داشتند. اغلب آنها دارای استاتوی پناهندگی سیاسی هستند، استاتویی که توسط کنوانسیونهای بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون ژنو به‌رسمیت شناخته شده است.

بنابراین می‌توان در مورد این چرخش ناگهانی مقامات، از خود سؤال کرد آیا این یک تغییر ژئوپولیتیک است که بعد از جنگ در عراق رخ می‌دهد؟ آیا خواسته‌اند باج بدهند؟ به چه کسی؟ به دولت ملاها. که در حال حاضر با مشکلات بزرگی مواجه است، به دولت آمریکا؟ اینها سؤالات مطرح ما هستند.

آنچه که مسلم است، در این محل طی ماههای اخیر، هیچ چیز تغییر نکرده است: هیچ‌گونه حادثه‌یی در کار نبوده، هیچ ورود گسترده‌یی صورت نگرفته است. ۱۷۱ ایرانی دستگیر شده‌اند، ۱۶۰ نفر از آنها آزاد شده‌اند، که اغلب در ۱۸ ژوئن بوده است. از آن روز به‌بعد، سمپاتیزانهای ایرانی از چندین کشور اروپایی به این‌جا آمده‌اند. شهرداری تلاش کرده است که امکانات انسانی لازم برای این حضور در خیابان گورد را فراهم نماید....

بسیاری از اهالی اور به‌طور خودجوش آمده‌اند تا قوت‌قلب بدهند و استقبال قرار گرفته و فستیوال اور به‌طور عادی ادامه یافته است.



کمک های خود جوش اهالی اورسوراواز به اعتصاب غذا کنندگان

در نتیجه، مایلم آرزوی خود را مبنی بر این‌که آرامش به‌سرعت به خیابان گورد بازگردد، ابراز نمایم. بنابراین به دولت فراخوان می‌دهم که مسئولیت‌های خود را به‌گردن بگیرد، از سلامت اشخاص، امنیت اشخاص و اموال نظافت عمومی، در رعایت قواعد جمهوری و قانون اساسی بایستی اطمینان حاصل شود».

در روز ۷ تیر که خبرهای قضایای فرانسه، حاکی از ادامهٔ زندان مریم رجوی بود، در دوازدهمین روز اعتصاب غذایی که در ۲۰ کشور جریان دارد، ایرانیان با مراسم شعرخوانی و اجرای سروده‌های میهنی، با یکدیگر عهد می‌بندند که تا آزادی مریم رجوی از پا ننشینند.



آنتونیو استانگو دبیرکل شبکه سازمانهای مدافع حقوق‌بشر در حوزهٔ اروپا و مدیترانه و رئیس کمیسیون ایتالیایی حقوق‌بشر هلسینکی خطاب به ۱۲۰۰تن از ایرانیان که در اور گرد آمده‌اند، می‌گوید:

«من بیش از یک دهه است که به‌خوبی با این مقاومت آشنا هستم و با خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیدهٔ این مقاومت هم دیدار کرده‌ام و با عقاید و نظرات ایشان به‌خوبی آشنا هستم. هرکس که با سخنان و نوشته‌ها و کتابهای مریم رجوی آشنا باشد و بداند که خانم رجوی مبلغ اسلام دموکراتیک و بردباری است که در تعارض کامل با بنیادگرایی و تروریسم قرار دارد، از اتهاماتی که این روزها مطرح شده شگفت‌زده و متأثر می‌شود. این اتهامات بی‌اساس، هیچ ربطی به قانون ندارند، بلکه تماماً دارای انگیزه و آبشخور سیاسی هستند».

استانکو با یادآوری این‌که فرزند خانواده‌یی است که در دوران حاکمیت فاشیسم در ایتالیا به‌شدت سرکوب شدند و با اشاره به دوران اشغال فرانسه توسط نازیها، تأکید کرد که اروپا و به‌ویژه فرانسه باید نسبت به مردمی که امروز تحت حاکمیت فاشیسم مذهبی در ایران هستند، همدردی نشان دهد، نه این‌که به اذیت و آزار پناهندگانش بپردازد.



در روز ۹ تیر آخوند حسن روحانی دبیر وقت شورای عالی امنیت رژیم همه کشورها را به کارزار بین‌المللی علیه مجاهدین فرا می‌خواند. به‌رغم بمبارانها و گردآوری سلاحهای مجاهدین، باز هم از آمریکا طلبکاری می‌کند که چرا «نیروهای ائتلاف از درگیر شدن با اعضای تروریستهای سازمان مجاهدین خلق پرهیز کرده‌اند». خبرگزاری رسمی رژیم در ادامه این خبر می‌افزاید: «روحانی دربارهٔ برنامه هسته‌یی ایران اعلام کرده تهران آمادهٔ شفافیت و همکاری در معاهدات بین‌المللی هسته‌یی است».

– در این ایام، مجاهدین و هوادارانشان در کشورهای مختلف بسیار بی‌تاب و برانگیخته‌اند. اطلاعیه دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت در پاریس در روز ۹تیر می‌گوید، در قرارگاه اشرف، چند هزار تن از مجاهدین در مراسمی که خبرنگاران رسانه‌های بین‌المللی هم شاهد بودند، یکصدا با شعارهای «مریم رجوی را بیدرنگ آزاد کنید» و «مریم مهر تابان، رئیس‌جمهور ایران» خشم و اعتراض شدید خود را ابراز می‌کنند.

– روز بعد در ۱۰ تیر کانال سوم تلویزیون فرانسه عکس کانال سوم تلویزیون فرانسه خبر می‌دهد که ۳ گزارشگر آن در قرارگاه اشرف از نیمه‌شب تا صبح روز بعد شاهد مراسمی بوده‌اند، برای کسی که او را رئیس‌جمهور آینده ایران می‌دانند و در این مراسم شعارهایی علیه دولت فرانسه سر داده می‌شد که متهم به حبس ۱۱ تن از مجاهدین برای دلجویی رژیم تهران است. یک ارتش کامل پشت این زن قرار دارد و آزادی فوری و بدون قید و شرط او را مطالبه می‌کند.

دهها تن از سران عشایر هم آمده‌اند تا همبستگی خود را با مجاهدین اعلام کنند».

گزارشگر تلویزیون فرانسه می‌افزاید: «در اشرف زمان متوقف شده است. اینجا هیچ‌کس غیر از آزادی مریم رجوی و ۱۰ همرزمش را نمی‌خواهد باورکند».



گزارشگر تلویزیون فرانسه : در اشرف زمان متوقف شده است

همبستگی شیوخ و عشایر عراق با مجاهدان اشرف در اعتراض به اقدام فرانسه















گردهمایی شیوخ و عشایر عراق در همبستگی با مجاهدان اشرف در اعتراض به اقدام فرانسه



مراسم در قرارگاه اشرف در اعتراض به زد وبند ژاک شیراک با رژیم آخوندی

- یک چیز مسلم است، کنترل قرارگاه اشرف برای مسئولانش دیگر بسیار مشکل است. در این هنگام پیامی از رهبر مقاومت قرائت می‌شود.

یک هفته بعد، مسعود رجوی پس از آزادی رئیس‌جمهور مقاومت، در این باره گفت: «بدون هیچ مبالغه، از صدها خودسوزی دیگر با پیام مریم و با خواهش و التماس و استدعا از راه دور و از نزدیک، هم مستقیم و هم غیرمستقیم، ممانعت گردید و از مسئولان سازمان مجاهدین که در این خصوص، به‌غایت، همکاری و تفاهم داشتند، سپاسگزارم».

« در این جریان و در این ایام، من تلاش کردم که با حداکثر خویشتنداری کلمه‌یی و عبارتی نگویم که این اعتراضهای برحق و مقدس بالا و بالاتر بگیرد. می‌ترسیدم که حتی با یک کلمه و یک عبارت، بغض فرو خفته در هزاران و هزاران تن از هموطنانمان و مجاهدان آزادی‌ستان مشتعل و منفجر گردد و دیگر نتوان کسی را کنترل کرد».



بدون هیچ مبالغه، از صدها خودسوزی دیگر با پیام مریم و با خواهش و التماس و استدعا از راه دور و از نزدیک، هم مستقیم و هم غیرمستقیم، ممانعت گردید از مسئولان سازمان مجاهدین که در این خصوص، به‌غایت، همکاری و تفاهم داشتند، سپاسگزارم».

در روز ۹ تیر دبیرخانه شورای ملی مقاومت جوسازیهای عوام‌فریبانه و مستأصلانه برخی مقامات فرانسوی دربارهٔ ۸.۵ میلیون دلار پول مقاومت ایران را به‌شدت محکوم و افشا می‌کند و آن را قبل از هر چیز یک تهییج و جوسازی به‌منظورتحت تأثیر قرار دادن روند قضایی و درعین‌حال مقابله با انزجار فزاینده افکار عمومی فرانسه نسبت به حملات خشونت‌بار ۱۷ژوئن و بازداشت خانم مریم رجوی می‌داند.

هم‌چنین تصریح می‌شود که در اموال مقاومت ایران حتی یک دلار نیز به‌طور نامشروع یا غیرقانونی وجود ندارد. منشأ و محل مصرف این اموال موضوعی است که با انبوهی اسناد و مدارک در هر دادگاهی قابل اثبات است. کما این‌که در گزارش روز ۳ تیر فیگارو به‌نقل از د. اس. ت نیز اعتراف شده است که هیچ نشانی از تقلب در منابع درآمد مقاومت ایران وجود ندارد.

همزمان، هزاران تن از ایرانیان در ۲۰ شهر جهان به شب‌زنده‌داری و نیایش برای آزادی مریم رجوی می‌پردازند و شمع روشن می‌کنند.

این شب‌زنده‌داری در شهرهای پاریس، لندن، اسلو، کپنهاگ، آمستردام، برلین، هامبورگ، دوسلدورف، فرانکفورت، رم، استکهلم، مالمو، یوتوبوری، نیکوزیا، ملبورن، سیدنی، واشنگتن، لس‌آنجلس، هوستون و اتاوا برگزار می‌شود. شاعران و نویسندگان ایرانی به خواندن شعرها و نوشته‌هایی در وصف مقاومت مردم ایران علیه فاشیسم مذهبی حاکم بر میهنشان می‌پردازند و موسیقیدانان ایرانی سروده‌های مقاومت و ترانه‌های میهنی اجرا می‌کنند.



تصاویری از شب زنده داری ایرانیان در ۲۰شهر جهان

















رحمان کریمی شاعر و نویسنده

رحمان کریمی شاعر و نویسنده: «هنگامی که بی‌عدالتی در مهد آزادیِ به‌فروش‌رفته، گستاخ‌ترین قانون می‌شود در جنگل سرمایه، شعله‌های جهانگیرِ جسم و جان شما، ای عزیزترین جان‌جانان ما! مشعل‌ها خواهد شد در آخرین راه این کاروان آزادی. آه آنان که در این زمانهٔ شگفت طعم دلسوختگی را هرگز نکشیده‌اند چه می‌دانند که در محراب عرفان شورشی شرق پروانه شدن چه معنا دارد.

پلنگ‌پروانه‌های دلشکستگان ایران،
اگر گشاددستیِ مرگم امان دهد
فردا به جان خلق، برگرد نام مقدس شما
پیرانه‌سر طواف عشق خواهم کرد».

-بسیاری از مردم اور سورواز نیز در شب‌زنده‌داری حضور داشتند و برای آزادی مریم رجوی نیایش کردند.



شب زنده داری- شاعران، نویسندگان و هنرمندان هنگام اجرای برنامه







0,90€ le Parisien Val

www.leparisien.com

La nuit, le combat des Moudjahidin continue

شب زنده داری اهالی اورسورواز-روزنامهٔ پاریزین-۲ژوئیه ۲۰۰۳

-در۱۰ تیر اعلام می‌شود که صدها انجمن و اتحادیهٔ تخصصی و حرفه‌یی متعلق به تبعیدیان ایرانی و بیش از ۲هزار روشنفکر و متخصص ایرانی در تبعید خواستار آزادی فوری مریم رجوی شده‌اند. امضاکنندگان شامل نویسندگان، شاعران، مجسمه سازان، نقاشان، هنرپیشگان و کارگردانان تئاتر و سینما، خوانندگان، آهنگ‌سازان، رهبران ارکستر، نوازندگان، پژوهشگران، دانشمندان، مقامات و سفرای سابق، افسران ارتش، خلبانان، بازرگانان و صاحبان صنایع، استادان دانشگاه، اقتصاددانان، حقوقدانان و وکلا، خبرنگاران و سردبیران، ورزشکاران، مسئولان اتحادیه‌ها و انجمنهای مدافع حقوق زنان و حقوق پناهندگان و.... هستند.

- یک شخصیت فرانسوی عملیات ۱۷ ژوئن را به‌لحاظ سیاسی از بزرگترین عملیات‌های پلیس فرانسه توصیف می‌کند که درعین‌حال «رسوایی و شکست بزرگ» هم بوده است. بیلان این عملیات ۱۷۱ دستگیری بود ولی نه سلاح جاسازی‌شده پیدا شد و نه مدارک جعلی.

- دستگیرشدگان شاکی هستند که در مجموع از آنها ۳۷۰ کامپیوتر و نزدیک به نیم‌میلیون یورو، پول برده شده که در جیبها یا اتاقها یا کشوهای کارشان داشتند.

- یک مفسر تلویزیون فرانسه می‌گوید نه اتهام تروریستی و نه اتهام سکتاریستی هیچ‌کدام، مجاهدین و فعالان مقاومت و حامیان آنها در اور سورواز را متزلزل نمی‌کند.

- یک عضو شورای شهر می‌گوید: «۲۰ سال است که تمامی دولتها که جانشین یکدیگر شدند، چه چپ و چه راست، آنها را مورد حفاظت قرار دادند و یک‌شبه گفته شد که آنها تروریست هستند و آنها را دستگیر کردند؛ این‌جا دیگر ما نمی‌فهمیم».

- رئیس گروه پارلمانی حزب سوسیالیست در مجلس ملی فرانسه طی نامه‌یی به ژان لویی دبره رئیس مجلس فرانسه خواستار استماع دولت دربارهٔ عملیات علیه سازمان مجاهدین خلق ایران گردید.



- میدل‌ایست آنلاین در ۱۸ژوئن نوشت: «به‌نظر می‌رسد که فرانسه تصمیم گرفته یکبار

دیگر در جهت عکس حرکت کند..... فرانسه لحظه‌یی را که رژیم ایران تظاهرات مردم را سرکوب کرد، برگزید تا با دستگیری ۱۵۹ تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق ساکن در حومهٔ پاریس، در صدر آنها خانم مریم رجوی، به ملاهای ایران کمک برساند.... قابل فهم نیست در حالی که نمایندگان مردم، این سازمان را یک تجمع سیاسی به‌شمار می‌آورند، پلیس فرانسه به این شیوه زشت و توهین‌آمیز حمله می‌کند».

میدل ایست آنلاین -۱۸ژوئن ۲۰۰۳



- روزنامهٔ واشینگتن‌تایمز در ۲۵ ژوئن نوشت: «بعد از سقوط فرانسه در سال ۱۹۴۰ شارل دوگل به‌طور قانونی در بریتانیا زندگی می‌کرد و از آنجا مبارزه یی را علیه فاشیزم رهبری می‌کرد؛ یک دفعه اعلام کردند که بریتانیا موافقت کرده که او را به کشور فرانسه تحت حاکمیت فاشیستها استرداد کند که مطمئناً کشته می‌شد. البته این کار صورت نگرفت. اما یک چیزی مشابه آن اخیراً بین فرانسه و دوست جدیدش ایران.... اتفاق افتاد. مریم رجوی پناهندهٔ سیاسی و قانونی فرانسه که از یک حفاظت ۲۴ ساعتهٔ پلیس فرانسه برخوردار است دستگیر شد».



واشینگتن تایمز-۲۵ژوئن ۲۰۰۳

گفتیم که در این ایام، خبرهای مربوط به خودسوزی پناهندگان ایرانی در صدر خبرهای فرانسه و اروپاست و افکار عمومی را به‌شدت منقلب کرده است .

سایت حکومتی انتخاب در سوم تیر نوشت: «خودسوزی به ابزاری برای جلب توجه افکار عمومی جهان در حمایت از گروهک منافقین خلق نوعی فضای احساسی به نفع این گروهک شده است. در این رابطه گاه اخباری منتشر می‌شود که حیرت‌انگیز هستند».

-نخستین خودسوزی اعتراضی حوالی ظهر سه‌شنبه ۲۷ خرداد ساعتی پس از انتشار خبرها، در لندن در مقابل سفارت فرانسه صورت می‌گیرد. حشمت زندی ۳۸ ساله به اعتراض برخاسته و پیکر به آتش کشیده‌اش با مداخله پلیس راهی بیمارستان می‌شود. درحالی‌که قسمتهای زیادی از بدن او سوخته است.



خودسوزی حشمت زندی - لندن، مقابل سفارت فرانسه

- روز بعد، صبح چهارشنبه ۲۸ خرداد مرضیه باباخانی ۴۰ ساله در مقابل وزارت کشور فرانسه به اعتراض برمی‌خیزد وخود را به آتش می‌کشد .



خودسوزی مرضیه باباخانی در مقابل وزرات کشور فرانسه

- ۳ساعت بعد صدیقه مجاوری ۴۴ ساله که مادر یک پسر ۱۲ساله است در برابر وزارت کشور فرانسه در میان شعله‌های آتش جان می‌سپارد.



خودسوزی صدیقه مجاوری

روزنامهٔ فیگارو-۱۹ژوئن۲۰۰۳- مجاهدین مشعل های زنده در قلب پاریس



L'EVENEMENT Moudjahidin

Après la rafle contre les opposants iraniens à Auvers-sur-Oise

Les Moudjahidin, torches vivantes au cœur de Paris

Trois militants se sont immolés par le feu devant le siège de la DST. Deux étaient hier soir dans un état désespéré.

-در همین زمان نادر ثانی ۴۸ ساله با فریادهای اعتراض شعله‌ور می‌شود. بسیاری از عابران برای خاموش کردن آتش به‌جانب او می‌روند.



خود سوزی نادر ثانی

-در همین زمان در لندن، مقابل سفارت فرانسه، ندا حسنی ۲۵ ساله، درحالی‌که شعله‌های آتش سر و تمامی بدنش را فرا گرفته است ، با فریادها و شعارهای پیاپی به اعتراض برمی‌خیزد و متعاقباً در بیمارستان جان به‌جان‌آفرین می‌سپارد.



خودسوزی ندا حسنی



آخرین مصاحبه تلویزیونی مجاهد شهید ندا حسنی -۲۹خرداد۱۳۸۲

-روز بعد پنجشنبه ۲۹ خرداد ،محسن شریفی ۴۰ساله، در ایستگاه مرکزی شهر برن در سوییس شعله‌ور می‌شود و فریادهای اعتراض او همه جا را می‌پوشاند. مطبوعات سوییس نوشتند که محسن شریفی همان کسی است که روز قبل در برابر سفارت فرانسه در پایتخت سوییس، قصد خودسوزی داشت اما در اثر مسمومیت به‌خاطر بنزین زیادی که بر خود ریخته بود، نتوانست خود را به آتش بکشد.



خودسوزی محسن شریفی در برابر سفارت سفارت فرانسه در سوئیس

-در همین روز هادی محتشم ۴۵ ساله و علی قاسمی ۴۳ ساله، پدر ۳فرزند در مقابل سفارت فرانسه در شهر رم خود را به آتش می‌کشند و دقایق طولانی قبل از این‌که از هوش بروند به شعار دادن و اعتراض می‌پردازند.



خودسوزی هادی محتشم در برابر سفارت فرانسه در رم



خودسوزی علی قاسمی در برابر سفارت فرانسه در رم

تایم مگزین



THE FIRE THIS TIME

FRANCE Ten supporters of the Iranian opposition exile group Mujahidin Khalq, or People's Mujahedin, set themselves ablaze to protest the detention of 167 of its members after police raided the organization's compounds near Paris. One person died from burns; three others were left in critical condition, and six were released after treatment. Officials say the group was planning assassinations and attacks on Iranian targets in Europe and around the globe. Though investigators uncovered sophisticated satellite, computer and encrypting equipment and $9 million in cash, they have not turned up arms or explosives. However, a French antiterror official says intercepted information indicates the group intended to use Paris as its base for a campaign of violence. "The guns and explosives are out there, have no doubt," the official predicts. But by week's end, only 17 of the 167 detainees—including Mujahidin Khalq co-leader Maryam Rajavi—were still being held by antiterror investigators. —By Bruce Crumley/Paris

U.S.-sponsored road map to peace. Israel has committed to remove all illegal settlements. Palestinians dismissed the exercise as a token gesture on the eve of U.S. Secretary of State Colin Powell's visit to the region.

WORLD WATCH
By PENNY CAMPBELL

ZIMBABWE

-جمعه ۳۰ خرداد محمد وثوق و حمید عرفا در اعتراض به وحشیگری پلیس فرانسه خود را در مقابل سفارت فرانسه در لندن به‌آتش می‌کشند. احساس عجز نسبت به ایرانیان معترض در پایتختهای اروپایی بالا می‌گیرد.

- روزنامهٔ ژورنال دو دیمانش در ۲۲ ژوئن نوشت:«مخالفان رژیم آخوندی در پاریس،



خودسوزی محمد وثوق درمقابل سفارت فرانسه در لندن



خود سوزی حمید عرفا در مقابل سفارت فرانسه در لندن

لندن و برن خود را به‌آتش می‌کشند. آنها علیه عملیات ضدتروریستی که توسط د. اس. ت بر ضد سازمان مجاهدین خلق ایران به‌ویژه ستاد مرکزی‌اش در شهر اور سورواز صورت گرفته است اعتراض می‌کنند. همواره بایستی به کسانی که خود را برای آرمانهای خود قربانی می‌کنند احترام گذاشت. خصوصاً وقتی آنها قربانی معامله‌یی شده باشند که از کنترلشان خارج است».

– اما دولت فرانسه در یک اطلاعیه رسمی فروش نفت و بنزین را در گالن جداگانه در شهر پاریس ممنوع اعلام می‌کند.

– در تمامی موارد پلیس و عابران با تلاش بسیار سعی در خاموش کردن آتش و رساندن هر چه سریعتر مشعل‌های انسانی به بیمارستان دارند. فریادها و شعارهای آنان قلبها را متوقف می‌کند و از کار بازمی‌دارد:

-سرژ شالاندون در روزنامهٔ لیبراسیون در این باره می‌نویسد:

«این فریاد یک زن به‌نام مرضیه است. فریادی که قلب را از کار باز می‌دارد. کمی دورتر از ایرانیانی که علیه دستگیری‌ها، تظاهرات می‌کنند، او خود را به آتش می‌کشد.





Marzieh

C'est un cri de femme. Un cri à figer le cœur. Un peu à l'écart des Iraniens qui protestent contre l'arrestation des leurs, une militante vient d'enflammer l'essence dont elle s'était couverte. Nous sommes mercredi matin à Paris, non loin des locaux où vingt-six Moudjahidin du peuple sont interrogés par les Services français (1).

Il y a ce cri, et les hommes se précipitent. Ils ont les bras levés, les mains écartées, ils se bousculent des coudes et du dos. Des hommes, des femmes voilées, en leurs cris rejoignent le cri. D'abord, on ne voit rien. Juste cette humanité mouvante au milieu du trottoir. Une quinzaine de personnes emportées par le désordre. On dirait une échauffourée. Une bagarre de rue, brutale et soudaine. Mais les hurlements sont d'une autre matière, d'une autre qualité, d'un écho différent que les cris de violence ou de colère. Ils sont à perdre haleine, à perdre la raison, ils sont perçants de surprise et d'effroi. Au milieu du groupe, une boule de feu. Un homme fait la scène, le regard perdu. A droite, une femme se balance d'avant en arrière. Elle agite les poings devant elle, ses phalanges sont blanches, elle crie bouche ouverte. Une autre tourne sur elle-même en tendant le doigt vers rien. C'est alors que Marzieh Rahbahani apparaît. Pour étouffer le feu, des femmes ont jeté des vêtements sur sa tête. Un policier y ajoute son propre blouson. Trop de matière s'agitent en chaos. On lui fait de l'air. Nous voyons les cheveux brûlés de la femme. Une flamme légère.

Il vous reste 100% de l'article à lire.

Libération réserve cet article à ses abonnés.

Vous êtes abonné(e) ? Connectez-vous

روزنامهٔ لیبراسیون -۲۰ژوئن ۲۰۰۳- مرضیه

خود را آغشته به بنزین کرده است. روز چهارشنبه صبح در پاریس دور از محلی نیستیم که ۲۶ مجاهد خلق در حال بازجویی توسط سرویسهای فرانسوی هستند. ایرانیان به‌طرف این فریاد با عجله با بازوان و دستهایی که از هم باز هستند، می‌دوند، با آرنجها و پشتشان همدیگر را هل می‌دهند، مردان و زنان با حجاب، به این فریاد نزدیک می‌شوند. ابتدا آدم هیچ نمی‌بیند، به‌جز انسانی که در وسط پیاده‌رو به‌خود می‌پیچد و ۱۵نفری که با بی‌نظمی به طرف او آمده‌اند. گویی یک درگیری، یک دعوای خیابانی خشن و ناگهانی، رخ داده است.



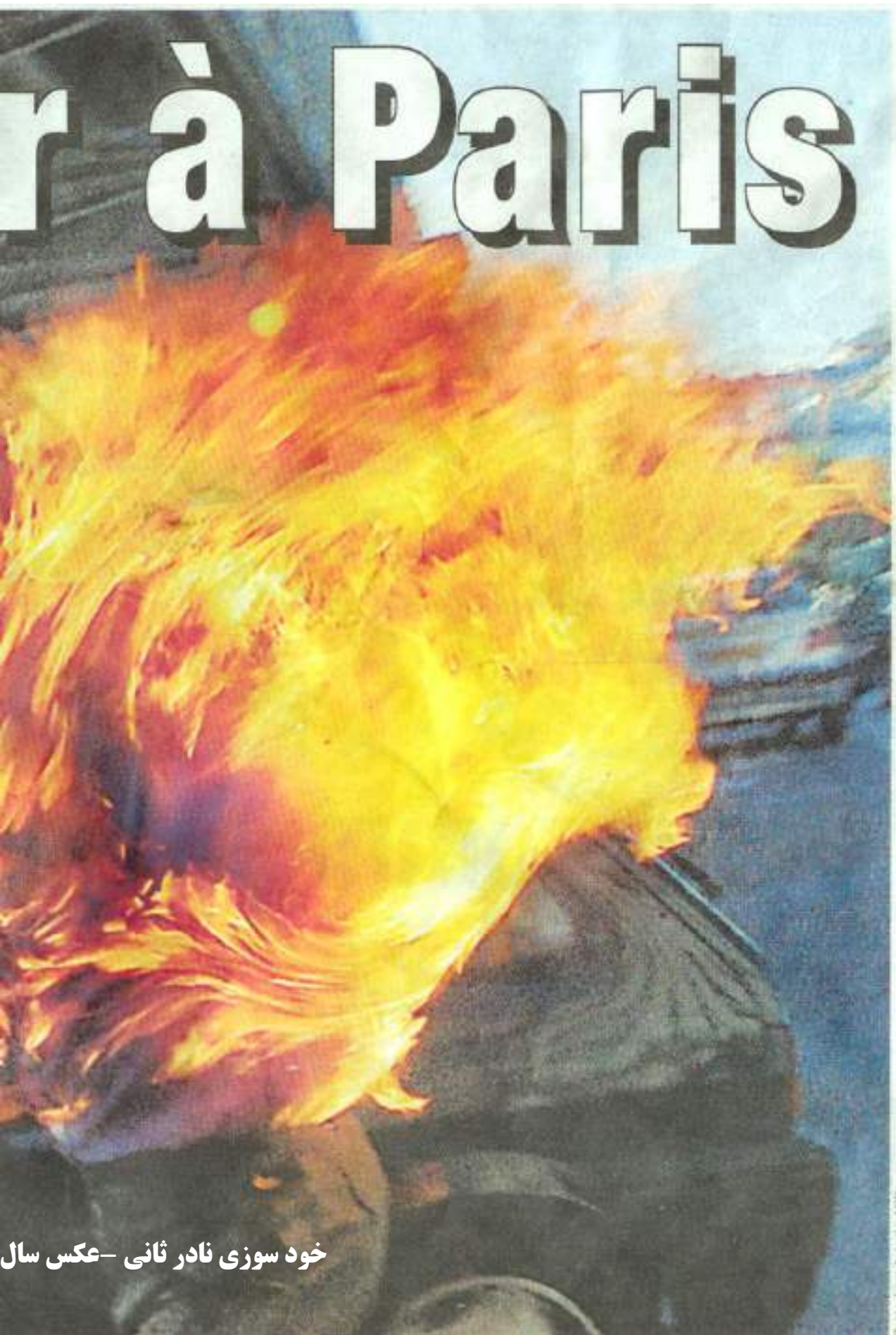
اما نه، این جیغ و دادها از جنس دیگری هستند، کیفیت دیگری دارند و پژواک دیگری غیر از خشونت و عصبانیت دارند، آنها نفسهای آخر را می‌کشند، صدای عابران از بهت و ترس، دلخراش شده است. در وسط جمعیت، گلوله‌ای از آتش وجود دارد. در سمت راست زنی از سمت جلو به سمت عقب در نوسان است، مشتهایش به‌جلو و انگشتانش سفید رنگ شده و با دهان باز فریاد می‌زند. این مرضیه باباخانی است که ظاهر می‌شود. برای خاموش کردن آتش، مردان لباسهایی را به طرف سرش پرتاب کردند. یک پلیس بلوز خود را به‌طرف او پرتاب می‌کند. دستهای زیادی با سر و صدا به حرکت درمی‌آیند. به او هوا می‌رسانند. موهای سوخته این زن را تماشا می‌کنیم. دود رقیق و سفید او را احاطه کرده است. همه او را فشار می‌دهند. زنی دخالت می‌کند، یک زن دیگر همان‌طور، زن سوم در ابهام فرو رفته است. آنها فریاد می‌زنند، حرکت می‌کنند تا تحرکی داشته باشند. مردی به کنار این زن فدایی می‌آید. یک دکتر انترن به او کمک می‌کند. حالا ما می‌توانیم او را از روبه‌رو ببینیم. از لباسهایش جز تلی از تکه‌پاره‌های چرب و خاکستر، چیزی باقی

نمانده است. دستهای او از هم گشاده و پوستش دارای لکه‌های سیاهی شده است. در انتهای انگشتانش پوستهای کنده و آویزان شده هم‌چون دستکشی که وارونه شده باشد، دیده می‌شود. بخشی از بدنش شیری رنگ شده و بخش دیگرش به هم ریخته شده است. مرضیه باباخانی رویش را به طرف ما برمی گرداند، در چهره‌اش دیگر چیزی باقی نمانده است.... او دیگر شبحی بیش نیست....».

-تصویر همین خودسوزیهای شگفت، به عکس سال تبدیل می‌شود. پاریزین در ۸فوریه سال۲۰۰۴ خاطرنشان می‌کند: «عکس سال۲۰۰۳ به فیلیپ دو پولپیکه تعلق گرفت.

او این صحنه را زمانی که یک تظاهرات مجاهدین خلق ایران را دنبال می‌کرد، به تصویر کشید. آن‌روز در دو قدمی برج ایفل، یک مخالف ایرانی تلاش کرد خود را به آتش بکشد. او به زندانی شدن مریم رجوی که در د.اس. ت به‌اتهام "اجتماع بزهکاران در رابطه با یک اقدام تروریستی" تحت بازجویی بود، اعتراض می‌کرد. عزم جزم هواداران مریم رجوی همگان را به شگفتی واداشت. به‌غیر از این مرد که ۴۵درصد بدنش دچار سوختگی شد، ۵ نفر دیگر سعی کردند خود را آتش بزنند که در اثنای آن یک زن جان سپرد».

r à Paris



خود سوزی نادر ثانی –عکس سال

L'horreu



Trois Iraniens se sont immolés hier pour protester contre l'opération anti-Moudjahidine de la veille Page 7

۲۰۰۳ –روزنامهٔ فرانسوی پاریزین

-ماهها بعد، در اردیبهشت سال۱۳۸۳ نیز رژیم آخوندها اعتراض داشت که چرا روزنامهٔ آلمانی دی ولت یک صفحه کامل خود را به تصویر خودسوزی یک مجاهد خلق اختصاص داده است تا از این طریق شهروندان آلمانی را به آبونمان روزنامه خود جلب کرده باشد!

خبرگزاری رسمی رژیم ایران در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۳ نوشت: «روزنامهٔ آلمانی "دی ولت" از تصویر خودسوزی یک منافق در زمان دستگیری "مریم رجوی" در پاریس برای تبلیغات خود استفاده کرده است.

این روزنامه یک صفحهٔ کامل خود را به تصویر بزرگ خودسوزی یک منافق که در لندن در ژوئن سال گذشته اتفاق افتاد، اختصاص داده و از طریق این تصویر، شهروندان آلمانی را به آبونمان روزنامهٔ دی ولت دعوت کرده است. دی ولت به این تصویر عنوان " آیا شجاعت دارید به این تصویر نگاه کنید؟" داده و در پایین صفحه نیز نوشته است، جهان به کسانی تعلق دارد که جدید فکر کنند».



خود سوزی نادر ثانی -روزنامهٔ آلمانی دی ولت



رقص شعله ها – اشرف

یک شب آتش در نیستانی فتاد — سوخت چون عشقی که بر جانی فتاد
شعله تا سرگرم کار خویش شد — هر نی‌یی شمع مزار خویش شد
گفت آتش بی‌سبب نفروختم — دعوی بی‌معنی‌ات را سوختم

-به‌زودی تعداد اقدامات خودسوزی در خارج و داخل ایران به ۲۳تن می‌رسد که پلیس یا عابران یا دوستانشان اغلب آنها را در نیمه‌راه به بیمارستان می‌رسانند. از آمل و تهران تا ترکیه و قبرس و یونان و ایتالیا و سوییس و فرانسه و انگلستان و کانادا و آمریکا، در همه جا مبارزان و مجاهدان خونشان به‌جوش آمده است.

مریم رجوی باز هم از زندان پیام می‌دهد و خواهش و تمنا می‌کند که کسی به خودسوزی مبادرت نکند. او هنوز هم شاکی است که چرا پس از اولین نمونه، مقامات فرانسوی نگذاشتند او با چند نفر و حتی با نزدیکترین افراد خانواده‌اش ملاقات کند و این پیام را به مجاهدین و دیگر هموطنانش بدهد.

و این هم قسمتی از وصیت نامه خواهری که عیناً در حکم دادگاه پاریس در ۳۰ آبان ۱۳۸۶ وارد شده است. دادگاه به‌استناد همین اسناد، در حکم خود نتیجه گرفت که همه چیز حاکی از «فقدان تحریک به‌عمل خودکشی» بوده است:

«آخرین پیام من به رئیس‌جمهور فرانسه آقای ژاک شیراک به تمامی مقامات فعال حقوق‌بشر به تمامی مطبوعات فرانسه، به خلق فرانسه برای آزادی....

آنچه را که خواهید خواند، آخرین پیامهای یک پناهنده سیاسی است که نتوانست از طریق راههای متداول به پاسخش برسد، به این علت است که من خود را در اجباری یافتم که دست به‌عمل خود سوزی بزنم....

من ۵۳ ساله، مادر دو فرزند و دارای لیسانس علوم اداری هستم. ۲۱ سال است که در فرانسه استاتوی پناهندگی دارم. امروز ساعت ۶ صبح مرا به اتهام تروریسم دستگیر و دستبند زدند. مرا با قهر به مرکز بازداشت پلیس بردند. متأسفانه شب قبل از آن، تمامی اماکن استقرار و فعالیت پناهندگان ایرانی، هم‌چنین اقامتگاه خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران و هم‌چنین خانه‌های مادران شهدا مورد حمله وحشیانه و شرم‌آور قرار گرفت. آنچه که دیروز اتفاق افتاد برای من غیرقابل تحمل بود. ولی روزی که راه مبارزه علیه رژیم ملاها را آغاز و انتخاب کردم، در آن روز تمامی رنجها و سختیها و شکنجه‌ها و سختیها و زحمات در این راه را پذیرفته و به آن آگاه بودم و می‌دانستم در مسیری که قرار دارم، بایستی منتظر چیزهای سخت و رنج‌آور باشم....

بدین وسیله آخرین پیامهای خود را انشا کرده و اکنون با عمل انتحاری خودسوزی به

زندگی خود پایان می‌دهم. این اعتراضی است به دستگیری شرم‌آور خانم مریم رجوی که امید خلق ایران و رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران است. بدین‌گونه من اعتراض می‌کنم به تمامی حملاتی که به شیوه‌یی بسیار ننگین که دقیقاً شبیه عمل پاسداران رژیم ملایان بود امروز ساعت ۶ صبح ما را از تختهای خودمان با اسلحه فرو کشیدند. من که قبلاً یکبار سکته قلبی داشتم و بر اثر آن سمت چپ بدنم لمس شده بود مورد ضرب و شتم قرار گرفتم. مرا با ضربات پوتین زدند. بازوهایم را نمی‌توانم به‌علت جراحات وارده تکان بدهم.... آیا ما تقصیری غیر از مبارزه و فدای همه چیز برای خلق ایران داریم؟....

من زخم‌های زیادی در روح و جانم هست که از ملاهای جنایتکار دریافت کرده‌ام. اکثر اعضای خانوادهٔ ما توسط رژیم ملایان شهید شده‌اند. من دیگر قادر نیستم این همه تعدی را به ساحت مقاومت خلق ایران و سمبل آن مریم رجوی، تحمل کنم و به‌عنوان اعتراض به این اعمال....».

برخی انعکاسات خودسوزی ها در رسانه‌ها





Rodsieh Chahabedine se dit fière de sa fille Marzia

LA MÈRE DE MARZIA BANIAHMAD, la jeune femme qui est entre la vie et la mort après avoir tenté de s'immoler par le feu mercredi à Paris, en catégorique : « Je suis fière de ma fille. » Âgée de 70 ans, elle est déterminée à poursuivre la lutte contre le régime iranien.

« Ma fille a dévasté au monde entier l'acte illégal et injuste du gouvernement français qui a arrêté Maryam Radjavi, dirigeante des Moudjahidine du peuple d'Iran, affirme Rodsieh Chahabedine interviewée par l'AFP dans le camp Ashraf, en Irak à une centaine de km au nord de Bagdad. Si le pensait, la mort aurait, que sa fille était décidée, ce qui avait été annoncé dans un premier temps NDLR)

« S'ils ne libèrent pas Maryam, il y aura d'autres immolations », proclame la mère de Marzieh. Surgée dans un uniforme militaire, la lutte contre le turban bordeaux des combattantes, cette femme, affectueusement surnommée la mère, montre plus de détermination que de peine.

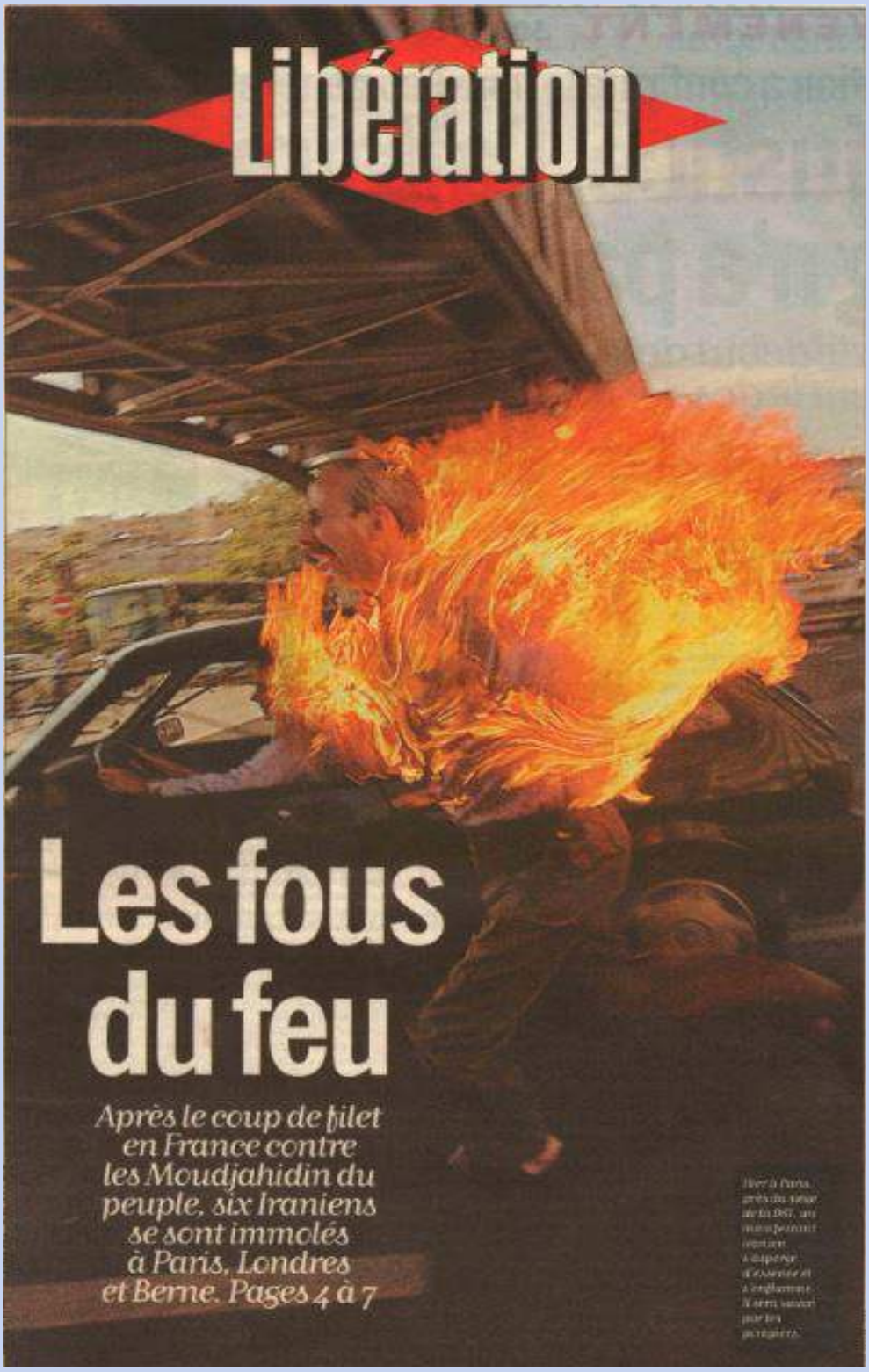
« J'ai eu un fils exécuté en Iran en 1981 à l'âge de 25 ans, puis un autre de 20 ans tué dans la rue à Téhéran en 1982 », égrène-t-elle.

À part Marzieh, elle a encore quatre enfants, dont deux dans l'armée de libération de l'Iran. « Ça vaut le coup de donner sa vie. (...) C'était une autre vie juste parce que la France a commis un acte inacceptable et si je pouvais, j'irais moi aussi manifester devant l'ambassade de France ».

Marzia Bahrakhani a tenté de s'immoler, mercredi, à Paris, lors des manifestations de soutien. En médaillon, Rodsieh Chahabedine.

روزنامهٔ فرانس سوار -۲۰ ژوئن ۲۰۰۳-راضیه شهاب الدین می گوید به دخترش مرضیه افتخار می کند

روزنامهٔ لیبراسیون -۱۹ ژوئن ۲۰۰۳





Soudain, après s'être aspergé d'essence, l'homme s'est embrasé. En se sacrifiant, ce fanatique veut condamner le coup de filet de la police française contre l'Organisation des moudjahidin du peuple d'Iran. Le 17 juin, à Auvers-sur-Oise, 165 personnes ont été interpellées. Parmi la centaine de sympathisants qui, le lendemain, manifestent à Paris pour réclamer leur libération, deux femmes vont, comme Mohamed Vakili-Fard, s'immoler par le feu. Onze membres présumés du mouvement resteront pourtant écroués, soupçonnés d'« appartenance à une association de malfaiteurs » et de « financement du terrorisme ». « Les Moudjahidin voulaient faire de la France leur base arrière. Nous ne pouvions l'accepter », explique Nicolas Sarkozy. Pendant ce temps, en Iran, les heurts entre la police et de jeunes contestataires se multiplient. Après vingt-quatre ans de règne, le régime des mollahs est menacé de toutes parts.

L'IRAN prend feu

A Paris, accusés de terrorisme, les Moudjahidin du peuple s'immolent dans les flammes. A Téhéran, la révolte étudiante gronde et se répand dans les villes

مجله پاری ماچ- ایران آتش می گیرد

PARIS MATCH



Boulevard de Grenelle, en plein Paris, Mohamed Vakili-Fard, un Iranien de 46 ans, tente de se brûler vif. Le même jour, à quelques dizaines de mètres, deux femmes se sont déjà immolées. L'une ne survivra pas à ses blessures

LE FIGARO

TERRORISME Alors que la défense des Iraniens d'Auvers-sur-Oise s'organise, le juge d'Angoulême enquête sous secret

Un plan de Paris saisi chez les Moudjahidin intrigue la police et la justice

Une note confidentielle du contre-espionnage alerterait sur les activités et les dérives des réfugiés iraniens installés en banlieue parisienne

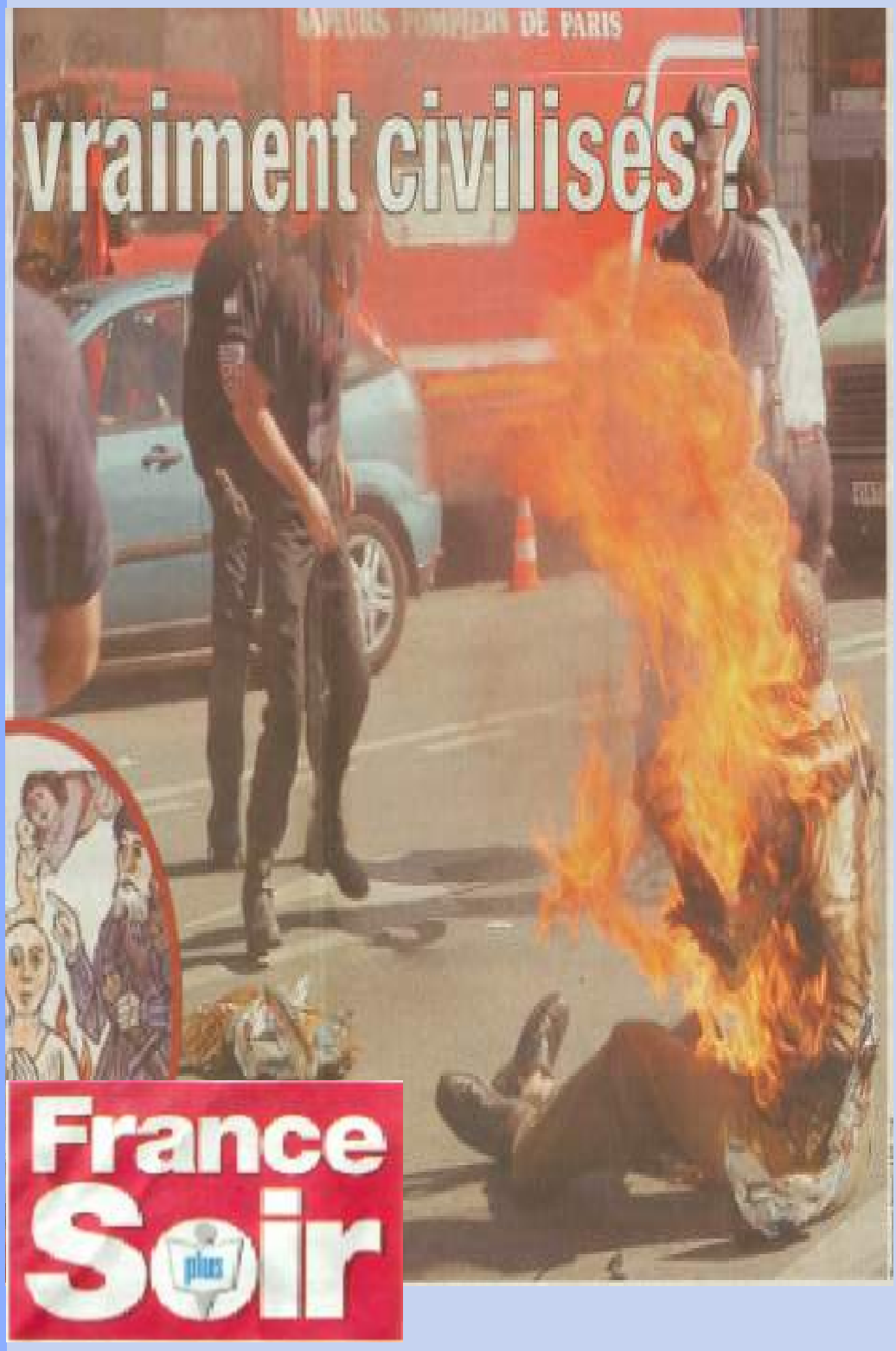
A l'origine de l'opération, un rapport secret de la DST



14 JUIN

La chambre de l'instruction saisie

روزنامهٔ فرانس سوار -۴ ژوئیه ۲۰۰۳



روزنامۀفرانس سوار -۱۹ ژوئن ۲۰۰۳- وحشت در پاریس

Cahier télé

Des Bleus pâles face à la Colombie (1-0) P.23

France Soir plus

SIGNATURES
Max Gallo



C'est la laïcité qu'on assassine
Page 20 et 21

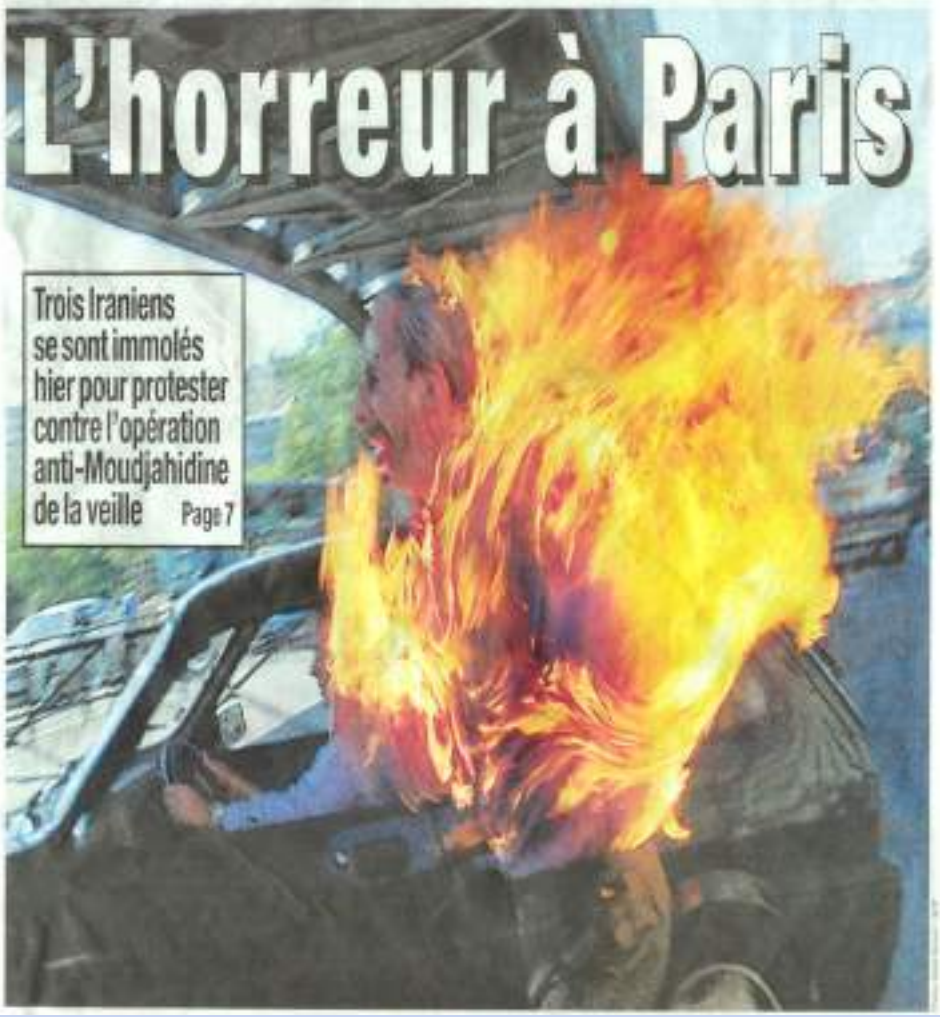
Aujourd'hui
votre supplément gratuit*
Spécial Jeux 32 pages
*Disponible uniquement en Ile-de-France



Dernière édition 0,80 € • Jeudi 19 juin 2003

L'horreur à Paris

Trois Iraniens se sont immolés hier pour protester contre l'opération anti-Moudjahidine de la veille Page 7



روزنامۀ پاریزین -۱۹ژوئن ۲۰۰۳-واکنش دراماتیک مجاهدین



JEUDI 19 JUIN 2003 www.leparisien.com N° 18279

le Parisien Hauts-de-Seine

La dramatique réplique des Moudjahidin

SUICIDES. Deux femmes — dont l'une était hier soir dans un état critique — et un homme qui s'immolent par le feu en plein Paris : c'était, hier, la terrible réponse des Moudjahidin du peuple (opposants au régime iranien) après la spectaculaire opération policière déclenchée la veille contre eux. Le président iranien Khatami a, par ailleurs, réclamé aux autorités françaises l'extradition vers son pays des militants interpellés en région parisienne. PARIS 2 ET 3



Le Monde

Six militants des Moudjahidines du peuple iranien tentent de s'immoler par le feu

A Paris, Londres et Berne, les sympathisants de l'OMPI exigent la libération de leur président, Maryam Radjavi, en garde à vue à la DST, après l'intervention policière de mardi

Lakhdar Messaoudene, témoin clé de l'affaire Alègre, a été interpellé à Nice

Patricia a été présentée à un juge

Un surveillant de prison tue une de ses collègues

L'incompréhension des militants d'Auvers

روزنامۀ لوموند -۲۰ ژوئن ۲۰۰۳- ۶نفر از مبارزین مجاهدین خود را به آتش می کشند

روزنامهٔ انگلیسی گاردین-۲۵ ژوئن ۲۰۰۳

The Guardian

National news

Parents mourn 'brave girl' who set herself on fire in memory of uncle





'She loved Maryam, because she symbolised her goals about Iranian freedom and women's rights'

فصل پنجم

بهای آزادی

بهای آزادی

جانهای پاک و شعله‌وری
که دفتر توطئــه را به آتش کشیدنــد

صدیقه مجاوری، ندا حسنی
و ۲۳ مشعل فروزان آزادی در ۱۰ کشور

رژیم و مزدوران و پشتیبانانش پیوسته ادعا کرده‌اند که مشعلهای انسانی و خودسوزی‌های ۱۷ژوئن امری به‌فرمان و براساس دستور سازمانی بوده است. از مغزهای به‌غایت ارتجاعی و متعفن آخوندها و پاسدارانشان انتظاری جز این نیست، زیرا توان درک و فهم عشقهای شعله‌ور آزادی، بسا فراتر از گنجایش ذهن آنهاست. به سراغ مادر و پدر یک مشعل پرفروغ ندا حسنی می رویم:

فروغ حسنی مادر ندا:

من به او افتخار می‌کنم، تنها آرزویی که دارم این است که من هم به‌اندازهٔ او قوی باشم که بتوانم پیامش را به دنیا برسانم. فرزندم، عزیزم، من به تو افتخار می کنم، من با تو به آسمان رسیدم و به خورشید بوسه زدم.

احمد حسنی پدر ندا:

وای که چه آتشی از وجودش برخاست، شعله‌هایش هنوز زبانه می‌کشد و در آتشش پلیدی و نامردمی تا دنیا دنیاست خواهد سوخت.

یک چیزی که خیلی کم از آن صحبت می‌شود و من دلم می‌خواست که دیروز در دادگاه به‌طریقی این موضوع مطرح می‌شد، فداکاریهایی بود که همه در صحنه شاهد آن بودند. وجه دیگر قضیه که دیده نمی‌شود، این است که اگر این فداکاریها نمی‌شد، صحنه چطور می‌بود؟

این فاجعه می‌توانست به کشتار هزاران انسان منجر شود، می‌توانست منجر شود به‌این‌که دولت فرانسه همان‌طور که قبلاً هم مشابهش را نشان داده بود این پناهندگان و این اسرا را تحویل رژیم بدهد و چه بسا بعد از آن دولتهای دیگر در مسابقه با دولت فرانسه در مسابقه اقتصادی با رژیم، همین کار را می‌کردند و این موضوع تنها به مقاومت مردم ایران و مجاهدین خلق و هوادارانشان ختم نمی‌شد بلکه دامن خیلی از ایرانیها را می‌گرفت. من این را از ایرانیهایی شنیدم که به خود من گفتند؛ کسانی که اصلاً هوادار سازمان مجاهدین خلق نیستند، طرز فکر دیگری دارند، به من گفتند که ما می‌خواهیم این را شهادت بدهیم که خون ندا و شهادت ندا و امثال ندا و صدیقه و سایر یارانشان، جایگاه ما را در خارج از ایران تثبیت کرد. دیگر به‌راحتی هر کسی بر اثر معامله با رژیم نمی‌تواند بیاید و توی سر ما بزند.

ادامه وقایع اعتصاب و تحصن

– در این زمان ایرانیان بسیاری همراه با هواداران مجاهدین و شورای ملی مقاومت به اور سوراواز آمده و در خیابان اقامتگاه تحصن و اعتصاب کرده بودند.

– در این‌جا هیچ‌کس از پسِ زنانی که از راههای دور یا نزدیک، از بلژیک تا سوئد و انگلستان و یونان و ترکیه و آمریکا و کانادا به اور سوراواز شتافته‌اند، برنمی‌آید. برخی از آنان می‌گویند که به‌مجرد شنیدن دستگیری مریم، خانه و زندگی و حتی کودکان بیمار یا شیرخوارشان را هم رها کرده و با اولین وسیله به اور سوراواز آمده‌اند. زنان شهرک اور سوراواز و مناطق اطراف به‌نحوی شگفت و بدون این‌که بتوانند با این زنان به زبان واحدی صحبت کنند، به‌روی آنها آغوش می‌گشایند. در اینجا همبستگی عجیبی حکم‌فرماست.... مردان رنجور و در حال اعتصاب غذا در منتهای ضعف و گرسنگی، سنگین‌ترین کارها را به‌سرعت برق و باد انجام می‌دهند.

تحصن و اعتصاب غذا در خیابان مقابل اقامتگاه اورسوراواز


























MARYAM
RAJAVI







-**تلویزیون کانال ۲فرانسه** در ۱۰تیر یعنی پانزدهمین روز اعتصاب گزارش می‌دهد: «دادگاه استیناف پاریس امروز بعدازظهر خواهد گفت که آیا مریم رجوی رهبر مجاهدین خلق ایران که هفته گذشته دستگیر شده بود، آزاد خواهد شد یا خیر. در اور سوراواز، مقر مجاهدین خلق، همه اطمینان می‌دهند که در این رابطه بسیج هستند.
گزارشی از کارولین گوتیه وگیوم ویار:



گزارش تلویزیون کانال۲فرانسه درپانزدهمین روز اعتصاب غذا
شب زنده داری اهالی اور سوراواز

شب‌زنده‌داری با نور شمع؛ مجاهدین و هوادارانشان در سکوت این مراسم را دیشب به‌یاد رهبر کاریزماتیک خود مریم رجوی برگزار کردند. این شکل دیگری از اعتراض و شکل دیگری از بیان عزمشان است.

افشین علوی: من فکر می‌کنم که این جنبش ادامه خواهد یافت. هم اکنون این‌جا ۱۷۰ نفر در اعتصاب غذا به‌سر می‌برند و ما برای متقاعد کردن آنها جهت رفتن به بیمارستان گاه با مشکل مواجه هستیم.

یکی از زنان اعتصابی: «من حالم خوب است، فقط درد دارم ولی حالم خوب است!» در اثر اصرار بالاخره این اعتصاب غذا کننده اجازه خواهد داد که او را مداوا کنند و به بیمارستان منتقل نمایند؛ اما گفت که مجدداً بازخواهد گشت.

به‌مرور زمان، مجاهدین خود را سر و سامان داده‌اند. اردویشان اکنون حالت جشنهای بزرگ مردمی را به‌خود گرفته است. تیمهای فیلمبردار تلویزیون‌شان، به‌طور مستمر گزارش می‌دهند، تی‌شرت و پوستر و عکسهای مریم به‌چشم می‌خورد.

شهردار اور: «بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ نفر در اینجا حضور دارند اما تابه‌حال هیچ حادثه‌یی وجود نداشته است و این وضعیت ۱۴ روز است که ادامه دارد؛ این البته مستلزم هوشیاری دائمی و هماهنگی است».

«امروز صبح هم‌چنان همان‌قدر انرژی در شعارها وجود دارد، شعارهایی که بدرقهٔ افرادی می‌شود که به بیمارستان منتقل می‌شوند. به‌نظر می‌رسد هیچ چیز نمی‌تواند در عزم مجاهدین اور سوراواز خللی وارد آورد.



شهردار اور سورواز درحال مصاحبه با تلویزیون کانال ۲فرانسه

ایرانیان سوگند خورده‌اند که تا آزادی مریم رجوی از پا ننشینند».

زنی که به گفته دادستان مسئول بازداشتها، تعادل ژئوپلیتیک دنیای وحشی آخوندسالار را در هم‌می‌ریزد.

مطبوعات فرانسه به این زن، یعنی مریم رجوی عنوان «پاسیوناریا»ی مقاومت ایران داده‌اند. پاسیوناریا که در لغت به‌معنی «گل احساسات» است، اسم مستعار دولوروس ایباروری بانوی مقاومت اسپانیاست که در جنگهای داخلی این کشور به‌خاطر سخنرانی‌های آتشینش به یک افسانه زنده تبدیل شده بود. پاسیوناریا همیشه این جمله منسوب به امیلیانو زاپاتا را که به شعار جنگهای داخلی اسپانیا تبدیل شده بود، تکرار می‌کرد که: «بهتراست ایستاده بر روی پاهایتان بمیرید تا بر روی زانوانتان زندگی کنید!» .

-پاسیوناریا در سخنرانی خداحافظی خود در بارسلون به زنان و مردان اسپانیایی گفت: «به فرزندانتان در مورد آنهایی که از دریاها و کوهها گذشتند و از مرزهای حفاظت شده توسط سرنیزه رد شدند، تعریف کنید و بگویید در حالی‌که سگان تشنه در پی دریدن گوشتشان بودند، آنها از همه چیز خود گذشتند: عشقشان، کشورشان، خانه و ثروتشان، پدرانشان، مادرانشان، همسرانشان، برادران و خواهران و فرزندانشان.... تا به ما بگویند: ما اینجا هستیم، برای آرمانمان، آرمان همه بشریت مترقّی و پیشرو....».





پاسیوناریا بانوی مقاومت اسپانیا

- به‌مدت ۲ هفته، اخبار اور سوراواز و دستگیری مریم رجوی سرخط اخبار فرانسه و بسیاری از رسانه‌های بین‌المللی است. دراین اثنا یک شب نیایش و دعا برگزار می‌شود که از واشینگتن تا لندن و سوئد و پاریس و ژنو و برلین و رم تا قرارگاه اشرف و بسیاری از خانه‌ها در داخل ایران را درمی‌نوردد. شخصیتهای بسیاری در فرانسه و در کشورهای دیگر انزجار خود را از رفتار دولت فرانسه اعلام می‌کنند. حزب سوسیالیست آنچه را که انجام شده یک افتضاح سیاسی می‌نامد.

-مطبوعات فرانسه کماکان از«عملیات غول‌آسای دستگیری» و «بازداشتهای غول‌آسا» صحبت می‌کنند.

خانم دانیل میتران همسر رئیس‌جمهور فقید فرانسه و رئیس فرانس لیبرته در فردای ۱۷ ژوئن نخستین کسی است که به اور سوراواز می‌شتابد. خانم میتران برچسب فرقه و سکت و کیش شخصیت، علیه مجاهدین را تمسخرانگیز اعلام می‌کند و می‌گوید: من و همسرم هم، زمانی تروریست خوانده می‌شدیم، ولی بعد او رئیس‌جمهور فرانسه شد و به من مدال افتخار دادند.

خانم میتران در اور در جمع اعتصابیون و خبرنگاران: در مورد ترم تروریست هم اجازه بدهید من در مورد این واژه بخندم. بر سر این اتیکت بخندم؛ چون به‌من سالها و سالها مارک تروریست زدند و بعد به من مدال دادند به‌خاطر این‌که تروریست بودم!

خبرنگار: در مورد سکت چه می‌گویید؟

پاسخ میتران: اینها و سکت؟! می‌خواهیم بخندیم؟ اینها از مردمانی هستند که هزاران سال است طبق سنت خودشان زندگی می‌کنند. آنها سکت نیستند .

وی می پرسد: چگونه می‌توان مجاهدین را با این روابط عمومی و روابط سیاسی و روابط گسترده بین‌المللی و همین روابطی که با همسایگانشان در این‌جا دارند، سکت خواند؟



حضور خانم دانیل میتران همسر رئیس‌جمهور فقید فرانسه و رئیس فرانس لیبرته در فردای ۱۷ژوئن در اورسوراز

– ایوبونه رئیس سابق د.اس .ت یک سال بعد در سخنرانی خود اشاره می‌کند که بیش از ۱۶ ارگان دولتی در این عملیات شرکت داشتند و مطبوعات فرانسه که این عملیات را عظیم توصیف کردند، چند ساعت قبل از شروع آن خبردار شدند.



ایوبونه رئیس سابق د. اس.ت درحال سخنرانی یک سال بعد

–لاگزت دو وال دواز در روز ۱۱ تیر ماه با این تیتر منتشر می‌شود: اطلاعات فرانسوی‌ها به‌وسیلهٔ تهران مسموم شده‌اند.

لاگزت می افزاید: از فردای روزی که گزارش د. اس.ت که باعث یورش ۱۷ ژوئن شد انتشار یافت، مسئولان سازمان مجاهدین خلق ایران به یک ضد حمله در جبهه اطلاع‌رسانی دست زدند.

La Gazette - Page 2

FAITS DIVERS ET JUSTICE

Mercredi 2 juillet 2003



MOTION *Les élus locaux viennent de s'adresser au gouvernement*

Le conseil municipal veut des explications

Mardi 24 juin, les élus anversois ont voté, à l'unanimité, une motion demandant au gouvernement français de fournir une explication sur le coup de filet des Iraniens. Pourquoi une opération d'une telle envergure ? C'est ce que la ville voulait savoir aujourd'hui.

Le conseiller communal a été lancé sur le sujet, lors du dernier conseil municipal, groupement le mardi 24 juin. Le maire Jean-Pierre Bilquin, ou l'adjoint des Cultes, a même soumis la motion en proposant que le cas de visiter une motion spéciale, adressée dès le lendemain au gouvernement français. Dans celle-ci, les élus suggéraient à l'Etat une explication sur l'organisation et l'exploitation d'un pays qui, on le sait, héberge bien des exilés politiques iraniens. Ils demandaient également à l'Etat et au gouvernement, et toujours toutes ces requêtes, auprès de celle que sait, surtout, la sécurité des personnes qui lui sont concernées et la manière dont publique dans la région des régions fondamentales de notre constitution. Enfin et surtout, les élus d'Anvers souhaitaient en savoir davantage sur les raisons qui ont motivé le vaste coup de filet du mardi 17 juin, à 6 heures du matin, à la demande du juge Bruguière, celle-ci a été entreprise à 5 heures précises par un appareil policier du type d'Etat. Les médias évoquent notamment la visite du ministre, ce qui explique pour l'heure l'ampleur de l'opération.



Mercredi 25 juin : Jean-Pierre Bilquin, député-maire PS de Liverne, rend visite aux Iraniens d'Anvers en compagnie de Jean-Pierre Bilquin, maire de la commune.

Le maire est précautionneux. Les moyens employés pour l'opération, les conditions de son déroulement, la collaboration de l'opération, l'on avait de "révélation" une explication, le texte de départ "intégrant" des comptes. Ce qui a donné lieu à une enquête des cinq élus de droite, qui ne nous ont pas personnellement, malgré quelques visites du gouvernement, je les fais confiance, alors qu'il suivi des Affaires étrangères ne nous permet de dire qu'il n'y a pas, cependant, une raison d'être à cette intervention, a rétorqué M. Pelleon, le conseiller de la majorité, socialiste aussi. Le vœu d'un accompagnement, a pu ensuite être voté, à l'unanimité des élus, de droite comme de gauche.

Thomas LALLEMENT

Remises en liberté : l'attente

Le juge d'Appel de Paris devait se prononcer hier matin sur les demandes de mise en liberté déposées par les avocats des seize militants du "Dhkr", dont Maryam Radjavi, placés en détention après le coup de filet du mardi 17 juin. Sa veille, les avocats des mêmes avaient organisé une conférence de presse pour dénoncer "l'absence d'éléments matériels justifiant leur incarcération" et les termes particulièrement flous des motifs avancés par les magistrats, "rien ne permet en aucun cas de considérer ces militants, [...] sous l'étiquet, n'usent d'autre moyen que des paroles et des écrits", ont-ils déclaré. Les avocats ont également dénoncé les conditions de détention de leurs clients, "qui ne peuvent pas recevoir de visites de leurs familles, ni téléphoner, ni même disposer d'un stylo". Ils ont également dénoncé le fait que "certains détenus ne peuvent pas consulter leurs dossiers". Ils ont également dénoncé le fait que "certains détenus ne peuvent pas consulter leurs dossiers".

RÉSISTANCE *Plusieurs militants sous le coup de mesures d'expulsion*

Menaces sur les hommes forts de l'Ompi

Les Municipalités du peuple iranien protestent énergiquement contre les mesures d'expulsion prises contre plusieurs cadres du mouvement. Parmi eux, Behzad Aboul. Il est considéré par l'Etat français à l'un des responsables militaires pour le compte de l'opposition au régime de Téhéran.

Pour son premier discours d'exil, réfugié politique en France depuis 1981, le général Behzad Aboul n'a pas mâché ses mots. Devant quelque 1 500 de ses partisans, réunis le 14 juin à Villepinte, dans la banlieue nord de Paris, il a dénoncé le régime de Téhéran, qualifié de "dictature religieuse" et appelé à "la résistance du peuple iranien". Le lendemain, il était arrêté par la police française, avec sept autres membres de l'Ompi (Organisation des moudjahidines du peuple iranien), dont la femme de Behzad Aboul, Maryam Radjavi, la présidente du mouvement. Tous sont aujourd'hui sous le coup d'une mesure d'expulsion.

Selon la Résistance iranienne, Behzad Aboul a été arrêté à son domicile parisien, dans le 16e arrondissement, à 6 heures précises par un appareil policier du type d'Etat. Les médias évoquent notamment la visite du ministre, ce qui explique pour l'heure l'ampleur de l'opération.



Les grévistes de la faim poursuivent leur mouvement. Chaque jour, quelques uns sont transportés à l'hôpital de Pontoise.



Parmi les Français détenus, deux avocats du Collectif. Dans cette conférence de presse donnée vendredi après-midi à Auteuil,



FAITS DIVERS ET JUSTICE

POLITIQUE L'Quai conteste les allégations de la DST

«Les renseignements français sont intoxiqués par Téhéran»

Un autel pour les "Saoudien"

افشین علوی به‌آرامی می‌گوید که اینها اتهاماتی دست‌چین شده و بی‌پایه است. در همهٔ این حرفها، ما بیان کلمات و روشهای سرویسهای امنیتی ایران را می‌بینیم. برای مجاهدین این جریانی روشن است: سرویسهای امنیتی فرانسه توسط همسانان خود در تهران مسموم شده‌اند.

- در این اثنا، مریم رجوی از زندان اطلاعات فرانسه به زندان فلوری مرو ژیس منتقل می‌شود.



در زندان اطلاعات، او را از مسیرهای زیر زمینی در محاصره مأمورین و سگهای محافظ به کاخ دادگستری می‌بردند. در زندان شهربانی نیز هر روز سلول او تعویض می‌شود. ملاقات و غذا بردن و دادن هر چیز دیگری از سوی خانواده‌اش برای او ممنوع است. او به‌عمد از غذای زندان نمی‌خورد. از پولی که برایش فرستاده شده بود، فقط ۲۰ یورو به او داده می‌شود و به‌رغم جراحی سنگینِ ۳ هفته پیش، در ایام زندان، فقط با نانی که از ۲۰ یورو می‌تواند بخرد، خود را سر پا نگه‌می‌دارد.

سرانجام دادگاه در روز ۲ ژوییه به آزادی مریم رجوی رأی می‌دهد اما خود او، تا صبح روز بعد، در سلول و بی‌اطلاع است.



اعلام خبر آزادی مریم رجوی توسط محمد سیدالمحدثین

فیگارو لحظهٔ اعلام خبر در ساعت ۶ بعدازظهر ۲ ژوییه را در اور سوراواز چنین تصویر می‌کند:

فریادها، گریه‌ها و احساسات....

خبر ظرف چند ثانیه در میان تمامی تظاهرکنندگان اور سوراواز پیچید و شور و شوقی غیر قابل تصور ایجاد کرد.

یک نفر که در اعتصاب غذا به‌سر می‌برد. تصور کرد مریم رجوی را در ماشینی مشاهده کرده است.

سایر اعتصاب‌کنندگان در اطراف او آواز می‌خوانند: "او آزاد شد! او آزاد شد!"

درحالی‌که اشک در چشمانشان جمع شده است به فارسی یا انگلیسی شعار می‌دادند: "زنده باد مریم، ما پیروز شدیم!".

آزادی مریم رجوی








BIENVENUE
MARYAM RADJAVI


IRAN RAJAVI
IRAN RAJAVI
IRAN RAJAVI


I LOVE
MARYAM RAJAVI
IRAN
RAJAVI



مریم رجوی روز بعد، حوالی ظهر پنجشنبه ۳ ژوییه ۲۰۰۳ (۱۲تیر۱۳۸۲) از زندان آزاد می‌شود. قرارگاه اشرف اکنون به‌راستی به دیار بی‌قراران تبدیل شده است .

– تلویزیون کانال ۱ فرانسه خبر داد کسانی که از سراسر اروپا آمده بودند از او هم چون مسیح استقبال کردند. آنها فریاد می‌زدند «خاتمی چشم تو کورا ـ ما مریم را آوردیم!». لبخند از لبان این رهبر مقاومت هرگز محو نمی‌شود. او ابتدا در مقابل نماد یادبود دو تن از مجاهدین که خود را به‌آتش کشیده بودند، توقف و ادای احترام کرد. سپس در یک سخنرانی سلیس به‌مدت یکساعت اتهامات تروریستی را به چالش طلبید و اطمینان داد که می‌تواند حساب جزء به‌جزء همه پولهای توقیف شده را پس بدهد.



تلویزیون کانال ۱ فرانسه – اعلام خبر آزادی مریم رجوی







تلویزیون کانال ۱ فرانسه -۳ژوئیه ۲۰۰۳


I LOVE

















جشن و شادی مجاهدان اشرف به هنگام اعلام خبر آزادی مریم رجوی















-تلویزیون کانال ۲ فرانسه از « لشکری از دوربین‌ها » هنگام آزادی او و رسیدنش به اور سوراواز خبر می‌دهد که همانند یک رئیس کشور مورد استقبال قرار گرفت و در یک سخنرانی مبسوط نکته به‌نکته اتهامات وارده به جنبش خود را رد کرد و گفت مقاومت ایران آماده است برای هر سانتیم پول که توسط پلیس پیدا شده، جواب بدهد.





تلویزیون کانال ۲ فرانسه -۳ژوئیه ۲۰۰۳





-تلویزیون کانال ۳ از جشنی مانند ورود رئیس یک کشور در اور سوراواز گزارش می‌دهد و می‌گوید: مریم رجوی اجازه نمی‌دهد هیچ تلخکامی به‌خاطر بازداشتش در چهره اش دیده شود. ۱۲۰۰ ایرانی از سراسر اروپا برای استقبال از او و ابراز احساسات برای او خود را به‌این‌جا رسانده‌اند. اما او ابتدا می‌خواهد چند شاخه گل بر بنای یادبود دو زنی بگذارد که به‌خاطر اعتراض علیه دستگیری او خود را به‌آتش کشیدند. این یک عملیات عظیم پلیس بود که بعد

از ۱۵ روز از انجام آن از نظر بعضی، یک ضربه به‌خاطر هیچ بوده است .

– شهردار اور می‌گوید: د.اس.ت به‌دنبال چه چیزی می‌گشت؟ قاضی بروگیر دنبال چه چیزی می‌گشت؟ سلاح؟ دلایل تروریسم؟ هیچ چیز! تحقیقات این را به‌خوبی ثابت کرد. حملهٔ پلیس در ۲ نوبت تکرار شد اما در این‌جا هیچ چیز یافت نشده است. مریم رجوی در پشت پودیومی که به تریبون سیاسی تبدیل شده، توضیح داد: سرویسهای اطلاعات فرانسه توسط اطلاعات دروغین از منبع اطلاعات آخوندها و مأموران اطلاعات ایران که خود را «اعضای سابق مجاهدین» می‌نامند، فریب داده شده‌اند.

– امشب این آزادی به‌عنوان یک پیروزی تلقی می‌شود. مریم رجوی اکنون بیش از هر زمان به‌عنوان سمبل مقاومت ایران جلوه می‌کند.

– مطبوعات و رادیوهای فرانسه از «انفجار شادی » و «استقبالی در شأن یک رئیس کشور» که با «شور و شوق غیرقابل تصور» همراه است گزارش دادند و خاطرنشان کردند: اکنون سخن از یک «رهبر کاریسماتیک» است که «نماد مقاومت ایران » است و« دادسرا (و برچسب) تروریستی و دولت فرانسه را در پس یک حمله غول‌آسا، خجالت‌زده می‌کند!».



گزارش خبرنگار تلویزیون کانال ۳ فرانسه از اور سوراواز

–فرانس انفو موضعگیری حزب سوسیالیست را گزارش می‌کند که مشروعیت عملیات علیه مجاهدین را زیر علامت سؤال برده و آن را یک افتضاح توصیف می‌کند.

– رادیو فرانس اَنفو می‌افزاید: « افراد پلیس تلخکامند. به‌گفتهٔ معاون دبیر کل ملی سندیکای افسران پلیس همه چیز بر باد رفته است....».

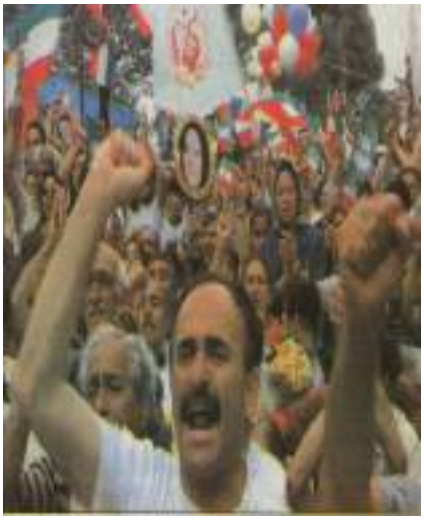




تلویزیون کانال ۳ فرانسه-روز آزادی مریم رجوی در اور سوراواز -۳ژوئیه۲۰۰۳







شهردار اور سوراواز می‌گوید: «اکنون دولت باید توضیح دهد که برای چه این عملیات را انجام داده؟ چه چیزی در پشت قضیه بوده؟ آیا زدوبندهای بین‌المللی بوده؟ ما امروز واقعاً در انتظار پاسخ هستیم».



- تحلیلگر فرانس انتر، آزادی مریم رجوی و استقبال هموطنانش از او را یک پس‌رفت برای دادستانی و یک تودهنی برای بروگیر و مأموران اطلاعات فرانسه می‌خواند که رئیسشان گفته بود مجاهدین قصد انجام سوءقصدهایی را در اروپا داشتند.

-پاریزین می‌نویسد: شادی عظیم برای آزادی مریم رجوی

در اور همه آرزو می کنند امروز او را ببینند....

فریاد، اشک و صحنه‌های شادی به‌دنبال اعلام آزادی مریم رجوی.

مخالفان ایرانی پرچمهای ایران و تصاویر "پاسیوناریای" خود را بیرون آوردند.

برای بازپرسان و پلیس این در حکم یک تودهنی بود.

باد ادعاها علیه این جنبش به‌سرعت خالی می‌شود.



le Parisien

LES FAITS DIVERS

Immense joie pour la libération de Maryam Radjavi

MOUDJAHIDIN. Cris, larmes et scènes de liesse ont suivi l'annonce à Auvers de la libération prochaine de Maryam Radjavi. Les opposants iraniens ont sorti les drapeaux et les portraits de leur pasionaria. Pour les magistrats et les policiers, c'est un désaveu.

AUVERS-SUR-OISE (VAL-D'OISE)

DABORD un premier battement, presque déchiré. Les exaltés applaudissent, crient, s'embrassent, tombent dans les bras les uns des autres. Les quelques secondes, leur suffisent à transformer un coin plat ordinaire. Chez un pavillon à Auvers-sur-Oise, banc de l'Organisation des Moudjahidin du peuple (OMPI) de Maryam Radjavi, présidente élue de la Résistance, à 60 000 km. Défilent ensuite chefs de justice, devant l'une des premières perquisitions, menée quinze jours plus tôt. Tous des juges-guichet du Conseil national de la résistance iranienne, établi en France depuis plusieurs années. À l'annonce de cette libération prévue au profil bas ces derniers, les 200 sympathisants réunis à Auvers-sur-Oise ne retiennent leur joie. Des drapeaux et des portraits de leur pasionaria, Maryam Radjavi, sont sortis des voitures et ressortent à plusieurs reprises.

« Une grande victoire »

Malgré l'émotion collective, les opposants ne veulent pas livrer sur le moment leurs sentiments. Une retenue qui s'explique par la fidélité à leur consigne de communication. Mais, à 18 h 20, alors que les médias ne sont encore au courant de rien, Jacques Bénisti, député UMP du Val-d'Oise, tombe les jeunes gens de l'Union nationale des étudiants iraniens en France (UNEIF) qui il était invité à une conférence de presse à l'Assemblée nationale, à Paris. Il annonce en avant-première à Maryam Radjavi, présidente élue de l'UNEIF, qu'

تحقیق‌گران هیچ سلاحی پیدا نمی‌کنند. هیچ مواد منفجره‌یی به‌دست نمی‌آید که بتواند اجازه دهد. اعمال خشونت‌آمیزی آماده سازی شود.

- اومانیته می‌نویسد:

بعد از سروصدای اول، باد آن دستگیریهای جمعی، خالی می‌شود.



دیروز در اور سوراواز، صدها تن از هواداران و اعضای مجاهدین خلق ایران، پیشواز فاتحانه‌یی از رهبری خود مریم رجوی، سازماندهی کرده بودند....

تصمیم دادگاه استیناف یک ناکامی غیرقابل اعتراض برای بخش قضایی ادارهٔ ضدتروریستی و یک انکارشدید برای روشهای به‌کار برده شده توسط قاضی ژان لویی بروگیر، به‌ویژه در رابطه با بیانیه‌هایی است که توسط وزیر کشور و رئیس د.اس.ت علیه مجاهدین صادر شده بود.

- لیبراسیون می‌نویسد :

بروگیر نمی‌تواند رجوی را در زندان نگه‌دارد. آزادی او یک "غلط کردم" برای قاضی ضدتروریست محسوب می‌شود. این آزادی، عملیات انجام شده توسط بازرسان تحقیق علیه این مخالفان ایرانی را هر چه بیشتر به‌عنوان یک عملیات سیاسی عریان می‌کند تا تهاجمی که با انگیزه و عناصر واقعاً قضایی صورت گرفته باشد.



Libération

JEUDI 3 JUILLET 2003

SOCIETE

Bruguière ne peut retenir Radjavi

La mise en liberté de la dirigeante des Moudjahidin, décidée par la chambre de l'instruction de Paris, est un désaveu pour le juge antiterroriste.

Les immigrés atterrissent à l'Assemblée

Début de l'examen du projet Sarkozy qui durcit la législation actuelle. Revue de détail.

Nathalie Menigon se blesse en prison

Enlacement mortel à Marseille

Trois ans ferme pour «homicide» routier

Chute mortelle à 2 ans

Une fumeuse gagne une bataille contre un cigarettier

Affiux d'inscriptions dans les écoles cathos

روزنامهٔ لیبراسیون-۳ژوییه ۲۰۰۳ -بروگیر نمی تواند رجوی را در زندان نگه دارد

- لوموند استقبال پیروزمندانه از مریم رجوی را تیتر می‌کند و می‌نویسد:
روز پنجشنبه در اور پلاکاردی نصب شده بود که به او خوشامد می‌گفت.
فرش قرمز و همه جا غرق در گل



Le Monde

SOCIÉTÉ

Accueil triomphal de Maryam Radjavi à Auvers-sur-Oise après sa sortie de prison

L'épouse du chef des Moudjahidines du peuple assure que « les intérêts » de la France n'ont jamais été menacés et s'engage à justifier « chaque centime » découvert lors des perquisitions

Quatre ans ferme pour le chauffard de Vitry

La défenseure des enfants proteste contre les conditions de rétention

روزنامه لوموند–۵ ژوئیه ۲۰۰۳ –استقبال پیروزمندانه از مریم رجوی

انبوه بادکنکهایی که به آسمان می‌رفت، فریاد شادی، رقص و آواز، فشار جمعیتی که او را در میان گرفته بود، به‌حدی بود که نیم‌ساعت طول می‌کشد تا همسر مسعود رجوی بنیانگذار جنبش اصلی اپوزیسیون مسلحانه رژیم تهران فاصله ۱۰۰ متری تا جایگاه را که قرار بود در آن سخنانی ایراد کند، طی کند.

در کنار او دکتر صالح رجوی، ژان پیر بکه شهردار سوسیالیست اور و عالیجناب گایو دیده می‌شدند.

مریم رجوی در سخنان خود پس از بیان احساس خود از این استقبال و این همبستگی از اهالی اور که چهره واقعی فرانسهٔ انساندوست و مهد آزادی را نشان داده‌اند، سپاسگزاری کرد و افزود: «شما دیگر فقط همسایگان ما نیستید شما وارد تاریخ ما شدید».

او در پاسخ به پرسشی دربارهٔ احساس و اندیشه یی که در زمان حبس در فلوری مروژیس داشته است، گفت: «روزی که این مبارزه را آغاز کردیم همه خطرات را پذیرفتیم؛



Le Monde

La cour d'appel de Paris ordonne la remise en liberté de Maryam Radjavi

L'incarcération de la femme du chef de l'Organisation des moudjahidines du peuple iranien avait suscité de nombreuses protestations

LA COUR D'APPEL de Paris a ordonné, mercredi 2 juillet, la remise en liberté sous caution de l'opposante iranienne Maryam Radjavi, épouse de Massoud Radjavi, fondateur du principal mouvement d'opposition armée au régime de Téhéran, ainsi que de huit autres militants placés en détention provisoire depuis le 22 juin.

A l'annonce de cette décision, des dizaines de sympathisants de l'Organisation des moudjahidines du peuple iranien (OMPI) ont décidé d'arrêter la grève de la faim qu'ils observaient à Auvers-sur-Oise (Val-d'Oise).

164 personnes avaient été interpellées, à l'aube du mardi 17 juin, par plus de 1 200 policiers. 17 militants avaient été mis en examen pour « association de malfaiteurs en relation avec une entreprise terroriste ». 15 d'entre eux avaient été écroués. Les dirigeants de l'OMPI en liberté avaient dénoncé une opération « politique » liée à un accord secret qui aurait été conclu entre Paris et Téhéran. La cour d'appel avait alors remis 2 personnes en liberté mardi 1er juillet puis a libéré les 9 derniers mercredi 2 juillet.

Maryam Radjavi devait sortir de prison jeudi ou vendredi, après le versement d'une caution de 80 000 euros. « La justice française a montré qu'elle savait ne pas s'inclure devant des considérations diplomatiques et politiques et qu'il n'y avait pas, dans cette affaire, de raisons de placer ces gens en détention », a déclaré l'avocat de Maryam Radjavi, Me Henri Leclerc. *Tout le monde sait bien que ce n'est pas un dossier terroriste et qu'il n'y a eu aucun acte commis en France, d'aucune nature. Si des actes ont été commis, ce sont des actes contre la tyrannie iranienne.* »

Un désaveu pour le juge Bruguière

La décision de la cour d'appel constitue un revers pour le parquet général, qui avait requis le maintien en détention lors de l'audience du mardi. Elle sonne également comme un désaveu pour les policiers de la direction de la surveillance du territoire (DST) et surtout pour le juge antiterroriste Jean-Louis Bruguière.

par une explosion de joie au siège de l'organisation, à Auvers-sur-Oise, où s'étaient rassemblées quelques centaines de personnes. Des militants de l'OMPI ont scandé le nom de Maryam Radjavi. Plusieurs dizaines de sympathisants de l'organisation, installée en France depuis vingt ans, avaient engagé une grève de la faim depuis une dizaine de jours pour demander la libération de leurs camarades. Deux femmes s'étaient immolées, à Londres et à Paris, au lendemain des arrestations.

Le patron de la direction de la surveillance du territoire (DST), Pierre de Bousquet de Florian, avait tenu une conférence de presse le 19 juin pour justifier l'opération policière. Il avait qualifié l'OMPI de mouvement « fanatique », « terroriste » et « sectaire », accusé de préparer des attentats contre des intérêts iraniens en Europe.

Toutefois, aucune arme, explosif ou trace d'un quelconque projet terroriste n'avait été saisi à Auvers-sur-Oise. En revanche, près de 8 millions de dollars en espèces avaient été découverts, ainsi que des moyens de communication par satellite très sophistiqués. » *AFP.*

1 600 hectares incendiés en Haute-Corse

LES PREMIERS GRANDS FEUX de l'été se sont déclarés, mercredi 2 juillet, en Haute-Corse. Les gendarmes privilégient la piste d'actes criminels. En effet, 26 foyers d'incendie ont été recensés, dont 5 étaient encore actifs jeudi matin. Au total, quelque 1 600 hectares de végétation ont été détruits, sans provoquer de victimes. Aucune habitation n'a été détruite, même si le feu s'est approché des villages de Santa Pietro di Tenda et de Poggio di Oletta. Quelque 350 hommes, appuyés par 11 avions bombardiers d'eau, ont été engagés dans la lutte contre les flammes, rendue difficile par un vent soutenu, soufflant en rafales à 60 km/h, avec des pointes à 90 km/h. Le feu a touché des zones couvertes pour l'essentiel de maquis, dans le Nebbio, une région proche de Bastia. Des feux se sont également déclarés en Balagne, dans le cap Corse et dans la plaine orientale. De premiers renforts venus du Var et de Corse-du-Sud ont été engagés sur le terrain mercredi. D'autres étaient attendus jeudi matin, en provenance de Rhône-Alpes et d'Auvergne. Le dispositif de lutte contre les incendies a été déclenché avec plusieurs semaines d'avance en Corse en raison de l'extrême dessèchement de la végétation, lié au déficit de pluviométrie que connaît l'île depuis plu-

روزنامهٔ لوموند-دستور آزادی مریم رجوی،۴ ژوئیه۲۰۰۳

من خود را برای زندان، شکنجه و اعدام از سوی ملایان آماده کرده بودم، اما هنوز درک نمی‌کنم که چرا باید در فرانسه برای اولین بار به زندان بروم».

دربارهٔ دلایلی که سبب شده بروگیر و د.اس.ت چنین نیروهایی را بسیج کنند، مریم رجوی گفت: «اطمینان دارد که بخشی از سرویس‌های اطلاعاتی فرانسه، اطلاعات جعلی داده شده. از سوی ایران را بی‌چون و چرا می‌پذیرفته‌اند. این توطئه‌ای است که تدارک شده از ناحیهٔ وزارت اطلاعات آخوندهاست.

او تکرار کرد که "مقاومت ایران " هیچ‌گاه منافع فرانسه را تهدید نکرده است «ما هیچ عمل غیرقانونی مرتکب نشده‌ایم و نخواهیم شد چه در اروپا و چه در آمریکا و چه در هر جای دیگر دنیا».

وی هم چنین متعهد شد که " پاسخگوی سانتیم به‌سانتیم پول یافته‌شده در اور" باشد.

لوموند می‌افزاید: امروز گویی که مجاهدین عرش را سیر می‌کنند....






BIENVENUE
MARYAM RAJAVI











اما ایرانیان تنها کسانی نبودند که ابراز شعف می‌کردند، اسقف گایو نیز رضایت خاطر خود را پنهان نمی‌کند: «آنها از بی‌حرمتی در انظار عموم رنج برده‌اند، امروز برایشان روز پیروزی است». از نظر ژان پیر بکه شهردار: «این آزادی قبل از هر چیز امکان می‌دهد نفسی به‌راحتی بکشیم؛ چرا که وضع چندین نفر از کسانی که اعتصاب غذا کرده بودند به‌سرعت رو خامت می‌رفت عملیات پلیس ناهنجار، مسخره و در ابعادی بی‌تناسب بود. آنها به‌دنبال مواد منفجره و مواد مخدر بودند اما چیزی نیافتند».

۲۴ژوئن شورای شهر به اتفاق آرا تصمیم گرفت از دولت در این باب توضیح بخواهد. مریم رجوی اعلام کرده که خواستار تشکیل یک کمیسیون تحقیق پارلمانی خواهد شد.

ژان پیر بکه تصریح می‌کند: «ما هم از این خواست حمایت می‌کنیم. ما می‌خواهیم بدانیم اهداف آنچه که به یک فضاحت واقعی تبدیل شده، چه بوده است؟». یک نبرد دیگر نیز پیش روی شهردار قرار دارد دفاع از ۳عضو مقاومت که در اقامتگاه‌هایشان تحت‌نظر خواهند بود تا بعد اخراج شوند در بین آنان سرهنگ بهزاد معزی دیده می‌شود کسی که خلبان هواپیمایی بود که در اوت ۱۹۸۱ مسعود رجوی را به فرانسه آورد .

LE FIGARO

« Sans la liberté de blâmer il n'est point d'éloge flatteur » Beaumarchais



MARYAM RADJAVI ACCLAMÉE PAR LES MOUDJAHIDINS

Les yeux bleu-vert, très souriante, coiffée d'un voile rose, Maryam Radjavi, sortie hier après-midi de la prison de Fleury-Mérogis, foule le tapis déroulé en son honneur, devant son QG d'Auvers-sur-Oise. Des fleurs et des colombes sont lancées sur son passage par les quelque 1 200 sympathisants des moudjahidins du peuple venus l'accueillir aux cris de *« Viva Maryam ! »* dans une démonstration proche de l'idolâtrie. Pendant son discours en persan de près d'une heure et demie, l'opposante iranienne a assuré avoir fait *« tout son possible »* pour éviter les immolations : *« Ces jeunes femmes ne sont pas là mais je les sens parmi nous. Je ne suis pas du tout heureuse de leur geste mais je m'incline devant leur immense volonté, ce plafond inatteignable du sacrifice pour la liberté et la patrie. Nous n'avons rien à cacher et nous ne sommes pas une organisation terroriste, a-t-elle poursuivi. Nous n'avons jamais enfreint la loi. Aussi, je demande au président Chirac la création d'une commission spéciale pour enquêter sur les raisons et conditions de notre interpellation. »* De son côté, le ministre de la Justice Dominique Perben a déclaré que la libération de Maryam Radjavi n'était pas « une décision sur le fond ». (Photo X. Lhospice/Reuter.) **M.-E. P.**



– در روز آزادی مریم رجوی بسیاری مطبوعات اروپایی نیز مقالات مشابهی منتشر کردند.
تیتر فرانکفورتر روندشاو چنین بود:
مایهٔ خجالت برای شکارچیان تروریست که زیاده‌روی می‌کنند.
دادگاه استیناف پاریس، مریم رجوی، سمبل مقاومت ایران را که در مظان اتهامِ تعلق به یک انجمن تروریستی قرار داشت، آزاد کرد. قضات معتقد بودند که دلایل ارائه شَده علیه وی، فوق‌العاده ضعیف هستند.
تنها واکنش منفی متعلق به رژیم آخوندی بود:
خبرگزاری فرانسه در روز ۱۶ تیر گزارش کرد: «سخنگوی وزارت خارجه ایران گفت که از تصمیم دادگاه فرانسه برای آزادسازی رجوی بسیار آزرده شده است».

دیدار هموطنان و اشرف نشان ها بعد از آزادی























Libération

SOCIETE

RADJAVI, UN SYMBOLE REMIS EN LIBERTE

L'opposante iranienne avait été arrêtée pour terrorisme.

L'opération très bancale du juge Bruguière

Et si ces incarcérations répondaient à des objectifs commerciaux?

روزنامهٔ لیبراسیون- ۹ ژوییه ۲۰۰۳-رجوی، یک سمبل آزاد شد

20 minutes
www.20minutes.fr
VENDREDI 4 JUILLET 2003

Radjavi libérée et prête à se défendre



Près de 700 personnes ont célébré le retour de Maryam Radjavi, hier après-midi, à Auvers-sur-Oise. La femme de Massoud Radjavi, le dirigeant de l'Organisation des Moudjahidines du peuple iranien (OMPI) est arrivée à 14 h 10, deux heures à peine après avoir quitté la prison de Fleury-Mérogis, où elle était incarcérée depuis le 22 juin dernier. Tout de rose vêtue, elle a été acclamée par la foule et une pluie de pétales de fleurs. « Je suis profondément émue et heureuse de la solidarité des Français » a-t-elle déclaré à son arrivée.

Maryam Radjavi reste mise en examen pour association de malfaiteurs en relation avec une entreprise terroriste. « Nous n'avons jamais commis d'acte terroriste en Europe », a-t-elle rappelé. Avant d'estimer, que la décision de la cour d'appel de Paris, mercredi soir, blanchissait du même coup « l'étiquette terroriste qui nous a été donnée ». Son organisation « pourra répondre de chaque centime » des 8 millions de dollars découverts à Auvers le 17 juin, a-t-elle conclu.

Cette remise en liberté – contre les observations du parquet général – sonne comme un revers pour Jean-Louis Bruguière, le juge antiterroriste qui avait monté le spectaculaire coup de filet. Elle contraste aussi avec les propos de Nicolas Sarkozy, qui a décrit l'OMPI comme une « secte d'islamistes intégristes parmi les plus brutales ».

Thomas Guéguiner

Inédit C'est la première fois que le délai entre l'incarcération et la remise en liberté s'avère aussi court, pour une opération antiterroriste de cette ampleur. Le coup de filet avait mobilisé 1 300 policiers.

L'HEBDOMADAIRE
La gazette du Val d'Oise
Place de l'Hôtel de Ville - Pontoise
Rédaction : 01.34.25.18.20
Publicité : 01.34.35.15.19
E-mail : rédaction-gazette-du-val-oise.fr



Établissement par établissement, section par section

Baccalauréat 2003 : tous les résultats

Lire en pages 20 à 40

Sommaire

Pages locales : 6 à 44
Pontoise
Cergy-Pontoise
Courdry
Butry / Valmondois
14 juillet : demandez le programme
Bezons
La Frette-sur-Seine
Ermont
Conflans
Cergy
Argenteuil

Mercredi 9 juillet 2003 édition du Val-d'Oise n° 1424 1,10 €

IRANIENS D'AUVERS

Après quinze jours de détention

Le retour triomphal



Jeudi 3 juillet, 14h05. Maryam Radjavi fait son retour rue des Gords, à Auvers-sur-Oise. Libérée quelques heures plus tôt, la présidente de l'Organisation des Moudjahidin du peuple iranien (Oise), est jointe en triomphe par [illegible] pour l'accueillir et partager [illegible] qui lui ont applaudi de leurs prières depuis quinze jours. C'est la fin du face-à-face pour les militants de l'Oise, et le début d'un nouveau combat pour ces résistants sortis de l'ombre malgré eux.

Lire en pages 2 et 3

Mercredi 9 juillet 2003 — REPORTAGE — La Gazette - Page 3

de Maryam Radjavi

...manifestations, des concerts ou des réunions, afin d'expliquer leurs objectifs, et de dénoncer toute volonté terroriste. Pour autant, l'Organisation des Moudjahidines du peuple reste sous surveillance et l'enquête va notamment porter sur les 9 millions d'euros trouvés au siège du mouvement. De retour à Auvers-sur-Oise, Maryam Radjavi s'estime mise en cause dans un dossier non pas terroriste, mais politique et dénonce la propagande des mollahs. L'épée des Moudjahidines prône désormais l'apaisement et se dit prête à répondre aux questions de la justice. Auvers redevient enfin la capitale des Impressionnistes.





Ils sont venus de l'étranger, ou de la région parisienne, pour soutenir leur présidente, Maryam Radjavi, en grandes pompes. Joie et émotion mêlées.



Ils sont venus de l'étranger, ou de la région parisienne, pour soutenir leur présidente, Maryam Radjavi, en grandes pompes. Joie et émotion mêlées.

AUJOURD'HUI



Le docteur Saïd Radjavi, ancien ministre des affaires étrangères de Mohammad Mossadegh, a rejoint son fils à Auvers depuis le début des années 80.

• Saïd Radjavi (frère de Maryam Radjavi) : «C'est une grande satisfaction pour nous tous et la preuve qu'il s'agissait d'une opération de propagande montée par les mollahs. Nous en sommes, à mes yeux, victorieux. Le régime des mollahs est un danger pour la France et pour l'Europe. Il faut que la France soit un Etat de droit et la culture démocratique est solidement ancrée dans chaque individu, comme l'ont montré les Américains.»

• Javad Dabiran (centre des affaires étrangères, CNRI) : «Les accusations de cette affaire sont les mêmes. Ils sont désespérés et leur fin est proche. La libération de Mme Radjavi montre que le dossier est vide, qu'il n'y a pas de charges suffisantes. Plus que jamais, Maryam Radjavi est pour nous un symbole d'unité et d'intégrité.»

• Sima Ahmari (une Iranienne en exil à Genève depuis 18 ans, peintre-sculpteur) : «Je suis venue ici dès la première jour. Tous les gens qui sont venus ici ont été parrés par l'amour (...) Maryam Radjavi, c'est pour moi la première dame de notre pays. C'est la seule qui a un programme pour les femmes. Elle veut les éduquer et leur donner du pouvoir. D'ailleurs, dans l'OMPI, il y a beaucoup de femmes qui dirigent.»

• Leïla (une jeune Iranienne, étudiante à Lille) : «La libération de Maryam Radjavi c'est le plus beau cadeau de ma vie. J'ai une partie française en moi. Et depuis quelques jours, j'avais mal à cette partie française. Aujourd'hui, je me sens mieux. Et je suis à nouveau fière de cette partie française. (...) Je vais maintenant me retourner dans mon pays, en Iran, et j'y retrouver mes racines. C'est ce où je suis née.»

ET MAINTENANT ? *Mystère autour des millions d'euros*

L'enquête se poursuit...

Maryam Radjavi est libre, mais la justice n'a pas dit son dernier mot. L'Organisation des Moudjahidines du peuple reste dans le collimateur, notamment en ce qui concerne l'argent liquide trouvé sur place. Les responsables assurent de leur totale collaboration.

«Il n'y a aucun jugement sur le fond de l'affaire», Dominique Perben, le garde des Sceaux, a été très clair. La justice française n'est à pas encore l'en avec les Moudjahidines du peuple. En effet, si les dirigeants de l'OMPI (ex- éta blanc, ces personnes présentées ces derniers comme terroristes ne sont inculpées.

On est loin d'une relaxe, puisque Maryam Radjavi reste soupçonnée d'abusive, comme les responsables de l'organisation le sont depuis leur arrivée à Auvers, en 1981. De plus, les mises en examen devraient effectivement.

En revanche, pour Maryam Radjavi et ses partisans, l'essentiel est de pouvoir poursuivre les activités de la Résistance. Elle se dit en outre disposée à répondre aux questions des juges.

Les activités terroristes n'auront pas été prouvées à ce jour, l'enquête devrait néanmoins se concentrer sur les organisations auxiliaires dirigeant liquide trouvées chez les différents responsables iraniens de la rue des Bords.

Maryam Radjavi a rappelé que les 9 millions de dollars (7 millions d'euros) appartenaient à la résistance iranienne. L'occasion pour l'opposante iranienne de réaffirmer l'indépendance de son mouvement : «Pas un euro, pas un dollar ne provient d'aucun gouvernement», a-t-elle assuré, de son côté, que la résistance pouvait répondre de chaque centime à la justice.

C'est sur Maryam Radjavi vendredi soir, elle aussi, a voir plus clair. Elle a réclamé auprès du président Chirac la création d'une commission spéciale pour enquêter sur la vaste opération de police qui a mobilisé plus de 1 300 policiers et au cours de laquelle 164 personnes ont été interpellées.

A son arrivée à Auvers, elle déclarait espérer que les «atrocités» inventées par les Français «glaceront dans le cœur du peuple et de la jeunesse».



A chaque génération un membre d'exprimer son enthousiasme.



Repères

• **1965**
Création du mouvement des Moudjahidin du peuple, opposition clandestine au régime du Shah. Portant aide des religieux depuis 1979, il est déclaré illégal en 1981, deux ans après la Révolution islamique et l'accession au pouvoir.

• **Février 1981**
Le fondateur du mouvement, Massoud Radjavi, se réfugie en France. Il installe le siège européen de son groupe à Auvers-sur-Oise où il est accueilli par son frère, le docteur Saïd Radjavi. Au fil des ans, l'organisation recrute plusieurs membres dans le secteur de la rue des Bords.

• **Juin 1986**
Exilé en France, Massoud Radjavi s'installe en Irak où il fonde l'Armée de libération nationale d'Iran, branche armée de son mouvement, forte de 10 000 combattants dans la région frontalière.

Le maire Jean-Pierre Béquet porté en triomphe



Jean-Pierre Béquet, maire d'Auvers, tout en restant mesuré, a accueilli avec joie la nouvelle. «Je suis heureux de vous accueillir libres dans votre ville d'Auvers. Que ce combat victorieux appelle d'autres victoires, demain, pour un Iran libre et démocratique (...) Vous êtes ici chez vous le 9-1-11 prononcé, au micro, le jour de l'arrivée de Maryam Radjavi. La veille, à l'annonce de la libération, le n°1 de la ville s'était rendu, comme tous les autres jours, parmi les Iraniens : «C'est une très grande joie pour moi. J'ai vécu tout cela comme une telle injustice, comme une opération médiatique montée pour de sombres affaires, conflit-il dans la cour générale. «J'ai agi depuis quatre jours dans le sens de la liberté des Droits de l'Homme. Et que M. Raffarin sache que je ne l'ai pas fait pour mon parti, mais pour mes potes !» Les Iraniens qui sont visiblement très reconnaissants du soutien qu'il a pu apporter et l'ont même porté en triomphe, mercredi.

La Gazette - Page 2
REPORTAGE
Mercredi 9 juillet 2003



Retour triomphal

La mobilisation a payé. Quinze jours après le spectaculaire coup de filet contre les Moudjahidines du peuple, à Auvers-sur-Oise, Maryam Radjavi et tous les dirigeants de l'organisation sont libres. Depuis le déploiement de force du 17 juin - 1 300 policiers avaient arrêté 164 personnes - les sympathisants de la Résistance n'ont cessé d'affluer du monde entier pour soutenir celle qui, depuis vingt ans, incarne la lutte contre le régime de Téhéran. Les Iraniens d'Auvers n'ont jamais relâché la pression. Soutenus par les élus et la population locale, 170 d'entre eux ont poursuivi la grève de la faim, tandis que les autres organisaient des...

Le film d'une interminable attente

Lundi 30 juin : les Moudjahidines du peuple tiennent une conférence de presse à Paris, au siège des nouveaux Droits de l'homme, afin de dénoncer la libération de Maryam Radjavi et des 11 personnes détenues avec "association de malfaiteurs en relation avec une entreprise terroriste". L'OMPI pointe l'absence de charges dans le dossier et dénonce les accusations du tribunal. À Auvers, des fougères sont allumées en soirée, lors d'une veillée funéraire.

Mardi 1er juillet : les sympathisants des Moudjahidines attendent la décision concernant Le sort de Maryam Radjavi. La Cour d'appel de Paris doit statuer dans la journée. 170 personnes poursuivent la grève de la faim, certaines sont très affaiblies. Le Conseil national de la résistance s'apprête également au meeting sur le stade du Vaudhuit pour exprimer sa mobilisation.

Mercredi 2 juillet : la libération est palpable... chez les partisans autant que chez les riverains, jusqu'à l'hypothèse de joie que valait la décision de la Cour d'appel de Paris : Maryam Radjavi et les dirigeants de l'OMPI sont libérables sous caution. Les grévistes se nourrissent progressivement et la fête se pourrait toute la nuit.

Jeudi 3 juillet : ce matin dès 11 heures, les 300 000 euros de la caution sont réunis. L'Hôtel de la Résistance d'Auvers est libre de la prison de Fleury-Mérogis vers après 13h. Elle rejoint aussitôt Auvers-sur-Oise où, l'attendent des centaines de personnes qui l'acclament en français : "Vive vive Maryam !"


Jeudi à l'Hôtel, Maryam Radjavi, visiblement émue, retrouve ses amis d'Auvers. Elle est accompagnée de Mgr Gaillot, de son beau-frère le dr Saleh Radjavi et de maire...

Mercredi 2 juillet. Il est presque 10 heures, sur le stade de la sa des Gords, de groupes d'hommes jour de la musique. Derrière eux le ciel s'éveille, les autres pas. La tendresse est rapide. On discute. On attend. Lorsque des gendarmes, presque des hallucinés, tentent cette pesante chape de stress. Les quelque 300 hommes, venus des quatre coins du monde à Auvers, siège de l'organisation du Conseil National de la Résistance iranienne, s'apprêtent en ce jour à vivre une des plus grandes journées de leur vie. Les anciens implorent le ciel. Les plus jeunes agitent leurs chasubles et scandent à l'effigie de leur égérie, Maryam Radjavi. Détenue sur une charge insensée, l'une des porte-parole de l'OMPI pourrait la nouvelle : libérable. Radjavi a été libérée à Auvers, les deux personnes maintenues en détention restaient la Mayet. Plus aucune des 17 personnes arrêtées avec Radjavi le 17 juin n'est alors plus menacé de départ.

Indescriptible soulagement. Incroyable effervescence dans la petite rue des Gords de l'Oise. Des voisines pleurent et sourient, tandis que déjà, des femmes croisent des dizaines de jours. « Tout le plus beau jour de mes vie ! Si on m'avait offert ce jour la durée qui est aujourd'hui, j'aurais été moins heureuse, confie Leila, arrivée quelques heures plus tôt. Les 170 grévistes de la faim, affaiblis, se livrent vaincus en larmes aux journalistes. Ils ne sont plus que les grands oiseaux aux démarches. Et les bâtonnets de yaourt, le traditionnel, puis, au tapis rouge. Tapis pour Maryam Radjavi, accueillie en star, après une nuit de fête.

Le cri clin d'œil encore, les femmes rassemblent la rue des Gords en un podium de joie. Une explosion à vaincre l'épreuve. Les fleurs tombent la rue, les drapeaux et autres banderoles scintillent de soleil et. Regardez-vous, ils sont là, ils sont là ! Regardez-vous, ils sont là ! Les mots, tantôt en français, tantôt en persan, s'entrechoquent. Ils sont là ! Ils sont là ! Ils sont là !

L'ECHO le Régional
www.tele95.com
1,10 €

N° 1043 - Nouvelle série - Mercredi 9 juillet 2003 - L'Echo Régional, l'hebdomadaire du Val d'Oise - www.tele95.com



À l'annonce de la libération de leur présidente, les Iraniens regroupés à Auvers, dont beaucoup de jeunes, ont laissé exploser leur joie. La plupart en dansant.





DISCOURS

«Plus simplement des voisins, mais des amis»



Maryam Radjavi, charismatique égérie des résistants iraniens.

Dans une longue allocution faite à son arrivée à Auvers, Maryam Radjavi s'est, à plusieurs reprises, adressée aux Auversois qui ont, pour leur grande majorité, soutenu les Iraniens. «J'adresse mes remerciements les plus cordiaux au peuple d'Auvers, au maire et au conseil municipal. Ils ont montré la véritable image de la France humaniste, berceau des libertés», a-t-elle dit, avant d'ajouter : «Désormais, vous n'êtes plus simplement des voisins. Vous êtes des amis, vous faites partie de notre histoire. Je remercie les hommes, les femmes et les enfants d'Auvers qui sont restés à nos côtés.»

Sur un plan plus politique, elle a annoncé son «intention d'informer le gouvernement et Jacques Chirac», que certains services de renseignement français avaient été «fourvoyés par de fausses informations provenant du service de renseignement des mollahs». «Nous ne redoutons pas les recherches juridiques et les verdicts de la justice [...]. Nous n'avons rien à cacher», a-t-elle affirmé. En jurant : «la Résistance iranienne n'a pas menacé et ne menacera en aucun cas les intérêts nationaux de la France.»

Evénement

Auvers-sur-Oise : Maryam Radjavi de retour au siège de la résistance

Jeudi, l'icône des Moudjahidine du peuple a été accueillie par une foule fervente restée mobilisée depuis son incarcération le 17 juin dernier.

Pour la première fois en deux semaines, les sympathisants Moudjahidine ont versé des larmes de joie et non plus de désespoir. Maryam Radjavi, la femme qu'ils ont désigné en 2003 comme « présidente élue de la République d'Iran en exil », incarcérée après le raids conjoint de huit policiers du 17 juin, est de nouveau libre. Annoncée la veille au soir par le juge d'appel de Paris, la libération a été suivie au royaume d'une rançon de 50 000 €. « Des dizaines de volontaires se sont mobilisés de façon spontanée pour payer cette somme », a expliqué le Dr Saleh Radjavi, le beau-frère de Maryam.

« Vous êtes ici chez vous »

Vêtue d'une tunique et d'un foulard fleuri, « le soleil brillant au firmament », comme l'appellent ses partisans, Saleh suffit à lui ôté de la vue chez Gerde à Auvers-sur-Oise, face du siège du conseil national de la résistance iranienne (CNRI). Sur ce sitôt d'après-midi, où le soleil la cloquait aux rangés, Maryam Radjavi a fait une apparition triomphale. « Vous êtes ici chez vous », a lancé le leader de la coalition, Mme Paris Bégaie (PS), lorsque l'allocution du mouvement fût le premier jour.

Pendant près d'une demi-heure, le visage en pleurs, le corps comme de pierre, Maryam Radjavi a déroulé son histoire. Mais aussi celle de la France « humaniste et terre des libertés, le cœur de l'Europe battant pour les femmes, les hommes et les enfants de cette ville qui se sont armés à nos côtés dans les conditions les plus sombres et les jours les plus noirs avec leurs sourires, leurs encens et leurs espoirs ». Un hommage à touche-tout au courage retrouvé de l'exilée présente dans l'assistance.

Après avoir salué l'appartenance, Maryam Radjavi est revenue sur les accusations de terrorisme dont elle fait l'objet avec onze autres membres du CNRI. « Nous accueillons avec sérénité les enquêtes de la justice et des tribunaux concernant nos activités, car nous savons que nous en sortirons innocentés », a-t-elle martelé, ajoutant que « la vérité finira par les rattraper ». L'opposante a également tenu à saluer « le courage et la détermination » de la juge Laurence Le Vert, « qui a su faire la lumière sur cette affaire ».

Commission spéciale

Revenue sur son allocution précédente, Maryam Radjavi a annoncé que les membres de la commission des affaires étrangères, Maryam Radjavi a annoncé « la création d'une commission spéciale pour enquêter à ce sujet afin d'aller jusqu'à la fin ». Elle a également engagé à justifier « chaque centime » découvert lors des perquisitions à son domicile.

A la disposition de la justice

Tandis que les Iraniens chantent l'hymne national du CNRI, leur égérie se tient en petit comité dans le siège de la résistance. Pour le Dr Radjavi il est clair, l'heure est au calme : « Dès le début la campagne Antiterroriste, lancée à Nice (N.D.L.R. : annonce de la libération de Maryam Radjavi), j'étais sûre et j'espérais que les choses iront très différent à concevoir, avant d'ajouter : « La justice française a montré qu'elle était importante et indépendante. Nous avons toujours dans la bataille judiciaire car il n'y a rien contre nous ».

« Obligée de rester à la clandestine de la guerre », dans le cadre de sa mise en examen, Maryam Radjavi a été installée dès juin dans un domicile. Il devait, qu'elle avait quitté en 1986 pour Paris, avant d'avoir été autorisée à rentrer en France par les autorités en janvier dernier.

Avant, mercredi soir, prononcer un point sur la libération de Maryam Radjavi, présentée lors à la tête d'un « PC invisible du terrorisme », selon le ministre de l'Intérieur. D'après le parquet de la DST, l'heure de libération de l'Iranienne « a été rapidement fixée sur les services de renseignements qui répondaient les uns en tout ».

Quatre jours après l'opération coup-de-poing, il semble 1 300 policiers ont conduit à l'arrestation de 164 personnes dans le Val-d'Oise et les Yvelines, plus moins des 17 mis en examen et écroués pour association de malfaiteurs terroriste. Le premier secrétaire du PS sur un coup de l'État qu'il qualifie de « fausse ».

Caroline BAMARNI



Trois jours après son arrestation, Maryam Radjavi a retrouvé son foyer au Vésinet.



Maryam Radjavi s'exprime derrière son bureau doté du Lion Persan, un symbole retiré du drapeau honni par Khomeiny.

Extraits du discours de Maryam Radjavi

• Immolations : « Durant toute cette période, je me suis mobilisé et j'ai fait tout mon possible pour empêcher les immolations. Vous êtes heureux, mais moi je ressens encore leur mal, car ce sont des jeunes gens. Ils font mon cœur, ils veulent qu'il vive quelle sky flottant ». Ils font chercher qu'une personne se cultiver qu'avec une liberté durable et la solidarité du peuple d'Iran. »

• Une justice indépendante : « La justice française a montré qu'elle savait se jouer [illegible] devant des considérations politiques et diplomatiques pour qu'elle est un État de droit et de démocratie. »

• Commission spéciale : « Je tiens aussi, et je dis cela dans l'intérêt d'un différend le gouvernement français et la personne du président Chirac, certains services français ont été [illegible] par de fausses informations provenant du ministère des renseignements des mollahs et d'agents qu'il a infiltrés et qui se font passer pour d'anciens membres des Moudjahidine. Pour enquêter et poursuivre, il n'existe pas nécessaire de diplomatie avec ces belligérants, ces barbares, de faire confiance des preuves et de les voir aux [illegible]. Pour être persuadés de cela, il suffit de [illegible] et qu'il y aurait de violences effroyables. Cependant, comme on a déjà dit, la juste tête de conseil national d'Auvers, il n'y a aucune raison à la [illegible] ces deux allégations. Quoi qu'il en soit, je demande au gouvernement français et au président Chirac de former une commission spéciale pour enquêter à ce sujet afin d'aller jusqu'à la fin. »



1 200 Iraniens, venus du monde entier, étaient venus acclamer leur guerrière en chef : Maryam Radjavi, la femme du leader des Moudjahidine, Massoud Radjavi.

l'Humanité

MOUDJAHIDIN

Après l'esbrouffe, le coup de filet se dégonfle

La décision de la cour d'appel de Paris relaxant Maryam Radjavi et ses compagnons est un désaveu pour Nicolas Sarkozy et le juge Bruguière.

C'était la fête, hier, à Auvers-sur-Oise. Plusieurs centaines de membres et sympathisants des Moudjahidin du peuple d'Iran (OMPI) avaient organisé un accueil triomphal pour leur leader Maryam Radjavi, élargie à midi trente de la prison de Fleury-Mérogis où elle était détenue depuis le 22 juin. La veille, la cour d'appel de Paris avait ordonné sa remise en liberté. Cette décision allait ainsi à l'encontre des réquisitions du parquet général qui avait demandé le maintien en détention, insistant sur les risques de concertation entre les mis en examen et sur le danger de troubles particulièrement graves à l'ordre public compte tenu des objectifs de l'organisation. Dix-sept membres de l'OMPI, mouvement figurant sur la liste de l'Union européenne des organisations terroristes, avaient été mis en examen pour «association de malfaiteurs en relation avec une entreprise terroriste» et, pour certains d'entre eux, «financement du terrorisme». Au cours des perquisitions, les policiers ont dit avoir saisi plusieurs valises remplies d'espèces, pour un montant global de quelque huit millions de dollars. Onze personnes avaient été placées sous mandat de dépôt. Les six autres avaient été laissées en liberté sous contrôle judiciaire, parmi lesquels un frère de Massoud Radjavi, Saleh Radjavi et l'un des membres de la commission des affaires étrangères du Conseil national de la résistance iranienne (CNRI), Afshin Alavi.



Maryam Radjavi accueillie, hier, à Auvers-sur-Oise par des sympathisants de l'OMPI.

La décision de la cour d'appel constitue un revers incontestable pour la justice antiterroriste, et un désaveu cinglant des méthodes employées par le juge Jean-Louis Bruguière, au regard notamment des déclarations du ministre de l'Intérieur et du directeur de la DST. Le 26 juin, devant le Sénat, Nicolas Sarkozy estimait que «la France ne pouvait pas tolérer que le quartier général d'une organisation terroriste internationale» s'installe sur son sol. De son côté, le directeur de la DST, Pierre de Bousquet de Florian, avait affirmé que «les Moudjahidin envisageaient de commettre des attentats» contre les intérêts iraniens «en dehors de l'Iran», ajoutant que ce «renseignement» ne figurait pas dans la procédure. Selon l'AFP, la cour d'appel aurait noté que «des documents ont été saisis, relatifs à des repérages sur des objectifs». «À cet égard, il convient d'observer qu'aucune des personnes dont la situation est soumise aujourd'hui à la cour n'a été interrogée au cours de sa garde à vue sur de tels documents, dont le contenu exact reste donc pour le moins à investiguer et préciser», écrit la cour dans son arrêt. Si la décision de la cour d'appel ne préjuge pas de l'issue de ce dossier, le constat demeure toutefois sévère et rarissime pour un dossier de terrorisme, où la détention provisoire reste la règle, au moins dans les premiers mois suivant une mise en examen. «C'est une issue heureuse après des moments difficiles», commentait hier pour *l'Humanité*, Afshin Alavi. «Malgré les pressions politiques et l'énorme travail de désinformation pour justifier une rafle injustifiable, les juges français ont montré leur intégrité. Notre dossier juridique est vide, nous n'avons commis aucun acte terroriste. Nous sommes tous des réfugiés politiques en France depuis plus de vingt ans, dans un pays qui est un État de droit, je ne veux pas croire qu'il puisse être possible de nous mettre en cause de cette sorte. Nous allons nous battre sereinement et collaborer avec la justice française» a-t-il conclu.

Dominique Bar

روزنامهٔ لاگازت- ۹ ژوییه ۲۰۰۳- مریم رجوی آزاد شد



Aujourd'hui en France

VENDREDI 4 JUILLET 2003

Moudjahidin

La pasionaria de retour à Auvers

AUVERS-SUR-OISE (VAL-D'OISE), HIER. Après onze jours passés en détention, à Pierre Alleaume, Maryam Radjavi est revenue au siège de l'organisation des Moudjahidin du peuple

« Vous êtes ici chez vous »

13

روزنامهٔ اوژور دویی- ۴ژوییه ۲۰۰۳- بازگشت «پاسیوناریا» به اور



La gazette de Val d'Oise

Maryam Radjavi libérée,

les Moudjahidin d'Auvers sur-Oise en liesse

Mercredi, le journal complet... 1,10 € seulement !

France Soir

SOCIÉTÉ

MOUDJAHIDINE ■ Libérée, Maryam Radjavi a été accueillie par une foule en liesse au siège du Conseil national de la résistance iranienn

"Aujourd'hui Auvers, demain Téhéran !"



Maryam Radjavi, accompagnée de son frère Mehdi, salue la foule à Auvers, après la fin de sa

Des fleurs, des monceaux de fleurs, en corbeilles, en bouquets, en gerbes, des fleurs envoyées par les Iraniens du monde entier pour fêter la libération, hier matin, de Maryam Radjavi, « la future présidente de la République d'Iran ». Après 14 jours de détention, Maryam Radjavi est acquittée des 80 000 euros de cautions réclamés par la justice française et rejoint, en début d'après-midi, le quartier général du Conseil national de la résistance iranienne (CNRI) à Auvers-sur-Oise (Val-d'Oise).

Des fleurs, mais aussi les poings levés, les mots vengeurs et les larmes de plus d'un millier de personnes qui accueillent Maryam. Drapeaux, banderoles et haut-le-cœur. Des dizaines de calèches sont prêtes à envoyer des maires des environs sélectionnés pour l'occasion.

« C'est la lumière, c'est la joie, c'est Maryam et notre liberté qui arrivent », scandent sans relâche depuis la veille les sympathisants des Moudjahidine du peuple. « Aujourd'hui Auvers, demain Téhéran ! » se mettent à hurler quand Maryam entre dans la cour de ferme qui va la conduire jusqu'à la tribune dressée autour de lui.

Chape de plomb

Car c'est la fête en Europe mais aussi à Téhéran, paraît-il. Malgré la chape de plomb imposée par les ayatollahs, la nouvelle de la libération de Maryam aurait, tout le monde en le racontera, provoqué des réactions de joie dans la capitale iranienne, coups de téléphone et surtout coups de klaxon.

Toute de rose vêtue, Maryam Radjavi a le teint pâle et la mine fatiguée. Pourtant, entourée par son beau-frère, le Dr Saleh Radjavi (qui « s'improvise » traducteur officiel), par le maire (PS) d'Auvers-sur-Oise, Jean-Pierre Bequet, et par Mgr Messeiger Guillet, Maryam se lance dans un long discours de près de deux heures. Et pas du tout improvisé. Chaleureux remerciements « au peuple d'Auvers, au maire et au conseil municipal qui regroupe toutes les tendances politiques ». « Après de liberté, vous avez montré la véritable image de la France, berceau de l'humanisme et des libertés », leur assure Maryam. Tonnerre d'applaudissements.

Puis « la future présidente » revient sur les humiliations. « Mon cœur est encore glacé par le souffle des larmes. Ô chère-t-elle d'un air grave. Il sera à jamais dévoré par ce feu éternel. Si seulement j'avais pu être prête une plus tôt pour empêcher ces sacrifices ! »

Un revers pour la justice antiterroriste

Quinze jours après le spectaculaire coup de filet qui a mobilisé plus de 1 300 policiers et conduit à l'arrestation, devant les caméras de télévision, de 164 personnes, plus aucun des 17 mis en examen n'était, hier, sous mandat de dépôt. La remise en liberté de Maryam Radjavi constitue, à ce titre, un revers incontestable pour la justice antiterroriste. Si la décision de la cour d'appel ne préjuge pas de l'issue de ce dossier, le constat demeure toutefois sévère et ramène pour un dossier de terrorisme, où la détention provisoire reste la règle. D'autant que le 26 juin, Nicolas Sarkozy estimait que « la France ne pouvait pas tolérer que le quartier général d'une organisation terroriste internationale s'installe sur son sol, décrivant l'organisation des Moudjahidine comme une « secte parmi les plus brutales et les plus cruelles [...] d'islamistes intégristes doublés des derniers vestiges du marxisme le plus intégriste ».

Enfin, Maryam choisit de rendre « un hommage à la justice française qui a montré qu'elle savait ne s'incliner ». Elle explique que « personne ne doit être condamné chez nous. Il n'est pas nécessaire [...] de fracasser portes et de saboter les gens. Ne redoutons pas le verdict de la justice française, au contraire, nous l'accueillons avec sérénité ». Tonnerre d'applaudissements, qui redouble quand elle réclame la levée d'[illegible] dans l'Iran.

Après, plus à la musique de la fête, Maryam s'éclipse. Les [illegible] de la faim (reconnaissables à la pancarte qu'ils portent en [illegible] autour du cou) ont retrouvé [illegible] leur vigueur. Et puis chacun rentre chez lui. Maryam est enfin [illegible]. Mais toujours mise en examen, « apparentée à une association de malfaiteurs en relation avec une entreprise terroriste ».

Marie Rosse



هم‌چنین به‌خاطر انتشار عکس رهبر اپوزیسیون در یک روزنامه، آن روزنامه بسته شد. سردبیر و همسرش دستگیر گردیدند. روزنامۀ آسیا در صفحۀ اول عکسی از مریم رجوی درحال لبخند نشان می‌داد که دسته‌گلی در دستانش داشت و توسط دوستدارانش مورد استقبال قرار می‌گرفت. هرگونه اشاره به این گروه معمولاً با عنوان "منافق" صورت می‌گیرد.



سخنگوی وزارت خارجه ایران از فرانسه خواست از ایجاد «یک الگوی منفی» در برخورد با این گروه پرهیز کند. او به خبرنگاران گفت: این یک مسئولیت بین‌المللی برای فرانسه و هم‌چنین کشورهای دیگر است که با تروریسم مبارزه کنند و این گروه یک نمونه عالی است.

به‌راستی هم در تهران تنها روزنامه‌یی که جرأت کرده بود خبر آزادی مریم رجوی را

همراه با عکسی از او در صفحهٔ اول منتشر کند توقیف و سردبیرش بازداشت شد. برای آزادی همسر سردبیر ۲۵۰ میلیون تومان وثیقه تعیین شد.

- لیگابو گزارشگر ویژه ملل متحد بعداً در این باره نوشت: «سردبیر روزنامهٔ اقتصادی آسیا همراه با همسرش که سردبیر اجرایی این روزنامه است بعد از این‌که عکسی از مریم رجوی را روز ۵ ژوییه چاپ کرد، دستگیر شدند».

گزارشگر ویژه ملل متحد در گزارش خود می‌افزاید: سردبیر روزنامهٔ آسیا «روز قبل از ملاقات با گزارشگر ویژه در ۹ نوامبر ۲۰۰۳ بعد از ۱۸ هفته حبس انفرادی در یک نقطه نامعلوم سرانجام به زندان اوین منتقل شد».

اما آزادی «نماد مقاومت»، به‌راستی یکی از برجسته‌ترین و شیرین‌ترین لحظات سالیان مقاومت بود.

مسعود رجوی این لحظه را «از شکوهمندترین لحظه‌های تاریخ مقاومت مردم ایران » توصیف کرد.

«لحظه‌یی که تاروپود، بود و نبود و عطش سوزان ایران و ایرانی برای آزادی را در انظار جهانیان به‌نمایش گذاشت».[۱۲]

۱۲- ۱۲ تیر ۱۳۸۲

نشریه مجاهدین خلق ایران
شماره ۶۶۶ ـ فوق العاده
MOJAHED NO:666 29June 2004 2US$ 1.5Pounds SFR 3CS 2€
سه‌شنبه ۹ تیر ۱۳۸۳ ـ ۱۰ جمادی‌الاولی ۱۴۲۵

اتحادیهٔ اروپا رژیم آخوندی را به‌خاطر نقض شدید حقوق بشر توبیخ کرد

رئیس فدریکی اتحادیهٔ اروپا در بیانیه‌ی اعمال شکنجه، مجازاتهای وحشیانه مانند قطع عضو، ساسور، محدودیت‌ شدید زنان و اقلیتهای مذهبی و انتخابات غیردموکراتیک را توسط رژیم محکوم کرد

ترانه یزدی‌نژاد، رئیس هیئت اتحادیهٔ اروپا در امور ایران، در بیانیه‌ای از ادامهٔ نقض حقوق بشر در ایران انتقاد کرد و از جمله به اعمال شکنجه، مجازاتهای وحشیانه مانند قطع عضو، ساسور، محدودیت شدید زنان و اقلیتهای مذهبی و انتخابات غیردموکراتیک که توسط رژیم آخوندی اعمال می‌شود، اشاره نمود. گزارش سالانه کمیسیون اتحادیهٔ اروپا در امور حقوق بشر نیز که روز سه‌شنبه ۲۲ ژوئن در پارلمان اروپا مورد بحث قرار گرفت، به نقض گسترده حقوق بشر در ایران اشاره کرده است.

۲۰۰ روز زندان انفرادی به‌خاطر چاپ یک عکس

رادیو فرانسه (۱۱ خرداد ۸۳)



۲۰۰ روز تحمل انفرادی و تا کنون یکسال حبس و بلاتکلیفی در پیش، برای ارسال جنایتهای رژیم‌ستگری که یکسال پیش عکس آن را در روزنامه آسیا در تهران چاپ کرد...

بخشی از پیام خانم میترانن به کنفرانس مطبوعاتی لیگ حقوق‌بشر فرانسه:

من کماکان از بیعدالتی که مجاهدین در کشور من متحمل می شوند منقلب هستم

مجاهدین هیچ‌گاه اعمال خشونت‌بار در خارج از مرزهای ایران انجام نداده‌اند. آنها به‌افراد غیرنظامی آسیبی نرسانده‌اند

دیدگاه‌ها و بیانیه‌های مختلف حاکی از آن است که دادگاه بلژیک در تصمیم خود مبنی بر ادامه بازداشت مجاهدین، تحت تأثیر فشارهای رژیم ایران قرار گرفته است. این تصمیم با واکنش شدید بسیاری از سیاستمداران و شخصیت‌های برجسته‌ی بلژیک و اروپا روبرو شده است. در این رابطه، خانم میترانن، نماینده پارلمان اروپا و رئیس سابق پارلمان اروپا، در بیانیه‌ای اعلام کرد که از تصمیم دادگاه بلژیک مبنی بر ادامه بازداشت مجاهدین عضو شورای ملی مقاومت ایران، منقلب شده است. وی گفت: کماکان از بیعدالتی که مجاهدین در کشور من متحمل می‌شوند، منقلب هستم. مجاهدین هیچ‌گاه اعمال خشونت‌بار در خارج از مرزهای ایران انجام نداده‌اند. آنها به‌افراد غیرنظامی آسیبی نرسانده‌اند. آنها هیچ‌گاه در هیچ کشوری، حتی در مواردی که تحت فشار شدید بوده‌اند، به‌خشونت متوسل نشده‌اند. آنها در عراق، در زمان صدام حسین، تحت ستم و شکنجه‌های وحشیانه بودند و هزاران نفر از اعضای آنها اعدام شدند. آنها در عراق، در زمان صدام حسین، تحت ستم و شکنجه‌های وحشیانه بودند و هزاران نفر از اعضای آنها اعدام شدند. آنها در عراق، در زمان صدام حسین، تحت ستم و شکنجه‌های وحشیانه بودند و هزاران نفر از اعضای آنها اعدام شدند.

کنفرانس مطبوعاتی لیگ حقوق بشر فرانسه در سالگرد ۱۷ ژوئن در پاریس

واردکردن نام مجاهدین در لیست تروریستی نتیجهٔ تشبثات دولت ایران است

لوموند (۲۹ خرداد ۸۳): پرونده علیه مجاهدین دستگیرشده در اورسوا واز خالی از آب درآمد



توماد، رئیس لیگ حقوق بشر:

● از خانم بیسو این نظر را پذیرفته که دولت ایران با مورد قرائن و دلایل عمومی از اورسوا دانند. من هم مرارها به‌دادگری کنم که آن دولت برای ثبت که دادگاه می‌کند. بطور خودسرانه بازداشت می‌کنند. تشبثات را دستگاری می‌کند و هیچ چه نمی‌کنند در آن باشد. می‌خواهد که هیچ چیزی با تحمل نمی‌کند. شرایط دادگاهی طولانی وجود دارد است. دادگاه را با دادستان و نظارت گاه را با دیری در کوب می‌کند. اسنادها را زیر نگاشته بطلان می‌سنگ.

● دولت ایران باشد دولتهای دیگر، مرکز تشکل کلی کردن، رویکردی وحشیانه است که در اتحاد و همراه کوی فرانسه وجود دارد.

در صفحه ۱

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با تصویب قطعنامه‌یی خودداری رژیم ایران ازهمکاری کامل با این آژانس را تقبیح کرد





شانتاژ رژیم آخوندی همزمان با افشای فریبکاری جدیدش در سرپروژهٔ سلاح اتمی

مقاومت ایران بار دیگر بر ضرورت ارجاع پروندهٔ اتمی رژیم آخوندی به‌شورای امنیت ملل متحد تأکید می کند

در صفحه ۳

ای بی سی نیوز (۲۷ خرداد ۸۳)

ایران هویجهای عاصری از توانمندی هسته‌یی خود را از بازرسان بین‌المللی پنهان می‌کند

بروندهٔ بی خالی مناوعتی برحق

در صفحه ۲

تویتر بون (آلمان) ۲ فرانسه (۲۸ خرداد ۸۳)

نتیجه‌ی تحقیقات وزیر دادگستری فرانسه با مجاهدین و مقاومت ایران منتشر شد خود آنها بوده‌اند

(رادیو فرانسه (آل ۲۸ خرداد ۸۳)

پرونده گالانی بی‌پایه است

دیلی تلگراف (۲۰ خرداد ۸۳)

سوءسوابق مدرک و شاهد برای محکوم‌کردن ۱۶ نفر پیدا نشده است

خبرگزاری فرانسه (۲۵ خرداد ۸۳)

دولت فرانسه متهم به‌پرونده‌سازی علیه مجاهدین خلق و گروه‌های مخالف ایران

فصل ششم

یک سخنرانی و یک پیام تاریخی

سخنرانی مریم رجوی
۳ژوییه۲۰۰۳-۱۲تیر۱۳۸۲

به‌نام خدا
به‌نام ایران و به‌نام آزادی

و با سلام به‌شما مادران، پدران، خواهران، برادران و فرزندان عزیزم، که خانه و خانواده و کار و زندگی را ترک کرده‌اید و برای دفاع از آزادی و مقاومت مردم ایران، خودتان را از سراسر اروپا تا آمریکا و کانادا و استرالیا و دیگر نقاط جهان به این‌جا رسانده‌اید. با درود و سلام به‌همهٔ شما .

و با درود به‌سایر هموطنان متحصن و درحال اعتصاب غذا در سوئد و نروژ و دانمارک و انگلستان و آلمان و هلند و قبرس و یونان و استرالیا و شهرهای مختلف آمریکا و کانادا که به‌حمایت از مقاومت و آزادی مردم ایران برخاسته‌اند.

و به‌خصوص با درود به دانشجویان و مردم به‌پاخاستهٔ ایران و خانواده‌ها و جوانان پرشوری که در کارزار آزادی آرام و قرار ندارند و با شما همراه و هم‌صدا هستند.

به‌راستی که شما شعله‌های شرف و مقاومت ملتی اسیر در برابر فاشیسم مذهبی هستید که در این ایام در سراسر ایران و در اقصی نقاط جهان زبانه می‌کشد و جهانی را به‌تحسین و ستایش واداشته است.

شما بیش از دو هفته گرسنگی و تشنگی را به‌بهای جانهای ارزشمندتان تحمل کردید و در این مدت مردم شریف اور در کنار شما بودند و شما را تسلّی می‌دادند. من می‌دانم که این‌همه، نه به‌خاطر من، بلکه به‌خاطر آزادی مردم ایران بود.



اجازه بدهید که خطاب به مردم شریف اور اضافه کنم که شما مردم اور و شهردار آزادهٔ شما مردم اور و شورای شهر اور (همه آن کسانی که هستند) از همهٔ احزاب، فرانسه را با همهٔ ارزشهای انسانی و اخلاقی و آزادیخواهانهٔ آن به‌نمایش گذاشتید.

ما باعث زحمت شما شدیم و از این بابت خجل هستیم، ولی حالا دیگر شما فقط همسایه نیستید و بخشی از تاریخ و مقاومت و قلب و عواطف ما و مردممان هستید و ما هرگز آن‌را فراموش نمی‌کنیم، چون در این دو هفته شما از هیچ‌چیز کوتاهی نکردید. و این را همه شاهدند و گواهی می‌دهند

از زنان اور، از مردان اور و از بچه‌های اور عمیقاً سپاسگزارم که در تلخترین شرایط و در سخت‌ترین ایام با همهٔ عواطف و امکانات و خانه‌هایشان در کنار ما بودند.

در این ایام من خودم را فراموش کرده بودم و همهٔ تلاشم این بود که جلو خودسوزیها را بگیرم. شما الان خوشحال هستید و اگر من بخواهم احساسات واقعی‌ام را بگویم هنوز درد عمیقی سراسر وجودم را به‌خاطر فقدان آنها فراگرفته است.



درحقیقت هنوز قلبم در سوزوگداز و در آتش است. آتشی جاودانه که فقط با آزادی پایدار و همبستگی مردم ایران آرام می‌گیرد.

و متأسفانه خیلی دیر متوجه شدم. ایکاش که زودتر خبردار می‌شدم و می‌توانستم مانع این فدیه‌های بزرگ و شگفت تاریخ آزادی ایران بشوم.

از نمایندگان مجلس در کشورهای مختلف، از سناتورها، از شخصیتهای سیاسی و تاریخی و مذهبی و هم‌چنین کشیشهای محترم که نماینده‌هاشون را ما اینجا کنار خودمان داریم و شخصیتهای عالیقدر کلیسا که به این‌جا آمدند سپاسگزاری می‌کنم. قبل از همه از خانم میتران سپاسگزارم به‌خصوص که بزرگواری و هوشیاری و شکوه ارزشهای فرانسه و مقاومت فرانسه را، این‌بار در برابر فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران، بازتاب نمودند.

خانم میتران با این کارشان انگار که با خودشان ژنرال دوگل، سمبل فرانسه به‌عنوان رهبر مقاومت ضدفاشیستی فرانسه و هم‌چنین پرزیدنت میتران فقید را هم به این‌جا آورده بودند و دلم می‌خواست قبل از آمدن به این‌جا خودم شخصاً به‌دیدار ایشان بروم و احساسم را بگویم اما متأسفانه عملی نبود و آن‌را به‌بعد موکول کردم اما فرصت را مغتنم شمرده و از طریق مردم اور و شورای شهر و شهردارش که همهٔ تمایلات سیاسی فرانسه را در برمی‌گیرد و مخصوصاً از طریق آقای شهردار به فرانسه و ارزشهای آن و به سمبلهای

آن مانند خانم میتران و هم‌چنین لیگ حقوق‌بشر فرانسه و حقوق‌بشر نوین و به همهٔ شخصیتها و مقامات و وکلا و قضات فرانسه درود می‌فرستم. به‌قول آقای هانری لوکلرک «دادگستری فرانسه نشان داد که می‌تواند از کرنش دربرابر ملاحظات سیاسی پرهیز کند زیرا که کشور قانون و دموکراسی است».



به‌همین دلیل هم ما از هرگونه پیگرد و تحقیقات قانونی و محاکمهٔ عادلانهٔ قضایی نه فقط رویگردان نیستیم بلکه از آن به‌غایت استقبال می‌کنیم چون در فضای عادلانه و دموکراتیک قطعاً وجدانها و آرای بی‌طرف و افکار عمومی را در کنار خود داریم و خوشبختانه هیچ‌چیز برای مخفی کردن نداریم.

اجازه بدهید اضافه کنم که در لیست اتحادیهٔ اروپا تصریح شده است که ائتلاف شورای ملی مقاومت ایران، یک سازمان تروریستی نیست. برچسب تروریستی به سازمان مجاهدین خلق هم که یک کپی‌برداری از وزارت خارجهٔ آمریکا است، فقط و فقط برای استمالت از ملایان ابداع شده و سابقهٔ آن به ایران‌گیت برمی‌گردد و حالا دیگر پس از رفع هرگونه توهم آن هم توهم رفرم و میانه‌روی در ایران، ایران تحت حاکمیت ملایان این برچسب باید برداشته شود.

درحقیقت من فکر می‌کنم که این را برای اطلاع دولت فرانسه و شخص پرزیدنت شیراک هم ترجیح می‌دهم بگویم که برخی سرویسهای فرانسوی با اطلاعات غلط از جانب وزارت اطلاعات ملایان و عوامل آنها و مأموران نفوذی آنها که در این ایام خودشان را اعضای سابق مجاهدین معرفی می‌کنند، گمراه شدند. والا برای آمدن و تحقیق و بازرسی

احتیاج به این همه هلیکوپتر و کشتی و انفجار درب و پنجره و .... آنها برای چی؟ آنها فکر می‌کردند که در این‌جا همه مسلح هستند و یک درگیری مسلحانه بزرگ در پیش‌رو است اما این‌که با واقعیت خیلی فاصله داشت. حال این‌که شورای شهر، شورای شهر اور به‌درستی شهادت داده است که در دو دهۀ گذشته در مقر مقاومت ایران هیچ فعل و انفعال غیرقانونی وجود نداشته است. در هرحال از دولت فرانسه و شخص پرزیدنت شیراک خواهان تشکیل کمیسیون ویژه‌یی برای رسیدگی به‌این موضوع از ابتدا تا انتهای آن هستم.



پولهای این مقاومت با ۱۲۰هزار شهید، مطلقاً و تماماً متعلق به مردم ایران و هواداران این مقاومت است و حتی یک یورو و یک دلار از آن از هیچ دولت یا کشور و رژیم دیگری نیامده است. هرچند من از جزئیات خبر ندارم اما مطمئنم که مقاومت حساب هر سانتیم آن‌را پس خواهد داد و حساب تک‌تک دلارهای آن‌را برای مقامهای قانونی روشن خواهد کرد و شما خواهید دید که مقاومت ایران در این‌باره هم چیزی برای پنهان کردن ندارد و این پولها مخارج خانواده‌های شهیدان و فرزندانشان و هزینه‌های مطلقاً سیاسی و تبلیغاتی این مقاومت در چارچوب قانونی بوده. مردمی که در ایران برای آزادی وطنشان و مردمشان، ۱۲۰هزار اعدامی و نیم‌میلیون زندانی شکنجه‌شده را به‌جان می‌خرند و بهترین فرزندانشان را تقدیم این مقاومت می‌کنند، پولهایی صد برابر بیشتر از این را هم در حمایت از مقاومت نثار می‌کنند، کرده‌اند و خواهند کرد. این‌که این پولها از یک دولت عربی یا غیرعربی آمده باشد کذب محض است و این در دادگاه اثبات خواهد شد و کسانی که این ادعا را می‌کنند، باید ادعای خود را در دادگاه اثبات کنند.



حرفهایی که امروز در مورد تروریسم و بنیادگرایی با سوءاستفاده از نام اسلام و صدور تروریسم و بنیادگرایی زده می‌شود همان هایی است که ما نخستین بار از ۲۰ سال پیش در این‌جا می‌گفتیم و هشدار می‌دادیم که این رژیم آخوندی حاکم بر ایران است که منشأ صدور تروریسم و بنیادگرایی است و آن‌چه را ما از بیست سال پیش می‌گفتیم الان همه دارند به‌چشم می‌بینند. ما از روز اول گفتیم و حالا بازهم تکرارمی‌کنیم که به‌محض این‌که ملاها یک انتخابات آزاد را در ایران براساس حق حاکمیت مردم، و نه براساس حاکمیت ملایان بپذیرند، به‌شرط این‌که انتخابات تحت نظر ملل متحد باشد بلادرنگ آن‌را می‌پذیریم و دیگر مقاومت موضوعیتی ندارد. حالا بگویید تروریست کیست؟ رژیم حاکم بر ایران است یا این مقاومت؟ آیا کسانی که دکتر کاظم رجوی را در ژنو و محمدحسین نقدی را در رم و زهرا رجبی و علی مرادی را در استانبول و بختیار را در پاریس و قاسملو را در وین ترورکردند تروریست هستند یا ما؟ کدام یکی؟

چه کسانی در دهۀ هشتاد در خیابانها و فروشگاههای پاریس بمبگذاری می‌کردند؟ مگه همین آخوندها نبودند. چه کسانی فرانسویها را در بیروت گروگان می‌گرفتند؟ چه کسانی طی دو دهه به ۴۵۰ عملیات تروریستی در سرتاسر جهان تحت‌نام اسلام دست زدند و صدها ایرانی و غیرایرانی را ترور کردند؟ همین ملاها. پس چه‌کسی تروریست است؟



ما همیشه در طرف صلح و دموکراسی و ثبات و امنیت بوده‌ایم، ما هیچ‌گاه در اروپا و آمریکا و سایر کشورها دست به‌هیچ اقدام غیرقانونی نزده‌ایم و نخواهیم زد. پشتیبانان و هواداران مقاومت ایران و پناهندگان ایرانی در همهٔ کشورها فقط به‌اقدامهای قانونی و مسالمت‌آمیز دست زده‌اند و در آینده هم همین‌طور خواهد بود. تأکید می‌کنم که از تحقیقات پلیس و همهٔ ارگانهای مسئول استقبال می‌کنیم. از دادگاه هم استقبال می‌کنیم، مقاومت ایران هیچ خطری برای امنیت فرانسه و منافع ملی فرانسه نبوده، نیست و نخواهد بود. اگر ما را باور می‌کنید، چنان‌که از ۲۰سال پیش گفته‌ایم، خطر در بنیادگرایی و صدور تروریسم از سوی ملایان حاکم بر ایران است. آری خطر از سوی ملایان حاکم بر ایران است و نه مقاومت ایران.

آخرین نکته‌یی که می‌خواهم بگویم تقدیر از همبستگی ملی ایرانیان در این جریان است که چه در داخل ایران و چه در خارج ایران و همهٔ احزاب و گروهها و شخصیتها حتی گروهها و احزاب و شخصیتهایی که خارج از شورای ملی مقاومت ایران هستند، همبستگی که همه اینها آن‌را به‌نمایش گذاشتند. این نشان از آگاهی و اراده و شعور ملی همهٔ پناهندگان سیاسی ایران دارد و در عین‌حال نویدبخش پیروزی ماست.

بله با ارج‌گذاری به این همبستگی باید گفت که، آزادی و انسانیت در ایران اسیر هم قطعاً پیروز می‌شود.

همبستگی ملی ما نشان از همین دارد.

شنیدم که شما یک شب را در این‌جا شب‌زنده‌داری و دعا داشتید. کاش من هم با شما بودم به‌یاد شهیدانمان و با بزرگداشت عواطف سرشار همسایگانمان بسیار خوب در این‌جا و حضور همهٔ مردم اور و با الهام از مریم عذرا و عیسی مسیح اضافه می‌کنم که بهترین

لحظات انسانی و خوشبخت‌ترین لحظات انسان، لحظهٔ بخشش است.

با تقدیر و تشکر مجدد از تک‌تک شما و از مردم اور و افکار عمومی فرانسه و همهٔ احزاب و شخصیتهایی که ما را حمایت کردند.





پیام تهنیت
در روز آزادی رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت
مسعود رجوی- ۱۲ تیر ۱۳۸۲



هموطنان عزیز،

سلام به‌همهٔ شما. به‌جگرهای سوخته و لبهای تشنه و بدنهای فرسوده و گرسنه در اعتصاب غذای ۱۷ روزه.

سلام به‌عشقهای فروزان و شعله‌ور برای آزادی، برای مریم رهایی و برای درهم شکستن توطئه و زدوبند رژیم ضدبشری آخوندی.

سلام به‌شب‌زنده‌داران و نیایشگران در ۲۰ شهر جهان.

سلام بر اشکها و لبخندهایتان، بر غم جانکاهی که شما را در این ایام فراگرفته بود و بر فوران شگرف شادیهایتان در لحظهٔ اعلام و شنیدن خبر آزادی رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت.

لحظه‌یی که از شکوهمندترین لحظه‌های تاریخ مقاومت مردم ایران در برابر رژیم آخوندی است.

لحظه‌یی که تاروپود، بودونبود و عطش سوزان ایران و ایرانی برای آزادی را در انظار جهانیان به‌نمایش گذاشت.

در بسیاری خیابانهای تهران اتومبیلها چراغهایشان را روشن کرده‌اند. بوقها به‌صدا درآمد و دانشجویان خروشیدند که: «مریم بیا ـ تهران بیا». درهمین اثنا، دستهایی دیگر بار، بردیوارها نوشتند: «مجاهدین بی‌سلاح ـ قلب ما سلاحتان».

در این ایام مردم و شورای شهر و شهردار اورسوراواز با صمیمیت و مهربانی بسیار، در

همهٔ لحظات، با مریم و مجاهدین و مقاومت و مردم ایران بودند و عواطف انسانی آنها مانند رود کنار شهرشان بی‌انقطاع جریان داشت. می‌گویند که خانه‌ها و امکانات خود را در اختیار گذاشته بودند. با مقاومت ایران گریستند و شب‌زنده‌داری کردند و با مقاومت، در آزادی مریم به‌شادی و پایکوبی برخاستند. آنان ارزشهای آرمانی فرانسه، مهد آزادی و حقوق بشر را در تمامیتش، به‌نمایش گذاشتند.

خانم میتران بلادرنگ به اقامتگاه رئیس‌جمهور برگزیده و سمبل مقاومت و آزادی ایران شتافت و اسف و اندوه خود را از این‌که او را در آن‌جا نمی‌یابد، ابراز کرد و متعاقباً در یک کنفرانس مطبوعاتی به‌نافذترین صورت به‌اتهامهای ساخته و پرداختهٔ رژیم آخوندی علیه مجاهدین و مقاومت ایران از قبیل سکتاریسم و تروریسم و شخصیت‌پرستی پاسخ گفت.

همزمان، مردان کلیسا و نمایندگان مجالس و سناتورها و شخصیتهای سیاسی و مدافعان نامدار حقوق بشر در کشورهای مختلف جهان به‌پا خاستند.

همبستگی ملی ایرانیان در خارج کشور هم یک‌بار دیگر اوج گرفت. تقریباً همهٔ گروهها و سازمانها و شخصیتهای سیاسی، به‌استثنای عوامل و همدستان رژیم، یکسو و یکپارچه، صرفنظر از هر اختلاف سیاسی با مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران، به‌اعتراض پرداختند.

در این جریان و در این ایام، من تلاش کردم که با حداکثر خویشتنداری، کلمه‌یی و عبارتی نگویم که این اعتراضهای برحق و مقدس بالا و بالاتر بگیرد. می‌ترسیدم که حتی با یک کلمه و یک عبارت، بغض فروخفته در هزاران و هزاران تن از هموطنانمان و مجاهدان آزادی‌ستان مشتعل و منفجر گردد و دیگر نتوان کسی را کنترل کرد.

بدون هیچ مبالغه، از صدها خودسوزی دیگر با پیام مریم، و با خواهش و التماس و استدعا از راه دور و از نزدیک، هم مستقیم و هم غیرمستقیم، ممانعت گردید و از مسئولان سازمان مجاهدین که در این خصوص به‌غایت همکاری و تفاهم داشتند، سپاسگزارم.

یک شب آتش در نیستانی فتاد
سوخت چون عشقی که بر جانی فتاد
شعله تا سرگرم کار خویش شد
هر نی‌یی شمع مزار خویش شد

به‌راستی آنان وجود خود را به‌شمعهای فروزان آزادی و مشعلهای جاودان مقاومت و تاریخ این میهن تبدیل کردند.

سلام بر «ذبح عظیم» ملت ایران در آستان فرشتهٔ آزادی که خلق اسیرمان از یکصد سال پیش سر به‌پایش نهاده است. آزادی، خجسته آزادی ....

از آن‌سو، آخوند خاتمی متقاضی استرداد مریم بود و کیسه‌ها دوخته بود. کسی که در مقام وزیر تبلیغات خمینی در جنگ ۸ ساله افتخار می‌کرد که رژیمش ۴۵۰ هزار

دانش‌آموز را در پتو پیچیده و به میدانهای مین فرستاده است، عجبا که اکنون از طریق سخنگویان و مزدوران معلوم‌الحالش مدعی شد که خودسوزیها در کشورهای مختلف جهان «سازمان‌یافته» و «با دستور» بوده است!

بیچاره، تفاوت سازمان و آرمان را بو نکرده و از آن‌جا که هیچ‌گاه در تمامی عمرش حتی آتش یک سیگار را بر پشت دست خود هم حس نکرده است، نمی‌داند که برخی امور از اساس با دستور و با سازمان‌یافتگی عملی نیستند. اگر غیر از این بود، آخوندها قبل از هرکس برای حفظ خود و رژیمشان به‌صدور دستورات لازم روی می‌آوردند و نیازی به‌داعیهٔ کاذب اصلاحات و هم‌چنین این همه فغان و فریاد علیه مجاهدین و مقاومت ایران نبود.

رژیم برای چند روز در پوست خود نگنجید و برای یکصدمین و هزارمین بار از پایان مجاهدین و جنبش مقاومت ایران خبر داد و بار دیگر ثابت شد که به‌رغم همهٔ یاوه‌گوییهایش درمورد ناچیز شمردن «گروهگ تروریستی» خطر اصلی را از همین بابت از تنها جایگزین میهنی و دموکراتیک می‌داند و الا چه نیازی به این همه تشبثات داخلی و منطقه‌یی و بین‌المللی علیه «یک سکت خلع سلاح‌شده و مطرود» بود؟!

راستی این بسیج دروغپردازی و «شیطان‌سازی» از مجاهدین و «ترور شخصیت» برای چیست و چه کسی غیر از رژیم و مأموران اطلاعات آخوندها در پشت آنست؟

رژیم در چه شرایطی است و با چه خطر مبرمی روبه‌روست که این‌چنین بقای خود را در فنای مقاومت ایران می‌بیند؟

ارتباط این قضایا با افشای تسلیحات کشتارجمعی رژیم آخوندی از سوی مقاومت و با موج اعتراضات برحق دانشجویان و مردم آزادهٔ ایران چیست؟

به‌نظر می‌رسد که آخوندها تنها راه برون‌رفت خود را از تنگنای داخلی و تنگنای بین‌المللی در انهدام این مقاومت یافته‌اند.

با قدردانی از همهٔ هموطنان و پشتیبانان مقاومت ایران و سپاس از خانواده‌های شهیدان و همهٔ شخصیتها و جریانهای سیاسی که اعلام همبستگی نمودند، یک‌بار دیگر تأکید می‌کنم که برخلاف اقدامات تروریستی و جاسوسی رژیم آخوندی، حضور و فعالیت پناهندگان سیاسی ایران در کشورهای مختلف جهان طی ۲۲ سال گذشته، صرفاً یک فعالیت مسالمت‌آمیز در چارچوب قوانین و ضوابط این کشورها بوده است و در آینده هم چنین خواهد بود.

با ایقان به‌پیروزی نهایی ملت ایران، با بزرگداشت خاطرهٔ شهیدان و با درود به‌همهٔ عزیزانی که در کشورهای مختلف جهان درد و رنج اعتصاب جانکاه را تحمل کردند.

مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت ایران ــ ۱۲ تیرماه ۱۳۸۲

فصـــل هفتم

فرجام عبرت انگیز

فرجام عبرت انگیز

در روز ۲۶ خرداد ۱۳۸۶، در چهارمین سالگرد ۱۷ ژوئن، ژاک شیراک کاخ الیزه را پس از ۱۲ سال ترک کرد و عهدش به‌پایان رسید. با کنار رفتن شیراک و نخست‌وزیرش دوویلپن، رژیم آخوندها متحد اصلی خود در اروپا را از دست داد.

سخنرانی نوروزی مریم رجوی



«در سال ۸۶، رژیم آخوندی از ۶ جهت در برابر تغییرات جدی قرار گرفت، از بابت ریزش و انقباض درونی، از بابت تحریمهای اقتصادی و قطعنامه‌های بین‌المللی، از بابت

لیست‌گذاری تروریستی و کشتارجمعی، از بابت بن‌بست در عراق، از بابت سیاست اروپایی و از دور خارج شدن یک متحد کلیدی مثل آقای شیراک و چرخش اخیر اتحادیهٔ اروپا در مورد انتخابات در ایران و سرانجام از بابت موقعیت و پیشرفتهای مقاومت در داخل و خارج کشور....

اما در جبههٔ مردم و مقاومت و در جبههٔ آزادیخواهان و مجاهدان آزادی، گفتم که سال ۸۶، سال پیشرفت و اعتلا بود. به‌نحوی که امروز می‌توان گفت که بزرگترین پروژهٔ ارتجاعی و استعماری برای حفظ رژیم و انهدام مقاومت مردم ایران، از هم پاشیده شد».

فرجام عبرت‌انگیز پرونده‌سازان ۱۷ ژوئن

دو روز بعد از کنار رفتن شیراک آلن ژوپه، نخست‌وزیر سابق او از بازپرسی قریب‌الوقوع شیراک در دادگاه خبر داد.

روز ۳ تیر۸۶، روزنامهٔ پاریزین چاپ پاریس نوشت: ژاک شیراک در کادر پروندهٔ مشاغل جعلی شهرداری پاریس، توسط قاضی نانتر، احضار شده است. روزنامهٔ لیبراسیون در روز پنجشنبه ۲۸ تیر نوشت: ژاک شیراک در رابطه با پروندهٔ شغلهای جعلی حزب سابقش، توسط یک قاضی مورد بازپرسی قرار گرفت.

روز ۳۰ تیر ۸۶ تلویزیون ب.اف.ام. طی گزارشی از بازپرسی ژاک شیراک، گفت: «در تاریخ جمهوری پنجم، این اولین باری است که یک رئیس‌جمهورِ سابق توسط یک قاضی مورد بازپرسی قرار می‌گیرد». مانوئل والس نمایندهٔ مجلس فرانسه از حزب سوسیالیست گفت: «اگر وی (مورد بازپرسی) قرار نمی‌گرفت، این امری غیرعادی محسوب می‌شد».

روزنامهٔ فیگارو در ۳۰ تیر ۸۶ نوشت: «در او.ام.پ. - حزب حاکم فرانسه- هیچ‌کس به‌خاطر مورد بازپرسی قرار گرفتن شیراک متأثر نشد....سالهای شیراک به پایان رسیده و از هم اکنون فراموش شده‌اند.....روز پنجشنبه او.ام.پ. در سکوت به سر می‌برد. البته این امر برای حزبی که از خیلی وقت پیش از بنیان‌گذارِ خودش فاصله گرفته، تعجب‌برانگیز نیست». کلود گواسگن Claude Goasguen نمایندهٔ پاریس در مجلس از حزب او.ام.پ.، گفت: «رئیس‌جمهورِ سابق، یک شهروند مانند دیگران است».

فیگارو افزود: از روز ۱۶ می، ژاک شیراک به‌ندرت در انظار عموم ظاهر شده است، طبعاً گذراندن دوران کنونی برای شیراک.....دشوار است. دوستان دیروز، به جز موارد استثنایی، از وی فاصله می‌گیرند».

تلویزیون ای-تله فرانسه در روز اول آذر ۱۳۸۶ گزارش داد: «سالها بود که ژاک شیراک دست نیافتنی به نظر می رسید؛ اما ساعت ۱۲ و ۲۰دقیقهٔ (چهارشنبه)، وکیل ژاک

شیراک از شعبهٔ مالی خارج می‌شود و برای اولین بار در فرانسه، موضوعی را در مورد یک رئیس‌جمهور سابق، اعلام می‌کند. «بازپرسی ساعت ۸ و نیم صبح شروع شد و در پایان این بازپرسی آقای ژاک شیراک به جرم اختلاس اموال عمومی، تحت پیگرد قرار گرفت».

روزنامهٔ فرانسوی دیرِکت سوآر Direct Soir در صفحهٔ اول خود با درج تصویری از شیراک، نوشت: « ژاک شیراک تحت تعقیب قرار گرفت».



ژاک شیراک تحت تعقیب قرار گرفت

پیش از این روزنامهٔ دیلی تلگراف در شمارهٔ پنجم خرداد ۸۶ خود نوشته بود: مقامهایی که بر سر پروندهٔ موسوم به کلیراستریم Clearstream تحقیق می‌کنند، به مدارکی از سرویسهای مخفی دست یافته‌اند که نشان می‌دهد ژاک شیراک، حدود ۴۵میلیون یورو را به‌طور مخفی در ژاپن نگهداری می‌کرده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه در ۱۴شهریور ۸۶، کلود شیراک دختر ژاک شیراک رئیس‌جمهور سابق فرانسه نیز به‌خاطر فساد مالی دوران تصدی پدرش به‌عنوان شهردار پاریس تحت بازپرسی قرار گرفته است.

یک قاضی فرانسوی از پلیس ضدکلاهبرداری خواست تا به‌عنوان بخشی از بررسی اتهام کلاهبرداری مالی حزبی از دختر شیراک بازجویی کند. او که ۴۴ساله می‌باشد به‌عنوان مشاور ارتباطی پدرش در شهرداری پاریس عمل می‌کرد.

خبرگزاری فرانسه در روز ۶ شهریور۱۳۸۶، با اشاره به اظهارات سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه مبنی بر این‌که این کشور مصمم است اجازه ندهد رژیم ایران به سلاح هسته یی

دست یابد، تأکید کرد: این اظهارات مغایر مواضع ژاک شیراک می‌باشد که در ماه فوریه طی مصاحبه‌یی گفت یک ایران مسلح به سلاح اتمی ممکن است اجتناب‌ناپذیر باشد و موجب بهت و حیرت در پایتختهای غربی که خط سرسختانه یی علیه تهران دارند، گردید.

در روز ۸ آبان ۸۸ نیز ژاک شیراک رئیس‌جمهور پیشین فرانسه و معامله گر اصلی با رژیم ضدبشری آخوندی، به دادگاه احضار شد. احضار توسط یک قاضی فرانسوی به اتهام سوءاستفاده از اموال عمومی صورت گرفت.





این حکم قضایی، به مهمترین خبر فرانسه و یکی از مهم‌ترین خبرهای مهم اروپا تبدیل شد. چرا که درتاریخ فرانسه این نخستین بار است که یک رئیس‌جمهور پیشین، به دادگاه احضارمی شود.

سه روز پیش از آن نیز شارل پاسکوا وزیرکشور شیراک، به‌خاطر شراکت در معامله قاچاق سلاح به یک کشور آفریقایی، به یک سال زندان قطعی و ۱۰۰ هزار یورو جریمه نقدی محکوم شد.[۱۳]

غرامت، فضاحت و آمادگی برای محاکمه

سرانجام در تاریخ ۱۶ شهریور ۱۳۸۹روزنامهٔ فیگارو نوشت:

۱۳-تلویزیون بی.بی.سی. جهانی-۷ آبان ۱۳۸۸

«دفتر سیاسی حزب او. ام. پ. امشب یک جلسه خواهد داشت و در این جلسه توافق حاصل شده میان وکیلان ژاک شیراک و شهرداری پاریس مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بر اساس این توافق قرار شده است که در چارچوب پروندهٔ «شغلهای پوشالی» در شهرداری پاریس در دوران صدارت ژاک شیراک مبلغ ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار یورو به شهرداری پاریس غرامت پرداخت بشود. یک میلیون و ۶۵۰ هزار یورو از این مبلغ توسط حزب او. ام. پ. پرداخت خواهد شد. (مابقی توسط شخص شیراک پرداخت خواهد شد).



خبرگزاری ایلنا نیز در ۳۱ شهریور ۱۳۸۹ اعلام کرد: «ژاک شیراک سال آیندهٔ میلادی در فرانسه به اتهام اختلاس محاکمه می‌شود اتهامی که در صورت اثبات می‌تواند وی را با ۱۰ سال حبس و ۲۰۰ هزار دلار جریمه نقدی روبه‌رو کند».



چنین سرنوشتی برای دولتمردان یک کشور بزرگ عبرت‌انگیز است، اما همیشه عبرت‌انگیزترین بخش سرنوشت، آن است که در تاریخ به نام یا به ننگ ثبت می‌شود و مورد قضاوت قرار می‌گیرد. یک نمونه از این قضاوتها را می‌بینیم:

فرانسوا کلکومبه ، بنیانگذارسندیکای قضات فرانسه ـ کنفرانس در مجلس ملی فرانسه ۳ اسفند ۹۱:

«یک نخست‌وزیر سابق، در حالی خبر حمله ۲۰۰۳ را می‌داد که در کشور شما قراردادی را به امضا می‌رساند و برحسب تصادف همین نخست‌وزیر در حال حاضر مشغول تجارت است، تعجب می‌کنیم که چطور در کشورهای غربی، سیاست‌مردانی که مواضع سیاسی مهمی داشتند – چه راست و چه چپ – هنگامی که بازنشسته می‌شوند، از آشناییهایی که دارند برای معامله استفاده می‌کنند، به‌جای این‌که از ارزشهایی دفاع کنند، که هنگامی که در دولت بودند دفاع می‌کردند.

من شوکه شدم، هنگامی که به این افراد نزدیک شدم و از آنها برای پرونده شما یا پرونده‌های دیگر کمک خواستم و در پاسخ می‌گفتند به دستیارم مراجعه کن و دستیارش هم می‌گفت قیمت این کار آن‌قدر است. یعنی برای حمایتهای خودشان قیمت می‌گذاشتند، این یک افتضاح است».

اما در مورد ژان لویی بروگیر، ژورنال دو دیمانش در ۲ سپتامبر ۲۰۰۷ تحت عنوان «در سایه آدمیرال» که شهرت طعنه‌آمیز بروگیر در محافل دادگستری بود نوشت :

در سالهای اخیر ستاره آدمیرال به‌صورت عجیبی رنگ باخته است. امروز، چندین مقام قضایی و پلیس به‌صورت ناشناس به پرونده‌هایی اشاره می‌کنند که راکد مانده‌اند. پرونده هایی که گاه به‌جایرآن‌که روی آنها براساس نتایج تحقیقات عمل شود، براساس دستورالعمل اقدام شده است و اصلاً قابل جمع‌وجور کردن نیستند، مانند پروندهٔ سیل‌آسای مجاهدین خلق ایران. یک مسئول پلیس که تنش به تن بروگیر خورده است، این حکم بی‌فرجام را در مورد او صادر می‌کند که: «بروگیر به‌لحاظ انسانی نفرت‌انگیز است و به‌لحاظ حرفه‌یی می‌توان کارش را زیر علامت سؤال برد. الان که وی رفته است، اوضاع تنها می‌تواند بهتر از این بشود. شاید از این پس عملیات کمتری داشته باشیم که فقط به‌خاطر نشان دادن ضرب‌شستهای مطبوعاتی در مورد انجام آنها تصمیم‌گیری شده باشد».

ژورنال دودیمانش افزود: یک فرد کارکشتهٔ سرویسهای اطلاعاتی می‌گوید که «بروگیر به‌مدت طولانی مبارزه ضدتروریستی را به‌لحاظ مطبوعاتی به فروش گذاشت، در حالی‌که همزمان همکاران او در حال تحقیق روی پرونده‌ها بودند. ولی امروز سیستم با او یا بدون او بهتر کار می‌کند».

رادیو فرانس انفو در ۲۸ نوامبر ۲۰۰۷ اعلام کرد:

ژان لویی بروگیر تحت فشار قرار می گیرد- روز چهارشنبه قاضی سابق ضدتروریستی، ژان لویی بروگیر که به‌عنوان شاهد در دادگاه ایوان کولونا[۱۴] شرکت کرده بود، تحت فشار قرار

۱۴-جدایی‌طلب کورس متهم به قتل استاندار اریناک

گرفت. وکلای مدافع شیوه‌ها و نحوهٔ اداره تحقیقات توسط بروگیر در باره قتل استاندار کورس در سال ۱۹۹۸ را افشا کردند.



4/ Société

Justice. La difficile succession de Jean-Louis Bruguière, pionnier de l'antiterrorisme

Dans l'ombre de « l'amiral »

ژورنال دو دیمانش -۲سپتامبر۲۰۰۷

در حین سؤال و جواب از ژان لویی بروگیر او ناگهان لحن خود را بالا برد و پرسید: «آیا می‌خواهید بگویید که قصد سوءاستفاده از آدمها وجود داشته است؟» اما وکیل سولاکارو او را به سکوت فراخواند و گفت: «اینجا من هستم که سؤال می‌کنم و شما فقط به آن جواب می‌دهید».



چندی بعد مجدداً لحن گفتگو میان بروگیر و وکیل سولاکارو شدید شد و وکیل به حالت اختتامیه به بروگیر گفت: «پاسخ دادن به سؤالات مشکله، هان، آقای بازپرس؟ سؤال کردن راحت‌تر از پاسخ دادن است، نه؟ اما ما سؤالها را به‌طور علنی مطرح می‌کنیم نه در خفای اتاق یک اداره!» ....

روزنامهٔ لیبراسیون در ۲۴ اوت ۲۰۱۰ تحت عنوان «کلانتر و غلافش» به قلم پاتریسیا تورانشو دربارهٔ بازپرس بروگیر نوشت:

فرود در شعله – این بازپرس که عنوان خودخواندهٔ «وحشت تروریستها» را بر خود گذاشته بود، به مضحکه نزدیک شد و متعاقباً در تلاشش برای کسب کرسی پارلمان شکست خورد.

لیبراسیون در این مقاله می‌نویسد: «این بازپرسِ معتاد به ژئوپلتیک و دیپلماسی، تصور می‌کرد که باید پست سفیر فرانسه یا ریاست ضدجاسوسی فرانسه به او واگذار شود.... اما احزاب راست که در انتخابات پیروز شدند حاضر نشدند، نه پست ضدجاسوسی، نه ژاندارمری، و نه حتی پست دادستانی شهر نانتر را به بروگیر بدهند».

لیبراسون در ادامه این مقاله با تأکید بر «رسواییها» و اقدامات «انزجارآمیز» ژان لویی بروگیر، می‌نویسد: «عدم اشراف به پرونده‌ها، دست باز به خود دادن در پرسدورها، کندی در رسیدگیها، از شیوه‌های اوست که همواره مورد انتقاد قرار می‌گیرد».

یک قاضی فرانسوی درمورد بروگیر، می‌گوید او همواره نسبت به طرفداران حقوق بشر نفرت دارد.

لیبراسیون در ادامه می‌نویسد : «کلانتر ما که در سالهای آغاز قرنِ بیست و یکم اعتبار خود را از دست داده بود، با سوءقصدهای القاعده در نیویورک مجدداً به صحنهٔ بین‌المللی پرید و تمایل دارد که همیشه خودش را هم‌صحبت بزرگان قلمداد کند. اما سرانجام او در تلاشش برای کسب کرسی پارلمان شکست خورد، هرچند مثل همیشه به روی خود نیاورد و گفت: "من با شرایط بسیار سخت‌تری هم روبرو بوده‌ام، مثلاً در سال ۱۹۸۹ در کشور چاد شلیک تیرها نزدیک بود به من اصابت کنند...."».



Libération

Le portrait

Jean-Louis Bruguière, le shérif et son holster

Descente en flammes. Autoproclamé terreur des terroristes, le juge a frôlé le ridicule avant d'échouer à la députation UMP.

par Patricia Tourancheau

publié le 24 août 2010 à 0h00

Par sa folie des grandeurs, ses airs faussement mystérieux, sa pipe façon Maigret, son .357 Magnum ostensible, ses méthodes à la hussarde, sa fascination pour les services secrets et les chefs d'Etats, sa radinerie maladive et son incroyable mégalomanie, la prétendue «terreur des terroristes» Jean-Louis Bruguière a fini par me débecqueter.

Dès notre première rencontre en 1991, le juge cow-boy m'a fait «le coup du holster», écartant un pan de veston pour bien montrer son revolver, m'a déshabillée d'un regard de maquignon et baladée sur l'attentat en 1989 du DC10 d'UTA (170 morts). Il en met alors plein la vue, fait la *cover* du *Point* et vient de reconstituer l'avion. Incroyable, 15 tonnes de débris du Boeing ramassés dans le désert du Ténéré, au Niger, et réassemblés dans un hangar du Bourget. Ainsi, le juge localise l'embarquement de la valise piégée à Brazzaville (Congo) et remonte la piste jusqu'en Libye. Exit la Syrie suspectée au départ. Le juge a décidé de guerroyer avec un adversaire à sa hauteur, un *«chef d'Etat terroriste»*, le colonel Kadhafi. Encensé par les familles des victimes, le juge Bruguière pète les plombs en 1992 lorsqu'il essaie de se rendre à Tripoli à bord d'un Aviso de la Marine nationale, bardé d'Exocet et de missiles. Abordage raté. Enquête sabordée. Mais «l'Amiral» a montré au Quai d'Orsay, à l'ONU et à l'Etat français qu'il faut compter avec lui.

روزنامه لیبراسیون -۲۴اوت ۲۰۱۰

در ماه می ۲۰۱۱ یک رسوایی دیگر از رسواییهای بروگیر در فرانسه فاش شد: روزنامهٔ پاریزین شماره ۱۶می۲۰۱۱ [۱۵] تحت عنوان «بازپرس بروگیر در سیخ کباب» در بارهٔ یک رسوایی جدید برای بازپرس بروگیر، به نقش وی در منحرف کردن پروندهٔ جنجالی قتل ۱۱ فرانسوی را در جریان یک حمله تروریستی در کراچی پاکستان مطرح کرد. در این پرونده، شیراک و دولتش متهم هستند که به‌خاطر تقلب در یک معاملهٔ

۱۵-۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰

تسلیحاتی با دلالان سلاح و سرویسهای پاکستان، باعث شده‌اند تروریستها به یک کارخانه کشتی‌سازی در کراچی حمله کرده و ۱۱ مهندس فرانسوی را به‌قتل برسانند.

در این رابطه خانواده‌های مهندسان فرانسوی علیه مسئولان دولت شیراک شکایت کرده‌اند و پروندهٔ پرسروصدایی در دادگستری فرانسه تشکیل شده است. اتهام جدید مطرح شده در مورد بروگیر این است که وی با انحراف این پرونده به سمت دیگری، تلاش کرده تا دولت شیراک را در ببرد.

پاریزین می نویسد: «قاضی ضدتروریست مارک ترویدیک که اکنون مسئول تحقیقات درباره سوءقصد کراچی می‌باشد سوءقصدی که در ۸مه ۲۰۰۲ موجب مرگ ۱۴تن بویژه ۱۱ مهندس فرانسوی در کارخانهٔ کشتی‌سازی فرانسه شد، قرار است امروز از کسی استماع کند که قبلاً اختیار این پرونده در دستش بوده است: همکار سابقش: ژان لویی بروگیر. انتظار می‌رود رویارویی بین دو قاضی تحقیق همراه با تنش باشد.

به درخواست ژیل سانسون، یکی از بازماندگان انفجار، قرار است یک سؤال خیلی دست و پا گیر از ژان لویی بروگیر پرسیده شود. این سؤال در چند کلمه خلاصه می‌شود: چه داده‌هایی به بازپرس (بروگیر) اجازه داد که در آن زمان بگوید این سوء قصد کار القاعده بوده است؟....

پاریزین در ادامه زیرعنوان «او ممکن است از منافع سیاسی حفاظت کرده باشد»، می‌نویسد:


Le juge Bruguière sur le gril

«طرح این سؤال از بروگیر، دوچندان دست‌وپا گیر شده است زیرا از زمانی‌که تحقیقات بوسیله مارک ترویدیک به پیش برده می‌شود، می‌دانیم که باید عاملین این کشتار را در طرف سرویسهای اطلاعاتی پاکستان دنبال کرد.

در آن زمان به مناسبت جلسه‌یی میان طرفهای شاکی خصوصی و ژان لویی بروگیر که مسئول تحقیقات بود، ژیل سانسون این سؤال را از قاضی پرسید: «آیا شما می‌توانید تأئید کنید که سوءقصد کار یک انتحاری بوده است؟» بروگیر جواب داد: « بله من یقین دارم.»

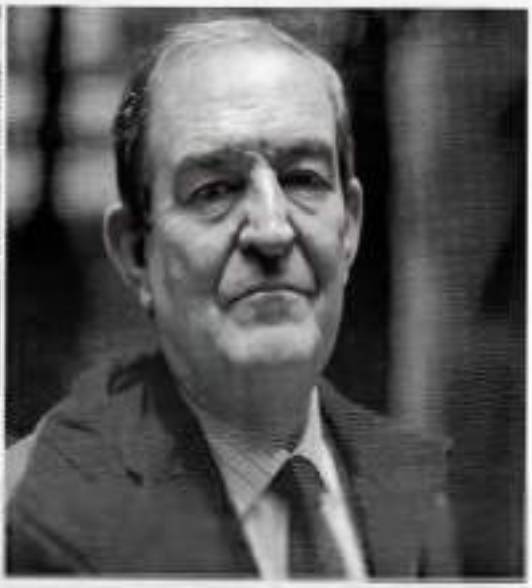
le Parisien Hauts-de-Seine

Le juge Bruguière sur le gril

ATTENTAT DE KARACHI. L'ancien magistrat antiterroriste a-t-il orienté l'enquête au début vers une fausse piste ? Son collègue Marc Trévidic, chargé du dossier aujourd'hui, pourrait lui poser la question.

Chargé de l'enquête sur l'attentat de Karachi qui, le 8 mai 2002, causa la mort de 14 personnes, dont 11 ingénieurs français de la Direction des constructions navales (DCN), le juge antiterroriste Marc Trévidic doit entendre, aujourd'hui, celui qui supervisa juste ce même dossier : son ancien collègue Jean-Louis Bruguière. Le face-à-face entre les deux magistrats promet d'être tendu. A l'initiative de Gilles Sanson, un des survivants de l'explosion, une question fort gênante devrait notamment être posée à Jean-Louis Bruguière. Elle se résume en quelques mots : quels éléments ont permis au magistrat d'affirmer, à l'époque, que cet attentat était l'œuvre d'Al-Qaïda ?





Le juge antiterroriste Marc Trévidic (ci-dessus), chargé de l'enquête sur l'attentat de Karachi, doit entendre Jean-Louis Bruguière (à droite).

Il pourrait protéger des intérêts politiques

Une interrogation d'autant plus embarrassante que l'on sait, depuis les [illegible] que Jean-Louis Bruguière a été [illegible] de Balladur et de [illegible] de la campagne présidentielle de 1995, et qu'il a [illegible] à l'époque, que cet attentat était l'œuvre d'Al-Qaïda ?

« A Karachi, certains collègues ont eu des membres arrachés »

GILLES SANSON ■ survivant de l'attentat du 8 mai 2002

[illegible]

Le Parisien

Le juge Bruguière sur le gril

L'ancien magistrat antiterroriste a-t-il orienté l'enquête au début vers une fausse piste ? Son collègue Marc Trévidic, chargé du dossier aujourd'hui, pourrait lui poser la question.

Par

Chargé de l'enquête sur l'attentat de Karachi qui, le 8 mai 2002, causa la mort de 14 personnes dont 11 ingénieurs français de la Direction des constructions navales (DCN), le juge antiterroriste Marc Trévidic doit entendre, aujourd'hui, celui qui supervisa jadis ce même dossier : son ancien collègue Jean-Louis Bruguière. Le face-à-face entre les deux magistrats promet d'être tendu. A l'initiative de Gilles Sanson, un des survivants de l'explosion, une question fort gênante devrait notamment être posée à Jean-Louis Bruguière. Elle se résume en quelques mots : quels éléments ont permis au magistrat d'affirmer, à l'époque, que cet attentat était l'Å?uvre d'Al-Qaïda?

Il pourrait protéger des intérêts politiques

Une interrogation d'autant plus embarrassante que l'on sait, depuis les investigations menées par Marc Trévidic, que c'est plutôt du côté des services secrets pakistanais qu'il faut chercher les auteurs du carnage. A l'occasion d'une réunion entre les parties civiles et Jean-Louis Bruguière, alors chargé de l'enquête, Gilles Sanson avait posé la question au juge : « Pouvez-vous confirmer que l'auteur de l'attentat était bien un kamikaze? » Réponse de Bruguière : « Oui, j'en suis certain. » Dans la salle des criées du tribunal de Paris où se tient la réunion, personne ne pipe mot. Ni les représentants de la DCN, ni les survivants, ni les veuves des victimes. « Pour nous, Bruguière est alors une figure de l'antiterrorisme, quelqu'un sur lequel on peut s'appuyer », se souvient Gilles Sanson. Une réputation écornée aujourd'hui. Son successeur, qui a abandonné la piste d'Al-Qaïda, explore désormais l'hypothèse d'un lien entre l'attentat et la décision, prise par le président Jacques Chirac, en 1995, de mettre fin au versement de commissions occultes en marge de contrats d'armement passés par la France avec le Pakistan.

« Je voudrais que le juge Trévidic interroge le juge Bruguière sur les raisons qu'il avait d'être aussi certain, écrit Gilles Sanson dans une lettre transmise à Marc Trévidic mardi dernier. Si c'est nécessaire, je suis prêt à être entendu. » Véritable pavé dans la mare, la question posée par Gilles Sanson revient à demander si, au nom de la « raison d'Etat », le juge Bruguière n'a pas cherché à protéger certains intérêts politiques français. En mars 2007, le magistrat s'était présenté aux élections législatives, dans le Lot-et-Garonne, sous l'étiquette UMP. Il avait été battu.

در اتاق دادگاه پاریس، جایی که این جلسه برگزار شد، هیچ‌کس حرفی نزد. نه نمایندگان کارخانه کشتی‌سازی، نه بازماندگان، نه بیوه‌های قربانیان.


Le Parisien

Le juge Bruguière sur le gril

Par

Une interrogation d'autant plus embarrassante que l'on sait, depuis les investigations menées par Marc Trévidic, que c'est plutôt du côté des services secrets pakistanais qu'il faut chercher les auteurs du carnage. A l'occasion d'une réunion entre les parties civiles et Jean-Louis Bruguière, alors chargé de l'enquête, Gilles Sanson avait posé la

ژیل سانسون به‌یاد می‌آورد و می‌گوید:« در آن زمان بروگیر برای ما چهرهٔ ضدتروریسم بود که می‌توانستیم روی آن تکیه کنیم.» شهرتی که اکنون خدشه‌دار شده است.

جانشین بروگیر (قاضی مارک ترویدیک) که سرنخ القاعده را کنار گذاشته است، اکنون دنبال ارتباط میان سوءقصد و تصمیم رئیس‌جمهور ژاک شیراک در سال ۱۹۹۵ می‌باشد، زمانی‌که او خواهان خاتمه دادن به پرداخت رشوه‌های نامرئی در حاشیه انعقاد قرارداد تسلیحاتی بین فرانسه و پاکستان شد.

روز سه‌شنبه ژیل سانسون در نامه‌یی به مارک ترویدیک نوشت: «می‌خواهم قاضی ترویدیک از بروگیر بپرسد چه دلایلی داشته است که اینقدر مطمئن باشد؟ اگر ضروری است حاضرم در این رابطه مورد استماع قرار بگیرم».

سؤال مطرح شده توسط ژیل سانسون به معنی این سؤال است که آیا بروگیر به دلیل "ملاحظهٔ حکومتی"در پی حفاظت از بعضی منافع سیاسی فرانسوی بوده است؟».

در ماه مارس ۲۰۰۷ بروگیر در انتخابات مجلس در لوتگارن از طرف حزب او. ام. پ. شرکت کرد اما شکست خورد.

لوموند در تاریخ ۱۷می ۲۰۱۱ در بارهٔ روش قضاوت بروگیر نوشت:

«ژان-لوئی بروگیر برای منتقدان خود سمبل قضائیه نمایشی بود. او علاوه بر سفرهای متعدد به کشورهای خارج جهت معرفی بیشتر خود و یافتن شبکه‌های تازه‌یی از دوستان و آشنایان، به‌ویژه در ایالات متحده که از یک شهرت مثبت برخوردار بود، و یا شرکت درکنفرانسهای متعدد یا سخنرانی گاه در برخی پرونده‌ها به "بازداشتهای پیشگیرانه" تا حد افراط و حتی به دلایل پوچ دست می‌زد. در این باره او اعتراف می‌کند که اشتباهاتی کرده است. لوموند سپس از قول پاتریک بودوئن، وکیل دادگستری نوشت: «آقای بروگیر رفتار یک قاضی سیاسی را از خود نشان می‌داد. در پرونده‌هایش ابتدا یک حقیقت پیشاپیش تعیین

شده را می گرفت و تمام تحقیقش را در مجرائی هدایت می کرد که به تأیید و تصدیق نهائی آن حقیقت مکشوف بیانجامد».


Le Monde

Dans l'affaire Karachi, le juge auditionne un juge

لوموند افزود: مارک ترویدیک می‌پذیرد که «متد بروگیر» «محاسن و معایب» خود را داشت. «بروگیر بر این باور بود که دروازه‌های تحقیق بین‌المللی را بر خود می‌گشاید، در حالی که در این مسیر بیشتر در معرض توطئه و تحریک قرار می‌گرفت. در مورد پیوندهای ویژه و ممتاز وی با سرویسهای مخفی هم همین‌طور: البته اطلاعات بسیاری دریافت می‌کرد، اما ناگزیر باید تنها بر همین اخبار و اطلاعات تکیه می‌کرد» و نهایتاً می‌افزاید: «توصیف او به‌عنوان قاضی منطق دولتی کاملاً غلط نیست، چرا که منطق دولتی یا حکومتی الزاماً چیز بدی نیست، اما به‌ندرت با وظیفه یک قاضی تحقیق[۱۶] مطابقت دارد».

آخرین افتضاح بازپرس سابق بروگیر: پرونده مجاهدین خلق

گزارش مدیا پارت فرانسه (۸ مهر ۱۳۹۳) از صدور حکم منع تعقیب در پرونده ۱۷ ژوئن یازده سال بعد از عملیات نمایشی ۱۷ ژوئن پرونده مجاهدین توسط قاضی ترویدیک بسته شد. اکنون همه اتهامات کنار گذاشته شده است.

مدیا پارت از منابع خبری تحقیقاتی معتبر در فرانسه که در افشای برخی از پرونده‌های مهم قضایی این کشور نقش کلیدی ایفا کرده‌اند گزارش مبسوطی را در مورد صدور حکم منع تعقیب در پرونده ۱۷ ژوئن و اهمیت حکم صادر شده که اعضای مقاومت را از تمامی اتهامات تبرئه نمود منتشر کرد.

۱۶-همان‌طور که از نامش برمی‌آید تنها هدفش جستجوی حقیقت است



MEDIAPART

FRANCE

Le dernier fiasco de l'ex-juge Bruguière: l'affaire des Moudjahidines du peuple

Après onze années d'instruction, l'un des plus gros dossiers « antiterroristes » de l'époque Bruguière vient de s'achever par un non-lieu général accordé par le juge Marc Trévidic. C'est un camouflet de plus pour l'ancienne supposée star hexagonale de l'antiterrorisme.

Michel Deléan – 30 septembre 2014 à 17h01

Ce 17 juin 2003, le « coup de filet » est médiatisé avec force roulements de tambour.

Pas moins de 1 300 policiers sont mobilisés pour arrêter – devant les caméras de télévision – quelque 138 « suspects » dans une affaire de terrorisme, et ce en raison de « soupçons d'attentats ». Bigre. Les « rôdés » de cette opération policière ? Les Moudjahidines du peuple, des opposants iraniens installés depuis 1980 à Auvers-sur-Oise. Ils ont toujours été étroitement surveillés par les services français, avec qui ils échangent, semble-t-il, quelques informations, cela sans aucun incident notable. Qu'importe, à l'Assemblée, le ministre de l'intérieur, Nicolas Sarkozy, se félicite de cette grosse opération. La Direction de la surveillance du territoire (DST) a donc bien travaillé. Le parquet de Paris (alors dirigé par Yves Bot) est au garde-à-vous et le célèbre juge antiterroriste Jean-Louis Bruguière est saisi du dossier. On allait voir ce qu'on allait voir.

گزارش مدیا پارت فرانسه –۸مهر ۱۳۹۳ –آخرین افتضاح بازپرس سابق بروگیر

مدیا پارت صدور حکم تعقیب در پروندهٔ ۱۷ ژوئن را «آخرین افتضاح بازپرس سابق بروگیر» توصیف کرد و می‌نویسد: «پس از یازده سال تحقیقات، یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های "ضد تروریستی" متعلق به زمان بازپرس بروگیر اکنون با ملغی شدن توسط قاضی ترویدیک پایان یافته است. این یک ضربه مضاعف برای به‌اصطلاح ستاره ضدتروریسم (یعنی بروگیر) است».

در گزارش مدیا پارت آمده است:«۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، "دام گسترده" با سروصدای بسیار در رسانه‌ها منعکس می‌شود. ۱۳۰۰ پلیس در مقابل دوربینهای تلویزیونی برای دستگیری ۱۸۵ "مظنون" در یک پروندهٔ تروریستی و این ادعا که "ممکن است سوءقصدهایی رخ دهد" بسیج می‌شوند. حالا این پرونده کاملاً توخالی از آب درآمده است.

در حالی که مجاهدین خلق، که از سال ۱۹۸۰ در اورسوراواز مستقرند، همواره به‌دقت توسط سرویسهای فرانسوی زیر نظر بوده‌اند و مسأله خاصی پیش نیامده بود. اما حملهٔ ۱۷ ژوئن صورت می گیرد، وزیر کشور وقت از این عملیات بزرگ اظهار رضایت می‌کند. سرویسهای اطلاعاتی د.اس.ت. و دادسرای پاریس حاضر به‌فرمان می‌شوند و بازپرس ژان لویی بروگیر پرونده را بر عهده می‌گیرد.

اکنون یازده سال از این عملیات نمایشی گذشته است، پروندهٔ مجاهدین خلق بی‌سروصدا توسط قاضی مارک ترویدیک، جانشین ژان لویی بروگیر در مبارزه ضدتروریستی بسته شد. در یک حکم ۳۷ صفحه‌یی که در ۱۶سپتامبر ۲۰۱۴ امضا شد او حکم منع تعقیب کامل را صادر کرد. این پایان قضیه بود».

مدیا پارت در ادامه گزارش خود به حکم منع تعقیب سال ۲۰۱۱ قاضی ترویدیک اشاره می‌کند که ضمن رد کامل اتهام «تروریسم» علیه مقاومت ایران، مشروعیت مبارزه علیه استبداد را خاطرنشان کرده است.

مدیا پارت می‌افزاید: «پایان این تحقیقات طولانی یک افتضاح جدید برای دادسرای ضدتروریستی فرانسه است که مدتها ژان لویی بروگیر تجسم آن بود. وی تا شکستش در انتخابات مجلس فرانسه در سال ۲۰۰۷ زیر پرچم حزب او.ام.پ. و بعد هم بازنشستگی تحمیل‌شده از سوی شورای عالی قضات، در این سمت بود».

پاتریک بودوئن از وکلای اپوزیسیون ایران در اورسوراواز، یادآوری می‌کند: «از همان آغاز می‌دانستیم که پرونده خالی است. در آن زمان تنها دلیل این حمله جلب رضایت رژیم ایران بود. (دولت وقت) فرانسه مشغول مذاکره درباره قراردادهای هنگفت بود، به‌ویژه توتال و رنو و دومینیک دویلپن هم تازه از تهران بازگشته بود. ژان لویی بروگیر به شکل تمام‌عیار وارد بازی آلت دست قرار گرفتن شد که طی آن دستگاه قضاییه توسط قوهٔ سیاسی برای اهداف سیاسی آلت دست قرار می گرفت. او صفت قاضی منافع حکومتی را خوب حمل می‌کرد: عنوان قاضی مجری منافع حکومتی به خوبی شایستهٔ او بود».

اما اعتراف شگفت‌انگیز آخوندها به حراج ثروتهای مردم ایران در پایان عهد شیراک و در شرایطی که هنوز شش ماه به انتخابات فرانسه باقی مانده بود، صورت گرفت. آخوندها از شیراک که حتی یک‌بار بمب اتمی را هم برای آنها مباح شناخت ولی تحت فشار آمریکا زود پس گرفت، درخواستهای هرچه بیشتری داشتند. از سرکوب مجاهدین و مقاومت ایران گرفته تا مسأله هسته‌یی و سیاست فرانسه در خاورمیانه.... وقتی هم که شیراک یارای بیشتر دادن به آنها را نداشت او را متهم به دودوزه بازی می‌کردند!

سرمقالهٔ روزنامهٔ جمهوری اسلامی در ۱۷ آبان ۸۵ صریحاً تحت عنوان «سهمی از غارت سفره های تمام ایرانیان» برای آقای شیراک، نوشت:

«فرانسه در طول سالهای اخیر بیشترین بهره‌برداریهای ممکن را از بازار پرسود ایران داشته و هنوز هم سعی دارد که بیشترین سهم از کیک لذیذ اقتصادی ایران را به خود اختصاص دهد.

پاریس می‌داند که با ۲۵ میلیارد یورو سرمایه‌گذاری در طول ۱۵ سال گذشته در اقتصاد ایران جای پای قابل‌توجهی به‌دست آورده است ولی باید به رهبران پاریس بفهمانیم که "دو دوزه‌بازی ممنوع!" آقای شیراک نمی‌تواند هم با دشمنان ما برقصد و هم به ما چشمک بزند و از سفره‌های تمام ایرانیان سهمی را غارت کند. ماجرای قراردادهای عموماً یک‌طرفه‌یی که در نفت و گاز و ساخت و مونتاژ خودرو منعقد شده موضوعی نیست که

اگر زیر ذره‌بین گذاشته شود بازهم سود یک‌طرفه‌یی برای مخاطبین فرانسوی به‌همراه داشته باشد....فرانسه با حضور در بازار پرسود ایران در واقع یک "دکان دونبش" دایر کرده است....بایستی به پاریس هشدار بدهیم و به آنها بگوییم دست آقای شیراک و دستیارانش را خوانده‌ایم و کاملاً واقفیم که آنها صلاحیتهای لازم برای حضور بی‌حدومرز در بازار پرسود ایران را مدتهاست که از دست داده‌اند. بیایید با کنار زدن فرانسه از بازار پرسود ایران به دیگران هم نشان دهیم روابط اقتصادی سیاسی با ایران حساب و کتاب دارد و بایستی قواعد خاص آن‌را دقیقاً رعایت کنند....».



سرمقالهٔ روزنامهٔ جمهوری اسلامی ۱۷آبان ۱۳۸۵

واضح است که منظور رژیم از این قواعد خاص، چیزی جز تن‌دادن به خواسته‌های ننگین فاشیسم مذهبی و استمالت هرچه بیشتر آن نبود.

توتال در دادگاه

اما یک پردهٔ دیگر از فرجام عبرت‌انگیز پرونده‌سازان ۱۷ ژوئن و دست‌اندرکاران آن زدوبند و تاراج و سودبرندگان از آن توطئه، سرنوشت شرکت توتال و رئیس آن است که در آذرماه سال ۹۴ به‌خاطر فساد در معامله با ایران محکوم شد و به دادگاه فراخوانده شد.

توتال غول نفتی فرانسوی با محاکمه بر سر اتهامات فساد در مورد ایران مواجه می‌شود.

خبرگزاری فرانسه ۲۵ نوامبر ۲۰۱۴ نوشت: «بنا به‌گفته یک منبع قضایی، به غول نفتی فرانسوی توتال دستور داده شد به‌خاطر رشوه دادن به مقامات ایرانی برای به‌دست آوردن امتیازات گازی محاکمه می‌شود. بنابه گفتهٔ این منبع این کمپانی در پرونده یی که به حدود ۲۰ سال قبل برمی‌گردد، متهم به "فساد مقامات روابط خارجی" می‌باشد. اتهامات مربوط به رشوه‌های داده شده به مقامات برای به‌دست آوردن حق میادین گاز و نفت ایران دردهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ می‌شود .سال گذشته، این کمپانی فرانسوی به‌خاطر اتهامات مجبور به پرداخت جریمه ۳۹۸میلیون دلاری (معادل ۳۲۰میلیون یورو) به مقامات آمریکایی شد.

وزارت خزانه‌داری آمریکا گفت، واسطه‌های توتال به مقامات ایرانی در فاصله سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۰۴ برای به‌دست آوردن حق توسعه چندین میدان نفت و گاز پول پرداخت کرده‌اند. مدیر کل سابق توتال کریستوف دو ماژوری که در زمان منتسب به این رشوه ها مدیر کل بخش خاورمیانه توتال بود، ماه گذشته به وی دستور داده شده بود به‌خاطر این روابطش محاکمه می‌شود. هرچند که دوماژوری در یک حادثه سقوط هواپیما در مسکو درست چند روز بعد کشته شد و پایانی بر این پروسدور علیه وی گذاشته شد».


M Économie

Total renvoyé en correctionnelle pour corruption en Iran

پیام مسعود رجوی- ۱۲ تیر ۱۳۸۶

«صبر کنید ببینیم، پرونده رسوای ۱۷ ژوئن بعد از ۴ سال، حالاکه آقای شیراک رفته و بازپرس مربوطه هم به نوشته مطبوعات فرانسه "از دادگستری معلق شده" چه مدت دیگر دوام می‌آورد. پرونده‌یی که ابتدا حول تروریسم و عملیات تروریستی مجاهدین در اروپا، شکل گرفته بود در مرحله اول به حمایت مالی از تروریسم و در مرحله بعدی به اختلاس مالی و پولشویی تنزل پیداکرد.



بگذریم که هرچه مسئول مالی (برادرمان ابوالقاسم رضایی) در این ۴ ساله، درخواست استماع و بازپرسی نمود، جز یک‌بار او را نخواستند و آن چنان‌که خودش در برنامه ارتباط مستقیم فاش کرد، همان یک‌بار هم عمدتاً به سؤال و جواب پیرامون خانواده رضاییهای شهید برگزار شد.

اما عجبا که بچه جلادان و مأموران پیشانی‌سیاه اطلاعات آخوندی به وفور در اطلاعات فرانسه به شهادت فراخوانده شدند!

می‌گویندکه یک مأمور اطلاعات آخوندها به نام خدابنده و زن انگلیسی او که در شکنجه‌گاه اوین هم درحال خدمت‌گذاری دیده شده، دست کم ۱۶ بارعلیه مقاومت ایران و رئیس‌جمهور برگزیده این مقاومت برای اطلاعات فرانسه رقعه پر کرده است.

به‌تازگی یک جلّاد بچهٔ تیغ‌کش دیگر بنام سبحانی، که او هم از شهود اصلی این پروندهٔ ننگین است، در جریان اقدام به قتل و چاقوکشی علیه پناهندگان ایرانی در پاریس دستگیر شد و تحت پیگرد قضایی قرار گرفت.

شگفتا که در این ۴ سال، درخواست شهادت دادن پارلمانترها و شخصیتهای سیاسی از کشورهای مختلف جهان، مانند درخواستهای شهادت دادن هموطنان‌مان که کمک‌مالی کرده بودند، بلاجواب ماند.

سازمان مجاهدین خلق و مجاهدان مستقر در اشرف نیز به‌کلی نادیده گرفته شدند....

از این پیشتر، قاتلان دکترکاظم رجوی نیز از فرانسه فراری داده شده بودند و چندین پروندهٔ اقدام تروریستی مأموران رژیم، علیه خود من هم در اطلاعات فرانسه بایگانی شده بود.

این دیگر راز سر به مهری نیست که در جریان معاملات پر رشوه و سود نفتی و

اقتصادی، دوویلپن وزیر خارجه سابق فرانسه و خرازی وزیر خارجه آخوندها در روز ۲۴ آوریل ۲۰۰۳ [۱۷] با یکدیگر همه چیز را با جزئیات برای متلاشی کردن و سر بریدن مقاومت ایران، صحبت و هماهنگ کرده بودند.[۱۸]

بنابراین فاشیسم دینی، در تبادل مستمر با اطلاعات فرانسه، از قبل حتی از روز و ساعت عملیات و تعدادی که قرار بود بعداً دادگاهی شوند، مطلع بود و برای آن بی‌تابی می‌کرد.

اطلاعات آخوندی پیشاپیش حتی یک نسخه نشریهٔ مجاهد مجعول برای انتشار در روز بعداز عملیات آماده کرده بود.

اما آقای شیراک که زبان تعادل‌قوا را به‌خوبی می‌دانست، تا گردآوری سلاحهای مجاهدین در عراق تا پایان ماه می ۲۰۰۳ احتیاط به خرج داد و دست نگه‌داشت.

سرانجام چراغ سبز عملیات ۱۷ ژوئن با یک لشکرکشی که از ۳۰ سال قبل در فرانسه نظیر نداشت، توسط بازپرس شعبه ضدتروریسم دادستانی پاریس، قاضی بروگیر داده شد.

چه بازپرس بی‌طرفی که بر روی بمب‌گذاریهای رژیم در خیابانهای پاریس در سال ۱۹۸۶ و بر روی تروریستها و بچه جلّادان اعزامی، تماماً چشم می‌بندد اما یقه قربانی را محکم می‌چسبد.

در نخستین سالگرد ۱۷ ژوئن، سندیکای قضات فرانسه، به همین خاطر بخش ضدتروریست کذایی را برای "دستگیری گستردهٔ اعضا سازمان مجاهدین خلق ایران" در "پرونده‌یی که در نقطه مرگ است"، "یک دستگاه آلت دست" توصیف کرد و "سر فرود آوردن غیرقابل‌توجیه" آن را در برابر مطامع سیاسی افشا و محکوم کرد.

سندیکای قضات هم‌چنین خاطر نشان نمود "مقامات ایرانی در تلاش برای درست کردن شاکیهای خصوصی هدایت شده" در این پرونده هستند.

اکنون از هر وجدان منصف و از هر قاضی بی‌طرف باید پرسیدکه مسئولیت جان باختن صدیقه مجاوری و ندا حسنی حقیقتاً بر عهده کیست؟

البته دیکتاتورها و دجالان و جلادان در طول تاریخ، مسئولیت قتل و شکنجه قربانی را هم همیشه بر دوش خود او بار می‌کنند. در پروندهٔ ۱۷ ژوئن هم، رژیم آخوندی و همدستان و مزدورانش به‌غایت تلاش کردند تا مسئولیت را متوجه رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران نمایند.....

بار دیگرتکرار می‌کنیم که دولت و دادستانی فرانسه باید بلادرنگ ختم پرونده شرم‌آور ۱۷ ژوئن را با همه آثار و عوارض آن اعلام کند. این پرونده سیاه‌ترین لکه در مبارزه ضدتروریستی در اروپا و بالاترین مشوق برای دیکتاتوری تروریستی و مذهبی حاکم بر ایران بوده است».

۱۷-دو هفته پس از سقوط دولت سابق عراق و از قضا درست در سالروز ترور کاظم

۱۸-ژورنال دودیمانش-۲۲ ژوئن ۲۰۰۳

مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
شماره ۶۸۰ ـ فوق العاده

MOJAHED NO: 680 10 August 2004 2US$ 1.5Pounds 3SFR 3C$ 2€

سه‌شنبه ۲۰ مرداد ۱۳۸۳ ـ ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۴۲۵

کاندولیزا رایس:
سلاح هسته‌ای ایران برای جامعه بین‌المللی تحمل کردنی نیست

سرمقاله نیویورک تایمز: رژیم ایران یعنی تهدید واقعی هسته‌ای
The New York Times

سندیکای قضات فرانسه سرفرود آوردن دادسرای ضدتروریستی در مقابل رژیم آخوندی را افشا می‌کند

پیرامون سندیکای قضات فرانسه
بخش ضدتروریستی؛ یک دادگستری آلت دست

سندیکای قضات فرانسه از سال ۱۹۷۸ در فرانسه فعالیتش شده است و در آخرین انتخابات بین قضات ۳۰ تا ۳۵ درصد کل قضات فرانسه که حدود ۱۲۰۰ نفر می‌شوند، عضو این سندیکا می‌باشند. هدف این سندیکا دفاع از آزادیها و جلوگیری از این است که دستگاه قضایی آلت دست قدرت شود. این سندیکا به‌عنوان کارهایش چاپ‌های مختلفی از جمله جزوه‌ای را بازیافت کرده است.

نامه‌های نمایندگان مجلس ملی و مدافعان حقوق بشر در فرانسه هشدار نسبت به‌همکاری دادگستری فرانسه با رژیم آخوندی

• ژیرار لاراز رئیس سنی مجلس ملی فرانسه
• آلن ژوپه رئیس جمهوری اسبق فرانسه
• میشل تابه رئیس کمیته بین‌المللی کمک حقوقی به زندانیان سیاسی
• برنار کوشنر وزیر بهداشت و عضو کابینه رافارن
• هنری لئون لوی
• برنار کوشنر وزیر بهداشت و عضو کابینه رافارن
• هنری لئون لوی
• برنار کوشنر وزیر بهداشت و عضو کابینه رافارن
• هنری لئون لوی

دفاع از حرمت بشریت در برابر دشمن بشریت

فرانس لیبرته: بنیاد دانیل میتران، از بیانیه فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران و لیگ حقوق بشر فرانسه در مورد مقاومت ایران حمایت کرد

Le Monde (سوئیس ۱۳ مرداد ۱۳۸۳)
دادگستری فرانسه نباید با رژیم ایران همدستی کند

آمریکا به رژیم ایران هشدار داد در صورت همکاری نکردن با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحت فشار بیشتری قرار خواهد گرفت

نمایندگان مجلس رژیم از دولت خواستند هشدارهای بین‌المللی را در زمینه برنامه هسته‌ای نادیده بگیرد



در خواست رئیس مرکز پژوهشهای مجلس آخوندی از سفیر آلمان برای مذاکره با مجاهدین

کرنا شکاتی، سخنگوی جدید موشکی خود را با توافق حمل کلاهک هسته‌ای را در ایران آزمایش می‌کند

فدراسیون بین‌المللی حقوقدانان، متقاضیان رژیم ایران را به‌خاطر پستی روزنامه‌ها محکوم کرد

اطهار نگرانی «حقوقدانان بدون مرز» نسبت به‌خاتمی سر کوبی در ایران

رژیم ظفر را بدون اعلام خبر تشکیل پرونده، بدادار آویخت

دستگاه قضایی رژیم در تهران شاهد را مجازات نشانخت

اطلاعیه دبیر خانه شورای ملی مقاومت ایران «۱۰ زندانی در مشهد محکوم به اعدام شدند»

از ابتدای سال ۲۰۰۳ تمدن اتم اندیشه‌ای حقوق کاوی شده است

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

فصل هشتم

مشعلهای انسانی در دادگاه پاریس

مشعلهای انسانی در دادگاه پاریس

سرانجام ۴ سال و ۴ ماه پس از خودسوزی‌های ۱۷ ژوئن، دادگاه پاریس در ۲۴ مهر ۱۳۸۶ در بارهٔ ۲ تن از متهمان به‌قضاوت نشست. کمال مطلوب رژیم این بود که از این طریق برچسب سکت و تروریسم را علیه مقاومت ایران تثبیت کند و پایهٔ پروندهٔ ۱۷ژوئن را تحکیم نماید.

در این دادگاه ۲ تن از مجاهدان متهم بودند که در فردای ۱۷ژوئن در سال ۲۰۰۳ محرک خودسوزی شهید بزرگ، صدیقه مجاوری بوده‌اند.





مجاهد خلق نادر ثانی **مجاهد خلق مرضیه باباخانی**

اما حضور و گواهی دو مشعل انسانی در این دادگاه فرانسه را لرزاند. رأی برائت در این دادگاه پایهٔ پرونده یی را که محصول یک زدوبند سنگین و ننگین بود، درهم شکست و به‌روشنی ثابت کرد که «تجارت نفت و خون حیطهٔ آخوندها و انصاف و قانون، قلمرو مجاهدین و مقاومت ایران است».محاکمه یی که در شعبهٔ ۱۶ دادگاه جنحهٔ پاریس برپا شد به یکی از محاکمات فراموش‌نشدنی تاریخ قضایی فرانسه تبدیل شد و انعکاس گسترده یی در رسانه های خبری و مجامع سیاسی و حقوقی این کشور پیدا کرد. اتهام رذیلانهٔ خودسوزی طبق دستور و برچسب سکت علیه مقاومتی با یک صدهزار شهید به‌کلی درهم شکست.

خبرگزاری فرانسه گزارش کرد:



دو متهم، در پی تظاهراتی در نزدیکی مقر سازمان اطلاعات فرانسه (د.اس.ت) در پاریس، که طی آن ۳نفر دست به خودسوزی زدند، دستگیر شدند. تظاهرات مزبور در ۱۸ژوئن ۲۰۰۳ در فردای دستگیری‌های گسترده که در مقر شورای ملی مقاومت در اور سوراواز روی داد، انجام شد. در این دستگیری‌ها، از جمله مریم رجوی پرزیدنت شورای ملی مقاومت ایران، زندانی شده بود. عملیات پلیسی ۱۷ژوئن از سوی مخالفان ایرانی به‌عنوان علامت سرسپردگی دولت وقت پاریس به تهران توصیف گردید.

ژوزف کوهن سابان حقوقدان و وکیل برجستهٔ فرانسوی به خبرگزاری فرانسه گفت:

«متهم کردن این دو نفر به‌تشویق دیگران به خودسوزی به‌معنای اتخاذ یک موضع کاملاً سیاسی است که می خواهد بگوید که سکتی در کار بوده و قدرت تشخیص را (از افرادی که خودسوزی کرده‌اند) گرفته است».



تلویزیون کانال ۳ فرانسه:

«این مشعل انسانی مرضیه باباخانی است که اقدام به خودسوزی در مقابل د. اس.ت در پاریس کرد. او ۴ سال پیش، قبل از مبادرت به این عمل نماز خواند و دست به دعا برداشت. دعا، پیش از هرکس برای کسانی که توسط رژیم ایران اعدام شده‌اند.



تلویزیون فرانسه خطاب به بینندگان خود گفت: «می‌بینید ۴سال بعد از این داستان،



این زن از جراحات حاصله هم‌چنان در رنج است. ولی به هیچ‌وجه پشیمان نیست. برای این زن مسلمان به‌کار بردن کلمه خودکشی یک توهین است.



گزارش تلویزیون کانال ۳ فرانسه

مرضیه باباخانی می‌گوید: «در آن لحظه من به تمامی دوستان و آشنایانم که توسط ملایان کشته شده بودند، فکر می‌کردم. من به ۲ برادرم فکر می‌کردم که اعدام شده بودند، به پدرم فکر می‌کردم که شکنجه شده بود. من به ۳۰ سال مبارزه مقاومت ایران فکر می‌کردم که داشت توسط پلیس فرانسه، لگدمال می‌شد. تمام این داستان‌ها مانند یک فیلم در مقابل چشمان من رژه می‌رفتند».

France Soir

FAITS DIVERS

MOUDJAHIDINE DU PEUPLE ■ Nouvelles tentatives d'immolation par le feu à Rome et Berne. A Paris, les rassemblements ont été interdits

Les résistants iraniens persistent



A Rome, un homme s'est immolé hier d'une manière identique devant l'ambassade de France (en haut).

3 QUESTIONS À

Stéphane Radjavi

Neveu de Maryam et Massoud Radjavi, fils de Kazem Radjavi, assassiné à Genève en 1990

« Un acte de désespoir absolu et d'amour »

1. Comment expliquez-vous la multiplication des immolations ?

C'est un sujet tellement intime et qui touche à la liberté individuelle de chacun. C'est à la fois un acte de désespoir absolu et un acte d'amour mon voisin je pense que ces gens s'immolent, par leur sang, établissent une protection contre la répression des autres et contre la dictature. Cet acte est si sublime et si intime qu'il ne peut être commenté ni jugé par des gens qui ne vivent pas cela eux-mêmes.

2. Le comprenez-vous personnellement ?

Pour être très franc avec vous, je pense qu'il est la seule solution pour le changement, pour en sortir le peuple. Pour nous, c'est un symbole, comme un symbole de liberté.

3. Rien ne la Conseil national de la résistance iranienne réprouve-t-elle [illegible] ce type d'action...

Absolument. Les immolations sont des actes spontanés. Je peux témoigner que ni Maryam ni Massoud ni aucun membre de la famille n'a encouragé [illegible] Ce



تلویزیون فرانسه هم‌چنین مصاحبه‌هایی را که با مادر و خواهر مرضیه در شهر اشرف انجام داده بود، پخش کرد و گفت: «مادر و خواهر او ابتدا چیزی نمی‌دانستند، تا اینکه چند ماه بعد، ما آنها را در اشرف در ۱۵۰ کیلومتری مرز ایران در عراق دیدار کردیم.

این‌جا مقر ارتش ملی مقاومت ایران است که بازوی نظامی مقاومت ایران می‌باشد.

این دو زن امیدوار هستند که مرضیه زنده خواهد ماند.

مادرِ مرضیه به خبرنگار تلویزیون فرانسه میگوید: «من برای او اشک نمی‌ریزم، ولی در اعماق قلبم گریه می‌کنم».

تلویزیون فرانسه به نقل از ژوزف کوهن سابان که امروز از این پرونده در دادگاه پاریس دفاع کرد، گفت:

«من نمی‌توانم تحمل کنم که مدام گفته شود که یک مقاومت مردمی ناشی از عمل سکت گونه باشد. من نمی‌توانم تحمل کنم که فردی با یک عمل متهورانه و شجاعانه زندگی خود را کف دستش بگذارد. با تمام هستی خود وارد آن بشود، بعد بگویند او را تحت تأثیر قرار داده‌اند. این یعنی اینکه او از خود شعوری نداشته است. من این را نمی‌توانم تحمل کنم».



رادیو فرانس کولتور ۲۴ مهر ۱۳۸۶:

«یک مرد و یک زن که از خودسوزی جان سالم به‌در برده‌اند، یکی پس از دیگری در جایگاه شاهدان قرار گرفتند. چهرهٔ آنها آسیب دیده است و آثار اقدامشان را برای همیشه بر روی بدنشان خواهند داشت. رئیس دادگاه مایل است بداند چرا و چگونه آنها تصمیم گرفتند در فردای یورش به اور سوراواز خودسوزی کنند.



گزارش رادیو فرانس کولتور از صحن دادگاه

محمد وکیلی فر به‌فارسی پاسخ می‌دهد: «این اقدامی بود برای مقاومت و مخالفت با رژیم آخوندها و برای حمایت از پناهندگان سیاسی ایرانی که در معرض تهدید استرداد به ایران بودند. من می‌دانستم که وضعیت در فرانسه مناسب نیست. می‌خواستم بگویم که نمی‌توان برسر آزادی ایرانی‌ها مذاکره نمود».



مصاحبهٔ رادیو فرانس کولتور



چند ساعت قبل از آن، ایو بونه، رئیس سابق د.اس.ت. توضیح داده بود که این اولین بار نیست که فرانسه و ایران به این صورت دست به معامله می‌زنند. هسته‌یی و نفت در ازای مخالفان. به‌بیان دیگر، امضای یک قرارداد برای توتال در عوض «تحویل دادن» چندین عضو شورای ملی مقاومت ایران. ایو بونه تأکید کرد که این افراد حق داشتند بیمناک باشند.

مرضیه باباخانی توضیح داد که از نظر او، استرداد به‌طور اتوماتیک به معنای شکنجه است. مانند شاهد قبلی، او هم تأکید می‌ورزید که بدون کمک و یاری کسی و به تنهایی این انتخاب را کرده است.

رادیو فرانس کولتور ۲۵ مهر ۱۳۸۶:

«یورش ۱۷ژوئن، نه تروریستها را هدف قرار داد و نه اعضای یک سکت را، بلکه مخالفان رژیم ایران را هدف قرار داده بود. آلن ویوین و ایو بونه در دادگاه بر این واقعیت صحه گذاشتند.

کوهن سابان، وکیل مدافع قاطعانه می گوید: در آن روز یعنی ۱۸ ژوئن ۲۰۰۳، آنها برای افشای خیانت دولت فرانسه نسبت به مقاومت، خودسوزی کردند. در پاریس ۲ نفر زنده ماندند. یک زن بر اثر آن جان خود را از دست داد. این‌که ادعا کنیم کسی آنها را به این کار ترغیب نموده، توهینی به شجاعت آنهاست».





لوموند ۲۵مهر۸۶ :

« این دو شاهد می‌توانستند متهم‌کنندگان سهمناکی برای دو فرد تحت محاکمه باشند، اما آنها مدافعان قاطعی بودند. در ۱۸ ژوئن ۲۰۰۳ در ساعت ۰۸۵۵ در خروجی مترو، مرضیه باباخانی روی خود بنزین ریخته و به ساختمان د.اس.ت جایی که حدود ۶۰ مخالف ایرانی تجمع کرده‌اند، نزدیک می‌شود و کبریت می‌زند. بدنش ناگهان شعله‌ور می شود.



او که به میزان ۵۰ درصد از بدنش سوخته است، تنها به سبب مداخله عابرین و پلیس زنده می‌ماند. در ساعت ۱۲ و ۵۰دقیقه در نزدیکی همان‌جا، صدیقه مجاوری نیز

خود را به آتش می کشد. او در فردای آن روز جان می‌سپارد. پنج ساعت بعد یک مرد خود را تبدیل به مشعل انسانی می‌کند و در آخرین لحظه جانش نجات داده می‌شود. در همین اثنا پلیس متوجه زنی می‌شود که او نیز در آستانه خودسوزی است، پلیس از او یک نامه به زبان فارسی پیدا می کند که نوشته است: «من از ۲۰سال پیش یک پناهنده سیاسی در فرانسه هستم، این اقدام، اعتراض من به معامله کثیف میان رژیم ملاها و پلیس فرانسه است».

مرضیه باباخانی می‌گوید: «زیر سؤال بردن استقلال من در تصمیم‌گیری را توهین‌آمیز می‌دانم. دو تن از برادرانم و همه دوستانم توسط رژیم ملاها شکنجه شده‌اند. برای من خطر استرداد به ایران یک معنی مشخص داشت که همین بود».

لوموند می‌افزاید: «روز قبل ۱۲۰۰مأمور پلیس، عملیات بزرگی برای دستگیری رهبران شورای ملی مقاومت ایران، از جمله مریم رجوی، انجام داده بودند. د.اس.ت در تحقیقات خود اشاره به "کجرویهای سکتاریستی" سازمان مجاهدین کرد، سازمانی که به‌دنبال مذاکرات دولت فرانسه با رژیم ملاها، موقعیتش از یک طرف حساب فرانسویها به "یک جنبش تروریستی" تبدیل شد»!



FRANCE société

Martyrs volontaires contre le régime de Téhéran

La misère est toujours un combat au XXIe siècle

Un arrêt favorable aux usagers des banques

Juin 2003 : la grande rafle des Iraniens

سایت تلویزیون LCI سه شنبه ۲۴ مهر۱۳۸۶:

«پاریس ۱۸ ژوئن ـ یک ایرانی خودش را زنده سوزاند. در فاصله چند متر دو زن خود را تازه سوزانده‌اند. یکی از آنها با زخم‌هایی که برداشت زنده نماند. همگی معترض به بازجویی گسترده سمپاتیزان‌های مجاهدین خلق بودند.


LCI.fr

Poursuivis pour avoir poussé Sedighe à s'immoler

در زمان استماع در دادگاه ۱۶ جزایی، وکیل این دو متهم، کوهن سابان، بایستی از پوچ بودن این پیگرد دفاع کند، زیرا هیچ تشویقی (از طرف کس دیگری) برای خودسوزی آنها وجود نداشت.

کوهن سابان گفت، دو نفر که از خودسوزی ۱۸ ژوئن زنده مانده‌اند، در استماع می‌خواهند شهادت بدهند که هیچ‌کس به‌جای آنها تصمیم برای این کار نگرفته بود. و آنها «ترجیح می‌دادند این‌طور بمیرند تا این‌که به ایران مسترد شوند».

او هم‌چنین تأکید کرد که ایو بونه، رئیس سابق د. اس.ت و الن ویوین وزیر مشاور سابق سوسیالیست که حامی سازمان مجاهدین بوده و آن‌را یک سازمان تروریستی نمی‌دانند نیز به‌عنوان شاهد حضور دارند».



تلویزیون کانال ۳ فرانسه ۲۴ مهر ۱۳۸۶:

«در این‌جا تصویرها و صورت‌هایی را می‌بینید که تغییر شکل داده‌اند، صحنه‌هایی که آزار دهنده هستند، تصوراتی که محو نخواهند شد. محمد و مرضیه برای همیشه آثار ژوئن ۲۰۰۳ را با خود حمل خواهند کرد.

در آن روز آنها نیز مانند بسیاری دیگر از هموطنانشان در مقابل مقر اصلی د.اس.ت در پاریس به دستگیری رهبرشان اعتراض دارند و آزادی رهبرشان را خواهان هستند.

ناگهان کمی دورتر از محل تظاهرات، یک زن در لحظه به‌یک مشعل انسانی تبدیل می‌شود. او مرضیه باباخانی است. کمی بعد از آن، در جایی دیگر در همان نزدیکی، محمد اقدام به خودسوزی می‌کند.

محمد وکیلی‌فر: "من قصد خودم را حتی با نزدیکترین دوستانم درمیان نگذاشتم. من نمی‌خواستم آنها را در جریان قرار دهم، زیرا مطمئن بودم در صورت آگاهی از این موضوع، مانع من خواهند شد و سعی خواهند کرد من را منصرف کنند"».

گزارشگر تلویزیون فرانسه گفت:

«آیا این افراد خودشان این کار را آسان انجام دادند و یا این‌که از طرف جنبش به آنها امر شده است؟

مرضیه باباخانی: "این توهین به اراده یک زن آزاد است. من یک زن آزاد هستم. خودم تصمیم گرفتم. پروسهٔ دادرسی این افراد پروسهٔ خود من می‌باشد. به این خاطر است که من تصمیم گرفتم به این‌جا بیایم تا به‌نفع آنها شهادت بدهم. هیچ‌کس قادر نیست فردی را مجبور کند که دست به چنین عملی بزند".

در بخش دیگری از این گزارش وکیل متهمان ژوزف کوهن سابان گفت: " اینها افرادی هستند که شجاعانه سرنوشت خودشان را انتخاب کرده‌اند همین و بس" ».

رادیو فرانس انفو :

«ایو بونه گفت دستگیری‌ها فقط برای باج‌دادن به رژیم تهران در ازای قراردادهای عظیم با فرانسه بوده است. از نظر وکیل مدافع هیچ‌گونه تشویقی به خودکشی در کار نبوده است. خودسوزیهای ۱۸ ژوئن ۲۰۰۳ تنها ناشی از ارادهٔ این ۴ مرد و زن بوده است که یا تلاش کردند، یا موفق شدند که در وسط خیابان با یک پیت بنزین و یک فندک به‌زندگی خود پایان دهند.

آلن ویوین وزیر سابق و گزارشگر کمیسیون پارلمانی در امور سکتها، توضیح می‌دهد که این افراد از بیم اخراج به ایران و افتادن در زندان‌های رژیم به این اقدام دست زدند. ای‌و بونه رئیس سابق د.اس.ت. می‌افزاید به خصوص که دستگیری‌های جمعی آنها در ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ در اور سوراواز کاملاً بی‌معنی بود. به عقیده ایو بونه، سازمان مجاهدین یک

سازمان تروریستی نیست؛ او تأکید می‌کند: برعکس، ایرانیان اورسوراواز اعضای مقاومت هستند. وی بدون هیچ تردیدی می‌گوید دستگیری این مخالفان رژیم تهران، فقط برای دادن باج به این رژیم، در ازای امضای قراردادهای عظیم با فرانسه بوده است».



«محمد تعریف می‌کند که همسر و ۵ تن از دوستانش، توسط رژیم ایران کشته شده‌اند. وی و یکی از اعضای خانواده‌اش نیز شکنجه شده و سپس از ایران خارج شده‌اند. به این ترتیب، هنگام دستگیری در روز ۱۷ ژوئن در اور سوراواز، وی گمان کرد که کابوس بار دیگر آغاز خواهد شد ....».

محمد با اطمینان می‌گوید: «من خواستم شهید شوم تا همه دنیا مطلع گردد».

فرانس‌انفو، اضافه می‌کند: «مرضیه با اطمینان خاطری مشابه، بازجویی خود را در سرژی تعریف می‌کند».

مرضیه می‌گوید: «این گمان که من برای تصمیم به خودسوزی به نفر دیگری محتاج بوده‌ام، یک اهانت است».

پناهندگان ایرانی در دادگاه از حمایت برجسته ایو بونه، رئیس سابق د.اس.ت. برخوردار شدند. او به‌طور علنی و تمام یار «یورش» ۱۷ ژوئن را رد می‌کند. وی واژه «یورش» را به کار می‌برد. او اطمینان می‌دهد که کسانی که در آن روز دستگیر شدند، اعضای مقاومت بودند و نه تروریستها.

ایو بونه به این رادیو گفت: «آنها از مشخصات یک سازمان مقاومت برخوردار هستند؛ یا این که باید گفت، کلمه "مقاومت" دیگر هیچ معنایی ندارد و باید آن را از فرهنگ لغت حذف نمود».

روزنامهٔ ۲۰دقیقه ۲۴ مهر ۱۳۸۶:

«امروز در دادگاه جزایی پاریس، پرونده دو ایرانی که متهم هستند یک فعال مجاهدین خلق ایران را به خودسوزی تشویق کرده‌اند، بررسی می‌شود. وکیل این دو نفر، آقای ژوزف کوهن سابان این اتهام را مردود شناخت. او اضافه کرد که دولت فرانسه را به جرم "خیانت" و به‌خاطر تهدید به استرداد پناهندگان سیاسی متهم خواهد کرد».

20 minutes
paris

La malnutrition touche chaque année 850 millions de personnes

grand paris

Delanoë commence à bâtir sa campagne

Le week-end sans fin de deux Françaises



6 france

MARDI 16 OCTOBRE 2007

pour nous écrire : france@20minutes.fr

20''

TRANSPORTS

Un chevreuil retarde la SNCF

Trente-quatre TGV et Eurostar ont subi des retards de vingt minutes à deux heures et demie hier après qu'un TGV Lille-Paris a heurté un chevreuil le matin à hauteur de Combles (Somme), a annoncé la SNCF.

JUSTICE

Le fils Pasqua vêtu comme Sarkozy

Le fils de l'ancien ministre Charles Pasqua, en Tunisie depuis 1999 et rentré récemment en France pour y être jugé pour

Deux Iraniens en procès pour incitation au suicide

Poursuivis pour incitation au suicide, ils encourent trois ans de prison. Aujourd'hui s'ouvre devant le tribunal correctionnel de Paris le procès de deux Iraniens soupçonnés d'avoir encouragé une militante de l'Organisation des Moudjahidines du peuple iranien (Ompi), une force d'opposition au régime iranien, à s'immoler par le feu lors d'une manifestative, en juin 2003. La femme était décédée des suites de ses blessures.

Deux autres personnes s'étaient également immolées pendant un mouvement de protestation contre la placement en garde à vue de Maryam Radjavi, la présidente du Conseil national de la résistance iranienne (CNRI), la vitrine de l'Ompi.



L'avocat des deux prévenus, Me Joseph Cohen-Sabban, estime qu'il n'y a pas eu incitation au suicide, et ajoute qu'il va attaquer la procédure française pour « trahison », en invoquant la menace d'expulsion des réfugiés politiques. Les deux autres personnes mises en examen ayant survécu à leurs blessures devraient déclarer à l'audience qu'elles « préféraient mourir comme ça plutôt que d'être expulsées vers l'Iran ».

Philippe Blanc

Démunis aussi pour l'accès aux soins

Les plus pauvres éprouvent de plus en plus de difficultés à se faire soigner en France, dénonce Médecins du monde (MDM) dans un rapport annuel publié hier, avant la Journée du refus de la misère. Dans ce document, issu de l'analyse des 40 000 consultations réalisées en 2006 dans ses vingt et un centres d'accueil, de soins et d'orientation, MDM dresse le portrait d'une population vulnérable, victime à la fois de précarité, de pathologies aggravées par les conditions de vie en dessous du seuil d'accès aux soins. MDM qualifie la « régression inquiétante » la baisse du nombre de patients reçus en consultations en 2006 (-30 %), qui semble se confirmer en 2007.



تلویزیون کانال۲ فرانسه، ۲۴ مهر ۱۳۸۶:



«آنها که ۵۰درصد از بدنشان سوخته است، صحبت از "اقدام مقاومت" می‌کنند. ژوئن ۲۰۰۳ آن حادثه شوک‌آور اتفاق می‌افتد، ۳ مخالف ایرانی در برابر د. اس.ت، دست به خودسوزی می‌زنند. صدیقه مجاوری جان خود را از دست می‌دهد. اکنون ۲ بازمانده آن حوادث که۵۰ درصد بدنشان سوخته است، از یک " اقدام مقاومت" سخن می‌گویند. به اعتقاد وکیل مدافع، این یک اقدامی نبود که به آنها تحمیل شده باشد، بلکه آنها خودشان تصمیم گرفتند»





فیگارو ۲۵ مهر۱۳۸۶:

«وکیل مدافع برای رد اتهام تحریک، چند شاهد را که به‌فارسی صحبت می‌کردند، به دادگاه احضار کرده بود. دو تن که آنها نیز دست به خودسوزی زده بودند، صحبت از اقدام شخصی‌کردند. آنها که صورتشان هم‌چنان آثار زیادی از جراحات در برداشت، با یک لحن قاطع اعلام کردند که با این‌کار می‌خواستند، شرایطی را که مخالفان ایرانی در آن قرار داشتند، به گوش جهانیان برسانند. شاهدان دیگر توضیح داده‌اند که آنها بیم استرداد آنهایی را به ایران داشتند که روز قبل دستگیر شده بودند....». واضح است که در صدر آنها مریم رجوی قرار می‌گرفت.



فرانس انتر۲۴ مهر ۱۳۸۶:

«آنها دو نفر هستند، یک مرد و یک زن که به سمت جایگاه شهود می‌آیند؛ با صورتهایی که بر اثر سوختگی شدید، از بین رفته است. آنها به‌طور معجزه‌آسایی زنده ماندند.

نفر سوم در روز ۱۸ ژوئن ۲۰۰۳ بر اثر خودسوزی جان سپرد. همگی آنها از مجاهدین خلق ایران بودند. سازمان اپوزیسیون علیه رژیم آیت‌الله‌ها. از نظر برخی سکت و تروریست. ولی آلن ویوین، گزارشگر کمیسیون مبارزه علیه سکتها در فرانسه پاسخ می‌دهد: به هیچ‌وجه، آنها اعضای مقاومت بودند که همگی از موقعیت پناهندگی سیاسی برخوردار بودند.



مجاهد خلق مرضیه باباخانی



مجاهد خلق نادر ثانی

یک روز قبل از آن، یک عملیات پلیسی در ساعت ۶ صبح، منجر به بازداشت ۱۶۰تن از فعالان و اعضای مقاومت شده بود. همراه با شکستن در، خشونت و تهدید استرداد.



مشعل انسانی صدیقه مجاوری


L'EVENEMENT Moudjahidin

Après la rafle contre les opposants iraniens à Auvers-sur-Oise

Les Moudjahidin, torches vivantes au cœur de Paris

Trois militants se sont immolés par le feu devant le siège de la DST. Deux étaient hier soir dans un état désespéré.

روزنامهٔ فیگارو – خودسوزی صدیقه مجاوری–۱۹ژوئن۲۰۰۳

یک شاهد در دادگاه توضیح می‌دهد که خودسوزی یک خودکشی نیست، بلکه یک عمل اعتراضی در برابر دیدگان همه جهانیان است».

پاریزین ۲۴ مهر ۱۳۸۶:



Le Parisien

LES FAITS DIVERS

Correctionnelle

L'émouvant témoignage de Marzieh l'immolée

« Mon corps s'est enflammé et puis... je ne sais plus »

«با دستهای داغان‌شده، روسری خود را مرتب می‌کند. پارچه روی موهایش را کامل نمی‌گیرد. سوختگی مانع از این می‌شود که آن‌را جلوتر بیاورد. انگشتانش ترمیم نشده‌اند، ولی نگاهش زنده و با نشاط است. بعد از حدود ۴ سال، مرضیه از سکوت خودش خارج می‌شود. این ایرانی ۴۵ ساله یکی از سه نفری است که "در خیابان نلاتون خودسوزی کرده‌اند". امروز در دادگاه ۲ نفر از هموطنان و همراهانش در مقاومت علیه رژیم اسلامی ایران، که مظنون به تشویق برای فداشدن در میان شعله‌ها شده‌اند، شهادت خواهد داد: " با این دادگاه احساس می‌کنم این من هستم که دارم محاکمه می‌شوم. هیچ‌کس حق من برای انتخاب سرنوشتم را به‌رسمیت نمی‌شناسد". مرضیه شجاع، در مورد دوستانش توضیح می‌دهد. او "اصلاً پشیمان نیست" و این " تصمیم نه‌چندان ساده را" بر عهده می‌گیرد. یعنی زنده زنده خود را سوزاندن: "حیاتم تنها وسیله‌یی بود که برای اعتراض داشتم".

۱۸ژوئن ۲۰۰۳، مرضیه "در شوک" بود. او "هجوم" گسترده به جامعه ایرانیان در اورسوراواز را نمی‌فهمید. بیش از۱۰۰۰ پلیس، ۱۶۴پناهنده سیاسی، اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران و از جمله تعدادی را که مظنون به ایجاد اعمال تروریستی بودند، بازداشت کردند. "دوستان من در بازداشت بودند. من تنها سوار قطار شدم تا پاریس، برای رفتن به د.اس.ت، چند ایرانی در آن‌جا بودند. من شب را در آن‌جا گذراندم".

در طول راه، تمام خاطرات به مرضیه هجوم می‌آورند: " اعدامها"، "قتل" برادرانش، "شکنجه‌های" اعمال‌شده بر دوستان مدرسه‌اش، او می‌گوید "همه به‌خاطرم آمد". او "تصمیم خود را می‌گیرد". یک تصمیم برق‌آسا! بیست و چهار ساعت بعد از بازداشتها. "من رفتم دنبال آن چیزهایی که باید و با این اعتقاد که باید کاری کرد. من خودم را با بنزین مرطوب کردم و آتش زدم. جسمم آتش گرفت و بعد.... دیگر چیزی نمی‌دانم".

او اولین نفری بود که خودش را آتش زد، دو نفر دیگر هم این کار را کردند، از جمله یک نفر که درگذشت. مرضیه به‌حالت کما رفت و ۶ ماه بعد از کما در آمد "من نمی‌دانستم کجا هستم. فکر می‌کردم در ایران هستم و دارند من را شکنجه می‌کنند". امروز این "زن با ایمان" با ۴۷درصد سوختگی بدنش، دهها عمل جراحی را تحمل کرده و با آرامی در والدواز زندگی می‌کند. او استراحت می‌کند، دوستانش را می‌بینند، اما فلج بودنش مانع از این که "فعالیتهایش" را دنبال کند، نمی‌باشد».

روزنامهٔ نوول رپوبلیک ۲۶ مهر ۱۳۸۶:


LA NOUVELLE
République

FRANCE société

JUSTICE

Martyrs volontaires
contre le régime de Téhéran

«او عالی‌ترین نوع اعتراض علیه رژیم بنیادگرای حاکم بر کشورش را انتخاب کرد».

نوول رپوبلیک با عنوان «شهدای داوطلب علیه رژیم تهران» می‌نویسد: «شما اجازه دارید کلاه خود را در دادگاه حفظ کنید». این را رئیس شعبه ۱۶ دادگاه جنحهٔ پاریس به

مردی می‌گوید که در برابر جایگاه شهود قرار می‌گیرد. پوست او مانند کاغذ نازک شده است، گوش ندارد، انگشتان دستش از بین رفته و لبخندی بدون لب دارد. این ایرانی که محمد نام دارد، آمده است تا بگوید چگونه در ۱۸ ژوئن ۲۰۰۳ به‌طور داوطلبانه عالیترین نوع اعتراض را علیه رژیم بنیادگرای حاکم بر کشورش انتخاب کرد. او پس از این‌که خود را آغشته به بنزین کرد، دست به‌خودسوزی زد. او می‌گوید: «من تمام زندگی را در مقاومت‌کردن سپری کرده‌ام. من عاشق زندگی هستم».

یک زن، مرضیه، به عمل مشابهی در همان روز دست زد، ولی زنده ماند. او می‌گوید: «من یک زن آزاد هستم، این تصمیم خودم بود». مرضیه از این‌که گفته شود آلت دست قرار گرفته است به‌شدت ابراز انزجار کرد. این حوادث در پاریس در نزدیکی مقر د. اس.ت اتفاق افتاد.

دو نفری که زنده مانده‌اند قبل از هر چیز برای رفع اتهام از دو تن از هموطنانشان به دادگاه آمده‌اند که به اتهام «تحریک به خودکشی» محاکمه می‌شوند.

نوول رپوبلیک در مقالهٔ دیگری با عنوان «ژوئن۲۰۰۳: هجوم بزرگ علیه ایرانیان» می‌نویسد:


Juin 2003 : la grande rafle des Iraniens

Des gages donnés

LA NOUVELLE

روزنامه نوول ریوبلیک – ۲۶ مهر

«۱۷ ژوئن ۲۰۰۳؛ بیش از ۱۰۰۰ مأمور پلیس شهرک اور سوراواز را که محل استقرار جامعهٔ ایرانی مقیم فرانسه است، مورد محاصره و هجوم گسترده و خشن خود قرار دادند که با شکستن در و پنجره‌ها همراه بود. شهردار فقط در همان موقع مطلع می‌شود ولی رسانه‌ها از شب قبل مطلع شده بودند!

V Jeudi 31 octobre 2002

FRANCE société

PAUVRETÉ

La misère est toujours un combat au XXIe siècle



Près de 20 000 personnes ont été recensées en Seine-Saint-Denis contre 6 000 dans l'Eure, l'Eure-et-Loir et le Calvados.

(Photo Maxime Le Gwen)

LIBERTÉS

Martyrs volontaires contre le régime de Téhéran

Deux Iraniens s'immolent par le feu à Paris. Pour dénoncer au suicide ". Ils espèrent pouvoir inciter à l'immédiat à s'insurger par le feu à Paris. Pour révolter au régime intégriste de Téhéran et par peur de l'extradition brandie par la DST française.

Juin 2003 : la grande rafle des Iraniens

COUR DE CASSATION

Un arrêt favorable aux usagers des banques

24 HEURES



این عملیات منجر به بازداشت ۱۷۰ ایرانی شد. بعد، تقریباً همه آزاد شدند، زیرا هیچ سندی دال بر تعلق آنها به محافل تروریستی وجود نداشت. در فردای آن روز ۳ نفر در پاریس دست به خودسوزی زدند.

در دادگاه، ایرانیان شکنجه‌هایی را که در کشورشان متحمل شده‌اند، تشریح می‌کنند و در بارهٔ دوستان خود که در فجیع‌ترین شرایط به قتل رسیده‌اند توضیح می‌دهند: هم در رژیم بنیادگرای مذهبی فعلی حاکم بر ایران و هم در زمان دیکتاتوری شاه، همانی که گفته می‌شد دوست بزرگ فرانسه است و چهرهٔ خوبی را به نمایش می‌گذاشت.

"ما پناهنده سیاسی هستیم و ائتلاف ما برای استقرار یک دموکراسی مبتنی بر جدایی دین از دولت در ایران فعالیت می‌کند. ما توسط دولتهای مختلف فرانسوی به رسمیت شناخته شده‌ایم".

آلن ویوین، متخصص بزرگ امور مربوط به سکت‌ها که وزیر مشاور در امور خارجی نیز بوده است، قاطع است: "اتهامات سکتاریستی و تروریستی بی‌پایه هستند".

آلن ویوین می‌گوید کسانی که در اور دستگیر شدند غافلگیر شدند، زیرا فرانسه به آنها پناهندگی سیاسی داده بود. او در این مورد شوخی نمی‌کند، پیش از این فرانسه دارای سنّت پذیرایی از پناهندگان بود.

شاهد دیگر ایو بونه است، رئیس سابق د.اس.ت در زمان میتران. او عملکرد خلف خود، «دوفلوریان دوبوسکه» را که طی سال ۲۰۰۳ ریاست د.اس.ت را به‌عهده داشت، زیر علامت سؤال می‌برد.

رئیس دادگاه می‌گوید: "رؤسای د.اس.ت یکی پس از دیگری می‌آیند و می‌روند...". ایو بونه دنبالهٔ حرف او را گرفته و می‌گوید: "ولی الزاماً شباهتی با یکدیگر ندارند". این در حالی است که چون هیچ اثری از تهدید وجود نداشته است، هم‌چنان در رابطه با این رویداد در تردید به‌سر می‌بریم.

"آیا قرار بود باجی داده شود؟ به چه کسی؟" این سؤالی است که هنوز مطرح است.

یادآوری می‌شود که دومینیک دوویلپن که در آن زمان وزیر خارجه بود، چند هفته پیش از آن به ایران رفته بود. در آن زمان قراردادهای اقتصادی امضاء شد و روز سه‌شنبه ایرانیان به‌یکی از این قراردادها اشاره کردند که مربوط به توتال برای بهره‌برداری از یک میدان نفتی جدید در ایران بود».

هفته‌نامه ژورنال دو دیمانش با عنوان: «محاکمه مشعل‌های انسانی» نوشت:

«هیچ‌کس این تصاویر را از یاد نبرده است. روز ۱۸ ژوئن ۲۰۰۳، در حالی که حدود ۶۰ نفر در نزدیکی دفاتر د.اس.ت. در پاریس تظاهرات می‌کردند، سه تن از فعالان سازمان مجاهدین خلق ایران، خود را به آتش کشیدند. یکی از آنها جان خود را از دست داد. دو نفر دیگر به شدت مجروح شدند و از نفر چهارم که وصیت نامه‌اش را به همراه داشت، قبل از اقدام به عمل، جلوگیری شد.



یک روز قبل از آن، مأموران پلیس د.اس.ت.، به دستور بازپرس سابق شعبهٔ ضدتروریست ژان لویی بروگر، مقر آنها در اور سوراواز را مورد تفتیش قرار داده، دهها نفر از مسئولان جنبش، از جمله مریم رجوی، چهرهٔ شاخص مقاومت ایران را دستگیر کرده بودند».



خبرنگاران هم چنین به‌یاد می‌آورند که یک عکس از خودسوزی‌های مجاهدین در سال ۲۰۰۳، به عکس سال تبدیل شده بود.



حکم دادگاه

بعد از ظهر چهارشنبه ۳۰ آبان ۱۳۸۶، دادگاه پاریس بعد از ۳۵ روز شور و بررسی حکم تبرئه مجاهدین را اعلام کرد.

به این ترتیب به اثبات رسید، مجاهدانی که موضوع محاکمه بودند، هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند.

دادگاه در حکم خود اعلام کرد: آنها از همه اتهامات منتسبه مبرا شناخته می‌شوند.

رأی دادگاه درجلسهٔ رسمی در کاخ دادگستری فرانسه قرائت شد. هموطنان ایرانی و شماری از حامیان فرانسوی مقاومت ایران بر شنیدن حکم در این محل گرد آمده بودند.

خانم رجوی بعد از صدور حکم گفت: «تبرئه دوتن از مجاهدین، پیروزی عدالت، انسانیت و مقاومت است. پرونده ۱۷ژوئن هیچ پایه و مبنایی ندارد و می‌بایست بسته شود».

خانم رجوی خاطرنشان کرد: «حکم دادگاه پاریس، اتهام‌ها و دعاوی رژیم آخوندی و لابی آن را به‌ویژه در مورد خودجوش نبودن اعتراضات و خودسوزی‌های ژوئن۲۰۰۳ و در مورد متهم کردن مقاومت مشروع یک ملت به‌سکت و تروریسم، باطل می‌کند. پس از این حکم، هیچ پایه و مبنایی برای پرونده ۱۷ژوئن باقی نمی‌ماند.

هانری لوکلرک و ۹حقوقدان و وکیل برجسته فرانسوی نیز اعلام کردند: «یک تصمیم قضایی درمورد خاتمه دادن به پرونده ۱۷ژوئن به‌وضوح اجتناب ناپذیر است»

دست برقضا، همزمان، با صدور حکم تبرئه دوتن از مجاهدین از سوی دادگاه پاریس، خبرگزاری فرانسه و رویتر خبردادندکه ژاک شیراک به دنبال احضار به‌نزد قاضی تحقیق،

مورد پیگرد قضایی قرارگرفت و یک فرد تحت نظر اعلام شد.

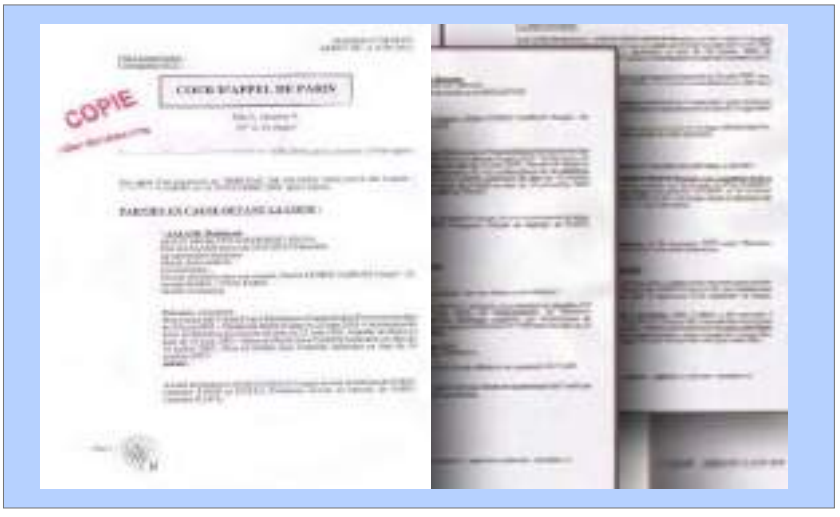
در آستانهٔ هفتمین سالگرد شبه کودتای ۱۷ ژوئن، دادگاه استیناف پاریس حکم برائت نهایی دو تن از وابستگان مقاومت ایران را صادر کرد، تا میخ دیگری را بر تابوت توطئهٔ رژیم آخوندی بکوبد و سند رسوایی دیگری را برای شیراک و دولتش مهر کند.

دادگاه استیناف

روز۲۱خرداد ۱۳۸۹، جمعه ۱۱ ژوئن، شعبهٔ۱۱دادگاه استیناف پاریس پس از دو ماه و ۹روز شور و بررسی اسناد و مدارک و اظهارات شهود و دفاعیات وکلا، با تأکید بر این که هیچ مدرک و دلیلی وجود ندارد که نشان دهد دو متهم دخالتی در جریان خودسوزیهای روز ۱۸ژوئن ۲۰۰۳ داشته، یا تحریک به این اقدام کرده باشند، به‌برائت آنها رأی داد.

این حکم به‌دنبال حکم دیگری صادر گردید که در ۲۱نوامبر ۲۰۰۶ توسط دادگاه جنحهٔ پاریس اعلام شده بود. دادگاه در آن زمان هم در یک حکم بسیار متقن و مستحکم، این دو نفر را تبرئه کرده بود، اما دادستان که دستورات خود را از مقامات دولتی فرانسه کسب می‌کند و بر طبق قوانین فرانسه یک نهاد رسمی قضایی محسوب نمی‌شود، از آن حکم، استیناف خواست.

به این ترتیب، این‌بار اما شعبهٔ ۱۱ دادگاه استیناف پاریس به‌ریاست خانم بندیکت پیانا و با حضور دو قاضی دیگر، خانم مارتین سم و آقای آلن اوسمون، مجدداً یک روز تمام، در روز جمعه ۲آوریل[۱۹] به این موضوع رسیدگی کرد و بعد از ۲ماه و ۹روز شور و بررسی، حکم نهایی خود را اعلام نمود.



حکم دادگاه استیناف پاریس، ۱۱ژوئن۲۰۱۰-۱۲اردیبهشت۱۳۸۹

۱۹-۱۳ فروردین ۱۳۸۹



این حکم نقطه پایانی بود بر توطئهٔ کسانی که تلاش می‌کردند با این پرونده‌سازی، جای ظالم و قربانی را عوض کنند و بر نقش مسببان اصلی شهادت صدیقه مجاوری و ندا حسنی و درد و رنج سایر عبورکنندگان از آتش آن روزها، سرپوش بگذارند.

در حکم دادگاه، تصریح شده است که خودسوزی ناشی از تصمیم مطلقاً فردی و شخصی و ارادی اقدام‌کنندگان به این کار بوده و هیچ عامل دیگری در آن دخیل نبوده است.

در رأی دادگاه آمده است: « وکلای پرونده کوهن سابان و فرانسوازکوتا، طبیعت غیرمعمول این خودسوزی‌ها را به‌تفصیل و با جزئیات توضیح دادند و خواستار برائت و تأیید رأی دادگاه اول از سوی دادگاه استیناف شدند».

در حکم دادگاه استیناف پاریس خاطرنشان گردیده است:




PALAIS DE
JUSTICE
COUR DE CASSATION
COUR D'APPEL
TRIBUNAL DE
GRANDE INSTANCE
ENTRÉE
DES


TÉLÉ
MATIN



«آقای وکیلی‌فر و خانم باباخانی وابستگان به سازمان مجاهدین خلق ایران، شهود خودسوزی‌ها که در دادگاه مورد استماع قرار گرفته‌اند، یا در جریان رسیدگی و تحقیقات شهادت داده‌اند، هم تأیید کرده‌اند که این امر یک عمل خودانگیختهٔ فردی بوده و هیچ چیز دیگری وجود ندارد که نشان دهد ارادهٔ خودسوزی خانم مجاوری، آزاد نبوده است، درست همانند ارادهٔ قربانیانی که زنده ماندند و همگی بر تصمیم و آزادی عمل خود تأکید کرده و هرنوع نفوذ، تحریک یا ترغیب به خودسوزی را از جانب هر کس، چه دو متهم و چه از جانب هرکس دیگر در سازمان مجاهدین خلق ایران منتفی دانستند.

هیچ عنصری در تحقیقات اجازه نمی‌دهد گفته شود که رویکرد و عملکرد متهمین، استقلال عمل خانم مجاوری را تحت تأثیر قرارداده باشد و آزادی تفکر او را از بین برده باشد.

به این دلایل، دادگاه در یک جلسه حضور و با شرکت کلیه طرفها، اظهار می‌دارد که حکم قبلی را در تمامی بخش‌هایش تأیید می‌کند.»



در قسمت دیگری از حکم دادگاه با اشاره به شهادت مرضیه باباخانی آمده است:

-او نسبت به وجود یک «توطئه» و یک «زدوبند» بین دولت فرانسه و ایران متقاعد شده بود و در این لحظه بود که او تصمیم به خودسوزی گرفته است.

او ساعت ۶ صبح ۱۸ ژوئن به‌نزدیکی محل د.اس.ت (مدیریت اطلاعات فرانسه) آمده و در این مدت تمامی سالهای مقاومت جلو چشم او رژه می‌رفته است.

او افزود: «من جلو وزارت کشور بودم، و آقایی را دیدم که فریاد می‌زد و پیراهن خود را از هم می‌درید. من همانجا تصمیم خودم را گرفتم. می‌خواستم که خودم را به آتش بکشم،

صحنه هایی از خود سوزی مجاهد خلق مرضیه باباخانی در مقابل وزارت کشور فرانسه









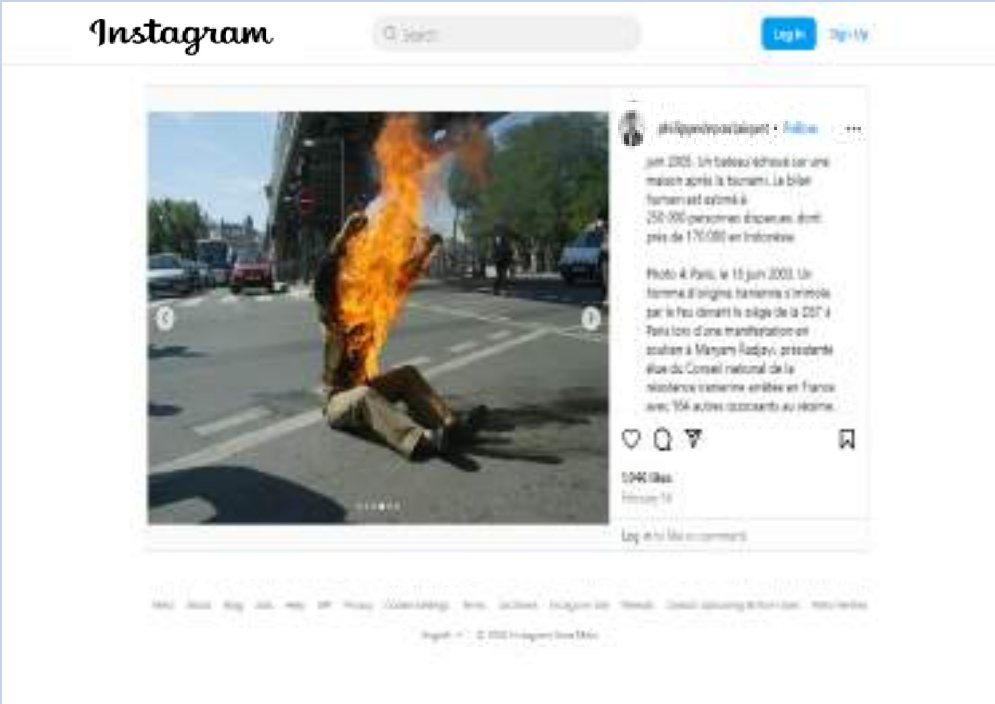





TRAUEN SIE SICH,
HINZUSEHEN?


PARIS MATCH
L'IRAN
prend feu
À Paris, accusés de terrorisme, les Moudjahidin du peuple s'immolent dans les flammes. À Téhéran, la révolte étudiante gronde et se répand dans les villes


3



صفحهٔ اینستاگرام عکاس روزنامه پاریزین پاریس-فیلیپ دو پولپیکه



IRAN

Satan auf Sendung

Zerreißprobe für den Gottesstaat: Landesweit gehen Studenten auf die Barrikaden, von außen verstärken die USA vor allem wegen Teherans Atomprogramm den Druck. Reformer setzen auf Beistand aus Europa, die religiösen Ultras klammern sich an die Macht.

Im Reich der Niederwelt rund um Hollywood zählte Sia Atabai, 60, lange zur großen Zahl der ehrbar namenlosen Prominenten. Die Fernsehstation National Iranian Television (NITV) des einstigen Teheraner Schlagerstars war mit ihrer kruden Mischung aus Nachrichten, Talkshows und Billigfilmen auf Farsi allenfalls unter Exil-Iranern ein Begriff.

Der große Traum Atabais, für neun von Millionen in den USA und Westeuropa lebenden Landsleute zu einem persischen Medienmogul aufzusteigen, schien allzu hochgesteckt – bis Mitte vorvergangener Woche.

Seit Ausbruch der Studentenproteste gegen die religiöse Führung in Teheran ist Atabai zumindest internationale Aufmerksamkeit weit über die Exil-Gemeinde hinaus sicher. Sein Sender NITV, der auch in Iran empfangen wird und die Unruhen mit organisiert haben soll, gilt als Albtraum der Mullahs.

Die Führung des Gottesstaats hat gemeint die Panik gepackt. Erstmals in der Geschichte der Islamischen Republik bildete das Innenministerium einen Krisenstab zur „Verteidigung der islamischen Grundwerte und Festigung der inneren Sicherheit". Generalstaatsanwalt Ali Jussefi forderte gar Sondergerichte, die in Schnellverfahren „staatsgefährdende Elemente" aburteilen sollen.

Und bedrohlicher noch für die religiöse Führung: Anders als bei früheren Unruhen steht der ober iranische Staats- und Regierungschef Mohammad Chatami nicht nur an der Heimatfront mit dem Rücken zur Wand. In Washington droht US-Präsident George W. Bush immer unverhohlener – selbst einen militärischen Einsatz schließt die Falken in seiner Regierung nicht aus.

So begrüßte der Führer der einzig verbliebenen Weltmacht nicht nur demonstrative die Proteste gegen das Regime, den Washington vorwirft, das Terrornetzwerk al-Qaida zu fördern und im Irak Unruhe gegen die US-Truppen zu schüren. Über die Internationale Atomenergiebehörde (IAEO) in Wien will Bush die Regierung in Teheran ebenfalls unter Druck setzen.

Protestaktion eines Volksmudschahid*
Massiver Schlag gegen die Opposition

* Am vergangenen Dienstag in Paris

304 DER SPIEGEL 26/2003

روزنامهٔ اشپیگل-۲۶ژوئن ۲۰۰۳



خود سوزی نادر ثانی –روزنامه آلمانی دی ولت

و با این کار صدایم را را به مردم فرانسه برسانم. من این‌جا و در این لحظه، و بعد از سی سال مقاومت و مبارزه در فرانسه، کشور آزادی و دمکراسی به این می‌اندیشیدم که این کشور دارد علیه مقاومت به زدوبند و معامله دست می‌زند....».



در حکم دادگاه هم چنین به شهادت محمد وکیلی‌فر اشاره شده که می‌گوید:

-خشونت بی‌حد در زمان دستگیریش و تهدید استرداد (مجاهدین) که مستمر تکرار می‌شد، عمیقاً او را تکان داد.

او تنها به یک چیز می‌اندیشید: چگونه می‌توان علیه این وضعیت اعتراض کرد، او در همان زمان، بدون اینکه با هیچ‌کس صحبت کند، تصمیم گرفت جلو بیشترین افراد برود و خودش را به آتش بکشد.

او افزود: «خودسوزی عملی بسیار دشوار است به‌نحوی‌که به هیچ‌وجه نمی‌شود کسی را به انجام آن اجبار کرد.

من ۴۷سال داشتم، با دو فرزند، تحصیلات عالیه‌ام را تمام کرده‌ام، و با سابقه سی سال مبارزه برای آزادی. چگونه ممکن است کسی با این داده‌ها تحت نفوذ کسی دیگر قرار بگیرد و دست به خودسوزی بزند؟ هدف من این بود که خیانت و توطئه را بر ملا کنم. نمی‌خواستم که این وضعیت در سکوت بگذرد.

فضیحت پروندۀ ۱۷ ژوئن و تلاشهای رسوای رژیم برای بازسازی این پروندۀ مرده، که هدف آن سربریدن مقاومت ایران بود، عرصه های دیگری هم داشت.

۶ مهر ۱۳۸۷: دیوان عالی کشور فرانسه، به‌عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی در فرانسه، درخواست فرجام مزدوران رژیم آخوندی را که تحت عنوان «قربانیان عملیات مجاهدین» مبادرت به شکایت علیه سازمان مجاهدین خلق ایران و اعضای مقاومت ایران در فرانسه کرده بودند، رد کرد.

عوامل رژیم مدعی شده بودند که در جریان یک عملیات نظامی در شهر اهواز، علیه مراکز سرکوبگر رژیم آخوندی متحمل خسارات شده بودند.

دیوان عالی کشور فرانسه با اشاره به دعاوی و استدلال‌های وکیل عوامل رژیم تأکید نمود که این اظهارات در هیچ شرایطی اجازه نمی‌دهد بپذیریم که رابطه ممکنی بین خسارتهای ادعا شده با پرونده تحقیقاتی در فرانسه وجود داشته باشد و از همین رو دادگاه استیناف در تصمیم خود یعنی رد درخواست این عوامل، برای دسترسی به پروندۀ ۱۷ ژوئن، محق بوده است.

افشاء و محکومیت مزدوران

در بهمن ماه ۱۳۸۸، یک شکست عبرت انگیز دیگر برای رژیم آخوندی و پرونده سازیهای رسوای پس از ۱۷ژوئن به ثبت رسید و شکایت وزارت بدنام اطلاعات آخوندها در فرانسه علیه ایوبونه و مقاومت ایران، بخاطر افشای مزدوران و شبکه اطلاعات آخوندی در دادگاه پاریس شکست خورد.

شکایت مزدوران از سوی شماری از همدستان رژیم و اطلاعات بدنام آن در فرانسه و یک سرویس فرانسوی که در پشت پروندۀ ننگین۱۷ ژوئن قرار داشت، مورد حمایت قرار گرفته بود.

شعبۀ ۱۷دادگاه جنحۀ پاریس، شکایت مزدوران: جهانگیر شادانلو، منوچهر شلالی و احسان نراقی را در این باره که در کتاب ایو بونه بنام «واواک در خدمت آیت‌الله‌ها» به غلط به مزدوری برای اطلاعات آخوندها متهم شده‌اند، رد کرد و مزدوری آنان برای اطلاعات بدنام آخوندها مسجل گردید.

این یک ضربۀ خردکننده و بی‌سابقه به وزارت بدنام شکنجه و جاسوسی رژیم ولایت فقیه به لحاظ سیاسی و بین‌المللی است. فاکتور هزینه‌ها و درخواست‌های مکرر احسان نراقی برای دریافت پول از احمدی‌نژاد، در مبارزه علیه مجاهدین در دادگاه برملا شد. به نحوی که احسان نراقی آلت دست بدنام اطلاعات آخوندها تاب نیاورد و به‌عربده‌کشی پرداخت که منجر به اخراج او از صحنه دادگاه، به دستور قاضی در روز ۱۸ دسامبر[۲۰] شده بود.

طبق حکم دادگاه که روز پنجشنبه ۲۲بهمن در شعبۀ ۱۷ دادگاه جنحۀ پاریس، عطف

۲۰- ۲۷ آذرماه ۱۳۸۸

به شکایت جهانگیر شادانلو، منوچهر شلالی و احسان نراقی مبنی بر انکار مزدوری برای اطلاعات آخوندها مندرج در کتاب آقای ایو بونه، قرائت گردید:



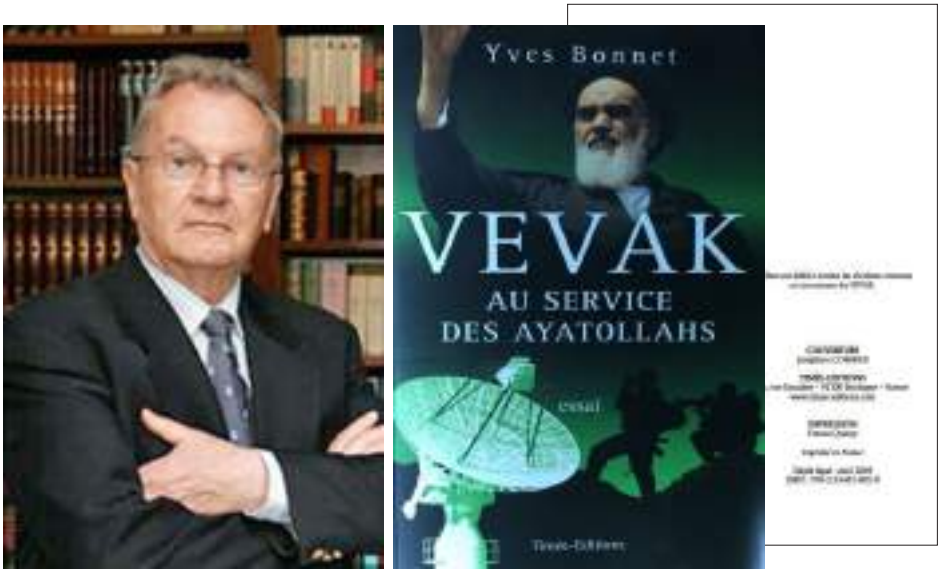


دادگاه شکایت مزدور جهانگیر شادانلو ، شکایت مزدور منوچهر شلالی، و شکایت مزدور احسان نراقی در این‌باره را رد کرد و به این ترتیب، مزدوری آنان برای اطلاعات بدنام آخوندها به لحاظ قضایی مسجل گردید. مزدوران در مجموع ۳۴۵ هزار یورو خسارت علاوه بر هزینهٔ دادگاه طلب کرده بودند.

مزدور احسان نراقی ۷ مورد شکایت از مندرجات کتاب ایو بونه ارائه داده و به‌خاطر این ۷ فقره، ادعای ۱۱۵ هزار یورو خسارت علاوه بر پرداخت هزینهٔ دادگاه از سوی مؤلف و ناشر کتاب «واواک در خدمت آیت‌الله‌ها» به‌عمل آورده بود.

دادگاه پاریس، شکایت احسان نراقی مهرهٔ شناخته شدهٔ ساواک شاه و خدمتگزار اطلاعات رژیم ولایت فقیه را در مورد اینکه وی عامل اطلاعات آخوندی شناخته شده است، افترا ندانست و رد کرد.

-دادگاه، شکایت احسان نراقی و انکار او را در مورد اینکه عضو ساواک رژیم شاه نبوده است، مردود شناخت و رد کرد.



جلد و پشت جلد کتاب «واوک درخدمت آیه الله ها-ناشر ایو بونه



مزدوران وزات اطلاعات : جهانگیر شادانلو ، منوچهر شلالی، احسان نراقی

-دادگاه، شکایت احسان نراقی و انکار او در مورد تأیید شکنجه علیه مجاهدین و مبارزین ایرانی را مردود شناخت و رد کرد.

-دادگاه، شکایت و انکار احسان نراقی در مورد تایید فتوای خمینی به قتل سلمان رشدی را مردود شناخت و رد کرد.

- دادگاه، هم چنین شکایت و انکار احسان نراقی را در مورد اینکه به توصیه رژیم آخوندی به خدمت یونسکو در آمده است، مردود شناخت و رد کرد.

به این ترتیب دادگاه، مزدوری احسان نراقی برای ساواک شاه و اطلاعات شیخ و هم چنین تأیید شکنجهٔ مجاهدین و تأیید فتوای قتل سلمان رشدی و نفوذ دادن او به یونسکو توسط رژیم آخوندی را غیرقابل انکار شناخت و در حکم صادره تصریح کرد: « اعلام برائت در مورد آنها[۲۱] تا آنجا که به موارد بالا بر می‌گردد».

۲۱-آقای ایو بونه و ناشر کتاب وزارت اطلاعات و امنیت در خدمت آیت‌الله‌ها

حکم دادگاه صراحت دارد که موارد زیر که در کتاب آقای ایو بونه آمده است، افترا محسوب نمی‌شود و شکایت از این موارد پذیرفته نیست:

یکم-جهانگیر شادانلو به‌عنوان مامور وزارت اطلاعات ایران می‌باشد که یک انجمن پوششی برای مأموریت‌های وزارت اطلاعات به‌راه انداخته است .

دوم-منوچهر شلالی بی‌تردید، مامور وزارت اطلاعات ایران با قصد نفوذ می‌باشد.

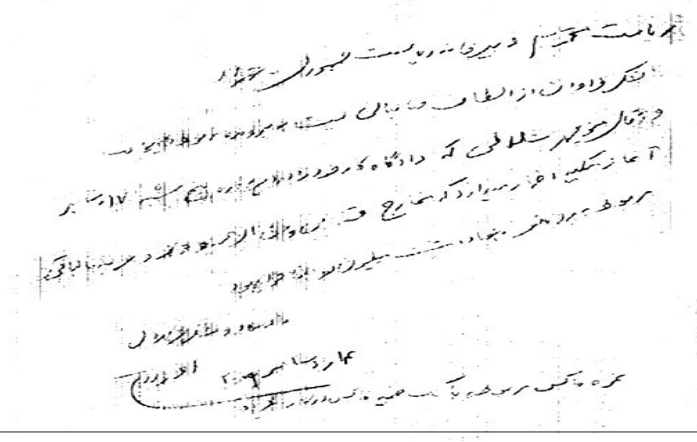
سوم-احسان نراقی در ادعانامهٔ خود ۹ مورد افترا را در هفت فقره شکایت مشخص، مطرح کرده است. آقای ایو بونه به جز ۲مورد که در ذکر آنها احتیاط لازم را به خرج نداده، در بیان۷مورد دیگر محق بوده است. به این معنا که اعلام و انتشار این ۷مورد، منع قانونی ندارد و شکایت از آن پذیرفته نیست.

چهارم-هدف از نگارش کتاب «وزارت اطلاعات و امنیت در خدمت آیت‌الله‌ها» از جمله نشان دادن شبکهٔ عوامل وزارت اطلاعات رژیم ملاها در فرانسه و تلاش این شبکه برای بی‌اعتبار ساختن اپوزیسیون اصلی رژیم یعنی سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت ایران بود.

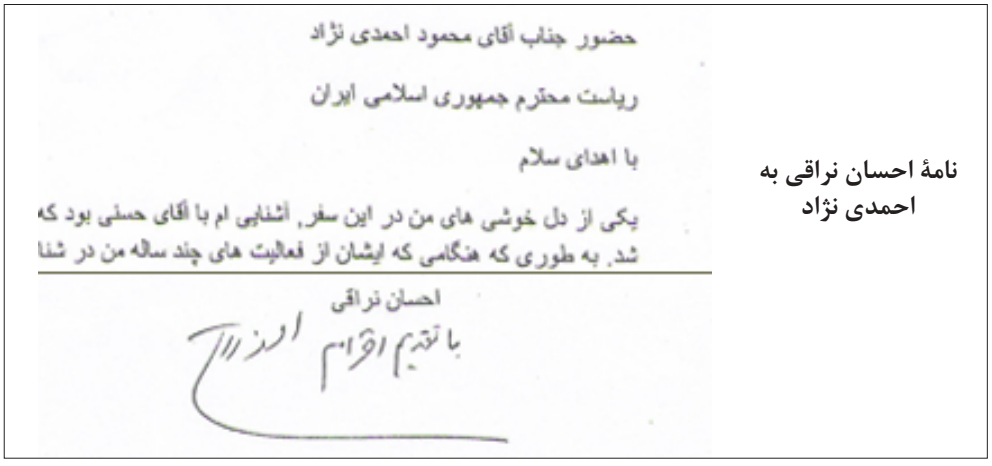
پنجم-احسان نراقی یک «عضو حزب توده» که متعاقباً خدمات خودش را در اختیار «ساواک» قرار داده، می‌باشد که نهایتاً بعد از سرنگونی شاه بار دیگر «تغییر مسیر» می‌دهد و با رژیم مذهبی ایران به‌همکاری می‌پردازد.

آزادی احسان نراقی از زندان رژیم خمینی بر خلاف ادعای خودش که می‌گوید در دادگاه تبرئه شده است، با استفاده از عفو خمینی صورت گرفته است .

ششم-نراقی در زمینهٔ «بی‌اعتبار ساختن» مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت ایران به‌ویژه نزد دولت‌ها فعال می‌باشد. با استناد به نامه‌های خصوصی و محرمانه نراقی به احمدی نژاد و دفتر او که در اختیار دادگاه قرار داده شده، نتیجه‌گیری می‌شود که « نامهٔ مورد بحث نشان دهنده نزدیک بودن نراقی به حکومت فعلی ایران و اراده او برای بی‌اعتبار ساختن مجاهدین است».



نامهٔ احسان نراقی به دفتر احمدی نژاد و مشخصات حساب بانکی او



حضور جناب آقای محمود احمدی نژاد

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با اهدای سلام

یکی از دل خوشی های من در این سفر، آشنایی ام با آقای حسنی بود که شد. به طوری که هنگامی که ایشان از فعالیت های چند ساله من در شنا

احسان نراقی

با تقدیم احترام

نامهٔ احسان نراقی به احمدی نژاد



هفتم-نراقی از فتوای قتل سلمان رشدی ابراز «خوشحالی» کرده و حتی در جلسات دادگاه نیز از این فتوا انتقادی نکرده است.

هشتم-نراقی «شکنجه» را «صد درصد» قابل توجیه می‌داند و بدینوسیله، استفاده از شکنجه علیه مخالفان رژیم ایران را مورد تأیید قرار داده است. درجلسهٔ دادگاه نیز نراقی پذیرفت «فشار آوردن بر افرادی که در صدد انجام کارهای بسیار بد هستند» اگر « این کار با انسانیت انجام شود»!! قابل توجیه است. علاوه بر این شاهدان متعدد، در بارهٔ تمجید او از لاجوردی «قصاب تهران» گواهی داده‌اند.

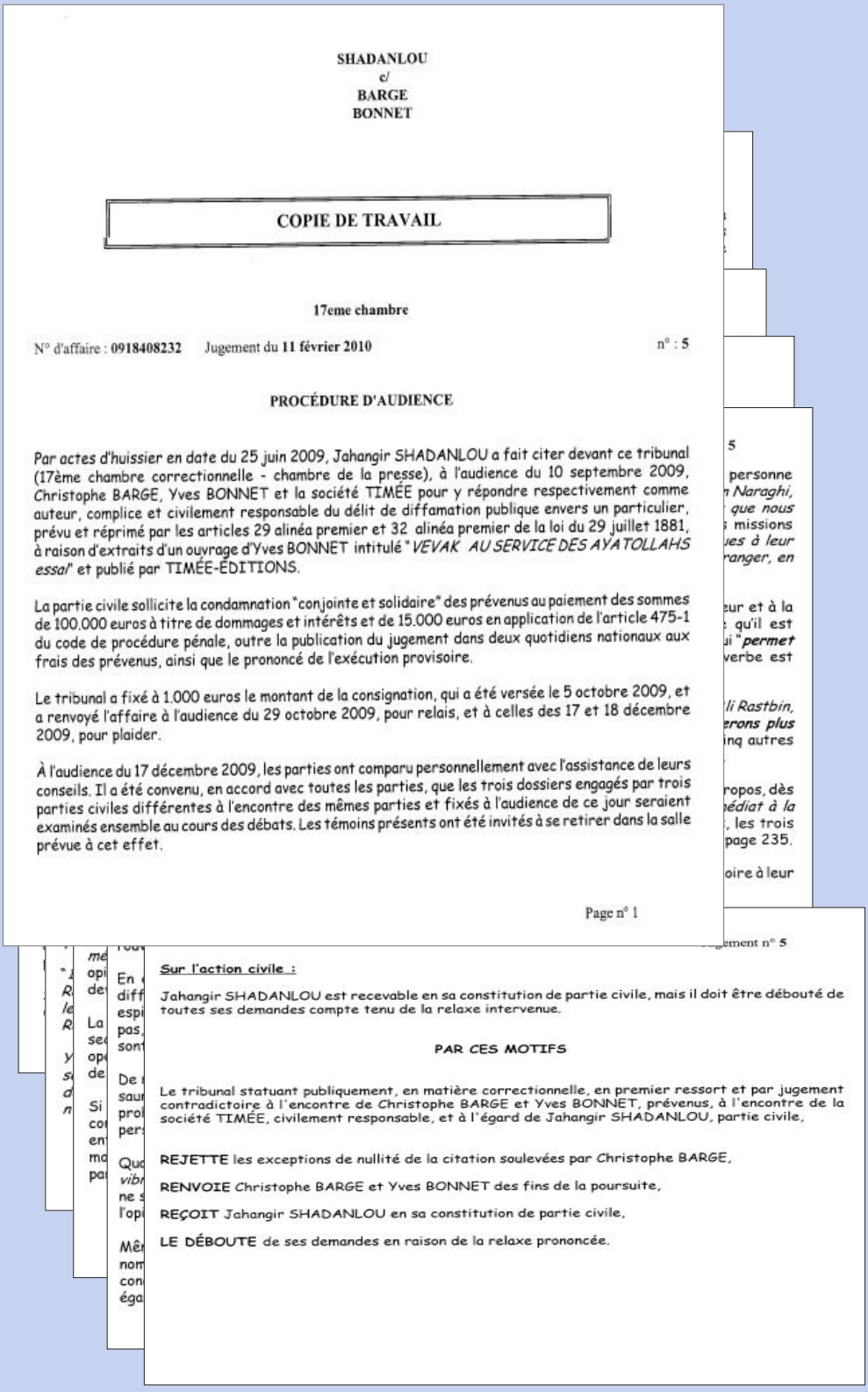
نهم-نراقی به‌توصیه رژیم ایران در یونسکو به‌کار گرفته شده بود.

دهم-نراقی همزمان با عملیات ۱۷ژوئن ۲۰۰۳، علیه دفتر مرکزی شورای ملی مقاومت ایران در اور سوراواز، با اسم ساختگی «شارپانتیه» اقدام به نوشتن کتابی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران کرده است.

یازدهم- به‌گواهی آقای وین گریفیث، پارلمانتر انگلیسی، در جریان دیدارش از زندان اوین در سال ۲۰۰۴، نراقی در زندان اوین در جریان صرف شام حضور پیدا کرده بود تا «یک نمود احترام به رژیم ایران بدهد». پارلمانتر انگلیسی "محتمل" می‌شمارد که نراقی در "تکنیک بازجویی باز و کبوتر" شرکت کرده باشد. نراقی تلاش می‌کرده است تا زندانی را وا دارد که "اعتقادش را تغییربدهد".

دوازدهم-آقای بونه محق بوده است پروسه احسان نراقی را به‌عنوان کسی مورد انتقاد قرار

حکم شعبهٔ ۱۷ دادگاه جنحهٔ پاریس



SHADANLOU
c/
BARGE
BONNET

COPIE DE TRAVAIL

17eme chambre

N° d'affaire : **0918408232** Jugement du **11 février 2010** n° : **5**

PROCÉDURE D'AUDIENCE

Par actes d'huissier en date du 25 juin 2009, Jahangir SHADANLOU a fait citer devant ce tribunal (17ème chambre correctionnelle - chambre de la presse), à l'audience du 10 septembre 2009, Christophe BARGE, Yves BONNET et la société TIMÉE pour y répondre respectivement comme auteur, complice et civilement responsable du délit de diffamation publique envers un particulier, prévu et réprimé par les articles 29 alinéa premier et 32 alinéa premier de la loi du 29 juillet 1881, à raison d'extraits d'un ouvrage d'Yves BONNET intitulé "*VEVAK AU SERVICE DES AYATOLLAHS essai*" et publié par TIMÉE-ÉDITIONS.

La partie civile sollicite la condamnation "conjointe et solidaire" des prévenus au paiement des sommes de 100.000 euros à titre de dommages et intérêts et de 15.000 euros en application de l'article 475-1 du code de procédure pénale, outre la publication du jugement dans deux quotidiens nationaux aux frais des prévenus, ainsi que le prononcé de l'exécution provisoire.

Le tribunal a fixé à 1.000 euros le montant de la consignation, qui a été versée le 5 octobre 2009, et a renvoyé l'affaire à l'audience du 29 octobre 2009, pour relais, et à celles des 17 et 18 décembre 2009, pour plaider.

À l'audience du 17 décembre 2009, les parties ont comparu personnellement avec l'assistance de leurs conseils. Il a été convenu, en accord avec toutes les parties, que les trois dossiers engagés par trois parties civiles différentes à l'encontre des mêmes parties et fixés à l'audience de ce jour seraient examinés ensemble au cours des débats. Les témoins présents ont été invités à se retirer dans la salle prévue à cet effet.

Page n° 1

Sur l'action civile :

Jahangir SHADANLOU est recevable en sa constitution de partie civile, mais il doit être débouté de toutes ses demandes compte tenu de la relaxe intervenue.

PAR CES MOTIFS

Le tribunal statuant publiquement, en matière correctionnelle, en premier ressort et par jugement contradictoire à l'encontre de Christophe BARGE et Yves BONNET, prévenus, à l'encontre de la société TIMÉE, civilement responsable, et à l'égard de Jahangir SHADANLOU, partie civile,

REJETTE les exceptions de nullité de la citation soulevées par Christophe BARGE,

RENVOIE Christophe BARGE et Yves BONNET des fins de la poursuite,

REÇOIT Jahangir SHADANLOU en sa constitution de partie civile,

LE DÉBOUTE de ses demandes en raison de la relaxe prononcée.

بدهد که با خانواده پهلوی آشنایی نزدیک داشته و در انقلاب اسلامی به زندان افتاده و سپس به یک روشنفکر دارای رابطه ارگانیک با قدرت حاکم، یعنی رژیم آخوندی تبدیل شده است.

البته دادگاه شکنجهٔ روانی از سوی نراقی را که ایوبونه در کتابش نوشته بود، قبول نکرد و الا به‌مجازات نراقی منجر می‌شد. دادگاه هم‌چنین نپذیرفت که نراقی افرادی را برای شهادت‌دادن علیه مجاهدین نزد یک سرویس فرانسوی شناخته شده برده است. پذیرش چنین چیزی از سوی دادگاه، مفتضح شدن یک سرویس فرانسوی بود. از این‌رو دادگاه در حکم خود خاطرنشان کرد که آقای ایوبونه باید در این دو مورد احتیاط به خرج می‌داد!

جالب اینکه نراقی و سایر مزدوران در شکایت خود به‌خاطر این که ایوبونه برای آنها آبرویی باقی نگذاشته، ۳۴۵ هزار یورو درخواست خسارت کرده بودند. دادگاه پرداختن یک درصد آن (در مجموع ۳۵۰۰ یورو) را قبول کرد، با این تبصره که هزار یورو از این ۳۵۰۰ یورو، یک جریمه تعلیقی است و در صورتی پرداخت می‌شود که ناشر در انتشارات بعدی خود عدم احتیاط به‌خرج بدهد. هم‌چنین آقای بونه چنانچه ظرف یک‌ماه خرج مقرر دادگاه را از همین ۳۵۰۰یورو بدهد ۲۰٪ آن تخفیف داده خواهد شد!

متعاقباً وکلای ایوبونه و شرکت ناشر اعلام کردند که چیزی نخواهند پرداخت و در همین دو مورد "عدم احتیاط" نیز هم استیناف خواهند خواست و مطمئن هستند که در دادگاه بعدی، صحت همین دو مورد هم به اثبات می‌رسد.

ثبت در تاریخ: سرفرازی مقاومت و ذلّت خائنان و جاسوسان

دادگاه پاریس (شعبهٔ۱۷) در روزهای ۱۷ و ۱۸ ۲۰۰۹ [۲۲] صحنهٔ یک رویارویی آشکار با دستگاه جاسوسی و اطلاعاتی نظام جبار ولایت فقیه و وزارت اطلاعات آخوندی بود که طی سالیان برای حفظ نظام ولایت فقیه، با صرف هزینه‌های هنگفت میلیاردی، به کار جاسوسی و ترور و انتشار اطلاعات دروغ و شیطان‌سازی علیه مقاومت و مخالفان رژیم اهریمنی آخوندها مشغول بوده است.

شماری از شخصیت‌های برجستهٔ فرانسوی و اروپایی و هم‌چنین مسئولین کمیسیون‌ها و اعضای شورای ملی مقاومت ایران، زندانیان سیاسی و حامیان مقاومت، به‌عنوان شاهد در جایگاه شهود قرار گرفتند و با ذکر نمونه‌هایی از همکاری و همدستی نراقی با وزارت اطلاعات آخوندها و ساواک شاه عملکرد و ماهیت ننگین احسان نراقی و دیگرعوامل شبکهٔ اطلاعات آخوندها را برای دادگاه و ناظران اثبات کردند.

شهود، طی جلسات دو روزهٔ دادگاه، پیرامون عملکرد و سوابق نراقی در خدمت به دو دیکتاتوری شیخ و شاه و علیه مبارزان آزادی ایران و در باره صحت روشنگری‌های آقای ایوبونه درکتاب واواک درخدمت آیت لله‌ها گواهی دادند.

علاوه بر شهادت شهود، انبوهی اسناد و مدارک دیگر نیز به دادگاه ارائه شد که همگی گواه مزدوری نراقی برای وزارت اطلاعات آخوندها و ساواک شاه بود و بسیاری از آنها گواهی

۲۲- ۲۶ و ۲۷ آذر ۱۳۸۸

نویسندگان و روشنفکران ایرانی را در مورد عملکرد ننگین احسان نراقی علیه مبارزان آزادی ایران‌زمین و در خدمت به دیکتاتوریهای شیخ وشاه ثابت می‌کرد.

در مقابل این اتفاق، نظر عمومی در خصوص مزدوری احسان نراقی برای دیکتاتوری شاه وشیخ، بنی‌صدر و احمد سلامتیان همپالکی بنی‌صدر، نامه‌هایی در حمایت از احسان نراقی نوشته بودند که البته موجب رسوایی خود آنها گردید. زیرا در جلسات دادگاه و هم در حکم صادر شده از سوی دادگاه، دعاوی نراقی و شرکا برای انکار مزدوریشان مردود شناخته شد و خدمت‌گذاری آنها علیه مجاهدین برای اطلاعات بدنام آخوندها مسجل گردید .

شایان ذکراست که بنی صدر، در سالهای پس از ۱۷ ژوئن، در رویارویی‌های متعدد حقوقی و سیاسی بین مجاهدین ومقاومت ایران از یک‌سو و اطلاعات آخوندی و مزدورانش از سوی دیگر، در منتهای دنائت و خیانت، به‌حمایت از اطلاعات آخوندها و مزدوران و جاسوسان رژیم مبادرت می‌کرد.

مسعود رجوی-۲۸ آذر ۱۳۸۶



«چه روزگار غریبی که در آن آخوندهای یاوه‌گو که کارشان حتی یک روز، بدون سر و دست بریدن و جراثقال پیش نمی‌رود، یک مقاومت سترگ و تاریخی را که هر روزش حماسه است، به‌سکت و تروریسم متهم می‌کردند. دست پیش می گرفتند تا پس نیفتند!

نمی دانستند که در هر حال، آنها را واپس می نشانیم. مضحک‌تر، پشتیبانان آبروباخته و مزدورانی که گمان می‌کردند دنیا هیچ حساب و کتابی ندارد! گفته بودیم " در جایی که هنوز یک قطرهٔ قانون و یک ذره آزادی و وجدان وجود دارد، تردید نکنید که ما پیروز می‌شویم".

بگذریم که اگر قانون و عدالت بی‌مانع و رادع جاری شود و مبتنی بر سیستم قطره‌ای و ذره‌ای نباشد، بی‌گمان در این دادگاه‌ها، جای ظالم و مظلوم و جای قربانی و جلّاد بالکل باید تغییر کند. ظالم و جلاد همین ظَلَمهٔ دینی و همان عملهٔ لعنت‌شده فاشیسم مذهبی هستند که برای کشتار و سرکوب مجاهدین، اسب زین کردند و اسباب کار آماده ساختند و گواهی دروغ دادند».

فصل نهم

فرجام پرننگ

فرجام پرننگ

فرجام پرننگ شماری دیگر از همدستان رژیم آخوندی و گشتاپوی بدنام آن را در ادامهٔ پروندهٔ ۱۷ژوئن مرور می‌کنیم. تبرئهٔ ایران فوکوس در دادگاه پاریس به‌راستی سند دیگری بر بی‌بنیاد بودن پروندهٔ ۱۷ ژوئن است.

روز پنج‌شنبه دوم اسفند ۱۳۸۶، دادگاه پاریس شعبهٔ هفدهم به رسیدگی به شکایتی پرداخت، که دو سال قبل از سوی یک عامل فرانسوی به نام آلن شوالریاس، علیه سایت ایران فوکوس به‌عمل آمده بود.

شکایت مربوط به مقاله‌یی بود که در ۲۰تیر۱۳۸۴ در سایت ایران فوکوس، درباره ارتباطات شوالریاس با وزارت اطلاعات و همکاری تنگاتنگ وی با همدستان مزدوران رژیم در خارج کشور علیه سازمان مجاهدین خلق ایران، منتشر شده بود.

همدستان و همکاران اطلاعات آخوندها در آن زمان، و در شرایطی که هرگز گمان نمی‌کردند که دو سال بعد این‌چنین در برابر مقاومت ایران دچار ذلّت و رسوایی شوند، به‌طمع شکایت افتادند تا شاید از ننگ همدستی با وزارت بدنام جاسوسی و کشتار بگریزند.



آلن شوالریاس یک عامل فرانسوی





اما در دادگاهی که روز دوم اسفند ۸۶ در پاریس برگزار شد، صحنه به‌کلی متفاوت و دادگاه به صحنه رسوایی و محاکمه عوامل اطلاعات آخوندها تبدیل شد.

در جریان دادگاه یک‌بار دیگر شبکه اروپایی و خارج کشور عوامل اطلاعات آخوندها و مزدورانی که پیش از این از سوی مقاومت ایران افشا شده بودند رسوا شدند. رژیم آخوندی با صرف صدها میلیون دلار از سرمایه‌های مردم ایران، به‌وسیله شبکهٔ عریض و طویل اروپایی، کارزار شیطان‌سازی و سرکوبگرانهٔ فاشیسم مذهبی علیه مجاهدین را پیش می‌برد.



ابتدا رئیس دادگاه سابقهٔ امر را بیان کرد و در گزارش خود بخشهایی از مقالهٔ ایران فوکوس را قرائت کرد:

آیا شوالریاس مأمور سرویسهای مخفی فرانسه است؟

براساس منابع موثق، مشاور وزارت خارجه ایران جواد منصوری که یکی از بنیانگذاران سپاه پاسداران می‌باشد، در یک جلسهٔ سری فاش ساخته است که «سرویس اطلاعاتی فرانسه با سرویس اطلاعاتی ایران بعد از ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ تماس گرفته و از آنها درخواست گرفتن مدارک منافقین را نموده است. سرویس اطلاعاتی فرانسه شوالریاس را به‌عنوان کسی که اطلاعات منافقین را جمع آوری می‌کند، معرفی کرده‌اند» ....

«برای پاسخ دادن به درخواست سرویس اطلاعات فرانسه در رابطه با انجام تحقیقات درمورد منافقین، یک روزنامه‌نگار فرانسوی به نام آلن شوالریاس خود را به وابسته مطبوعاتی







شوالریاس



جواد منصوری مشاور وزرات خارجه رژیم

جواد منصوری در یک جلسهٔ سری :

«سرویس اطلاعاتی فرانسه با سرویس اطلاعاتی ایران بعد از ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ تماس گرفته و از آنها درخواست گرفتن مدارک منافقین را نموده است. سرویس اطلاعاتی فرانسه شوالریاس را به‌عنوان کسی که اطلاعات منافقین را جمع آوری می‌کند، معرفی کرده‌اند».

ما آقای فرزاد فرهنگیان معرفی کرده که وی مقدمات سفر او به ایران را تدارک ببیند. وزارت اطلاعات هماهنگیهای لازمه را با وزارت خارجه در رابطه با اینکه آقای فرزاد فرهنگیان دیدارهای تحت نظارت وزارت اطلاعات در این رابطه را تدارک ببیند، انجام داده است».

در مقالهٔ ایران فوکوس که در جلسهٔ دادگاه قرائت گردید هم‌چنین آمده بود:

«درتابستان ۲۰۰۳ به‌دنبال یک هماهنگی بین سرویسهای فرانسه و سرویسهای ایرانی، آلن شوالریاس خود را به سفارت ایران در پاریس معرفی می‌کند که فقط تعداد اندکی از علت حضور او مطلع هستند زیرا [این موضوع را] یک مسئله سکرت ارزیابی کرده‌اند ....

یکی از منابع ما گزارش داد که احمد احمد یک مأمور سرویس مخفی رژیم که با شوالریاس ملاقات داشته در یک نشست خصوصی گفته است که "در پائیز سال ۲۰۰۳ آقای امیرحسین تقوی[۲۳] جانشین وزیر فعلی اطلاعات، با من تماس گرفت و به من گفت که یک نفر برای دیدن من خواهد آمد. او یک فرانسوی است او به من توضیح داد که او درحال آماده کردن مطلبی علیه منافقین در فرانسه است. فردی که قرار بود به من معرفی شود توسط فرانسه فرستاده شده بود و ما مأموریت داشتیم که با او همکاریهای لازمه را انجام دهیم که او بتواند یک گزارش در رابطه با وضعیت منافقین تهیه کند و شخص تقوی خودش قرار این ملاقات را با من ثابت کرد. دو نفر او را همراهی می‌کردند، محل قرار در خانه من بود، او مردی ۴۵-۵۰ ساله بود و قیافه‌یی متقلب داشت و در انسان سوءظن برمی‌انگیخت".

شوالریاس آیا یک اسب سرویس مخفی رژیم ایران در فرانسه نیست؟

امروز واواک درحال به راه انداختن یک کمپین شیطان‌سازی علیه اپوزیسیون رژیم ایران که علیه یک رئیس‌جمهور محافظه‌کار که در کشتار اپوزیسیون ایرانی در خارج کشور شرکت داشته است، وارد یک فاز خطرناک‌تر و خونین‌تر از فعالیتش در خارج کشور می‌شود».

نخستین کسی که برای دفاع و شهادت دادن به سود همکار اطلاعات آخوندها به صحنه آمد، ابوالحسن بنی‌صدر اولین رئیس‌جمهور خمینی بود که به‌رغم همه ادعاها و ژستهای پیشین، به دفاع از یک جاسوس اجنبی علیه آزادی بیان و افشاگری یک سایت ایرانی در خارج کشور مبادرت کرد. آمده بود تا علیه فرزاندان مجاهد مردم ایران به شهادت دادن دروغین بپردازد.

اما حقوقدان و وکیل برجستهٔ فرانسوی تی یری لوی، با سؤالات پیاپی خود، او را ناگزیر

۲۳-با نام مستعار محمدرضا ایروانی

کرد از دعاوی خود یکی پس از دیگری عقب بنشیند.

حقوقدان فرانسوی ازجمله او را ناگزیر کرد بپذیرد که رژیم آخوندی بسیاری از جنایات خود از جمله اعدام و شکنجه و تروریسم را به مجاهدین نسبت داده و هم‌چنین ممکن است افرادی را خریده باشد....

بنی‌صدر که برای گرفتن مسند ریاست از خمینی در سال ۵۸ به‌صراحت می نوشت که نویسندهٔ اصل ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده است، ابتدا شیادانه تلاش کرد بین رژیم و ضدرژیم کمر مار را بگیرد و مجاهدین و رژیم را با هم تراز کند. اوگفت: «ایران توسط رژیم استبدادی و گروههای ضددموکراتیک که می‌خواهند وحشت را بر همه مسلّط کنند و سکوت را تحمیل کنند محاصره شده است. در خارج این تروریسم اخلاقی چگونه عمل می‌کند؟ با کشتن در خارج کشور. در خارج هم قتل وجود دارد و هم گروههای ضددموکراتیک..... آنها سایتهای اینترنتی دارند. اگر کسی جرأت کند از آنها انتقاد کند، مأمور واواک و مزدور خمینی و غیره می‌شود. در آلمان یکی از دوستان من به‌همین دلیل که من این‌جا برای شهادت آمده‌ام شکایت کرده است. بایستی به هر قیمت از حق سخن‌گفتن دفاع کرد.... ».

درست در همین نقطه بود که مجاهدین به‌دلیل آمدن بنی‌صدر به این دادگاه و شهادت دادن به نفع یک همدست اطلاعات آخوندها، آن‌هم در کنار یک مأمور دیگر شکنجه‌گاه اوین به نام "ان خدابنده" (زن انگلیسی مزدور مسعود خدابنده) پی بردند. در ابتدای کار و در شروع صحنهٔ دادگاه، قابل‌فهم نبود که چرا باید بنی صدر دوشادوش چنین مزدورانی به حضور علنی مبادرت کند و خود را این چنین ارزان بفروشد. در یک محاسبهٔ سرانگشتی سیاسی، این یک حراج کردن خویش به نازل‌ترین قیمت بود. اما وقتی که بنی صدر تصریح کرد که یکی از دوستانش به همین خاطر که او به دادگاه آمده در آلمان به شکایت از مجاهدین مبادرت کرده است، مجاهدین فهمیدند که هدف از حضور بنی صدر در دادگاه فرانسه، سپر ساختن برای شکایت آلمان است. یک پیشدستی یا فرار به جلو برای آببندی کردن نتایج شکایت دوستش در آلمان علیه مجاهدین.

دو ماه بعد مجاهدین رمز و راز این موضوع و دلیل نعل وارونه زدن بنی صدر را در نشریه مجاهد به تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۳۸۷ فاش کردند.



سازمان مجاهدین خلق ایران افشا می کند:

همدستی بنی صدر و شرکا با وزارت اطلاعات و ارتزاق ننگین از فیلترینگ و ساتسور اینترنتی

مجاهد

شماره ۹۰۳

شکست رژیم آخوندی در دادگاه پاریس

دادگاه پاریس شکایت همدست اطلاعات آخوندها علیه «ایران فوکوس» را مردود شناخت

رئیس جمهور برگزیده مقاومت:

- جریان دادگاه تلاش آخوندها برای سوءاستفاده از دستگاه قضایی فرانسه را با شکست مواجه کرد

- این برجسته نمونه بر جسته‌ای است که نشان می دهد خیانتهای ترویجی بیش از این به دیگر مشهور از کشته‌های متعدد و طرق متنوعه انتخابات ارزیابی آخوند سال ۱۹۹۲، آنها را از کشورهای اروپایی اخراج کنند

نوری انوری حقوقدان برجسته فرانسوی در جلسه دادگاه گفت: آوردن چند سربازی در برابر کامیون دادگستری و فریاد بیداری حسنت، آنها از مردم خیابان رو به آوردن آدرسهای دقیق دادگاه میلی از حد کوچک است و محاکمه انجام داده نشد. که پرونده دادگاه نمونه آنها و پایان مقاومت دادگاه ایران مشخص نیست. اگر ایرانگ خیلی فشار بیرونی در کار باشد این محاکمه که من شاهد علاقه آن را تشریح می‌کنم پذیرایی نمی‌کند که فرانسه دستگاه قضایی خود را در قضیه‌ای سیاسی در برابر دادگاه قرار دهد. این دادگاه نمونه‌ای از پایان مقاومت ایران است که من شاهد آن بودم.

ژان شوالریاس... آزادی را علیه ارتجاع سیمین ایران برای وزارت تهیه کرد.

شوالریاس همراه تعدادی فیلمبردار آمده و دوربین برای فیلمبرداری از جلسه‌های دادگاه حضور یافته بودند. این جلسه‌ها بعنوان اعتمادبخشی داشت. یکی از شاهدان که توسط وکیل مدعی احضار شده بود، اعلام کرد که با فیلمبرداری از جلسه‌ها مخالف است و حاضر نیست در چنین شرایطی شهادت دهد. اما دادگاه با این درخواست مخالفت کرد و اعلام داشت که فیلمبرداری از جلسه‌ها مانعی برای شهادت دادن شاهد ایجاد نمی‌کند.

در جلسه دادگاه، شوالریاس در پاسخ به سوال وکیل مدعی که پرسیده بود آیا شما کسی هستید که آیا مدعا را ترک کند، سه مرده ترور من آمدند دو ایرانی و شوالریاس او همراهان را جستجو داد صحبت می کرد.

از حکم دادگاه

ژان شوالریاس... آزادی را علیه ارتجاع سیمین ایران برای وزارت تهیه کرد.

شوالریاس همراه تعدادی فیلمبردار آمده و دوربین برای فیلمبرداری از جلسه‌های دادگاه حضور یافته بودند. این جلسه‌ها بعنوان اعتمادبخشی داشت. یکی از شاهدان که توسط وکیل مدعی احضار شده بود، اعلام کرد که با فیلمبرداری از جلسه‌ها مخالف است و حاضر نیست در چنین شرایطی شهادت دهد. اما دادگاه با این درخواست مخالفت کرد و اعلام داشت که فیلمبرداری از جلسه‌ها مانعی برای شهادت دادن شاهد ایجاد نمی‌کند.

مهدی ابریشمچی در جلسه دادگاه:

مفتضح‌شدن دعاوی اطلاعات آخوندی در دادگاه پاریس

وکیل ایران فوکوس در جلسه دادگاه

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

شکست رژیم آخوندی در دادگاه پاریس

دادگاه پاریس شکایت همدست اطلاعات آخوندها علیه «ایران فوکوس» را مردود شناخت و به تبرئه مدیر این سایت رأی داد





دادگاه پاریس شکایت همدست اطلاعات آخوندها علیه «سایت ایران فوکوس» را مردود شناخت و به تبرئه مدیر این سایت رأی داد

اظهارات شاهدان ایران‌فوکوس در دادگاه



مهدی اخوان‌مقدم: کارزار شیطان‌سازی علیه مقاومت ایران توسط مأموران رژیم

آلن شوالیه‌پاس خبرنگار پاری‌ماتچ!

اعتراف شوالیه‌پاس به شرکت در توطئه ویژگان اطلاعات در اروپا-پاژ

شهادت پانوئو کاسا؛ نماینده پارلمان اروپا در دادگاه

حسن حبیبی: شوالیه‌پاس در جلسه غیاب و صفایی با عراقیان

لیلا مرادپور: شوالیه‌پاس در کنار سیمکشی، خبایثه و خلی به جوان مأموران رژیم آخوندی است



بخشهایی از آخرین دفاعیات وکیل ایران فوکوس

آیا در کار آقای شوالریاس هیچ چیزی از شرافت از نقطه نظر معنوی و اخلاقی وجود دارد؟



شکست رژیم آخوندی در دادگاه پاریس

نعیم سرهنگ پیمزاد معزی با برنامه از تیاط مستقیم تلویزیون سیمای آزادی درمورد دادگاه پاریس









آلن شوالریاس همدست مزدوران شناخته‌شده وزارت اطلاعات در همه صحنه‌ها علیه مجاهدین



مأموران وزارت اطلاعات در صحنهٔ توطئهٔ ننگین















کین توزی ارتجاعی بنی‌صدر با مجاهدین و مقاومت ایران



مجاهد شهید دکتر کاظم رجوی
اعضای شورای ملی مقاومت و مسئولین
سازمان مجاهدین خلق ایران
www.iran-archive.com

بیانیه شورای ملی مقاومت

۶ شهریور ۱۳۶۳/۱

نقل از نشریه مجاهد
شماره ۲۲۲ مورخ ۱۲ مهر ۱۳۶۳

پرونده‌سازی برای سرکوب مقاومت عادلانه مردم ایران

نقل از گفتار
«افراد فاقد مسئولیت اجرایی ملی مقاومت در مورد ترور ۷
بهمن ۱۳۶۳

ندامت تلویحی به آستان ولایت‌فقیه

مفهوم جدایی از بنی‌صدر

چند نکته برای قضاوت تاریخ

کین توزی ارتجاعی بنی‌صدر با مجاهدین و مقاومت ایران

از خوشحالی به‌خاطر قتل‌عام زندانیان مجاهد تا «شاهد زور» در پرونده‌سازیهای رژیم

در بحبوحه قتل‌عام زندانیان در ۱۳۶۷: بنی‌صدر: هرکس را که رژیم بدهم مجاهدین اعدام می‌کند مردم خوشحال نمی‌شوند

توجه همیاران فرارگاههای ترنس آزاد بمحض

(نقل از شماره مجاهد شماره ۲۰۱)

نسبت دادن جنایت آخوندها در مکه به مجاهدین در سال ۱۳۶۶

(نقل از شماره مجاهد ۲۱۰)

بنی‌صدر با تشکیل هیئتهای وزارت اطلاعات و نظر تشتت، خود را قدم به قدم در پروژه‌سازی شرکت مجاهدین در بمبگذاری مکه که بیش از ۴۰۰ زائر از ایران کشته‌شان در آن کشته شدند، می‌نمود و بعضی از روزنامه‌ها و رادیوهای تبلیغاتی رژیم هم طبل‌کذار می‌زدند که «بنی‌صدر با نقش عراقیها و تحدانش مطلق نوشته»!!

اعتراف رژیم در سال ۱۳۸۱ به صدور نوعی پسمند سازی برای کشتار راننران و به آتش کشیدن خانه حسنا با شرکت مرحوم‌دادی رئیس کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس رژیم

(نقل از شماره شماره ۸۸۵)

شهادت مکتوب بنی‌صدر برای طرح در دادگاه هلند در دفاع از دعاوی مزدور وزارت اطلاعات علیه مجاهدین

(نقل از شماره مجاهد شماره ۳۰۰ و ۳۰۱)

بنی‌صدر «شاهد زور» برای صحنه‌سازیهای وزارت اطلاعات

کین توزی از تجاعی بنی‌صدر با مجاهدین و مقاومت ایران

همکاری با شبکه مأموران وزارت اطلاعات در اروپا

بنی‌صدر به مأموران اطلاعات آخوندی: از مبارزه با مجاهدین سست نشوید

ملاقات ۸ مأمور وزارت اطلاعات با بنی‌صدر در خانه‌اش و کمک خواستن از او برای توطئه علیه مجاهدین



بنی‌صدر و هفت مأمور وزارت اطلاعات، «شاهدان رژیم آخوندی در پرونده ۱۷ ژوئن»

تلاش بنی‌صدر برای سفیدسازی مأموران وزارت اطلاعات در مقابل پلیس اروپا

سفیدسازی محمدحسین سبحانی مزدور اعزامی وزارت اطلاعات از هتل مرمر تهران



کین توزی از تجاعی بنی صدر با مجاهدین و مقاومت ایران

لجن‌پراکنی علیه روشنگریهای مقاومت در مورد برنامه اتمی و اسلحه کشتار جمعی رژیم

«امام»زاده دروغگو

منوچهر هزارخانی

نقل از نشریه مجاهد شماره ۶۵۰ ـ ۲۳ آبان ۱۳۸۶



بی‌صدر در نشریه مورخ ۲۴ اکتبر بند ۲۰ خود، می‌کند. تلاش بی‌وقفه، یک ماهور سابق سیا به نام اسکات ریتر است که پس از سفر به ایران و کشف دروغبسیو و آزادی در ایران تحت حاکمیت ملایان و قلبه با استناد به یک لایی خود در آمریکا علیه فشارآوری‌اش بگلوبت‌ایران بدهی‌ها‌ند تکرار

بی‌صدر: اسکات ریتر هشدار می‌دهد که بوش در کار آماده‌ساختن افکار عمومی آمریکا برای جنگ بر ضد ایران است

ـ مجاهدین در همان حال که ثابت قفل رژیم صدام بوده‌اند، ثابت قفل اسرائیل و نیز جاسوسان اسرائیل و آمریکا بوده‌اند

کیهان آخوندی: ریتر نگران است که تحریف در بین مردم و نخبگان آمریکا، ایالات متحده را به یک گرداب دیگر مثل عراق بیندازد

ـ دکتر احمدرضا یک اصلاح‌طلب اسلامی رحیمی

در ایران، اینک جامعه متحرک می‌بیند که با جامعه برای تحت کامل سلطه مطلوب است، بازدید از ایران جنبه‌های من را باز کرد.

کیهان ۲۳ مرداد

اسکات ریتر: ایران کشوری مدرن و متفاوت از رژیم‌های دیکتاتوری است

پرخوانده خمینی و جانبداری از صدور ارتجاع و تروریسم آخوندی

بی‌صدر: پس از محکومیت سران رژیم در دادگاه میکونوس: غرب باید روابط دیپلوماتیک خود با ایران را حفظ کند

نقل از نشریه ایران زمین ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۶

بی‌صدر: کانونهای قیام و انقلاب را همه‌جا به‌خصوص در کشورهای اسلامی برافرازیم

پوشاندن نقش آخوندها در ترور محمد حسین نقدی

به نقل از نشریه مجاهد شماره ۲۷۱




مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
شماره ۶۵

کین توزی ارتجاعی بنی‌صدر با مجاهدین و مقاومت ایران

• ترویج خمینی بر مجاهدین و اصل و نسب ارتجاعی • خوشحالی از اعدام مجاهدین و توجیه میزان ارزش ارزی • همکاری با شبکه ماموران وزارت اطلاعات در اروپا • نسبتهای جنایت‌زایی و افتخار خانه خدا به مجاهدین • دشمنه پرور در پیوند همسار پیکار رژیم علیه مجاهدین • لحظه روشنگریهای مقاومت در سود و درنده آخوندی رژیم

سازمان مجاهدین خلق ایران افشا می‌کند:

همدستی بنی‌صدر و شرکا با وزارت اطلاعات و ارتزاق ننگین از فیلترینگ و سانسور اینترنتی

• بنی‌صدر در دادگاه پاریس دوم اسفند ۸۶ بعنوان شهادت‌دادن علیه مجاهدین بعنوان یک همدست خارجی اطلاعات آمده‌بود. اگر کسی جرأت کند که از آنها انتقاد کند، مافوق وژاک و مزدوی خمینی و کیره می‌شود. در آلمان یکی از دوستان من بدهمین دلیل که من این جا برای شهادت آمده‌ام شکایت کرده است. بنابراین دهها فرانسوی از حق سخن گفتن محروم کرده.

• مرکز شرکت توسعه تولید و تجارت بین‌المللی راه پرنیان، معرفی‌شده از سوی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات رژیم آخوندی، در تهران و ضمنت آن در قم و دبی و هانگکنگ دیده‌است.

• آموزش فیلترینگ به لاتی از مشاوران امنیتی وزارت اطلاعات در آلمان و تهیه تجهیزات کامپیوتری و دستگاههای فیلترینگ برای وزارت اطلاعات بمنظور مشهور سایتهای اینترنتی در داخل کشور یک فقره از مجازات‌های دولت راه پرنیان در سال ۹۲ است.

• دومین دوره کنفرانس بنی‌صدر در آلمان، پاسدار پیشین محمد کیانی ترورگردان، عضو هیأت مدیره و مهندس مشاور شرکت راه پرنیان در تهران و مدیر شعبه این شرکت در فرانکفورت است که به‌عنوان یک شرکت پیشتاز وزارت اطلاعات در شهر مهر ۸۶ توسط مقاومت ایران افشا شده.

• مجدد گفتنی که از دو دهه پیش نشریه بنی‌صدر اتلاف اسلامی را به اتحاد ملی و مالی و ارتباطات اداره می‌کند من از ارتباط با چکسلواکی رژیم در فرانکفورت است و به قم و تهران رفت و آمد داره.

• از ارتزاق نزدیکان بنی‌صدر و شرکا از رژیم پلید آخوندی آن روی سکه تجربه‌آلتی دستم و شیطانهای دروغین علیه مجاهدین و مقاومت ایران خبرداده شده در سال ۱۹۹۹/ در پرونده ۲۷ پاریس در سال ۳-۹۰ و دم دادگاه شوالیاس در سال ۲۰۰۸ است.








Al Mehdar Computer Technology
(AMCOTECH)
829, Bayat Center,
Bur Dubai
Dubai, UAE.





نشریه مجاهد فاش کرد:

دوست بنی‌صدر، که از دو دهه پیش نشریه بنی‌صدر (انقلاب اسلامی) را به‌لحاظ مالی و فنی و ارتباطات اداره می‌کند، پاسدار پیشین مجید کمالی دولت‌آبادی نام دارد. او عضو هیأت مدیره و سهامدار عمدهٔ شرکت راه پرنیان در تهران و مدیر شعبه این شرکت در فرانکفورت می‌باشد. کمالی که از ۱۹۸۸ به خارج آمده در ارتباط با کنسولگری رژیم در فرانکفورت است و به قم و تهران رفت و آمد دارد. کنسولگری رژیم در فرانکفورت یکی از بدنام‌ترین جاسوس‌خانه‌های رژیم آخوندی در اروپاست.

شرکت راه پرنیان یکی از شرکتهایی است که در شهریور ماه سال ۸۶ در شمار شرکتهای پوششی وزارت اطلاعات در کنفرانس شورای ملی مقاومت ایران در برلین افشا گردید.

سازمان مجاهدین خلق ایران و کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت از سالها پیش، استفاده رژیم آخوندی از شرکتهای پوششی و وابسته به وزارت اطلاعات، سازمان ارتباطات و فرهنگ اسلامی، سپاه پاسداران، نیروی تروریستی قدس و سایر ارگانهای سرکوب و صدور تروریسم رژیم در خارج کشور را افشا کرده‌اند.

این‌گونه شرکتها که طی دو دهه به‌وسیله فاشیسم دینی حاکم بر ایران در کشورهای مختلف دایر شده است، با برخورداری از امکانات وسیع مالی و دیگر فرصتها و تسهیلاتی که در اختیار حکومت آخوندی است، محملها و توجیهات پوششی مناسب دارد و هرکدام در زمینهٔ معینی فعالیت می‌کند. برخی از آنها کالا و تجهیزات فنی را که ورود آنها به ایران ممنوع است، وارد ایران می‌کنند. مثلاً برخی قطعات کامپیوتری یا برخی لوازم مورد نیاز در پروژه‌های اتمی و تسلیحاتی و ....

این شرکتها هم‌چنین به نقل و انتقال غیرقانونی پول می‌پردازند، به همدستان و عوامل و تروریستهای رژیم پول می‌رسانند و در کارهای جاسوسی و تروریستی رژیم به‌عنوان محمل و پوشش مورد استفاده قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال رژیم آخوندی در ۵ سال گذشته متجاوز از ۷۰۰ شرکت از شمال تا جنوب عراق دایر کرده است. شرکتهای رژیم از پاکستان و افغانستان تا لبنان و آمریکای لاتین گسترده است. فایده دیگر این شرکتها منحرف کردن طرف حسابهای خارجی و ارگانهای کنترل‌کننده بین‌المللی است.

نحوهٔ تأسیس و سرمایه‌گذاری این قبیل شرکتها و نام‌گذاری و وضعیت سهام و مدیریت و سهامداران آنها داستان جداگانه دارد و رژیم در این خصوص به انواع و اقسام شیوه‌های پوششی یا شراکتی یا واسطگی یا خرید سهام متوسل می‌شود. کارچرخانان این شرکتها هم ملغمه‌یی از مأموران شاغل یا ریزشی یا عوامل اعزامی یا استخدام‌شدگان محلی و یا

افراد خارجی هستند. اما همهٔ گردانندگان به‌روشنی می‌دانند که چرا و برای چه کسی کار می‌کنند و ارتزاق آنها چگونه تأمین می‌شود.

اما " راه پرنیان" [۲۴] شرکت توسعهٔ تولید و تجارت بین‌الملل، هم‌چنان که در تصاویر همین صفحه می‌بینید، توسط وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات رژیم آخوندها معرفی شده است. طبق مندرجات "روزنامهٔ رسمی جمهوری اسلامی ایران" که توسط قوهٔ قضائیهٔ رژیم منتشر می‌شود سرمایهٔ این شرکت در آذرماه ۱۳۸۳ با افزایش سهم‌الشرکه ۴ نفر(از جمله مجید کمالی دولت‌آبادی) به‌طور رسمی به یک میلیارد و ۱۴۰ میلیون ریال افزایش یافته است. شعبهٔ مرکزی در خیابان جمال‌الدین اسدآبادی در تهران است. آدرس دیگری در خیابان میرداماد را هم در تصاویر همین صفحه می‌بینید. این شرکت در سلفچگان قم (منطقهٔ ویژهٔ اقتصادی) و هم‌چنین فرانکفورت شعبه دارد و نمایندگیش در دوبی برعهده آمکوتاج می‌باشد.

شعبهٔ فرانکفورت در آلمان روی سیستمهای فیلترینگ، حافظه و امنیت[۲۵] کامپیوتر و اینترنت کار می‌کند و علاوه بر سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات، به وزارت دفاع، وزارت صنایع و وزارت خارجه رژیم خدمات می‌دهد. آموزش فیلترینگ به ۸ تن از مأموران اعزامی وزارت اطلاعات در آلمان و تهیه و تجهیزات کامپیوتری و دستگاههای فیلترینگ برای وزارت اطلاعات به‌منظور سانسور سایتهای اینترنتی در داخل کشور یک فقره از معاملات آن در سال ۸۴ است. هدف اطلاعات آخوندها از خرید دستگاههای فیلترینگ ممانعت از دستیابی مردم ایران به سایتهای اینترنتی و ممانعت از دسترسی به اخبار و اطلاعات سانسور نشده است.

مأموران اطلاعات در آبان ۱۳۸۴ از طرف معاونت فنی وزارت اطلاعات برای آموزش دستگاههای فیلترینگ اینترنت به آلمان نزد مجید کمالی رفتند. این مأموران در طول اقامتشان در آلمان یک سفر به پاریس و یک سفر به بروکسل به همراهی مجید کمالی داشتند. این افراد به همراه محمد شفیعی رئیس شرکت راه پرنیان در تهران به آلمان رفته بودند. دفتر شعبه فرانکفورت در اوایل سال ۸۶ به محل دیگری در همین شهر انتقال یافت و در نوشتن نام شرکت هم به "توسعه تولید و تجارت بین‌الملل" با نام کمالی اکتفا کردند.

اما پس از کنفرانس شورای ملی مقاومت در برلین و افشای شرکتهای مورد استفاده رژیم، بنی‌صدر و دوستش به دست‌وپا افتادند و"به فرموده" به شکایت از نمایندگی شورا

۲۴- SILK ROAD

۲۵- Security

در آلمان روی آوردند تا شاید به این وسیله آزادی بیان مقاومت ایران در خارج از کشور نیز "فیلترینگ" گردد! وزارت اطلاعات تأکید کرده است که برای موفقیت در شکایت مربوط به فیلترینگ، همه‌گونه امکانات در اختیار این شرکت خواهد گذاشت.

ارتزاق ننگ‌آلود بنی‌صدر و شرکا از رژیم پلید آخوندی، آن روی سکهٔ لجن‌پراکنی مستمر و شهادتهای دروغین علیه مجاهدین و مقاومت ایران در دادگاه هلند در سال ۱۹۹۹، در پروندهٔ ۱۷ ژوئن در سال ۲۰۰۳ و در دادگاه شوالریاس درسال ۲۰۰۸ است.

این ادعا هم که« اگر کسی جرأت کند که از آنها انتقاد کند، مأمور واواک و مزدور خمینی می‌شود....» صرفاً یک نعل وارونه و یک خرمردرندی پیش‌دستانه است.

به این ترتیب روشن شد که چماق کردن "آزادی بیان" علیه مجاهدین و جنبش مقاومت ایران چیزی جز سرپوش معاملات "فیلترینگ و سانسور" علیه ملت ایران نیست. فرصت‌طلبان و میوه‌چینان انقلاب ضدسلطنتی در داخل ایران "نویسندگان اصل ۱۱۰ (ولایت فقیه)" اما در خارج ایران سینه‌چاکان دمکراسی و آزادی بیان شدند....

وقتی بنی‌صدر در مقام نخستین رئیس‌جمهور رژیم در تقابل جناحهای همین رژیم از ارتجاع سرکوبگر فاصله گرفت، مجاهدین از هیچ‌چیز درباره او فروگذار نکردند. اما وقتی کار مقاومت به درازا کشید، به اصل ارتجاعی خود بازگشت و به خمینی نوشت «بزرگی از سرگیرید»!

همکاری و همسویی با رژیم ضدایرانی و ضدانسانی ولایت فقیه به‌خصوص بر ضد مجاهدین و مقاومت ایران به‌عنوان دشمن اصلی این رژیم، مهر ننگی است ابدی بر پیشانی ریزه‌خواران ولایت و خوش‌نشینان و حاشیه‌نشینان دور و نزدیک آن. به همین دلیل رژیم مفلوک آخوندی هرزمان که وحشت از اعتلای مقاومت و پیشرفتها و پیروزیهای آن سراپایش را فرا می‌گیرد، به موازات تشدید توطئه‌های گوناگون و گسترش کارزار تبلیغاتی و شیطان‌سازیش علیه مقاومت، کلیه امکانات و ارگانها و مأموران و همدستان و حاشیه‌نشینانش، از قبیل همین نویسندهٔ اصل ولایت فقیه را به‌کار می‌گیرد.

شکست رژیم آخوندی در دادگاه پاریس

شماره ۹۳ - پنجشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۸۶

کین توزی ارتجاعی بنی‌صدر با مجاهدین و مقاومت ایران

ترجیح خمینی بر مجاهدین و اصل و نسب ارتجاعی «امام»زاده دروغگو

بنی‌صدر خطاب به خمینی در مرداد ۱۳۶۳: بزرگی از سرگیرید

مسابقه در سازش با ارتجاع خون‌آشام علیه تنها آلترناتیو دمکراتیک :

بیانیه شورای ملی مقاومت

انقلاب اسلامی

من خود از نویسندگان اصل ۱۱۰ (ولایت فقیه) بودم

بنی‌صدر: از ۷ نفری که اصل ولایت فقیه را نوشت، یکی خود من بودم

حکم دادگاه آلمان به تاریخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۹ دربارهٔ ارتزاق ننگین از فیلترینگ و سانسور اینترنتی و فراهم کردن امکانات آموزش فیلترینگ و سانسور اینترنتی برای ۸ مأمور وزارت اطلاعات

30-SEP-2009 10:17 Von:LG ZIVIL 6567 An:+49 30 31807120 S.1/12

Landgericht Frankfurt am Main
Az. 2-03 O 164/08

Verkündet am 24.09.2009
Müller, JFA'e
Urkundsbeamtin der Geschäftsstelle

IM NAMEN DES VOLKES

URTEIL

In dem Rechtsstreit

Dipl.-Ing. Majid Kamali Dolatabadi, Schwalbacher Straße 53-55, 60327 Frankfurt,
– Kläger –
(Prozessbevollmächtigter: Rechtsanwalt Hubert Köhler, Hardenbergstr. 9, 60327 Frankfurt, Gz.: 2075766)

g e g e n

Dipl.-Ing. Mehdi Abbassi, Mühlenhof 18, 47495 Rheinberg,
– Beklagter –
(Prozessbevollmächtigte: Rechtsanwältin Gabriele Rittig, Berger Str. 122, 60316 Frankfurt, Gerichtsfach : 505)

hat das Landgericht Frankfurt am Main – 3. Zivilkammer –
durch Vorsitzenden Richter am Landgericht Dr. Kurth,
Richterin am Landgericht Butscher und
Richterin am Landgericht Holuschek

Im schriftlichen Verfahren mit einer Schriftsatzfrist bis zum 03.09.2009
für R e c h t erkannt:



از حکم دادگاه

IRAN FOCUS

از حکم دادگاه آلمان – ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۹

عکسهای پیاپی بنی‌صدر با مزدوران پیشانی‌سیاه وزارت اطلاعات به‌واقع مشمئزکننده است که نمونه‌یی از آن در زیر آمده است:

سایت وزارت اطلاعات – ۷ تیر ۱۳۹۴
دیدار دو مأمور پیشانی‌سیاه اطلاعات آخوندها با بنی‌صدر



پیوندها

مزدوران قربانعلی حسین‌نژاد و مصطفی محمدی در طرفین بنی‌صدر

بازمی‌گردیم به دادگاه پاریس در جلسهٔ دوم اسفند ۱۳۸۶













تظاهرات و جشن هموطنان آزاده در استقبال از حکم دادگاه

شاهد دیگری که به کمک شوالریاس آمد، مأمور افشاشده اطلاعات رژیم، ان سینگلتون، زن انگلیسی مزدور مسعود خدابنده بود که سالهاست مشترکاً به‌بندگی آخوندها شتافته اند.



شوالریاس مأمور افشاشده اطلاعات رژیم، ان سینگلتون، زن انگلیسی مزدور مسعود خدابنده

حضور این فرد و شهادت دادنش در دادگاه به‌خودی خود اثبات‌کننده این واقعیت بود که شوالریاس با وزارت اطلاعات رژیم ایران، همکاری فعال دارد. تی یری لوی بر همین واقعیت که قبلاً توسط کمیتهٔ ایران آزاد در پارلمان انگلستان به‌طور مستند افشا شده بود انگشت گذاشت. قبلاً وین گریفیث نمایندهٔ پارلمان انگلستان فاش کرده بود که این زن را در بازدید از زندان اوین در کنار دژخیمان دیده است.

در ادامهٔ دادگاه، با سؤال و جوابهایی که وکیل برجستهٔ فرانسوی از شوالریاس به‌عمل آورد، ثابت شد که این شخص برخلاف پوشش شغلی و ادعایش، نه یک خبرنگار بلکه یک همکار اطلاعات آخوندها علیه مجاهدین است.

وقتی از او سؤال شد که در تاریخ ۲ فوریه ۲۰۰۶ به چه منظوری به دادگاه لوکزامبورگ رفته است؟

شوالریاس مجبور شد تأیید کند که همراه با یکی از عوامل وزارت اطلاعات در راستای تلاش برای ممانعت از حکم دادگاه عدالت اروپا درمورد لغو برچسب تروریستی از مجاهدین به آن‌جا سفر کرده و در حقیقت عضو هیأت وزارت بدنام بوده است.

-در جریان دادگاه هم‌چنین روشن شد که شوالریاس در آوریل ۲۰۰۵ [۲۶] از سوی اطلاعات آخوندها و سرویس پشتیبان، مأمور سازمان دادن تظاهرات بریده‌مزدوران در اورسواز علیه مجاهدین و رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران بوده است.

۲۶-فروردین ۱۳۸۴



شوالریاس مأمور سازمان دادن تظاهرات بریده مزدوران در اورسوراواز

-کریستف ژوزف، معاون شهردار اورسوراواز، در شهادت خود در دادگاه در مورد این عمل کثیف مزدوران اطلاعات آخوندها شهادت داد که شوالریاس همان کسی است که در آوریل ۲۰۰۵ همراه با دو فرد ایرانی با دو اتوبوس برای یک تظاهرات غیرمجاز به اورسوراواز آمده بودند. او خبرنگار نبود و آن روز هم چنین چیزی نگفت. او طوری رفتار می‌کرد که گویی مترجم سازمان‌دهندگان است.

شوالریاس در برابر قضات دادگاه پذیرفت که: «من به سازماندهی این تظاهرات کمک کردم و در بحث و گفتگوها شرکت داشتم. آن روز در آن‌جا من به‌عنوان یک روزنامه‌نگار نبودم».

رئیس دادگاه پرسید: هدف تظاهرات چه بود؟

شوالریاس درکمال بلاهت اما با همان وقاحت مزدوران اطلاعات آخوندها جواب داد: هدف تظاهرات در اورسوراواز این بوده است که مجاهدین "بتوانند از آن‌جا خارج شوند و به‌طور آزادانه اظهار نظر کنند و خانواده‌های خود را ببینند!! ". اینجا بود که دست همکار خارجی گشتاپوی آخوندها با به‌کار بردن همان کلماتی که رژیم هزاران بار از آنها درمورد قرارگاه اشرف هم استفاده کرده است، به تمام و کمال رو شد.

اما وکیل تی یری لوی او را رها نکرد و خاطرنشان کرد اگر در همان روز به روزنامهٔ محلی نگاه کنیم، می‌خوانیم که هدف تظاهرات شما: «اعتراض علیه پناهندگی داده شده به افراد مجاهدین» بوده است! علاوه بر این به‌وضوح می‌توان در عکسها و فیلم مربوط به این تظاهرات، همین شعار علیه پناهندگی مجاهدین را دید. در عکسها بروشنی این شعار را


ادوارد ترمادویان
















MARYAM

می‌بینیم که: این تروریستها را از اینجا اخراج کنید! برروی باندرولها هم می‌توانیم بخوانیم که «علیه تروریسم و از دادگستری فرانسه متشکریم»....

شوالریاس گفت: من این شعارها را به‌یاد ندارم!

تی یری لوی خاطرنشان کرد: ولی تو خودت این تظاهرات را ترتیب داده بودی و خودت هم آن را گفتی....

شوالریاس جواب داد: نه من این را نگفتم، من آن‌را سازماندهی نکرده بودم. من در سازماندهی شرکت کرده بودم!!

به این ترتیب همه چیز برای دادگاه درباره به‌اصطلاح خبرنگاری که همراه با مزدوران شناخته شدهٔ اطلاعات آخوندها به اورسوراواز می‌آید تا کاری کند که اعضای مجاهدین "بتوانند از آن‌جا خارج شوند و به‌طور آزادانه اظهارنظر کنند و خانواده‌های خود را ببینند!! " روشن گردید!! خبرنگاری که خواهان اخراج مجاهدین از فرانسه است و قضائهٔ فرانسه را، عیناً مانند قضائهٔ آخوندها، به اقدام علیه تروریسم مجاهدین فرامی‌خواند و سپاسگزار هر اقدام علیه مجاهدین و مقاومت ایران است!! راستی که ایران فوکوس نکته به نکته در مورد همدستی ننگین این شخص با اطلاعات آخوندها درست نوشته بود.

در همین دادگاه پائولو کازاکا نمایندهٔ پارلمان اروپا در بارهٔ تحقیقات کمیته ایران آزاد در پارلمان اروپا راجع به اتهامات مربوط به مجاهدین، شهادت داد. کازاکا که سالهاست در رابطه با عفو بین‌الملل متعهد است، یادآوری کرد که ابتدا از گزارش دیدبان حقوق بشر بسیار شگفت‌زده شده و به همین‌خاطر در پارلمان اروپا تصمیم گرفته‌اند در مورد قرارگاههای مجاهدین تحقیقات شود. اما در خاتمه تحقیقات که با سفر به عراق و دیدار از قرارگاه اشرف و استماع شهود همراه بوده است، به این نتیجه رسیده‌اند که: یک کارزار بسیار سازمانیافته که مجاهدین خلق را هدف گرفته است.







پائولو کازاکا در قرارگاه اشرف







آلخو ویدال در قرارگاه اشرف





دیدار هئیت پارلمان اروپا از قرارگاه اشرف







سخنرانی پائولو کازاکا در اجتماع مجاهدان آزادی

کازاکا خاطر نشان کرد: من دیدم که ما در برابر یک سیستم بسیار سازمان‌یافته قرار داریم که هدفش لجن‌مال‌کردن سازمان مجاهدین خلق است. همکاران من با کتابها و اطلاعیه‌های اینترنتی بمباران می‌شوند. من متقاعد شدم که ما در برابر چیزی بسیار سازمانیافته و با حمایت مالی بالا، قرارداریم وقتی با تعداد بسیار زیادی اتهامات برخورد کردیم و با کسانی که آنها را در صحنه دیدیم، به این نتیجه رسیدیم که قطعاً رژیم ایران پشت این کارزار است.

-کازاکا آن‌گاه در پاسخ به سوالات تیری لوی در باره کیش شخصیت و زندگی خانوادگی و ساختار مجاهدین که به دقّت مطرح می‌شد جواب داد:

کیش شخصیت را در مورد خانم بوتو هم فراوان می‌گفتند و چیز تازه‌یی نیست.

اما این یک ارتش است که دیسیپلین دارد. هر نیروی نظامی همواره نوعی دیسیپلین بر آن حاکم است. آنها در اثنای جنگ کویت دیگر زندگی زناشویی مشترک را در داخل گروه نمی‌پذیرند. ولی این‌که کسی را به‌زور مجبور به طلاق کرده باشند، یک تهمت است.

مهدی ابریشمچی نمایندهٔ سازمان مجاهدین خلق ایران در شورای ملی مقاومت در جلسهٔ دادگاه به قضات توضیح داد که ما در ایران با دو جنگ مواجهیم: یک جنگ شناخته شده که در آن رژیم مخالفان را اعدام می‌کند. جنگ دیگر، جنگ برای شیطان‌سازی مجاهدین و مقاومت ایران توسط مأموران رژیم در کشورهای مختلف است. آنها به مقاومت برچسب می‌زنند، برچسب سکت و تروریسم. مقاومت ایران و به‌خصوص سازمان مجاهدین به‌طور وحشیانه‌یی در این جنگ سرکوب می‌شود. ما قربانی این جنگ هستیم. علت این شیطان‌سازی این است که اولاً، رژیم قدرت ایستادگی سیاسی در مقابل اپوزیسیونش را ندارد. ثانیاً، آن‌قدر افشا شده است که هیچ تبلیغاتی نمی‌تواند نظرات را به‌نفع او تغییر دهد. برای این‌کار رژیم آن‌قدر بی‌اعتبار است که نمی‌تواند نفرات خودش را وارد کند. چون هر حرفی که یکی از مأموران رژیم بزند، کسی قبول نمی‌کند. بنابراین یک راه باقی می‌ماند: عضوگیری از عناصر بریده و به‌کار گرفتن آنها برای تبلیغات علیه مجاهدین. به این خاطر الآن شما یک باند ثابت از چنین عناصری را می‌بینند که در خارج از ایران جنگ شیطان‌سازی را پیش می‌برند. در اکتبر سال ۱۹۹۵ قرار بود آقای کاپیتورن گزارشگر ویژهٔ حقوق بشر سازمان ملل به ایران برود و نقض حقوق بشر را بررسی کند. ناگهان دیدیم عده‌یی تحت عنوان اعضای سابق مجاهدین به‌راه افتادند و به سراغ کاپیتورن رفتند. ادعای آنها این بود که ناقض اصلی حقوق بشر مجاهدین هستند و باید به آنها پرداخت. آنها هستند که شکنجه می کنند و زندان دارند. آنها هستند که در حرم امام رضا بمب گذاشته و کشیشان مسیحی را کشته‌اند....

در آن زمان سعید امامی معاون وقت وزیر اطلاعات، از طریق فردی به اسم خواجه‌نوری پشت این کار بوده و دستورات از وزارت اطلاعات می‌آمد. بعداً یکی از همین مأموران از شیوهٔ کار آنها اطلاعات بسیار جالبی در اختیار مقاومت گذاشت. او با پروفسور کاپیتورن هم دیدار کرد و اظهارات او نزد گزارشگر ویژهٔ ملل متحد ثبت شده است.

فایدهٔ دیگر بریده‌مزدوران برای رژیم این است که راه عملیات تروریستی را علیه ما مخصوصاً در عراق هموار می‌کنند. اخیراً مزدور مسعود خدابنده شوهر همین زنی که اینجاست به بغداد رفته بود و در فضاسازی اطلاعات آخوندها برای منفجر کردن ایستگاه آب مجاهدین شرکت داشت. روز دیگر همین سنخ مزدوران به اسامی حقی و سبحانی و امثال آنها به اورسوراواز آمدند تا خواستار اخراج ایرانیان از فرانسه شوند.

محصول این اهریمن‌سازی مارکهایی مانند تروریسم، سکت، همکاری با صدام حسین برای سرکوب شیعیان و اکراد، فقدان عاطفه خانوادگی و طلاق اجباری و مغزشویی و مزخرفاتی از این قبیل است. هدف زمینه‌سازی و توجیهٔ سرکوب و شکنجه و تروریسم ملایان است.

راستی چگونه یک سکت می‌تواند علیه رژیم فاشیسم مذهبی مقاومت کند، اگر که دموکرات نباشد؟

به‌لحاظ انسانی ما تا کنون حتی یک نفر از جاسوسهای رژیم را که در اشرف دست به عملیات و کشتن مجاهدین زده‌اند اعدام نکرده‌ایم....

وی خطاب به رئیس دادگاه گفت:

مصدق در کشور ما نفت را ملی کرد و در دادگاه لاهه گفت: گناه من این است که نفت را ملی کردم. مسئول شورای ملی مقاومت هم گفت: گناه ما ایستادگی در برابر فاشیسم دینی است با پرداخت بهای سنگین آن که رود خروشان خون شهیدان بوده است.

این‌هم یک کتاب با اسامی ۲۰ هزار شهیدی که توسط رژیم اعدام شده‌اند. این سند بسیار ارزشمندی از مقاومت ماست. این سند را به دادگاه تقدیم می‌کنم.

حکم دادگاه پاریس

دو ماه بعد دادگاه پاریس، در روز ۱۵ فروردین ۱۳۸۷ حکم خود را صادر کرد. شکایت مزدور خارجی آخوندها به نام اَلَن شوالریاس علیه سایت« ایران فوکوس» مردود شناخته شد و مدیریت این سایت تبرئه گردید.







این حکم ، همکاران گشتاپوی آخوندها. شوالریاس، ابوالحسن بنی‌صدر و ان سینگلتون را که روز دوم اسفند در جلسهٔ دادگاه به‌طرح دعاوی دروغ علیه مجاهدین و مقاومت ایران مبادرت کردند، به‌کلی رسوا و مفتضح کرد.

رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت، درباره حکم دادگاه پاریس گفت: رژیم آخوندی همهٔ امکانات و مزدوران غیرایرانی و ایرانی خود را به خدمت گرفته بود تا در این دادگاه پیروز شود و آن را دستاویز دروغپردازیها و اتهامات خود علیه مقاومت ایران قرار دهد. اما جریان دادگاه و حکم آن تلاش رذیلانه حکومت آخوندی برای سوءاستفاده از دستگاه قضایی را با شکست مواجه کرد و یک ضربه سنگین دیگر به‌بسیج شیطان‌سازی و دروغپردازی آخوندها علیه مقاومت ایران وارد آورد. رسیدگی به این پرونده و حکم صادره، ایجاب می‌کند که دولتهای اروپایی بیش از این اجازه ندهند که ماموران گشتاپوی ملایان با آزادی عمل کامل، ماموریتهای محوله از سوی وزارت اطلاعات را انجام دهند.

در این سالیان هر بارکه بخشی از پرونده ۱۷ ژوئن در معرض رسیدگی قضایی قرارگرفته مهر «باطل شد» خورده است.

مسعود رجوی در پیام خود در آذرماه ۸۶ گفت: «هر کجا قطره یی قانون و ذره یی عدالت و انصاف وجود داشته باشد، و در هر دادگاهی که به‌طور نسبی هم که شده، دادگری و قانون حکومت کند، بدون تردید، مجاهدین و مقاومت ایران برنده‌اند.

بله، به آخوندها و پاسداران دور و نزدیکشان می‌گویم که در تاراج و تجارت شما برنده‌اید اما در قانون و عدالت ما برنده‌ایم. به تاراج دادن بیت‌المال ملّت ایران و تجارت نفت و خون حیطهٔ شما و انصاف و قانون قلمرو ماست.

مگر رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت در این سالها، در هر مناسبت و در هر اجتماعی، درخواست برگزاری دادگاه نکرده است.

مگر مریم در برابر هزاران نفر و در برابر خبرنگاران و رسانه‌ها بارها با صدای بلند اعلام نکرده است که اگر مقاومت برای آزادی جرم است، ما به آن افتخار می‌کنیم».

فصـــل دهم

جاده صاف کنهای کودتا و جنایت علیه بشریت

جاده صافکنهای کودتا
و جنایت علیه بشریت

۱۷ژوئن، نمودار کاملی از خطوط و سیاستهای ارتجاعی و استعماری برای سرکوب خلقهای در زنجیر و به‌ویژه برای از بین بردن آلترناتیو دموکراتیک و مستقل است که در حذف و از میان برداشتن رهبری و مقاومت سازمان‌یافتهٔ یک خلق ستمدیده خلاصه می‌شود.

تجربه‌یی که در یکصد سال اخیر، بعد از انقلاب مشروطه در ایران، پیوسته با تلخی تمام تکرار شده و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دکتر مصدق در صدر همهٔ آنها قرار دارد.

اما قبل از کودتا و جنایت، زمینه‌سازی‌های لازم را به‌عمل می‌آورند تا راه، هموار و جاده صاف شود. این‌جاست که طیف و فوجی از وابستگان و مزدوران ارتجاع، در صف مقدم به‌میدان فرستاده می‌شوند تا مأموریت خود را در زمینه‌سازی و صاف کردن جاده به‌انجام برسانند. تا سرانجام پس از همه لجن‌پراکنی‌ها و کارزار شیطان‌سازی علیه آن مقاومت و رهبری‌اش،"بکشانندش و در لُجهٔ خون اندازند...." این همان مسیر و خطی است که ارتجاع حاکم بر ایران از فردای انقلاب ضدسلطنتی تا همین امروز علیه مقاومت ایران در پیش گرفته و بی‌گمان باز هم تا روز سرنگونی آخوندها، ادامه خواهد یافت.



اصطلاح «جاده صاف کن» را نخستین بار مجاهدین در ادبیات سیاسی بعد از انقلاب ضدسلطنتی مطرح کردند و پیرامون آن در مقولات مختلف روشنگری نمودند. [۲۷]



اما در مقابلهٔ تاریخی مجاهدین و مقاومت ایران با فاشیسم دینی، تفاوت در این است که از همان فردای انقلاب ضدسلطنتی تا امروز، سرِ ارتجاع و پشتیبانان و وابستگان و مزدورانش پیوسته به سنگ خورده و هر بار این مقاومت، سرافرازتر از پیش، از خون و

۲۷–از جمله نشریه مجاهد شماره ۹ در آبان ۵۸ و کتاب مجموعهٔ اعلامیه‌ها و موضعگیریهای سیاسی مجاهدین خلق ایران شماره ۱

خاکستر خود، سر برداشته و فروزانتر، شعله می‌کشد.

نگاهی به وقایع و حوادث خونین سال ۱۳۹۲ مخصوصاً جنایت علیه بشریت در اشرف و لیبرتی و نقش جاده صاف‌کن‌ها، روشنگر و عبرت‌آموز است.

در سال ۱۳۹۲، ۱۰ سال بعد از ۱۷ ژوئن[۲۸]، ولی‌فقیه ارتجاع، به‌عنوان بخشی ضروری از مهندسی نمایش انتخابات ریاست‌جمهوری رژیم و سپس گام برداشتن به‌سوی توافق اتمی (برجام) بار دیگر برای سر بریدن مقاومت ایران خیز برداشت و به جنایت بزرگ علیه بشریت در اشرف، کمر بست.

ولی فقیه که خود را ناگزیر از "نرمش" اتمی می‌دید، برای تضمین بقای رژیم، راه‌حلی جز انهدام مقاومت نمی‌یافت تا به‌این ترتیب، تهدید اصلی و تنها آلترناتیو و جایگزین رژیمش را به‌هر قیمت از میان بردارد. به‌خصوص که در مهر۹۱، مجاهدین و شورای ملی مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی ایران، نامگذاری تروریستی را به‌طور کامل و نهایی درهم‌شکسته و از لیست وزارت خارجه آمریکا خارج شده بودند و رژیم از جانب آنها تهدید مضاعف احساس می‌کرد. آنها، رژیم را در زمینه‌های مختلف به‌دام انداخته بودند.

چنین بود که سال ۹۲، از بابت زمینه‌سازیها، لجن‌پراکنی‌ها، صاف کردن جاده، توطئه و چنگ انداختن بر سر و روی مجاهدین و شورای ملی مقاومت، به‌سالی استثنایی تبدیل شد.

سالِ حملات پیاپی موشکی به لیبرتی و قتل‌عام و تخریب و انفجار و گروگانگیری در اشرف که در یک دوره ۱۰۸ روزه طولانی‌ترین اعتصاب غذای معاصر را توسط مجاهدان اشرفی و یاران اشرف‌نشان در کشورهای مختلف جهان به‌دنبال داشت.



۲۸- ۲۷ خرداد ۱۳۸۲

تصاویری از قتل عام اشرف –۱۰شهریور ۱۳۹۲



قتل عام اشرف –۱۰شهریور۱۳۹۲– عبور از خاکریز







قتل عام اشرف -۱۰شهریور۱۳۹۲







قتل عام اشرف -۱۰شهریور۱۳۹۲



قتل عام مجروحین در امداد پزشکی اشرف – -۱۰شهریور۱۳۹۲



قتل عام اشرف -۱۰شهریور۱۳۹۲



قتل عام اشرف -۱۰شهریو۱۳۹۲



پیکر پاک ۵۲ شهید قتل عام اشرف –۱۰شهریور ۱۳۹۲

اعتصاب غذای مجاهدان در لیبرتی






















urgent UN
Security Council
intervention and







اهدا گل توسط مجاهدصدیق و والامقام عذرا علوی طالقانی و خواهر مجاهد افسانه شاهرخی

به اعتصاب کنندگان-مجاهد صدیق مژگان کوکبی (وسط صف)






UNHCR

اعتصاب غذای اشرف نشان ها در کشورهای مختلف









آلمان



انگلیس



آلمان

اعتصاب غذای اشرف نشان ها در آلمان و انگلیس



اعتصاب غذای اشرف نشان ها در کشورهای مختلف





اعتصاب غذای اشرف نشان ها در آلمان

اما باز هم با هوشیاری مجاهدین و مقاومت ایران، توطئهٔ رژیم به‌یمن فدا و جانفشانی اعضا و هواداران مقاومت به سختی شکست خورد و به رسوایی فراموشی‌ناپذیری برای رژیم و همدستان خارجی و مزدورانش انجامید. به‌این ترتیب، سال ۹۲ از بابت شکست رژیم و ایادی و توطئه‌هایش هم به سالی استثنایی تبدیل شد.

قبل از اینکه رژیم تهاجم جنایتکارانهٔ ۱۰شهریور و قتل‌عام مجاهدین را در اشرف به‌مرحلهٔ اجرا بگذارد، هم‌چون کودتای ۱۷ژوئن، نیازمند هموار کردن راه توسط مزدورانش و زمینه‌سازی گستردهٔ سیاسی و تبلیغاتی بود.

می بایست قبل از جنایت و بعد از جنایت، با شیطان سازی و جنگ روانی، خود مجاهدین و رهبری مقاومت، مسئول و مقصّر آن، جلوه داده شوند. این خط می بایستی از طرف کسانی پیش برده شود که زمانی در داخل مجاهدین و اشرف یا در شورای ملی مقاومت بوده‌اند، یا کسانی که سالها پیش اخراج شده یا کسانی که حتی هرگز عضو نبوده‌اند، اما رژیم سالها آنها را وابسته به مجاهدین معرفی و تبلیغ کرده و در واقع برای چنین روزی در آب نمک نگه داشته بود.

مشابهت دیگر این توطئه با کودتای ۱۷ژوئن، برخورداری رژیم از همدستی پشتیبانان خارجی بود. در ۱۷ژوئن ۲۰۰۳، این نیروی خارجی دولت وقت فرانسه بود و در جنایت اول سپتامبر ۲۰۱۳، رژیم از همدستی و حمایت دو نیروی خارجی بهره گرفت. یکی دولت دست‌نشانده‌اش در عراق، دولت مالکی که به‌نیابت از رژیم ایران و وزارت اطلاعات آن آمادهٔ ارتکاب هر جنایتی بود و دیگری مارتین کوبلر که به‌عنوان نمایندهٔ ویژهٔ دبیرکل ملل متحد، به‌طور تمام‌قد در خدمت پیشبرد طرح و برنامهٔ رژیم و وزارت اطلاعات برای از هم‌پاشاندن تشکیلات مجاهدین و جدا کردن سر از بدنهٔ مقاومت ایران قرار گرفته بود.

نقشه و هدف اول رژیم که آن را از طریق مهره‌های اطلاعاتی خود پیگیرانه و به شدت دنبال می کرد، این بود که مسعود رجوی کجاست؟



مارتین کوبلر نماینده ویژهٔ دبیرکل ملل متحد در عراق و دانائی‌فر سفیر رژیم درعراق

کوبلر نیز به‌جد به‌دنبال یافتن جواب همین پرسش بود. تمام طرح و برنامه‌های مخفی و آشکار کوبلر و جاسوسانش، که مجاهدین آنها را به‌دقت در این زمینه زیر نظر داشتند، خنثی

شده و به‌نتیجه نرسیده بود، والا کوبلر این چنین بی‌پرده و روباز وارد این مقوله نمی‌شد. او در آخرین ملاقاتش با خانم مریم رجوی، در این خصوص، چنان سماجت و وقاحتی نشان داد که شخصیتهای آمریکایی و اروپایی که در آن جلسه حضور داشتند[۲۹] پس از اعتراض خانم رجوی برآشفتند و کوبلر را پس زدند و ماهیت مأموریت او را زیر سؤال کشیدند. بعد از آن رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت دیگر او را به‌حضور نپذیرفت و همهٔ تماسها و پیامهایش با خانم رجوی بی جواب گذاشته شد.

بسیج همه جانبه برای جنگ روانی، زمینه‌سازی و نمونه‌ها

بسیج سیاسی تبلیغاتی و جنگ روانی برای زمینه سازی قتل عام اشرف، از زمستان سال ۹۱ پس از فرو ریختن برچسب تروریستی شدت گرفت. سپس از ابتدای سال ۹۲ تا روز ۱۰شهریور مستمراً اوج گرفت و بعد از آن هم، با شدت و حدت بی سابقه یی جریان داشت، تا رژیم دستهای خون‌آلود خود و جلادانش را از آن بشوید. از آن‌جا که مجموعهٔ فاکتها در این باره، بدون مبالغه به دهها کتاب قطور بالغ می‌شود، به‌ذکر چند فقره به‌عنوان نمونه و مشتی از خروار، اکتفا می‌کنیم.

● در اول دی سال ۹۱ یک سایت شناخته شدهٔ اطلاعات آخوندها در مورد قرارگاه اشرف نوشت:



«سران این فرقه حاضر به تخلیه کامل و مسالمت آمیز این اردوگاه نیستند ـ بنابراین کمیتهٔ تخلیهٔ اردوگاه عراق جدید (اشرف) و دولت آقای نوری المالکی و ارتش عراق هیچ راهی به‌جز تلاش برای بازپس گیری و بیرون راندن بقایای فرقه با کمترین هزینهٔ ممکن و به‌کارگیری کمترین اهرم زور پیش پای خود ندارند».[۳۰]

۲۹-رودی جولیانی، مایکل موکیزی، ادوارد رندل، لوئیس فری، رابرت توریسلی، آلخو ویدال کوادراس و پائولو کازاکا

۳۰-سایت زنان در اسارت ـ اول دی ۱۳۹۱



● در روز ۲۱ بهمن ۹۱، درست در همان روز موشکباران لیبرتی یکی از مزدوران در چارچوب منویات گشتاپو آخوندی، در پوشش دلسوزی برای مجاهدین، نوشت:

«عراق جای ماندن نیست؛ استراتژی ماندن در عراق به‌پایان خود رسیده است. باید راه و طرحی نو ریخت. مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی را باید در سرزمینی که دشمن در آن قویتر از ما نباشد، ادامه داد و یا در سرزمین خودمان که اعدام و زندانش در آن به‌ماندن در عراق می‌ارزد».



همین مزدور، در یکی دیگر از سلسله «دلسوزیها»ی فرمایشی، داعیهٔ اصلی یعنی مقصر جلوه دادن خودّ مجاهدین را در کشتار خودشان، موجه نشان داد و نوشت: «نگه‌داشتن بیشتر آنها (مجاهدین) در عراق شریک شدن در خون ساکنان لیبرتی است».

واضح است منظورش از آن کس که مجاهدین را «نگه داشته» نه رژیم است، نه مالکی، نه کوبلر و نه کمیساریای عالی پناهندگان، بلکه منظور خود مجاهدین و «رهبران مجاهدین» هستند.



● ۵ ماه بعد، یکی از سایتهای زنجیره‌یی اطلاعات طی نامهٔ سرگشاده یی به کوبلر، به‌تاریخ ۲ مرداد ۹۲، این موضوع را با صراحت بیشتری مورد تأکید قرار داد و از همسویی کوبلر «بسیار بسیار ابراز خوشحالی» کرده و نوشت: «این رهبری.... فرقه است که مانع اصلی برای خروج این نیروها از عراق می‌باشد.... امروز که شما در آخرین گفته‌های خودتان، رهبری این فرقه تروریستی را مخاطب اصلی قرار دادید، برای من بسیار بسیار خوشحال‌کننده بود که.... به سازمان حقوق بشر اعلام کردید که رهبری سازمان است که حقوق اعضایش را پایمال می‌کند. اجازهٔ خروج نیروها را از عراق نمی‌دهد....چرا که می خواهد نیروها در کمپ لیبرتی بمانند و بمیرند. چرا برای این انسانها ارزش قائل نیست؟»[۳۱]



● در ۲۳ اردیبهشت ۹۲ یک مزدور وزارتی دیگر نوشت: «توجه شما [را] به یک فاجعه انسانی که در کشور عراق و درکمپ لیبرتی در حال وقوع است جلب می‌کنیم. بیش از ۳هزار ایرانی اسیر در دست فرقه‌یی که برای بقای خود بدون ذره‌یی توجه به حفظ جان افرادی که زندگی و عمر و همه چیز خود را در بیش از ۳ دهه فدای

۳۱-سایت وزارتی آوا -۲ مرداد ۱۳۹۲

اهداف رهبران فرقه کرده‌اند، کماکان اصرار بر ماندن در عراق و کمپ لیبرتی دارند؛ سرزمینی که حتی برای شهروندان خودش از کمترین امنیت برخوردار نیست. در این میان بسیاری از شخصیتهای سیاسی اروپایی بدون ذره‌یی توجه به‌عواقب موضعگیریها و سخنان خودشان، متأسفانه از حضور افراد مستقر در کمپ لیبرتی برای ادامه ماندنشان در عراق و کمپی که تبدیل به قتلگاه این افراد شده [استفاده] می‌کنند و تأسف بارتر این که به برگشت افراد بیچاره به زندان اشرف که هدف اصلی رهبران فرقه برای حضورشان در عراق می‌باشد تأکید می‌کنند»[۳۲]



● در ۱۲ خرداد ۹۲ یکی دیگر از سایتهای شناخته‌شدهٔ وزارت اطلاعات، ۳ماه پیش از تهاجم نیروهای عراقی به اشرف، صراحتاً آن را مطرح کرد و کلمهٔ «قتل عام» را به‌کار برد:

«دولت عراق، که تماماً زیر نظر دولت ایران قرار دارد، دشمن شماره یک مجاهدین است. اگر هم تا کنون آنها را قتل‌عام نکرده، صرفاً به‌خاطر حفظ ظاهر در عرصهٔ بین‌المللی است.... طبق گزارشاتی که از طرف منابع عراقی منتشر شده است، مقامات عراقی می‌روند که یک رودرویی سخت دیگر با مجاهدین داشته باشند»[۳۳]



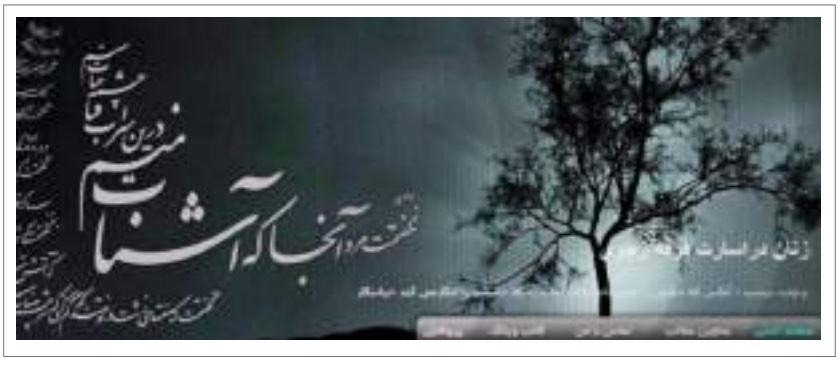
۳۲-سایت وزارتی ایران فانوس

۳۳- اینترلینک ارگان وزارت اطلاعات در انگلیس





● در ۲ مرداد ۹۲، یک سایت لو رفته دیگر وزارت بدنام، در اشارهٔ کاملاً آشکاری به طرح قتل‌عام تحت عنوان «تعیین تکلیف نهایی» مجاهدین نوشت:



«سالِ در حال نیمه، سال تعیین تکلیف نهایی فرقه رجوی است و ما در این سال شاهد تخلیهٔ کامل اشرف و اخراج اعضای این فرقه از عراق و آزادی اسیران خواهیم بود ـ سازمانهای امدادی و دولتها نباید بیش از این در مقابل وقت‌کشیها و بهانه‌جوییهای سران این فرقه، بی‌عملی نشان دهند ـ آزادی اسیران و دستگیری سران فراری.... گامی در راه مبارزه با ترور و تروریسم در جهان به‌شمار خواهد رفت» [۳۴]

۳۴-سایت وزارتی زنان در اسارت



● در این میان دوجایه‌خوری آخوندی و یک تیر و دو نشان اطلاعات رژیم جالب توجه است:

در حالی که یکی از محورهای تبلیغات و جنگ روانی وزارت اطلاعات و مزدوران گمنام یا بدنام، این است که رهبران مجاهدین مانع باز اسکان ساکنان اشرف و لیبرتی می‌شوند و به‌این وسیله جان مجاهدین را به‌خطر می‌اندازند، برخی از سایتهای شناخته شدهٔ وزارت اطلاعات ۲۰روز قبل از تهاجم و کشتار، با خشم و گزیدگی از انتقال شماری از مجاهدین به آلبانی، تحت عنوان «اخراج منافقین از عراق وظیفه دولت جدید» به آه و فغان درآمدند که:

«....اهمال‌کاری دستگاه دیپلماسی کشور در دولت گذشته باعث شد که بخشی از این گروهک به آلبانی منتقل شده و در آن‌جا مستقر شوند و احتمالاً در آینده نزدیک نیز بخش دیگری از اعضای منافقین به این کشور منتقل خواهند شد.

....یکی از خواسته‌های مهم مردم و قربانیان ترور و جنایتهای گروهک منافقین از دولت جدید، تعقیب و مجازات سرکردگان گروهک منافقین در اقصی نقاط عالم است. آوارگی و اخراج از عراق و کمپ اشرف اولین و کوچکترین تاوانی است که منافقین پرداخته‌اند. مردم در انتظار اقدام جدی دولت آقای روحانی در این زمینه هستند».[۳۵]



۳۵-سایت جعلی مجاهدین متعلق به وزارت اطلاعات-۲۰ مرداد ۱۳۹۲

سایت وزارتی در کنار این مطلب، عکسی هم از درِ ورودی اشرف به چاپ رساند که بر روی آن با استفاده از تابلوها و علائم راهنمایی رانندگی عبارت معنی‌دار «در حال پاکسازی....» را هم مونتاژ کرده بود که از نقشهٔ رژیم خبر می‌داد.

● مسخره‌تر این‌که، وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران و نیروی تروریستی برون‌مرزی آن، در همان حال که عوامل و وابستگان آنها، عربده می‌کشیدند و اشک تمساح می‌ریختند که گویا رهبری مجاهدین، اعضا را به زور در اشرف و لیبرتی نگه داشته و آنها را در معرض کشتن قرار داده است، بانگ و فریاد برداشته بودند که:



« مسعود رجوی....گفته هرکس که توان و کشش مبارزه را ندارد برود و گورش را گم کند و ما هیچ کمکی به هیچ‌کس نمی‌کنیم!». ارگانهای بدنام رژیم به‌این ترتیب، ناخواسته به‌بطلان دعاوی تبلیغاتی خود اعتراف می‌کردند.



● تعدادی از سایتهای زنجیره‌یی وزارت اطلاعات به‌نقل از سایت خطدهندهٔ موسوم به‌دیده‌بان در ۳۰ مرداد، ۱۰ روز قبل از قتل‌عام در اشرف، نسبت به «خودزنی» مجاهدین و «حذف اعضای مسأله‌دار» هشدار داده و نوشتند:

احتمال خودزنی اعضای فرقه مجاهدین در آستانه حضور دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهور منتخب مردم ایران در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل

«به‌گزارش مؤسسهٔ راهبردی دیده‌بان، طی روزهای گذشته فرقهٔ مجاهدین خبری را بر روی سایتهای وابسته قرار داده است که در آن ادعا شده جمهوری اسلامی قصد حمله به کمپ لیبرتی را دارد.

....سران فرقه برای حذف تعدادی از اعضای خود که به‌قول خودشان مسأله‌دار شده‌اند، قصد انجام عملیات نظامی علیه آنها را دارند و با این خبرسازی در حال زمینه‌سازی برای انجام آن هستند و با این ترفند هرگونه اقدام علیه اعضای خود را به جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند.... سران فرقهٔ رجوی طی یک فرار رو به‌جلو با این خبرسازی و دروغ‌پراکنی که ید طولایی نیز در آن دارند، یک بار دیگر دست به مظلوم‌نمایی برای خود و اتهام‌زنی نسبت به نظام سیاسی ایران بزنند».





● در همان روز، یکی دیگر از سایتهای وزارت اطلاعات به‌نام مرصاد، در مطلبی با عنوان: ترورهایی که سازمان منافقین می‌خواهد به‌گردن ایران بیاندازد نوشت:





«گزارش‌های رسیده حاکی است که این سازمان قصد دارد تعدادی از اعضایی را که ساز جدایی می‌زنند، به‌نحوی ترور کند و این مسأله را به‌گردن جمهوری اسلامی بیندازد».

بر پایهٔ همین زمینه سازیهای وزارت اطلاعات و مزدورانش بود که به‌دستور خامنه‌ای حملهٔ وحشیانهٔ نیروهای مسلح مالکی به اشرف و قتل‌عام ۵۲ تن از مجاهدین و به گروگان گرفتن ۷ تن از آنها در ۱۰ شهریور ۹۲صورت گرفت و رسانه های رژیم هم بلافاصله گفتند و نوشتند که این کشتار، کار خود مجاهدین و ناشی از تصفیهٔ درونی و درگیری درونی بوده است!

پاک کردن دست جلّادان پس از قتل عام

پس از قتل عام ۱۰شهریور، جاده صاف‌کن‌ها و دستیاران دژخیم، همان ها که جنایت بزرگ علیه بشریت را زمینه سازی کرده بودند، به لیسیدن خون از دستهای جلاد و پاک کردن خنجر او پرداختند.

● یکی از این مزدوران، طی نامه‌ای به کاترین اشتون، خود مجاهدین را عامل کشتار اشرف قلمداد کرده و نوشت:

«خود مجاهدین خلق هم تمامی امکانات و احتمالات را در نظر گرفته و همهٔ راهکارها را روی میز گذاشته‌اند. راهکارهایی هم‌چون قتل اعضای خودشان در عراق یا کشورهای اروپایی، از طریق خودسوزی یا وابسته کردن مرگهایی به عواملی هم‌چون اعتصاب غذا یا قتل و ترور در عراق یا اروپا و نسبت دادن آن به دیگران (مثلا دولت عراق یا گروههای ایرانی اپوزیسیون یا دولتی ایران) و غیره....» [۳۶]



● در راستای همین کارزار تبلیغاتی، وزارت اطلاعات با کپی‌برداری آزموده شده و شکست‌خوردهٔ جنگ روانی در اطراف اشرف با ۳۲۰بلندگو تحت عنوان « خانواده مجاهدین» یک ترفند بی‌بو و خاصیت دیگر با نام «کمپین فراخوان برای انتقال فوری ساکنان لیبرتی به کشور ثالث» توسط برخی مزدوران خارج کشوری خود راه‌اندازی کرد که همزمان در سایتهای زنجیره‌یی وزارت اطلاعات منعکس و تبلیغ می شد.

۳۶-نامه مزدور خدابنده به کاترین اشتون- ۲۰ مهر ۱۳۹۲







یکی از همین مزدوران با اشک تمساح ریختن برای ساکنان زندان لیبرتی و بازپخش دعاوی گشتاپو آخوندها با سبک‌سری عجوزه‌های نظام، فرمان داد:

«رهبران مجاهدین» باید به‌جای «معامله» و «مایه گذاشتن از جان» ساکنان بی‌دفاع و «کالا محسوب کردن آنها»، «درخواست انتقال فوری از عراق را در رأس خواسته‌های خود قرار داده و تمام امکانات حقوقی و مالی خود را در این مسیر به‌کار گیرند».

- یکی دیگر از جیره‌خواران اطلاعات آخوندها، ضمن تکرار حرفها و تهدیدهای نیروی

تروریستی قدس که در اطلاعیهٔ دبیرخانه شورا مورد اشاره قرار گرفته، نوشت:

«دستگاه تبلیغاتی مجاهدین.... عالماً و عامداً از انعکاس این اخبار و گزارشها که مستقیماً به سرنوشت ساکنان لیبرتی مربوط می‌شوند، خودداری کرده است». بعد هم نتیجه گرفته: «خط رهبر، نگاه‌داشتن این آدمها در کام مرگی بی‌ثمر و فدا کردنشان است».

رسوایی این‌جاست که جیره‌خوار مربوطه که برای قلم‌زنی علیه مجاهدین و مقاومت ایران پول می‌گیرد، تمام خبرها و اطلاعات مورد اشاره را از اطلاعیه های خود شورا گرفته است!







هم قاتلان و دژخیمان که مستقیماً دست در خون مجاهدین دارند و هم پادوها و شاگردان آنها، همگی غصهٔ افراد رنجدیدهٔ اشرف و لیبرتی را می خورند که از دنیای آزاد و از تنفس در فضای آزاد محرومند، از امکانات ارتباطی این عصر، از کامپیوتر و موبایل خبر ندارند.



شورای ملی مقاومت ایران
کمیسیون امنیت و ضدتروریسم
National Council of Resistance of Iran
Security and Counterterrorism Committee

تهدید ، شانتاژ، اخلال و کارشکنی عمدی اطلاعات آخوندها و مزدوران در انتقال مجاهدان لیبرتی به آلمان

رسانه های رژیم: جدا شده‌های مجاهدین به مقامات آلمان نسبت به کنترل دقیق این افراد هشدار دادند

اخلال و کارشکنی عمدی و تهدیدهای تروریستی رژیم در موضوع انتقال مجاهدین از لیبرتی به کشورهای دیگر در حالی صورت می گیرد که مزدوران و افراد مرتبط با اطلاعات آخوندها موفقند برای ساکنان اشرف و لیبرتی کلک نصاح بپردازند و در پشت فراخوانهای صوری برای انتقال آنها به کشورهای ثالث، نقش مایه مهربان تر از مادر را ایفا کنند.

رژیم آخوندها در روزهای گذشته خشم خود را از موفقیت دولت آلمان با انتقال گروهی از ساکنان لیبرتی که پناهنده آلمان هستند، به نمایش گذاشت.
شمار زیادی از رسانه های رژیم در یک هم کاسه یی با تحریف و منعکس کردن گزارش یک روزنامه آلمانی به نام فرانکفورتر آلگماینر در مورد انتقال شماری از مجاهدان لیبرتی نوشتند دولت آلمان ۵۱۰ تن از اعضای مجاهدین را که قبلاً در آلبانی پذیرفته و پناهندگی داشته اند، در این کشور پذیرفته و ۳۷۰نفر از این تعداد قرار است به شهر کلن فرستاده شوند. مسئولان شهر کلن از جمله آقای گینتو کاهلن، رئیس شورای شهر کلن، به این تصمیم به شدت اعتراض کرده و حضور این افراد که سابقه فعالیتهای تظاهر، تروریستی و زندگی فرقه یی داشتند را مخل امنیت شهروندان کلن می دانند.
رسانه های رژیم از جمله شبکه خبر، خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران و اعضای پلیس به وزارت اطلاعات ، مریم سالاری و... که این خبر را منتشر کردند با پنهانی بی‌سابقه از کارشکنی و اخلال مزدوران تحت عنوان «همدان سابق مجاهدین» پرده برداشته و به رهبر فرقه نصاح ریختن برای ساکنان اشرف و لیبرتی، نوشتند «در پی انتشار این خبر ژیدرش ۷۷تن در آلمان، گروههای متشکل از جدا شده‌های این سازمان با ایمیل شده و ایمیل به مسئولان شهر کلن و مقامات دولت آلمان با پافشاری کامل خشونت‌آمیز اعضای این گروه نسبت به کنترل دقیق این افراد هشدار دادند». در این شعبده بازی برخی تشکلهای پوششی سازمان منافقین از جمله شورای ملی مقاومت، پناهندگان ایرانی مقیم آلمان، کانون پناهندگان ایرانی در کلن، برخی ایرانیان دموکرات مقیم آلمان و ایرانیان پناهنده، برده شده است که با ظاهر پوششی به فعالیت برای سازمان منافقین مشغولند.
«آژ» ضمیمه وزارت اطلاعات و نیروی تروریستی قدس در مورد انتقال گروهی از ساکنان لیبرتی به آلمان، خبری از سیاست شناخته شدهٔ تهدید ، شانتاژ، اخلال و کارشکنی عمدی رژیم آخوندی در موضوع انتقال ساکنان به ویژه مجاهدان لیبرتی به کشورهای دیگر است.
رئیس جمهور برگزیده مقاومت بارها تأکید کرده است «حیات واقعی رژیم آخوندی این نیست که مجاهدین، اشرف یا عراق را ترک کنند» هدف رژیم، نابودی تروریکی مجاهدین یا تسلیم آنهاست. گزینه سومی در کار نیست» (گزمعمایی بزرگ ایرانیان- اول تیر ۹۲)
خانم رجوی در ۲۸شهریور ماه نیز در جمع مثل منتخب در ژنو گفت: «گزینه رژیم ایران انتقال مجاهدین به کشورهای ثالث نیست. هدف نابودی یا تسلیم آنهاست این روزها سردمداران رژیم این را به صراحت می‌گویند که مجاهدین باید از روی کره زمین پاکسازی شوند و از» هر کشوری که آنها را بپذیرد.»
مواضع و اظهارات صریح و تردید آلود آنها و مهره‌ها، رسانه های رژیم در این خصوص، حاوی از هر گونه ابهام است.

- در روز ۲۱شهریور، حقیقت پور هراب رئیس کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس، ارجاع کلمه بیه «غیرمجاز» گل کرد. زمین از لوث وجود منافقین پاک شده (خبرگزاری تروریستی قدس)

- در روز ۲۲شهریور، اسفزی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس رژیم گفت: عنوان شک هر کشوری که به منافقین مکنی دهد مورد کلیه جمهوری اسلامی ایران خواهد بود و ایران ارتباط خود را با آن کشور قطع می‌کند.» (الوم‌بون حکومتی شبکه خبر)

- دیروز ۲۳شهریور، یادمار سرتیپ اسماعیل کوثری، عضو «کمیسیون امنیت» رژیم گفت: هیچ کشور ثالثی حق ندارد بصورت متمرکز آنها را بپذیرد تا آنها سازمان منسجم خود را حفظ کنند.... ما در مجلس پیگیری خواهیم کرد تا همه اینها با تحویل ایران دهند» (خبرگزاری وزارت اطلاعات رژیم)

- امام جمعه های رژیم نیز در روز ۲۳شهریور در سمیاری از شهرها طبق توجیهات گشایش آخوندی حسن نقدیر از دولت عراق مبنی بر بیرون راندن گروهک منافقین از یادگار افزوده گفتند هیچ کشوری نباید این گروهک را به پناهندگی قبول کند بلکه باید اینها را به جمهوری اسلامی تحویل دهند.

- در همان روز، یدالله جوانی، مشاور نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران، گفت: هیچ کشوری حاضر نخواهد بود یک گروهک تروریستی را در کشور خود جای دهد. امریکاییها و کشورهای اروپایی به هیچ عنوان حاضر نیستند به منافقین پناه دهند و آنها را در کشور خودشان پذیرا باشند» (سایت تابناک متعلق به سپاه پاسداران)

- روزنامه حکومتی جمهوری اسلامی نیز در همان روز نوشت: «نکته مهمی که باید مسئولین سازمان ملل و دولتهای غربی حامی منافقین به آن توجه نمایند اینست که ماهیت این گروهک ماهیت دیکتاتوری خود یی است که در هر نقطه قرار گیرند آن را با خود می‌کشد. منافقین، حتی به خود غربیها هم رحم نکردند و تمام حمایتهایی که از آنها

کرده‌اند نیز واداشت خواهند داد و به آنها نیز خیانت خواهند کرد. بنا بر این، چاره کار اینست که اولاً سازمانهای بین‌المللی مسئول و تمام کشورها گروهک تروریستی منافقین را در فهرست سیاه قرار دهند و ثانیاً اعضای این سازمان در هر جا که هستند توسط دولتها یا سازمانهای بین‌المللی مسئول، بعلل جنایاتی که مرتکب شده‌اند محاکمه و مجازات شوند. تنها راه اینست که این سازمان آلوده یک تصمیم همه‌جانبه و بین‌المللی برای همیشه ریشه‌کن شود. چنین تصمیمی می‌تواند خطر این گروهک را برای همیشه از بین ببرد».

در روز ۱۵شهریور، حسین نقوی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ازدحام اعلام کرد «ایران نسبت به روابط خود با کشورهای پذیرنده منافقین تجدید نظر می کند» (سایت باشگاه خبرنگاران وابسته به وزارت اطلاعات).

در روز ۲۰شهریور، کیهان سخنگوی خامنه ای نوشت «دولت باید به طور مستمر با مقامات عراقی در حال رایزنی برای اخراج کامل منافقین از خاک این کشور و تعطیلی کمپ لیبرتی باشد. با توجه به این که دولت مستقر در عراق روابط نزدیکی با ایران دارد انجام این مهم کار چندان سختی نیست. اخراج کامل منافقین از عراق اولین و مهمترین قابیدی که دارد این است که این گروهک را به عنوان یک تهدید و ویروس حاوی و ناقل میکروبهای کشنده از نزدیکی مرزهای ایران دور می کند و تهدید هر چه اندر دورتر باشد به همان اندازه نیز از تاثیرش کاسته می شود. رئیس جمهور و وزیر امور خارجه کشورمان با سخنرانیها و انجام مصاحبه ها این پیام صریح و قاطع را به دولتهای جهان و به خصوص کشورهای منطقه ارسال کنند که جمهوری اسلامی ایران هرگز به هیچ کشوری اجازه نمی‌دهد این گروهک تروریستی را در خاک خود مستقر کند و در صورت چنین اقدامی باید منتظر عواقب سیاسی و اقتصادی و احیانا امنیتی آن نیز باشند»

کمیسیون امنیت و ضد تروریسم شورای ملی مقاومت، توجه هموطنان به ویژه پشتیبانان مقاومت را به نکات ضروری زیر جلب والان را به هوشیاری در برابر دسیسه‌های فاشیسم دینی فرا می‌خواند.

۱- برخلاف تحریفات رسانه های رژیم آخوندی، روزنامه کلمه شماره ۱۵ آبان شنبه گذشته در مقاله ۲۵سپتامبر خود ضمن شرح مخالفت برخی مقامات محلی در کلن با پذیرش ۳۱کلن از ساکنان لیبرتی نوشت: «از آنجا که آنها پیش از آن به عنوان پناهنده‌ی به رسمیت شناخته شده در شهر کلن سکونت داشتند اکنون می‌توانند بر اساس تصمیمات وزارت کشور فدرال و وزارت دادگستری ایالت نورد راین وستفالن به همین جا بازگردند».

این روزنامه همچنین خاطرنشان کرده است که از نظر وزیر کشور فدرال این افراد تهدید امنیتی برای اعمال عنایت و وزارت کشور ایالت نورد راین وست فالن در پی درخواست وزارت کشور با انتقال آنها موافقت و بنابراین تصمیم مدیریت شهر کلن در مخالفت با انتقال آنها به این شهرها را ملغی کرده است.

۲- مزدوران گشتاپوی دینی، تحت عنوان اعضا یا هواداران سابق مجاهدین در داخل یا خارج کشور، صرفا مهره های کثیفی در دست دژخیمان نظام آخوندی برای پیشبرد کارزار شیطان سازی علیه مجاهدین در راستای پیاده کردن سیاست تهدید و دشمن تراشی و جاسوسی و تروریسم، با به قول خودشان پاک کردن گرد رسمی از وجود مجاهدین، هستند.

۳- انتقال و کارشکنی عمدی و تهدیدهای تروریستی رژیم در موضوع انتقال مجاهدین از لیبرتی به کشورهای دیگر، در حالی صورت می گیرد که مزدوران و مرتبطین با اطلاعات آخوندها موظف هستند برای ساکنان اشرف و لیبرتی اشک تمساح بریزند و در پشت فراخوانهای صوری برای انتقال آنها به کشورهای ثالث نقش دایه مهربان تر از مادر را ایفا کنند؛ آنان در عین اینکه از هیچ دقالی برای منصرف کردن کشورهای میزبان از پذیرش مجاهدان اشرفی خودداری نمی‌کنند، بایستی ادعا کنند که گویا فرصتی مجاهدین» مانع است.

کمیسیون امنیت و ضد تروریسم شورا، با درود به مسئول شهید این کمیسیون، مجاهد خلق گیتی گیوه چیان که همراه با ۵۱قهرمان دیگر در اشرف جان باخت وخشت همه جانبه و فراگیر فاشیسم مذهبی از مقاومت ایران و تنها جایگزین دموکراتیک را از نشانه های دوران سرنگونی رژیم آخوندی ارزیابی می کند. رژیمی که برای حفظ خود بیش از گذشته به شرارتها و توطئه‌های ضدانسانی دست می‌زند اما در برابر پایداری و ایستادگی مردم و مقاومت ایران دوام نخواهد آورد.

شورای ملی مقاومت ایران

کمیسیون امنیت و ضد تروریسم

۷ مهر ۱۳۹۲/ ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۳



شورای ملی مقاومت ایران
کمیسیون امنیت و ضد تروریسم

National Council of Resistance of Iran
Security and Counterterrorism Committee

دستگیری یک جاسوس نیروی تروریستی قدس و تلاش رسوا و شکست خورده برای فقوه در مجاهدین
فراخوان به اخراج مأموران گشتاپوی آخوندی از اروپا و آمریکا

• مقاومت ایران فوا ستار افشا و اقتدار عملکرد جاسوسان و مأموران رژیم در پوشش‌های مختلف در خارج از ایران به منظور اطلاع افکار عمومی است

فاش شدن جاسوسی یک عامل نیروی تروریستی قدس به نام علی منصوری و دستگیری او در فرودگاه نایل اویبو بار دیگر گوشه ی از عملکرد مأموران رژیم آخوندی را در پوشش‌های گوناگون، در خارج از ایران برملا کرد.

خبرگزاری فرانسه در روز ۸مهر (۳۰سپتامبر) از دستگیری یک ایرانی مظنون به جاسوسی در نایل اویبو در روز ۲۰شهریور (۱۱سپتامبر)، به هنگام حمل عکسهایی از سفارت آمریکا خبر داد.

به نوشته رویترز فیسواز، خبره مزبور که از پاسپورت تقلبی استفاده می‌کرد، از این پیشتر «خود را به عنوان هوادار مجاهدین خلق معرفی کرده بود... او یک مأمور اطلاعاتی به بازیک به سفارتی خود در مجاهدین بود» (۱۹مهر ۹۲/ اول اکتبر ۲۰۱۳).

به گزارش همین رویتر علی منصوری در سال ۱۳۲۷(۱۹۹۸) به بروکسل آمد و وقتی درخواست پناهندگی سیاسی او مورد قبول واقع نشد در سال ۲۰۰۲ با یک بلژیکی ایرانی تبار ازدواج کرد و از این طریق تابعیت بلژیک را به دست آورد. او در عین حال کارت هویت و پاسپورت خود را به سرعت ویز از تهران دریافت کرد و می‌خواست در یک کلوب شبانه سرمایه گذاری کند. علی منصوری یک برادر پولدار فرمیک به رژیم داشت و بدون هیچ مشکلی به ایران رفت و آمد می کرد. او یک مأمور اطلاعاتی برای خود در مجاهدین بود. وی اعتراف کرده است که به خاطر پول کار می‌کرده و در پوشش کارهای تجاری و باز رگانی یک سلسله کار اطلاعاتی برای رژیم ایران گرفته است.

همزمان رسانه های اسرائیل از دستگیری این فرد در میونین سفرش به این کشور به اتهام جاسوسی و انجام مأموریت از سوی نیروی قدس سپاه پاسداران خبر دادند. او از گذرنامه بلژیکی با نام جعلی «فکتور ماس» استفاده می‌کرده است و قصد داشت با ثبت یک شرکت بازرگانی در اسرائیل، امکان سفرهای بعدی را هم فراهم کند.

منصوری بعد از هر دو سفر قبلی به اسرائیل، برای دادن گزارش به تهران می رفت. رابطین او با سپاه تروریستی قدس «صادق عبدالهی» و «مجید علوی» بودند. علاوه بر این در سفر به ایران افرادی به نامهای «حاج صدیقی»، «حاج حمید عسری» و «مهدی عشایری» از سوی اطلاعات آخوندها با او دیدار می کردند.

حامد عبدالهی، عبدالرضا شهلایی و علی غلام‌شکوری، همان پاسدار سرتیپ های نیروی تروریستی قدس هستند که در اکتبر سال ۲۰۱۱ در طرح ترور سفیر عربستان سعودی در واشنگتن دست قدرگار بودند.

مجید علوی از سرکردگان وزارت اطلاعات آخوندها همان کسی است که با نام مستعار « حسین ایرانی» در روز ۲۹آذر ۱۳۹۰/۱۹ژانویه ۲۰۱۲ برای طراحی و اجرای چندین عملیات تروریستی به دانمارک رفت و به دنبال آن در روز ۵بهمن همان سال (۲ فوریه ۲۰۱۲) در پی انفجار چند بمب در بانکوک پایتخت این کشور، لااقل ۴ تن از آنان مأموران ایرانی سپاه قدس و اطلاعات آخوندها بودند. دستگیر شدند. مجید علوی به مدت ۵ سال مأمور مخفی معاونت خارجی وزارت اطلاعات در سودان و عربستان سعودی بود و پس از شناخته شدن در سودان به تهران برگشت و در معاونت خارجی وزارت اطلاعات آخوندها به سرپرستی کشورهای عربی گماشته شد. وی در ارتباط مستقیم با «هیثم قطه السان» و «جهاد شلاحی فلسطین» قرار داشت. احمدی نژاد، رئیس جمهورقبلی رژیم پس از برکنار کردن محسن ژ، از این وزارت اطلاعات مجید علوی را که یک حاکم روسی، به عنوان قائم مقام وزارت اطلاعات معرفی کرد.

کمیسیون امنیت و ضد تروریسم با فراخواندن عموم هموطنان و پشتیبانان مقاومت ایران به هوشیاری در برابر توطئه‌های جاسوسی و تروریستی اطلاعات و نیروی قدس آخوندها که با ترفندها و پوششهای گوناگون همراه است، سوابق مزدور علی منصوری را به اطلاع عموم می رساند.

۱- این شخص از ۱۳۷۹ در ترکیه به تجارت اشتغال داشت و ظاهراً نسبت به معاندین فراز سمپاتی می کرد. وی همزمان با عملیات تروریستی رژیم علیه مجاهدین در استانبول یعنی ربودن مجاهد خلق عوالحسن مجتهد زاده (۱۰تیر ۱۳۶۷/۱ژوئیه ۱۹۸۸)، ربودن و شکنجه و به شهادت رساندن مجاهد خلق اکبر قربانی (خرداد ۱۳۷۱) و نیز مجاهدان شهید زهرا رحیمی و علی مرادی (اسفند ۱۳۷۲) در این شهر حضور داشت.

۲- در تیرماه ۱۳۸۶ در حینی که در لیتوانی از به مناسبت سالگرد ترامی حلیم رحیمی از زندان برگزارشد، به طور غیرمترقبه و بدون هیچ سابقه قبلی شرکت کرد و زیر این عنوان که می‌خواهد... نامه بی را به طور شخصی به دست خانم رجوی برساند. قصد نزدیک شدن به آیدان را داشت که با مداخله مسئولان حفاظت موفق به انجام این کار نشد.

۳- این مزدور برای نفوذ در شبکه هواداران مقاومت از تاکتیک و شعاری کمک مالی استفاده می‌کرد. اما وقتی متوجه شد این تاکتیک مؤثر نیست خواستار پس گرفتن کمکهای مالی شد و از جمله مدعی شد پس از ترور مجاهد خلق حسین طایبی در سال ۶۸ رابطهایی را در اختیار سازمان مجاهدین قرار داده و خواستار باز پس گرفتن آنها شد. اما در واقع هیچ وابی در میان نبود و او تنها پس از آن عملیات تروریستی دیگری برای هزینه های درمانی مجاهد خلق حسین طایبی هزینه کرده بود. هیچ

پرداخت کرد که رسیدهای آن موجود

از بلژیک، به بهانه دلتنگی و دیدار با او را قطع کنند.

خود را برای اقامت و تردد افرادش در صوری بازرگانی و انتقال مبالغ هنگفت ز ایرانیانی استفاده می شود که سالیان ه اند. نیروی قدس در طرح ترور سفیر ک ایرانی تبعه آمریکا بود که در ظاهر

است: «دولت ایران مجاهدین خلق را سلسله عملیات مخفی علیه مجاهدین دابنده تصمیم به ترک سازمان گرفت. تهران ضبط می کند آنها را مجبور به ۲۰۰۲ سینگلتون در تهران با عوامل گشت به انگلستان در زمستان ۲۰۰۲ ر سوریه دستگیر و از سوریه به ایران

تصریح می‌کنند که مهمترین مأموریت ت درباره آنهاست. این گزارشها تأکید آخرین گزارش سالانه در سال ۲۰۱۲ ش مقاومت بیوقفه فعال است . وزارت مجاهدین خلق ایران معرفی می‌کنند هدین خلق ایران، بر افکار عمومی علیه کنند».

امل شناخته شده است و سرویسهای ند. یک دادگاه فدرال در برلین که به کم خود در فروردین۱۳۷۶ تصریح کرد اطلاعات رژیم ایران گرفته شده است. یتها علیه رژیم ایران بر اخراج مأموران ژیم ایران را نقض کردند و به مماشات

و نیروی تروریستی برون مرزی رژیم،

جاهدین و شورای ملی مقاومت ایران از

سوی دوایر ذیربط و ارگانهای مسئول در این کشورها. از جمله نمونه علی منصوری باید با تمام جزییات به اطلاع افکار عمومی برسد. بی اطلاع گذاشتن افکار عمومی از این اقدامهای غیرقانونی و جنایتکارانه، راه را برای ادامه و گسترش آنها هموار می‌کند.

ج- جلوگیری از سوء استفاده مأموران فاشیسم دینی حاکم بر ایران از امکانات پناهندگی و گرفتن تابعیت، از سوی کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد و ادارات پناهندگی در کشورهای مختلف.

۱۰- کمیسیون از عموم هموطنان می‌خواهد، با افشای فعالیتهای مأموران رژیم در هر کجا که هستند و با معرفی این مأموران به مقامهای مسئول در کشورهای مربوطه و یا از طریق دفاتر شورای ملی مقاومت، اجازه ندهند، رژیم آخوندی کشورهای دیگر را به عرصه تاخت و تاز مأموران و جاسوسان و تروریستهای خود تبدیل کند.

شورای ملی مقاومت ایران

کمیسیون امنیت و ضد تروریسم

۲۱ مهر ۱۳۹۲(۱۳ اکتبر ۲۰۱۳)



National Council of Resistance of Iran

شورای ملی مقاومت ایران

اخلال و خرابکاری رژیم آخوندی و حکومت عراق در انتقال مجاهدان به کشورهای دیگر
همراه با تشدید اعمال فشار و حملات بیشتر موشکی به لیبرتی
فراخوان به اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا توسط شورای امنیت ملل متحد برای امنیت لیبرتی تا زمان انتقال

مقامات اطلاعاتی رئیس جمهوری و هیستریک رژیم آخوندی و عوامل آن نسبت به معرفی مشاور ویژه دبیرکل ملل متحد برای انتقال ساکنان لیبرتی سایر کشورهای دنیا دیگر این حقیقت را به اثبات می رساند که رژیم ایران نه تنها خواهان انتقال ساکنان لیبرتی به کشورهای ثالث نیست بلکه از هیچ تلاشی برای کارشکنی در آن فروگذار نمی کند. حاکم رهبری پیش از این بارها اعلام کرده است که هدف واقعی آخوندها این نیست که مجاهدین، اشرف یا عراق را ترک کنند؛ هدف نابودی فیزیکی مجاهدین یا تسلیم آنهاست. گزینه سومی در کار نیست.(گزارشی در سفر ملل متحد ۲۵ شهریور- کنگره ایالات پارس ۲۷ مهر)

۱. رسانه های رژیم آخوندی در یک خبر آشفته پی از معرفی مشاور ویژه دبیر کل با خشم و عصبانیت یاد کرده و نوشتند: «ان کی مون با تعیین معاون اسبق وزیر امنیت ناصری آمریکا به سمت مشاور ویژه خود در امور جابه جایی مجاهدین، عملاً جنایات این گروهک تروریستی در حق کشور ایران و مردم را نادیده گرفت. وی به جای اهل لوث مأموریت داده برای مجاهدین مکان یابی کند و آنها را در جای جدیدی مستقر نماید.» (خبرگزاری سپاه پاسداران فارس- و روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷دی)

۲. شمار دیگری از رسانه های رژیم نوشتند: «این اقدام سازمان ملل دوست پس از حمله اخیر به لیبرتی انجام شد با توجه به این که کشورهای ثالث حاضر به پذیرش این فرقه نیست... لذا به نظر می رسد اقناع سازمان ملل و کشورهای غربی برای توجه جدی به وضعیت این گروهک در کمپ لیبرتی و تسریع پذیرش آنها در کشورهای ثالث نیاز به پیگیری استراتژی مطلوم تبلیغی از جانب سرکردگان این گروهک است. از این لحاظ مجاهدین به هیچ وجه مشتاق نمی آید حملاتی نیز به کمپ لیبرتی انجام شود و تعدادی نیز از مجاهدین قربانی شوند تا گروهک با پخش گسترده اخبار و تصاویر آن اروپا و آمریکا را نسبت به خروج مجاهدین از عراق و اشکان آنها در اروپا و امریکا متعاقب کند.» (روزنامه جوان نیوز و جام نیوز ۱۴دی). این یک سناریوی جاری از ابهام برای افزایش حملات خشونت‌بارانه علیه ساکنان لیبرتی است.

۳. نوذر شفیعی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس آخوندها در همین رابطه گفت این «اقدام سازمان ملل در محافظت از مجاهدین، آنها را تشویق به افزایش اقدامات تروریستی می کند... این موضوع مغایر با اهداف کلی سازمان ملل به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است... لذا حضور ناظرین در کشور ثالث اقدام اشتباهی خواهد بود. کشورهای معتقد برای تقویت مدافعات خود با ایران باید از پذیرش این گروه تروریستی خودداری کنند.» (خبرگزاری مجلس رژیم ۲۳دی)

۴. شبکه خبر شورایرون حکومتی در یک مقاله طولانی در سایت خود نوشت: «ایل کی‌مون، به جای "حسن ظل لوث" مأموریت داده تا برای مجاهدین در بی مکان جدیدی برای اسکان باشد ـ کمک به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و مقابله با هر آن‌چه مظلم و امنیت جامعه جهانی را به چالش می‌کشد، مهم‌ترین رسالتی است که سازمان ملل متحد برای تحقق آن بوجود آمده است نه یافتن سرپناه برای یک گروهک گانگستر و تروریست... قرار گرفتن سازمان ملل در کنار این گروه اقدام این سازمان و دبیرکل سازمان ملل را انگشت می‌کند» (سایت شبکه خبر شورایرون مکومتی- ۲۴ دی)

۵. طبق تصریح رسانه های رژیم یکی از هدفهای اصلی سفر بن‌برخاسته رژیم آخوندی به کشورهای منطقه جلوگیری از پذیرش ساکنان لیبرتی بوده است. محمد حسن انصاری، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس که از همراهان وزیر خارجه رژیم بوده است در این باره گفت «تلاش در دیدار با مقامات اردنی نسبت به پذیرش اعضای مجاهدین موضع ایران را اعلام کرده» (خبرگزاری وزارت اطلاعات- مهر ۲۶دی)

وی همچنین تأکید کرد «هر سفر به همان نشستی با پادشاه وزیر امور خارجه و نخست وزیر این کشور برگزار شد و در این دیدار جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد که کشور همان نباید گروهک منافقین را برای حضور در این کشور بپذیرد» (سایت خانه ملت وابسته به مجلس رژیم-۲۹دی)

رسانه های رژیم آخوندی همچنین نوشتند: یکی از مهمترین مأموریتهای وزیر خارجه رژیم در سفر به بغداد نیز «موضوع مجاهدین و تعیین تکلیف این فرقه بوده» (ایران نیوز- ۲۴ دی)

۶. رژیم آخوندی سخنران و نمایندگان خود را در کشورهای مختلف به ویژه در اروپا موظف کرده تا مظلومان محل مأموریت خود را از پذیرش مجاهدان لیبرتی بر حذر داشته و تهدید کند چنین اقدامی روابط سیاسی و اقتصادی با رژیم ایران را به خطر خواهد انداخت آنها با انتقال اطلاعات دروغ و گمراه کننده به مظلومان کشورهای مربوط، انتقال مجاهدین به این کشورها را بلامانع تا نفی و تثبیت و اقدامهای تروریستی معرفی می‌کنند.

۷. در مهر ماه گذشته رسانه های رژیم نوشتند: «در پی افشار خبر پذیرش ۹۷نفر در آلمان، گروههای متشکل از جمله‌های این سازمان با ارسال نامه و ایمیل به مسئولان کلن و دولت آلمان با یادآوری اتصال خشونت‌آمیز اعضای این گروه نسبت به تسلیل دقیق آنها هشدار دادند... و نام برخی شناگاها در آلمان «که با ظاهر پوشش به فعالیت برای سازمان منافقین مشغول» را به اطلاع این مظلمات رساندند.

پیداست که نویسندگان این مطالب مأموران اطلاعاتی هستند که برای ساکنان لیبرتی کمک تسلیح می‌پردازند و «رهبری مجاهدین» را متهم به تعلل در انتقال آنها به خارج عراق می کنند.

۸. در ۲۱ شهریور، حقیقت پور «نماینده کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس» رژیم گفت «شیلدوارم کل کره زمین از لوث وجود مجاهدین پاک شود» (خبرگزاری نیروی قدس- تسنیم)

۹. در ۲۲شهریور، انصاری عضو این کمیسیون گفت: «هر کشوری که به مجاهدین سکنی دهد ایران ارتباط خود را با آن قطع میکند» (تلویزیون رژیم)

۱۰. در ۲۴شهریور، پاسدار سرتیپ اسماعیل کوثری، عضو دیگر این کمیسیون گفت «هیچ کشوری حق ندارد بهصورت متمرکز آنها را بپذیرد تا سازمان منسجو خود را حفظ کند. ما در مجلس پیگیری خواهیم کرد تا همه را تحویل ایران دهند» (خبرگزاری مهر)

۱۱-در ۲۵شهریور، حسین نقوی، سخنگ
وابسته به سپاه پاسداران). در روز ۲۳ش
به پناهندگی قبول کند بلکه باید اینها ر
۱۲-روزنامه کیهان ارگان خامنه ای در
ساکنان پرده برداشت و نوشت: «دولت
توجه به این که دولت مستقر در عراق
خارجه کشورمان باید این پیام صریح و
دهد این گروهک تروریستی را در خاک
۱۳-پیش از آن نیز رژیم آخوندی برای
مجلس در روز ۲۸ اسفند ۹۱ گفت: در
روابط تجاری دو کشور نیز تاثیر خواهد
۱۴-پس از انتقال اولین گروه به آلبانی
-تلویزیون حکومتی شبکه خبر در روز ۹
خرابکاریهای سودمند برای آمریکا و رژی
-روزنامه حکومتی قدس در همان روز به
کشور و مردمش و روابط دوجانبه‌اش با
-سید باقر حسینی، نماینده مجلس رژیم
منطقه مخاطره ایجاد کند» (خبرگزاری
-محمدرضا ثانی، رئیس کمیسیون امنیت
همراه خواهد داشت (سایت خانه ملت و
۱۵-خرابکاری رژیم در انتقال مجاهدین
موشکی بیشتر علیه ساکنان لیبرتی برن
حمایت از دور سوم نخست وزیری اش ا
-«آزادی عمل کامل اطلاعات و نیروی ق
-«تشکیل یک مقر نیروی قدس در نزدی
-«تشدید فشار و اقدامهای سرکوبگرانه
۱۶-در اطلاعیه های دبیرخانه شورای م
این اطلاعیه ها تصریح شده است که نی
از افسران نیروی قدس همراه با موشکها
ملی مالکی انجام می‌شود. مالکی دستور
۱۷-در روز ۱۸ دی اطلاعات آخوندها اع
شناخته شده اطلاعات با سر هم بندی
دولت عراق همزمان با تلاش برای نابود
وزارت اطلاعات" هابیلیان")
۱۸-کمیسیون امنیت و ضد تروریسم ش
مزدوران آن، تحت عنوان خانواده ساکنا
دقیقتر حملات بعدی هستند. پس از ح
خواستار «اعمال فشار بر رهبران سازمان
۱۹-همزمان رژیم آخوندی تلاش می‌کند با فرستادن مزدوران خود به کشورهای اروپایی علاوه بر جاسوسی و پخش اطلاعات دروغ و شیطان سازی ، راه انتقال مجاهدین به این کشورها را ببندد.

۲۰-اطلاعیه ۱۱ آذر کمیسیون امنیت فاش کرد یکی از مزدوران به نام احسان بیدی در روز ۲۴ مهر ۹۲ زیر عنوان پناهنده و «عضو سابق مجاهدین» با پاسپورت ایرانی به شماره ۱۶۳۵۹۰۷۲ وارد آلبانی شده است. این پاسپورت که از سوی وزارت اطلاعات و در روز ۸ بهمن ۱۳۹۱ صادر شده ۵ سال اعتبار دارد و به روشنی نشان می دهد پناهندگی در مورد این فرد هیچ موضوعیتی ندارد. موارد متعدد دیگری هم وجود دارد که افرادی در خارج از لیبرتی که هیچ ریسکی متوجه جان آنها نیست تحت عنوان "عضو سابق مجاهدین" به کشورهای اروپایی فرستاده شده اند درحالی که اولویت با مجاهدان لیبرتی است که پیوسته در معرض موشک باران و خطر جان باختن هستند.

از آنجایی که حقایق فوق هیچ تردیدی در نیات شوم رژیم آخوندی و دولت دست نشانده اش در عراق برای نابودی ساکنان لیبرتی یا وادار کردن آنها به تسلیم باقی نمی‌گذارد، مقاومت ایران خواستار مداخله فوری آمریکا و ملل متحد و طرح موضوع در شورای امنیت و اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا برای تأمین امنیت و سلامت ساکنان تا زمان انتقال همه آنها به اروپا یا آمریکا است .

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۳۰دی۱۳۹۲(۲۰ژانویه ۲۰۱۴)

مافیای اطلاعات آخوندی به بهانه اطلاع از وضع مجروحان و مصدومان چهارمین حمله موشکی در صدد جمع آوری اطلاعات از نتایج جزیی و تاکتیکی حمله به منظور طراحی کشتار بعدی است

به دنبال چهارمین حمله موشکی به لیبرتی، مأموران و مزدوران اطلاعات آخوندی و شعبه آن موسوم به انجمن نجات، تحت عنوان خانواده ساکنان و به بهانه اطلاع از اسامی و وضعیت مجروحان و مصدومان، در صدد گردآوری اطلاعات جزیی تاکتیکی و عملیاتی از نتایج حمله ۵ دی، برای طراحی دقیقتر حملات بعدی و گرفتن شهید و مجروح بیشتر است.

بنا به گزارشهای رسیده از درون رژیم آخوندی، پس از حمله ۵ دی به کمپ لیبرتی، وزارت اطلاعات مأموران خود را موظف کرد تا بیانیه ها و نامه هایی را به زبانهای مختلف تحت عنوان خانواده های ساکنان لیبرتی تنظیم و برای مراجع بین المللی مانند کمیساریای عالی پناهندگان، صلیب سرخ بین المللی، نماینده ویژه دبیر کل در عراق و مقامات عراقی ارسال کند و مدعی شوند نگران سلامتی و وضعیت بستگانشان در لیبرتی هستند و خواستار «اتصال فشار بر رهبران سازمان مجاهدین در لیبرتی برای اعلام اسامی رهبری ها جهت اطلاع خانواده ها» شوند.

نشستهای روزانه برای جمع آوری اطلاعات از لیبرتی زیر عنوان اسامی مجروحان که صرفاً با اضافه جنایتکارانه علیه مجاهدین بیدفاع در لیبرتی پیگیری میشود، در حالیست که همه مجروحان نزد کمیساریای عالی پناهندگان و یونامی ثبت شده و خودشان با خانواده هایشان در تماس هستند. مأموران و مزدوران اطلاعات که برای مجروحان حمله ۵ دی اشک تمساح می‌ریزند، از قضا همان جنایتکارانی هستند که نزدیک به دو سال تحت نام خانواده، به بمباران موشکی و شلیک راکتی مجاهدان با ۳۲۰ بلندگو مشغول بودند و ساکنان را به کشتن و به آتش کشیدن اشرف تهدید می‌کردند.

کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورا در روز ۲۱ آذرماه گذشته طی اطلاعیه ای در باره انتشار اسامی اولین گروه انتقالی ساکنان لیبرتی به آلبانی اعلام کرد کسانی که به این «اقدام نفرت انگیز پلیسی مبادرت کرده اند تحت هر نام و عنوان و پوششی، در ارتباط با وزارت بدنام شکنجه و جاسوسی قرار دارند و مجری خطوط آن هستند» و از دولت آمریکا و ملل متحد خواستار ممانعت از دسترسی گشتاپوی آخوندی و نیروی قدس به اطلاعات ساکنان شد.

شورای ملی مقاومت ایران
کمیسیون امنیت و ضد تروریسم
۱۳ دی ۱۳۹۲ / ۳ ژانویه ۲۰۱۴

خامنه ای در ملاقات با مالکی بخاطر حمله به اشرف تقدیر کرد

و او را موظف به سرعت بخشیدن به بستن پرونده مجاهدین کرد

خامنه ای خواستار پاکسازی استان الانبار در عراق و فراهم کردن تسهیلات بیشتر برای کمک به بشار اسد شد

بر اساس مدارک و گزارشهای دقیق از درون رژیم آخوندی، خامنه ای در ملاقات با مالکی در روز ۱۴ آذرماه ۱۳۹۲، از او به خاطر حمله به اشرف و اعدام جمعی مجاهدان تقدیر کرد و مالکی را موظف کرد بر فشارها و حملات بر مجاهدان لیبرتی بیفزاید و امکانات و آزادی عمل بیشتری برای پاسداران و نیروی قدس در عراق ایجاد کند. وی به مالکی گفت باید به پرونده سازمان مجاهدین در عراق هر چه سریعتر خاتمه دهد.

مالکی ضمن تأکید بر اینکه حمله ۱۰شهریور (اول سپتامبر ۲۰۱۳) به اشرف نتایج بسیار مثبتی برای هر دو کشور در پی داشته، متعهد شد دستورات خامنه ای در این زمینه را به اجرا در آورد.

خامنه ای همچنین در این ملاقات به مالکی دستور داد تا به استان انبار لشکرکشی نموده و آنجا را پاکسازی کند. وی تأکید کرد دولت عراق باید «با تروریسم در الانبار بجنگد» و «میدانهای تحصن را جمع کند». مالکی پاسخ داد برای این کار آمادگی کامل دارد اما نیازمند کمک همه جانبه رژیم ایران در این زمینه است. خامنه ای تأکید کرد در این جنگ از او حمایت کمک خواهد کرد و از جمله سلاحهای پیشرفته و کمکهای اطلاعاتی در اختیار او قرار خواهد داد و فرماندهان نیروی قدس برای طراحی و فرماندهی این حمله به او کمک خواهند کرد.

در این ملاقات مالکی گزارشی از سفرش به امریکا و ملاقاتش با رئیس جمهور و مقامات این کشور ارائه کرد. خامنه ای در این باره گفت: دولت عراق نباید به هیچ وجه به آمریکا اتکا کند. «آینده عراق در ارتباط با ایران و سوریه بنیاد است تضمین می شود». مالکی تأکید کرد رژیم ایران پشتوانه اصلی دولت عراق است و حفاظت و بقای حاکمیت شیعه در عراق تنها با اتکا به رژیم ایران و شخص ولی فقیه امکانپذیر است و از همین رو خواستار گسترش همکاریهای نظامی و امنیتی و اقتصادی با این رژیم است.

خامنه ای ضمن تشکر از حمایت همه جانبه مالکی و دولتش از بشار اسد خواستار افزایش کمکهای عراق به سوریه و همچنین تسهیلات بیشتر برای انتقال نیرو و سلاح از خاک و هوای عراق به سوریه شد. وی بر ضرورت دستاوردهای نظامی بشار اسد قبل از کنفرانس ژنو ۲ تأکید کرد و گفت پیروزی بشار اسد لازمه استمرار نخست وزیری مالکی بعد از انتخابات ماه آوریل است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۳۰ دی ۱۳۹۲/۲۰ ژانویه ۲۰۱۴)



National Council of Resistance of Iran
Security and Counterterrorism Committee

شورای ملی مقاومت ایران
کمیسیون امنیت و ضدتروریسم

هتل مهاجر در بغداد پایگاه وزارت اطلاعات و نیروی تروریستی قدس
برای توطئه علیه مجاهدان اشرفی

به خدمت گرفتن مزدوران تحت عنوان اعضای سابق مجاهدین برای لجن پراکنی و شبکه سازی با جاسوسی و اقدامات تروریستی علیه مقاومت ایران
روش دائمی و شناخته شده دستگاههای کشتار و ترور و جاسوسی رژیم آخوندی مانند وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و نیروی قدس، در سه دهه گذشته
بوده است. همچنانکه در گزارش ارتش آزادیبخش ملی ایران «زیده» اقدام جمعی - کیوکنکیری، تعریب و انفجار» در اشرف آمده است. تحلل ترین
مزدوران تحت عنوان "اعضای سابق مجاهدین" برای توبه و ندامت و مصرف در کارزار علنی علیه مقاومت مورد استفاده واقع می شوند و شماری از آنها
برای "تحسس" و کارهای اطلاعاتی با نیروهای در پوشش های مختلف به خدمت گرفته می شوند. این موضوع در دو دهه گذشته ، بارها در گزارشهای
دستگاههای امنیتی کشورهای مختلف مانند آلمان و هلند و انگلستان و سوئد تصریح و گواهی شده است.

در سالهای بعد از جنگ و اشغال عراق (در فاصله ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷) اطلاعات و سپاه آخوندها بویژه نیروی تروریستی قدس با نفوذ در تاسیسات موسوم به
نیف که نیروهای آمریکایی به گفته خودشان برای "گوریلی" و "تحلل نرم" مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی دایر کرده بودند، به کسب اطلاعات و
جاسوسی و استخدام مزدور می پرداختند. اما پس از تحلیل نیف، هتلهای مختلفی را در بغداد به همین منظور به کار گرفتند.

از این بیشتر مقاومت ایران اسناد مربوط به اجاره هتل یمامه در بغداد توسط سفارت رژیم را افشا کرده است. همچنین ظاهر یومیدا مسئول پیشین پرونده
اشرف درسازمان ملل که شیرکل او را جنایت ویژه بوشی در مورد اشرف معرفی کرده بود، طرح و برنامه های مشترک مارتین کوبلر و سفارت رژیم برای
اتهدام مجاهدین با استفاده از همین هتل را برملا کرده است. وزارت اطلاعات مزدورانی را که از اروپا یا ایران، برای اجرای برنامه های خود به عراق میآورد
درهتل مهاجر یا شرایتون و مکانهای مشابه مستقرمیکند

هتل مهاجر در خیابان کرانه در نزدیکی میدان تحریر در بغداد اکنون به یکی از مراکز گشتاپوی ملایان و نیروی قدس آنان تبدیل شده است. سفارت
رژیم و ماموران اطلاعات و نیروی قدس در این مکان تلاش می کنند افرادی را که از اشرف یا لیبرتی به آنجا رفته اند به خدمت خود در بیاورند.

کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت نمونه ای از اقدامات رژیم در این محل را ، به اطلاع هموطنان می رساند:

۱-ابتدا دژخیمی بنام کیومرث (غلامعلی) رشادتمند معروف به حاج علی، مامور وزارت اطلاعات در سفارت رژیم در بغداد مسئولیت هتل مهاجر را به
عهده داشت. سپس این مسئولیت به یک پاسدار سرتیپ نیروی قدس با نام مستعار « سجاده» منتقل شد که قبلا مأمور به خدمت در "گارد خلق" (بخش
ویژه سرکوب و انهدام مجاهدین در وزارت اطلاعات) بوده است. این پاسدار- سرتیپ رسما در سفارت رژیم دربغداد کار میکند اما معمولا تمام روز در
سوئیت مستقلی در هتل مهاجر بسر می برد. فردی بنام "محمود" از سپاه مزدور بدر، وی را با خودروی دیگری به هتل مهاجر میبرد و به سفارت بر می
گرداند. پاسدار سرتیپ جنایتکار علاوه بر استخدام مزدور در هتل مهاجر با مأموران اطلاعات در برخی کشورهای دیگر از جمله آلمانی در ارتباط مستمر
قرار دارد.

۲-پاسدار دلقی فر معبر آخوندها در عراق که از سرکوبگران نیروی قدس است، با لباس عربی برای پنهان کردن هویتش به این محل رفت و آمد دارد تا
از پیشرفت طرح ها و برنامه ها اطمینان حاصل کند. شمار دیگری از ماموران نیروی قدس و اطلاعات آخوندی مانند موسوی و حسینی مستمرا به این
محل تردد دارند. آنها در ارتباط نزدیک با نخست وزیری عراق و کمیته سرکوب اشرف هستند.

۳-شماری از مزدوران عراقی رژیم با نامهای لوکزار، ابومصطفی، ابواحمد و ابوعلی و بشیر حسام حمودی که در ارتباط با سفارت و اطلاعات رژیم
هستند، در این هتل کار میکنند. بشیر حسام حمودی بارها برای توجیه به ایران رفته است. این شخص پیوسته با اکیپ های اطلاعات آخوندها (موسوم
به ابعمین نجف) برای اجرای مانوریت به اشرف رفته و به سنگ پرانی و تعرض به مجاهدان اشرفی پرداخته است. تابع عیسی و علی دلیمی دو مزدور
مدام دیگر سفارت رژیم در عراق نیز به این مکان تردد دارند و کار جلق کن اشغال مزدوران استخدام شده از هتل مهاجر به ترکیه هستند. آن دسته از
ماموران اطلاعات و نیروی قدس که تحت عنوان همراهگر و فرماندار برای تهیه گزارشهای باصطلاح هستند به عراق میروند نیز درهتل مهاجر
مستقرمیشوند و ازآنجا برای ضبط برنامه به اشرف یا نقاط دیگر میروند.

۴- فرد دیگری که به هتل مهاجر می رود، عدنی درطبقه اول این هتل درقسمتی که حالت فرماندهی دارد نگهداری میشود تا پاسدار سجاد با او
"مصاحبه" کند. سپس ، بسته به نتیجه "مصاحبه" به اتاق هایی درطبقات ۳و۴ مستقر میشود و یا در مواردی مانند مسعود دلیلی داخل، دلیدید و به
محلهای ویژه دیگری منتقل می شود تا همچنانکه در گزارش ارتش آزادیبخش به اطلاع عموم رسیده است، برای مخاطب پلیت و جنایتکارانه دیگر مصرف
شود.

همکاری با اطلاعات بکشاند. یکی از
است تا به استخدام وزارت اطلاعات
ست، آنها را به اروپا و سایر کشورها
رای ماموریتهای ویژه امنیتی در نظر
انه به ایران منتقل وپس از "توجیه و

که به مزدوری کامل در بیایند بسیار
افته تا افراد در مضیقه شدید مالی ،
های مسخره و مصرف این نمایشها و
همکاری بیشتر میکنند. این در حالی
رده اند. اسناد بیش از ۳۰۰هزار دلار
ورا موجود است.
انی صادر می کند و آنها را با پیش
لار دریافت میکنند. وزارت سپس آنها
سیون امنیت و ضدتروریسم شورا در
عضو سابق مجاهدین» به نام احسان
مزدوران با بلندگو و پلاکارد به اشرف

یروی قدس(سجاد) به خدمت وزارت
ه بود، به اشرف رفته و با شرکت در
ر در چند ماهی که در هتل اطلاعات
ه همکاری تمام عیار با آنها، از جمله
غانی مارتین کوبلر به نام دورانی به
ض آنها مواجه شد. پاداش این خوش
ت و بدون کنترل و همراهی ماموران

در کرد. در قدم بعد او را برای"توجیه
رمان - جیرفت، به کار مشغول است
شکی به لیبرتی شرکت داشته است.
دار دژخیم سجاد و دیگر عوامل رژیم
فشا خواهد شد.

شورای ملی مقاومت ایران
کمیسیون امنیت و ضد تروریسم
۴اسفند۹۲ (۲۳فوریه۲۰۱۴)

پاسدار سلامی جانشین فرمانده سپاه پاسداران: «اینها [مجاهدین] در گذشته زندگی می‌کنند، با امکانات روز از قبیل موبایل هیچ آشنایی ندارند و مغز آنها شستشو داده شده است». [۳۷]



گفتگوی ویژۀ خبری شبکه ۲سیما با پاسدار سلامی جانشین فرمانده سپاه پاسداران۹۲۰۶۱۷

سایتهای پوششی وزارت اطلاعات که قبل از حمله نسبت به جوسازی مجاهدین برای خودزنی و تصفیۀ فیزیکی اعضای ناراضی هشدار داده بودند، ۳روز پس از حمله و قتل‌عام اشرف با ناشی گری تحت عنوان «نامه خانواده‌های استان آذربایجان غربی در محکومیت اقدامات بازدارنده و آزاردهنده مسعود رجوی و سران فرقه مجاهدین خلق» نوشتند: «چرا سران مجاهدین اجازۀ خروج فرزندان ما را از کمپ لیبرتی نمی‌دهند؟ چرا مسعود رجوی از این‌که ساکنین کمپ لیبرتی تحت نظارت سازمان ملل متحد به کشورهای اروپایی انتقال یابند، سخت پریشان و آشفته‌حال است؟.... ما اصرار داریم تا هر چه زودتر تحت نظارت یونامی و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با بستگانمان در لیبرتی دیدار و ملاقات کنیم.... رجوی تعدادی از اعضای مجاهدین ساکن اشرف را طی روزهای اخیر قربانی کرده است؛ بی‌تردید مسئولیت خونهای ریخته شده از نظر ما شخص رجوی است».

۳۷- شبکه ۲ تلویزیون رژیم ۱۷ شهریور ۱۳۹۲

نامه خانواده های استان آذربایجانغربی در محکومیت اقدامات بازدارنده و آزاردهنده مسعود رجوی و سران فرقه مجاهدین خلق



نامه خانواده های استان آذربایجانغربی درمحکومیت اقدامات بازدارنده و آزاردهنده مسعود رجوی

و سران مجاهدین خلق

Wednesday, September 04, 2013

به نام خدای مهربان

رهبری و سران مجاهدین خلق سالهاست که فرزندان ما را درعراق تحت اسارت گرفته اند. آنان از هر گونه تماس و ارتباط با دنیای خارج و حتی اعضای خانواده هایشان منع شده اند که مغایر با مفاد منشورجهانی حقوق بشر است. ما اطمینان داریم سران مجاهدین از اینکه فرزندان ما با دنیای خارج از تشکیلات مخوف رجوی در تماس باشند و از سیر تحولات و رویدادهای مربوط به ایران و جهان آگاهی یابند سخت وحشت دارند. چرا سران مجاهدین اجازه خروج فرزندان ما را از کمپ لیبرتی نمی دهند؟ چرا مسعود رجوی از اینکه ساکنین کمپ لیبرتی تحت نظارت سازمان ملل متحد به کشورهای اروپایی انتقال یابند سخت پریشان و آشفته حال است؟ ما سکنان سفیف و توهین آمیز رجوی در ماه رمضان در رابطه با کسانی که به کمپ های پناهندگی در آلبانی و آلمان منتقل شده و یا قصد خروج از لیبرتی را دارند بشدت محکوم می کنیم.

ما جمعی از خانواده های استان آذربایجانغربی حمایت خود را از اقدامات کمیساریای عالی امور پناهندگان و آقای بان کی مون دبیرکل سازمان ملل متحد و همکاری دلسوزانه کمیته بین المللی صلیب سرخ ، انجمن های بین المللی و نهادهای حقوق بشری در زمینه سازی خروج فرزندان و بستگانمان از عراق و انتقال آنان از کمپ لیبرتی به کشور آلبانی و سایر کشورهای اروپایی اعلام می داریم و سران و رهبری مجاهدین خلق را به دلیل سنگ اندازی و مانع تراشی در انتقال هر چه سریعتر ساکنین کمپ لیبرتی به خارج از عراق که در تناقض با تعهدات شان به سازمان ملل و دولت عراق است ، شدیدا محکوم می کنیم.

ما از سران مجاهدین انتظار داریم به منشور جهانی حقوق بشر احترام گذاشته و بیش از این مانع تماس و ملاقات ما با فرزندان و عزیزانمان در کمپ لیبرتی نشوند. ما اصرار داریم تا هر چه زودتر تحت نظارت بوداهی و کمیته بین المللی صلیب سرخ با بستگانمان در لیبرتی دیدار و ملاقات کنیم. بیش از سه دهه است که رهبران مجاهدین خلق بر خلاف همه موازین حقوق بشری ، تعهدات انسانی و اخلاقی مانع تماس و ملاقات خانواده ها با افراد مستقر در اشرف و لیبرتی شده اند. این شرایط تلخ و اندوهبار قابل تحمل نیست. سازمان های بین المللی و حقوق بشری میبایست به سران مجاهدین خلق گوشزد کنند که به خواسته و مطالبات مشروع و قانونی خانواده ها احترام بگذارند.

ما اقدامات بازدارنده و آزاردهنده رهبری فرقه مجاهدین را تکوهش می کنیم. رجوی نخستی از اعضای مجاهدین ساکن اشرف را طی روزهای اخیر قربانی و فدای امیال شوم و کثیفش کرده است بی تردید مسئولیت



● در روز ۲۹شهریور نیز، تعداد دیگری از شعب وزارت اطلاعات و سایتهای مربوطه، تحت عنوان «تصفیهٔ عناصر گروهک منافقین به‌دست فرماندهانشان» از قول یکی از سایتهای عربی‌زبان وزارت اطلاعات و آن سایت به‌نقل از منابع سیاسی ناشناس نوشتند: «برخی منابع سیاسی تأکید کردند اتهاماتی که اخیراً سازمان تروریستی خلق به دولت عراق وارد کرده، مبنی بر این‌که عناصر این سازمان در استان دیالی توسط دولت عراق تصفیه می‌شوند، تلاشی برای فریب افکار عمومی و دروغ جلوه دادن حقایق به‌منظور بدنام کردن عراق در میان جامعهٔ بین‌الملل است. این حادثه که طی آن عناصر سازمان خلق به‌دست اعضای امنیتی ویژهٔ این سازمان تصفیه می‌شوند برای اولین بار نیست که رخ می دهد.... آثار شکنجه‌ها که بر روی بدن کشته‌شدگان وجود داشت نشان می‌دهد که این افراد داخل مقر سازمان شکنجه شده و سپس کشته شدند تا به‌این وسیله دولت عراق را متهم کنند و از این طریق برخی فرماندهان این سازمان تلاش نمایند تا حمایت جامعهٔ بین‌الملل را به‌دست آورده و دولت عراق را بدنام کنند.... این منابع در ادامه اظهار داشتند که هم اکنون با کمک سازمان ملل متحد در حال تهیهٔ گزارشی مبسوط پیرامون این اقدامات است تا مسألهٔ شکنجه شدن افراد سازمان خلق پیش از کشته شدنشان مشخص گردد تا دلیلی آشکار باشد بر این‌که خود فرماندهان سازمان خلق این جنایتها را مرتکب شده‌اند».







سایت المستقل العراقی / ویژه

09-09-2013

برخی منابع سیاسی روز گذشته دوشنبه تاکید کردند اتهاماتی که اخیرا سازمان تروریستی خلق به دولت عراق وارد کرده مبنی بر اینکه عناصر این سازمان در استان دیالی توسط دولت عراق تصفیه می شوند؛ تلاشی برای فریب افکار عمومی و دروغ جلوه دادن میان جامعه بین الملل است. این منابع تاکید کردند: «برخی فرماندهان

پردهٔ آخر !

«نهایت سپاسگزاری و تشکر عمیق»
از مستخدمان اطلاعات به نوری مالکی به‌خاطر
قتل‌عام مجاهدین در اشرف

ما می‌خواهیم با هماهنگی و همکاری یونامی
و سازمان ملل و سفارتخانه‌های کشورهای اروپایی و
آمریکا در جهت جداسازی بدنهٔ
سازمان از رهبری و اعلام انحلال
این تشکیلات تلاش لازم
مبذول گردد

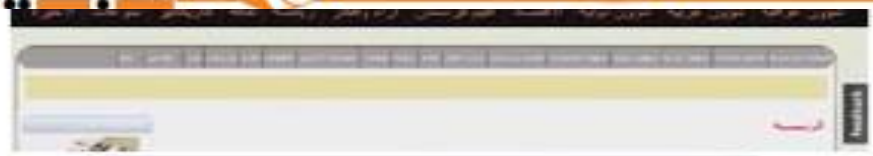
سر انجام در ۲۶ اسفند ۹۲ پرده‌ها به‌طور کامل کنار می‌رود و مستخدمان اطلاعات ولایت‌فقیه نقاب از چهره برمی‌دارند. روزنامهٔ حکومتی الصباح الجدید به تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۱۴ نامهٔ سرگشاده‌یی را با اسامی دهها تن از به‌اصطلاح جداشدگان سازمان مجاهدین خلق ایران خطاب به نوری مالکی منتشر می‌کند تا به او و مشاور امنیتی‌اش در برابر پیگرد دادگاه اسپانیا دلگرمی بدهد.

الصباح الجدید ۱۷ مارس ۲۰۱۴(۲۶ اسفند ۹۲) :

جداشدگان از سازمان خلق درخواست جدا کردن ساکنان لیبرتی از رهبری آن را دارند.

دهها تن از جدا شدگان ایرانی از سازمان مجاهدین خلق ایران خواستار جدا کردن ساکنان کمپ لیبرتی از رهبری سازمان که آن را فرقه‌گرا توصیف کردند، شدند.

ASSABAH ALJADEED
الصباح الجديد
يومية سياسية مستقلة
رئيس التحرير أسماعيل زاير
وصاحب الامتياز
www.newsabah.com
info@newsabah.com
adv.newsabah@newsabah.com





منشقون عن «خلق» يطالبون بـ«فصل» سكان «ليبرتي» عن القيادة

طالب عشرات المنشقين الايرانيين، عن منظمة مجاهدي خلق الايرانية، بنقل سكان مخيم ليبرتي، عن قيادة المنظمة التي وصفوها بـ«الطائفية».
واعربوا عن استعدادهم لتقديم المساعدة والمشورة للحكومة العراقية والأمم المتحدة، فيما أشاروا إلى أوضاع إنسانية ونفسية عصيبة يعانون منها بسبب سياسة المنظمة.
وفي الأدنى نص الرسالة:

رسالة ممنوحة من 50 من المنشقين عن منظمة مجاهدي خلق الإيرانية
الى رئيس الوزراء العراقي نوري المالكي
دولة السيد نوري المالكي رئيس وزراء جمهورية العراق المحترم،
تحية طيبة،

نحن مجموعة من المنشقين عن منظمة مجاهدي خلق الإيرانية، نعرب عن إدانة تقديرنا وحزننا شكرنا للحكومة العراقية على ما تبذله من تعاون وتنسيق مع الأمم المتحدة والمفوضية العليا للاجئين سعيا لنقل سكان مخيم الحرية (ليبرتي) الذين هم في الحقيقة أسرى فكريا ونفسيا وجسديا في تنظيمات هذه المنظمة، من العراق الى بلدان ثالثة، بما في ذلك تقديم حكومتكم دعما ماليا بمبلغ نصف مليون دولار لصندوق الأمم المتحدة من أجل تسهيل وتسريع إنجاز هذا المشروع الإنساني واللاءات المتكررة التي اجراها الوزراء المختصون في حكومتكم مع سفراء دول الاتحاد الاوربي وأمريكا من أجل الإسراع في نقل سكان مخيم الحرية (ليبرتي) الى تلك البلدان.

نحن أعضاء منفصلون عن تنظيمات هذه المنظمة وبعضنا من افراد عوائل سكان مخيم الحرية (ليبرتي) وكل ما كان لنفسراب السيئ سائد عباد داخل المنظمة وفق مختلف قواعدها ومعسكراتها على أرض العراق والأكثر في معسكر «أشرف» السابق وبعضا في مخيم الحرية (ليبرتي) على ما أرتكبه قادة منظمة مجاهدي خلق من جرائم القتل والتعذيب الجسدي والنفسي بما فيها دفع افراد الى الانتحار بالاضافة الى الضغوط والقيود القاسية المفروضة على الاشخاص المنتمين لتنظيمات وبسبب قادة المنظمة، ونحن متطلعون بتفاؤل على مطالب اغلبية اعضائنا الأسرى في هذا التنظيم الطائفي وخصوصا أهاليهم الذين لا يقدرون ولا يجرؤون على التعبير عنها وكسر الحصار والقيود المفروضة عليهم من قبل قادة المنظمة، نطلعكم وأعضاء الحكومة العراقية خاصة الوزراء المختصين بشؤن وزير حقوق الانسان في حكومتكم على أن جميع أعضائنا وأعزائنا وأساسا وكما كانوا يقولون لنا سيرا عندما كنا معهم داخل المنظمة، يرغبون في التخلص والنجاة بأسرع وقت من هذا السجن رجوك التصرع وفي المنظم الجحيمي لهذه الرهرة ونقلهم الى العالم الحر وبالتحديد البلدان الأوربية وأمريكا حتى يمكن لهم الحصول على عيش انساني حر فيستقل بما في ذلك الزواج والاتصال مع العالم الخارج عن المنظمة خاصة مع عوائلهم بعد عزلهم وتقسيمهم عنها تماما لتسيرات السيئ من قبل قادة منظمة مجاهدي خلق الإيرانية. كما أكد التقرير نصف السنوي الصادر مؤخرا عن بعثة الأمم المتحدة لمساعدة العراق (يوناما) حرمانهم التام من هذا الاتصال والارتباط خاصة ان حوالي ثلث سكان مخيم الحرية (ليبرتي) لديهم وثائق وجنسية اللجوء والاقامة الرسمية في الدول الأعضاء في الاتحاد الأوربي وأمريكا والتي كانوا قد حصلوا عليها قبل ان يحرمهم قادة المنظمة الى العراق بصوف الأحابيل والخدع طيلة السنوات الـ 27 الماضية وبعد تركهم دراساتهم العالية وأسفارهم وعيشهم الرغيد في تلك البلدان ليقعوا في العراق أسرى معيشي في هذا المنظم الطائفي.

دولة رئيس الوزراء

في الوقت الذي يعرقل فيه قادة منظمة مجاهدي خلق الطائفية جهودكم وجهود الأمم المتحدة والمفوضية العليا للاجئين لنقل سكان مخيم الحرية (ليبرتي) الى البلدان الثالثة خاصة بعض أجراء المعاملات من قبل المفوضية العليا للاجئين التابعة للأمم المتحدة وانجاز من البعض في العراق والتدخل السافر في شؤونه الداخلية سياسة وموقفا في اعلامها وجهودها وبساطات لونها ومساندتها داخل العراق وخارجه، فنحن مجموعة من الأعضاء السابقين في منظمة مجاهدي خلق الإيرانية والمنسحبين عنها بتفضل وبعد وصولنا الى العالم الحر على اتصال صوب أصدقائنا الأسرى في سجن رجوك ومطالبهم الجماعية

الی اسماع المجمع الدولی. وفی هذا الاطار نطالب سیادتکم واعضاء الحکومه العراقیه بزیاده الاجراءات الامنیه والحراسه وتوفیر التموین وضرب من الامکانات لحمایه ارواح أصدقائنا فی مخیم الحریه (لیبرتی) بنغداد نظرا لأوضاع العراق الصارمه ومفهمس المشاکل الأمنیه التی نقاسی منها حکومتکم وبلدکم وکذلک نطالب بمواصله الحمایه بالحرجی والعرضی منهم کما فی السنوات العشر الماضیه فی معسکری اشرف ولیبرتی موقفین الحمایه الخاصه بهم. کما نطالب سیادتکم بذل قصاری جهدکم لفصل أفراد وقاعده المنظمه الساکنین فی مخیم الحریه (لیبرتی) عن رأس وقمه تنظیمها الرهیب أی قاده المنظمه والاعلان عن حل هذه القاده وتنظیمها والکف عن الاعتراف بها والتفاوض معها کونها تدعی ربها وربهانا بانها تمثل سکان مخیم الحریه (لیبرتی). وذلک بالتعاون والتنسیق مع بعثه الأمم المتحده لمساعده العراق (یوناما) والاجهزه المختصه التابعه للأمم المتحده وسفارات الدول الأوربیه وامریکا. حتی یتمکن الأفراد من اتخاذ قرارهم الحر المستقل لتقریر مصیرهم المستقبلی فی الغنس والتعبیر لدی الأجهزه الدولیه المختصه وبالتحدید المفوضیه العلیا للاجئین التابعه للأمم المتحده عن مظلومیهم الحقیقی الذی هو فی الدرجه الأولی عباره عن التخلص والانفصال عن هذا التنظیم والحصول علی الغنس الحر. حتی یتم تقدیم الأفراد إلی المجتمع الدولی بأنهم افراد مستقلون لهم شخصیه طبیعیه بطلبون حق اللجوء والاقامه فی بلدان اخری غیر دون ذکر اسم هذا التنظیم الارهابی الذی له جلسه الاندراج فی قوائم الارهاب الصادره عن بعض الدول فالمالی تتمکن الدول الثالثه ان تعلن عن استعدادها لاستقبال هؤلاء الأفراد واعاده توطینهم کلاجئین من دون مواجهه اشکالیات قانونیه وحقوقیه واحتجاجات أجهزه وموسسات داخل حکوماتها. حتی یتم بذلک تمهید الطریق بأسرع وقت لنقل هؤلاء الأسری الی البلدان الثالثه والعالم الحر بعد تخلصهم من العبود التنظیمیه فی تلک المنظمه. کما ونحن المسجلون عن منظمه مجاهدی خلق مستعدون لاعطاء المشوره وتقدیم تجاربنا بهذا الصدد وفی هذا المجال للحکومه العراقیه والمنظمه الدولیه وبوجه خاص للمفوضیه الدولیه للأمم المتحده لمساعده العراق (یوناما) والمفوضیه العلیا للاجئین التابعه للأمم المتحده.

مجموعه من الاعضاء السابقین المسجلین عن منظمه مجاهدی خلق الایرانیه

الموقعون:

1 -مجید کرمی
2 -بهزاد علی شاهی
3 -علی اکبر راسنکو
4 -سید امیر مونقی
5 -ادوارد نرمادو
6 -علی رضا میرعسکری
7 -احسان بندی
8 -محمد روحی
9 -جعفر ابراهیمی
10 -حسن نیرانسر
11 -قربان علی حسین نجاد
12 -غفور فتاحیان
13 -محمود سباهی
14 -همایون کهررادی
15 -میرزا یوسفی
16 -زهراء معینی
17 -بتول سلطانی
18 -نسرین ابراهیمی
19 -حمیراء مجد نجاد
20 -زهراء میرباقری
21 - ان سیمفلیون
22 - کبری کبری
23 -کریم حقی
24 - مسعود حدادیده
25 -مهدی نیکبخت
26 -میرباقر صدافی
27 -علی فسغاوی
28 -آرش صامتی نور
29 -حمید دهدار
30 -حمید سیستمانی
31 -حسن حلج
32 - حسن عربری
33 -علی حاتمی
34 -رضا رحب زاده
35 -مسعود خاوری
36 -علی جهانی
37 -عادل اعظمی
38 -شهرزاد جلیلی
39 -احمد مجدی
40 -کریم علامی
41 - مهرداد ساعرحی
42 -عباس صادقی
43 -فرزاد فررس فر
44 -مجد حسین سنجابی
45 -شهرور تاج بخش
46 - مهدی سجودی
47 -میلاد اربابی
48 -علی رضا نصراللهی
49 - حمید رضا شفیقی
50 -احمد رضا شفیعی

آنها ابراز آمادگی کردند تا به دولت عراق و سازمان ملل متحد کمک و مشورت بدهند در مورد اوضاع انسانی و روحی بدی که ساکنان کمپ به‌خاطر سیاستهای این سازمان از آن رنج می‌برند.

در ابتدای همین نامه از عالیجناب آقای نوری مالکی رئیس‌الوزرای عراق «نهایت سپاسگزاری و تشکر عمیق» را به‌عمل می‌آورند و می‌نویسند:

« ما افراد جدا شده از تشکیلات این سازمان که بعضاً افراد خانواده‌های ساکنان کمپ لیبرتی هستیم، همگی.... شاهد جنایات قتل و شکنجه جسمی و روحی رهبری این سازمان هستیم».

و ما از درخواستهای اکثریت دوستانمان که در این تشکیلات فرقه‌یی اسیر هستند مطلع هستیم.

آنها در ادامهٔ این نامه می‌نویسند: «ما می‌خواهیم که با هماهنگی و همکاری یونامی و نهادهای ذیربط سازمان ملل متحد و سفارتخانه‌های کشورهای اروپایی و آمریکا در جهت جداسازی افراد و بدنهٔ پایین سازمان در کمپ مذکور از رأس و رهبری تشکیلات مخوف آن و اعلام انحلال این رهبری و تشکیلات و خودداری از به‌رسمیت شناختن و مذاکره با آن، تحت پوش دروغین و موهوم نمایندگان ساکنان لیبرتی، تلاش لازم مبذول گردد تا افراد به‌طور مستقل و آزاد برای زندگی و آیندهٔ خودشان تصمیم بگیرند.... و بدین‌گونه راه انتقال هر چه سریعتر این اسیران به کشورهای ثالث و دنیای آزاد بعد از رهایی آنان از قید و بندهای تشکیلاتی این سازمان هموار گردد، ما جداشدگان از سازمان مجاهدین خلق نیز آماده‌ایم در این راستا تمام تجارب خودمان را در اختیار دولت عراق و سازمان ملل و کمیساریای عالی پناهندگان ملل‌متحد قرار بدهیم».



جالب این است که نامه مستخدمان وزارت به نخست‌وزیر عراق قبل از انتشار در الصباح الجدید در سایتهای وزارت اطلاعات منتشر می‌شود.



به‌این ترتیب ۵۰تن از «دلسوزان» و «دوستداران» مجاهدین در پردهٔ آخر ناگزیر به لیسیدن چنگالهای خونین جلّاد می‌شتابند تا حملات هر چه بیشتری انجام بدهد و قربانیان هر چه بیشتر بگیرد. هیچ‌یک از آنها هم نمی‌پرسد که چرا ۸سال است مالکی اجازه نمی‌دهد از نمایندگان کنگره آمریکا گرفته تا خانواده‌های متقاضی ویزا و وکلا و خبرنگاران با ساکنان دیدار کنند.

امضاکنندگان سالیان متمادی مزدوری و خوش‌خدمتی برای جلّادان و شکنجه‌گران در داخل و خارج ایران را در کارنامهٔ خود دارند و بسیاری از آنها در شکنجهٔ روانی ساکنان اشرف با ۳۲۰ بلندگو یا در طراحی حملات به اشرف و لیبرتی شرکت داشته‌اند،

به‌این ترتیب رژیم آخوندی در فاز سرنگونی به ناچار مزدورانی را که تاکنون می‌خواست به‌عنوان اپوزیسیون قالب کند، به‌چنین موضعگیری رسوایی کشانده که به‌آشکارترین صورت، ماهیت واقعی آنها را به‌عنوان مشتی مزدور جیره‌خوار بی‌مقدار گشتاپو آخوندی برملا می‌کند.

شماری از مزدوران مانند علی قشقاوی، حسن خلج، بتول ابراهیمی و عباس صادقی‌نژاد از ابتدا با مأموریت نفوذ در صفوف مجاهدین به منطقه مرزی رفته و پس از لو رفتن مأموریتشان، قرارگاههای مجاهدین را ترک کرده یا اخراج شده‌اند.

آنها در اولین فرصت، خود را به اربابانشان در وزارت اطلاعات در تهران رسانده و پس از دریافت مأموریت جدید بر ضد مجاهدین و مقاومت به کشورهای اروپایی اعزام شده‌اند.

تعداد دیگری از آنها مانند ادهم طیبی (میلاد آریایی)، امیر موثقی، ترمادویان و علیرضا میرعسگری، پس از این‌که قرارگاههای مجاهدین را ترک کرده، یا با سرقت خودرو و سلاح

گریختند، خود را به رژیم تسلیم کرده و به‌خدمت وزارت اطلاعات درآمدند و پس از کسب اعتماد رژیم آخوندی، برای اجرای مأموریت به اروپا گسیل شده‌اند.

برخی دیگر مانند محمد کرمی، بهزاد علیشاهی، احسان بیدی، بتول سلطانی، حسن پیرانسر، علی جهانی، مجید روحی، عادل اعظمی، میرباقر صداقی، مهدی نیکبخت و غفور فتاحیان، پس از رفتن به نزد نیروهای آمریکایی در تیف یا تسلیم به نیروهای عراقی و رفتن به هتل مهاجر، به‌استخدام وزارت اطلاعات درآمده و سپس برای توجیه و آموزش به ایران منتقل شدند و با پاسپورتهایی که توسط وزارت اطلاعات صادر شده، برای جاسوسی، شکنجهٔ روانی یا اهداف عملیاتی مجدداً به عراق یا کشورهای اروپایی منتقل شدند. پیش از این مقاومت ایران کپی پاسپورتهای برخی از آنها مانند احسان بیدی و بتول سلطانی را منتشر کرده است.

بسیاری دیگر هرگز عضو مجاهدین نبوده و به این سازمان پناه آورده یا به‌دلایل خانوادگی مدتی در کنار مجاهدین زندگی می‌کردند و پس از ترک قرارگاههای مجاهدین، گشتاپو آخوندی آنها را به‌استخدام خود درآورده و برای پیگیری مأموریتهای محوله به خارج کشور فرستاده است.

بخش قابل توجهی از این مزدوران در فاصلهٔ سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ از صفوف مجاهدین اخراج شده‌اند. مزدوران علی‌اکبر راستگو (سال ۱۳۶۵) مسعود جابانی (سال ۱۳۶۵) میترا یوسفی (سال ۱۳۷۲) کریم حقی (سال ۱۳۷۲) فرزاد فرزین فر (سال ۱۳۷۱) حسن عزیزی (سال ۱۳۷۰) زهرا معینی کربکندی (سال ۱۳۷۲) حمیرا محمدنژاد چاووشی (سال ۱۳۷۳) و مسعود خدابنده (سال ۱۳۷۵) در این شمارند.

سابقهٔ مزدوری شمار قابل توجهی از این عناصر از جمله: راستگو، خدابنده، کریم حقی و جابانی.... طولانی است. علی‌اکبر راستگو که در مأموریتهای محوله از اسامی بهمن و دکتر بهمن یار هم استفاده می‌کند و جز چند ماه در سال ۱۳۶۵ هیچ‌گاه نزد مجاهدین نبوده، از سال ۱۳۷۳ در ارتباط با سفارت رژیم در آلمان قرار گرفته و به‌استخدام اطلاعات آخوندی درآمد و جزئیات مزدوری‌اش بارها از سوی مقاومت ایران فاش شده است. در ۲۴ تیر ۱۳۸۷ مجلهٔ آلمانی اشپیگل خبر دستگیری این مزدور در بغداد را که برای جاسوسی علیه مجاهدین به عراق رفته بود، منتشر کرد.

برخی از این مزدوران مانند آرش صامتی‌پور و حمید دهدار حسنی رسماً از کارچرخانان یکی از شعب زنجیره‌یی وزارت اطلاعات در استانها و شهرهای مختلف ایران، تحت نام پوششی انجمن نجات هستند که در ایران و عراق یا اروپا مشغول " انجام وظیفه" علیه سازمان مجاهدین می‌باشند.

برخی از مزدوران مانند خدابنده، قربانعلی حسین‌نژاد، محمود سپاهی، همایون کهزادی، بتول سلطانی، زهرا میرباقری، ان سینگلتون (خدابنده)، علی‌محمد خاتمی، رضا رجب‌زاده، عباس صادقی‌نژاد، محمدحسین سبحانی، حسن عزیزی و علی قشقاوی، پس از انتقال حفاظت اشرف به نیروهای عراقی، بارها به عراق و اشرف اعزام و در شکنجهٔ روانی مجاهدین با ۳۲۰ بلندگو، یا در شناسایی اماکن اشرف و طراحی حملات جنایتکارانه به اشرف یا در سیرکهای مزدوران عراقی رژیم، علیه مجاهدین در نقاط مختلف عراق شرکت داشته و به‌عنوان راهنمای مأموران اطلاعات و قدس برای تهیهٔ فیلم و رپرتاژ به اشرف رفته‌اند.

یادآوری اذعان شتابان جلاد قاسم سلیمانی به نقش رژیم در قتل عام اشرف در خبرگان ارتجاع دو روز بعد از قتل عام: این قضیه، مهمتر از حملهٔ مرصاد بود

National Council of Resistance of Iran

شورای ملی مقاومت ایران

قتل عام در اشرف- شماره ۳۸

قاسم سلیمانی سرکرده سپاه قدس، در مجلس خبرگان،

به نقش رژیم آخوندی در قتل عام اشرف اذعان کرد

قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی تروریستی قدس، در جلسه مجلس خبرگان رژیم آخوندی در روز ۱۲شهریور، به نقش این رژیم در قتل عام اشرف اذعان کرد. خبرگزاری سپاه پاسداران در روز ۱۳شهریور در این باره نوشت: «سلیمانی در این جلسه به قضیه عراق و اردوگاه اشرف پرداخت که بیش از ۵۰ نفر از آنها کشته شدند که بسیاری از آنها از سران منافقین بودند و ۱۰ نفر نیز مفقود شدند و این قضیه، مهمتر از حمله مرصاد بود و در واقع وعده خداوند محقق شد».

این اظهارات مبین شدت نیاز رژیم بحران زده آخوندی، به قدرتنمایی، به خصوص پس از نمایش انتخابات ریاست جمهوری و بالا گرفتن مخاصمات درونی آن است.

پاسدار سلیمانی در همین جلسه افزود: "ما تا آخر از سوریه حمایت می‌کنیم. عده‌ای انتقاد می‌کنند که چرا ما از سوریه اینقدر حمایت می‌کنیم که باید در پاسخ آنها گفت: ما به تبلیغات دشمن توجه نداریم چرا که سوریه خط مقدم مقاومت است و این واقعیت انکارناپذیر است، هدف اصلی آمریکا این است که خط مقاومت را بشکنند».

پیش از این مقاومت ایران در اطلاعیه های متعدد نقش نیروی تروریست قدس و شخص سلیمانی را در قتل عام در اشرف فاش کرده و از جمله در اطلاعیه شماره ۲۳ در روز ۱۱شهریور، نوشت: «قتل عام اشرف توسط نیروهای تحت امر مالکی در هماهنگی کامل با نیروی تروریستی قدس صورت گرفت. به دنبال بمباران شیمیایی حومه دمشق و بالا گرفتن احتمال حمله نظامی آمریکا به سوریه، خامنه‌ای خواستار تسریع پروژه کشتار اشرف شد. قاسم سلیمانی، در روز سه شنبه ۵شهریور شتابزده به عراق رفت و خارج از ساعت اداری (ساعت ۱۰:۳۰ شب) به دیدار مالکی رفت... سلیمانی در این دیدار که فالح فیاض، مشاور امنیت ملی مالکی، نیز حضور داشت در مورد زمانبندی حمله به اشرف با مالکی به توافق رسید. اقدامهای عملی این حمله پس از سفر سلیمانی آغاز شد».

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۱۲شهریور ۱۳۹۲ (۴سپتامبر ۲۰۱۳)

نامهٔ مشترک مجاهدان لیبرتی
به نیکلای ملادنوف نمایندهٔ ویژهٔ دبیرکل در عراق
۲۹ اسفند ۱۳۹۲



آقای نیکلای ملادنف
نمایندهٔ ویژهٔ دبیرکل در عراق

ما طی هفته‌های اخیر به‌صورت جمعی و چه به‌صورت فردی شما را از سخت‌تر شدن محاصرهٔ ظالمانهٔ غذایی، دارویی و لجستیکی لیبرتی که توسط نیروهای عراقی اعمال می‌شود، مطلع کرده‌ایم....

" گشتاپو دینی" یعنی وزارت اطلاعات رژیم ایران با به‌کارگیری مزدوران خودش برای توجیه سرکوب ما، دست به فعالیت‌های گسترده‌یی زده است. از جمله با امضای افرادی تحت عنوان "گروهی از اعضای سابق جداشده از سازمان مجاهدین خلق ایران" نامه‌یی را خطاب به نخست‌وزیر نوری المالکی، در الصباح الجدید علیه ساکنان لیبرتی و رهبری مجاهدین به‌چاپ رسانده و از اقدامات غیرانسانی دولت عراق علیه ساکنان لیبرتی " نهایت سپاسگزاری و تشکر عمیق" به‌عمل آورده است. این افراد بعضاً به‌دلیل این‌که محرز شده بود عامل نفوذی گشتاپو دینی هستند، بیش از دو دهه قبل، از مجاهدین اخراج شده‌اند یا به‌دلیل این‌که مأموران مخفی یا علنی گشتاپوی دینی در اروپا بوده‌اند افشا و تحت پیگرد قرار گرفته‌اند. گزارشات سالیانهٔ اداره‌های امنیت آلمان و هلند یا گزارش وزارت دفاع آمریکا که برخی از این افراد را به‌عنوان عامل گشتاپو دینی معرفی کرده‌اند که علیه مجاهدین

خلق به‌کار گرفته شده‌اند، گواه اطلاعات منتشر شده دربارهٔ این مزدوران است.

گشتاپو دینی و مزدوران آن در ۲۰ سال گذشته تماماً توسط مقاومت ایران افشا شده‌اند. آنها در اثنای هر حمله و تجاوز به اشرف به‌خصوص در قتل‌عام ۱۰ شهریور ۹۲ یا کشتار ۱۹ فروردین ۹۰ در اطراف اشرف به‌کار گرفته شده‌اند. گشتاپو دینی برخی از آنها را بیش از دو سال در بیرون اشرف مستقر نمود تا به‌طور ۲۴ ساعته از طریق ۳۰۰ بلندگوی قوی با پخش تهدید و دشنام، به‌ویژه بعد از نیمه‌شب به شکنجه روانی ما مبادرت و حملات حکومت عراق را توجیه کنند.

نامه‌نگاریهای اخیر گشتاپو دینی به مراجع مختلف از جمله به مقامات عراقی، سازمان ملل و یونامی که ابتدا در مطبوعات وابسته به رژیم ایران منتشر می‌شوند، سرپوشی بر جنایت علیه بشریت در اشرف و تدفین مخفیانهٔ شهیدان و محاصرهٔ غذایی و دارویی لیبرتی و زمینه‌سازی برای حمام خون بعدی است که بایستی از سوی شما افشا شوند. لطفاً نگذارید قتل‌عام گسترده‌تر دیگری، این بار در لیبرتی صورت پذیرد.



شکنجهٔ روانی با۳۰۰ بلندگودر اطراف اشرف





فصل یازدهم

رویارویی آزادی و عدالت
با زد و بند و تجارت

رویارویی آزادی و عدالت با زد و بند و تجارت
نگاهی به حمایتهای سیاسی و اجتماعی از مقاومت ایران در فرانسه

وقایع ۱۷ژوئن ۲۰۰۳، آثار گسترده‌ای در فرانسه برجای گذاشت و حمایتهای سیاسی چشمگیری برانگیخت. از همسایگان و شهروندان عادی تا برجسته‌ترین چهره‌ها و شخصیتهای سیاسی.



ملانشون، وزیر سابق و عضو رهبری ملی حزب سوسیالیست فرانسه اعلام کرد:

دیدار دبیر اول حزب سوسیالیست فرانسه و رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران در اورسوراواز

فرانسویانی خواهند که کنترجمهور بخواهند براساس گفتهٔ اظهارات یورک ۲۱۸ میلیون میلیارد یورو آزاد کرده شما خواهر رئیس‌جمهور به فرانسه خوش آمدید شما خانمها و آقایان اعضای شورای ملی مقاومت خوش آمدید

-رادیو فرانسوی ار.ت.ال در ۱۳تیر۱۳۸۲ گفت: مجاهدین توانستند درام بازداشت رهبرشان و ضبط اموال را تبدیل به به‌رسمیت‌شناختن جنبش خود کنند.





ژان لوک ملانشون، وزیر سابق و عضو رهبری ملی حزب سوسیالیست:

نمی‌خواهیم کشورمان تلاشهای سرکوبگرانهٔ رژیم ملاها را در خاک آزاد و لاییک ما به عهده بگیرد



● رویکرد ما بیانگر همبستگی ما است. هر بار که بحث دفاع از حقوق و دموکراسی در میان است، دیدگاه ما در قبال حقوق بشر نشانگر محکوم کردن حمله‌یی است که شما قربانی آن بودید

● کسانی که مسئولیت حمله به مقاومت ایران را پذیرفتند باید شرم کنند و نه مردم فرانسه. ملت فرانسه بهیچ وجه در چنین اعمالی که مخالف اصولش است درگیر نمی‌شود. کشور ما فرانسه با همهٔ دنیا تجارت می‌کند. اما ارزشهایش را به معامله نمی‌گذارد

● ما در نگرانی همه پارلمانترها و شهروندان جهان سهیم هستیم که خواستار آن هستند که رزمندگان مستقر در عراق توسط نیروهای اشغالگر این کشور در اختیار رژیم ملاها گذاشته نشوند



دیدار خانم دانیل میتران با خانم مریم رجوی در اورسوراواز



le Parisien
www.leparisien.com

VIVRE DANS LE VAL-D'OISE

AUVERS-SUR-OISE

Danielle Mitterrand rencontre la chef de file des moujahidin



ELLE était déjà venue soutenir les Iraniens d'Auvers, lors de l'arrestation de la présidente du Conseil national de la résistance iranienne (CNRI), Maryam Radjavi, le 17 juin 2003.
Danielle Mitterrand était de retour à Auvers, mercredi au siège des moujahidin du CNRI, où elle a rencontré Maryam Radjavi. La veuve du précédent président de la République, présidente de la Fondation France Liberté, lui a renouvelé son soutien.

دیدار دانیل میتران با مریم رجوی ، روزنامۀ لوپاریزین-۲۰می۲۰۰۵



ادیت کرسون نخست وزیر سابق فرانسه و مریم رجوی



کنفرانس بین المللی پیامدهای حکم دادگاه عدالت اروپایی

پرونده مجاهدین خلق ایران در مقابل شورای اتحادیه اروپا



ماریو استاژی رئیس سابق کانون وکلای پاریس:

ما باهم می‌توانیم در این مبارزه پیروز شویم

شما در این‌جا شاهدینی هستید برای احترام به این شرف و برای احترام به دیگری. دوستان شما بسیار دور از شما هستند اگر چه بسیار نزدیک در قلبهای ما هستند و باید به ندای آنها پاسخ دهیم.







همسایگان اور سوراواز

در این سالها صدها هزارتن از مردم فرانسه حمایت خود را از جنبش مقاومت ایران به‌رهبری مریم رجوی اعلام کرده‌اند.



تظاهرات هزاران تن از مخالفان رژیم ایران در فرانسه

تظاهر کنندگان رژیم ایران را به‌توان نمایش قلابی رد کردند

مجاهد

شماره ۷۵۲ ـ ارگان اشرف

MOJAHED NO: 752 29 June 2005 2US$ 1.5Pounds 50FR 3CH 2€

بیانیهٔ ۱۰۰۰۰۰ شهروند فرانسوی در حمایت از مریم رجوی

به مناسبت دومین سالگرد ۱۷ ژوئن

شهروندان فرانسوی در بیانیهٔ خود خواستار توقف فشارها و محدودیتهای اعمال شده بر رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران شدند

حمایت وزرا، نمایندگان و قهرمانان ملی ایران

ورود رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت

حمایت شهروندان و استوار

بزرگترین اجتماع ایرانیان در فرانسه

تاریخ بزرگ ملت ایران ـ دومین سالگرد ۱۷ ژوئن

بزرگترین اجتماع ایرانیان در فرانسه

تحریم بزرگ ملت ایران ـ دومین سالگرد ۱۷ ژوئن

بیانیهٔ ۱۰۰ هزار شهروند فرانسوی به مناسبت دومین سالگرد ۱۷ ژوئن

شهروندان فرانسوی در بیانیهٔ خود خواستار توقف فشارها و محدودیتهای اعمال شده بر رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران شدند

بیش از یک صد هزار تن از شهروندان فرانسوی طی یعالیه‌ی که به مناسبت دومین سالگرد ۱۷ژوئن منتشر شد، خواستار حمایت از مریم رجوی و پایان دادن به فشارها و محدودیتهای اعمال شده بر رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران شدند.

شهروندان فرانسوی که اکثر آنها از اعالی استان والنیاز فرانسه هستند، معلا ۱۷ژوئن به مقاومت ایران را محصول زده و بند با رژیم آخوندی توصیف نمودند و تأکید کردند دولت فرانسه بدلیل تمهیداتش در نقابل رژیم ایران به اعمال فشار و محدودیت علیه مقاومت ایران ادامه می‌دهد.

۱۰۰ هزار شهروند فرانسوی تأکید کردند در شرایطی که ملایان بنیادگرا در حاکمیت ایران به خطر اندامه اند، توقف سیاست مماشات و حمایت از مقاومت ایران، هم با ارزشها و منافع فرانسه منطبق است و هم راه تغییر دموکراتیک در ایران را هموار می‌کند. آنان از تغییر دموکراتیک در ایران راه حلی که توسط عاظم مریم رجوی در پاریس ارایه شد، حمایت و تأکید کردند. ۲۵ سال اعتبار به ملایان و فشار بقاچوز بیسون، مهمترین عامل ماندگاری این رژیم بوده است.

توجه شما را به متن بیانیهٔ ۱۰۰ هزار شهروند فرانسوی جلب می کنیم:

نو سال از تهاجم علیمتدیار به ناکو شیرای ملی مقاومت ایران در فرانسه و دستگیری عاظم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیدهٔ این مقاومت می گذرد. بویژه‌ئی که محصول زده و بند با قائمیسم مذهبی ماکتو بر ایران بود و مدافعان حقوق بشر در فرانسه آن را امر قزود

آوردن در مقابل رژیم آخوندی» و «چنین کنترلی اعتبار» توصیف کردند. اما دولت فرانسه بدلیل تمهداتش در مقابل تهران به اعمال فشار و محدودیت علیه مقاومت ادامه می دهد. به عنوان نمونه تظاهرات مسالمت آمیز و مجاز اوتهاس در اعتراض به تقلبی حقوق بشر در ۱۰ اکتوبر به اعمال بدون هیچ گونه توضیحی لغو شد.

از سوی دیگر هر هفت مدت، بنیادگرایان ماکتو بر ایران بیش از پیش به یک چالش بزرگ بین المللی تبدیل شده‌اند. علاوه بر تشدید نقض حقوق بشر از جمله اعدام دختران زیر ۱۸ سال، تلاش می یافته آنان برای سرکوب شدن بعنوب اتمی و تسلط بر عراق، یک فاجعه برای صلح و امنیت و دموکراسی در تمام منطقه است.

ما با راه حلی که عاظم مریم رجوی در دسامبر گذشته در پارلمان اروپا ارائه داد موافقیم وی گفت: پاسخ این چالش نه در مماشات است و نه در جنگ طرفی، یک راه حل سوم یعنی تغییر دموکراتیک در ایران توسط مردم و مقاومت ایران در دسترس است. ۲۵ سال اعتبار ملایان و فشار بقاچوز بیسون، مهمترین عامل ماندگاری این رژیم بوده است.

پایان دادن به مماشات با رژیم آخوندی و حمایت از مریم رجوی و رهبر آیین بیسون دموکراتیک و پایان دادن به فشارها و محدودیتهای اعمال شده بر او در فرانسه، هم با ارزشها و منافع فرانسه منطبق است و هم راه تغییر دموکراتیک در ایران را هموار می کند. در شرایطی که ملایان بنیادگرا، رویارویی صلح و امنیت در منطقه و جهان را به خطر انداخته اند، توقف





سخنرانی شماری از شهروندان والدواز

افتخار می کنیم که رزمندگان اشرف ما را رزمندگان فرانسوی مقاومت ایران می‌دانند

دلیل گزینه‌گفتگو می کنیم که رزمندگان اشرف ما را رزمندگان فرانسوی مقاومت ایران می دانند

علی‌رغم جمعه
دومین پارلمانتر اروپا (۲۰۰۴ ـ ۲۰۰۹)

مریال بنی‌صدر ۲۰ ژوئن معلا ۱۰ جمعه، نمایندگان مجلس فرانسه و اعضای پارلمان اروپا در مقابل مقر اقامت خانم رجوی در پاریس گرد آمدند تا از آزادی ۳۶ عضو مجاهدین اشرف که در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ بازداشت شده‌اند، حمایت کنند. در میان آنان ۱۲ نماینده پارلمان اروپا و ۲۴ نماینده مجلس ملی فرانسه حضور داشتند. در این تجمع که با شعار «آزادی برای رزمندگان اشرف» برگزار شد، سخنرانان بر ضرورت حمایت از مقاومت ایران و رهبری آن در برابر رژیم آخوندها تأکید کردند.

در این تجمع که با شعار «آزادی برای رزمندگان اشرف» برگزار شد، سخنرانان بر ضرورت حمایت از مقاومت ایران و رهبری آن در برابر رژیم آخوندها تأکید کردند.

ژان پیر کوشار، نماینده پارلمان اروپا از حزب سوسیالیست فرانسه، در سخنرانی خود گفت: «ما در اینجا هستیم تا از حق مقاومت مشروع مردم ایران برای آزادی و دموکراسی دفاع کنیم. ما از حق مقاومت ایران برای سرنگونی دیکتاتوری حمایت می‌کنیم که بر مردم ایران ستم روا می‌دارد.»

ژان لوئی بورلو، نماینده پارلمان اروپا از حزب سوسیالیست فرانسه، گفت: «ما در اینجا هستیم تا از حق مقاومت ایران برای سرنگونی دیکتاتوری حمایت کنیم که بر مردم ایران ستم روا می‌دارد.»

ژان پیر کوشار، نماینده پارلمان اروپا از حزب سوسیالیست فرانسه، در سخنرانی خود گفت: «ما در اینجا هستیم تا از حق مقاومت مشروع مردم ایران برای آزادی و دموکراسی دفاع کنیم. ما از حق مقاومت ایران برای سرنگونی دیکتاتوری حمایت می‌کنیم که بر مردم ایران ستم روا می‌دارد.»

ژان لوئی بورلو، نماینده پارلمان اروپا از حزب سوسیالیست فرانسه، گفت: «ما در اینجا هستیم تا از حق مقاومت ایران برای سرنگونی دیکتاتوری حمایت کنیم که بر مردم ایران ستم روا می‌دارد.»



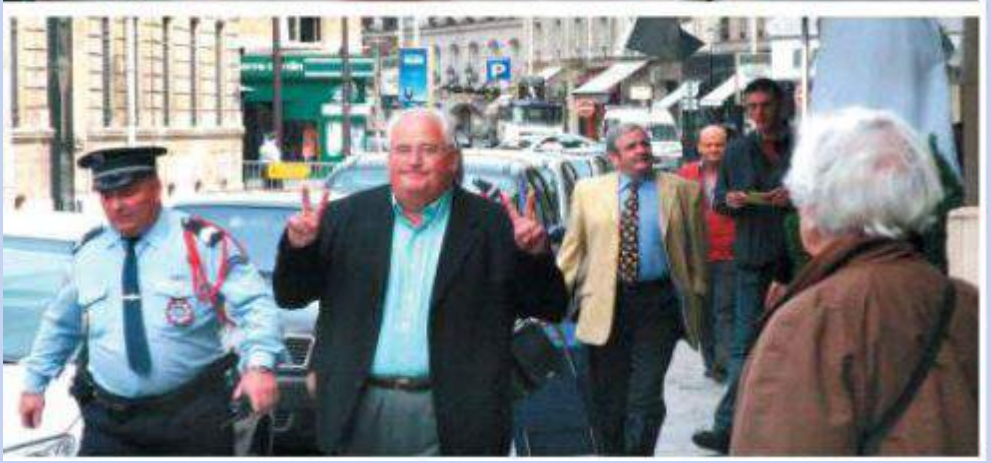




یک هئیت فرانسوی بیانیه و امضاهای۱۰۰هزار شهروند فرانسوی درحمایت از رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران را به کاخ الیزه تحویل داد







La gazette

AUVERS-SUR-OISE *Elle aurait recueilli 100 000 signatures*

Pétition de soutien aux Iraniens

Une délégation de voisins des Moudjahidines du peuple iranien, dont des habitants d'Auvers, de Méry et de Valmondois, est déposé vendredi à l'Elysée à Paris une pétition, de plus de 100 000 signatures selon eux, appelant à mettre «fin aux pressions exercées sur les militants de la résistance iranienne».

Près d'un millier d'Iraniens et de Valdoisiens ont participé, samedi soir, à une soirée organisée pour commémorer l'anniversaire du 1 juillet 2003, le jour de la libération de Maryam Radjavi, la présidente de la République élue du Conseil national de la Résistance iranienne, après une quinzaine de jours de détention, suite à l'arrestation du 17 juin 2003.

100 000 SIGNATURES SUR LA PÉTITION

Parmi les voisins venus fêter ce deuxième anniversaire se trouvait le communiste Mohamed Lachguer, élu de Valmondois, en tête d'une délégation de l'association "Amitié et soutien aux Iraniens d'Auvers", qui a présenté plus de 100 000 signatures recueillies avec l'aide d'autres associations des citoyens. Cette pétition demande un changement de politique du gouvernement français envers l'Iran et un soutien à Madame Radjavi. Elle a été remise le vendredi 1er juillet, à 11h, à l'Elysée par les représentants de l'association.

Les pétitionnaires entendent «essayer d'influer auprès du gouvernement pour qu'il change sa politique de complaisance auprès du régime iranien, a expliqué le coordinateur d'un collectif de soutien aux Moudjahidine, Daniel Guiraud, qu'on arrête les manipulations contre Maryam Radjavi, (présidente du Conseil national de la résistance iranienne, le Cnri, aile politique de l'Organisation des Moudjahidine du peuple iranien), et qu'on mette fin aux pressions exercées contre les militants de la résistance iranienne», a-t-il ajouté. La pétition, selon M. Guiraud, s'indigne également «du mépris des principes démocratiques de la France pour des considérations d'ordre économique ou diplomatiques, mobile selon M. Guiraud de l'opération Thèo. Il faisait là référence à l'opération policière du 17 juin 2003 au siège du Cnri à Auvers qui avait conduit à l'interpellation de plus de 160 proches ou membres de l'organisation. Dix-sept d'entre eux, dont Maryam Radjavi, avaient par la suite été mis en examen par le juge antiterroriste Jean-Louis Bruguière, pour "association de malfaiteurs en relation avec une entreprise terroriste".

Au papier, Mohamed Lachguer, élu de Valmondois, l'un de ceux qui a fait circuler la pétition de soutien aux opposants iraniens.



مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
شماره ۸۰۹
September
603
توشه
۲۹ خرداد
۱۳۸۵
۲۲ جمادی‌الاول
۱۴۲۷
19 June
2006
2US$ 1.5Pounds 3EFR 3C$ 2



بیانیه ۳۰۰هزار شهروند فرانسوی
برای پایان دادن به محدودیتهای اعمال‌شده بر اعضای مقاومت

۳۰۰هزار شهروند فرانسوی، نه به جنگ، نه به مماشات
حمایت از مریم رجوی برای تغییر دموکراتیک در ایران

م. محمدی

دادگاه استیناف پاریس همه محدودیتهای اعمال شده بر خانم رجوی و اعضای مقاومت ایران را لغو کرد

مریم رجوی: هیچ‌کس نمی‌تواند ملت ایران را از دستیابی به آزادی و دموکراسی بازدارد. هیچ چیز نمی‌تواند رژیم آخوندی را از سقوط محتوم خود نجات دهد

واکنش بر خشم وزارت خارجه رژیم آخوندی:
تقویم رژیم ـ ۲۸ خرداد ۱۳۸۵: اقدامی که فرانسه کرده کبیر قابل قبول است. نقض مسئولیتهای پاریس در مبارزه با تروریسم است. خلاف قوانین تروریسم اروپاست. ما به فرانسویان اعتراض خواهیم کرد





ـ اطلاعیه مقاومتگاهی حقوقدانان و وکلای فرانسوی مقاومت ایران، هانری تاکنر کد ویلیام بوردن. فرانسوا ساریک بودنتون، دنفین موکاژال و برنارد دارتزل امروز دستگاه قضایی باید نتیجه گیریهای لازم در باره عالی بودن محتویاتی پرونده را بکند و برای همه مجاز بررسی شده دستور منع تعقیب صادر کند
ـ دوصدسنگ لوفیگر، شهرداز سوزی برای ما این موفقیتی است که دلیل دیگر حمایت خودمان را از شما اعلام کنیم و که در کنار شما باقی خواهیم ماند
ـ ژان پیر دکله شهردار لوسوایژار امروز یک روز زیبا برای آزادی است. من به مظلومیت کلمنتی آن پی‌ده در ۱۷ژوئن انجام شد. شباهتی به مبارزه با تروریسم ندارد یک عمل سلیقه‌ای بود یک مصلحت بین‌المللی. خلاف قانون و حکومت قانون

در صفحه ۳ و ۹

کنفرانس مطبوعاتی لیگ حقوق بشر فرانسه در پاریس به‌مناسبت سومین سالگرد ۱۷ژوئن

اطلاعیه لیگ حقوق بشر: هیچ گونه ملاحظه دیپلماتیک یا اقتصادی نمی‌تواند ادامه اشغال در آزادیها توجیه نماید

پاتریک بودنتون، رئیس افتخاری قدرتمند فرانسوی بین‌المللی حقوق بشر: بروشه ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ به یک اقتصاد قضایی برای فرانسه تبدیل گردید. این بروشه نه توانائی و نه اقتدار هرگونه مستند و مدرکی برای اثبات تروریست بودن متهمان بود



از راست: ژان فلتس، ترسانه فوگ، پاتریک بودنتون، بارد سر سودو، کلیم کانتن، موکه، گابریله شری لو، بارد سلطان

در کنفرانس مطبوعاتی لیگ حقوق بشر فرانسه در پاریس، که با حضور صوفی هانگ، ۱۷ژوئن ۲۰۰۶ در محل لیگ حقوق بشر برگزار گردید، سخنران تصریح کردند پرونده ۱۷ژوئن باید اعتبار قضایی برای فرانسه پیدا و پایه حرکت سیاسی حکومت انجام شود.

در کنفرانس خانم‌ها پاتریس، آلن بله جنرال، ژان لوک هافن بعد، پاتریک بودنتون، رئیس افتخاری دادگستری بین‌المللی هلندی، ژان فلتس، دادستان سابق دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، ژان کلود کلمنتی، وکیل دادگستری پاریس، می‌کل کرسموی هلند، پیتر بکر، استاد دانشگاه

بیانیه ۳۰۰هزار شهروند فرانسوی:

«نه» به جنگ، «نه» به مماشات

حمایت از مریم رجوی برای تغییر دموکراتیک در ایران

متن کامل بیانیه ۳۰۰هزار شهروند فرانسوی
برای پایان دادن به محدودیتهای اعمال‌شده بر اعضای مقاومت

مجاهدین را از لیست سیاه تروریستی خارج کنید. این تنها راه‌حل برای جلوگیری از جنگ خارجی است

نه به جنگ
نه به مماشات
آری به تغییر دموکراتیک در ایران با حمایت از مریم رجوی





گزارش تهلی اورسورواز



در جلسه محفوظاتی در اورسورواز، سه تن از اعالی شریف اورسورواز به نمایندگی از سوی مردم این شهر که طی جمعه‌ی در جلسه‌ی اخیر کنسانه داشته به سخنرانی پرداختند. اینها عالم در بوئلی متن بیانیه ۳۰۰ - هزار شهروندان را خواند. آن‌که عالم... گزارش کرد. گلو و آقای دانیل گلوه سخنانی ایراد کردند.

دانیل گلوه: ما همچون مقاومت ایران و رئیس‌جمهور آن مریم رجوی و نسبت به وعده‌های انسانی خودمان متعهد هستیم

خانم رئیس‌جمهور،
من خواهم چند کلمه‌ی را شما در سال نگذارید (آوریل ۲۰۰۶) برای ما گذاشت آن روزها و برای نگران شما بود از شناسنامه شناسایی ۲۰ آوریل روز بعضی بوده، اما امروز و از آنجایی امیدواری که در روز برای شما خوش رئیس‌جمهور را دوستان دارد و اخبار مربی باشد از اعضای مقاومت ایران و مخالفان می‌گذاشته و از وحدت خانم مریم رجوی برسیدگی در کمپ جهانیان می‌باشد که مخالفین مقاومت ایران می‌خواهند به سلاح کمپ بروند. آن مقاومت ایران و مخالفان رئیس‌جمهور را از این تصمیم‌ها و رئیس‌جمهور می‌گفتن، را متعارض می‌کند. در شرایطی که این سرنوشتی سالگی و ایران‌ها، بعضی را می‌خواهند برای ایران تصمیم می‌گیرند، ما باید بتوانیم بگوییم که ما نظرات و آنان و نگذاریم. بعضی‌ها را ترک مقاومت ایران و در قدرت دادن‌های ایران‌مان می‌خواهیم ایران و ما ساختمان ایران رهبری سخنی کنیم‌ها سرما مانع کنفرانس مطرح است.

اکنون ما برای اعتراض و آزادی‌خواهی در برابر عقیده‌ی ایران که بیانیه‌ی سرنوشت ایران و ایران‌ها،

«به سوی پیروزی» بزرگترین تجمع ایرانیان در خارج کشور برگزار شد

اجتماع ۵۰هزار ایرانی در پاریس

مریم رجوی:
عهد آخوندها به سر آمده
یک ایران آزاد
ودموکراتیک
درحال برخاستن است

هیاهوی آخوندها برای ساختن بمب اتمی، نفیر شوم انتحارهای پرشقاوت آنها در عراق و نعره‌های آنها برای سرکوب و ارعاب در داخل کشور، صدای ایران نیست.

صدای ایران، شعارهای جوانان مجاهد و مبارز است که در قیام علیه سهمیه‌بندی تحمیلی بنزین فریاد می‌زنند: مرگ بر احمدی‌نژاد...

صدای ایران، خروش مجاهدان آزادیست که از شهر اشرف، ایرانیان را به برخاستن برای آزادی فرامی‌خواند.

و ما امروز، هوصدا با مردم به پاخاسته، فریاد می‌زنیم، به جای رژیم ولایت فقیه باید آزادی و حاکمیت مردم برقرار شود

شورای ویزیران اتحادیه اروپا باید یکی از این دو راه را انتخاب می‌کردند یا حذف نام مجاهدین از لیست و بر هوخودن رابطه خود با رژیم آخوند یا بی‌آبرویی و بدنامی ناشی از نقض حکم دادگاه وهمکاری با رژیم آخوندی. آنها البته رسوایی را انتخاب کردند

اما تا آن‌جا که به این مقاومت و یاران و حامیانش برمی‌گردد، این مبارزه‌ی است با پیروزی محتوم. آزاده جبرشکن و فداکاری و کوشش بی‌امان اعضای این مقاومت و ملت ایران اتهام تروریسم را در هم شکسته و تا پیروزی نهایی به پیش خواهد رفت. در این پیروزی، تردیدی نیست

آری، پیمان ظالمان را درهم‌خواهیم پیچید. ایران نوینی بنا می‌کنیم. کشوری بر اساس آزادی، کشوری براساس مدارا، کشوری براساس برابری...





خبرگزاری فرانسه: دهها هزار مخالف ایرانی در نزدیکی پاریس گردهم می‌آیند

شورای ملی مقاومت؛ بزرگترین تجمع ایرانیان در خارج کشور برگزار شد

رویتر:
تجمع دهها هزارنفره در پاریس در حمایت از گروه در تبعید ایرانی

رئیس جمهور سابق: شورای ملی مقاومت؛ ایران می‌گوید یک ایرانی آزاد و دموکراتیک در حال بلوغ است

آسوشیتدپرس: سازماندهان گفتند ۵۰هزار نفر در این گردهمایی شرکت کردند آنها همدستی بیشرمانه اتحادیه اروپا با حاکمان ایران را محکوم کردند

یورونیوز: پاریس هرگز چنین تجمعی به خود ندیده بود

تلویزیون الجزیره: شورای ملی مقاومت ایران تظاهرات عظیمی با شرکت دهها هزار تن در اعتراض به رژیم ایران برگزار کرد

خبرگزاری اسپانیا: دهها هزار ایرانی تبعیدی به پاریس آمدند تا به تغییر رژیم در ایران فراخوان بدهند



حمایت اعه سترشاعر بزرگ فرانسه شخصیتها و انجمنهای فرانسوی مدافع آزادی و حقوق بشر و حد بارلمانتر از اروپا و استرالیا



حمایت امه سزر، مبارز آزادی و حقوق‌بشر
و از نامدارترین شاعران معاصر فرانسه از مقاومت ایـران



Des résistants iraniens chez Aimé Césaire



بیانیه حمایت امه سزر
و شمار دیگری از برجسته‌ترین شخصیتهای سیاسی و فرهنگی و ۲۵۰هزار شهروند فرانسوی از مقاومت ایران

250 000 Français appellent
à rendre justice à la Résistance iranienne

POUR LE CHANGEMENT DE LA POLITIQUE DE LA FRANCE AVEC LES MOLLAHS

GRAND MEETING DU 30 JUIN 2007

فرانسه ـ ایران
گردهمایی بزرگ ۳۰ژوئن

فرانسوی ۲۵۰هزار فرانسوی به منظور حمایت برای مقاومت ایران

به جنگ، نه معاشات
برای تغییر سیاست فرانسه در قبال ملاها

ابوزسیون ایران خواستار سیاست سخت‌تر اتحادیه اروپا باشد

مریم رجوی، رژیم تهران متزلزل می‌باشد

تجمع کنندگان که در اعتصاب غذای مریم رجوی بودند، شعار می‌دادند «آزادی، حق مسلم ماست»

دهها هزار تن از مخالفان ایرانی خواستار سیاست سرسختانه‌تری از سوی اتحادیه اروپا علیه رژیم تهران شدند

baz.ch

در ژوئن ۲۰۰۷ نیز همزمان با چهارمین سالگرد ۱۷ژوئن، ۲۵۰ هزار شهروند فرانسوی دربیانیهٔ «همبستگی با مردم تحت ستم ایران ـ عدالت برای مقاومت ایران» اعلام کردند:



حکم دادگاه پاریس: پیروزی عدالت، انسانیت و مقاومت

زاک شیراک تحت پیگرد قضایی قرار گرفت

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پر اقتدار خلق قهرمان ایران



metro

250 000 Français appellent à rendre justice à la Résistance iranienne

- Les droits des opposants et réfugiés iraniens ont été piétinés sous de faux prétextes comme l'étiquette de terroriste.
- Le droit exige que l'Union Européenne et donc la France, applique l'arrêt de la Cour européenne de Justice et retire le nom des Moudjahidine du peuple d'Iran de la liste du terrorisme.
- Aujourd'hui, les accusations fabriquées contre la Résistance iranienne en juin 2003 s'avèrent n'être que des calomnies, ce qui fait de cette affaire un scandale.

NI GUERRE, NI COMPLAISANCE AVEC L'IRAN
POUR LE CHANGEMENT DE LA POLITIQUE DE LA FRANCE AVEC LES MOLLAHS

روزنامهٔ مترو- انعکاس حمایت ۲۵۰هزار شهروند فرانسوی درهمبستگی با مردم ایران







«عدالت ایجاب می‌کند که شورای اتحادیه اروپا، به‌طور رسمی اسم مجاهدین خلق را از لیست تروریستی حذف نماید. در۱۷ژوئن ۲۰۰۳ به‌بهانه لیست تروریستی و به‌خاطر معامله با تهران، دفتر اپوزیسیون شورای ملی مقاومت ایران و منازل پناهندگان ایرانی در فرانسه مورد حمله قرار گرفت.

با وجودی که همه اذعان دارند پرونده خالی است و هیچ شواهدی علیه مخالفان ایرانی وجود ندارد، پرونده به‌درخواست ملایان ادامه دارد و عواقب آن گریبانگیر مردم و اپوزیسیون ایران می‌باشد.

ما ضمن ابراز انزجار از قربانی‌کردن مخالفان ایرانی به‌خاطر منافع اقتصادی خواستار بسته‌شدن فوری پرونده علیه مخالفان ایرانی در فرانسه و پایان‌دادن به‌این بی‌عدالتی بزرگ هستیم.... ما هم‌چنین نگرانی خود را نسبت به‌پافشاری رژیم ایران برای کسب سلاح اتمی، که صلح و امنیت جهانی را به‌مخاطره انداخته است ابراز می‌داریم.

ما معتقدیم هم‌چنان‌که رهبر مخالف ایرانی، مریم رجوی، اعلام کرده، راه حل این بحران نه در مداخله نظامی خارجی و نه در امتیازدادن به‌رژیم ایران است. تغییر به‌دست مردم و مقاومت ایران محقق خواهد شد».

مناسبات همسایگان شهرک اورسورواز با مقاومت ایران و مریم رجوی داستان بی همتای دیگری است:



دیدار همسایگان اورسوراواز




















اهداء کمک های اهالی اور به زلزله زدگان بم - شهرداری اورسوراواز

این تصویر خانم ژینت است، دوستی فوق‌العاده صمیمی و مهربان و فعال که در اثر بیماری درگذشت. ژینت به‌گفته خودش تا اشرف هم پر می‌کشد:









خانم ژینت در دیدار از قرارگاه اشرف آبان و آذر ۱۳۸۷

همسایگانی که به‌اشرف رفته‌اند مشتاقند به‌نمایندگی از همشهریان خود همه چیز را در مورد مجاهدین به‌چشم ببینند. علاوه براین آنها هر روز جزوه‌ها و نوشته‌های بسیاری از سوی رژیم آخوندی و وزارت اطلاعات و مزدوران آن دریافت می‌کنند و پاکتهای قطور حاوی این لجن‌نامه‌ها را اغلب باز نکرده در سطل آشغال می‌ریزند.











دیدار همسایگان اور سوراواز از قرارگاه اشرف -آبان و آذر۱۳۸۷



میشل توبیانا، روشنفکر نامدار فرانسوی و رئیس لیگ حقوق بشر، در نخستین سالگرد ۱۷ژوئن رژیم ایران را رژیمی معرفی کرد «که خودش تروریسم دولتی اعمال می‌کند». توبیانا افزود: «دولتی که تلی از مدارک مختلف تبلیغاتی توسط سفارت ایران در فرانسه پخش می‌کند، و این‌گونه اعمالش هیچ‌گونه تأثیری در موضع ما مبنی بر رد اصولی لیستهای تروریستی و ثبت‌کردن نام سازمانهای مخالف ایرانی بر این لیستها نمی‌تواند داشته باشد».



مصاحبهٔ میشل توبیانا روشنفکر نامدار فرانسوی و رئیس لیگ حقوق بشر

سخنان همسایگان به‌زبان خودشان بسیار گویاست :



ژینت لوفور – از شهروندان اور سوراواز

ژینت لوفور از شهروندان اور: من سریعا از تختم بیرون پریدم و گفتم باور نکردنی است گویی که آسمان بر سرم خراب شده است، چکار باید بکنم چهار دقیقه بیشتر نگذشته بود که داخل ماشینم بودم و به سمت اور می‌رفتم، در این شرایط صدای آژیر در همه شهر هم‌چنان به‌گوش می‌رسید. من قبل از خارج شدن از خانهٔ خودم که نزدیک اور می‌باشد به روی بالکن رفتم و سر و صدای ضربات و شکستن درها در داخل خانهٔ مقاومت در اورسورواز را نیز شنیده بودم، صدای شکستن به‌وضوح به‌گوش می‌رسید، صدای فریاد زدن‌ها به خصوص صدای زن‌ها به گوش می‌رسید. شب دوم به سراغ اعتصاب غذا کنندگان رفته بودم هوا خیلی گرم بود رفتم در کنار هریک از اعتصاب غذا کنندگان نشستم.... مرا منقلب کرد من از او خواهش کردم و حتی گریه کردم و از او خواستم آب بنوشد به او گفتم که اگر جان خود را از دست بدهی، مبارزه‌اتان را با خود خواهید برد، این به قربانیان خواهد افزود و نه به مبارزین، اما او نمی‌پذیرفت لذا من با بیشترین مطبوعات تماس گرفتم که در تمام طول هفته بین شهرداری، اور و ایستگاه پلیس در رفت و آمد بودم و در تلاش برای آزادی افراد

باقی‌مانده، الان می‌دانم که یک معامله بود، اما اگر بخواهم کرونولوژی قضیه را بگویم باید اعتراف کنم که در لحظه اول برای چند لحظه شک کردم از خودم سوال کردم: آیا ممکن است که در طی این سالیان تو اشتباه کرده باشی؟ آیا ممکن است آن‌ها واقعا تروریست بوده باشند و من نمی‌دانستم؟! اما بلافاصله همه خاطرات به‌یادم آمد مقاومت کنندگانی که تروریست نمی‌باشند تاریخ فرانسه نیز شاهد چنین حرف‌هایی بوده است در ذهنم این تشابه برقرار شد و پاسخ خودم را گرفتم و تردید بلافاصله از من دور شد. مطبوعات نیز داستان‌های خود را که تکراری شده بود، تکرار می‌کردند.

آقای مارشال: بله همه آن‌چه را که اتفاق افتاده بود را ندیدیم، ولی یک مقداری از آن وحشی‌گری‌ها را دیدیم و شنیدیم، رفتار آن‌ها تاسف‌آور و خشم‌آور بود، مسلماً به دستور مقامات بالا بود، چون مأمورین پلیس معمولا چنین رفتار نمی‌کنند، به آن‌ها دستور داده بودند که مدارک و اسلحه و چیزهایی که ممکن است آدم هرگز نداند، چنین چیزهایی را پیدا کنند، مسلماً این حمله به فرمان کسی است که بالای همه قرار دارد که توانست ساخت و پاخت کند و اجتماع ایرانیان را به‌هم بریزد و از آن‌ها تروریست یا سکت یا هر ایسم دیگری که دلشان بخواهد سازند، به‌هرحال از آن‌ها کسی را بسازند غیر از خودشان! این اسم‌گذاری یک انحراف و یک اشتباه است، این نام‌گذاری شرم‌آور است هر تظاهراتی که از طرف شورای ملی مقاومت صورت می‌گیرد، تظاهراتی است مسالمت‌آمیز. ما اهالی اور این ایرانیان را به‌عنوان انسان‌هایی نجیب می‌شناسیم و از سال ۱۹۸۱ تا به حال ندیدم که یکی از آن‌ها صدایش را بر روی کسی بلند کند، بنا بر این چنین کسانی قابل احترام و برقراری ارتباط و رفت و آمد هستند .



آقای مارشال- از شهروندان اور سورواز

اندی، آهنگ‌ساز از شهروندان اورسورواز: می‌دانم که خیلی از افراد به وسیله قدرت‌های بزرگ آلت دست شده‌اند و می‌دانم که قدرت‌های بزرگ می‌توانند همه را آلت دست خودشان قرار بدهند، اما مبارزین مقاومت ایران انسان‌هایی نیستند که این‌طور باشند، آنها آدم‌هایی هستند بی‌تکلّف، که خواستار صلح و آزادی در ایران هستند، همان‌طور که من دوست دارم بچه‌هایم در آزادی و امنیت زندگی کنند، به همان اندازه هم دوست

دارم که ایرانی‌ها در آزادی زندگی کنند، مقاومت ایران برای من مقاومتی مشروع است و حق مسلم آنها می باشد که برای به‌دست آوردن آزادی شان مبارزه کنند و باید حق بیان نظراتشان را داشته باشند.



آقای اندی- آهنگساز از شهر اور سوراواز

در سومین سالگرد ۱۷ژوئن شماری از شهرداران شهرهای مختلف فرانسه در بورژه پاریس، در باره مقاومت ایران سخن گفتند :

ژان پیر بکه، شهردار اورسوراواز: دادگاههای فرانسوی، آن فرانسه‌یی که مدافع حقوق و عدالت است، یکی بعد از دیگری قضاوت کردند و مشخص شد که هیچ‌چیز وجود ندارد، نه‌سلاحی و نه‌جرمی و نه‌توطئه‌یی. اکنون باید هرچه زودتر این روند قضایی به‌اتمام برسد.



ژان پیربکه -شهردار اورسوراواز

ونسان کاپوکانلا، شهرداربورژه: خانم رئیس‌جمهور، جنبش شما باید مورد حمایت و تشویق قرارگیرد، همان‌طور که از جنبش ژنرال دوگل حمایت شد.

دومینیک لوفور، شهردار سرژی: مبارزۀ شما برای آزادی و دموکراسی، مبارزۀ ما نیز هست.... ما در مبارزۀ شما برای آزادی و دموکراسی شریک هستیم. چون با وجود رژیم ملاها، صلح و دموکراسی در جهان در معرض خطر قرار دارد.


دومینیک‌لوفور-شهردارسرژی



بوریس بوسکاوه : شهردار تاورنی: نه‌به‌دیکتاتوری مذهبی درایران، آری به‌آزادی. قطعاً تمام کسانی که برای دموکراسی و حقوق‌بشر احترام قائلند در کنار شما هستند. شما پیروز خواهید شد.

ژان کلود وانر، شهردار بوآزمون: امیدوارم که مبارزۀ شما به‌پیروزی برسد و دموکراسی در ایران برقرار شود.

ژاکت فت، شهردار نویل سوراواز: باید بدانید که ما در کنار شما قرار داریم.


بوریس بوسکاوه- شهردار تاورنی


ژان‌کلودوانر-شهردار بوآزمون


ژاکت فت- شهردار نویل سوراواز

ژان‌پیر مولر، دبیر اول فدراسیون حزب سوسیالیست در استان والدواز و شهردار مانی آن‌وکسن: اکنون نه‌زمان استمالت، بلکه زمان حمایت از جنبش مقاومت مردم ایران است. ما برای تحقّق یک ایران آزاد و دموکراتیک علیه یک رژیم آزادی‌کش در کنار شما قرار داریم. مبارزۀ شما مبارزۀ ماست، این باید مبارزۀ همه دموکراتهایی باشد که به‌شعار جمهوری‌خواهان فرانسه، یعنی آزادی، برابری و برادری معتقدند.

در حمایت از مردم و مقاومت ایران، ارزشهای انقلاب کبیر فرانسه و خاطرات دوران مقاومت در برابر فاشیسم هیتلری بار دیگر برجسته می شود: بسیاری از نهادها و چهره‌های برجستۀ قضایی و حقوق‌بشری فرانسه به‌این کارزار می‌پیوندند و تعهد خود به‌حمایت از مقاومت ایران را که در حقیقت دفاع از ارزشهای انسانی و ارزشهای انقلاب کبیر فرانسه و مقاومت ضدفاشیستی آن است، ابراز می کنند:



ژان پیرمولر شهر مانی آن وکسن

دانیل میتران می‌گوید: باید به‌آن‌چه ایرانیان روش مناسب برای مبارزه با یک رژیم فاشیست و متعصّب در کشور خود تلقّی می‌کنند، احترام گذاشته شود.



میشل توبیانا، رئیس لیگ حقوق بشر فرانسه می‌گوید: این یک انحراف مطلقاً خطرناک است. آنها برای اتهامهای خود به‌نام مجاهدین در لیست سازمانهای تروریستی استناد می‌کنند. این اقدامی است که با آن می‌توان مخالفان دولتهایی که ابتدایی‌ترین حقوق دموکراتیک را لگدمال می‌کنند، تحت فشار قرار داد.



-توبیانا در روز ۲۰ژوئن ۲۰۰۳ صریحاً به‌روزنامهٔ اومانیته گفت: عملیات ۱۷ژوئن « خدمتی است» که پاریس به‌تهران کرده است. وی اضافه کرد «اتهام انجمن بزهکاری برای آماده‌سازی یک عمل تروریستی»، اتهامی که بنابرآن ۱۷تن از مجاهدین ازجمله مسئولشان مریم رجوی، تحت بازداشت قرار گرفته اند، « اتهامی است که در هرجایی از این مارک استفاده می‌شود».

-توبیانا، در ۲۳ ژوئن، به‌خبرگزاری فرانسه گفت: این یک خدمتگزاری است تا این‌که یک کار قضایی باشد. ما نمی‌توانیم اجازه بدهیم که اپوزیسیون رژیمی که هر روز شاهد اعمالش هستیم، جنایتکار نشان داده شود، آن‌هم فقط به‌این دلیل که اپوزیسیون است، ما اینگونه جنایتکار نشان‌دادن را رد می‌کنیم و آن‌را غیرقابل‌قبول می‌دانیم. این اتّحاد مقدس بین دولتها غیرقابل‌قبول است.



ادیت کرسون، نخست‌وزیر سابق فرانسه: به‌راستی چه‌گونه می‌توان در کنار شما قرار نگرفت؟ به‌خصوص امروز که با حکم دادگاه عدالت فرانسه، ظن و تردیدهای ناعادلانه نسبت به‌شما برطرف شده‌است. وقتی که شما در سرزمین حقوق‌بشر از حقوق‌بشر حمایت می‌کنید ما چگونه می‌توانیم از شما حمایت نکنیم؟

ژاک لوک، رئیس ام‌آئوس لیبرته: اجابت خواست آیت‌الله‌های ایران به‌یک رژیم سرکوبگر، این امکان را خواهد داد که از دموکراسی ما سوءاستفاده نماید.



ژوزه بووه، سخنگوی جنبش جهانی دهقانان: دولت فرانسه برای خوشآمد ملاها عمل کرد. دولت فرانسه تلاش دارد برای خوشایند دولت ملاها عمل کند. متأسفانه شرکتهای فرانسوی برای پول، دموکراسی را نادیده می‌گیرند.



اسقف گایو: شما مبارزان آزادی هستید، نه تروریست. من به‌شما به‌عنوان اعضای مقاومت درود می‌فرستم.

من، همیشه وقتی که درمیان شما هستم، احساس خوشحالی می‌کنم. چون شما حامل نوری در قلبهایتان هستید. این نورها قلب مرا پر از شوق‌وشور می‌کند.



ژان فرا، خواننده و آهنگساز معروف فرانسوی: او و ما را در اورسوراواز به‌حضور پذیرفت و من بسیار تحت تأثیر شخصیت او قرار گرفتم. به‌نظر من او یک زن فوق‌العاده است و من همبستگی خودم را با وی ابراز می‌دارم. امروز می‌خواستم بگویم که در میان شما هستم. و تا جایی که بتوانم از مبارزه شما پشتیبانی خواهم کرد.



خانم رجوی زنی است فوق‌العاده و من سمپاتی زیادی نسبت به‌وی دارم. امروز این‌جا و بین شما هستم و در حد امکانم، از نبردی که شما دارید پیش می‌برید، حمایت می‌کنم.

مارک ریمن، عضو کمیسیون خارجه مجلس ملی فرانسه: خانم مریم رجوی، در رأس شورای ملی مقاومت ایران به‌یک دموکراسی پارلمانی، اصول لائیسیته و تساوی تمام شهروندان عینیت می‌بخشد. فرانسه می‌بایستی در کنار میلیونها ایرانی قرار گیرد، نه در طرف یک رژیم بنیادگرا و سرکوبگر.

برنارد استازی، وزیر پیشین: من با تمام قلب و احساسم با همه کسانی که در آن‌جا شرکت کرده و حضور دارند هستم. چرا که مثل همه فرانسویها من ایران را خیلی دوست دارم و برایش احترام قائل هستم. چرا که کشوری است با فرهنگ غنی و بزرگ. ولی متأسفانه حکومتی دارد که به‌هیچ‌چیز و از جمله دموکراسی و حقوق‌بشر پایبند نیست.





برنارد استازی

ژرژ هاژ، رئیس سنی مجلس ملی فرانسه: متعهد می‌شوم که زدوبندهای زشت میان ایران و شرکتهای بزرگی را که به‌ایران رفته‌اند افشا کنم. از کشورم سرشکسته هستم که در زمینه دفاع از مردم ایران و دموکراسی در ایران آن‌چنان که در تاریخ سابقه داشته است، تلاشی نمی‌کند. در مقابل همه متعهد می‌شوم، زدوبندهای زشت بین رژیم ایران و شرکتهای بزرگی را که می‌شناسید و به‌ایران رفته‌اند، به‌طور گسترده افشا کنم. ما نمی‌توانیم به‌درخواست ملاها، بدون اهانت به‌نماد میهن حقوق بشری خود، پاسخ مثبت بدهیم.

مولود آئونیت، دبیرکل جنبش علیه نژادپرستی و دوستی خلقها: آنها که به‌بهانه برهم‌زدن نظم عمومی می‌خواستند در مقابل یک معاملهٔ شنیع شما را اخراج کنند امروز باید پاسخگوی مسئولیتشان باشند. برای جنبشی مثل مراپ که در مقاومت علیه نازیسم تشکیل شد، طبیعی است که امروز با کسانی که علیه یک نوع دیگر فاشیسم مبارزه می‌کنند، همبسته باشد. ما بابت مبارزه‌یی که شما به‌پیش می‌برید و همبستگی که در این مبارزه جلب کرده‌اید و کارزاری که راه انداخته‌اید، از شما بسیار تشکر می‌کنیم. چون اجازه دادید که یک بار دیگر ارزشهای واقعی فرانسه را زنده کنیم. قبول درخواست مقامهای ایران خیانت به‌حق پناهندگی و همدستی با دیکتاتور وحشی تهران است.


ژرژ هاژ



ژان میشل بلورژه، نمایندهٔ سابق مجلس فرانسه: همهٔ هموطنانم را که دارای مسئولیتهای سیاسی با هر تعلّق حزبی هستند فرا می‌خوانم که تا دیر نشده به‌خود آیند. پیروزی از آن شماست چرا که شما عدالت را نمایندگی می‌کنید.

رنه آندره، نماینده و عضو کمیسیون خارجی مجلس از حزب او.ام.پ و معاون هیأت فرانسه در اتحادیه اروپا:

برای مبارزه شما به‌منظور استقرار آزادی در ایران و به‌خاطر خطرهای زیادی که به‌همین منظور در کشورتان و هم‌چنین در کشور من به‌جان می‌خرید، احترام زیادی قائل هستم. این شجاعت شما مایهٔ ستایش ماست، زیرا که مقاومت شما بدون ریسک نبوده است.آنهایی که در لندن به‌ژنرال دوگل پیوستند، بلافاصله تروریست خوانده شدند. اما آنها برای بازگرداندن افتخار و احترام و دموکراسی به‌فرانسه به‌او پیوسته بودند و یقین دارم که مبارزه شما در این راستاست.




ژان میشل بلوژه

ژرار شاراس، نماینده و عضو کمیسیون دفاع مجلس ملی فرانسه از حزب رادیکال چپ: حمایت از جنبش شما باید فراتر برود. شما نماینده سازمانیافته‌ترین مقاومت ایران هستید و شایستهٔ حمایت ما هستید و بدانیدکه ما همواره در کنار شما قرار خواهیم داشت.

سناتور ژان‌پیر میشل: ما به‌عنوان پارلمانترهای مسئول، موظفیم و اگر اقدامی می‌کنیم، با آگاهی تمام از ماهیت گروه شماست. این وضعیت قضایی غیرقابل‌قبول است. می‌دانیم که از قوه قضاییه برای اهداف سیاسی، استفاده ابزاری شده است. برای مذاکره و معامله با خاتمی و استمالت از وی در ژوئن ۲۰۰۳ عملیات پلیسی در اورسوراواز، جایی‌که شما سکونت دارید انجام شد.




میشل ترو، نماینده و عضو کمیسیون خارجی مجلس فرانسه از حزب او.ام.پ (حزب حاکم): اتهاماتی که علیه شما مطرح شده غیرقابل‌قبول است. آرمانها و سیاستهایی که شما با اراده و پرنسیپ زیاد از آن حمایت می‌کنید، سزاوار ستایش است.

ژان پل بنوا، مسئول روابط بین‌الملل حزب رادیکال چپ: به‌عنوان یک‌نمایندهٔ سابق و به‌عنوان یک وکیل، می‌توانم تأیید کنم که این نقض آشکار اصول قانون است. روی این موضوع باید تأکید بشود که تروریستها در تهران هستند و نه در اورسوراواز.




ژان پل نه، دبیرکل مرکز بین‌المللی تحقیقات دربارهٔ تروریسم: اگر امروز توسط دولت کشور من و بعضی از سرویسهای آن با مجاهدین خلق به‌عنوان تروریست برخورد می‌شود، یعنی مبارزه علیه یک رژیم تروریست و ناقض حقوق‌بشر تروریسم است، پس سازمان مبارزه با تروریسم و ما سازمان قربانیان تروریسم و رئیس آن و صدها عضو آن و پارلمانترها و خود من هم، تروریست خواهیم بود.



سناتور وین آلارد: مبارزه خانم رجوی را به‌رسمیت می‌شناسیم و مقاومت ایشان را تحسین می‌کنیم. مبارزه علیه فاشیسم نباید مارک تروریستی بخورد.



ماریو استازی، رئیس سابق کانون وکلای پاریس: ما با هم می‌توانیم در این مبارزه پیروز شویم. «امه سزر» شاعر بزرگ می‌گوید که وکلا باید صدای بی‌صدایان باشند. باور کنید که با حمایت شما و با نیرویی که اعتقادمان به‌ما می‌دهد، با همبستگی که شما با حضورتان بیان می‌کنید، ما می‌توانیم صدای خودمان را به‌گوشها برسانیم.

پیر برسی، رئیس سازمان حقوق‌بشر نوین: ما اخباری را که پخش شد باور نکردیم و بلافاصله در کنار مریم رجوی قرار گرفتیم.





رژین دفورژ، نویسندهٔ معروف فرانسوی: من به‌این‌جا آمده‌ام که حمایت خود را از مریم رجوی و یارانش در مقاومت ایران اعلام کنم. می‌خواهم به‌سادگی بگویم که شما الگویی هستید که نبودن دموکراسی، نابرابری بین زن و مرد و دست درازی مذهب به‌امور دولتی را نمی پذیرد.

آندره شاسین، نمایندهٔ مجلس ملی فرانسه: گشودن پروندهٔ جدید تحقیق قضایی کاملاً غیرقابل توضیح است.







کنفرانس لیک حقوق بشر -۲۱ژوئن ۲۰۰۷ -سالن هش

به‌این‌ترتیب، با ضربات رسواکنندهٔ پیاپی که از سوی مقاومت ایران و نیز از سوی جبههٔ گسترده یی از وجدانهای بیدار بشری بر پروندهٔ ۱۷ژوئن وارد آمده، از این محصول ننگین توطئه گران ارتجاعی و استعماری جز پوسته یی بی ارزش و برای بانیانش جز رسوایی برجا نمانده است.

لیگ حقوق بشر و برجسته‌ترین حقوقدانان فرانسه خواستار مختومه شدن «پرونده ۱۷ژوئن۲۰۰۳» شدند.

-سخنرانان لیگ حقوق بشر در روز ۲۱ژوئن۲۰۰۷ در سالن هش در پاریس بر این خواسته پای فشردند:

ژان پیر دوبوآ، رئیس لیگ حقوق‌بشر فرانسه: این پرونده، که در آغاز طی یک حمله پلیس فرانسه با نقض حقوق اولیه شهروندان آغاز شد، بیش از حد به‌درازا کشیده شده است و باید هر چه زودتر به‌سرانجام برسد. لیگ حقوق بشر فرانسه همواره علیه نقض قانون توسط دستگاه قضایی مبارزه کرده است و معتقد است که پرونده مخالفان ایرانی از مصادیق بارز نقض حقوق محسوب می‌شود.

ایوبونه، رئیس پیشین سازمان ضد جاسوسی فرانسه، د.اس.ت، در پائیز ۱۳۸۷ در مصاحبه‌با سیمای آزادی گفت : من در تمام طول عمر حرفه‌یی‌ام، هرگز عملیاتی با چنین ابعادی را ندیده بودم. نمونهٔ دیگری از عملیاتی با چنین ابعادی در تاریخ پلیس و قضاییه فرانسه وجود ندارد. هم‌چنین نمونهٔ دیگری از عملیاتی که با چنین شکستی مواجه شود و تا این حد مایهٔ سرافکندگی باشد، در تاریخ فرانسه وجود ندارد. متأسفانه ما آنقدر آدمهای روشن و با شهامتی نیستیم که از قربانیان چنین بدرفتاری بی سابقه یی عذرخواهی کنیم. اینجا دیگر شوخی ندارم و به‌جد می گویم که این مایهٔ افتخار ما نیست، ما باید این شهامت را داشته باشیم که به‌خطاهایمان اذعان کنیم.





پاتریک بودوئن، رئیس افتخاری فدراسیون بین‌المللی حقوق‌بشر:

۴سال پیش توسط بروگیر بازپرس ویژه در دادسرای پاریس یک حملهٔ وسیع پلیسی علیه مقاومت مردم ایران صورت گرفت و اتهاماتی در مورد ارتباط این مقاومت با تروریسم مطرح شد، آن‌چه قابل‌توجه است همزمانی این حمله گسترده و مذاکرت اقتصادی میان دولت فرانسه و رژیم ایران برای قراردادهای تجاری بود. از همان آغاز مشخص بود که این یک پروندهٔ سیاسی است. اما طولی نکشید که دادگاه استان پاریس با حکم آزادی متهمان، یک سیلی قضایی محکم به‌بروگیر به‌عنوان مسئول این پرونده وارد کرد. آزادی همهٔ دستگیرشدگان یک واقعهٔ نادر در این‌گونه پرونده‌هاست. این بیانگر خالی‌بودن پرونده از هرگونه اتهام تروریستی بود. متأسفانه ۴سال بعداز این ماجرا پرونده هنوز باز نگه‌داشته شده است، که علت آن نمی‌تواند چیزی جز اهداف سیاسی باشد. یک ضربهٔ دیگر که اخیراً به‌سازندگان این پرونده وارد آمد، حکم دادگاه عدالت اروپا بود که رأی به‌لغو اتهام تروریستی علیه سازمان مجاهدین داد.

هانری لکلرک برجسته‌ترین وکیل و حقوقدان فرانسه: ۴سال پیش در چنین روزی من در شعبه‌های مختلف دادگستری، پروندهٔ دستگیرشدگان ایرانی را دنبال می‌کردم، از همان آغاز تردیدهای زیادی در بارهٔ انگیزه‌های دست‌زدن به‌چنین حمله گسترده نمایشی وجود داشت. بعداً معلوم شد که این حمله مصادف بوده است با سفر دوویلپن، وزیر خارجه وقت فرانسه به‌ایران، جهت بستن قراردادهایی برای شرکت توتال. آن‌چه قابل‌توجه است خالی‌بودن این پرونده از هرگونه اتهام تروریستی است. به‌همین دلیل اکثر متهمان این پرونده به‌ندرت برای بازجویی به‌دادگاه احضار شده‌اند. پلیس نیز هیچ سندی دال بر هیچ مورد تروریستی پیدا نکرده است، تنها چیزی که مطرح کرده‌اند این است که ساکنان اشرف ممکن است تهدیدی علیه رژیم ایران به‌وجود بیاورند. در برابر خالی‌بودن پرونده اکنون آنها تلاش می‌کنند به‌آن بعد مالی بدهند. این امر با هدف طولانی‌کردن پرونده انجام می‌شود، زیرا که پرونده یک پروندهٔ سیاسی است.





ویلیام بوردون، وکیل و حقوقدان سرشناس فرانسه: از نظر من قاضی باید بلافاصله دستور منع‌تعقیب را صادر کند. کشاندن پرونده به‌مسائل مالی، هدفی جز طولانی‌ترکردن پرونده به‌دلائل سیاسی ندارد. حق مقاومت علیه دیکتاتوری توسط حقوق بین‌الملل به‌رسمیت شناخته شده است و قاضی نمی‌تواند خلاف جهت این اصل شناخته‌شده حقوق بین‌المللی حرکت کند. ما هم‌چنین شاهد تلاش عوامل رژیم ایران برای رخنه در پروندهٔ مخالفان ایرانی بوده‌ایم، اما خوشبختانه آنها در این‌رابطه شکست خوردند و سرویسهای اطلاعاتی رژیم ایران قادر به‌دستیابی به‌این پرونده نشدند. پناهندگان ایرانی، در هجوم عوامل رژیم ایران در پاریس مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. یکی از مهاجمین فردی بود بنام سبحانی که پلیس او را بازداشت کرد. این فرد در گذشته خود را به‌عنوان شاهد علیه سازمان مجاهدین معرفی کرده بود و سعی داشت در پرونده رخنه کند. این موضوع بار دیگر نشان دهندهٔ این است که از ابتدا همه شواهد علیه مخالفان ایرانی توسط رژیم ایران هدایت شده است تا دستگاه قضایی فرانسه را آلت‌دست خود قرار دهد.

آلن ویوین، وزیر مشاور سابق در امور خارجه فرانسه و بنیانگذار کمیتهٔ دولتی علیه سکت: حقوق مخالفان ایرانی به‌وضوح پایمال شده است. این امر ناقض اصولی است که فرانسه بر پایه آن ساخته شده است، به‌همین دلیل است که تعدادی از نمایندگان مجلس و قضات با تشکیل کمیته‌یی سعی کرده‌اند به‌روشنگری در مورد روابط مرموز میان دولت سابق فرانسه و رژیم ملاهای ایران بپردازند. باید به‌یاد بیاوریم که ما نیز در گذشته برای آزادیِ خود به‌مقاومت علیه ستم پرداختیم. در کشور ما مقاومت یک مفهوم خاصی دارد و ما قطعاً در کنار ایرانیانی قرار داریم که علیه دیکتاتوری مبارزه می‌کنند و حقوقشان پایمال شده است.





فرانسوا کولکومبه، قاضی و نمایندهٔ سابق از حزب سوسیالیست: من از مدتها پیش حامی مقاومت ایران هستم. برای پیشبرد این مبارزه در کنار شما هستم. آن‌چه محرز می‌باشد اینست که عدالت همواره به‌نفع مجاهدین خلق عمل کرده است. زیرا هرگاه که دادگاهی به‌قضاوت پرداخته است نظر به‌رفع اتهام از آنها داده است.



در ششمین سالگرد حملهٔ ننگین ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ نیز یک کنفرانس مطبوعاتی در مقر لیگ حقوق بشر درپاریس برپا شد: «با حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی اتحادیهٔ اروپا، اساس این پرونده مثل یک ساختمان بی‌بنیاد فروریخته است».



ژان پیر دوبوآ، رئیس لیگ حقوق بشرفرانسه در این کنفرانس گفت:



این یک پروندهٔ قضایی کاملاً بی‌پایه و اساس است که شش سال از آن می‌گذرد، این یک بیعدالتی بزرگ است و به‌دلایل کاملاً سیاسی تشکیل شده. ما در این اصرار خودمان سماجت داریم، زیرا هر سال که می‌گذرد، عناصر حقوقی بیشتر به‌دست می‌آید که ادعای ما را اثبات می‌کند. دیدیم که دادگاههای بریتانیا ثبت نام مجاهدین را در لیست تروریستی این کشور محکوم کردند و از زمانی‌که دولت انگلستان دیگر در مورد نامگذاری مجاهدین در لیست اروپایی ادعایی نداشت، دولت فرانسه جای آن‌را در شرایط مفتضحانه‌یی پر کرد. آن ملاحظات سیاسی- دیپلوماتیک که در آغاز این ماجرا وجود داشت، امروز دیگر کاملاً غیر واقعی به‌نظر می‌رسند. به‌خصوص وقتی‌که از زاویهٔ آن‌چه که امروز در ایران می‌گذرد به‌آن نگاه می‌کنیم.

در این کنفرانس ویلیام بوردون گفت: ارادهٔ لجوجانه دولت فرانسه برای نگه‌داشتن مجاهدین در لیست تروریستی با استناد به‌این پرونده، چندبار با شکست مواجه شد. هم در حکم ۴دسامبر ۲۰۰۸ دادگاه عدالت اروپا و به‌خصوص در تصمیم شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا در ۲۶ژانویه ۲۰۰۹ که تصمیم به‌حذف نام مجاهدین از این لیست گرفتند. همین اصراری که فرانسه در این قضیه داشت، خود نشان دهنده خصلت سیاسی این پرونده است. ما از پیش بارها گفته بودیم که سروصدای مطبوعاتی که از ابتدا بر سر این پرونده به‌راه انداخته شد، برای جلب توجه مقامات تهران بود. رژیمی که امروز چنان‌که در خیابانهای ایران شاهد آن هستیم، ابتدا با تقلّب انتخاباتی و سپس با خشونت خود را سرپا نگه داشته است. ما وکلای پرونده کاملاً یقین داریم که روزی فرا خواهد رسید که عدالت فرانسه حکم خواهد داد که اتهامات تروریسم و تأمین مالی تروریسم هیچ پایه و اساسی نداشته است. نبرد حقوقی اصلی ما برای ختم این پرونده است و این را تا به‌آخر دنبال خواهیم کرد.

پاتریک بودوئن، رئیس افتخاری فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر و از وکلای پرونده گفت: شکست مفتضحانهٔ آن عملیات جنجالی پلیسی، که ۶سال پیش در اورسوراوآز رخ داد، از همان روز اول آشکار بود و ما بر آن تاکیدکرده بودیم و حالا در کتابی که امروز نویسنده‌اش در اینجا حضور دارد، می‌خوانیم که دومینیک دوویلپن به‌خاطر مشتی قرارداد یا امتیازات دیگر سیاسی، چه مداخلاتی را در دستگاه قضایی مجاز شمرده است، از خود می‌پرسیم آیا واقعاً در کشوری به‌سرمی‌بریم که در آن قوهٔ قضاییه مستقل است؟ فکر می‌کنم هیچ پرونده‌یی به‌اندازه این پرونده برای مقامات فرانسوی هزینه برنداشته، چه به‌لحاظ هزینه ترجمه و چه هزینه استخراج مطالب کامپیوترها و بعد معلوم شد که اینها هیچ فایده‌یی نداشته است. و بهانه‌های کلاهبرداری وقتی مطرح شد که سایر تحقیقات به‌بن بست رسید. این اتلاف وقت قضّات تحقیق است، آن‌هم در یک دستگاه قضایی که این‌همه پرونده روی دست دارد. با خروج مجاهدین از لیست تروریستی اتحادیه اروپا، اساس این پرونده مثل یک ساختمان بی‌بنیاد فروریخته است.

فرانسوا کلکومبه گفت: آن‌چه که امروز در ایران می‌گذرد باعث می‌شود که ما از خود سؤال کنیم که این پرونده چرا در چنین نقطه‌یی است. پروسهٔ قضایی طی شده در مورد پروندهٔ تهاجم پلیسی اورسوراواز یک مثال بارز است. صاحب این پرونده و قاضی تحقیق معروف آن کسی بود که نه تنها استقلال عمل یک مقام قضایی را نداشت، بلکه اساساً خودش را با خواست وزرا و دولت کوک می کرد. همه می‌دانند که این قبل از آنکه یک پروسهٔ قضایی باشد، از پیش تدارک دیده شده بود که یک مونتاژ برای مطبوعات باشد. ادامهٔ این پرونده به‌رژیمی خدمت رسانده است که این‌گونه در اعدام و شکنجه شهروندان خودش دست باز دارد. دولت فرانسه اگر امروز به‌دنبال این است که از خواستهای مردمی که به‌خیابانها آمده‌اند، حمایت کند، یک راه آن این است که به‌این پرونده خاتمه دهد و بپذیرد که مجاهدین خلق ایران مردم ایران را نمایندگی می‌کنند.

در این سالیان خالی‌بودن و مرگ پروندهٔ ۱۷ژوئن، و نظرات حقوقدانان در این باره، مورد توجه رسانه‌ها نیز قرار گرفته‌است. روزنامهٔ لاپرس مونترال کانادا در ۵ مارس۲۰۰۹، زیر عنوان «ستاره مقاومت» نوشت: در ژوئن ۲۰۰۳، زیر عنوان فعالیتهای تروریستی ۱۳۰۰پلیس فرانسه، یک عملیات عظیم در ستاد مرکزی مجاهدین در اورسوراواز انجام دادند. مریم رجوی و ۱۶۳نفر دیگر دستگیر و برخی نگه‌داشته شدند. تقریبا ۶سال بعد از آن، کماکان ۲۳نفر متهم به‌فعالیتهای تروریستی هستند، بدون این‌که یک تاریخ دادگاه داشته باشند. در این بین، اتحادیهٔ اروپا به‌طور رسمی مجاهدین را از لیست سازمانهای تروریستی حذف کرد. به‌گفتهٔ وکیل مجاهدین ویلیام بوردون، "پرونده اتهام خالی است. تنها توجیه این پرونده، نامگذاری تروریستی مجاهدین بود که دیگر وجود ندارد".

در دهمین‌سال کودتای نافرجام ۱۷ژوئن، دوسال از اعلام رسمی حذف اتهام تروریسم در پروندهٔ ۱۷ژوئن توسط قضّات فرانسه، که دستاویز و پایهٔ اصلی پرونده‌سازی و تهاجم بی‌سابقه به مقاومت ایران، بر اساس یک معامله و زدوبند ننگین، بین دولت وقت فرانسه با رژیم آخوندی بود، هم‌چنان شاهد محکومیت مجدد این حمله و زدوبند رسوا از سوی شخصیتهای برجستهٔ سیاسی فرانسوی و اروپایی بودیم:

ژان پیر بکه، شهردار اورسوراواز، در جریان دیدار ژیلبر میتران، رئیس فرانس‌لیبرته و میشل ژولی، دبیرکل فرانس لیبرته، با رئیس جمهور برگزیده مقاومت در تیرماه ۹۲، ازجمله گفت:

«دانیل میتران همیشه برای عدالت مبارزه می‌کرد، بعد از حملهٔ پلیس به‌اورسوراواز، نمی‌توانم یادآوری نکنم که او از اولین شخصیتهایی بود که به‌این‌جا آمد تا خشم خود را نسبت به‌این موضوع نشان دهد. از طرف دیگر مریم گرامی چند روز بعد، شما دوباره فاتحانه برگشتید. درنهایت بعد از ۸سال، موضوع پرونده باطل اعلام شد، زیرا پر واضح است که پرونده خالی بود. من هم به‌صراحت آن را گفته بودم. در اولین روز این حمله،

من گفته بودم که آنها چیزی پیدا نخواهند کرد. به‌طورمسلم ما می‌دانستیم که در این محل نه تروریست و نه‌تسلیحاتی وجود دارد. این‌جا فقط اعضای مقاومت و کسانی اقامت گزیده‌اند که خیروخوبی مردم خود را می‌خواهند و آزادی وطنشان را خواستارند. این‌حمله تنها می‌توانست چند قرارداد نفت و ماشین را شامل شود و لاغیر. من این موضوع را به‌شدیدترین لحن بیان کرده بودم».



سالن ویکتور هوگو - ۹ آبان۱۳۹۲

سناتور ژان پیر میشل، عضو سنای فرانسه در کنفرانس کمیتهٔ پارلمانی برای ایران دموکراتیک، در ۹آبان ۱۳۹۲در سالن ویکتورهوگو گفت: «ما همواره گفته‌ایم که رفتار دولتهای پیاپی فرانسه همواره یک سیاست نامتوازن بوده‌است. نامتوازن از بابت داشتن سیاست مماشات در مقابل حکومت مذهبی در ایران. چرا؟ شاید به‌خاطر این‌که منافع اقتصادی در اولویت قرار داشته‌اند، شاید مدیرکل شرکت نفتی توتال و سفیر ما در ایران مؤثر بوده‌اند. لذا دیپلوماسی ما به‌نظر من تنها روی این منافع سوار بوده است. اما رؤسای جمهور فرانسه وقتی روی کار آمدند خلاف آن را می‌گفتند، باید باور کرد که آنها به‌ما دروغ گفته‌اند.

ما چه چیزهایی دیدیم؟ دیدیم که تعدادی پروندهٔ قضایی ساختگی گشوده شد، که بعد به‌دنبال نبردهای قضایی سنگین آنها را لغو کردند».

ژان پیر برار، نمایندهٔ مجلس ملی فرانسه، در۴ بهمن ۹۲، در گردهمایی همبستگی با مقاومت ایران با حضور شهرداران و منتخبان فرانسوی، به‌مناسبت سال نو میلادی ۲۰۱۴، به‌رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران گفت: «خانم رئیس جمهور، ما فراموش نمی‌کنیم چطور دولت ما رفتار شرم‌آوری با شما داشت. من خیلی خوشحال هستم که مبارزهٔ پارلمانترها به‌شیوهٔ پلورالیسم، ادامه دارد و امروز خانم رئیس جمهور! اکثریت نمایندگان و سناتورها از اهداف شما دفاع می کنند.



گرد همایی سال نو میلادی ۲۰۱۴ در اور سوراواز با حضور رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت

در سخنان قبلی صحبت از بی‌عملی شد. من از کلمه "بی‌عملی" استفاده نمی‌کنم. می‌گویم "همدستی در جرم". همدستی و دست‌دردست جنایت‌گذاشتن. می‌خواهد این همدستی در آمریکا باشد یا سازمان ملل متحد. می‌دانیم که نمایندهٔ سازمان ملل متحد، کوبلر چه نقشی برای اشرف بازی کرد. او طرف ملاها بود، علیه مقاومت بود. و همه ضربات شر را پوشش داد. به‌دلیل این‌که برای برخی، قبل از حقوق بشر، تجارت اولویت دارد. "توتال" است، "رنو" است، "آروا" و کسان دیگری که در ایران کاسبی داشتند ولی با ملاها».



کنفرانس بین المللی پاریس- ۷فوریه ۲۰۱۵

سخنرانی استاندار ایو بونه- رئیس پیشین اطلاعات فرانسه

در یازدهمین سال پس از کودتای بی‌فرجام ۱۷ژوئن، استاندار ایو بونه، رئیس پیشین اطلاعات فرانسه در ۷فوریه۲۰۱۵ [۳۸]، در یک کنفرانس بین‌المللی در پاریس با حضور رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت، تحت‌عنوان بنیادگرایی و تروریسم تحت‌نام اسلام، ریشه‌ها، راه‌حل‌ها و نقش حکومت آخوندی، گفت:

«تاریخچهٔ مقاومت ایران که شما آن‌را رهبری می‌کنید، بدون آن‌که مبالغه‌یی درآن باشد، آن‌را با ایمان و با قدرت رهبری می‌کنید. عملیات ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ عملیاتی بود که باید به‌روشنی از آن شرم کنیم، چون امکانات وسیعی را برای آن بسیج کردند. امکانات وسیعی که هیچ‌گاه از عملیات ولدیو در ۱۹۴۲ به‌بعد به‌کار گرفته نشده بود. با ۱۵۰۰ مأمور پلیس و یکانهای ویژه برای بازداشت ۱۶۴ نفر که بخش اعظم آنان زنان بودند. و متعاقب آن یک روند قضایی که سرانجام سه روز پیش به‌پایان رسید. این نقطه‌یی است که می‌خواهم بیشتر روشن کنم.

این روند قضایی به‌دست یک بازپرس به‌نام ژان لویی بروگیر سپرده شده بود که شخصاً با وی آشنایی دارم. او یک مالیخولیای ویژه در پیدا کردن ادله برای مخدوش کردن چهرهٔ مقاومت ایران داشت؛ تحقیقاتی که هیچ‌گاه تاکنون دیده نشده بود، آن‌چنان‌که تا تخریب استخر دکتر صالح رجوی پیش می‌رفت. انگار که وی در زیر سیمان استخر چیزی را پنهان کرده باشد، جستجو می‌کردند و پیدا نمی‌کردند. یک مبلغ پول را ضبط کردند که معلوم نیست کدام سازمانی می‌تواند بدون پول به‌کار ادامه بدهد، لذا میزان پول و ۲۰۰ کامپیوتر را ضبط کردند. برای گشتن ۲۰۰ کامپیوتر باید امکانات بسیاری را به‌کار گرفت و برای سال‌ها و سال‌ها دستگاه دادگستری باید به‌تحقیق و تفحص در این‌باره می‌پرداخت. بسیار زود با اولین شکست‌ها مواجه شدند، چند حکم اخراج برای شهروندان ایرانی عضو شورای ملی مقاومت ایران صادر شد و قصد داشتند آنها را از فرانسه اخراج کنند، ولی اولین قضاییه که جرأت می‌کند حاکمیت را به‌چالش بطلبد، دیوان اداری بود. در فرانسه قضاتی هستند که استخدام دولت و در دادگاه‌های استیناف هستند و دادگاه اداری پونتواز شروع به‌ابطال سیستماتیک احکام اخراج می‌کند و هیچ‌یک از این احکام اجرا نشد. از دادگاه‌های اداری باید تجلیل کرد، چون قاضی دادگاه اداری وابسته به‌وزارت کشور است؛ ضمناً باید به‌کسانی که فراموش می‌کنند یادآوری کنم که در آن زمان وزیر کشور نیکولا سارکوزی بود، البته این فقط بخش کوچکی از جزییات است که بازگو می‌کنم. سپس دوباره جستجو می‌کنند و تلاش می‌کنند ادله‌یی جمع‌آوری کنند که پیدا نمی‌شوند و چون پیدا نمی‌کنند، تلاش می‌کنند اتهامات را تغییر بدهند، اتهامات از تروریسم، به‌اتهام تشکیلات و سازمان خلافکاری و سپس به‌اتهام مالی و پولشویی تغییر جهت داده می‌شود و در هر مرحله،

۳۸- ۱۸بهمن ۱۳۹۳

هیچ‌چیز پیدا نمی‌کنند. بر خلاف رویهٔ قضایی آنگلوساکسون، وکلا نیستند که در مقابل قاضی قرار می‌گیرند، امتیاز روند قضایی فرانسه این است که در آن بسیار موشکافی می‌شود و مزیت قابل توجه این تحقیقات که بسیار هم طولانی بود و تا وقتی ادامه یافت که بروگیر به بازنشستگی که شایستهٔ آن بود رسید و قاضی تری ویدیک جایگزین او شد، البته من او را شخصاً نمی‌شناسم ولی شخص بسیار سخت‌گیری است، خلاصه او به‌این استنباط رسید که این پرونده خالی است. این مانع از تکثیر استیناف‌ها نمی‌شود که مضحک‌ترین و اگر جرأت کنم بگویم "بامزه‌ترین" آن استیناف شخصی است که ۹ سال پیش مرده بود. وکیل این شخص، دو وکیل بودند و اسمشان را می‌گویم، چون بد نیست کمی برای آنها تبلیغ هم بکنیم!! وکیل ژلیناس و وکیل انشوسپه، و در نهایت دادگاه تا آخرین ویرگول و تا آخرین پاراگراف آن را مختومه اعلام کرد که در نتیجه امروز بدون هیچ تشویش و دغدغه‌یی از تکذیب‌شدن، می‌توانیم بگوییم که پرونده خالی خالی بود و هیچ‌چیزی وجود نداشت. یعنی اذعان به‌خطا. یعنی اذعان به‌اشتباهی که در حق آنها شده است».

فصـــل دوازدهم

فرو ریختن پایه‌های توطئه

فرو ریختن پایه های توطئه

اگر چه ضربات رسواکننده مقاومت ایران بر پروندۀ ۱۷ژوئن در طول سالهای گذشته، از این محصول ننگین توطئه گران ارتجاعی و استعماری، جز پوسته یی برای بانیانش بر جای نگذاشته بود، اما ابطال برچسب تروریستی اتحادیۀ اروپا در ششمین سال پس از ۱۷ ژوئن، ضربه یی تعیین کننده بود. کارزار خستگی ناپذیر حقوقی ـ سیاسی تحت هدایت مریم رجوی، با حمایتهای بی نظیر بین المللی و با حضور فعال و خستگی‌ناپذیر ایرانیان آزاده به احکام پی‌درپی دادگاههای عالی اروپایی و حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی اتحادیۀ اروپا راه برد. چنین بود که زیربنای توطئه و شیرازۀ اوراق چرکین پروندۀ ۱۷ ژوئن ازهم‌گسیخت.

اما زیربنای توطئه چگونه فرو ریخت؟

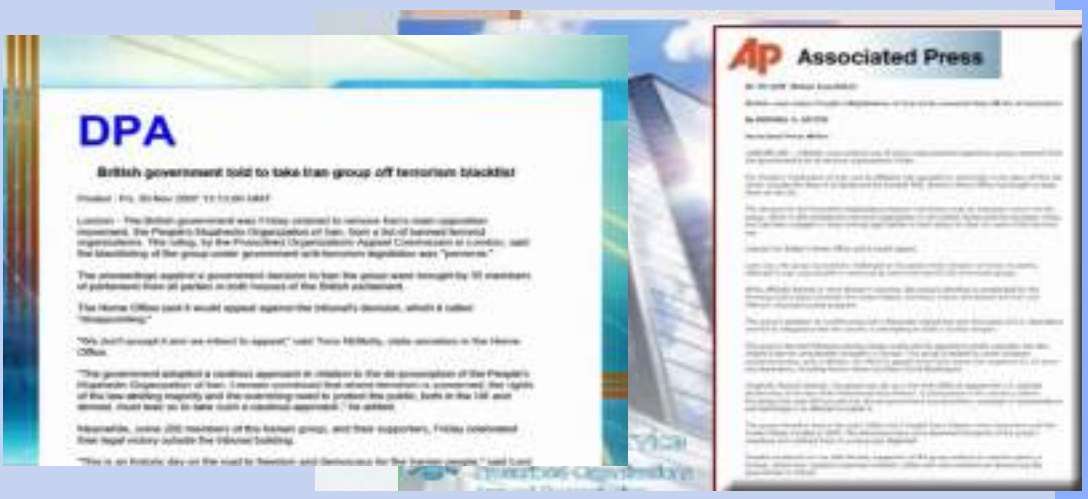


کنفرانس مطبوعاتی نمایندگان مجلسین انگلستان و وکلای مدافع -۹آذر ۱۳۸۶



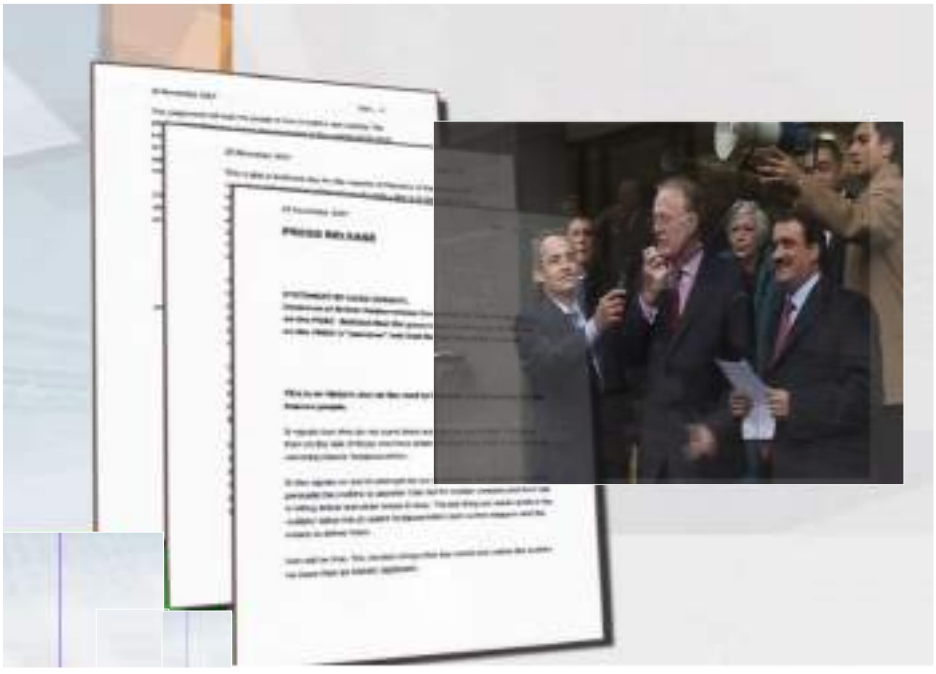
دادگاه حکم می کند که ممنوعیت مجاهدین غیرقانونی است
پیروزی بزرگ مجاهدین

کنفرانس مطبوعاتی -لندن
۹آذر۱۳۸۶
LONDON 30NOV2007



حکم دادگاه -خبرگزاری آسوشتیدپرس

حکم دادگاه -خبرگزاری د.پ.آ



۱۰ آذر ۱۳۸۶: دادگاه پوئک در انگلستان پس از یک رسیدگی محتوایی و بررسی تمامی مدارک، نامگذاری تروریستی مجاهدین در انگلستان را غیرعقلانی و باطل اعلام کرد و به وزیر کشور انگلیس دستور داد تا لایحهٔ حذف نام سازمان مجاهدین خلق ایران از فهرست سازمانهای ممنوعه را به پارلمان انگلستان ارائه کند.

دولت انگلیس از اجرای این حکم سر باز زد و از دادگاه پوئک خواستار فرجام شد، اما دادگاه در دومین حکم خود اعلام کرد این فرجام‌خواهی به‌خاطر استحکام حکم قبلی هیچ شانسی برای موفقیت ندارد و رد می‌شود.



دولت انگلیس باز هم از اجرای دستور دادگاه سر باز زد و پرونده را به دادگاه استیناف انگلستان برد،



اما دادگاه استیناف که به ریاست قاضی‌القضات بریتانیا لرد فیلیپس برگزار شد، با رسیدگی مجدد حکم داد برچسب تروریستی علیه مجاهدین باطل است و ضمن تأیید حکم دادگاه پوئک اعلام کرد سندهای محرمانه دولت انگلیس به‌طور مضاعف گواه بطلان برچسب تروریستی است.



قاضی‌القضات انگلستان در حکم خود از این‌همه قانون‌شکنی دولت انگلیس ابراز تأسف نمود و دستور اکید حذف نام مجاهدین از لیست ممنوعه را صادر کرد.

لرد بسام : «کمیسیون استیناف سازمانهای ممنوعه این ممنوعیت را رد کرد و نتیجه‌گیری کرد که سازمان مجاهدین سازمانی نیست که در تروریسم دست داشته باشد. پوئک دستور داد که حکومت، دستوری را در برابر مجلس قرار دهد و از سازمان مجاهدین رفع ممنوعیت کند».



دولت انگلیس که در برابر احکام دادگاه های انگلستان هیچ راهی نداشت، لایحهٔ حذف نام مجاهدین را به مجلسین انگلستان تقدیم کرد و در سوم تیرماه ۱۳۸۷ هر دو مجلس انگلستان رأی به‌حذف مجاهدین از لیست ممنوعه انگلستان دادند.

روز بعد وزارت کشور انگلستان رسماً حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی این کشور را اعلام کرد.



از آن‌جا که لیست تروریستی انگلستان، مبنای لیست‌گذاری مجاهدین توسط اتحادیهٔ اروپا و لیست اتحادیهٔ اروپا بهانهٔ اصلی و رسوای بزرگترین حملهٔ پلیسی تاریخ فرانسه علیه مقاومت ایران در روز ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ بود. به‌این ترتیب با فروریختن لیست تروریستی





شادی هموطنان درجلو دادگاه هنگام اعلام حکم -لندن



جشن پیروزی در ا شرف –۹ آذر ۱۳۸۶

انگلستان، پایهٔ این توطئهٔ ارتجاعی ـ استعماری هم فرو ریخت. به‌این معنی که از روز سوم تیر ماه، نام مجاهدین عملاً از لیست اتحادیهٔ اروپا خارج شده بود.



لرد اسلین وکیل مجاهدین، در جمع هموطنان آزاده

از این رو زدوبند و معامله با رژیم آخوندی از سرگرفته شد و فرانسه به‌عنوان عضو اتحادیهٔ اروپا با استناد به اتهامات رسوای پروندهٔ ۱۷ژوئن به بازسازی پایهٔ فرو ریختهٔ خود برخاست و در شورای وزیران پیشنهاد کرد که سازمان مجاهدین در لیست تروریستی باقی بماند تا رسوایی آن پروندهٔ توخالی هم‌چنان زیر سرپوش این لیست پنهان بماند.



۳ تیر ۱۳۸۷: هانری لوکلِرک از برجسته ترین وکلای فرانسه و رئیس افتخاری لیگ حقوق بشر: « امیدوارم فرانسه تا این حد آبروی خود را نبرد. وقتی روند پروندهٔ ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ با یورش به اور سوراواز و صدور پیگردها علیه شماری از افراد شروع شد، مجریان

این حمله می گفتند علت این پیگردها، قرار داشتن نام مجاهدین در لیست تروریستی اتحادیهٔ اروپا بوده است. اکنون که ـ حداقل به‌عقیدهٔ من ـ این نامگذاری لغو خواهد شد و در حالی که پروندهٔ قضایی مقاومت ایران در فرانسه توخالی است، دیگر فرانسه نمی تواند بگوید: "روند این پرونده، نامگذاری مجاهدین در لیست اتحادیهٔ اروپا را توجیه می کند" ».



روز ۸ تیر ۱۳۸۷ خانم مریم رجوی در سخنرانی خود در ویلپنت پاریس، در اجتماع بزرگ ایرانیان در خارج کشور که با شرکت بیش از ۷۰هزار تن برگزار شد، تلاش رژیم آخوندی را برای کشاندن فرانسه به‌حمایت از نگه‌داشتن نام مجاهدین در لیست افشا کرد و گفت: «در هفته‌های اخیر رژیم آخوندی با شانتاژ و فریبکاری تلاش کرده فرانسه را به‌حمایت از ابقای نام مجاهدین در لیست بکشاند. دستاویز این تلاش غیرقانونی، پروندهٔ ۱۷ ژوئن است. همه به‌یاد دارند که این ماجرا یعنی یورش گسترده به دفاتر شورای ملی مقاومت در سال ۲۰۰۳ حاصل توافق مستقیم دولت شیراک ـ ویلپن با رژیم آخوندی بود. پرونده‌یی هم که بعد از آن تشکیل شد، پرونده‌یی خالی و بی‌اساس بود که به‌دلیل فقدان مدارک معتبر بر اساس لیست اتحادیهٔ اروپا تشکیل شد.

لیستی که امروز از نظر حقوقی، ساقط شده و استناد به آن غیرقانونی است. ما می‌گوییم اگر این پرونده به‌ادعای خودتان، میان‌تهی و بی‌اعتبار نیست، پس بفرمایید پس از ۵ سال طفره رفتن، لطفاً آن را تعیین تکلیف کنید و اگر هم‌چنان‌که رفتار خودتان گواهی می‌کند این پرونده بی‌اعتبار است، پس چرا آن را دستاویز حمایت از برچسب تروریستی می‌کنید؟

بنابراین هشدار می‌دهم که هرگونه تلاش برای حمایت از ابقای نام مجاهدین، یک رسوایی بزرگ، دامنگیر سیاست فرانسه و شورای اتحادیهٔ اروپا خواهد کرد که مخالف تعهدات بین‌المللی این کشور و این کشورها، در مبارزه علیه تروریسم و بنیادگرایی است.



به‌خصوص که از دو روز دیگر فرانسه ریاست دوره‌یی اتحادیهٔ اروپا را بر عهده می‌گیرد و تکرار می‌کنم که سرخم کردن در مقابل خواستهٔ رژیم، بزرگترین خیانت به قوانین جمهوری فرانسه و قوانین اتحادیهٔ اروپاست، علاوه بر این، آیت‌الله‌های ضد اسلام تهران هم، جری‌تر می‌شوند».

اما به‌رغم تمامی هشدارها در مورد پرهیز از باج دادن به فاشیسم مذهبی، به‌رغم حذف نام مجاهدین از لیست انگلیس و فرو ریختن پایهٔ نامگذاری مجاهدین در لیست اتحادیهٔ

اروپا و به‌رغم حکم دادگاه عدالت اروپا و احکام دادگاه انگلستان، روز ۲۵ تیر۱۳۸۷ [۳۹] در اجلاس شورای وزیران کشاورزی و ماهیگیری! اتحادیهٔ اروپا، لیست تروریستی این اتحادیه به‌روز شد. به توصیهٔ دولت فرانسه که ریاست اتحادیه را بر عهده داشت و پروندهٔ خالی ۱۷ژوئن را علم کرده بود، آنها از حذف نام مجاهدین سر باز زدند و یک هدیهٔ ننگ‌آلود دیگر به فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران دادند. این عمل ننگین امواج پردامنه‌تر و نیرومندتری را علیه بندوبست با استبداد خونریز مذهبی علیه مقاومت عادلانهٔ مردم ایران در پی داشت و همبستگی با مقاومت ایران و رئیس‌جمهور برگزیده، بیش از پیش گسترش پیدا کرد.

در ۲۶تیر ۱۳۸۷، اکثریت نمایندگان مجلس ملی فرانسه حمایت خود را از رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران و راه‌حل مریم رجوی برای تغییر دموکراتیک در ایران اعلام کردند.





۳۹ -۱۵ژوئیه۲۰۰۸





روزنامۀ فیگارو و خبرگزاری فرانسه -بیانیۀ امضا شده ۲۹۰نمایندۀ مجلس فرانسه حمایت از مریم رجوی برای تغییر دمکراتیک در ایران

خبرگزاری فرانسه در ۲۶تیر۸۷ گزارش داد: «بیانیه "برای تغییر دموکراتیک در ایران" که توسط ۲۹۰ نمایندۀ مجلس ملی فرانسه به امضا رسیده است، در محل این مجلس و با حضور نمایندگان پارلمانهای انگلستان و اروپا به مریم رجوی، رئیس‌جمهور منتخب شورای ملی مقاومت ایران تقدیم شد. مریم رجوی از این اقدام نمایندگان فرانسه به‌عنوان "حرکت بسیار با ارزش مردم فرانسه در حمایت از مقاومت ایران" نام برد. آقای برار نمایندۀ مجلس ملی فرانسه (در این اجلاس پارلمانی) گفت: " تعداد زیادی از نمایندگان مجلس بر این عقیده‌اند که سیاست مماشات در قبال رژیم ایران هیچ حاصلی نداشته و مواضع دولتها بیش از حد آغشته به‌بوی نفت است" ».



اجلاس پارلمانی در مجلس ملی فرانسه با حضور رئیس جمهور منتخب شورا- ۲۶ تیر ۱۳۸۶



در ۲۷ تیر ۱۳۸۷ در پی برگزاری اجلاس پارلمانی در محل مجلس ملی فرانسه با حضور رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت، یک اطلاعیهٔ مطبوعاتی از سوی نمایندگان مجلس ملی فرانسه منتشر شد. در این اطلاعیه تأکید شده بود که : «اکثریت نمایندگان مجلس ملی فرانسه، از راست و چپ، هم‌چون ۳۵ تن از همکاران انگلیسی خود که به‌شکلی موفقیت‌آمیز شکایتی برای خارج ساختن سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست سازمانهای تروریستی را تسلیم دادگاه کرده بودند، بیانیه‌یی را برای تغییر دمکراتیک در ایران امضاء کرده‌اند».

در ۲مرداد ۱۳۸۷رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت در جلسه یی در محل پارلمان ایتالیا تلاشهای رسوا برای ابقای نام مجاهدین در لیست تروریستی اتحادیهٔ اروپا را محکوم کرد و گفت: ما مطلعیم که دیکتاتوری آخوندی با شانتاژ و هم‌چنین استفاده از برگ مذاکرات اتمی و قراردادهای نفت و گاز برای ابقای نام مجاهدین در لیست تلاش کرده و می‌کند. حفظ نام مجاهدین در لیست توسط اتحادیهٔ اروپا، نقض احکام دادگاههای انگلستان و دادگاه لوکزامبورگ است.







سفر رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت برای شرکت در جلسهٔ پارلمان ایتالیا








Camera dei Deputati

در ۳۱شهریور ۱۳۸۷ هفته‌نامهٔ آلمانی اشپیگل نوشت: «برچسب تروریستی علیه بزرگترین گروه اپوزیسیون ایران عنصر مهمی در بازی حساسی است که بین تهران و اروپا جریان دارد. بسیاری از کشورهای اروپایی روابط تجاری مهمی با رژیم ایران دارند، کمپانیهای نفتی فرانسه هم حضور گسترده‌یی در ایران دارند. این کمپانیها بنا به‌گفته منابعی در دوایر دیپلوماتیک، دولت فرانسه را تحت فشار قرار داده‌اند که در یک امتیاز به تهران، نام سازمان مجاهدین خلق ایران را در لیست تروریستی نگه دارد».



کنفرانس مطبوعاتی تعدادی از شهرداران در حمایت از مجاهدین-۳مهر ۱۳۸۷

در ۳مهر۱۳۸۷ در یک کنفرانس مطبوعاتی با حضور دومینیک لوفور شهردار سرژی مرکز استان والدواز، ژان پیر بکه شهردار اورسور اواز، ژان پیر مولر شهردار مانی آن وکسن، ژان پیر بکه گفت: «شهرداران به‌عنوان تضمینهای جمهوری و آزادی حمایت خودشان را از مجاهدین اعلام کرده‌اند. شهرداران با دیدگاهها و مواضع مختلف سیاسی، همه بر این نکته تأکید کرده‌اند که مجاهدین نباید در لیست قرار بگیرند. ۵سال است که پرونده ۱۷ژوئن به‌جریان نیفتاده و خاموش و مرده است . هیچ چیزی در آن نیست پس چرا باید این وضعیت ادامه پیدا کند؟ تنها عوامل و روابط اقتصادی است که در این جریان مؤثر است».



SPIEGEL International

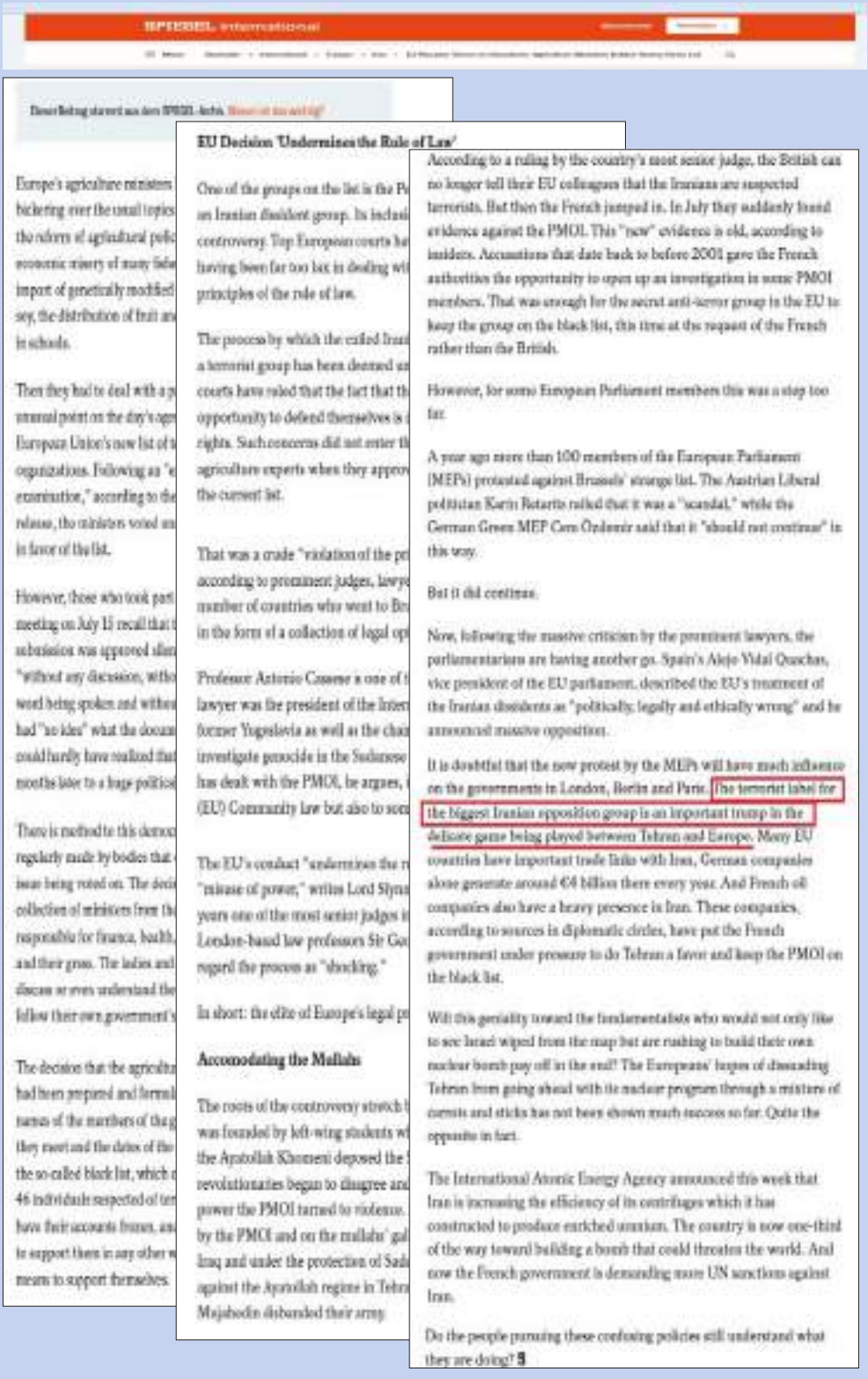
EU Placates Tehran on Dissidents

Agriculture Ministers Rubber Stamp Terror List

Hoping to accommodate Tehran, Brussels placed an Iranian dissident group on the EU list of terrorist organizations – and got the bloc's agriculture ministers to rubber stamp the decision without any debate. Now lawyers from across Europe are accusing the EU of abusing the law.

Now, following the massive criticism by the prominent lawyers, the parliamentarians are having another go. Spain's Alejo Vidal Quachas, vice president of the EU parliament, described the EU's treatment of the Iranian dissidents as "politically, legally and ethically wrong" and he announced massive opposition.

It is doubtful that the new protest by the MEPs will have much influence on the governments in London, Berlin and Paris. The terrorist label for the biggest Iranian opposition group is an important trump in the delicate game being played between Tehran and Europe. Many EU countries have important trade links with Iran, German companies alone generate around €4 billion there every year. And French oil companies also have a heavy presence in Iran. These companies, according to sources in diplomatic circles, have put the French government under pressure to do Tehran a favor and keep the PMOI on the black list.



EU Decision 'Undermines the Rule of Law'

According to a ruling by the country's most senior judge, the British can no longer tell their EU colleagues that the Iranians are suspected terrorists. But then the French jumped in. In July they suddenly found evidence against the PMOI. This "new" evidence is old, according to insiders. Accusations that date back to before 2001 gave the French authorities the opportunity to open up an investigation in some PMOI members. That was enough for the secret anti-terror group in the EU to keep the group on the black list, this time at the request of the French rather than the British.

However, for some European Parliament members this was a step too far.

A year ago more than 100 members of the European Parliament (MEPs) protested against Brussels' strange list. The Austrian Liberal politician Karin Resetto railed that it was a "scandal," while the German Green MEP Cem Özdemir said that it "should not continue" in this way.

But it did continue.

Now, following the massive criticism by the prominent lawyers, the parliamentarians are having another go. Spain's Alejo Vidal Quadras, vice president of the EU parliament, described the EU's treatment of the Iranian dissidents as "politically, legally and ethically wrong" and he announced massive opposition.

It is doubtful that the new protest by the MEPs will have much influence on the governments in London, Berlin and Paris. The terrorist label for the biggest Iranian opposition group is an important trump in the delicate game being played between Tehran and Europe. Many EU countries have important trade links with Iran, German companies alone generate around €4 billion there every year. And French oil companies also have a heavy presence in Iran. These companies, according to sources in diplomatic circles, have put the French government under pressure to do Tehran a favor and keep the PMOI on the black list.

Will this geniality toward the fundamentalists who would not only like to see Israel wiped from the map but are rushing to build their own nuclear bomb pay off in the end? The Europeans' hopes of dissuading Tehran from going ahead with its nuclear program through a mixture of carrots and sticks has not been shown much success so far. Quite the opposite in fact.

The International Atomic Energy Agency announced this week that Iran is increasing the efficiency of its centrifuges which it has constructed to produce enriched uranium. The country is now one-third of the way toward building a bomb that could threaten the world. And now the French government is demanding more UN sanctions against Iran.

Do the people pursuing these confusing policies still understand what they are doing? ■



خبرگزاری آسوشتیدپرس- دومین حکم دادگاه عدالت اروپا-۲آبان۱۳۸۷

در ۲ آبان ۱۳۸۷ دادگاه عدالت اروپا با صدور دومین حکم خود برچسب تروریستی اتحادیهٔ اروپا علیه مجاهدین را یک بار دیگر لغو و باطل اعلام کرد.



در ۵ آبان ۱۳۸۷ هفته‌نامهٔ اکسپرس چاپ فرانسه نوشت: «رژیم ایران از تصمیم دادگستری فرانسه در مورد صدور قرار منع تعقیب مجاهدین و خارج کردن نام این سازمان از لیست تروریستی نگران است. این هفته‌نامه در مقاله‌یی با عنوان "بازدیدکنندگان شبانه" با اشاره به میهمانی مجللی که علی آهنی سفیر معزول رژیم آخوندی در فرانسه هنگام ترک این پست برگزار کرد، نوشت: این میهمانی پر زرق و برق.... به‌خودی خود نمی تواند سنگینی ابرهایی را که در آسمان فرانسه و ایران بیشتر می‌شود و در اثر قاطعیت فرانسه در بحران هسته‌یی تیره‌تر می شود محو کند».

اکسپرس در زیر تیتر «یک طوفان دیگر نیز تهدید می‌کند» افزود: «رژیم ایران از این می ترسد که دادگستری فرانسه به‌زودی قرار منع تعقیب در مورد مجاهدین خلق، جنبش اپوزیسیون را صادر کند».

در ۱۶آبان ۱۳۸۷ فدراسیون بین‌المللی لیگهای حقوق بشر (FIDH) با صدور اطلاعیه‌یی از حکم دادگاه عدالت اروپا مبنی بر لغو برچسب تروریستی علیه مجاهدین، تحت عنوان «حکم دادگاه جوامع اروپا علیه انحرافات از مبارزهٔ ضدتروریستی» استقبال کرد و به‌خاطر طولانی شدن تعیین تکلیف پروندهٔ ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ در فرانسه ابراز نگرانی نمود.



Fédération internationale des ligues des droits de l'Homme
(FIDH)

Communiqué

Affaire de l'OMPI : le Tribunal de Première instance sanctionne les dérives de la lutte contre le terrorisme

Paris, le 27 octobre 2008 - Le Tribunal de première instance des Communautés européennes a annulé, le 23 octobre 2008, la décision du Conseil de l'Union européenne maintenant l'Organisation des Moudjahidines du Peuple d'Iran (OMPI) sur la liste des organisations terroristes.

« La FIDH se félicite du contrôle juridictionnel exercé par le Tribunal sur les décisions du Conseil de l'Union européenne. Les décisions rendues dans cette affaire témoignent de l'importance d'un tel contrôle, qui permet de remédier certaines dérives de la lutte contre le terrorisme en Europe », a déclaré Souhayr Belhassen, Présidente de la FIDH.

Dans son arrêt, le Tribunal a tout d'abord reconnu que le Conseil, dans le cadre d'une nouvelle procédure d'inscription des organisations visées par les listes de sanction, respectait les droits de la défense et son obligation de motivation des sanctions.

Sur le fond, le Tribunal juge en revanche que le Conseil n'a pas rapporté d'éléments suffisamment probants pour justifier les sanctions. Cette motivation n'est pas en effet les raisons spécifiques et concrètes pour lesquelles le Conseil a considéré qu'il était maintenir l'OMPI sur la liste.

La FIDH rappelle à cette occasion qu'en juin 2003, une instruction a été ouverte contre l'OMPI en France. Toutefois, n'ayant pas pu prendre connaissance du fond du dossier, la FIDH s'inquiète de la durée de la procédure d'instruction dans ce dossier. Elle considère par ailleurs, à l'instar de la Ligue des droits de l'Homme et du Citoyen (France) que, si l'action anti-terroriste a des preuves dans ce dossier, elle doit les communiquer aux avocats des parties.



particular, **the Council has failed to explain the specific reasons as to why the acts ascribed to the persons alleged to be members of the PMOI should be attributed to the PMOI.**

Finally the Court notes that at the request of the French authorities the Council refused to communicate to the Court certain extracts of a document containing a "summary of the main points which justify the keeping of [the PMOI] on the EU list", even though this information had been communicated to the Council and subsequently to the 24 other Member States.

The Court considers that **the Council is not entitled to base its funds-freezing decisions on information or material in the file communicated by a Member State, if that Member State is not willing to authorise its communication to the Community judicature** whose task is to review the lawfulness of that decisions.

The refusal by the Council and the French authorities to communicate, even to the Court alone, the information contained in this document has the consequence that the Court is unable to review the lawfulness of the contested decision, which infringes the PMOC's fundamental right to an effective judicial review.

REMINDER: An appeal, limited to point of law only, may be brought before the Court of Justice of the European Communities against a decision of the Court of First Instance, within two months of its notification.

Unofficial document for media use, not binding on the Court of First Instance.

Languages available: EN, FR

The full text of the judgment may be found on the Court's internet site
http://curia.europa.eu/jurisp/cgi-bin/form.pl?lang=EN&Submit=rechercher&numaff=T-228/02
It can usually be consulted after midday (CET) on the day judgment is delivered.

For further information, please contact Christopher Fretwell
Tel: (00352) 4303 3333 Fax: (00352) 4303 2734



مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
شماره ۹۲۶

تبریک و تهنیت به ملت ایران، به رئیس جمهور برگزیده مقاومت و به اشرف قهرمان



مسعود رجوی ـ ۴ دسامبر ۲۰۰۸

- سومین پتک بزرگ حقوقی و تاریخی بساط تحمیلی و ضد تروریستی اتحادیه اروپا را در هم کوبید. خودشان و مزدوران و بنشستگان آنها باز هم هو و کو و مطهر شدند.
- کلمه جدید «در جایی که هیچ یک فقره از قانون و یک ذره از آزادی وجدان وجود دارد» نرمند تأکید کرد که ما میرویم می‌نشینیم، یکشریم که اگر قانون و عدالت می‌خانم و رفع جاری نشود و متنی بر سیستم قضایی و شرعی نداشته باشد این دادگاهها جای طالقانی و طالقانی و علامه کاشانی نخواهد گفت. طالقانی و علامه همان طلقه دیگر و همان عدالت خدشه‌ناپذیر مذهبی هستند که برای گشتار و سرکوب مجاهدین، است زمین کردند و اسباب کار اعاده ساختند و گواهی دروغ دادند.
- اگر در بحث تروریستی به‌جای این که از سوی اروپا و آمریکا به مجاهدین چسبانده شود و ۲۲ دقیقه را به مقابله با آنها اختصاص دهند، بدون شک امروز آلترناتیو آشوبی و بلاتکلیفی در میان نمی‌بود. از این‌جا می‌توان اهمیت حذف برچسب تروریستی را که در ماهیت آن، هم‌برای برانداز هم‌برای مردم ایران، فهمید.

ادامه مقاله پیام در شب به قبول اعاده شماره ۹۲۵ درج شده است.

2008 1 5Pounds 36PR 3C9 jc

دادگاه عدالت اروپا برای سومین بار برچسب تروریستی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را لغو کرد

دادگاه عدالت اروپا حکم کرد که شورای وزیران اتحادیه اروپا باید کلیه هزینه‌های مجاهدین برای دادگاه را بپردازد. این حکم ظرف کمتر از ۲۴ ساعت پس از جلسه استماع دادگاه صادر شد

Press and Information

PRESS RELEASE No° 84/08

4 December 2008

Judgment of the Court of First Instance in Case T-284/08

People's Mojahedin Organization of Iran v Council

THE COURT ANNULS, FOR THE THIRD TIME, A COUNCIL DECISION FREEZING THE FUNDS OF THE PEOPLE'S MOJAHEDIN ORGANIZATION OF IRAN

The Council has violated the rights of defence of the PMOI by not communicating to it the new information which, according to the Council, justified maintaining it on the European list of terrorist organisations, by refusing to communicate to the Court certain information about the case, the Council has equally infringed the fundamental right of the PMOI to effective judicial protection.

مریم رجوی: پیروزی عدالت برنیرنگ فاشیسم مذهبی



- رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت: دادگاه عدالت اروپا یک روز پس از ختم جلسه خود، تصمیم خودسرانه شورای وزیران اتحادیه اروپا برای نگهداشتن مجاهدین در لیست تروریستی را لغو کرد. با این حکم، سازمان مجاهدین خلق ایران دیگر در لیست تروریستی اتحادیه اروپا نیست و نمی‌توان دوباره آن را در لیست گنجاند. اکنون وظیفه شورای وزیران اتحادیه اروپاست که بدون علتی لغو برچسب تروریستی را اعلام کند.
- شورای وزیران اتحادیه اروپا علاوه براجرای حکم دادگاه عدالت اروپا و لغو ظالمانه برچسب تروریستی، باید از مجاهدین و ملت ایران عذر خواهی کند و صدمات عظیمی را که به مردم ایران و مقاومت آزادیخواهانه ملت ما در برابر فاشیسم مذهبی وارد کرده، جبران نماید.

در صفحه ۲



لره انشین ـ محمد محتشمی



سیوکلای مجاهدین در دادگاه عدالت اروپا (از چپ) اسپیرو، دوپونه پوون



لوکزامبورگ ـ ۴ دسامبر





جشن پیروزی در اشرف

برگزیده از بندهای سومین حکم دادگاه عدالت اروپا مبنی بر ابطال برچسب تروریستی در ۴ دسامبر ۲۰۰۸

۳. در آن تصمیم، پونک از جمله نتیجه‌گیری وزیر کشور در تصمیم خود در ۲ سپتامبر ۲۰۰۶ مبنی بر برهم از لغو ممنوعیت از خواهان [مجاهدین] و این‌که خواهان در آن زمان هنوز در چارچوب تعریف قانون ۲۰۰۰ تروریسم سازمانی «درگیر در تروریسم» بوده است را به‌عنوان تصمیمی «نابخردانه» توصیف نمود. بر اساس ارزیابی پونک، تنها باوری که یک تصمیم‌گیرنده منطقی می‌توانست صادقانه به آن برسد، بعد در سپتامبر ۲۰۰۶ و چه پس از آن، این بود که هیچ یک از معیارهای لازم برای حفظ ممنوعیت علیه مجاهدین، شامل حال این سازمان نمی‌شد. به‌عبارت دیگر، پونک طبق مدارکی که پیش رو داشت به این واقعیت رسید که مجاهدین نه در زمان حکم پونک و نه در سپتامبر ۲۰۰۶ درگیر در تروریسم نبوده است (رجوع شود به حکم *OMPI*، پاراگرافهای ۱۶۸ و ۱۶۹).

۵. دادگاه استیناف [انگلستان] در حکم خود یافته‌های پونک را تأیید نمود و گذشته از آن، اظهار داشت مدارک غیرعلنی که توسط وزیر کشور ارائه نشده بود نتیجه‌گیری دادگاه استیناف را که وزیر کشور فاقد دیده بود مبنی بر منطقی مشخص کند مجاهدین قصد توسل به تروریسم در آینده را داشته است، تقویت نمود.

۴۹. دادگاه این‌طور نتیجه می‌گیرد که استدلالهای شورای وزیران بالکل قانع‌کننده که ادعای این شورا را مبنی بر غیرممکن بودن اتخاذ تصمیم مورد بحث طبق ترتیباتی که می‌توانست به حق دفاع خواهان احترام بگذارد، اثبات نماید.

۵۰. دادگاه بر این نظر است که غفلت شورای وزیران در پرونده حاضر در تبعیت نمودن از یک پروسیجر ـ که بدون‌شک در هنگام اول مجاهدین تعریف شده بود ـ با علم کامل از مطالبی و بدون هرگونه توجیه منطقی صورت گرفته و می‌تواند با هرگونه ملاحظه در مورد استفاده نادرها یا سوءاستفاده از اختیارات یا پروسیجرهایی که دعوای دلیل قانونی پذیرفته است، مرتبط باشد.

۵۷. به‌طور مختصر، دادگاه این‌طور یافته است که اعاده استناد اموال خواهان [مجاهدین] از طریق تصمیم مورد بحث، نتیجه ترتیباتی بود که طی آن حق دفاع خواهان مورد احترام قرار نگرفت. این یافته تنها می‌تواند به لغو تصمیم مورد بحث بیانجامد، تا آن‌جا که به خواهان برمی‌گردد.

۵۷. به‌طور مشخص، شورای وزیران هیچ‌گونه اطلاعات دقیق یا مدارکی در پرونده ذیربط به دادگاه ارائه نداده است که نشان دهد تحقیقات قضایی آغازشده توسط مقام دادستانی صدادرپوست دادگاه ملدی پاریس در آوریل ۲۰۰۱ و هرچیزی اتهامات تکمیلی مطرح‌شده در مارس و نوامبر ۲۰۰۷ در رابطه با خواهان، شکل‌دهنده تصمیمی مطابق با تعریف بند ۴ ماده۱ موضع مشترک ۹۳/۴۰۰۱ هستند. بنابراین، شورا آن اتهام را بدون ارائه هیچ‌گونه مبنایی در پشتیبانی از آن عنوان می‌نماید.

۶۸. هیچ چیز ممکنی در این پرونده نیست که ثابت کند تحقیقاتی که در فرانسه در سال ۲۰۰۱ آغاز شد، حتی اگر فرض کنیم که به یک «مرجع قضایی» ربط داده شوند، که این امر توسط خواهان رد می‌شود، طبق ارزیابی آن مرجع، بر پایه شواهد یا «دلایل جدی و معتبر» بوده است؛ همانطور که در بند ۴ ماده۱ موضع مشترک ۹۳/۴۰۰۱ مقرر گشته است.

۷۶. خودداری شورای وزیران و مقامات فرانسوی از اطلاع‌رسانی، حتی تنها به دادگاه، در مورد اطلاعات مندرج در نکته (۱۰) در آخرین مدرک از سه مدرکی که در بارانگراف ۵۸ در بالا به آن اشاره شد، دارای این پیامد می‌باشد که دادگاه نمی‌تواند بررسی قانونی بودن تصمیم مورد بحث را انجام دهد.

۷۸. در این شرایط، نتیجه این می‌شود که اولاً، هیچ اثبات نشده است که تصمیم مورد بحث در نسبت از بند۴ ماده۱ موضع مشترک ۹۳/۴۰۰۱ و بند۴ ماده۲ مقررات شماره ۲۰۰۱/۲۵۸۰ می‌باشد و ثانیاً شرایطی که باعث اتخاذ آن تصمیم شد ناقض حق خواهان برای برخورداری از صیانت موثر قضایی می‌باشد.

دادگاه بدوی (شعبه هفتم)

بدینوسیله:

۱. تصمیم شورای وزیران، بدشماره EC/۵۸۳/۲۰۰۸ مورخ ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۸ میشرم اجرای بند۴ ماده۲ مقررات شماره ۲۰۰۱/۲۵۸۰ میرای اقدامات محدودسازنده مشخص علیه افراد و موجودیتهای مشخص در راستای مقابله با تروریسم را که جایگزین تصمیم شماره EC/۸۶۱/۲۰۰۷ شده است، تا آن‌جا که به سازمان مجاهدین خلق ایران برمی‌گردد، لغو می‌کند.

۲. به شورای وزیران دستور می‌دهد اتفاقه بر هزینه‌های خود، هزینه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران را نیز پرداخت نماید.

۳. به جمهوری فرانسه و کمیسیون اروپا دستور می‌دهد هزینه‌های خود را تقبل نمایند.

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران



لوگزامبورگ - ۴دسامبر ۲۰۰۸
قدردانی هموطنان از لرداسلین



جشن پیروزی هموطنان-لوکزامبورگ -۴دسامبر۲۰۰۸ (۱۴آذر۱۳۸۷)

در ۱۴آذر ۱۳۸۷ [۴۰] کوبنده‌ترین پتک عدالت بر برچسب ظالمانهٔ تروریستی و بر پروندهٔ خالی و ننگین ۱۷ژوئن وارد آمد. در یک اقدام بی سابقه که برای اولین بار در تاریخ این دادگاه صورت می گرفت، پس از جلسهٔ استماع در دادگاه عدالت اروپا، این دادگاه به‌فاصلهٔ کمتر از ۲۴ساعت حکم تاریخی و قاطع خود را مبنی بر حذف نام مجاهدین از

۴۰- ۴ دسامبر ۲۰۰۸

لیست تروریستی و توبیخ فرانسه و شورای وزیران به‌خاطر نقض قانون اعلام کرد.

دادگاه، شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا و دولت فرانسه را به پرداخت کلیهٔ هزینه‌های مجاهدین در دادگاه محکوم کرد.

این حکم بلافاصله توسط رسانه ها و ناظران به‌عنوان یک سیلی سنگین به شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا توصیف شد.

در بندهای ۵۷، ۶۸ و ۷۶ این حکم استناد به پروندهٔ ۱۷ژوئن برای ابقای نام مجاهدین در لیست تروریستی، مردود دانسته شده و آمده است: «به‌طور مشخص، شورای وزیران هیچ‌گونه اطلاعات دقیق یا مدارکی در پروندهٔ ذیربط به دادگاه ارائه نداده است که نشان دهد تحقیقات قضایی آغاز شده توسط دفتر دادستانی ضدتروریست دادگاه بدوی پاریس، در آوریل ۲۰۰۱ و هم‌چنین اتهامات تکمیلی مطرح شده در مارس و نوامبر ۲۰۰۷ در رابطه با خواهان، شکل‌دهندهٔ تصمیمی مطابق با تعریف بند ۴ مادهٔ ۱ موضع مشترک۹۳۱/۲۰۰۱ هستند. بنابراین شورا آن اتهام را بدون ارائهٔ هیچ‌گونه سندی در پشتیبانی از آن، عنوان می‌نماید».

-در بند ۶۸ این حکم نیز می‌خوانیم: «هیچ چیز ممکنی در این پرونده نیست که ثابت کند تحقیقاتی که در فرانسه در سال ۲۰۰۱ آغاز شد، بر پایهٔ شواهد یا "داده های" جدید و معتبر بوده است.

-در بند ۷۶ حکم دادگاه عدالت اروپا نیز می‌خوانیم: «خودداری شورای وزیران و مقامات فرانسوی از اطلاع‌رسانی، حتی تنها به دادگاه، در مورد اطلاعات مندرج در نکتهٔ ۳a، درآخرین مدرک از ۳ مدرکی که در پاراگراف ۵۸ در بالا به آن اشاره شد، دارای پیامد می‌باشد که دادگاه نمی‌تواند بررسی قانونی بودن تصمیم مورد بحث را انجام دهد».

لرد اسلین عضو برجستهٔ مجلس اعیان انگلستان و قاضی نامدار دیوان عالی انگلستان و دادگاه عدالت اروپا که وکلای مجاهدین را در کارزار حقوقی علیه برچسب ظالمانهٔ تروریستی رهبری کرده بود، هنگام اعلام حکم ۴دسامبر در دادگاه حضور داشت و در میان موج استقبال ایرانیانی که در محل حضور داشتند، این حکم را قبل از همه به مجاهدان اشرف تبریک گفت.

محمد محدثین مسئول کمیسیون خارجهٔ شورای ملی مقاومت در جمع حامیان مقاومت ایران که در بیرون دادگاه اجتماع کرده بودند، ازجمله گفت: «همان‌طور که اطلاعیهٔ خود دادگاه گفته، این اولین بار است که در تاریخ این دادگاه، حکمی را یک روز بعد از جلسهٔ استماعش صادر می‌کند. جلسهٔ استماع این دادگاه دیروز در همین‌جا برگزار شد».



تیم وکلای مجاهدین در دادگاه اروپا



بلافاصله پس از صدور حکم دادگاه، رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت این حکم را پیروزی عدالت بر نیرنگ فاشیسم مذهبی توصیف کرد و گفت: «این حکم ضربهٔ سنگینی به بندوبستها و معاملهٔ ننگین دولت فرانسه است که برای تمکین از خواست فاشیسم دینی حاکم بر ایران به‌شرم‌آورترین صورت، با نقض همهٔ پرنسیبهای حقوقی و سیاسی و اخلاقی، به‌بهانهٔ یک پروندهٔ خالی، خواستار حفظ نام مجاهدین در لیست تروریستی شده بود».

همان روز ۱۴آذر ۱۳۸۷ رهبر مقاومت در پیام تبریک و تهنیت به ملت ایران تأکید کرد: «ساعتی پیش، دادگاه عدالت اروپا برای سومین بار به‌لغو برچسب ارتجاعی و استعماری حکم داد. سومین پتک بزرگ حقوقی و تاریخی، بساط شعبده و راهبند تروریستی اتحادیهٔ اروپا را درهم‌کوبید. آخوندها و مزدوران و پشتیبانان آنها باز هم بور و کور و مقهور شدند. در حکم دادگاه به‌صراحت آمده است که شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا حق دفاع سازمان مجاهدین خلق ایران را نقض کرده است و هم‌چنین از دادن اطلاعات مشخص به دادگاه دربارهٔ موضوع نامگذاری تروریستی امتناع نموده و علاوه بر این به حقوق بنیادین سازمان مجاهدین خلق ایران در صیانت مؤثر قضایی تعدی کرده است».

این حکم بازتاب گسترده یی در رسانه های جهان داشت و با تعابیر مختلف از جمله

سیلی به شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا منعکس شد. روز ۱۵آذر ۸۷ روزنامهٔ بلژیکی لالیبر حکم دادگاه عدالت اروپا برای لغو برچسب تروریستی علیه مجاهدین را یک سیلی به شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا توصیف کرد و نوشت:



«مجاهدین خلق بار دیگر پیروز شدند. دادگاه عدالت اروپا یک‌بار دیگر تصمیم شورای وزیران اروپا برای مسدود کردن دارایی مجاهدین را باطل اعلام کرد. این سومین حکم، طی دو سال است. با صدور این حکم آیا وقت آن نرسیده که وضعیت اپوزیسیون اصلی ایران بازنگری شود؟ حکم روز پنجشنبه دادگاه عدالت اروپا در لوکزامبورگ یک سیلی به شورای اروپا بود. دادگاه همانند دو حکم پیشین خود، تأکید کرده است برای نامگذاری تروریستی مجاهدین دلایل کافی وجود نداشته و حق آنان برای دفاع از خود نقض شده است».

لالیبر افزود: «شرایط برای رهبران اتحادیهٔ اروپا سخت شده است.... اما این بار قرائن متفاوت هستند. حکم دادگاه به‌طور بی سابقه یی درست یک روز بعد از دادگاه، صادر شده است. به‌نظر می‌رسد این موضوع به یک زورآزمایی منجر شود، چرا که با بازنگری لیست تروریستی همزمان شده است».

ژرالد پاپی نویسندهٔ مقاله لالیبر خاطرنشان کرد: «دادگاه عدالت اروپا از جهت دیگری هم شورای اروپا را توبیخ کرد و گفت این شورا دربارهٔ "عناصر جدید در ارتباط با مجاهدین" مدرک قابل دفاعی ندارد».



در ۱۵ آذر ۱۳۸۷ مقالهٔ افشاگرانهٔ فرانسوا کولکومبه در نشریهٔ آفریقا ـ آسیا، دسامبر ۲۰۰۸ به‌چاپ رسید. در مقاله آمده بود: «با تصمیم اکتبر گذشته، دومین بار است که نامگذاری مجاهدین در لیست تروریستی مورد حمله قرار گرفته و با یک تصمیم پرطنین دادگاه لوکزامبورگ باطل شد».



فرانسوا کلکومبه دربارهٔ شبیخون ۱۷ژوئن نوشت: «یک پیشداوری که این بار در فرانسه صورت گرفت، تهاجم مشهور ۱۷ ژوئن به اور سوراواز، مقر شورای ملی مقاومت ایران که مجاهدین عضو آن هستند، بود. این تهاجم به‌دستور بازپرس بروگیر انجام گرفت. این پرونده که از ۲۰۰۱ ساخته و پرداخته شده، هنوز مختومه نشده است. آنچه می‌دانیم این است که در این پرونده، هیچ مدرکی برای اتهام تروریسم علیه مجاهدین وجود ندارد. بازپرس عملاً همه تدابیر و کنترل‌های قضایی را برداشته است. آدرس و رد این پیگردها علیه مجاهدین را باید در امضای قراردادهایی برای مؤسسات فرانسوی پیدا کرد».

در ۱۶ آذر ۱۳۸۷سید احمد غزالی پس از صدور سومین حکم دادگاه عدالت اروپا در مورد لغو برچسب تروریستی از مجاهدین در یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس گفت: «از نظر حقوقی این حکم پیروزی عدالت بود. زیرا با بی‌عدالتی و وقاحت تمام، در سالهای گذشته اولین قربانیان تروریسم در لیست گذاشته شده بود. ۵ سال پس از حمله ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ به‌خوبی روشن شد که آنها نتوانستند به‌هیچ مدرکی برسند. اما از نظر سیاسی سؤال این است که آیا دولتهای اروپایی این درس را خواهند گرفت که به‌مسخ چهره اروپا خاتمه بدهند؟».

در ادامهٔ کنفرانس، وکلای پروندهٔ ۱۷ژوئن سخنانی ایراد کردند. هانری لوکلرک از برجسته‌ترین وکلای فرانسه در سخنانش گفت: «از سال ۲۰۰۳ و بعد از حمله ۱۷ژوئن، وقتی می‌گفتیم چه مدرکی و سندی دارید؟ بازپرس بروگیر می‌گفت مجاهدین در لیست اتحادیهٔ اروپا هستند!».



کنفرانس مطبوعاتی در منطقهٔ اول پاریس فراخوان۱۱۶۰شهردارفرانسه-۲۲آذر۱۳۸۷



در ۲۲ آذر ۱۳۸۷ در یک کنفرانس مطبوعاتی در منطقه اول پاریس با حضور رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت خانم مریم رجوی، ۱۱۶۰شهردار از ۹۷ استان فرانسه که ۱۳۵تن از آنان نمایندگان مجلس ملی و ۳۱ تن از آنان اعضای سنای فرانسه و ۴۰ تن از آنان رئیس یا معاون شوراهای منطقه‌یی فرانسه هستند، دولت فرانسه را فرا خواندند تا حکم دادگاه عدالت اروپا مبنی بر حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی اتحادیهٔ اروپا را بلادرنگ اجرا کند.



Afrique Asie.fr

Le gouvernement de la France, présidente en exercice de l'UE jusqu'en décembre dernier, avait ignoré les décisions précédentes et maintenu l'Ompi sur la liste en évoquant un dossier d'instruction datant de 2001 contre des opposants iraniens. Il s'agit du fameux dossier qui a abouti à la rafle spectaculaire et tragique de 17 juin 2003 contre les réfugiés politiques iraniens en France, motivée de toute évidence par la signature de contrats avec la dictature religieuse de Téhéran. Le tribunal européen a rejeté cet argument.

مجلهٔ افریقا آسیا - فراخوان ۱۱۶۰شهردار فرانسوی به دولت فرانسه

یک سال بعد در روز ۲۴ آذر ۱۳۸۸ شمار شهرداران حمایت‌کنندهٔ از مقاومت ایران به ۲۱۷۲ نفر رسید که از سراسر فرانسه، تصمیم دولت عراق برای جابه‌جایی اجباری ساکنان اشرف را محکوم کردند.



کنفرانس مطبوعاتی در منطقهٔ اول پاریس با حضور مریم رجوی-۲۲آذر۱۳۸۷



Le Monde

« Le Monde Education »
Apprend-on à être français à l'école ?
L'entretien : Jean-François Copé (UMP)

Cinéma
« Mary et les Maximonstres »
du livre à l'écran

Appel contre la répétition d'une catastrophe humanitaire visant 3400 opposants iraniens en Irak

- A la demande du régime iranien, les forces irakiennes ont pris d'assaut en juillet le camp d'Achraf, faisant 11 morts, 500 blessés et 36 otages parmi les résidents.
- Le gouvernement irakien envisage un déplacement forcé des résidents d'Achraf, ce qui entraînerait une catastrophe encore plus tragique.

PLUS DE 2000 MAIRES DE FRANCE APPELLENT L'ONU ET LES ETATS-UNIS À EMPÊCHER LE DÉPLACEMENT FORCÉ DES RÉSIDENTS DU CAMP D'ACHRAF EN IRAK

International

2172 maires de France solidaires de la Résistance iranienne

Leurs représentants dénoncent, lors d'une conférence à Paris, la décision du gouvernement irakien de déplacer de force les résidents d'Achraf.

Déclaration des maires

Nous sommes très préoccupés par la situation de 3400 membres de l'opposition iranienne, l'organisation des Moudjahidine du peuple d'Iran, résidant au camp d'Achraf en Irak, le régime iranien s'efforce par l'intermédiaire du gouvernement irakien de les éliminer. L'attaque mortelle des forces irakiennes contre Achraf les 28 et 29 juillet a fait parmi les habitants du camp 11 morts, 500 blessés, et 36 otages. Ce n'est qu'après une grève de la faim de 72 jours et trois verdicts de la justice irakienne les remettant en liberté, et une vaste camapgne internationale, qu'ils sont retournés à Achraf. Beaucoup à leur retour étaient sur le point de mourir. Amnesty international, la FIDH, l'OMCT et Human Rights Watch, l'archevêque de Canterbury et le prix Nobel de la Paix l'archevêque Desmond Tutu, ainsi qu'un grand nombre de personnalités politiques et de défense des droits de l'homme ont condamné cette attaque et ont exprimé leur inquiétude vis-à-vis de la situation des résidents d'Achraf. La résolution adoptée le 24 avril 2009 par le Parlement européen souligne que les résidents d'Achraf sont des "personnes protégées" dans le cadre de la 4ème convention de Genève et le gouvernement irakien doit respecter leurs droits et s'abstenir de les expulser ou de les déplacer à l'intérieur de son territoire et lever le blocus dont ils font l'objet.



Les maires de France défendent les résidents de la cité d'Achraf

Paris - 15 décembre 2009

Depuis la gauche : Dominique Lefebvre, maire de Cergy, président de l'agglomération de Cergy-Pontoise ; le Dr Saleh Radjavi, représentant en France du CNRI ; le sénateur Jean-Pierre Michel ; Jean-Pierre Béquet, maire d'Auvers-sur-Oise, lors de la conférence du 15 décembre annonçant le soutien des maires de France aux résidents d'Achraf

Aujourd'hui il y a une inquiétude générale de voir les forces irakiennes s'engager, à la demande du régime iranien et pour le satisfaire, dans un nouveau massacre des résidents d'Achraf. Il faut noter que les forces assaillantes sont présentes à Achraf et dans ses environs. Tout en déclarant notre solidarité avec les résidents d'Achraf et leur famille, nous demandons au gouvernement américain, à l'ONU et au gouvernement irakien :

1- Que le gouvernement américain, sur la base de son engagement international et l'accord mutuel qu'il a signé avec les résidents d'Achraf, de garantir la protection des résidents et de prévenir toute violence à leur encontre et déplacement à l'intérieur du territoire irakien.

2- Que l'ONU installe une équipe permanente d'observateurs à Achraf pour contrôler le respect des droits des résidents et s'assurer qu'ils ne soient pas en danger d'être expulsés ou déplacés. Tout déplacement forcé hors d'Achraf constituera un prélude à leur massacre et à une catastrophe humanitaire.

3- Que le gouvernement irakien mette en oeuvre la résolution du 24 avril 2009 du parlement européen.

Nous demandons également au gouvernement irakien de respecter et mettre en oeuvre les points ci-dessus conformément au droit international, au droit humanitaire international, et au droit international régissant les droits de l'homme. Cela ravivera et renforcera la crédibilité et le prestige de l'Irak en tant que gouvernement indépendant et démocratique, ce qui malheureusement a été remis en question. ■



Depuis la gauche : Gérard Charasse, député de l'Allier, Germinal Peiro, député de la Dordogne et maire de Castelnaud-la-Chapelle, et le Dr Saleh Radjavi.

خانم رجوی طی پیام به کنفرانسی که روز سه‌شنبه ۲۴ آذر برای اعلام بیانیهٔ ۲۱۷۲ شهردار فرانسوی برگزار شد، آن را به‌عنوان بیانیه‌یی در دفاع از حقوق مقاومت ایران برای دموکراسی و آزادی است، مورد تقدیر قرار داد. ۲۱۷۲ شهردار از سراسر فرانسه با این بیانیه و حمایت تمام‌عیار خود از مقاومت ایران، همچنین مهر دیگری بر خالی بودن و مرده بودن پروندهٔ ۱۷ژوئن زدند.

Démocratie pour l'Iran, protection pour les opposants

Considérant la résolution du 24 avril 2009 du Parlement européen sur la situation humanitaire de la Cité d'Achraf en Irak qui abrite 3400 opposants iraniens, dont mille femmes, bénéficiant du statut de personnes protégées en vertu de la 4e Convention de Genève ;

Considérant la déclaration signée l'an dernier par 2172 maires de France en soutien aux résidents d'Achraf ;

Considérant le meeting de 100.000 Iraniens le 26 juin 2010 à Taverny au nord de Paris en soutien au soulèvement populaire en Iran et au Camp d'Achraf qui reflète l'aspiration générale de la population en Iran contre le fascisme religieux et en faveur d'Achraf et de la Résistance iranienne ;

Considérant la déclaration de 3500 parlementaires des deux côtés de l'Atlantique en soutien aux Achrafiens soulignant la nécessité de leur assurer et de leur garantir la protection de l'ONU et des forces américaines sur place, et soutenant la Troisième Voie de Mme Maryam Radjavi, présidente élue de la Résistance iranienne ;

- Vu que les parents des résidents d'Achraf à leur retour en Iran ont été arrêtés et pour certains condamnés à mort ;
- Vu que le gouvernement irakien impose un blocus inhumain depuis début 2009 à Achraf, interdisant l'entrée des familles et des avocats des résidents, posant de multiples obstacles à l'entrée des vivres et du carburant et à l'accès aux traitements médicaux et créant le danger d'un nouveau massacre des Achrafiens ;
- Vu l'attaque mortelle des forces irakiennes contre ce camp, à la demande du régime iranien, en juillet dernier qui a fait 11 tués et 500 blessés parmi les résidents sans défense ;
- Vu que les pressions sur Achraf sont justifiées par la présence des Moudjahidine du peuple d'Iran (OMPI) sur la liste noire des Etats-Unis ;
- Vu que la cour d'Appel de Washington en juillet 2010 a rendu un jugement en faveur de l'OMPI et appelé le Département d'Etat à revoir son inscription sur la liste noire ;
- Vu que l'ingérence du régime iranien dans le système judiciaire irakien a abouti à des mandats d'arrêts contre des résidents d'Achraf et qu'il cherche à les faire extrader ;

1- Répondant à l'appel de 2172 maires de France ayant exprimé en octobre 2009 leur soutien à Achraf et leur préoccupation des dangers créés par le régime iranien contre ses habitants, nous considérons cette cité qui incarne les aspirations démocratiques du peuple iranien, comme une ville sœur.
2- Nous appelons le Secrétaire général de l'ONU, son représentant spécial en Irak, la Mission d'Assistance des Nations Unies en Irak (MANUI) et le Haut commissaire aux droits de l'Homme de l'ONU à déclarer l'interdiction de tout déplacement forcé des Achrafiens à l'intérieur de l'Irak et toute violence à leur encontre. Nous leur demandons de mettre en avant leur statut de personnes protégées par la 4e convention de Genève, d'installer à Achraf une équipe de surveillance, de faire lever le blocus et annuler les mandats d'arrêts.
3- Nous invitons le gouvernement français à encourager l'ONU à soutenir le point 2 ci-dessus et à contribuer à le mettre en vigueur dans le cadre de l'ONU.
4- Nous appelons les Etats-Unis à supprimer le nom de l'OMPI de leur liste noire et à garantir la protection des Achrafiens.

بیانیهٔ ۵۰۰۰ شهردار فرانسوی حامی مقاومت ایران

در هشتمین سال کودتای نافرجام ۱۷ژوئن، شمار شهرداران حامی مقاومت ایران در فرانسه، به‌بیش از ۵ هزارتن رسید.





ژان پیر بکه شهردار اور سوراواز: «از همکاران شهردارم می‌خواهم که نزد من بیایند، به‌روی سن بیایند و با من باشند تا پیاممان را با هم اعلام کنیم. می‌خواهم یادآوری کنم که این گردهمایی شهرداران که سال گذشته تشکیل شد، بیش از ۵۰۰۰ هزار شهردار را دربرمی‌گیرد، به‌این ترتیب، ما با همکارمان لوگاره در نزدیکی کنگرۀ شهرداران فرانسه گرد هم آمدیم. آنجا یک فراخوان اول دادیم و امروز می‌خواهم محورهای فراخوان امروزمان را به شما بدهم».



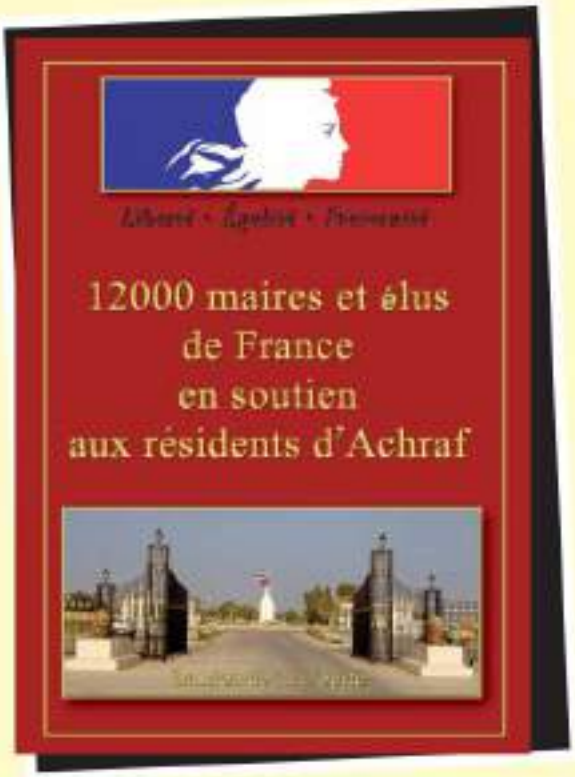


کنفرانس اعلام حمایت شهرداران از مقاومت ایران

در آستانهٔ دهمین سالگرد کودتای نافرجام، شمار شهرداران حمایت کننده از مقاومت ایران و رئیس جمهور برگزیدهٔ آن از ۱۰هزارتن فراتر رفت.


ژان پیر بکه
دومینیک لوفر




12000 maires et élus
de France
en soutien
aux résidents d'Achraf







اجلاس پارلمانی در مقر پارلمان اروپا در استراسبورگ -۲۷ آذر ۱۳۸۷

۲۷ آذر ۱۳۸۷ دکتر آلخو ویدال کوادراس در اجلاس پارلمانی در مقر پارلمان اروپا در استراسبورگ، گفت: «به‌عنوان نایب رئیس پارلمان اروپا و هم‌چنین از جانب کمیتهٔ اروپایی در جستجوی عدالت که ۲۰۰۰نمایندهٔ پارلمان را دربرمی‌گیرد، از شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا می خواهم که رأی دادگاه عدالت اروپا را اجراکند».



در ۶ دی ۱۳۸۷ تلویزیون بین‌المللی فرانسه با اشاره به کودتای ۱۷ژوئن گفت: در رابطه با این پرونده و اتهامات مطرح شده، طی۶ سال هیچ دادگاهی تشکیل نشده است. از نظر برخی حامیان مجاهدین، دولت فرانسه توسط رژیم تهران به‌بازی گرفته شده است. ژان پیر برار نمایندهٔ پارلمان فرانسه و از کمیتهٔ فرانسوی برای یک ایران دموکراتیک گفت: «سیاست مماشات دولت فرانسه غیرقابل فهم است.... چون در پشت این جریان منافع اقتصادی قرار دارد و همهٔ این اقدامات بوی نفت می‌دهد!».

در ۷دی۱۳۸۷ دور تازه یی از کارزار توسط ایرانیان آزاده آغاز شد. هموطنان غیور در هوای بسیار سرد، یک تحصن نامحدود را در برابر مقر شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا در بروکسل آغاز کردند.

در ۹ دیماه برابر با ۳۱دسامبر ۲۰۰۸ نشریه کانار آنشنه نیز تحت‌عنوان «ضربه‌یی از مجاهدین» نوشت: «این دومین سیلی است که طی یک ماه توسط دادگاه عدالت اروپا در لوکزامبورگ به فرانسه نواخته می‌شود: حداقل یک بیلان سوزناک پیدا شد که رئیس قبلی اتحادیهٔ اروپا به‌آن فخر نمی‌فروشد!

اولین سیلی در ۴دسامبر بود: دادگاه لوکزامبورگ (برای سومین بار طی دو سال!) به شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا دستور داد که سازمان مجاهدین خلق ایران را از لیست سازمانهای تروریستی که از سال ۲۰۰۲ در آن قرار دارد، بیرون بکشد....

دومین سیلی در ۱۷دسامبر نواخته شد: همین دادگاه "درخواست تفسیر" در مورد حکم ۴دسامبر را که فرانسه برای کسب وقت طرح کرده بود، غیرقابل‌قبول ارزیابی کرد و آن را رد کرد. دادگاه متذکر شد که هیچ "نقطهٔ تاریک" یا "ابهامی" وجود ندارد.... و مجدداً دولت فرانسه را محکوم کرد که "مخارجش را بپردازد" .... بعد از ۵ سال نبرد پیگیر

بین وزارت داخله انگلستان و مجلس لردها، نهایتاً در ژوئن ۲۰۰۸ از مجاهدین خلق در انگلستان اعادهٔ حیثیت شد.


Le Canard enchaîné

31 Décembre 2008

Comme un coup de mou (djahidine) !

Sur la foi de l'enquête ouverte en 2001 contre eux par le juge antiterroriste Bruguière... Une enquête qui avait pourtant abouti entre-temps au fiasco retentissant du coup de filet d'Auvers-sur-Oise en juin 2003 (lancé juste après un juteux voyage de Villepin à Téhéran...)

Le Canard enchaîné

Fini le Carlaval de Rio !

مقالهٔ نشریهٔ کانار آنشنه تحت عنوان «ضربه‌ای از مجاهدین»

در نتیجه این دولت فرانسه بود که جای انگلستان را گرفت و مجاهدین را در ۱۵ژوئیه ۲۰۰۸ در لیست اروپا قرار داد. این کار را بر اساس تحقیقات گشوده شده در ۲۰۰۱ علیه آنها توسط قاضی ضدتروریستی بروگیر صورت داد.... تحقیقاتی که در این بین منتهی به شکست مفتضحانه موج دستگیری اور سوراواز در ژوئن ۲۰۰۳ گردید:[۴۱] ۱۸۹دستگیری که تقریباً همان موقع دادگاه استیناف همه را آزاد کرد، ۵نفر تحت اقامت اجباری قرار گرفتند که یکی بعد از دیگری توسط دادگاهها کنسل گردید، ۲۴نفر کماکان تحت پیگرد هستند، اما به‌رغم این‌که در سال ۲۰۰۷ تلاش شد که سر موضوع مالی دوباره آن‌را راه‌اندازی کنند، پرونده کاملاً پیچ خورده است. یک‌بار دیگر براوو!

در آن موقع قاضی بروگیر موضوع قرار گرفتن در لیست اروپایی را به‌عنوان انگیزهٔ مشخص پیگردها، عنوان کرده بود! مار دم خود را گاز می‌گیرد: امروز فرانسه به‌همین پرونده ازهم‌گسیخته برای ثبت نام مجدد مجاهدین در لیست کذایی استناد کرده است! اگر این یک دور و کور نیست پس به آن بی‌شباهت هم نیست».

۴۱-درست بعد از سفر آبدار دو ویلپن به تهران.... انجام شد.



تظاهرات اعتراضی ایرانیان آزاده درمقابل وزارت خاجه فرانسه -۱۰دی۱۳۸۷

در ۱۰ دی۱۳۸۷ در دومین تظاهرات اعتراضی ایرانیان آزاده و حامیان مقاومت ایران در مقابل وزارت خارجه فرانسه در پاریس، فرانسوا سر حقوقدان فرانسوی با اشاره به‌توخالی بودن پروندۀ ۱۷ژوئن۲۰۰۳ گفت: «این یک دور و تسلسل بی‌معنی است؛ به‌این ترتیب که یک پروندۀ خالی مبنای نگه‌داشتن مجاهدین در لیست تروریستی بوده است. درحالی‌که دادگاه انگلستان تصمیم گرفت که نام مجاهدین را از لیست حذف کند و به‌این ترتیب مبنای لیست‌گذاری اتحادیۀ اروپا از بین رفت و بعد دولت فرانسه یک پروندۀ خالی را مبنای لیست‌گذاری مجاهدین قرار داد؛ اما دادگاه این نامگذاری را باطل کرد».



تظاهرات اعتراضی ایرانیان در مقابل مجلس ملی فرانسه -۱۷دی۱۳۸۷

در ۱۷دی۱۳۸۷در سومین تظاهرات اعتراضی ایرانیان در پاریس، تظاهرکنندگان در مقابل مجلس ملی فرانسه، بر ضرورت اجرای احکام دادگاه عدالت اروپا که برچسب تروریستی علیه مجاهدین را قاطعانه لغو کرده، تأکید کردند.

ژان کلود دوپویی، یکی از اهالی والدواز گفت: «در سال ۲۰۰۳، با حملهٔ پلیس به اور سوراواز، به حیثیت ما در فرانسه لطمه وارد شد. دولت فرانسه، اکنون هم به احکام اروپا گردن نمی‌گذارد». دوپویی، ایستادگی درمقابل قانون را یاغیگری توصیف کرد و سپس شعر زیبایی را قرائت نمود که در قسمتی از آن چنین آمده است:

«من فریاد می‌زنم و می‌گویم خجالت‌زده هستم و صدای دیگری بلند می‌شود که این خونریزی را متوقف کنید....».


Afrique Asie

1160 maires de France

et sept présidents de Conseil régionaux appellent la présidence de l'Union européenne à appliquer immédiatement la décision de justice européenne radiant la Résistance iranienne de la liste des organisations terroristes.

Jean-Pierre Bequet, maire d'Auvers-sur-Oise, remet la liste des signataires à Maryam Radjavi.

در ۲۰دی ۱۳۸۷ ماهنامهٔ فرانسوی آفریقا ـ آسیا در اولین شمارهٔ خود در سال جدید میلادی ضمن درج بیانیهٔ ۱۱۶۰شهردار فرانسوی در حمایت از مقاومت ایران نوشت: «دولت فرانسه که تا ماه دسامبر ریاست دوره‌یی اتحادیهٔ اروپا را بر عهده داشت، تصمیمات قبلی را نادیده گرفت و نام سازمان مجاهدین را با مطرح کردن پروندهٔ ۲۰۰۱ علیه مخالفان ایرانی هم‌چنان در لیست مذکور حفظ کرد. این همان پرونده یی است که منجر به حملهٔ تماشایی و تراژیک ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ علیه پناهندگان سیاسی ایران در فرانسه شد، حمله‌یی که بر اساس تمام شواهد، حاصل امضای قراردادهایی بود که با دیکتاتوری مذهبی تهران امضا شد. دادگاه اروپا این استدلال دولت فرانسه را رد کرد. ۶ سال بعد، این دادگاه حق را به مقاومت ایران داد و پرونده‌یی را که دولت فرانسه علیه آنان مطرح کرده بود، فاقد هرگونه اعتبار دانست».

در ۲۲دی ۱۳۸۷ برجسته ترین حقوقدانان فرانسوی در نامهٔ سرگشادهٔ خود به ریاست اتحادیهٔ اروپا نوشتند:



«این پرونده و حملهٔ گستردهٔ پلیس فرانسه به اور سوراواز، همان‌طورکه توسط مطبوعات و صاحب‌نظران روابط ایران و فرانسه نیز افشا شده، نتیجهٔ یک معاملهٔ آشکار توسط دولت وقت فرانسه با رژیم ایران است.. درحالی‌که قاضی تحقیق و دادستان اظهار داشته‌اند که هیچ اطلاعاتی از پرونده در اختیار کسی قرار داده نشده، وزارت دادگستری می‌گوید دادستان حق داشته این اطلاعات را علنی نماید. ما به‌عنوان وکلا، در نظر داریم علیه مسئولان فرانسوی که این اطلاعات را به شکل غیرقانونی در اختیار شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا گذاشته‌اند اقامهٔ دعوا کنیم».



در ۲۵ دی ۱۳۸۷ پارلمان اروپا با تصویب یک قطعنامه در اجلاس رسمی این پارلمان در استراسبورگ، شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا را به‌خاطر اجرا نکردن چند حکم دادگاه که به سود سازمان مجاهدین خلق ایران صادرشده، به‌شدت محکوم کرد.



در ۲۵دی ویلیام بوردون حقوقدان برجستهٔ فرانسوی در یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس گفت: «دو نکته را باید مورد تأکید قرار داد: یکی این‌که هیچ مدرکی در پروندهٔ ۱۷ژوئن برای متهم کردن مجاهدین وجود ندارد. نکته بعدی منزوی شدن هر چه بیشتر دولت فرانسه در سطح اروپاست، به‌خصوص بعد از احکام دادگاه انگلیس. دادگاه لوکزامبورگ در حکم قاطع خود می‌گوید دیگر بس است!».



روزنامهٔ واشینگتن تایمز -۲۶دی۱۳۸۷



سخنرانی فرانک هامر عضو پارلمان براندنبورگ آلمان درمقابل وزرات خارجه آلمان



در همین روز فرانک هامر، عضو پارلمان براندنبورگ آلمان در مقابل ساختمان وزارت خارجهٔ این کشورگفت: «علت تمکین نکردن اتحادیهٔ اروپا به احکام دادگاه اروپا تنها و تنها در سیاست مماشاتی نهفته است که بر منافع تجاری استوار است. بهای معاملات کسانی که از ملاها نفت می‌خرند، فقط خون است».

در ۲۶دی ۱۳۸۷پارلمان اروپا در قطعنامه‌یی اتحادیهٔ اروپا را به‌خاطر این‌که حکم دادگاه عدالت اروپا در ۱۲دسامبر ۲۰۰۶ و احکام دادگاه عدالت اروپا در ۴ و ۱۷دسامبر ۲۰۰۸ و حکم دادگاه استیناف انگلستان در ۷می ۲۰۰۸ در مورد حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی را اجرا نکرده، محکوم می‌کند.

در ۲۸ دی۱۳۸۷ اسقف گایو گفت: «یک بی‌عدالتی شدید علیه مجاهدین اعمال شده است. رئیس‌جمهور این مقاومت و بسیاری از هواداران آنها را دستگیر کردند، بعد بسیار زود متوجه شدند که پرونده خالی است. اکنون همهٔ ارگانهای مهم اروپایی، دادگاه عدالت اروپا، پارلمان و دولت انگلستان، برچسب تروریستی علیه مجاهدین را لغو کرده‌اند. اما فرانسه تعلل می‌کند. فرانسه امروز در اتحادیهٔ اروپا منزوی است و مقاومت ایران از طرف همهٔ مسئولین کشورهای اروپایی چه در بروکسل و چه در لوکزامبورگ مورد احترام است.

پس فرانسه نمی‌تواند روی این موضع خود پافشاری کند! می‌دانم ساده نیست که دولت و دادگستری فرانسه از مواضع خود عقب‌نشینی کنند. اما در نهایت باید این کار را انجام بدهند! نمی‌توان گذاشت فرانسه منزوی بماند. باید حقیقت را به‌کرسی نشاند».



قطعنامهٔ پارلمان اروپا در محکومیت اتحادیهٔ اروپا بخاطر اجرا نکردن احکام دادگاه ها



هم‌زمان ایرانیان در برابر سفارتهای فرانسه، خشم خود را علیه قانون‌شکنی آشکار به‌سردمداری فرانسه فریاد کردند.

در ۳ بهمن۱۳۸۷ ژان پیر دوبوآ رئیس لیگ حقوق‌بشر فرانسه در نامه‌یی به برنارد کوشنر وزیر خارجه این کشور نوشت: «به وضوح به‌نظر می‌رسد که از عملیات پلیسی و فوق‌العاده نمایشی ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ هیچ دلیل و مدرکی که بتوان آن‌را یک عنصر قضایی جدی نامید، باقی نمانده است. اشخاص دستگیرشده در آن زمان، خیلی زود آزاد شدند و درحالی‌که بیش از ۵ سال می‌گذرد، هنوز هم به‌نظر می‌رسد پلیس "ضد تروریستی" نمی‌تواند دلایلی مبنی بر اقدامات تروریستی توسط مجاهدین ارائه دهد تا براساس آن قضات به‌طور علنی و عادلانه اشخاص تحت تعقیب را محاکمه نمایند. با این وصف، این پرونده تماماً به‌گل نشسته و تنها علت دوام آن این است که به‌وضوح به حوزهٔ کار وزارتخانهٔ خودتان مربوط می‌شود».



La Ligue des droits de l'Homme trouve inacceptable que la République française contribue aussi activement et en connaissance de cause au maintien de décisions plus que contestables de l'Union européenne et persiste en outre depuis tant d'années à maintenir, sur le plan national, une procédure pénale qui perdure sans fin au point de perdre toute crédibilité.

C'est pourquoi, Monsieur le Ministre, j'ai l'honneur de vous demander de bien vouloir intervenir auprès du Conseil des ministres de l'Union européenne pour que la décision des juges européens ne soit pas frappée d'un appel qui ne pourrait être regardé lui aussi que comme dilatoire et manifestement abusif et pour que cette décision soit au contraire appliquée dans les plus brefs délais, afin de rétablir le respect de l'état de droit et de mettre un terme au traitement injustifié dont est victime l'OMPI par la faute de notre pays.

Vous comprendrez, compte tenu des circonstances, que je rende publique la présente lettre.

Veuillez agréer, Monsieur le Ministre, l'expression de ma haute considération.

Jean-Pierre Dubois

Contact : LDH, 138 rue Marcadet 75018 Paris – Tél. : 01 56 55 51 07
(Service communication).

نامه ژان پیردوبوآ رئیس لیگ حقوق بشر فرانسه -۳بهمن۱۳۸۷



سرانجام موج رو به‌افزایش خروش ایرانیان آزاده در کشورهای مختلف جهان و بیانیه های نمایندگان کشورهای اروپایی، به نتیجهٔ نهایی خود رسید و یاوهٔ تروریستی، که از آغاز شایستهٔ ملایان حاکم بر ایران بود از مقاومت ایران برداشته شد.

پیروزی نهایی

این پیروزیها که با کار شبانه‌روزی و بی‌وقفهٔ اعضای مقاومت و امواج بی‌آرام و خروشان اعتراض هموطنانمان در سراسر دنیا محقّق می‌شد، سرانجام در ۷بهمن ۱۳۸۷ به‌پیروزی نهایی منجر گردید.

خبرگزاری رویترز اعلام کرد: «شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا در جلسهٔ امروز خود، به‌طور نهایی توافق کردند که نام سازمان مجاهدین خلق ایران، اپوزیسیون اصلی رژیم ایران را از لیست گروههای ممنوعه حذف نمایند».



Reuters

EU agrees to take Iran group off terror list

By Reuters

January 26, 2009 11:08 AM GMT+1 · Updated 15 years ago

(Adds details)

BRUSSELS, Jan 26 (Reuters) - European states agreed on Monday to remove exiled Iranian opposition group the People's Mujahideen Organisation of Iran (PMOI) from an EU list of banned terrorist groups, an EU official said.

The official confirmed EU foreign ministers approved a decision to remove it from a list that includes

تلویزیون LCI در اخبار ساعت ۲۰۳۰ چهارشنبه ۹بهمن۱۳۸۷ خود گفت: «این (خروج از لیست اروپا) یک پیروزی شخصی علیه فرانسه است که در سال ۲۰۰۳ مریم رجوی و حدود ۲۰ تن از نزدیکان وی را..... تحت تعقیب قرار داد».

به این ترتیب به‌دنبال لغو برچسب تروریستی اتحادیهٔ اروپا علیه سازمان مجاهدین خلق ایران، آن‌چنان که خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران گفت، ستون فقرات سیاست استمالت اروپا درهم‌شکست و سرمایه‌گذاری استراتژیک ملایان برای به‌محاق بردن مقاومت فرو ریخت.






2955 -0.03%









رهبر مقاومت، آقای مسعود رجوی در پیام تبریک خود به مجاهدان شهر اشرف، در ۸ بهمن ۱۳۸۷ حذف نام مجاهدین از لیست اتحادیهٔ اروپا را طلیعه بهاران فتح و پیروزی در مورد نام‌گذاریهای تروریستی دانست:

«می‌خواستند، نور خدا و بشارت آزادی ملت ایران را با دهانها و برچسبهای آلودهٔ خود خاموش کنند. اما ارادهٔ خدا بر این تعلق گرفته است تا نور خود را به‌کمال برساند، هرچند که مرتجعان حق‌ستیز را خوش نیاید. آری، این فتح بزرگ دیگری را نوید می‌دهد که همانا بشارت آزادی ملت ایران از ستم آخوندی و فاشیسم دینی است.

وَأُخْرَي تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ
يا أَيهَا الَّذِينَ آمَنُوا كونوا أَنصَارَ اللَّهِ كمَا قَالَ عِيسَي ابْنُ مَرْيمَ لِلْحَوَارِيينَ مَنْ أَنصَارِي إِلَي اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيونَ نَحْنُ أَنصَارُاللَّهِ

راستی مگر می‌شود راه آزادی یک ملت اسیر را تا به‌ابد با بشکه‌های نفت سد نمود؟ مگر می‌شود در برابر عزم و پاکیزگی مریم و در برابر ارادهٔ صیقل‌زدهٔ اشرف پایدار که فریاد آزادی ملت ایران را در کانون استراتژیکی نبرد منعکس می‌کند تا به‌ابد به‌فتنه‌گری و عناد و لجاجت ادامه داد؟ ویکتور هوگو گفته است که هیچ چیز قویتر از آنچه که زمانش فرا رسیده باشد نیست. اکنون زمان درهم شکستن برچسب و راهبندهای آزادی ملت ایران و زمان برخاستن فرا رسیده است. زمستان به‌سر رسیده و طلیعهٔ بهاران فتح و پیروزی فرا رسیده است» .

خانم مریم رجوی در سخنرانی خود در گردهمایی بروکسل، این پیروزی تاریخی را نقطه‌عطف تعیین‌کننده در مسیر تغییر دموکراتیک در ایران، آغاز یک دوران خجسته و طلیعهٔ رهایی میهن اسیر دانست.

«هموطنان عزیز! یاران مقاومت!

دیوار اتهام تروریسم فرو ریخت. طلسم درهم‌شکست. مقاومت شما سیاوش‌وار از آتش افترای ظالمانه گذر کرد.

قانون و عدالت را بر سریر پیروزی نشاند و حق مبارزهٔ مردم ایران با ۱۲۰هزار شهید آزادی را اثبات کرد....

اما اگر قرار است عدالت اجرا شود، باید تمام زیانهای مادی و معنوی که به مقاومت ایران و به مردم ایران وارد آمده جبران شود.



آری، آری، آن زنان و مردان رشیدی که در مهیب‌ترین بمبارانها به‌شهادت رسیدند را به‌یاد بیاورید، یعنی شهیدان آزادی و استقلال ایران. قضایای ۱۷ژوئن را به‌یاد بیاورید. صدیقه و ندا را به‌یاد بیاورید. آن شبیخون‌ها و دستگیری‌ها، غارت مدارک و آرشیوها و داراییها و آن همه محاصره و محدودیت، راستی که از این برچسب چه خسارتها به مردم ایران رسید. چه دستاویزهایی برای برپا کردن جراثقالها به آخوندها داد و چه جوانانی به‌دار کشیده شدند. بله این لیست‌گذاری فتوای انهدام مقاومت بود، اما شما ساکت ننشستید و کارزار شما باعث صدور بیش از ۱۰۰ قطعنامه و بیانیه از سوی پارلمان اروپا، مجمع پارلمانی شورای اروپا و پارلمانهای کشورهای مختلف اروپا شد».

فرو ریختن دیوار اتهام تروریسم و فرو ریختن پایه‌های همهٔ نقشه‌های رژیم آخوندی و همدستان مماشاتگرش، سرآغاز یک دوران جدید شد. امواج محکومیت جهانی علیه باز نگه‌داشتن پروندهٔ ننگین ۱۷ژوئن و سیل افشاگریها علیه توطئه و زدوبند با ملاها آغاز شد:



در ۹ بهمن ۱۳۸۷در پی حذف نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست تروریستی اتحادیهٔ اروپا، ویلیام بوردون حقوقدان برجستهٔ فرانسوی گفت: «این حکم، یک ضربه به دولت فرانسه بود. چه خوب بود اگر دولت فرانسه به پرنسیبهایش وفادار می‌بود. هنوز یک رفتار خیره‌سرانه از طرف دولت فرانسه وجود دارد که ملاها را تشویق می‌کند. روزی برای همه فاش خواهد شد که علت اصلی حملهٔ ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ چه بوده است. ما می‌دانیم پرونده خالی بود و اگر دولت فرانسه به‌این اذعان کند به شرف فرانسه خواهد افزود».





پاتریک بودوئن رئیس افتخاری فدراسیون بین‌المللی حقوق‌بشر به کانال ۳ تلویزیون فرانسه گفت: «با حذف سازمان مجاهدین از لیست، یکی از پایه های اصلی تحقیقات (در فرانسه) از بین می رود.... این تحقیقات بیش از آنکه بنا به دلایل قضایی ادامه یابد، اساساً بنا به دلایل سیاسی ادامه پیدا می کند؛ چرا که نمی خواهند با توقف ناگهانی این پروسدور، رژیم ایران را خشمگین کنند».





گزارش تصویری تلویزیون کانال ۳فرانسه و مصاحبه با پاتریک بودوئن



در ۲۵ بهمن ۱۳۸۷ در یک گردهمایی در سنای فرانسه که با عنوان: «ایران، ۳۰ سال بعد از انقلاب، راه‌حل چیست؟»، برگزارگردید، پیامدهای منفی سیاست مماشات با آخوندها

مورد بحث قرار گرفت و سخنرانان بر لزوم خاتمه دادن به‌محدودیتها علیه مقاومت ایران و بستن پروندهٔ مفتضح و توخالی ۱۷ژوئن تأکید کردند.

سخنرانان ماهیت سیاسی پروندهٔ قضایی را که ۸ سال پیش علیه اعضا و هواداران مقاومت ایران گشوده شده، مورد تأکید قرار دادند و مقامات فرانسوی را فراخواندند تا به‌این تحقیقات خاتمه داده و این پرونده را مختومه اعلام کنند.

سخنرانان جلسه‌یی که در سنای فرانسه برگزار گردید، خاطرنشان کردند، بعد از لغو برچسب تروریستی توسط ۲۷کشور اتحادیهٔ اروپا، هیچ بهانه‌یی برای ادامهٔ پرونده‌سازی علیه مقاومت ایران یا اعمال فشار و ایجاد محدودیت علیه مجاهدان اشرف وجود ندارد.



ژان پیر مورر نمایندهٔ مجلس فرانسه افزود: «در رابطه با پرونده ۱۷ژوئن بعد از این همه سال و بعد از صرف این همه انرژی و ۱۳۰۰ پلیس و این تعداد قضات و متخصصین، در نقطه‌یی هستیم که همه اذعان دارند این پرونده خالی است، هر چقدر دولت فرانسه این مسیر را ادامه دهد، بیشتر از حقیقت دور خواهد شد».

در ۱۶اسفند ۱۳۸۷در کنفرانس«عدالت برای مقاومت ایران» که با حضور رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت و با شرکت حقوقدانان و پارلمانترهای فرانسوی و اروپایی، در پاریس برگزار شد، ۳ نظریه حقوقی از سوی اساتید تراز اول حقوق اروپا، در مورد ضرورت خاتمه یافتن پروندهٔ ۱۷ژوئن مطرح شد و وکلا اعلام کردند: با ثبت لایحهٔ خاتمهٔ پرونده، موضوع را از طریق قضایی و در صورت لزوم از طریق دادگاه حقوق‌بشر اروپا پیگیری می‌کنند.

رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت در سخنان خود در این اجلاس، حملهٔ کودتاگونه ۱۷ژوئن را «یک افتضاح سیاسی که به آن لباس قضایی پوشانده شده بود» توصیف کرد و گفت:

«۶ سال قبل به‌دنبال معامله با رژیم ملایان، با یک اشتباه محاسبهٔ سیاسی دفتر شورای ملی مقاومت به‌بهانهٔ واهی تروریسم مورد حمله ۱۳۰۰ پلیس قرار گرفت. یک افتضاح سیاسی که به‌آن لباس قضایی پوشانده شده بود.

امروز، من متهم می‌کنم آنهایی را که با ادامهٔ این پروندهٔ در گل‌مانده، حکومت قانون و عدالت را در مقابل منافع اقتصادی و ملاحظات سیاسی قربانی می‌کنند و به فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران یاری می‌رسانند.





امروز پرده‌ها بیش از همیشه کنار رفته و معاملات پنهانی با آخوندها برای این پرونده‌سازی بیش از گذشته افشا شده است».



رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت در سخنان خود در اجلاس عدالت برای مقاومت ایران تأکید کرد: «ما یک خواستهٔ مشخص داریم: به تحقیقات خاتمه دهید یا پرونده را به دادگاه ارجاع دهید، اصلی ترین پایه دستگیریها یعنی لیست تروریستی منهدم شده است». خانم رجوی در بخش دیگری از سخنان خود گفت:«ما تردید نداریم که بر همهٔ مشکلات فائق خواهیم آمد. همان‌طور که در موضوع برچسب تروریستی علیه سازمان مجاهدین با کمک همهٔ دوستداران عدالت و آزادی پیروز شدیم.





کنفرانس «عدالت برای مقاومت» با حضور رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت ۱۶ اسفند ۱۳۸۷

در شرایطی که دانشجویان در پلی‌تکنیک تهران و دیگر دانشگاههای ایران در روزهای اخیر فریاد مرگ بر دیکتاتور سر داده‌اند،

در شرایطی که مردم ایران خواهان خاتمه دادن به فاشیسم مذهبی و تغییر هستند، پرونده‌سازی علیه اپوزیسیون رژیم، یک اشتباه استراتژیک است.

زمان آن فرا رسیده که به‌این سیاست خاتمه داده شود».



در این کنفرانس، نظریهٔ حقوقی پروفسور هانری لبایل (متخصص حقوق اروپایی) در مورد نتایج حذف سازمان مجاهدین از لیست سازمانهای تروریستی اتحادیهٔ اروپا در رابطه با تحقیقات قضایی جاری در فرانسه، توسط وکیل مجاهدین در دادگاه عدالت اروپا، ژان پیر اسپیتزر ارائه گردید.



دانیل ژاکوبی رئیس افتخاری فدراسیون جهانی حقوق‌بشر گفت: «نقض حقوق پناهندگان برای استمالت از دیکتاتورها شرم‌آور است. فعالان حقوق‌بشر اصلاً به‌این رفتار دولتی در فرانسه مفتخر نیستند و چقدر ناپسند است که به‌جای گوش دادن به‌انسانهای حق‌طلب، از دولتی یاغی استمالت می‌شود. به‌خواست جمهوری اسلامی در سال ۲۰۰۱ پرونده‌یی علیه مجاهدین گشوده شده، این پرونده از ۸ سال پیش هیچ پیشرفتی نداشته است. من به دوستان ایرانی و به همهٔ پناهندگان در فرانسه می‌گویم فرانسه سرزمین حقوق بشر و سرزمین پناهندگی باقی خواهد ماند و از جانب فدراسیون بین‌المللی حقوق‌بشر تأکید می‌کنم که ما با شما و در کنار شما هستیم. این اجحاف بزرگ و این افتضاح بزرگ باید خاتمه یابد».



پروفسور برنارد بولاک متخصص فرانسوی حقوق جزا ضمن ارائه نظریهٔ حقوقی خود که سومین نظریهٔ حقوقی مطرح شده در این اجلاس بود، گفت: « آن‌چه با آن مواجهیم، پرونده‌یی است کهنه، بر مبنای داده‌های ناروشن که اکثر پیگردها و کنترلهای قضایی ناشی از آن ملغی شده است. نقطهٔ شروع این پرونده این بود که سازمان مجاهدین در لیست تروریستی اتحادیهٔ اروپاست. دادگاه عدالت اروپا حکم کرده است که درج نام این سازمان در لیست موجه نیست و شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا نام مجاهدین را از لیست حذف کرد.

بنابراین پرونده‌یی که بر اساس این لیست شکل گرفته، باید به‌سرعت بسته شود و حکم منع تعقیب در مورد آن صادر شود».



وکیل فیلیپ شامپوتیه گفت: «این شوکه‌کننده است که طی این ۶ سال استماعی صورت نگرفت و در یکی دوباری هم که اخیراً موکل من مورد استماع قرار گرفته، موضوعاتی مطرح شده که هیچ ربطی به پرونده ندارد. مقامات فرانسه باید نتایج لازم را از احکام دادگاههای اروپایی بگیرند و به پایمال کردن اصول اولیه حقوق در کشور ما خاتمه دهند».



تیری لوی حقوقدان و وکیل برجسته فرانسه گفت: «اما این پرونده ۶ سال است که ادامه دارد و اتهامات سنگینی را مطرح می‌کنند. در سال ۲۰۰۳ تروریسم، در سال ۲۰۰۷ پولشویی و حالا پرونده را به‌طرف اتهامات فرقه می برند. پرونده به‌این طرف و آن طرف کشیده می‌شود، درحالی‌که یک تحقیق جدی هم بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق‌بشر صورت نگرفته است. این پرونده را بر اساس لیست ساختند، اما بعد از حذف نام مجاهدین از لیست، باز هم می‌خواهند آن را نگه‌دارند، پس یک گروگانگیری قضایی صورت گرفته است».



سید احمد غزالی گفت: «۵ سال پس از حملهٔ ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ به‌خوبی روشن شد که

آنها نتوانستند به‌هیچ مدرکی برسند، اما از نظر سیاسی سؤال این است که آیا دولتهای اروپایی این درس را خواهند گرفت که به مسخ کردن چهرهٔ مسخ اروپا خاتمه بدهند؟».





در ۱۶ اسفند۱۳۸۷در جلسهٔ مطبوعاتی پس از کنفرانس عدالت برای مقاومت ایران، سناتور ژان پیر میشل بر حمایت ۲۹۰عضو مجلس نمایندگان و بیش از یک‌صد سناتور فرانسه از تمامی احزاب این کشور از مقاومت ایران و راه‌حل سوم پیشنهاد شده توسط خانم مریم رجوی تأکید کرد و اظهار داشت: «وزارت خارجه با نادیده گرفتنِ حمایت عظیمی که مجاهدین و مقاومت ایران و رهبری آنها در مجلسین فرانسه دارند، عملاً این نظریه را تقویت می‌کند که رهبری واقعی سیاست خارجی فرانسه در دست رئیس شرکت توتال است».





در ۳۰خرداد ۱۳۸۸ ژان پیر برار نمایندهٔ مجلس ملی فرانسه در گردهمایی بزرگ همبستگی با قیام مردم ایران برای آزادی و دفاع از اشرف که روز ۳۰خرداد ۱۳۸۸ در سالن ویلپنت پاریس برگزار شد گفت: «در چنین شرایطی سازمان مجاهدین خلق ایران و خانم مریم رجوی بیش از هر زمان دیگر به‌مثابه امید ایران برای زندگی در یک کشور آزاد، دموکراتیک و لائیک است. کشورهای قدرتمندی نظیر فرانسه و آمریکا به‌دلایل ناگفته که بیشتر به تجارتهای ناشی از نفت ارتباط دارد تا دفاع از دموکراسی، هم‌چنان در پی مانع‌تراشی بر سر راه جنبشهای مقاومت نظیر سازمان مجاهدین خلق هستند. پیگردهای قضایی علیه فعالان اور سوراواز یا درج نام سازمان مجاهدین خلق در لیست سازمانهای تروریستی که خوشبختانه توسط دادگاه عدالت اروپا لغو شد، متأسفانه مایهٔ افتخار برای فرانسه نبوده است. اما تاریخ کشورمان به‌ما آموخته است که بین تروریسم و مقاومت تمایز قائل شویم. مردم ایران که با شجاعت زیاد علیه دو دیکتاتوری متوالی شاه و خمینی مبارزه کرده‌اند شایستهٔ حمایت ما هستند».



Voyage au coeur de la résistance en exil

روزنامهٔ لاووآ دو نورد–سفری به قلب مقاومت در تبعید

در ۲۴ تیر ۱۳۸۸ ماهنامهٔ پارلمان فرانسه طی مقاله یی با اشاره به‌قیام مردم ایران و حضور ۹۰ هزار ایرانی در اجلاسی در حومهٔ پاریس همزمان با قیام بزرگ ۳۰ خرداد ۱۳۸۸نوشت: «به‌نظر می‌رسد باد تغییر در ایران شروع به‌وزیدن کرده است، جهان بایستی تصمیم بگیرد به اپوزیسیون گوش فرا دهد».

به‌فاصلهٔ کمتر از یک هفته، اکثریت پارلمان ایتالیا نیز به اکثریت مجلس ملی فرانسه پیوستند و با انتشار بیانیه یی که امضای بیش از ۳۲۰تن از نمایندگان مجلس ایتالیا را بر پای خود داشت، از رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت و مواضع او قاطعانه حمایت کردند.

در ۲۸ شهریور ۱۳۸۸روزنامهٔ لاووآ دو نورد (La Voix du Nord)، چاپ فرانسه از مرگ پروندهٔ ۱۷ژوئن سخن گفت. این روزنامه که مصاحبه خود با خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت را در گزارشی با عنوان «سفر به قلب مقاومت در تبعید» منتشر کرد، در بخشی از گزارش خود، به حملهٔ ۱۷ژوئن سال ۲۰۰۳ به مقر شورای ملی مقاومت ایران پرداخت و نوشت: «این پرونده و روند قضایی آن، امروز در نقطه مرگ است.... (به‌خصوص که) مجاهدین، بر خلاف تمایل ملاها که آنها را دشمن اصلی خود می‌دانند، از لیست سیاه اروپایی خارج شده‌اند.... به‌نظر فرانسوا کولکومبه رئیس پیشین سندیکای قضات فرانسه "یک اراده در دولت فرانسه در این پرونده دخیل است که می‌خواهد به حکومت ایران خدمت کند، چرا که مجاهدین برای ملاهای حاکم بر ایران وحشت‌آور هستند"....».



در ۱۴ فروردین ۱۳۹۰ مارک ترودیک، قاضی تحقیق ضدتروریستی فرانسه، در مصاحبه با سایت روزنامهٔ اومانیته، قرار دادن نام مجاهدین در لیست تروریستی را به عنوان نمونه یی از استفادهٔ ابزاری و سیاسی از اتهام تروریسم دانست.

سایت روزنامهٔ اومانیته مصاحبه یی را با قاضی ترودیک به مناسبت انتشار کتابش در روز ۳آوریل ۲۰۱۱ درج کرد. عنوان این مصاحبه این است: «در زمینه ضدتروریسم همه چیز سیاه و سفید نیست». ترودیک در پاسخ به این سؤال که «آیا شما شاهد وسیله قرار دادن کلمه تروریسم بوده اید؟»، گفت: «همواره! تروریسم کلمه‌یی به غایت منفی است، به طوری که می‌توان آن را به‌هر دشمنی نسبت داد. مواقعی هست که گروههایی به دلایل سیاسی تروریست محسوب شده‌اند، ولی بعد معلوم شده که نیستند. از جمله جنبشهای اپوزیسیون بعضی کشورها. من به‌تمام بحثی که حول مخالفان رژیم ایران، مجاهدین خلق، ایجاد شد فکر می‌کنم که در لیست سازمانهای ترویستی اروپا بودند و بعد خارج شدند. این یعنی سیاست. یک بار دوستان ما هستند. یک بار دشمنان ما! حال آن‌که این با هیچ واقعیتی بر مبنای کلمهٔ تروریسم منطبق نیست. شیوه‌یی است برای این‌که یک گروه یا یک فرد را انگشت‌نما کنند».

فصل سیزدهم

پرده‌ها کنار می‌رود

پرده ها کنار می رود

در روزهای توطئه و تدارک حملهٔ کودتاگونهٔ ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ علیه مقاومت ایران در فرانسه، دولت شیراک که به‌دنبال یک معامله کثیف با رژیم ملاها از منافع این معامله سرمست بود، قطعاً فکر نمی کرد که حقانیت و مشروعیت و برق فدای حداکثر مقاومت ایران و به‌خصوص معصومیت مشعلهای انسانی، بر وجدانها اثر خواهد گذاشت، زبانها را خواهد گشود و خورشید حقیقت، دود و دم سیاه ناشی از بسیج شیطان‌سازی و تهمت‌های ناروای تروریسم و سکت و فرقه‌گرایی علیه قربانیان زندانی را کنار خواهد زد. مماشاتگران و آخوندهای خون‌آشام گمان نمی‌کردندکه اضافه بر محکومیت در افکار عمومی و در انظار سیاسی و بین‌المللی، روزی سری‌ترین مکالمه‌ها و زدوبندهایشان در پس دیوارهای ستبر نیز بازگو خواهد شد و زمستان خواهد رفت و روسیاهی به توطئه‌ها و سیاستهای کثیف استعماری و ارتجاعی خواهد ماند. ولی چنین روزی فرارسید:

پاریس- مارس ۲۰۰۹

با انتشار کتابی به‌قلم ژان کلود موریس سردبیر ژورنال دودیمانش هفته‌نامهٔ معروف فرانسوی، پشت پردهٔ زدوبند ننگین رژیم آخوندی و دولت شیراک برای حملهٔ کودتاگونه ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ علیه مقاومت ایران برملا شد. ژان کلود موریس که شخصاً شاهد گفتگوی دومینیک دوویلپن، وزیرخارجه دولت شیراک و کمال خرازی وزیرخارجه حکومت آخوندی بوده است، سخنان رد وبدل شده بین طرفین در تهران برای انجام عملیات کودتاگونه علیه مقاومت ایران در اورسوراواز را در کتاب خود بازگو می‌کند.

ژان کلود موریس

اگر تکرار کنید تکذیب خواهم کرد

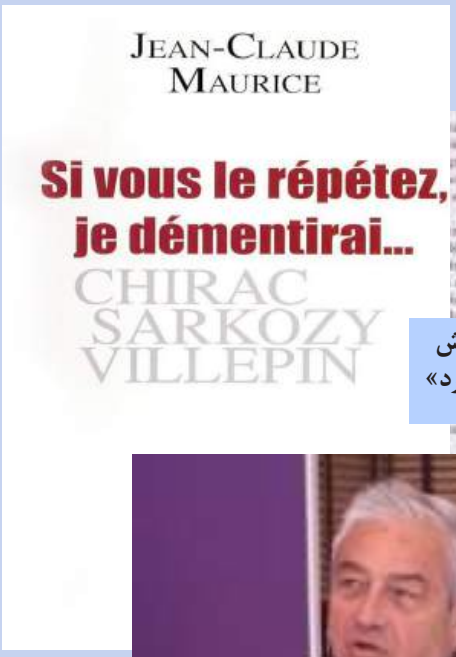
شیراک

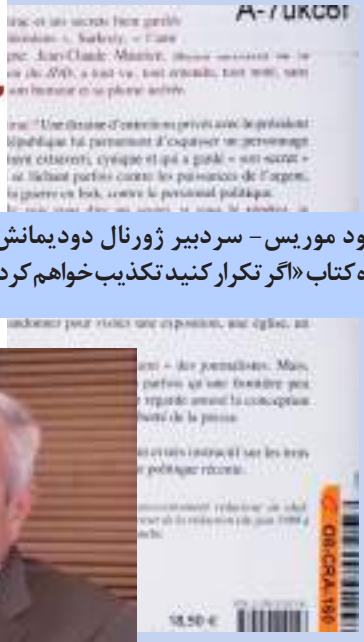
سارکوزی

ویلپن



جلد کتاب «اگر تکرار کنید تکذیب خواهم کرد »





ژان کلود موریس- سردبیر ژورنال دودیمانش
نویسنده کتاب «اگر تکرار کنید تکذیب خواهم کرد»






















Une femme s'était s'immolée
par le feu en juin 2003.



عنوان این کتاب که توسط انتشارات معروف پلون منتشرشده عبارت کوتاهی از ژاک شیراک است که خطاب به نویسنده کتاب می گوید: «اگر تکرار کنید، تکذیب خواهم کرد....»! ۳۰ صفحه از این کتاب به سیاست دولت شیراک در قبال رژیم آخوندها و زدوبند و تبادل اطلاعات و هماهنگی با وزارت اطلاعات و سفارت رژیم در فرانسه برای اجرای حملهٔ ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ اختصاص دارد.

ژان کلود موریس توضیح می‌دهد که اگر این‌همه را به پروندهٔ مجاهدین اختصاص داده‌ام، به این علت است که این پرونده نمونهٔ بارز «مصلحت حکومتی» است. از نظر من چهرهٔ «مصلحت حکومتی» چیزی نیست جز چهرهٔ صدیقه مجاوری و چهرهٔ بدون لب محمد که [در دادگاه پاریس برای رسیدگی به خودسوزیهای بعد از حمله] می گوید: من عاشق زندگی هستم.



سردبیر ژورنال دو دیمانش، در بخشی از مقدمهٔ کتابش به شهادت مشعل فروزان آزادی صدیقه مجاوری براثر خودسوزی در مقابل د.اس.ت اشاره می کند که «یک زن ایرانی، خود را در مقابل د.اس.ت به آتش می کشد».

ژورنال دو دیمانش در شمارهٔ هفتهٔ اول مارس خود (یکشنبه ۸ مارس ۲۰۰۹ برابر با ۱۸ اسفند ۱۳۸۷) در باره انتشار این کتاب که بازتاب وسیعی در محافل مطبوعاتی و سیاسی و قضایی فرانسه داشت با تیتر « زدوبندهای فرانسوی- ایرانی» می‌نویسد:«آیا وکلای سازمان مجاهدین خلق ایران به‌ضمیمهٔ درخواست ختم پرونده که می‌خواهند ثبت کنند، یک نسخه از کتاب " اگر تکرار کنید، تکذیب خواهم کرد" نوشته ژان کلود موریس را ضمیمه خواهند کرد؟ در صورتی که خود را از آن محروم کنند اشتباهی مرتکب خواهند شد....».

ژورنال دو دویمانش می‌افزاید: «مدیر تحریریهٔ ژورنال دو دیمانش در کتاب خود پشت

پردهٔ موج دستگیری اورسوراواز در ژوئن ۲۰۰۳ را برملا می‌کند شامل: جلسات تبادل از سال ۲۰۰۰ بین د. اس.ت و اطلاعات ایران، سفر وزیر خارجه دومینیک دو ویلپن به تهران در مارس ۲۰۰۳، دیدار بین وزیر کشور و سفیر ایران در می ۲۰۰۳».



ژورنال دو دیمانش ادامه می‌دهد: «اصلی‌ترین سازمان اپوزیسیون رژیم ملاها، سازمان مجاهدین خلق ایران، اخیراً از لیست سازمانهای تروریستی اتحادیهٔ اروپا حذف شده است».

به‌خاطر اهمیت آن‌چه در این کتاب افشا شده است و یک بخش ضروری از پروندهٔ ۱۷ ژوئن را تشکیل می‌دهد، بخشهایی از آن را عیناً نقل می‌کنیم:

«اگر تکرار کنید، تکذیب خواهم کرد» نوشته ژان کلود موریس



مقدمه:

سردبیر وقت ژورنال دو دیمانش که در تهران در جلسهٔ گفتگو بین خرازی وزیرخارجه رژیم آخوندی و وزیرخارجه فرانسه حاضر و ناظر بوده، شرح ماجرا را با نقل جملات دومینیک دو ویلپن خطاب به خودش در این جلسه، شروع می کند:

« اه تو اینجا چکار می کنی؟ تو همه چیز را شنیدی؟ باور کردنی نیست! امیدوارم که همه چیز را فراموش کنی. اعتبار ما به این بستگی دارد».

دومینیک دو ویلپن از سالن کنفرانسی که به‌مدت ۹۰ دقیقه، دیپلماتهای ایرانی و فرانسوی مسایل داغ آن موقع (عراق، هسته‌یی، مجاهدین) را مورد بررسی قرار داده بودند، بیرون می آمد. او حضور مرا کشف می کند. من همه چیز را دیدم، همه چیز را شنیدم و یادداشت برداشتم، به‌آرامی در یک متری پشت سر او نشسته بودم. «چطور گذاشتند تو وارد بشوی؟».

نویسنده، در توضیح علت واکنش ویلپن در مورد حضور وی در جلسه، می‌گوید: آخر، در آن‌جا حرفهای غافلگیرکننده‌یی زده شد! که بعضی از آنها را در همان زمان در یک مقاله در بازگشت به پاریس در ژورنال دو دیمانش ۲۷ مارس ۲۰۰۳ نوشتم. یکی را که دو ماه بعد منجر به یک موج دستگیری عظیم در فرانسه و خودسوزی چند زن ایرانی پناهنده شد! نگفتم. اما از اول شروع کنیم....



[قبل ازسفر به تهران] ویلپن خبرنگاران را دعوت به شام می‌کند. او با تحسین راجع به ایران صحبت می‌کند. البته نه از رژیم ملاها ولی از پارس، یکی از قدیمی‌ترین تمدنهای جهان. در درهٔ گرگان شهرهای باستانی حاکی از وجود کشاورزی در ۷هزار سال پیش است. در جیرفت، ۵هزار سال پیش شهر می‌ساخته‌اند. خیلی قبل از تمدنهای مصر و یونان..... سپس در هواپیمایی که به‌سوی تهران در حرکت است، ویلپن می‌گوید: «فراموش نکنیم که ایران ملاها یک دمکراسی است، قبول دارم که خاص و کنترل‌شده است، اما مردم رأی می‌دهند. نمی‌توان هم استبداد صدام حسین را افشا کرد و هم واکنش دموکراتیک و متأسفانه کنترل‌شده مردمی را محترم نشمرد....».



به او یادآوری می‌کنم که دمکراسی ایران واقعاً خاص است و برای یک فرانسوی معمولی درک آن سخت است. پاسخ می‌دهد«شک دارم که فرانسوی معمولی به کارکرد رژیم ایران توجهی داشته باشد. از جانب او بی‌توجهی محسوب نمی‌شود بلکه ناشی از نادانی است. این هم قابل تأسف است....».

ویلپن چند ساعت دیگر به رهبران ایران - وزیر خارجه خرازی، رئیس‌جمهور خاتمی و رئیس‌جمهور سابق، رفسنجانی بانفوذ (مدره) - رویکردی را پیشنهاد خواهد کرد که بدون مابه‌ازا نخواهد بود. او در آن موقع نمی‌داند که این مابه‌ازا نتایج وخیمی در فرانسه به‌بار خواهد آورد.



ملاقات در وزارتخارجه رژیم در تهران

ساعت ۰۸۳۰ در وزارت خارجه منتظر ما هستند.... بعد ازگرفتن عکس رسمی، از ما خواسته می‌شود که سالن را ترک کنیم. جلسه می‌خواهد شروع شود. من که کیفم را روی صندلی فراموش کرده بودم. وارد می‌شوم تا آن‌را بردارم تا به همکاران خبرنگارم بپیوندم. اما دیگر دیر شده است. دربها بسته شده و دو ریشو راه مرا می‌بندند. آنها یک صندلی آزاد در پشت سر هیأت فرانسوی را نشانم می‌دهند. شکی نیست آنها مرا با یک دیپلومات عوضی گرفتند. قطعاً مرا یک دیپلمات درجه دوم می‌دانند ولی تصور می‌کنند که به‌هرحال دیپلومات هستم. در نتیجه حرفشان را گوش می‌کنم و می‌نشینم و دفتر یادداشتم را در می‌آورم....

ژان کلود موریس سپس زیرعنوان «شکار مجاهدین» گفتگوها در جلسهٔ دربسته را برملا کرده و می‌نویسد: «دو هیأت به دور یک میز دراز چوبی که بر روی آن دو پرچم ایران و فرانسه قرار دارد در مقابل یک‌دیگر نشسته‌اند. ۱۸ نفر در سکوت به هم نگاه می‌کنند. فقط سه نفر حرف می‌زنند. کمال خرازی وزیر خارجه، دومینیک دو ویلپن و مترجم.....

ابتدا کمال خرازی دعوت از ژاک شیراک برای یک سفر رسمی از ایران را در آینده‌یی نزدیک تکرار می‌کند.



ویلپن از او تشکر می‌کند و می‌گوید منتقل خواهد کرد.....

بعد نوبت خرازی است که تشکر کند و می‌گوید: «مایلم به شما رضایت دولت خودمان را از تحویل دادن کالاهایی که اخیر به ما رسیده است، ابراز کنم. اما ما نیاز به تجهیزات بیشتری داریم».

حواسم را جمع می‌کنم: کدام کالاهای تحویل شده؟ کدام تجهیزات؟ سلاح؟ [معلوم می شودکه] اکثر آنها سلاحهای قراردادی است و تجهیزات دیده‌بانی.

خرازی ادامه می‌دهد: «می‌دانید که دولت ما به مبارزهٔ سرسختانه علیه قاچاق تریاک ادامه می‌دهد. مرز ما با افغانستان، کوهستانی و وسیع است و مشکلات زیادی در تحت نظر گرفتن آن داریم. ما نیاز به تجهیزات بیشتر داریم. ما حاضریم از نیکولا سارکوزی در تهران استقبال کنیم».



سپس وزیر ایرانی به فرانسه درس می‌دهد و می‌گوید: « فرانسه که خودش را به‌عنوان کشور حقوق بشر معرفی می‌کند، در خاک خودش حضور و فعالیت یک سازمان تروریستی را پذیرفته. این غیرقابل‌قبول و غیرقابل‌فهم و در روابط دو کشورمان بسیار نگران‌کننده است. به‌خصوص که به‌نظر می‌رسد این تروریستها که در ایران به ما ضربه زده‌اند در اورسوراواز از یک موقعیت دارای مصونیت برخوردارند. مبارزه علیه تروریسم باید بدون تبعیض باشد. ریشه‌کن کردن این پدیده ضدبشری نمی‌تواند بدون همکاری

جامعهٔ بین‌المللی تضمین پیدا کند».

ژان کلود موریس ادامه می‌دهد:

این جملهٔ آخر، روز بعد در سایت اینترنتی سفارت ایران در پاریس تکرار شده است. اما آن‌چه را که سایت نمی‌گوید و قابل‌فهم است که سری باقی می‌ماند پاسخ غافلگیرکننده‌یی است که ویلپن به خرازی می‌دهد. او می‌گوید: «می‌توانم به شما اعلام کنم که نیکولا سارکوزی دارد یک عملیات را در این رابطه تدارک می‌بیند».

به‌طور واضح، هیأت فرانسوی انتظار این درخواست دخالت علیه مخالفین رژیم تهران را از جانب ملاها داشت.

خرازی تأکید می‌کند: «ما مایلیم که سفیرمان در پاریس با آقای سارکوزی برای پیشبرد این پرونده دیدار کند».

ژان کلود موریس پس از نقل بخشهای دیگری از مذاکرات خرازی و ویلپن با طنزی تلخ می‌افزاید: ....هرچه هست به‌هرحال واقع‌گرایانه است(زیراکه): پاریس قول ضربه زدن به اپوزیسیون ایران را داده و می‌تواند قراردادهای نفتی در جریان را، به‌نهایت برساند....



در خروج از سالن مذاکرات، دومینیک دو ویلپن، برون لومر و فرانسوا نیکولو سفیر فرانسه در تهران، مدیر دفتر سابق پیر ژوکس در وزارت کشور و سپس در وزارت دفاع متوجه حضور من می‌شوند. آنها با هم نگاه های پر از تعجبی را ردوبدل می‌کنند.

ویلپن به من گفت «چطور تو اینجا بودی! خوب آن‌چه که پیش آمده است، اما هیچی ندیدی و هیچی نشنیدی».

در ادامه این گزارش تکان‌دهنده، نویسنده زیر عنوان «دستگیریهای جمعی در اورسوراواز » چنین می‌نویسد:

۲۲مه ۲۰۰۳، دو ماه پس از ملاقات بین دومینیک دو ویلپن و کمال خرازی در تهران، سارکوزی وزیر کشور، سفیر جمهوری اسلامی ایران را در مقر وزارت کشور به‌حضور می‌پذیرد. اسم او نیز خرازی است[صادق خرازی].... سفیر از وزیر فرانسوی در مورد تاریخ عملیات علیه سازمان مجاهدین خلق ایران جویای اطلاعات می‌شود و با خاطری آسوده آنجا را ترک می‌کند و به تهران تلکس می‌زند: «عملیات در ماه ژوئن پیش‌بینی شده

است». همه چیز از یک سال پیش آماده است، از همان زمانی که سرویسهای ایرانی لیست مخالفانی را که مایلند آنها را در پشت میله‌های زندان ببینند، به DST تحویل داده‌اند. ولی هنوز باید به این عملیات «پوشش» قانونی داد.

چند روز بعد یک وکیل از سوی تهران، شکایتی بر علیه مخالفین ایرانی مقیم فرانسه ارائه می‌دهد. او آنها را متهم می‌کند که سه سال قبل (فوریه ۲۰۰۰)، در حمله‌یی به دو ساختمان رسمی رژیم شرکت کرده‌اند. بازپرس بروگیر هدایت کار را برعهده دارد. دیگر هیچ چیز بر سر راه انجام این دستگیریهای جمعی که گروهی از وکلای فرانسوی از جمله ماریو استازی و هانری لکلرک رئیس سابق لیگ حقوق بشر، پیر شامپتیه دوریب، ویلیام بوردون، برنارد دارتُول آن را بی‌درنگ محکوم می‌کنند، قرار ندارد.

در اوایل ژوئن ۲۰۰۳، در مقر وزارت کشور بودم. در پایان یک مصاحبه حول سیاست داخلی فرانسه با روزنامهٔ ژورنال دو دیمانش، نیکلا سارکوزی مانند معمول از صحبتهایش راضی است. او بازوی مرا می‌گیرد و می‌گوید: «با این [مصاحبه] فروش خوبی خواهی کرد. من مشتری خوبی هستم، هان؟».

در پاسخ، من آهسته سوالی را می‌پرسم که در طول مصاحبه مطرح نشده بود: «عملیات شما علیه مجاهدین خلق برای چه زمانی است؟».

او گفت: «از کجا می‌دانی؟»

به‌نظر می‌رسید که او مطمئن است خبر از کاخ الیزه درز پیدا کرده است. اما این‌طور نیست، این از نتایج سفر من به تهران است، ولی من او را از اشتباه در نمی‌آورم. هر چند آن‌طورکه وی می‌گوید من «دوستش» هستم، ولی با این حال تاریخ این دستگیریهای دسته‌جمعی را به من نمی‌دهد. به‌علاوه او در نظر ندارد که از رسانه‌ها دعوت کند که در هنگام آن حضور داشته باشند. این یک راز است، او فقط اجراکننده یک «پروندهٔ دولتی» است. وانگهی، در بین عامهٔ فرانسویان، چه کسی موضوع مجاهدین برایش جالب است؟ او تا بالای راه‌پله، جایی که از هم جدا می‌شویم، ساکت باقی می‌ماند. به‌عنوان خداحافظی، فقط این جمله را می‌گوید: «به‌زودی انجام می‌شود».



چهار روز بعد در صبح زود ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، عملیات پرسر و صدا علیه مقر شورای ملی مقاومت ایران و ۱۳محل سکونت پناهندگان سیاسی ایرانی در استانهای والدواز و ایولین آغاز می‌شود: ۱۶۴نفر در پی این گستردگی استثنایی نیرو که ایو بونه، رئیس سابق DST (در کتاب پروندهٔ اتمی ایران، یک دورویی بین‌المللی) آن را «نامتناسب» توصیف می‌کند، دستگیر شدند. نزدیک به ۱۳۰۰پلیس و ژاندارم که «برخی در دستگیری خطرناک‌ترین جانیان تبحر داشتند» برای این حمله بسیج شده بودند.



ژان کلود موریس با اشاره به این‌که از بیش از ۲۰ سال پیش، در اورسوراواز فعالین مجاهدین و به‌طور خیلی رسمی، شورای ملی مقاومت ایران، مستقر بودند، گزارش خود را ادامه می‌دهد:

به‌رغم تفتیش دقیق و خشونت‌بار (مانند تخریب آنتنهای رادیو و تلویزیون و ضبط کامپیوترها) هیچ سلاح و هیچ سند قانع‌کننده‌یی که نشان دهد این یک سازمان تروریستی است، یافت نشد.

ایو بونه (در همان کتاب) می‌گوید: «دستگیرشدگان را در مینی‌بوسهای پر به دفاتر DST در پاریس هدایت کردند. بازپرس بروگیر این بخش از پلیس را مأمور تشکیل پرونده کرده بود. هیچ گاه این ادارهٔ ضد جاسوسی در تاریخ خود، حتی در سیاه‌ترین لحظات جنگ الجزایر، چنین سناریویی را به خود ندیده بود».

او از طرف دیگر خاطرنشان می‌سازد که پیر بوسکه دوفلوریان رئیس د. اس.ت در شرکت







Instantané de l'assaut du raid. Mardi à 6 heures du matin policiers et gendarmes ont interpellé plus de 130 suspects dans le Val-d'Oise sur les « bases » des Moudjahidine du Peuple iraniens du docteur [illegible] Radjavi à Auvers et à Saint-Ouen-[illegible]



SAINT-OUEN-L'AUMÔNE (VAL-D'OISE), MER.



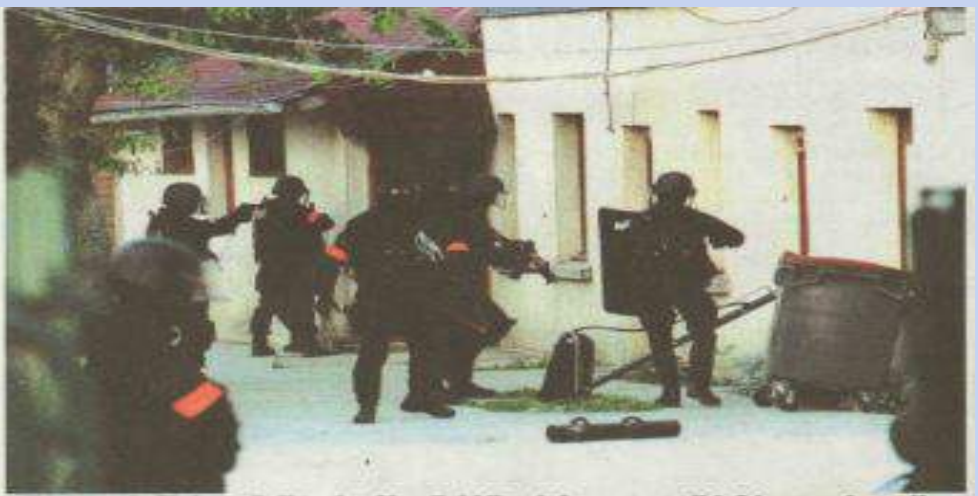
Edition nationale 0,90 € ● Mercredi 18 juin 2003

L'opération contre les Moudjahidine saluée par Téhéran et Washington

Pourquoi Sarko a donné l'assaut

Près de 1.300 policiers et gendarmes ont effectué hier matin en région parisienne une gigantesque rafle chez ces ennemis du régime iranien





Une vue de l'interpellation des Moudjahidine à Auvers mardi à 6 heures du matin.
(Crédit photo Hervé Rovira, Matthieu Guyot – Agence CREDO)







Un impressionnant dispositif policier mis en place dès 6 heures du matin a verrouillé la rue des Lilas à Asnan-sur-Oise.



Mardi 17 juin, 6h04 : 1 200 policiers et gendarmes interviennent simultanément dans le





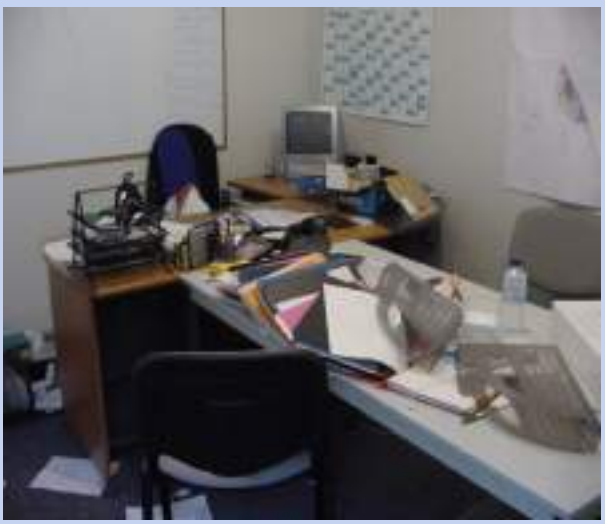











"الف" کار می‌کرده و همان وظایفی را در نزد ژاک شیراک به‌عهده دارد که در گذشته‌یی نه چندان دور، ژیل مناژ در نزد فرانسوا میتران بر عهده داشت. «بنابراین قابل‌تصور نیست که رئیس‌جمهور موافقت خودش را " با این عملیات " نداده باشد». عملیاتی برای خوشامد تهران. برای مصلحت حکومتی!







تحقیقگران DST که بازجوییها را انجام می‌دهند، ۱۳۱نفر از دستگیرشدگان را آزاد می‌کنند. ۱۷نفر دیگر تحت پیگرد قضایی قرار می‌گیرند. نام ۱۶تن از آنها در لیست مخالفینی

قرار دارد که تهران برای سرویس فرانسوی "سیبل" کرده بود. و ۱۱نفر تحت بازداشت قرار می‌گیرند. اینجاست که فاجعه آغاز می‌شود.



در بین افراد زندانی شده، مریم رجوی، رئیس‌جمهور منتخب شورای ملی مقاومت ایران، چهرهٔ نمادین اپوزیسیون رژیم ملاها قرار دارد. محبوبیت او در نزد پناهندگان، تبعیدیان و مقاومین ایرانی عظیم است. از نظر همه ایرانیهای اروپا، بیش از ۴۰هزار نفر برای حمایت و تشویق او در ژوئن ۲۰۰۷ به ویلپنت آمدند. زندانی کردن مریم رجوی علامت این است که موضوع فقط به یک عملیات ساده پلیسی محدود نمی‌شود بلکه حاکی از اراده‌یی است برای سر بریدن اپوزیسیون ایران، به درخواست فوری ملاها.



بروگیر-بازپرس پروندهٔ

متدهای گاوچرانی بازپرس بروگیر بر کینه‌ها می‌افزایند. توفانی از اعتراضات، از لیگ حقوق بشر گرفته تا آبه پیر برمی‌خیزد. فعالین و تبعیدیها را ناامیدی فرا می‌گیرد. صدیقه مجاوری، یک زن جوان ایرانی در مقابل مقر DST خود را به آتش می‌کشد. او در فردای آن روز، در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۳، دو روز پس از دستگیریهای جمعی، جان سپرد. دو زن دیگر نیز همان کار را می‌کنند ولی در آخرین لحظات نجات می‌یابند. مانند محمد و مرضیه.

ژان کلود موریس ادامه می‌دهد:

بروگیر وحشت می‌کند. "فتح‌الفتوح افتخارآمیز" او در اور مثل آب‌نبات ذوب می‌شود و دولت را که در ابتدا این خودکشیها را به‌عنوان رفتار فرقه‌گرایانه قلمداد می‌کرد، به‌زحمت می‌اندازد. مدرک [آنها برای رفتار فرقه‌گرایانه]؟ دستگیری دو هوادار ایرانی مجاهدین و متهم کردن آنها به "ترغیب به خودکشی" سه نفر از هموطنانشان است. این آتش متقابلی است که بعداً تبدیل به شکستی مضاعف خواهد شد.



آلن ویوین عضو کمیسیون دولتی ضدسکت

ابتدا به این دلیل که عبارت سکت، که قبل از آن علیه مجاهدین به راه انداخته شده بود، شکست خورد. آلن ویوین، یکی از بهترین آشنایان به پرونده و عضو کمیسیون دولتی ضدسکت، در شمار مدافعان مقاومین ایرانی قرار دارد. ثانیاً به این خاطر که محاکمهٔ دو "ترغیب کننده" در اکتبر ۲۰۰۷ در مقابل شعبهٔ شانزدهم دادگاه جنحهٔ پاریس گشوده می‌شود، متهم‌کنندگان را در محذوریت قرار می‌دهد.



رئیس شعبهٔ شانزدهم دادگاه به شاهد می‌گوید: «من به شما اجازه می‌دهم که کلاه خودتان را بر سر نگه‌دارید». اسم این شاهد محمد است. اگر او اجازه می‌یابد که در مقابل

دادگاه کلاه خود را برندارد – امری نادر و نشانه‌یی از همدردی- بدین خاطر است که آثار درد و رنجی را که کشیده است با خود دارد. پوستی کاغذی شده، تکه‌هایی از انگشت، حفره‌های بینی که بدون تناسب بزرگ شده‌اند و لبخندی بدون لب.



در فردای آن دستگیریهای دسته‌جمعی، او داوطلبانه بر روی خود بنزین ریخت و خود را به آتش کشید. هیچ کس او را مجبور نساخت. چرا این اقدام؟ برای اعتراض علیه رژیم بنیادگرای تهران، از ترس تهدید استرداد که توسط DST در مقابل مخالفین ایرانی علم شده بود. استرداد به گابن، مسیری بود که قبلاً تجربه شده بود....



او زیر لب می‌گوید: «من تمام زندگی‌ام را به مقاومت کردن سپری کرده‌ام». آیا محمد پیرو یک سکت است؟ پاسخ او وقتی از این دهان بدون لب خارج می‌شود، همه را متأثر می‌کند:«من عاشق زندگی هستم».

به‌دنبال محمد، مرضیه در مقابل دادگاه قرار می‌گیرد. او اولین نفری بود که در برابر مقر DST خودسوزی کرد. دوستش صدیقه، جان سپرد.

ولی مرضیه از مرگ گریخت. وی که ۴۷ درصد بدنش سوخته، حدود ۱۰ بار تحت عمل جراحی قرار گرفته است. او به حمایت از آن دو مجاهدی برخاسته که گرچه "مدره"

توصیف شده‌اند، ولی متهم هستند که یک گالن بنزین را در نزدیکی محل فاجعه خریده‌اند و بعد او را به‌سمت خودکشی سوق داده‌اند.



خودسوزی مرضیه باباخانی



مشعل انسانی صدیقه مجاوری

او به دادگاه می‌گوید: «من احساس می‌کنم که از طریق محاکمهٔ آنها، این من هستم که دارم محاکمه می‌شوم. برای من حق انتخاب سرنوشت خودم را به‌رسمیت نمی‌شناسند. حال آنکه این تصمیم به من تعلق دارد». خودسوزی او پاسخی به رژیم ملاهاست. او خاطراتش را که در عین حال اتهام هم هست، تعریف می‌کند، «قتل برادرانم، شکنجه‌هایی که بر روی دوستان همکلاسی‌ام اعمال شد. هم‌چنین عمل من فریادی است برای افشای بی‌عدالتی که در حق همه مخالفین روا شده است. برای صحبت کردن، فقط وجود خودم برایم باقی‌مانده بود».



برای این دو "ترغیب‌کننده"، دادستان جمهوری درخواست مجازات تعلیقی می‌کند. احساس می‌شود که این فقط برای حفظ ظاهر است. او می‌گوید: «توصیهٔ ساده تنها برای یک خودکشی نمی‌تواند کافی باشد.... ما در اینجا در کیس آلت دست قرار دادن روانی نیستیم که قربانی را از هرگونه تشخیص محروم کرده باشد». اینها دو جمله از دادخواستی است که از حکم تبرئه‌یی که بزودی اعلام خواهد شد، حکایت می‌کند.

نویسندهٔ کتاب «اگر تکرار کنید، تکذیب خواهم کرد» به حوادث بعد از حملهٔ ۱۷ ژوئن برمی‌گردد:

در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۳، دو روز پس از دستگیریهای دسته‌جمعی، آن چه برای دولت فرانسه فوریت دارد، متوقف کردن کشتار "شهدا"ست و این که بر این خودسوزیها که کشور حقوق بشر را لکه‌دار ساخته، نقطهٔ پایانی بگذارد. باید مریم رجوی را آزاد کرد. مصیبت بازپرس بروگیر شروع می‌شود.



چند روز بعد، شعبهٔ اتهام دادگاه استیناف پاریس در مخالفت با نظر قاضی بروگیر، دستور آزادی افراد زندانی را صادر می‌کند. در نبود هیچ سند و مدرک مشخصی، قضات فقط اتهام عضویت در مجاهدین، سازمانی را که در لیست اروپایی سازمانهای تروریستی قرار دارد، علیه آنها حفظ کردند. حال آن‌که این افراد عضو شورای ملی مقاومت ایران هستند که در این لیست قرار ندارد.

به عقیدهٔ گروه وکلا «بسیار عجیب است که مقامات فرانسوی وانمود می‌کنند که این قضیه را [به‌تازگی] کشف کرده‌اند، در حالی که از ۲۲ سال پیش آنها کاملاً در جریان حضور، تعهدات و فعالیتهای ساکنان اورسوراواز قرار داشتند، جایی که هزاران ایرانی تبعیدی، پناهندگان، شخصیتهای سیاسی از همه کشورها و روزنامه‌نگارها به آن‌جا تردد داشتند. به‌علاوه، سرویسهای پلیس، از جمله DST همواره حفاظت اشخاصی را که در اور زندگی می‌کنند، در برابر تهدیداتی که سرویسهای ایرانی علیه آنها اعمال می‌کنند، تأمین کرده‌اند».

یک مشاهدهٔ طنزآمیز: «این حفاظت از سوی سرویسهای فرانسوی البته امکان یک نظارت دائم را هم فراهم می‌کرد. ولی هیچ‌گاه کمترین فعالیت غیرقانونی مشاهده نشد.... هیچ‌کسی از این امر بی‌اطلاع نبود که این پناهندگان سیاسی تسلیم‌بشو نبودند و می‌خواستند علیه رژیمی که در کشورشان ترور را حاکم کرده و در عین حال صلح جهانی را به‌خطر انداخته، به مقاومت ادامه دهند».

از همان شروع، دادگستری اداری فرانسه «که مماشات کمتری نسبت به دادسرای ضدتروریستی از خود نشان می‌داد»[۴۲] به خالی بودن پرونده پی می‌برد: هیچ سلاحی به جز کامپیوترها که در فایلهای آنها هیچ سند قانع‌کننده‌یی یافت نمی‌شود، در اور ضبط نشد. هیچ مدرک مخفی هم پیدا نشد. احکام اولیه اخراج لغو شدند. در طی چند ماه، بادکنک تور ضدتروریستی بادش خالی می‌شود و تصمیمهای تبرئه از سوی دادگاهها یکی پس از دیگری صادر می‌شوند. باید واقعیت را پذیرفت: **هیچ مدرکی در رابطه با دو اتهام: شرکت در یک اقدام تروریستی و تأمین مالی تروریسم ثابت نشد.**

پس از این "برزینا"[۴۳] کاری که باقی‌مانده حفظ ظواهراست. در اور، مبلغ قابل‌توجهی پول - ۹ میلیون یورو - ضبط شد....از آنجا که سازندگان این پرونده قادر نبودند نشان دهند این پول برای تأمین مالی اقدامات تروریستی است، در نظر دارند اتهام را به موارد جرائم عادی تغییر دهند. دو اتهام اصلی بادش خالی شد. یک اتهام سومی که آن‌هم سرنوشتش به همان اندازهٔ قبلیها نامشخص است، ادعا می‌شود. ولی تنها "فایده"اش برای تهران این است که مقاومت را از پول و کامپیوترهایش باز هم برای ماه‌های طولانی محروم می‌کند.

۴۲- همچنان که ایوبونه می‌نویسد

۴۳- اشاره به مکان شکست معروف ناپلئون



به عقیدهٔ گروه وکلا «چارهٔ دیگری جز بستن پرونده که به این روند شبیه به یک سرکوب واقعی پایان می‌دهد، باقی نمانده است. مشروعیت و اعتبار دادگستری فرانسه در گرو همین کار است».

ژان کلود موریس در ادامه به حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی اشاره می کند و می‌نویسد:

پنج سال بعد از آن حوادث، دادگاه عدالت اروپا نامگذاری سازمان مجاهدین خلق ایران در لیست سازمانهای تروریستی اروپا را لغو کرد. انگلیس که سر منشأ این نامگذاری بود، توسط دادگاه استیناف لندن مجبور شد که سازمان مجاهدین خلق ایران را از لیست خود خارج سازد. ولی دولت فرانسه ایستادگی می‌کند....



شورای ملی مقاومت ایران اطمینان می‌دهد که دلایل، اقتصادی هستند. شورای ملی مقاومت یک کرونولوژی از سیر وقایع را که ظاهراً مطابقت هم می‌کند، ارائه می‌دهد. از سال ۲۰۰۲، مبادلات اقتصادی بین فرانسه و ایران رشد قابل‌توجهی داشته‌اند.[۴۴] فرانسه پس از آلمان و امارات، سومین کشور صادرکننده به ایران است....

۴۴- افزایش ۲۸ درصدی صادرات

در ۲۲ژوئن ۲۰۰۳، پنج روز بعد از دستگیریهای جمعی اور، با این‌که گروه بریتانیایی بریتیش پترولیوم در وضعیت بهتری در رابطه با فاز ۱۲ میدان گازی پارس قرار داشت، این شرکت توتال بود که در مناقصه برنده اعلام شد.



اعضای مقاومت ایران به‌نحو بسیار خوبی مطلع هستند. اول از همه، از آن‌چه که در کشورشان می‌گذرد. و این نه تنها به‌لطف پناهندگانی که در سر راه خود به تبعید، در اور هم توقف می‌کنند، بلکه همین‌طور به‌خاطر افرادشان در درون دستگاه دولتی ایران است که ظاهراً در بالاترین سطوح نفوذ دارند. شاهد آن هم اسنادی است که آنها در پشتیبانی از گفته‌هایشان در اختیار خبرنگاران می‌گذارند....



آنها در پایان هر ملاقات کوهی از مدارک به شما می‌دهند که نمی‌دانید از کجایش شروع به‌خواندن کنید. یک تلکس محرمانهٔ وزارت امور خارجه، یک کتاب سفید در مورد مجاهدین و ظلمهایی که بر شورای ملی مقاومت آنها روا شده است. [۴۵] نسخه‌هایی از نشریهٔ پارلمانی در فرانسه که از مبارزه آنها سخن می‌گوید و حمایتهای سیاسی‌شان در میان سیاستمداران را بر می‌شمرد. و البته سخنرانیهای "بسیار مهم" رهبر و سمبلشان، مریم رجوی.

ژان کلود موریس درخاتمهٔ این بخش از کتاب خود به چند مورد دیگر از بندوبستها بین مقامات مماشاتگر غربی و رژیم آخوندی اشاره می‌کند که پیوسته از همه طرفهای معاملهٔ خود، خواهان محدود کردن مقاومت ایران می‌شود، از جمله: قضایای تبعید اعضا و

۴۵- آنها تأکید می‌کنند که این عنوانی است که "از شورای ملی مقاومت ژان مولن گرفته شده است".



تظاهرات علیه تبعید اعضا و وابستگان مقاومت ایران از فرانسه به گابن درسال ۱۹۸۸

وابستگان مقاومت ایران از فرانسه به گابن در سال ۱۹۸۸، زدوبند تروئیکای اروپا یعنی سه دولت انگلیس، آلمان و فرانسه برای حفظ نام مجاهدین در لیست تروریستی در ازای تعلیق غنی‌سازی اورانیوم توسط آخوندها در سال ۲۰۰۴ و هم‌چنین تلاشهای اخیر دولت فرانسه برای جلوگیری از اجرای حکم دادگاه عدالت اروپا و شکست و رسوایی این بندوبستها و می‌نویسد:

مصلحت حکومتی، چهرهٔ ندارد. برای من ولی چهرهٔ یک قربانی را دارد: صدیقه مجاوری، زن جوان ایرانی که در فرانسه به‌خاطر این‌که تصور می‌کرد او را به گابن اخراج خواهند کرد خودسوزی کرد. هم‌چنین هرگز چهرهٔ بدون لب محمد را که این‌همه «عاشق زندگی» است، فراموش نخواهم کرد.

بی تردید، آنچه در ضمیر سردبیر ژورنال دو دیمانش، به‌عنوان یک روزنامه‌نگار و نویسندهٔ باسابقه می گذرد، نمودی از قضاوت وجدان عمومی مردم فرانسه است که سنگینی یک شرم تاریخی را بر شانه ها و ضمیر خود احساس می کند. شرم ناشی از زدوبند ننگین آخوندها با دولت شیراک که صفحه یی از اوراق تاریخ فرانسه، این مهد حقوق بشر را سیاه کرده است. البته این تنها ارمغان ژاک شیراک برای تاریخ فرانسه نیست.



ژان کلود موریس سردبیر هفته‌نامهٔ ژورنال دودیمانش در دوران کودتای ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ در مصاحبه با سیمای آزادی مشاهدات خود را از صحنهٔ آن زدوبند ننگین که در

ملاقات دوویلپن و خرازی در تهران صورت گرفته بود، تشریح کرد:

حین یک سفر رسمی دومینیک دو ویلپن بود، او بعد از سقوط بغداد یک تور انجام داده بود؛ نخست از ترکیه و بعد از امان در اردن دیدار کرد و (سفرش) در تهران با دیداری با وزیر امور خارجه، ولی فقیه و سایرین به پایان می‌رسید.

برحسب اتفاق، من داخل سالن گفتگوها میان دو هیأت ماندم؛ کیفم را فراموش کرده بودم و درها بسته شد و نگذاشتند خارج شوم؛ بدون شک فکر می‌کردند که یک دیپلوماتم؛ شاید یک دیپلومات درجه دو، اما در هر حال یک دیپلومات. من را روی یک صندلی نشاندند و اینجا بود که به‌مدت یک ساعت و ربع گفتگوها میان دو هیأت را دنبال کردم. آن‌چه من را شگفت‌زده کرد این بود که اولین چیزی که کمال خرازی وزیر خارجهٔ وقت درخواست کرد، یک عملیات علیه مجاهدین خلق و (فعالین) مقاومت بود که در فرانسه پناهنده بودند. دربارهٔ مسائل بزرگ بین المللی صحبت نکردند؛ اصلی‌ترین نگرانی خرازی همین بود. سخنرانی‌اش را به‌خوبی به‌خاطر دارم، چون یادداشتش کردم. (گفت که) «فرانسه می‌گوید یک کشور (حامی) حقوق بشر است و در خاک خودش تروریستها را به‌حضور می‌پذیرد».

صحبت از تروریسم دربارهٔ (فعالین) مقاومت از سوی یک نمایندهٔ ایرانی به اندازهٔ کافی خنده‌دار یا بهتر است بگویم مضحک بود!

یک ماه پس از انتشار کتاب ژان کلود موریس، کانال دوم تلویزیون فرانسه در روز ۹ آوریل ۲۰۰۹ برگ دیگری از معاملات مفتضح دولت شیراک با دیکتاتوری ولایت فقیه را به نمایش گذاشت. این گزارش پیش از پخش از تلویزیون، توسط روزنامهٔ لوموند ۵ آوریل ۲۰۰۹ به چاپ رسید.





گروگانها، در امتداد رد پای ایران

گروگانهای لبنان: شانتاژ بزرگ سیاسی- مالی بین فرانسه و ایران

برنامه‌یی در کانال دوم تلویزیون پنجشنبه ۹ آوریل در ساعت ۲۲ و ۴۵ دقیقه

برای آزادی گروگانهای فرانسوی، ایران درخواست آزادی تروریست انیس نقاش که پس از سوءقصد به شاپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر شاه، به حبس ابد محکوم شده، بازپرداخت وام یک میلیارد دلاری برای ساختن اورودیف (اورانیوم غنی شده)، که پس از به قدرت رسیدن آیت‌الله خمینی، توسط فرانسه معلق شده بود و خاتمهٔ تحویل سلاح به عراق را که درحال جنگ با ایران است، دارد.

این درخواستها چیز کمی نیست و اجرای آنها به‌دلیل شرایط سیاسی فرانسه به‌مراتب پیچیده‌تر است. ۱۹۸۶ سال انتخابات پارلمانی است که انتظار می‌رود جناح راست پیروزی را در آن کسب کند. با این وجود، گفتگوها بین فرستادگان فرانسوی و ایرانی آغاز می‌شود.

آنها در آستانهٔ رسیدن به توافق هستند. ولی آن‌طوری که امروزه، محمد صادق حسینی، نمایندهٔ ایران تعریف می‌کند "اوضاع بلوکه شد". در اطاق مجاور، "فرستادگان جناح راست قیمت را بالا می‌بردند". مذاکرات شکست می‌خورد و وضعیت بدتر می‌شود. یک اکیپ از کانال دوم تلویزیون متشکل از فیلیپ روشو، اورل کورنئا، ژان لویی نورماندن و ژرژ هانسن که برای پوشش خبری آزادی احتمالی گروگانها به لبنان اعزام شده بود، به‌نوبه خود در ۸ مارس ۱۹۸۶ به گروگان گرفته می‌شوند. در پی بازگشت به قدرت، جناح راست قضیه گروگانها را در دست می‌گیرد.

شارل پاسکوآ امروزه با جسارت تمام می‌گوید که "اصلاً از قضیه خبر نداشته است". او دوستش ژان شارل مارشیانی، اهل جزیره کرس و افسر اطلاعاتی را به محل اعزام می‌کند و با اخراج مسعود رجوی، رهبر مجاهدین خلق ایران، ضمانتهایی به ایران می‌دهد. بلافاصله در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۶، فیلیپ روشو و ژرژ هانسن آزاد می‌شوند. ولی فرانسوا میتران با آزادی انیس نقاش موافقت نمی‌کند. در سپتامبر چندین سوءقصد در پاریس از جمله در خیابان رن، ۱۱ کشته و ۱۵۰ زخمی بر جا می‌گذارد. در پی آن، ژاک شیراک تصمیم می‌گیرد که بخشی از قرض اورودیف را بپردازد، امری که آزادی اورل کورنئا را به‌دنبال دارد.



با ربودن رژه اوک در قلب شهر بیروت، سردرگمی به‌اوج می‌رسد. در همان زمان در پاریس، وحید گرجی، یک مترجم سفارت ایران که مظنون است در منشا انفجارات در پایتخت قرار دارد، در سفارت خود پناهنده می‌شود. شارل پاسکوا با محاصرهٔ این نمایندگی دیپلماتیک واکنش نشان می‌دهد. محاصره هفته‌ها به‌طول می‌انجامد تا این‌که به گرجی اجازه داده می‌شود بدون هیچ‌گونه محاکمه‌یی، فرانسه را ترک گوید. در ازای آن، ژان لویی نورماندن و رژه اوک آزاد می‌شوند. پس از آن، توافقی بر سر اخراج انیس نقاش به‌دست می‌آید و در ۴ مه ۱۹۸۸، کوفمن، کارتون و فونتن به فرانسه باز می‌گردند.

زنجیره‌یی از توطئه‌های شکست‌خورده

گزارش کانال دوم تلویزیون فرانسه مرور مختصری بود بر سوابق توطئه‌هایی که توسط رژیم آخوندی علیه رهبر مقاومت ایران با زدوبند با دولت وقت در فرانسه صورت گرفته است، اما به‌یمن هوشیاری مقاومت و ایستادگی و پایداری در برابر آنها، تماماً به شکست کشانده شده است. نگاهی به این زنجیرهٔ شکست خوردهٔ توطئه‌ها وجدان خفته را بیدار می‌کند.

توطئه‌های رژیم علیه رهبر مقاومت در فرانسه از سال ۱۳۶۰ استمرار داشت. اما به‌طور

خاص در سال ۱۳۶۵ با زدوبندهای رژیم آخوندی و دولت ژاک شیراک اوج گرفت، زمانی که یک معامله برسر آزادی گروگانهای فرانسوی در لبنان به‌جریان افتاد.



بیانیه اکثریت پارلمان

ایران: به حکومت ترورخاتمه دهید

جالش فرایندهی علیه رژیم ملایان که در بی قضایای ۱۱ سپتامبر گفته است با تروریسم بین‌المللی مخالف است، وجود دارد. این جالش عبارت از اینست که اگر علیه تروریسم در خارج هستید، جوا آن را در ایران به کار می‌برید!

از زمانی که رئیس جمهور محمد خاتمی در ژوئن گذشته مجدداً انتخاب شد، حقوق بشر مردمی که او برای خدمت به آنها و حفاظت از آنها انتخاب شده بود، به فهقرا رفته است:

● تخمین زده می شود که ۱۱۰ نفر در ملأعام حلق آویز شده‌اند و این به آمار ۱۳۰ اعدام از آغاز سال اضافه می‌شود.

● حدود ۳۳ نفر که اکثر آنان زنان بوده‌اند، در ملأعام سنگسار شده‌اند.

● بیش از ۱۰۰۰ نفر در ملأعام شلاق خورده‌اند.

● از ۸۷ روزنامه، ۳۹ روزنامه تعطیل شده است.

از زمانی که رئیس جمهور ملایان مجدداً انتخاب شده، هیچ تغییر واقعی وجود نداشته است. در واقع، کسانی که دستور نقض حقوق بشر را می‌دهند، در گذشته همین کار را کرده‌اند. در سال ۱۹۸۸، رژیم توسط قتل عام ۳۰هزار زندانی سیاسی را تنها در عرض یک سال داد. مسئولان این قتل عام از جمله شامل رئیس جمهور خاتمی، رئیس جمهور سابق رفسنجانی و ولی‌فقیه رژیم آیت‌الله علی خامنه‌ای می‌شدند.

ترورسم ملایان وجه دیگری هم دارد. تولید سلاحهای کشتار جمعی و موشکهای بالستیک.

در آوریل سال گذشته، ملایان ۷۴ موشک به پایگاههای مقاومت مترقی دموکراسی ایران شلیک کردند.

حملات ۱۱ سپتامبر در آمریکا بازآور خصلت مهدم کنندهٔ ترورسم است. ملایان از سال ۱۹۷۹ تحت نام اسلام و تحت نام خدا، ترورسم را اجرا نموده‌اند. بیش از ۹۰ درصد اعمال ترورستی در ۲۳ سال گذشته به طور مستقیم توسط رژیم ملایان و عوامل آنان انجام شده است. ملایان که ملایان بر سر کار هستند، ترورسم تحت نام اسلام ادامه خواهد یافت.

در حالی که جهان در مخالفت با ترورسم بین‌المللی متحد می‌شود، حقوق مردم ایران برای مخالفت با کسانی که آنها را ترور می کنند، می‌بایست به رسمیت شناخته شود. شورای ملی مقاومت ایران، ائتلافی که مبارزه برای یک حکومت دموکراتیک غیردینی و کثرت گرا را هدایت می کند این ترورسم داخلی را به چالش می‌طلبد.

یک اکثریت ۳۲۷ نماینده پارلمان، بیش از ۵۰ عضو مجلس اعیان به علاوه اکثریت نمایندگان پارلمان دو آمریکا و سایر کشورهای اتحادیهٔ اروپا از شورای ملی مقاومت حمایت می کنند.

ما امضا کنندگان این بیانیه از مبارزهٔ مردم ایران و سازمان مجاهدین خلق برای دستیابی به دموکراسی و حقوق بشر به‌عنوان بخش ضروری برای شکست دادن ترورسم ملایان در داخل و خارج ایران حمایت می کنیم.

تظاهرات ۱۰۰،۰۰۰ کارگر در تهران و درگیری با نیروی انتظامی

رهبر مقاومت تا درود به کارگران به پاخاسته، مردم و جوانان تهران را به همبستگی با کارگران مقاوم و حمایت از آنان فراخواند





کار و کار و کار (۲۵ خرداد): کارگران شعار می‌دادند: جنبش کارگری آماده قیام است، کارگر دانشجو اتحاد اتحاد

● کارگران (۲۵ تیر) با بیان همین شعار از کارگران شرکت استخدام‌کننده در راهپیمایی اعتراضی آنروز دلگرمی کردند. ● کامیونداران بین (۲۵ تیر) روز سه شنبه در تهران کارگران آن که در اعتراض به تغییر قانون در حمل بار به سنگ پرتاب پرداختند، که کارگران آنان و نیروهای سرکوب را به شدت مجروح کرد.

مسعود میرکایی، عضو شورای رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران:

کارگران، دانشجویان و تمامی آزادیخواهان میهن باید از مقاومت کارگران حمایت کنند

مکفی رئیس، کانون ملی شوراهای اسلامی کار:

کارگران باید با ایجاد شورای عالی کار، جنبش کارگری را سازمان دهند

● تجمع کارگری عراقند (۲۵ تیر): اعتصاب کارگری در سایه‌های اکسید در یک بحران اقتصادی روبه‌رو شده است و بیکاری فزاینده، ضربه شدید است.

MOJAHED No.595, Tuesday,23 July2002 (29/2002) 25 Sh - 1 Preamble 1423 AH

شماره ۵۹۵ | بهاء معادل ۲۰ تومان | سه‌شنبه اول مرداد ۱۳۸۱ - ۱۳ جمادی‌الاول ۱۴۲۳

در پاسخ به سرکوب تظاهرات دانشجویان، کارگران و مردم تهران

بسیج غرب تهران در جنب فرماندهی نیروی انتظامی در خیابان آزادی درهم کوبیده شد

فاشیسم سرکوب انتظامی:
- آتشگشایی اختناقی نیروهای قهر به کنترل و بازداد کی را مقلب می کند. (۲۵ تیر)
- امروز بیش از هر زمان دیگر باید قانون و حمایت آزادی در جامعه به‌عنوان بالاترین ارزش تلقی شود. جز آنکه دشمنان خارجی در پی بهم زدن انسجام ملی هستند. (۲۹ تیر)



بیانیهٔ ۴۵۳ نمایندهٔ مجلس عوام و مجلس اعیان انگلستان

ایران: به حکومت ترور خاتمه دهید



۳۳۱ نمایندهٔ مجلس عوام، اکثریت نمایندگان مردم انگلستان، همراه با ۱۲۲ تن اعضای مجلس اعیان؛ شامل سه رهبر حزب، ۲۸ معاون پارلمانی ورزا، ۵ وزیر کابینهٔ سایه، یک معاون وزیر، ۹ وزیر کنیسون، ۸ قلم پارلمان و ۲۲ تن از سخنگویان پارلمانی از احزاب مختلف بریتانیا و همچنین ۶ اسقف سرشناس در مجلس اعیان اعلام کردند: شورای ملی مقاومت ایران که سازمه برای یک حکومت دموکراتیک، غیر دینی و کثرت‌گرا را هدایت می کند، تروریسم حاکم بر ایران را به چالش می طلبد. ما از سازمان مجاهدین خلق برای دستیابی به دموکراسی و حقوق بشر، ضروری برای شکست‌دادن ترورسیم ملایان در داخل و خارج ایران حمایت می کنیم



















بیانیهٔ اکثریت پارلمان

ایران: به حکومت ترورخاتمه دهید

جالش فزاینده‌ی علیه رژیم ملایان که در قیام‌های ۱۹ سپتامبر گذشته اسب با ترورسیم بن المللی مخالف است، وجود دارد. این جالش عبارت از اینست که اگر علیه ترورسیم در خارج هستید، جز آن را در ایران به کار می گیرید!

از زمانی که رئیس‌جمهور محمد خاتمی در ژوئن گذشته مجدداً انتخاب شد، حقوق بشر بدتمی که او برای خدمت به آنها و حمایت از آنها انتخاب شده بود، به قهقرا رفته است:

● تاکنون زده می شود که ۱۱۰ نفر در ملایمان حق اویز شده‌اند و این به آغاز ۱۳۰ اعدام از آغاز سال اضافه می‌شود.

● حدود ۱۳ نفر که اکثر آنان زنان بوده‌اند، در ملایمان سنگسار شده‌اند.

● بیش از ۱۰۰ نفر در ملایمان شلاق خورده‌اند.

● از ۸۷ روزنامه، ۳۹ روزنامه تعطیل شده است.

از زمانی که رئیس جمهور ملایان مجدداً انتخاب شده، هیچ تغییر واقعی وجود نداشته است. در واقع، کسانی که دستور نقض حقوق بشر را می دهند، در کابینه همین کار را کرده‌اند. در سال ۱۹۸۸، رژیم بر لب قتل عام ۳۰هزار زندانی سیاسی را تهیه اش عرض یک سال داد. مسئولان این قتل عام از جمله شامل رئیس جمهور خاتمی، رئیس جمهور سابق رفسنجانی و ولی‌فقیه رژیم آب‌اله علی خامنه‌ای می‌شدند.

ترورسیم ملایان وجه دیگری هم دارد. تولید سلاح‌های کشتار جمعی و موشکهای بالیستیک. در آوریل سال گذشته، ملایان ۷۷ سوئدک به‌کارخانه‌های مقاومت مقرادار دموکراسی ایران شلیک کردند.

حملات ۱۱ سپتامبر در آمریکا دلاور خطیب سهم‌دار کشتار ترورسیم است. ملایان از سال ۱۹۷۹ تاکنون نام اسلام و نجنب نام خدا، ترورسیم را اجرا نموده‌اند. بیش از ۹۰ درصد اشغال ترورسیتی در ۲۳ سال گذشته به‌طور مستقیم توسط رژیم ملایان و عوامل آنان انجام شده است. ملاحم که ملایان بر سر کار هستند، ترورسیم نجنب نام اسلام ادامه خواهد یافت.

در حالی که جهان در مخالفت با ترورسیم بن‌المللی متحد می‌شود، حقوق مردم ایران برای مخالفت با کسانی که آنها را ترور می کنند، بی‌دلیب به رسمیت شناخته شود. شورای ملی مقاومت ایران، ائتلافی که سازمه برای یک حکومت دموکراتیک، غیر دینی و کثرت‌گرا را هدایت می کند، این ترورسیم داخلی را به چالش می طلبد.

یک اکثریت ۳۳۷ نماینده پارلمان، بیش از ۱۰ عضو مجلس اعیان به مانند اکثریت نمایندگان پارلمان در آمریکا و سایر کشورهای اتحادیه اروپا از شورای ملی مقاومت حمایت می کنند.

ما اعضا کنندگان این بیانیه از سازمه مردم ایران و سازمان مجاهدین خلق برای دستیابی به دموکراسی و حقوق بشر به‌عنوان سخن ضروری برای شکست دادن ترورسیم ملایان در داخل و خارج ایران حمایت می کنیم.

اطلاعیهٔ مطبوعاتی



HOUSE OF COMMONS

شورای رژیم:

(رادیو رژیم ۳۰ تیر): نمایندگی از نمایندگان مجلس عوام و اعیان انگلستان در مقابل نقد اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران، اعتراض بشنیدی از گروه تروریستی منافقین شدند. بیش از ۲۵۰ نماینده مجلس عوام و مجلس اعیان انگلیس، روز پنجشنبه گذشته در یک کنفرانس خبری در مجلس نمایندگان انگلیس، از گروه تروریستی منافقین در پناهگیری از دولت تروریزم تحت‌تعریز انگلیس درخواست کردند از این گروه خبوبت نیستند و این در حالی است که اکثر کشورهای اروپایی از جمله انگلستان، این گروه را یک گروه تروریستی نامیده‌اند.

مروری بر طرحهای شکست خوردهٔ دشمن برای ترور رهبر مقاومت

طرح ترور رهبر در سر مزار دکتر شاه‌چراغی

طرح ترور در سالگرد ۳۰ تیر

طرح ترور در سالگرد ۱۵ خرداد

طرح ترور در هتل

طرح ترور در مجلس

طرح ترور در مسجد

طرح ترور در مسجد سیمی

طرح ترور در مسجد جامی

طرح ترور در مسجد ارک

طرح ترور در مسجد دانشگاه

طرح ترور در مسجد سپه

طرح ترور در مسجد قبا

نشریهٔ مجاهد ۵۹۵- سه شنبه اول مرداد ۱۳۸۱

مروری بر طرحهای شکست خوردهٔ دشمن برای ترور رهبر مقاومت

از مرداد۱۳۶۰ تا خرداد۱۳۶۵، ضمن تقریباً ۵سال که رهبر مقاومت ایران در پاریس اقامت داشت، چندین توطئهٔ تروریستی طراحی شده توسط ارگانهای مختلف رژیم خمینی به‌شرح زیر خنثی شد یا درهم‌شکست:

ـ طرح کشانیدن مسعود رجوی به‌لیبی

ـ طرح اعزام تروریستهای صادراتی عرب در پوشش مصاحبهٔ مطبوعاتی

ـ طرح ارسال پاکتهای انفجاری

ـ طرح تروریستی «واحد نهضتهای آزادیبخش سپاه پاسداران»

ـ طرح نفوذ دادن دار و دستهٔ رحیم صفوی در شورای ملی مقاومت زیرعنوان «سازمان مبارزین آزادی»از طریق بنی‌صدر(به‌شرح مندرج در صفحات۱۹۶ و ۱۹۷ گزارش مسئول شورای ملی مقاومت به‌مردم ایران دربارهٔ رابطهٔ بنی‌صدر و اطرافیانش با شورای ملی مقاومت و جریان پیوستن و گسستن آنها)

ـ طرح موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب خمینی از طریق دیپلمات‌ـتروریستهای رژیم در پوشش اعلام پیوستگی به شورای ملی مقاومت

ـ طرح واحد اطلاعات و عملیات خارج از کشور نخست وزیری (بهزاد نبوی، مهندس چمران، مصطفی قنادان و خسرو قنبری) از طریق بهروز ماکویی

ـ طرح ستاد امنیت تهران (بهزاد نبوی، مجید کارشناس، شمخانی، قائم‌مقام سپاه پاسداران) در پوشش نمایندهٔ وزارت ارشاد در سفارت رژیم در پاریس

ـ طرح مسعود هندی و بن‌والی الجزایری در ارتباط با فرانسوا مولیتز از مافیا برای بلند کردن هلیکوپتر از باند فرودگاه تاورنی ساقط کردن آن روی اقامتگاه در اورـسورـاوآز که هندی برای اجرای آن یک میلیون دلار پول نقد در پاریس در اختیار داشت

ـ طرح کانون فرهنگی اسلامی در پاریس از طریق محمد سلیمانی با استفاده از خودروهای اجاره شده از آژانس هرتز و تبدیل آنها به‌خودروهای انفجاری

ـ طرح سریلانکا با شرکت مزدوران عرب رژیم از گروههای مختلف برای تشکیل گردان عملیات انتحاری به‌منظور ترور و بمبگذاری

ـ طرح کمیتهٔ تهران برای اعزام تعدادی کمیته‌چی آموزش دیده برای کمین‌گذاری در مسیر ترددات

ـ طرح هادی غفاری برای اقدام از طریق تروریستهای صادراتی درانگلستان
ـ طرح ناطق نوری از طریق حمید قربانی‌نژاد رئیس یک کمیته در جنوب تهران
ـ طرح جواد منصوری برای اعزام ۱۶ تروریست از طرف کمیتهٔ مرکزی تهران از طریق سفارت رژیم در بن
ـ طرح ساداتیان، کاردار رژیم در لندن، برای رفت و برگشت مخفیانه چندین دانشجوی حزب‌اللهی از لندن به‌تهران برای آموزشهای تروریستی و سپس تظاهر به‌طرفداری از مجاهدین برای نفوذ در انجمن دانشجویان هوادار مجاهدین در لندن
ـ طرح لاجوردی برای اعزام علی عزیزی و حسین عاطفی دو تن از دژخیمان ناشناخته اوین برای گرفتن پناهندگی در ایتالیا یا فرانسه و سپس انجام عملیات تروریستی
ـ طرح نعمت‌اللهی کاردار رژیم در سوئیس از طریق مزدوری به‌نام علی‌اکبر نیک نژاد از نفرات اعزامی توسط بسیج
ـ طرح دیگر سپاه پاسداران از طریق حمید نقاشان (معاون محسن رفیق‌دوست) با تهیهٔ مواد منفجره و سلاح در بلژیک و ربودن هواپیمای ایرفرانس از اتریش
ـ طرح لاجوردی در سفر مخفیانه به‌ترکیه (۲۷سپتامبر۱۹۸۲)از طریق زندانیان آزاد شده
ـ طرح عضوگیری دانشجویان حزب اللهی از تونس و سودان و لیبی برای اعزام آنها به‌پاریس به‌منظور عملیات تروریستی
ـ طرح «اهل بیت‌الاسلامیه»هسته ۵نفری مرکب از مرتضی دستغیب‌ـفاخرـحیدر و جابر لبنانی برای اجرای عملیات در ۲۲بهمن سال۱۳۶۲
ـ طرح مراکش از طریق عبدالمجید شبیبی، که در هنگام عکسبرداری با دوربین تله در یک کیلومتری اقامتگاه اورـسورـاوآز در ۲۰اسفند سال ۱۳۶۲ دستگیر گردید
ـ طرح ایران ایر برای وارد کردن مسلسل و نارنجک و سلاح کمری و فشنگ به‌پاریس در چمدانهای خدمهٔ ایران ایر در آبان ۱۳۶۴ برای انجام یک عمل تروریستی ضربتی که در فرودگاه شارل دوگل پاریس کشف و خنثی گردید
ـ طرح نفوذ در اسکادران فرانسوی حفاظت از اقامتگاه اورـسورـاوآز
ـ طرح خریدن پرسنل پلیس سوئیس

به‌خاطر خنثی‌شدن این قبیل طرحها بود که رژیم خمینی به‌یک موج هواپیماربایی (مانند ربودن هواپیمای ایرفرانس از وین و بردن آن به‌تهران و منفجرکردن آن روی باند فرودگاه مهرآباد در سال ۱۳۶۲ و ربودن هواپیمای ایرفرانس از فرانکفورت به‌تهران در سال۶۳) و مهمتر از آن گروگانگیری اتباع فرانسوی در لبنان مبادرت کرد تا در برابر فرانسه دست پر داشته باشد.از این پس شهرک «جبشیط» در ۱۰کیلومتری جنوب غربی نبطیه در لبنان برای چند سال پذیرای اتباع فرانسوی به‌گروگان گرفته، می‌شود.

«جاسوس خدا»

سال گذشته یک کتاب پرفروش به‌نام «جاسوس خدا» در فرانسه ماجرای دست‌داشتن رژیم آخوندی و به‌طور مشخص سفارت رژیم در پاریس را در چند عملیات تروریستی، که در سالهای ۱۹۸۵ و

نشریهٔ مجاهد ۵۹۵- سه شنبه اول مرداد ۱۳۸۱

۱۹۸۶ در پاریس باعث مرگ و جراحت شمار زیادی از شهروندان فرانسوی شده و هم‌چنین توطئهٔ تروریستی گسترده‌یی را که برای ترور رهبر مقاومت ایران طراحی شده بود، در ۴۲۰صفحه و با ذکر جزئیات بازگو کرد.

این کتاب توسط «پاتریک راپیه»، نویسنده و سردبیر هفته نامهٔ فرانسوی ژورنال دودیمانش، با همکاری دو مأمور سرویس ضدجاسوسی فرانسه (DST) نوشته شده است و از جمله شرح داده شده که چگونه وحید گرجی، از مأموران ساواک آخوندی، در پوش مترجم سفارت با گروههای راست افراطی ارتباط برقرار کرد و با به‌کارگرفتن امکانات آنها تا سیم‌کشی پل تنگ و کوچکی در اورسورواز، که اتومبیل مسعود رجوی از روی آن رد می‌شد، پیش رفت. براساس طرح قرار بود این پل هنگام عبور اتومبیل با انفجار مقادیر معتنابهی مواد منفجره منفجر شود. اما سرویس اطلاعات و ضدجاسوسی فرانسه با نفوذ در شبکه تروریستی، طرح را خنثی کرد.

«قاتلان بدون مرز»

رولان ژاکار، نویسندهٔ فرانسوی، در کتابش به‌نام «قاتلان بدون مرز» (چاپ ۱۹۸۵ در پاریس) با اشاره به‌توطئه‌های تروریستی رژیم آخوندی در فرانسه نوشت:«درمورد مسعود رجوی ... رژیم خمینی بر آن بود که او را بعد از آن که هزاران تن از هوادارانش را در داخل ایران از بین برده بود، از میان بردارد، چرا که رجوی هم‌چنان دارای صدها هزار مجاهد در ایران است که برای نبرد آموزش دیده‌اند، اما از رهبران خود که به‌ناچار از ایران خارج شده‌اند، محرومند».

ژاکار با معرفی مسعود هندی، سرتروریست آخوندها در پاریس و برادرزادهٔ خمینی، می‌نویسد:«در سپتامبر ۱۹۸۲، DST (سازمان اطلاعاتی فرانسه) «برادرزاده» را در جریان یک توطئه برای سوءقصد کشف کرد. اطلاعات به‌دست آمده نشان می‌داد که «برادرزادهٔ» امام خمینی مسئول عملیات ترور رهبر مجاهدین، مسعود رجوی، در اورسورواز بود، تروری که هرگز صورت نگرفت».

«چشمانمان را خواهیم بست»

اریک رولو، روزنامه نگار مشهور و سفیر سابق فرانسه در تونس، در دی‌ماه سال گذشته، گوشه‌هایی از ابعاد شگفت‌انگیز توطئه‌های رژیم آخوندی علیه مقاومت ایران را برملا کرد. رولو می‌گوید که قبل از انتخابات سال ۱۹۸۶ در فرانسه، وی از سوی فرانسوآ میتران مأموریت یافت که مخفیانه به‌ایران برود و بر سر آزادی گروگانهای فرانسوی (در لبنان) با مقامهای رژیم مذاکره کند. او همین کار را کرد و در مذاکراتش در تهران به‌یک توافق نیز دست یافت، اما در حالی که برای بازگشت به‌پاریس آماده می شد، طرف مذاکره (رفیق دوست) اعلام کرد که همهٔ توافقهای پیشین لغو شده و معتبر نمی‌باشند. رولو در ادامه می‌گوید:«محمد صادق، از همکاران رفیق‌دوست، به‌من گفت واقعیت این بود که در اتاق کناری شما، نمایندگان اپوزیسیون فرانسه بودند و هر بار که شما خواسته‌یی را می‌پذیرفتید، رفیق‌دوست به‌دیدار آنها می‌رفت و می‌گفت آنها این را قبول کردند، شما چه چیز بیشتری می‌دهید»؟ رولو می‌گوید که مخاطبان فرانسوی رفیق‌دوست، نه فقط «اخراج مسعود رجوی» را پذیرفتند، بلکه «حتی به‌طرفهای ایرانی خود گفته بودند که اگر بخواهید می‌توانید اشخاصی از مخالفانتان را هرکجا که خواستید و توانستید بربایید و ما چشمانمان را خواهیم

بست». (مصاحبه با RFI، ۸ ژانویه ۲۰۰۲)

توضیحات سرکردهٔ پاسداران

سرانجام ، یک ماه واندی پس از عزیمت رهبری مقاومت به‌خاک عراق، محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران در نماز جمعه ۳۰ تیر ۱۳۶۵ در تبریز، شکست طرحها و توطئه‌های ۵ساله را چنین توجیه نمود:

«چرا این همه ماشین ضدگلوله به‌او (رجوی) داده‌اند؟ چرا این همه پلیس امنیتی رد می‌شدند... عده‌یی از رزمندگان لبنان و جاهای دیگر از راههای مختلف پیام می‌دادند، یک صحبتی می‌کردند، می‌گفتند بابا، شما میتران را بخواهید، ما دست و پا بسته او را تحویل می‌دهیم، اما رجوی، ۱۰برابر میتران حفاظت می‌شود ...»

به‌این ترتیب خمینی مرد و حسرت ترور مسعود رجوی را با خود به‌گور برد.

مرگ خمینی

اما پس از مرگ خمینی، بازماندگانش، شمایی از یک استراتژی جدید را دایر بر «زدن سر» همهٔ گروههای مخالف ارائه دادند که بی‌گمان از تابستان سال ۱۳۶۷ و فتوای خمینی دربارهٔ قتل عام زندانیان مجاهد «سرموضع»، سرچشمه و الهام گرفته بود.

کشتار ۳۰ هزار زندانی سیاسی طی چند ماه، هرچند نخستین تجربهٔ فاشیسم آخوندی در قتل‌عام مخالفانش نبود، اما این روش را به‌مثابه یک استراتژی و «راه حل نهایی» ـواژهٔ مورد علاقهٔ نظریه‌پردازان فاشیسم هیتلری برای نسل‌کشی‌ـ برای مقابله با «تهدید اصلی نظام» تثبیت کرد. از همین رو، قتل‌عام سال ۶۷ نه فقط «سیاهترین برگ تاریخ» این رژیم ـبنا به‌توصیف گزارشگر ویژهٔ ملل متحدـ است، بلکه پیامدها و اثرهای ژرف آن بر سیاست‌گذاری هیأت حاکمه و شیوهٔ «ادارهٔ بحران» توسط سردمداران رژیم، کلید فهم سیاستهای جلادان حاکم طی سالیان بعد از آن فاجعهٔ هولناک، به‌خصوص در قبال مقاومت و مخالفان، می باشد.

این همان «خط قرمز»و راز مگویی است که به‌رغم افشاگریهای متقابل جناحها و باندهای متخاصم علیه یکدیگر و روکردن گوشه‌یی از جنایتها و دزدیها در جریان جنگ قدرتی که از سال ۷۶ و شقهٔ مهلک رژیم اوج گرفته، به‌احدی در درون حاکمیت ارتجاع اجازه نزدیک‌شدن به‌آن داده نشده است. اگر هم کسی، ولو به‌غامض‌ترین بیان، به‌ریشه‌داشتن «قتلهای زنجیره»یی در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ نوک‌زده، بلافاصله ـ با تأیید و همکاری کامل خاتمی و باندشـ او را روانهٔ حبس نموده‌اند و در روزنامه‌اش را هم گل گرفته‌اند.

گفته می‌شود حجاریان اکیداً قلم به‌دستان ۲خردادی را از پرداختن به«مسائل»سال ۶۷ و قبل از آن منع کرده و گفته است در صورتی که وارد بحث جنایات رژیم «در آن دوران بشویم»، لاجرم «بازنده»و «در ضعف خواهیم بود»، چرا که «خودمان دست‌اندرکار آن امور بوده‌ایم».

بر چنین مبنایی بود که سیاست بازماندگان خمینی بعد از مرگ او در خرداد ۱۳۶۸، شکل گرفت. «زوج» پرتضاد، اما جدایی‌ناپذیر خامنه‌ایـ رفسنجانی، که بقای رژیم را بار دیگر در خطر می‌دیدند، با این سؤال اساسی مواجه بودند که در فقدان دو منبع اصلی دینامیسم حکومت آخوندی ـیعنی جنگ خانمانسوز و

نشریهٔ مجاهد ۵۹۵- سه شنبه اول مرداد ۱۳۸۱

زعامت بلامنازع خمینی- چگونه می‌توان معجون هفت‌جوشی از باندها و دستجات درون این رژیم -این «عصارهٔ رذائل یک تاریخ»- را زیر چتر یک «نظام» واحد حفظ نمود و بر بحرانهای گریبانگیر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی غلبه کرد.

آنها با تأسی از «راه کار»ی که خمینی یک سال قبل برگزیده بود، سیاست «ترور مخالفان» در خارج کشور را در دستور کار قرار دارند. به‌زعم آنان، بعد از مرگ خمینی که لاجرم تعادل قوای پیشین را دستخوش دگرگونی جدی کرده بود، چنین ضربه‌یی به‌رأس اپوزیسیون، به‌رغم بهای سیاسی و بین‌المللی گزاف آن، ضروری و صرفنظرناکردنی بود. هدف این بود که با ترور سران اپوزیسیون، تهدید بلافصل برای حاکمیت از بین برده شود، موقعیت سیاسی رژیم تثبیت گردد و به‌مزدوران به‌شدت روحیه باختهٔ رژیم قوت قلب داده شود.

ماشین ترور

روز ۲۲ تیر ماه سال ۶۸، تنها چهل روز بعد از مرگ خمینی، شلیک سلاحهای پاسداران اعزامی از تهران در یک آپارتمان در وین، آغاز عملی این استراتژی جدید را اعلام نمود. عبدالرحمان قاسملو، دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران، بر سرمیز مذاکره با فرستادگان رفسنجانی به‌قتل رسید. این ترور توسط اطلاعات نظامی سپاه پاسداران و قرارگاه تروریستی رمضان به‌فرماندهی پاسدار جعفری صحرارودی صورت گرفت. در ۲۳ اسفند ماه همان سال، تلاش یک جوخه تروریستی اعزامی از ایران برای ترور مجاهد خلق محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجهٔ شورای ملی مقاومت در ترکیه، شکست خورد و مجاهد خلق حسین میرعابدینی آماج رگبار تروریستها قرار گرفت.

ضربهٔ بعدی، در ۴اردیبهشت ۱۳۶۹، در سوییس فرود آمد. به‌دنبال ماهها طرحریزی و آماده‌سازی گسترده، دکتر کاظم رجوی، حین بازگشت به‌منزلش در حومهٔ ژنو، هدف قرار گرفت.

ماشین ترور به‌راه افتاده بود و قصد ایستادن نداشت. بعد از چند ترور «موفق» دیگر در پاکستان، ترکیه، عراق، فرانسه و امارات، در ۱۵مرداد ۱۳۷۰، بختیار و دستیارش را با استفاده از یک عامل نفوذی، در پاریس به‌طرز فجیعی توسط مزدوران رژیم آخوندی به‌قتل رساندند.

از دی ماه ۱۳۷۰ تا ۱۶ فروردین ۷۱، آن‌چنان‌که یکی از اطرافیان رفسنجانی گفته‌بود «حالا دیگر نوبت رجوی است»که ذیلاً به‌آن خواهیم پرداخت.

در خرداد۱۳۷۱ مجاهد خلق علی‌اکبر قربانی ربوده شد و زیر شکنجه به‌شهادت رسید.

سپس در ۲۶شهریور ۱۳۷۱ جنایت میکونوس در برلین به‌وقوع پیوست و صادق شرفکندی، دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران، با ۳تن دیگر از همراهانش ترور شدند.

در ۲۵اسفند۱۳۷۱، محمد حسین نقدی، نمایندهٔ شورای ملی مقاومت در ایتالیا، ترور شد.

در اول اسفند ۱۳۷۴ ترور مجاهد خلق زهرا رجبی، عضو شورای رهبری مجاهدین و مجاهد خلق علی مرادی در استانبول به‌وقوع پیوست.

در اسفند ۱۳۷۴ آخوندها به‌طور همزمان برای ترور رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت در پاریس و هم‌چنین ترور مسعود رجوی در بغداد دو توپ غول‌پیکر ۳۲۰ میلیمتری ارسال کردند که یکی در بندر آنورس بلژیک و دیگری در آستانهٔ عمل در بغداد کشف و خنثی گردید.

نشریهٔ مجاهد ۵۹۵- سه شنبه اول مرداد ۱۳۸۱

طرح ترور در بغداد

روز چهارشنبه ۴دی ۱۳۷۰، خبر «در هم‌شکستن توطئهٔ رژیم ایران برای کشتن مسعود رجوی» روی تلکس خبرگزاریهای بین‌المللی توجه بسیاری را به‌خود جلب کرد. خبرگزاری رویتر در این‌باره نوشت: « شورشیان مخالف حکومت تهران می‌گویند توطئهٔ کشتن رجوی خنثی شد. آنها روز چهارشنبه اعلام کردند که توطئه‌یی را برای ترور رهبرشان در بغداد درهم‌شکستند. مسعود و مریم رجوی رهبری این جنبش تبعیدی را که دارای یک ارتش مکانیزهٔ ۴۰،۰۰۰ نفره مستقر در مرز عراق و ایران می‌باشد، برعهده دارند».

از آغاز موج عملیات تروریستی رژیم آخوندی علیه مخالفان در خارج در تابستان سال ۶۸، برای ناظران و آگاهان امور ایران جای تردیدی وجود نداشت که «مسعود رجوی در صدر لیست ترورها قرار دارد». با این حال، انتشار خبر، با شگفتی محافل سیاسی مواجه شد. هفته‌نامهٔ الاسبوع العربی چاپ پاریس، در شمارهٔ ۱۶دی ۷۰ خود، با چاپ تصویر مسعود رجوی در روی جلد، نوشت: «سفارت ایران در بغداد به‌اتاق عملیات تبدیل گردید و مأموریت ترور مسعود رجوی رهبر مجاهدین خلق و مقاومت ایران به‌عهده آن گذاشته شد» زیرا «دشمنی شدیدی میان مسعود رجوی و رژیم ایران وجود دارد که این دشمنی دارای دلیل و در چارچوب جایگاهی که رجوی در صفوف اپوزیسیون مسلحانه و سرسخت علیه ملایان و سیاستهایشان دارد، قابل فهم است... رجوی بیشتر از سایر مخالفان دارای افرادی برای حال و آینده می‌باشد. وی دارای پشتوانهٔ یک زیرساخت نظامی که کارآیی و پایداری خود را به‌خصوص پس از جنگ خلیج به‌اثبات رساند می‌باشد. این نیروی نظامی در ۱۸ اکتبر ۱۹۹۱ در منطقهٔ مرزی عراق و ایران یک رژهٔ نظامی با حضور تحلیلگران نظامی برگزار نمود. رفسنجانی رئیس جمهور ایران در واکنش نسبت به‌این رژه در رادیو تهران گفت: «دشمنان انقلاب به‌فعالیتهای خود ادامه می‌دهند» (۲۷ اکتبر ۱۹۹۱).

درکنار فعالیتهای نظامی که در رژهٔ نظامی و قبل از آن در نبرد علیه گروههای ایرانی که پس از جنگ خلیج در ماه مارس گذشته به‌جنوب عراق نفوذ کردند، خود را نشان داد، مجاهدین درگیر فعالیتهای سیاسی نیز می‌باشند... به‌همین دلیل ترور مسعود رجوی در صدر «لیست ترورها» قرار داشت. (اما) چندین اقدام برای ترور وی با شکست مواجه گردید».

نمایش «۵۹نفره»، زمینه‌چینی برای ترور

یکی از برنامه‌هایی که ساواک آخوندی در آستانهٔ طرح ترور و با هدف زمینه‌سازی سیاسی برای آن به‌صحنه آورد، نمایش تلویزیونی مسخره‌یی با شرکت ۵۹نفر تحت عنوان «اعضای تواب مجاهدین» بود که روز ۲۰آذر ۷۰ در تهران برگزار شد. اطلاعیهٔ دفتر مجاهدین در همان زمان، افشا نمود که «افرادی که در نمایشهای رژیم خمینی برای انتشار اخبار مجعول به‌کار گرفته‌شده‌اند، اغلب یا پاسداران خود رژیم یا اسیران جنگی و سربازان فراری یا آوارگان اجتماعی بوده‌اند» و اراجیف کذب ساواک آخوندی را تماماً تکذیب کردند.

۷سال بعد، کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت در کتابی با عنوان «اسناد طرحها و توطئه های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی رژیم آخوندی»، اسناد سری این ارگان صدور ترور و ارتجاع آخوندی را بر ملا نمود. در این اسناد، به‌نقل از بولتن درونی مجلس آخوندی (مورخ ۱۱دی۷۰)

نشریهٔ مجاهد ۵۹۵- سه شنبه اول مرداد ۱۳۸۱

در مورد ۵۹نفری که در تلویزیون آخوندی به‌نمایش گذاشته شده بودند آمده است: «از این افراد ۷نفر از هواداران تشکیلاتی سابقه‌دار، ۲۸نفر از اسرای منافقین که در عملیات متعددی که منافقین طی سال ۶۷ در نوار مرزی انجام دادند به‌اسارت درآمدند و ۱۵نفر اسیر جنگی که در اردوگاههای اسرا به‌منافقین پیوسته‌اند و مابقی اعضای یک خانوادهٔ عرب ۹نفره می‌باشند که در عراق پناهنده شده بودند».

شکست طرح ترور

ساعت ۹صبح روز دوشنبه ۲دیماه ۱۳۷۰ دو تن از دیپلمات تروریستهای رژیم آخوندی به‌اسامی منوچهر پاک‌آئین و میرزاده در حالی که از اتومبیلهای دارای شمارهٔ دیپلوماتیک و دارای مصونیت سیاسی برای اجرای طرح خود استفاده می‌کردند، با تیر اخطار مجاهدین در خود پیچیدند و تودهنی محکمی دریافت کردند.سپس هر دو دستگیر و تحویل پلیس شدند. از چندی قبل مجاهدین مطلع شده بودند که در وزارت اطلاعات دشمن گفته شده که «چند هفته بیشتر طول نخواهد کشید تا مسعود رجوی ترور شود». یکی از اطرافیان رفسنجانی هم گفته بود «حالا دیگر نوبت رجوی است، چرا که هر چه فتنه و دردسر داریم زیر سر ایشان است».

آنگاه اطلاعات آخوندها که از در هم‌شکسته‌شدن طرح ترور و مجروح شدن دیپلومات تروریست خود شوکه شده بود، در رادیو و تلویزیون رژیم خبر داد: «یکی از دیپلوماتهای جمهوری اسلامی ایران در بغداد ساعت ۹صبح روز گذشته مورد حملهٔ مسلحانه قرار گرفت و به‌شدت مجروح شد. به‌دنبال این اقدام جنایتکارانه، فخری حمودی دینی، کاردار عراق در تهران نیمه‌شب دوشنبه به‌وزارت امور خارجه احضار شد و آقای فومنی مدیرکل وزارت خارجه در امور خلیج‌فارس مراتب نگرانی و اعتراض شدید جمهوری اسلامی ایران از این حادثهٔ غیرمترقبه را به‌کاردارعراق در تهران ابلاغ کرد».

واکنش پارلمان اروپا

توطئه شکست خوردهٔ رژیم آخوندی برای ترور رهبر مقاومت از سوی بسیاری از شخصیتهای سیاسی در کشورهای مختلف محکوم شد. در ۲۱ اسفند ۱۳۷۰ (۱۲ مارس ۱۹۹۲)، پارلمان اروپا با صدور قعطنامه‌یی (سند شمارهٔ B۳-۱۳۱۷/۹۲)، در این‌باره اعلام کرد: «پارلمان اروپا افزایش مستمر فعالیتهای تروریستی رژیم ایران در خارج ایران از طریق هیأتهای دیپلوماتیکش ـ و به‌ویژه طرح شکست‌خوردهٔ سوءقصد به‌جان آقای مسعود رجوی، رهبر مقاومت ایران ـ را محکوم می‌کند».

طرحهای جدید

۵ روز بعد از شکست طرح ترور، جلسهٔ شورای عالی امنیت ملی در روز شنبه ۷ دی به ریاست رفسنجانی و با حضور اعضای اصلی شورا و نیز فلاحیان، سعید امامی، معاون امنیت فلاحیان، و احمد وحیدی، فرمانده نیروی قدس سپاه، برای بررسی علل شکست تشکیل شد. در این بررسیها نتیجه‌گیری به‌عمل آمد که هوشیاری امنیتی مجاهدین به‌کارگیری طرحهای پیچیده‌تری را ضروری می‌سازد و لذا به‌وزارت اطلاعات و سپاه قدس مأموریت داده شد که طرحهای جدیدی را مشترکاً تنظیم و به‌شورای عالی امنیت ملی ارائه کنند.

اما از آن‌جا که طرح ۲۸ اسفند ۱۳۷۰ نقش بر آب شد، به‌بمباران سنگین قرارگاه اشرف روی آوردند اما از آن‌هم طرفی نبستند.

طرح ترور بر سر مزار دکتر کاظم رجوی

شورای عالی امنیت رژیم در نشست ۱۰مرداد ۷۱ بنابه‌پیشنهاد رفسنجانی تصمیم به‌تأسیس «ستاد فرماندهی امور عراق» گرفت. و «کمیتهٔ بررسی مسائل عراق» که تا آن تاریخ تحت نظارت خامنه‌ای بیشتر مسائل سیاسی گروههای عراقی را دنبال می‌کرد، در این ستاد ادغام شد. علی آقا محمدی، که ریاست کمیتهٔ بررسی مسائل عراق را داشت، به‌فرماندهی این ستاد منصوب شد و آخوند مصطفی پورمحمدی، قائم‌مقام وقت وزارت اطلاعات، پاسدار سرتیپ کاظمی معاونت وقت اطلاعات سپاه، پاسدار کنعانی فرمانده پادگان آموزشی نیروی قدس، محمدعلی رحمانی فرمانده سپاه ۹ بدر و پاسدارسرتیپ سعید تقی‌پور و پاسدار سرتیپ رضا صادقی به‌عنوان اعضای این ستاد مشخص شدند.

سپس در تاریخ ۲۷دی۷۱ ستاد فرماندهی امور عراق در حضور خامنه‌ای در کاخ نیاوران تشکیل شد. در این جلسه خامنه‌ای و رفسنجانی، آقامحمدی را موظف کردند که با کمک وزارت اطلاعات طرحهای نظامی و تروریستی جدیدی علیه مجاهدین ـ با تمرکز روی رهبری مقاومت ـ ارائه کند.

از میان طرحهای مختلف که توسط این ستاد مورد بررسی قرار گرفت، یک طرح جدیتر از بقیه در دستور کار قرار گرفت.

طبق این طرح، قرار بود مواد منفجره قدرتمند C۴ در قبری نزدیک مقبرهٔ شهید دکتر کاظم رجوی در گورستان وادی‌السلام (در کربلا) از قبل کار گذاشته شود و هرگاه رهبر مقاومت برای زیارت مزار شهیدان مجاهد و برادرش به‌گورستان وادی‌السلام بیاید، مواد منفجره با کنترل راه دور منفجر شود.

وزارت اطلاعات یکی از مأمورانش، به‌نام حاج حامد را که از سرکردگان عملیات تروریستی علیه مجاهدین در عراق بود، مأمور اجرای طرح نمود. حاج حامد، ابوحنا بغدادی، از سرشبکه‌های تروریستی رژیم در بغداد را به‌همراه دو تروریست دیگر به‌نامهای عبدالوهاب و عماری، به‌شهر مهران فراخواند. تروریستها پس از توجیه شدن نسبت به طرح و دریافت ۳۰۰۰ دلار پول برای تهیه امکانات اولیه، در اواسط سال ۷۲ ازمنطقه قلاویزان از مرز بدره به‌عراق بازگشتند.

مزدور عبدالوهاب به‌کربلا رفته و باافرادی که به‌منظور استفاده از آنها در اجرای این طرح در نظر گرفته شده بود ارتباط برقرار کرد.او در یک خانهٔ متروکه در ۵کیلومتری کربلا ساکن شد و شناسایی مقبرهٔ دکتر کاظم رجوی در وادی‌السلام را آغاز کرد.

بعد از مدتی شناسایی مزدوران به‌ایران بازگشته و گزارش شناساییها و پیشرفت و موانع کار را به‌حاج حامد تسلیم کردند. وزارت اطلاعات به‌خاطر اطمینان از مزدورانش قبل از اجرای این طرح دو عملیات برای آنها مشخص می‌کند تا مطمئن شود طرح تضمین داشته باشد.

تروریستها ۳۶ کیلو مواد منفجره C۴ را، که از ایران آورده بودند، به‌همراه خرجهای استاندارد هدایت‌شدهٔ مهندسی داخل قبری در نزدیکی مقبرهٔ دکتر کاظم کار گذاشتند.

طرح این بود که حین زیارت رهبری مقاومت از مزار، تروریستها قادر باشند از داخل خودرویشان روی جاده، در فاصلهٔ حدود ۷۰۰ متری این قبر با کنترل از راه دور آن را منفجر کنند. تروریستها طبق

نشریهٔ مجاهد ۵۹۵- سه شنبه اول مرداد ۱۳۸۱

شناساییهای قبلی، انتظار داشتند که زیارت از مزار شهیدان مجاهد، بلافاصله بعد از زیارت حرم امام حسین (ع) صورت بگیرد. از این رو، مأمورانی را استخدام کرده بودند که به‌محض رؤیت سوژه‌ها در حرم امام حسین، آنان را برای اجرای طرح در گورستان وادی‌السلام باخبر کنند.
اما این توطئه نیز قبل از اجرا در هم شکست.

ورود فلاحیان و سعید امامی

گروه حقوق بشر پارلمان انگلستان در تحقیقات خود پیرامون تروریسم رژیم آخوندی، بر زمینه‌سازی سیاسی و کار اطلاعاتی بریده مزدوران انگشت گذاشته و می‌نویسد: «یک شیوهٔ دیگر استفاده از تعداد اندکی بریده می‌باشد که در یک مقطع با سازمانها یا افراد اپوزیسیون همکاری می‌کردند. این افراد به‌دلیل کمبود یا فقدان هرگونه انگیزه‌یی برای ادامهٔ مبارزه و حفظ اصول، خود را به‌رژیم ایران فروخته‌اند. این افراد تاکنون با ارزش‌ترین اطلاعات و خدمت سیاسی را برای رژیم فراهم ساخته‌اند. علاوه بر فراهم‌کردن اطلاعات در مورد اهداف تروریستی رژیم، آنها با اشاعهٔ تبلیغات علیه افراد یا سازمانهایی که قبلاً با آنها کار می‌کرده‌اند و واردآوردن این اتهام که آنها بدتر از رژیم حاکم هستند، زمینهٔ سیاسی برای قتل ناراضیان را فراهم می سازند»(صفحهٔ ۹، کتاب «ایران، حکومت ترور، از انتشارات گروه حقوق بشر پارلمان انگلستان، لندن ژوئن ۱۹۹۶).
واقعیت این است که فلاحیان و سعید حجاریان و علی ربیعی در وزارت اطلاعات پس از جمعبندی شکستهای مستمر پیشین به‌این راه حل رسیده بودند.
در همین راستا، فلاحیان و سعید امامی کارت شناخته شدهٔ «اعضای سابق مجاهدین» را با استفاده از بریده‌مزدوران به‌کار گرفتند تا با علم‌کردن آنها به‌عنوان «قربانیان سرکوب در درون مجاهدین»، به‌نتیجهٔ مطلوب سیاسی و تروریستی دست پیدا کنند.

پاسخ لرد ایوبری

لرد ایوبری، شخصیت برجستهٔ مدافع حقوق بشر در انگلستان، که سالها وضعیت حقوق بشر در ایران را زیر نظر داشته است، به‌دنبال قتل دو اسقف و یک کشیش کلیسای ربانی در ایران، نامه‌یی از سوی کاردار رژیم آخوندی در لندن، همراه با انبوهی ضمایم دریافت کرد که در آن مجاهدین را متهم به‌ارتکاب این قتلها می‌نمود. رژیم آخوندی مدعی بود که اعضای مجاهدین خود به‌این‌جنایات اعتراف کرده‌اند. نوشته‌های مزدوری به‌نام نوروزعلی رضوانی در نیمروز لندن نیز به‌عنوان گواهی از سوی کاردار رژیم ضمیمه شده بود.
لرد ایوبری در پی تحقیقات بیشتر به‌کاردار رژیم چنین پاسخ داد: «تعداد بسیار زیادی افراد خوب وجود دارندکه سابقاً در ارتش آزادیبخش ملی بوده‌اند و اکنون به‌عنوان پناهنده در اروپای غربی زندگی می‌کنند...اتهامات ریز مطرح شده توسط آقای رضوانی را غیرممکن بتوان چک کرد، اما دلایل عام وجود دارند که بتوان به‌قابل اتکابودن (این ادعاها) شک کرد. اولین و مهمترین دلیل به‌نظرمن این است که رژیم به‌طور گسترده از مطالب او در تبلیغات خود استفاده می‌کند. ثانیاً او ظاهراً این اتهام بی‌نظیر را ساخته است که قتل‌عام زائران در سال ۱۹۸۷ در مکه، نتیجهٔ یک توطئهٔ مشترک عـراقیها و مجاهدین بوده است. ثالثاً درسال ۱۹۹۱ او از سازمان مجاهدین خلق به‌دلرباترین نحو تعریف و ستایش کرده است. رابعاً

نشریهٔ مجاهد ۵۹۵- سه شنبه اول مرداد ۱۳۸۱

او به‌مرکز کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در رمادی، به‌عنوان زندان کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد اشاره می‌کند. به‌دلایل فوق من به‌قابل اتکا بودن آقای رضوانی مطمئن نیستم». (نامه لرد ایوبوری به‌کاردار رژیم در لندن، ۵مهر۱۳۷۴ـ ۲۷سپتامبر۱۹۹۵)

پاسخ استیون هیوز

در سال۷۲، سعید امامی تعدادی از عناصر خودش را تحت‌عنوان «اعضای سابق مجاهدین» سراغ گروه لیبرال پارلمان اروپا فرستاد تا مدعی شوند که ۱۷تن از اعضای سابق مجاهدین در زندان این سازمان در شهر رمادی عراق مدتهاست در اعتصاب غذا به‌سر می‌برند. آنها نیز براساس توجیه وزارت اطلاعات، کمپ التاش در رمادی را به‌عنوان زندان مجاهدین معرفی کردند.

استیون هیوز، نمایندهٔ پارلمان اروپا که سالها مسألهٔ نقض حقوق‌بشر در ایران را تعقیب کرده است، دراین‌باره در نامه‌یی به پروفسور کاپیتورن، نمایندهٔ ویژه ملل متحد، نوشت: «دولت ایران که قادر نیست از پروندهٔ نقض حقوق‌بشر خود دفاع کند، به‌طور مستمر تلاش کرده برای سرپوش‌گذاشتن بر جنایات تهران در در داخل و ضدور تروریسم و فناتیسم در خارج چهرهٔ اپوزیسیون ایران را مخدوش سازد. من و دوستانم در پارلمان در این رابطه تجربهٔ دست اول از رژیم ایران داریم. در سال ۹۳ یک گروه از به‌اصطلاح ناراضیان شورای ملی مقاومت و مجاهدین با گروه لیبرال تحت عنوان دفاع از آنهایی‌که در زندانهای مختلف در عراق ازجمله کمپ التاش(شهر رمادی عراق) مورد بد رفتاری قرارگرفته بودند، تماس گرفتند. آنها عمداً در مورد کمپ مزبور و یک اعتصاب غذا در آن‌جا اطلاعات غلط به‌ما دادند. بعد از این‌که ما تحقیقاتی از طریق دفتر کمیساریای عالی پناهندگان در ژنو و بروکسل انجام دادیم ، متوجه شدیم که التاش یک کمپ پناهندگی تحت نظارت سازمان ملل متحد و دولت عراق است و نه زندان مجاهدین. اعتصاب غذای ایرانیان در کمپ التاش، اعتراضی علیه تأخیر کمیساریای عالی پناهندگان برای جابه‌جایی این پناهندگان به‌یک کشور سوم بود و نه اعتراضی علیه مجاهدین».(نامهٔ استیون هیوز به‌پرفسور کاپیتورن، ۱۷بهمن۱۳۷۴- ۶فوریه۱۹۹۶)

چند سؤال اساسی

در پایان این مرور اجمالی که با اختصار تمام صورت گرفت، سؤالاتی مطرح است که از ذهن جستجوگر دست برنمی‌دارد. به‌طرح برخی از آنها بسنده می‌کنیم:

ـ راستی چرا تمامی سرمایه‌گذاریهای ۲۳ سالهٔ خمینی و جانشینان او و تمام دستگاه جاسوسی و کشتار و توطئه‌گری علیه مجاهدین و مقاومت ایران و رهبری این مقاومت، نتیجه‌بخش نبوده است؟

ـ مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی چگونه و با اتکا به‌چه حصن حصینی خود را از این همه دسیسه و پلیدکاری دشمن خون‌آشام در امان نگاه داشته‌اند؟ پشت آنها به‌چه‌چیز گرم است و سرچشمهٔ این توانمندی در کجاست؟

ـ و راستی علت این همه کین‌توزی حیوانی و سبعانهٔ دشمن و مزدورانش علیه رهبر این مقاومت به‌خاطر چیست؟ لابد که سرنوشت یک خلق و یک میهن در میان است.

نشریه مجاهد در اول مرداد ۱۳۸۱ از ۲۶ طرح مشخص برای ترور رهبر مقاومت ایران در فرانسه نام برد: ـ طرح کشانیدن مسعود رجوی به لیبی
ـ طرح اعزام تروریستهای صادراتی عرب در پوشش مصاحبهٔ مطبوعاتی
ـ طرح ارسال پاکتهای انفجاری ـ طرح تروریستی «واحد نهضتهای آزادیبخش سپاه پاسداران»



ـ طرح نفوذ دادن عوامل رحیم صفوی سرکردهٔ بعدی سپاه پاسداران در شورای ملی مقاومت زیر عنوان «سازمان مبارزین آزادی»
ـ طرح موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب خمینی از طریق دیپلمات تروریستهای رژیم در پوشش اعلام پیوستگی به شورای ملی مقاومت



- طرح واحد اطلاعات و عملیات خارج از کشور نخست‌وزیری (بهزاد نبوی، چمران، مصطفی قنادان و خسرو قنبری) از طریق بهروز ماکویی
- طرح ستاد امنیت تهران (بهزاد نبوی، مجید کارشناس، شمخانی، قائم‌مقام سپاه پاسداران) در پوشش نمایندهٔ وزارت ارشاد در سفارت رژیم در پاریس ـ طرح مسعود هندی و بن‌والی الجزایری در ارتباط با مافیا برای بلند کردن هلیکوپتر از باند فرودگاه تاورنی، ساقط کردن آن روی اقامتگاه در اورسوراواز که هندی برای اجرای آن یک میلیون دلار پول نقد در پاریس در اختیار داشت ـ طرح کانون فرهنگی اسلامی در پاریس از

طریق محمد سلیمانی با استفاده از خودروهای اجاره شده از آژانس هرتز و تبدیل آنها به خودروهای انفجاری ـ طرح سریلانکا با شرکت مزدوران عرب رژیم

ـ طرح کمیتهٔ تهران برای اعزام تعدادی کمیته‌چی آموزش دیده برای کمین‌گذاری در مسیر ترددات ـ طرح هادی غفاری برای اقدام از طریق تروریستهای صادراتی در انگلستان



ـ طرح ناطق نوری از طریق حمید قربانی‌نژاد رئیس یک کمیته در جنوب تهران ـ طرح جواد منصوری برای اعزام ۱۶تروریست از طرف کمیتهٔ مرکزی تهران از طریق سفارت رژیم در بن ـ طرح ساداتیان، کاردار رژیم در لندن، برای رفت و برگشت مخفیانه چندین دانشجوی حزب‌اللهی از لندن به تهران برای آموزشهای تروریستی و سپس تظاهر به‌طرفداری از مجاهدین برای نفوذ در انجمن دانشجویان هوادار مجاهدین در لندن ـ طرح لاجوردی برای اعزام علی عزیزی و حسین عاطفی ۲ تن از دژخیمان ناشناخته اوین برای گرفتن پناهندگی در ایتالیا یا فرانسه و سپس انجام عملیات تروریستی ـ طرح نعمت‌اللهی کاردار رژیم در سوئیس از طریق مزدوری به نام علی‌اکبر نیک‌نژاد از نفرات اعزامی توسط بسیج ـ طرح دیگر سپاه پاسداران از طریق حمید نقاشان (معاون محسن رفیق‌دوست) با تهیه مواد منفجره و سلاح در بلژیک و ربودن هواپیمای ایرفرانس از اتریش ـ طرح لاجوردی در سفر مخفیانه به ترکیه (۲۷ سپتامبر ۱۹۸۲) از طریق زندانیان آزاد شده ـ طرح عضوگیری دانشجویان حزب‌اللهی از تونس و سودان و لیبی برای اعزام آنها به پاریس به‌منظور عملیات تروریستی ـ طرح «اهل بیت‌الاسلامیه»هستهٔ ۵نفری مرکب از مرتضی دستغیب، فاخر، حیدر و جابر لبنانی برای اجرای عملیات در ۲۲بهمن سال ۱۳۶۲ ـ طرح مراکش از طریق عبدالمجید شبیبی، که در هنگام عکسبرداری با دوربین تله در یک کیلومتری اقامتگاه اورسواواز در ۲۰اسفند سال ۱۳۶۲ دستگیر گردید ـ طرح ایران ایر برای وارد کردن مسلسل و نارنجک و سلاح کمری و فشنگ به پاریس در چمدانهای خدمه ایران ایر در آبان ۱۳۶۴ برای انجام یک عمل تروریستی ضربتی که در فرودگاه شارل دوگل پاریس کشف و خنثی گردید ـ طرح نفوذ در اسکادران فرانسوی حفاظت از اقامتگاه اورسواواز ـ طرح خریدن پرسنل پلیس سوئیس به‌خاطر خنثی‌شدن این قبیل طرحها بود

که رژیم خمینی به یک موج هواپیماربایی دست زد،[۴۶] و مهمتر از آن به گروگانگیری اتباع فرانسوی در لبنان مبادرت کرد تا در برابر فرانسه دست پر داشته باشد. از این پس شهرک «جبشیط» در ۱۰ کیلومتری جنوب غربی نبطیه در لبنان برای چند سال پذیرای اتباع فرانسوی به گروگان گرفته، می‌شود.

در چنین شرایطی شورای ملی مقاومت در اجلاس فوق‌العاده روز ۲۳اردیبهشت ۱۳۶۵، یک هفته پس از آخرین باری که عوامل رژیم با حمایت سرویسهای فرانسوی برای حادثه‌سازی به اطراف اقامتگاه آمدند، به‌اتفاق‌آرا تصمیم گرفت که مسئول شورا به‌منظور خنثی‌کردن توطئه‌های رژیم خمینی و برای سازمان‌دادن نیروهای نظامی مقاومت، به جوار خاک میهن در کشور عراق عزیمت کند.

با پرواز رهبر مقاومت به جوار خاک میهن در عراق این توطئهٔ بزرگ خنثی شد. اما پس از آن باز هم طرحهای گوناگونی برای ترور رهبر مقاومت ایران توسط رژیم ریخته شد به‌خصوص پس از مرگ خمینی، بازماندگانش، شمایی از یک استراتژی جدید را دایر بر «زدن سر» همهٔ گروههای مخالف ارائه دادند.

آنها با تأسی از «راه کار»ی که خمینی یک سال قبل برگزیده بود، سیاست «ترور مخالفان» در خارج کشور را در دستور کار قرار دارند. و ماشین ترور رژیم آخوندی به‌خصوص در ترکیه و فرانسه و آلمان و سویس به‌کار افتاد. تا این‌که روز چهارشنبه ۴ دی ۱۳۷۰، خبر «درهم‌شکستن توطئهٔ رژیم ایران برای کشتن مسعود رجوی» روی تلکس خبرگزاریهای بین‌المللی توجه بسیاری را به‌خود جلب کرد.

از آغاز موج عملیات تروریستی رژیم آخوندی علیه مخالفان در خارج در تابستان سال ۶۸، برای ناظران و آگاهان امور ایران جای تردیدی وجود نداشت که «مسعود رجوی در صدر لیست ترورها قرار دارد». با این‌حال، انتشار خبر، با شگفتی محافل سیاسی مواجه شد.

ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۲دیماه ۱۳۷۰ دو تن از دیپلمات تروریستهای رژیم آخوندی به اسامی منوچهر پاک‌آئین و میرزاده در حالی‌که از اتومبیلهای دارای شمارهٔ دیپلوماتیک و دارای مصونیت سیاسی برای اجرای طرح خود استفاده می‌کردند، با تیر اخطار مجاهدین تودهنی محکمی دریافت کردند. سپس هر دو دستگیر و تحویل پلیس شدند.

یک دهه بعد، ابراهیم ذاکری که از سال ۱۳۷۲ تا زمان درگذشتش در پاریس، مسئولیت کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت ایران را برعهده داشت، جزئیات بیشتری را در بارهٔ طرح ترور رهبر مقاومت در دیماه ۱۳۷۰ فاش کرد. در اطلاعیهٔ کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت ایران ۳۱خرداد ۱۳۸۱ آمده است:

۴۶-مانند ربودن هواپیمای ایرفرانس از وین و بردن آن به تهران و منفجرکردن آن روی باند فرودگاه مهرآباد در سال ۱۳۶۲ و ربودن هواپیمای ایرفرانس از فرانکفورت به تهران در سال ۶۳



به گزارش خبرگزاریهای بین‌المللی و طبق اطلاعیه‌های مجاهدین در دیماه ۱۳۷۰، در روز دوم دیماه همان سال، دیپلومات - تروریستهای رژیم آخوندی در نزدیکی دفتر مرکزی مجاهدین در بغداد، ورود مسعود رجوی را انتظار می‌کشیدند. اما مجاهدین پیش‌دستی کردند و روز بعد خبرگزاریهای فرانسه و رویتر گزارش کردند «رژیم ایران اعلام کرد دو تن از دیپلوماتهایش در بغداد به‌شدت توسط مجاهدین زخمی شده‌اند».

متعاقباً در ۲۸اسفند ۱۳۷۰، رادیو و تلویزیون و مطبوعات رژیم آخوندی طبق یک خبر عجولانهٔ وزارت اطلاعات اعلام کردند «رجوی توسط محافظانش ترور شد». ظاهراً کد ارسالی «نشد» در اطلاعات آخوندها «شد» خوانده شده بود.

۱۷روز بعد دشمن حسرت‌زده با بمباران سنگین قرارگاه اشرف که با ۱۳جنگنده بمب‌افکن فانتوم و ۳۰تن بمب انجام شد و عمدتاً بر روی مقر فرماندهی متمرکز بود، قصد تلافی داشت. اما این‌بار هم تیرش به سنگ خورد. هرچند که باز هم یک مزدور دیگر رژیم به نام کاظم سلیمانی بعداً به رژیم خبر داد و در همه رسانه‌های رژیم نیز منعکس گردید که وی شخصاً کشته‌شدن فهیمه اروانی، مریم رجوی و مسعود رجوی را به چشم دیده است....»



حملهٔ ۱۳جنگنده بمب افکن به قرارگاه اشرف



لاشهٔ هواپیمای F۴ سرنگون شده و دو خلبان به اسارت درآمده

صفحه ۱۴ — شماره ۲۹۰ — مجاهد

بیانیهٔ شورای امنیت ملل متحد دربارهٔ حملهٔ هوایی رژیم خمینی به یک قرارگاه ارتش آزادیبخش ملی

شورای امنیت سازمان ملل به دنبال نشست محرمانه‌ی خود که حوالی ساعت ۳/۵ بامداد روز ۱۸فروردین به پایان رسید، طی بیانیه‌ای که توسط رئیس شورا قرائت گردید، نگرانی شدید خود نسبت به تهاجم هوائی رژیم خمینی به یک قرارگاه ارتش آزادیبخش ملی ایران در خاک عراق را اظهار نمود و از دفاتر سازمان ملل در بغداد و تهران خواست دربارهٔ حمله هوایی و دعاوی رژیم خمینی تحقیقات لازم را بعمل بیاورند.

روز یکشنبه۱۶فروردین در پی تهاجم هوایی شکست‌خورده رژیم خمینی، رهبر مقاومت ایران برادر مجاهد مسعود رجوی طی نامه‌ای خطاب به دبیرکل ملل متحد و رئیس و اعضای شورای امنیت خواستار طرح موضوع در شورای امنیت و تنبیه دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران در این رابطه شده بود. متعاقباً وزیر خارجه عراق نیز در روز یکشنبه رسماً بخاطر نقض آتش‌بس و تجاوز به حریم هوائی این کشور که زیر پا گذاشتن آشکار قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی رژیم خمینی است به این شورا شکایت کرد.

شایان ذکر است که بدنبال صدور بیانیه‌ی شورای امنیت مسئول شورای ملی مقاومت برادر مجاهد مسعود رجوی با ارسال تلگرامی برای دبیرکل ملل متحد و رئیس و اعضای شورای امنیت سازمان ملل ضمن استقبال از بیانیه‌ی اجلاس شورای امنیت ملل متحد و ابراز نگرانی این شورا نسبت به حملهٔ تجاوزکارانه هوایی رژیم خمینی به یکی از قرارگاههای ارتش آزادیبخش برای تحقیقات مسئولان ملل متحد آرزوی موفقیت نمود. رهبر مقاومت با اشاره به بازدید رئیس دفتر دبیرکل ملل متحد در عراق، و هیأت همراهش از قرارگاه اشرف و همچنین از لاشه‌ی هواپیمای جنگنده ـ بمب‌افکن رژیم که توسط ارتش آزادیبخش ملی ایران سرنگون گردید، دعاوی رژیم خمینی مبنی بر اینکه گویا حمله‌ی هوایی مزبور به تلافی تعرض شب قبل مجاهدین به دو روستای مرزی ایران صورت گرفته، مطلقاً دروغ خواند که برای موجه نشان‌دادن این حمله و فرار از زیر بار مسئولیت‌ها و عواقب بین‌المللی آن سرهم‌بندی شده است.

رهبر مقاومت سپس آمادگی کامل مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی ایران را برای هرگونه همکاری در تسهیل و تسریع این تحقیقات اعلام نمود.

همچنین پیشنهاد نمود که نماینده‌ای از سوی مقاومت ایران، برای ادای توضیحات و ارائه‌ی اسناد مربوط به این تهاجم هوایی، در جلسه‌ی آتی شورای امنیت که برای رسیدگی به این موضوع تشکیل خواهد شد شرکت نماید.

واکنش پارلمان اروپا

توطئهٔ شکست‌خوردهٔ رژیم آخوندی برای ترور رهبر مقاومت در دیماه ۱۳۷۰ از سوی بسیاری از شخصیتهای سیاسی در کشورهای مختلف محکوم شد.

در ۲۱اسفند ۱۳۷۰ [۴۷] پارلمان اروپا با صدور قعطنامه‌یی (سند شماره B۳-۰۱۳۱۷/۹۲) در این باره اعلام کرد: «پارلمان اروپا افزایش مستمر فعالیتهای تروریستی رژیم ایران در خارج ایران از طریق هیأتهای دیپلوماتیکش و به‌ویژه طرح شکست‌خورده سوءقصد به جان آقای مسعود رجوی، رهبر مقاومت ایران را محکوم می‌کند».


RESOLUTION B3-0317/92

the violation of human rights in

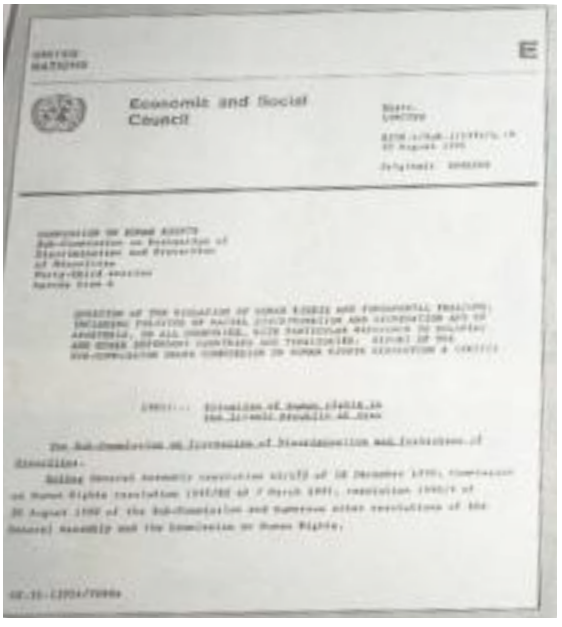
Parliament,

regard to its resolut

, condemning the flagrant

قطعنامهٔ سوکمیسیون حقوق بشر ملل متحد

توطئهٔ رژیم آخوندی برای ترور رهبر مقاومت ایران در سوکمیسیون حقوق بشر ملل متحد نیز محکوم گردید.


E

Economic and Social Council

۴۷- ۱۲ مارس ۱۹۹۲

سوکمیسیون حقوق بشر در قطعنامهٔ خود به‌تاریخ ۲۷ اوت ۱۹۹۲ برابر با ۵ شهریور ۱۳۷۱: «نسبت به سوءقصد نافرجام علیه جان آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران در دسامبر ۱۹۹۱ [۴۸] ابراز نگرانی می‌کند و ترور پروفسور کاظم رجوی در سوییس را قویاً محکوم می‌نماید».



پطروس غالی دبیرکل وقت سازمان ملل متحد

واکنش سنای آمریکا

در ۲۸اکتبر ۱۹۹۲، ۶۲ سناتور آمریکایی در نامه‌یی خطاب به پطرس غالی دبیرکل وقت ملل متحد، با یادآوری محکومیت رژیم آخوندی در اقدام برای ترور رهبر مقاومت ایران در پارلمان اروپا و کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و با یادآوری نقض شدید حقوق بشر در ایران، از شورای امنیت ملل متحد خواستار اقدامات مؤثر برای پایان دادن به تهدید فزاینده رژیم ایران در قبال مردم ایران و جامعهٔ جهانی گردیدند. در نامه سناتورها آمده بود:

« طبق آخرین گزارش وزارت خارجهٔ آمریکا در مورد تروریسم، ایران هم‌چنان یکی از کشورهای اصلی حامی تروریسم می‌باشد. دستگاههای اطلاعاتی ایران هم‌چنان حملات تروریستی را، به‌خصوص علیه مخالفان رژیم که خارج از کشور اقامت دارند، تسهیل نموده و به اجرا می‌گـذارند. این سیاست با تائید بالاترین مقامهای رژیم صورت می گیرد».

در قطعنامه‌های سوکمیسیون حقوق بشر ملل متحد و پارلمان اروپا، از ادامه و تشدید فعالیتهای تروریستی علیه مخالفان درخارج، از جمله توطئهٔ نافرجام دسامبر ۱۹۹۱ برای ترور مسئول شورای ملی مقاومت ایران، آقای مسعود رجوی ، ابراز تاسف شده است.

در ۵ آوریل ۱۹۹۲ دولت رفسنجانی، در وحشت از گسترش اعتراضات مردمی، با نقض قوانین بین‌المللی، از مرزهای بین‌المللی عبور کرده و بار دیگر به قصد از بین بردن رهبران اپوزیسیون، یک قرارگاه مخالفان را بمباران کرد.

-سناتورهای آمریکایی در نامهٔ خود، خاطر نشان کردندکه چشم دوختن به «میانه‌روی» رژیم حاکم بر ایران و دولت رفسنجانی سرابی بیش نیست. چرا که نقض مداوم حقوق

۴۸-دیماه ۱۳۷۰

بشر در ایران ادامه دارد و «سالهاست که رژیم خمینی و جانشینان او، هم‌میهنان خود را، با توسل به اعدامهای جمعی و شکنجه‌های قرون وسطایی، سرکوب نموده و ایرانیان را از حقوق بنیادی‌شان محروم کرده‌اند».



- «صدور تروریسم بین‌المللی یکی دیگر از ویژگیهای این رژیم بی‌رحم است. وزیر اطلاعات رژیم ایران[فلاحیان]، در یک اعتراف بی‌سابقه در ۳۰اوت۱۹۹۲، پذیرفت که دولتش مسئول عملیات تروریستی علیه مخالفان سیاسی و اتباع خارجی درخارج کشور است. بنابراین ایران هم‌چنان یکی از کشورهای اصلی حامی تروریسم می‌باشد و دستگاههای اطلاعاتی ایران هم‌چنان حملات تروریستی را، به‌خصوص علیه مخالفان رژیم که خارج از کشور اقامت دارند، تسهیل نموده و به اجرا می‌گـذارند. این سیاست با تائید بالاترین مقامهای رژیم صورت می‌گیرد».

-۶۲ سناتور آمریکایی در نامهٔ خود هم‌چنین خاطر نشان کرده بودند:

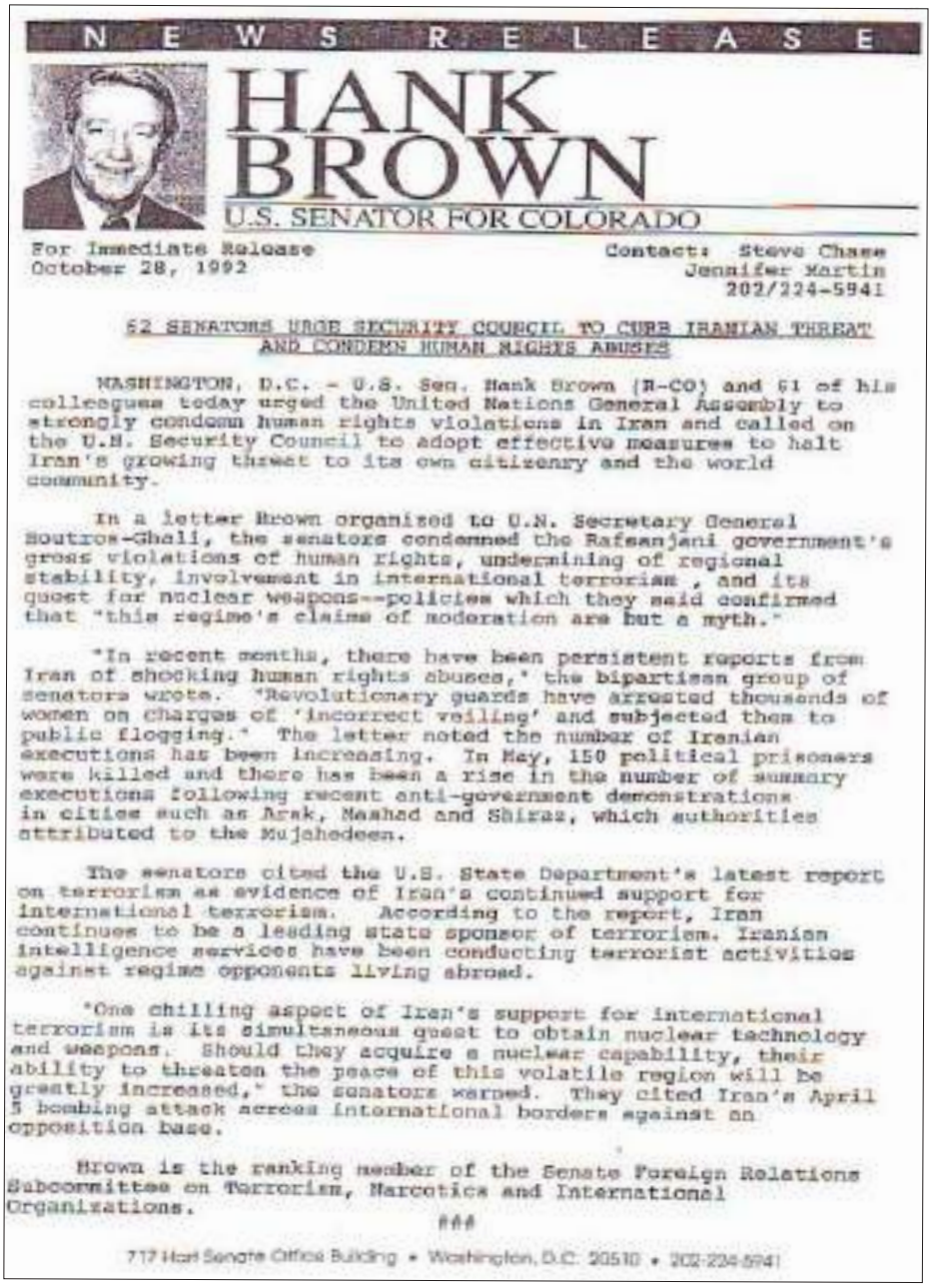
«جنبهٔ رعب‌آوری که در حمایت ایران از تروریسم بین‌المللی وجود دارد، تلاش همزمان این کشور برای به‌دست آوردن تکنولوژی و تسلیحات هسته‌یی است. آنها، در صورتی که امکانات اتمی به دست آورند، توانائیشان برای تهدید صلح این منطقه پرتلاطم به‌نحوی چشمگیر فزونی خواهد یافت».

-سناتورهای آمریکایی در پایان نامهٔ خود خواهان به جریان افتادن یک قطعنامهٔ اساسی در مجمع عمومی ملل متحد برای محکوم کردن جهانی رژیم ایران به‌خاطر نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم بین‌المللی شده و علاوه بر این از شورای امنیت ملل متحد

خواستند برای پایان دادن به تهدید فزاینده ایران در قبال شهروندان خود و جامعهٔ جهانی، اقدامات موثری به‌عمل بیاورد.

سناتورها ال گور، ادوارد کندی، جان کری، کارل لوین، میچ مک کانل، دانیل موینیهان، سم نان، هری رید و جان راکفلر در شمار امضاکنندگان هستند.

نامهٔ ۶۲ سناتور امریکایی به پطروس غالی دبیرکل سازمان ملل متحد



N E W S R E L E A S E

HANK BROWN

U.S. SENATOR FOR COLORADO

For Immediate Release
October 28, 1992

Contact: Steve Chase
Jennifer Martin
202/224-5941

62 SENATORS URGE SECURITY COUNCIL TO CURB IRANIAN THREAT AND CONDEMN HUMAN RIGHTS ABUSES

WASHINGTON, D.C. - U.S. Sen. Hank Brown (R-CO) and 61 of his colleagues today urged the United Nations General Assembly to strongly condemn human rights violations in Iran and called on the U.N. Security Council to adopt effective measures to halt Iran's growing threat to its own citizenry and the world community.

In a letter Brown organized to U.N. Secretary General Boutros-Ghali, the senators condemned the Rafsanjani government's gross violations of human rights, undermining of regional stability, involvement in international terrorism , and its quest for nuclear weapons--policies which they said confirmed that "this regime's claims of moderation are but a myth."

"In recent months, there have been persistent reports from Iran of shocking human rights abuses," the bipartisan group of senators wrote. "Revolutionary guards have arrested thousands of women on charges of 'incorrect veiling' and subjected them to public flogging." The letter noted the number of Iranian executions has been increasing. In May, 150 political prisoners were killed and there has been a rise in the number of summary executions following recent anti-government demonstrations in cities such as Arak, Mashad and Shiraz, which authorities attributed to the Mujahedeen.

The senators cited the U.S. State Department's latest report on terrorism as evidence of Iran's continued support for international terrorism. According to the report, Iran continues to be a leading state sponsor of terrorism. Iranian intelligence services have been conducting terrorist activities against regime opponents living abroad.

"One chilling aspect of Iran's support for international terrorism is its simultaneous quest to obtain nuclear technology and weapons. Should they acquire a nuclear capability, their ability to threaten the peace of this volatile region will be greatly increased," the senators warned. They cited Iran's April 5 bombing attack across international borders against an opposition base.

Brown is the ranking member of the Senate Foreign Relations Subcommittee on Terrorism, Narcotics and International Organizations.

###

717 Hart Senate Office Building • Washington, D.C. 20510 • 202-224-5941

United States Senate

WASHINGTON, D.C. 20510
October 28, 1992

His Excellency, Dr. Boutros Boutros-Ghali
Secretary General of the United Nations
The United Nations
United Nations Plaza
New York, New York 10017

Dear Mr. Secretary-General:

Last year, a majority of the United States Senate addressed a letter to Secretary of State James Baker III, expressing concern about the gross violations of human rights committed by the Rafsanjani government. The letter also pointed to actions undermining regional stability, involvement in international terrorism, and Tehran's quest to acquire nuclear weapons.

The Senate letter called for a General Assembly resolution condemning the Rafsanjani government for its persistent abuses. Since then, the Rafsanjani government has failed to change. Instead, despite international pressure, it has stepped up its pursuit of these policies, confirming that this regime's claims of "moderation" are but a myth.

a. Continued Human Rights Violations: In recent months, there have been persistent reports from Iran of shocking human rights abuses. According to these reports, an unprecedented new wave of suppression of women has been launched. Revolutionary guards have arrested thousands of women on charges of "mal-veiling" and subjected them to public flogging. Other women reportedly have had acid thrown in their faces. According to press reports in August, over the past year, 113,000 persons had been arrested for "disseminating moral corruption and mal-veiling." In at least one case, a woman was stoned to death on various pretexts, and religious and ethnic minorities continue to be suppressed.

In his January report, the United Nations Special Representative on Iran noted: "The number of executions has increased week by week, with no sign of reduction. There were considerably more executions in 1991 than in 1989 and 1990. In the first six months of 1991, there were more executions recorded than in 1989 and 1990 combined." Based on this report, the United Nations Human Rights Commission issued a resolution in March condemning the Rafsanjani government and calling for continued monitoring of the human rights situation.

The Khomeini regime and its successors have suppressed their citizenry for many years through mass executions and medieval tortures, denying Iranians their fundamental rights. Of late,

there have been hundreds of anti-government demonstrations in various cities of Iran. The Iranian government's response? Increased repression.

In August, the United Nations expressed concern at the suppression of protesters and women, and at the increase in the Iranian regime's terrorism. The resolution notes the executions of more than 150 political prisoners in May 1992, and expresses grave concern "at the rise in the number of summary executions following the recent anti-government demonstrations in cities such as Arak, Mashad, and Shiraz, and at the arbitrary arrests of thousands of people during those demonstrations, attributed by the authorities to the Mujahedeen."

b. Support for International Terrorism: Exporting terrorism internationally has become another hallmark of this brutal regime. In an unprecedented admission on August 30, the Iranian regime's Minister of Intelligence acknowledged his government's responsibility for terrorist operations against political dissidents and foreign nationals abroad. According to the U.S. State Department's latest report on terrorism, "Iran continues to be a leading state sponsor of terrorism... Iranian intelligence services continue to facilitate and conduct terrorist attacks, particularly against regime opponents living abroad. This policy is undertaken with the approval of the highest levels of the regime."

Resolutions by the U.N. Human Rights Subcommission and the European Parliament deplored the continuing increase in terrorist activities against dissidents abroad, including the foiled plot in December 1991 to assassinate Mr. Massoud Rajavi, President of the National Council of Resistance of Iran. On April 5, 1992, the Rafsanjani government, alarmed at the spread of popular protests, crossed international borders in violation of international law to bombard an opposition base in another bid to kill the opposition's leaders.

One chilling aspect of Iran's support for international terrorism is its simultaneous quest to obtain nuclear technology and weapons. Should they acquire a nuclear capability, their ability to threaten the peace of this volatile region will be greatly increased.

We are convinced that the time has come for the free world to join together against the human rights abuses of the Iranian regime. Recently, a majority of the members of the U.S. House of Representatives, and 1,300 parliamentarians from 19 other countries issued statements condemning the violations of human rights in Iran and supporting the Iranian People's Resistance.

Therefore, in addition to condemning Iranian terrorism and human

rights abuses during this General Assembly, we urge you to:

a) effect the adoption of a substantive United Nations General Assembly resolution condemning the Iranian regime for flagrant human rights violations and its support of international terrorism; and,

b) call upon the United Nations Security Council to adopt effective measures to halt Iran's growing threat to her own citizens and to the world community.

Sincerely,

Hank Brown

Herbert Kohl

Dennis DeConcini

Charles S. Robb

Brock Adams

Daniel R. Coats

Jesse A. Helms

Howell Heflin

Christopher J. Dodd

Ernest F. Hollings

Richard C. Shelby

John D. Rockefeller

Paul Simon

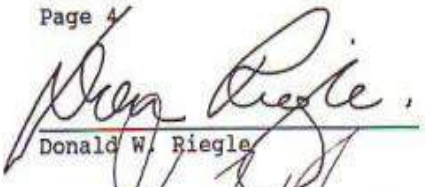
Edward M. Kennedy

Charles E. Grassley

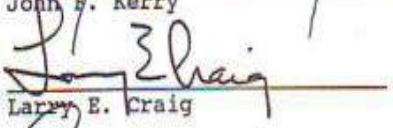
Alfonse M. D'Amato

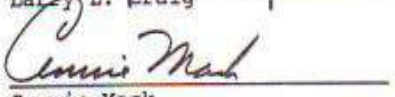
John F. Seymour

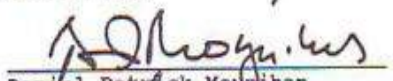
Frank R. Lautenberg

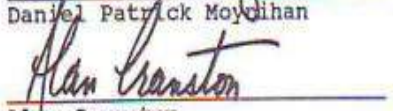

Donald W. Riegle

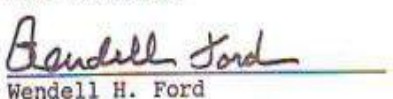

John F. Kerry

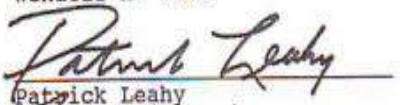

Larry E. Craig

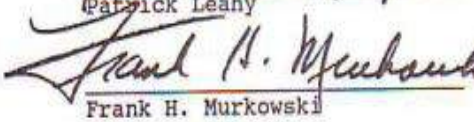

Connie Mack

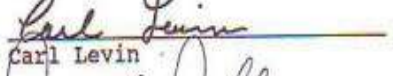

Daniel Patrick Moynihan


Alan Cranston


Wendell H. Ford

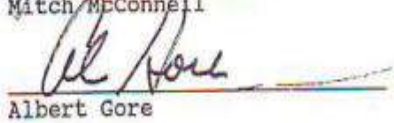

Patrick Leahy


Frank H. Murkowski

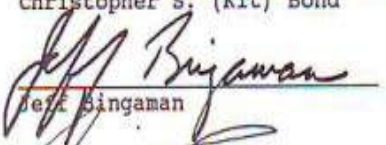

Carl Levin


James M. Jeffords


Mitch McConnell


Albert Gore

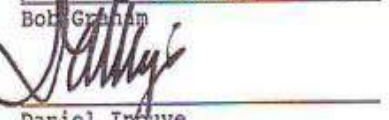

Christopher S. (Kit) Bond

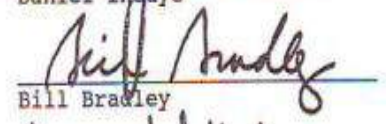

Jeff Bingaman


J. James Exon

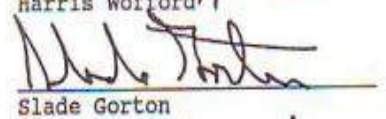

David L. Boren

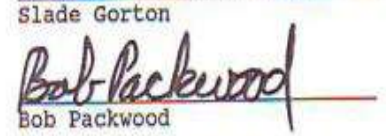

Bob Graham


Daniel Inouye


Bill Bradley

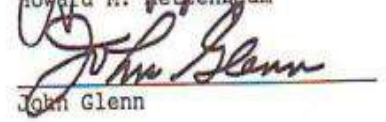

Harris Wofford

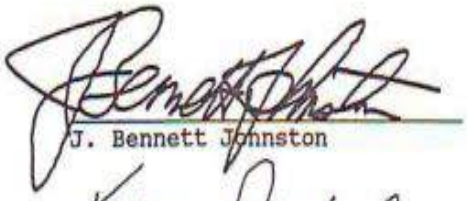

Slade Gorton


Bob Packwood

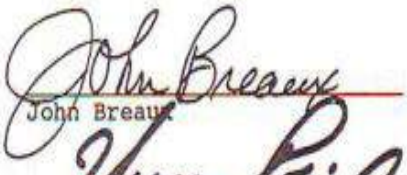

Barbara A. Mikulski


Howard M. Metzenbaum

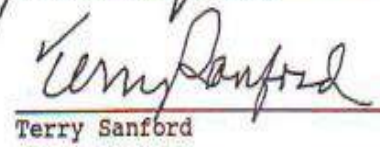

John Glenn



J. Bennett Johnston



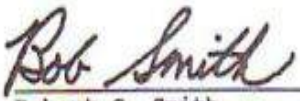
John Breaux



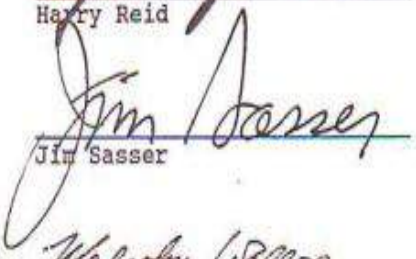
Terry Sanford



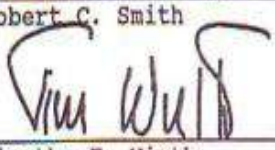
Harry Reid



Robert C. Smith



Jim Sasser



Timothy E. Wirth



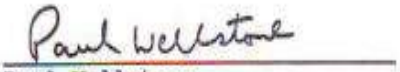
Malcolm Wallop



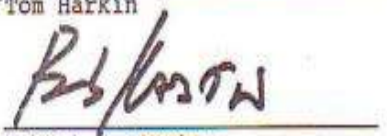
Ted Stevens



Tom Harkin



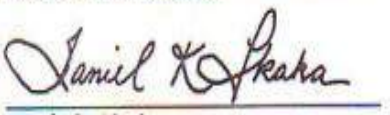
Paul Wellstone



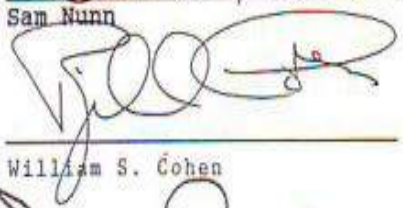
Robert W. Kasten



Sam Nunn



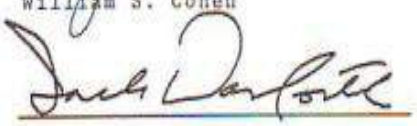
Daniel Akaka



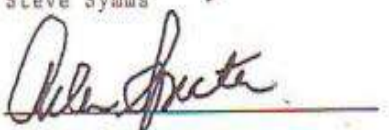
William S. Cohen



Steve Symms



John C. Danforth



Arlen Specter

ADAMS, Brock (D-WA)	
AKAKA, Daniel (D-HI)	
BINGAMAN, Jeff (D-NM)	Member, Armed Services Committee; Chairman,Subcommittee on Defense Industry and Technology.
BOND, Christopher S. (R-MO)	
BOREN, David L. (D-OK)	Chairman, Select Committee on Intelligence.
BRADLEY, Bill (D-NJ)	Member, Select Committee on Intelligence.
BREAUX, John (D-LA)	
BROWN, Hank (R-CO)	Member, Foreign Relations Committee; Ranking Member, Subcommittee on Terrorism, Narcotics and International Operations.
COATS, Daniel R. (R-IN)	Member, Armed Services Committee; Ranking Member, Subcommittee on Defense Industry and Technology.
COHEN, William S. (R-ME)	Member, Armed Services Committee; Ranking Member, Subcommittee on Protection Force and Regional Defense.
CRAIG, Larry E. (R-ID)	
CRANSTON, Alan (D-CA)	Member, Foreign Relations Committee; Chairman, Subcommittee on East Asia and Pacific; Member, Select Committee on Intelligence; Chairman, Veterans Affairs Committee.
D'AMATO, Alfonse M. (R-NY)	Member, Select Committee on Intelligence.
DANFORTH, John C. (R-MO)	Member, Select Committee on Intelligence; Ranking Member, Commerce, Science and Transportation Committee.
DeCONCINI, Dennis (D-AZ)	Member, Select Committee on Intelligence.
DODD, Christopher J. (D-CT)	Member, Committee on Foreign Relations; Chairman, Subcommittee on Western Hemisphere and Peace Corps Affairs.
EXON, J. James (D-NE)	Member, Armed Services Committee; Chairman, Subcommittee on Strategic Forces and Nuclear Deterrence.
FORD, Wendell H. (D-KY)	Majority Whip; Chairman, Rules and Administration Committee; Chairman, Joint Printing Committee.
GLENN, John (D-OH)	Member, Armed Services Committee; Member, Select Committee on Intelligence; Chairman, Governmental Affairs Committee.
GORE, Albert (D-TN)	Member, Armed Services Committee.
GORTON, Slade (R-WA)	Member, Select Committee on Intelligence.
GRAHAM, Bob (D-FL)	Deputy Majority Whip.
GRASSLEY, Charles E. (R-IA)	
HARKIN, Tom (D-IA)	
HEFLIN, Howell (D-AL)	
HELMS, Jesse A. (R-NC)	Ranking Member, Senate Foreign Relations Committee.
HOLLINGS, Ernest F. (D-SC)	Member, Select Committee on Intelligence; Ranking Member, Commerce, Science and Transportation.
INOUYE, Daniel K. (D-HI)	Chairman, Democratic Steering Committee; Chairman, Select Committee on Indian Affairs.
JEFFORDS, James M. (R-VT)	Member, Foreign Relations Committee.
JOHNSTON, J. Bennett (D-LA)	Chairman, Committee on Energy and Natural Resources.
KASTEN, Robert W. (R-WI)	Secretary, Republican Conference; Ranking Member, Appropriations Subcommittee on Foreign Operations; Ranking Member, Small Business Committee.

KENNEDY, Edward M. (D-MA)	Member, Armed Services Committee; Chairman, Subcommittee on Projection Force and Regional Defense; Chairman, Labor and Human Resources Committee.
KERRY, John F. (D-MA)	Member, Foreign Affairs Committee; Chairman, Subcommittee on Terrorism, Narcotics and International Operations; Chairman, Select Committee on POW/MIA.
KOHL, Herbert (D-WI)	
LAUTENBERG, Frank (D-NJ)	
LEAHY, Patrick J. (D-VT)	Chairman, Appropriations Subcommittee on International Operations; Chairman, Committee on Agriculture, Nutrition and Forestry;
LEVIN, Carl (D-MI)	Member, Armed Services Committee; Chairman, Subcommittee on Conventional Forces and Alliance Defense.
MACK, Connie (R-FL)	Member, Armed Services Committee.
McCONNELL, Mitch (R-KY)	Member, Foreign Relations Committee; Ranking Member, Subcommittee on International Economic Policy, Trade, Oceans and Environment.
METZENBAUM, Howard (D-OH)	Member, Select Committee on Intelligence.
MIKULSKI, Barbara A. (D-MD)	
MOYNIHAN, Daniel P. (D-NY)	Member, Foreign Relations Committee.
MURKOWSKI, Frank H. (R-AK)	Vice-Chairman, Select Committee on Intelligence.
NUNN, Sam (D-GA)	Chairman, Armed Services Committee.
PACKWOOD, Bob (R-OR)	Ranking Member, Finance Committee; Ranking Member, Joint Committee on Taxation.
REID, Harry (D-NV)	
RIEGLE, Donald W. (D-MI)	Chairman, Banking, Housing and Urban Affairs.
ROBB, Charles S. (D-VA)	Member, Foreign Relations Committee.
ROCKEFELLER, John (D-WV)	
SANFORD, Terry (D-NC)	Member, Foreign Relations Committee; Chairman, Near Eastern and South Asian Affairs Subcommittee; Chairman, Select Committee on Ethics.
SASSER, Jim (D-TN)	Chairman, Budget Committee.
SEYMOUR, John F. (R-CA)	
SHELBY, Richard C. (D-AL)	Member, Armed Services Committee.
SIMON, Paul (D-IL)	Member, Foreign Relations; Chairman, African Affairs Subcommittee.
SMITH, Robert C. (R-NH)	Member, Armed Services Committee; Vice Chairman, Select Committee on POW/MIA.
SPECTER, Arlen (R-PA)	Ranking Member, Veterans Affairs Committee.
STEVENS, Ted (R-AK)	Ranking Member, Rules and Administration; Ranking Member, Joint Printing Committee.
SYMMS, Steve (R-ID)	
WALLOP, Malcolm (R-KY)	Member, Armed Services Committee; Ranking Member, Subcommittee on Conventional Forces and Alliance Defense.
WELLSTONE, Paul (D-MN)	
WIRTH, Timothy E. (D-CO)	Member, Armed Services Committee.
WOFFORD, Harris (D-PA)	Member, Foreign Relations Committee.

SOME OF THE SIGNATORIES TO THE LETTER, SPONSORED BY SENATOR HANK BROWN (R-CO), TO THE UNITED NATIONS SECRETARY GENERAL:

Senator Al Gore (D-TN)

Senator Slade Gorton (R-WA)

Senator Bob Packwood (R-OR)

Senator Sam Nunn (D-GA)

Senator Charles S. Robb (D-VA)

Senator John Kerry (D-MA)

SOME ADDITIONAL INFORMATION ON SIGNATORIES OF SEN. BROWN'S LETTER TO UN SECRETARY GENERAL

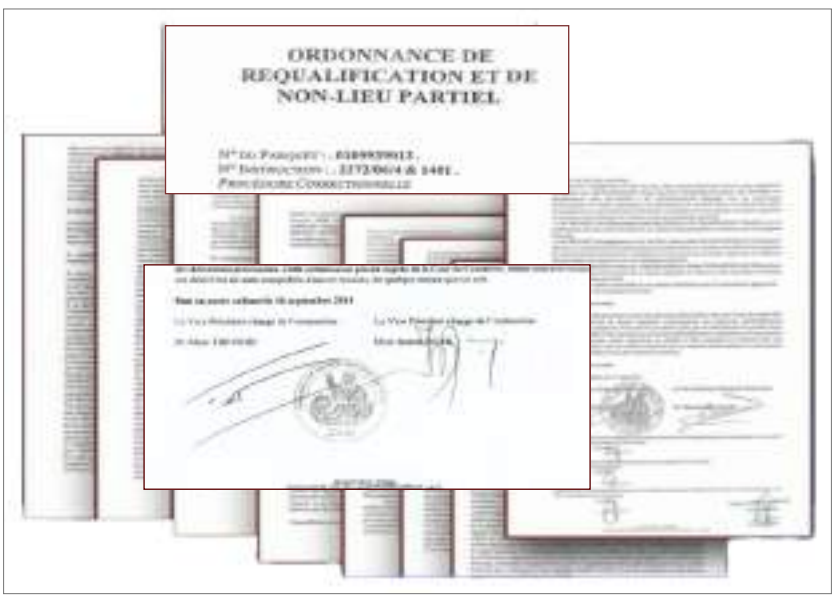
* -40 Democrats and 22 Republicans.
* -14 of 21 Senate committee chairmen and 9 ranking committee members.
* -14 members of the 20-member Armed Services Committee.
* -13 members of the 19-member Foreign Relations Committee.
* -11 members of the 15-member Intelligence Committee.
* -15 members of the 21-member Appropriation Committee.

فصل چهاردهم

پیروزی عدالت و مقاومت

پیروزی عدالت و مقاومت

حکم منع تعقیب و لغو اتهام تروریستی در پروندهٔ ۱۷ ژوئن
خاتمهٔ پیگرد مورد نظر رژیم آخوندی علیه خانم مریم رجوی



حکم منع تعقیب و لغو اتهام تروریستی در پروندهٔ ۱۷ژوئن-۲۲ اردیبهشت۱۳۹۰

سرانجام پس از ۷ سال کارزار بی‌امان، بزرگترین دسیسه و زدوبند ارتجاعی-

استعماری که با هزینه های میلیاردی برای از میان برداشتن مقاومت ایران به اجرا در آمده بود، از بن فروریخت. روز ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۰، دادگستری و قضّات تحقیق فرانسه، قرار منع تعقیب و لغو اتهام تروریستی در پروندۀ ۱۷ژوئن و خاتمۀ پیگرد مورد نظر رژیم آخوندی علیه رئیس جمهور برگزیدۀ مقاومت ایران و ۲۳ تن از اعضا و هواداران مقاومت را صادر کردند و به این ترتیب عدالت و مقاومت در برابر بزرگترین توطئۀ آخوندساخته علیه مقاومت مشروع مردم ایران و رئیس جمهور برگزیدۀ آن با درخششی خیره کننده پیروز شد و باز هم حقانیت این مقاومت و حتمیت پیروزی آن بر دیکتاتوری تروریستی آخوندها و همدستانشان به اثبات رسید و همۀ حامیان حقوق بشر و برقراری عدالت را دلشاد و سرشار کرد.


LE FIGARO.fr

France/terrorisme: 24 Iraniens blanchis

Vingt-quatre opposants iraniens ont bénéficié hier d'un non lieu pour des faits de terrorisme qui leur valaient une mise en examen consécutive à une spectaculaire opération policière en juin 2003 dans leur siège du Val-d'Oise, selon une source proche de l'enquête. Parmi les bénéficiaires du non-lieu prononcé par le parquet de Paris, figure la présidente du Conseil national de la Résistance Iranienne (CNRI), Maryam Radjavi.

روزنامۀ فیگارو فرانسه- حکم منع تعقیب پروندۀ ۱۷ژوئن

پروندۀ ۱۷ژوئن که در زمان آخوند خاتمی، به‌عنوان مشوق اصلاحات در رژیم اصلاح‌ناپذیر ولایت فقیه، براساس برچسب تروریستی علیه مجاهدین بازگشوده شده بود، از بابت تروریسم به‌طورکامل خاتمه یافت و رسیدگی در مورد مسائلی از قبیل گردآوری و نقل و انتقال غیر قانونی پول برای مصارف مجاهدان اشرف و سازمان مجاهدین خلق ایران به‌تحقیقات بعدی موکول گردید.

FOX NEWS .mobi

Judicial officials say that investigators have dropped terror-linked charges against 24 members of an exiled Iranian opposition group arrested in a spectacular raid in 2003.
Among those who initially faced preliminary charges was Maryam Rajavi, leader of the People's Mujahedeen of Iran, based outside Paris. The arrests led several followers of the group to set themselves afire in protest.

تلویزیون فاکس نیوز امریکا-انعکاس حکم لغو اتهام تروریستی در پروندۀ ۱۷ژوئن

AP Associated Press

France drops charges against Iran opposition group



PARIS – French investigators have dropped terror charges against 24 members of an exiled Iranian opposition group whose arrest in 2003 triggered several sympathizers to set themselves alight in protest.

Judicial officials said Thursday that nine people remained under investigation for financial misdoings, including suspicion of financing terrorist groups. The officials were not authorized to speak publicly and asked not to be named.

Maryam Rajavi, the leader of the People's Mujahedeen Organization of Iran, was among 150 people detained in a sweep of their European headquarters in suburban Paris by hundreds of masked police in June 2003. During the raid, police discovered $9 million in cash. After questioning, most of those detained were let go.

France's counterintelligence agency claimed the group was planning attacks on Iranian diplomatic missions and assassinations of Iranian secret agents in Europe.

There also were suspicions the group — which advocates the overthrow of the Tehran regime_ was planning to make its headquarters outside Paris a nerve center for terrorism after losing its firepower in Iraq, where it mounted attacks on neighboring Iran. The military wing, the Mujahedeen Khalq, was disarmed by U.S. forces in Iraq in April 2003.

خبرگزاری آسوشیتدپرس-فرانسه اتهامات علیه گروه اپوزیسیون را ملغی می کند

THE WALL STREET JOURNAL.

Iranian Dissidents Win U.K. Ruling

By MARC CHAMPION

May 7, 2008 2:25 p.m.

Britain's government lost a long-running battle to keep an Iranian dissident group on its list of terrorists, a change that could have implications for the group's treatment elsewhere and for already troubled relations between Iran and the West.

Wednesday's ruling by England's Court of Appeal means the U.K. government will now have to remove the Mujahedin e-Kalq, or People's Mujahedin of Iran, from its terrorist blacklist. The MEK is also listed as a terrorist group by the European Union and the U.S. The group's leaders said Wednesday they would use the U.K. court decision to challenge those blacklistings too.

Iranian officials for years have made suppression of the MEK a priority in negotiations with Western governments over Tehran's nuclear program and other issues, according to several diplomats who were involved in those talks. Iranian officials couldn't be reached for comment Wednesday.



روزنامهٔ وال استریت ژورنال و نیویورک تایمز



REUTERS

National Council of Resistance of Iran (NCR) leader Maryam Rajavi reacts during a news conference in Paris May 13, 2011. A French magistrate threw out terrorism charges against about 20 members of an exiled Iranian opposition group on Thursday after eight years, the group and a judicial source said. The charges go back to a 2003 crackdown on the People's Mujahideen Organisation of Iran (PMOI), the main faction within the National Council of Resistance of Iran (NCRI), that saw 150 arrests leading to protests across Europe in which several people set themselves on fire.

خبرگزاری رویتر -حکم منع تعقیب

برجسته‌ترین حقوقدانان و وکلای فرانسوی با استقبال از تصمیم صدور منع تعقیب توسط قاضی تحقیق، یادآوری کردند که از یک دهه پیش تصریح کرده‌اند که این پرونده علیه جنبش مشروع مقاومت ایران از ابتدا خالی، سراپا سیاسی و بخاطر استمالت و معامله با فاشیسم دینی حاکم بر ایران، تشکیل شده است. شواهد و کتابها و دادگاههای پیاپی، یکی پس از دیگری حقانیت مقاومت ایران را به اثبات رساند و معلوم شد صدها هزار برگ دعاوی و اتهامات دروغین، چیزی جز اباطیل وزارت بدنام اطلاعات ملایان، جز دروغ پردازی مزدوران برون‌مرزی آن و جز اظهارات «شهود زور» و ریا، در چارچوب همکاری اطلاعات آخوندی با سرویس‌های پشتیبان نبوده است.

حقوقدانان فرانسوی و بین‌المللی از ابتدا با مطالعهٔ دقیق همه شواهد و اسناد و سوابق امر، علیه بر چسب ناچسب بر شوریدند و تأکید کردند مقاومت علیه دیکتاتوری ملاها حق مشروع مردم ایران است. از این رو متّهم کردن سمبل مقاومت برحق یک خلق تحت ستم، و تلاش برای آلودن او با اتهامات، تنها مایهٔ شرمساری و لکهٔ سیاهی در تاریخ قضایی فرانسه است. کشوری که به حق به‌مقاومت در برابر فاشیسم هیتلری کماکان افتخار می‌کند.

از این رو تصمیم قضات در صدور حکم منع تعقیب، اعادهٔ حیثیت به دادگستری و عدالت فرانسه است.

دادستانی ضد تروریسم اذعان کرده است که منشاء اصلی اتهامات علیه مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران، لیست تروریستی اتحادیهٔ اروپا بوده است که نام مجاهدین

به‌درخواست رژیم ایران در آن گنجانده شده بود.

در سالهای بعد برای خالی نماندن پرونده و دفع‌الوقت، سلسلهٔ دیگری از اتهامات واهی به پروندهٔ ۱۷ ژوئن افزوده می‌شد، اما راه به‌جایی نبرد.

صدور قرار منع تعقیب به‌مثابه سوختن و بر بادرفتن یک دهه سرمایه‌گذاری، پرونده‌سازی، شیطان‌سازی، انتشار اطلاعات گمراه کننده و لجن پراکنی رژیم آخوندی و مزدوران و شاهدانش علیه مقاومت ایران و سمبل‌ها و قسمت‌های مختلف تشکیل دهندهٔ آن است. چرا که شورای ملی مقاومت ایران که سازمان مجاهدین خلق ایران و ارتش آزادیبخش ملی ایران که قسمت‌هایی از آن را تشکیل می‌دهند، مجموعهٔ به هم پیوسته‌ای است که هدف آن، سرنگون کردن رژیم حاکم بر ایران است. این موضوع چیز مبهمی نبوده و سالها قبل از شروع تحقیقات قضایی بر همگان روشن بوده است. بنابراین سؤال قضائی این است که آیا برای سرنگون کردن رژیم ایران، شورای ملی مقاومت ایران، یا سازمان مجاهدین خلق ایران، یا ارتش آزادیبخش ملی ایران، از شیوه‌های تروریستی یا از شیوه‌هایی که ماهیت تروریستی دارد استفاده کرده است؟

تحقیقات قضایی، با دقتی زیاد، انواع شیوه‌های مورد استفاده را به‌شرح زیر در **حکم نهایی** مشخص کرد:

این شیوه‌ها با عملیات جنگی، با استفاده از یک ارتش واقعی، بنام ارتش آزادیبخش یا عملیات مسلحانه در ایران صورت گرفته که به وسیله سازمان مجاهدین خلق ایران بر عهده گرفته شده است.

-می توان فرض کرد که تجهیزات و تسلیحات نظامی، بعضاً سنگین، که در اشرف وجود داشت، برای این تهیه نشده بودند که هیچ‌گاه مورد استفاده قرار نگیرند.

-حتی اگر فرض بگیریم که ارتش آزادیبخش هرگز هیچ نبردی را علیه ارتش ایران انجام نداده است، تأسیس یک ارتش بی‌تردید یک عمل آماده‌سازی برای تهاجمات نظامی است. اما این امر اجازه نمی‌دهد تهاجمات نظامی با اعمال تروریستی یکی محسوب شود. در حقوق فرانسه یک تهاجم نظامی که منجر به نبرد مسلحانه میان نظامیان شود، نمی‌تواند عنوان تروریسم داشته باشد.

-به این ترتیب تنها نکته‌ای که منطقاً درباره وجود یا عدم وجود یک نهاد تروریستی می تواند مطرح باشد، انجام عملیات در شهرهای ایران است.

تحلیل اطلاعیه‌ها ارائهٔ این برآورد را امکان‌پذیر می‌سازد:

-سیبل‌ها به طور سیستماتیک سیبل‌های نهادهای دولتی، و بعضاً نظامی هستند و این اقدامات مسلحانه به‌عنوان پاسخی به جنایات رژیم ایران مطرح می‌شوند.

-از سوی دیگر شورای وکلای افراد تحت تعقیب سازمان در فرانسه خاطر نشان می‌سازند که اقدامات مسلحانه سازمان مجاهدین خلق، بیان حق طبیعی و تردیدناپذیر مقاومت در برابر ستم مندرج در مادهٔ ۲ بیانیهٔ حقوق بشر و شهروندی می‌باشد.





-وکیل خاطرنشان می‌کند این حق که ارزش قانون اساسی دارد، در سطح بین‌المللی نیز به‌ویژه توسط منشور ملل متحد به‌رسمیت شناخته شده است.

-علاوه بر این وکیل تأکید می‌کند: فرانسه مدتها اذعان داشته است که سازمان مجاهدین خلق در مبارزهٔ خود «علیه رژیم خشن حاکم بر ایران» از «حق مشروع خود در کادر احترام به ضوابط نرم‌های بین‌المللی» استفاده کرده است.

-وکلا خاطرنشان می‌کنند در استفاده از حق مشروع مقاومت علیه ستم «استفاده از شیوه‌های خشونت‌آمیز را نمی‌توان منتفی کرد» و موضوع تروریسم «نمی‌تواند از سوی قاضی جدا از این چارچوب ارزیابی شود».

استدلال وکیل به تعریف تروریسم برمی‌گردد.

در پهنه بین‌المللی هرگز امکان تائید یک تعریف واحد از تروریسم که متناسب همهٔ شرایط و همهٔ کشورها باشد وجود نداشته است. تلاش‌ها برای ارائهٔ یک تعریف واحد به این دلیل با شکست مواجه شده‌اند که بر سر تفکیک تروریسم از مقاومت و هم‌چنین تفکیک تروریسم از مفهوم جنگ که توسط یک ارتش انجام می‌شود، اختلاف نظر وجود داشته است.

-در چنین وضعیتی، وقتی قاضی نمی‌تواند به خود اجازه دهد که یک رژیم حاکم را به‌عنوان یک رژیم ستمگر توصیف کند، به همین ترتیب نمی‌تواند تصمیم‌گیری کند و بگوید که یک جنبش اپوزیسیون را یک حرکت تروریستی، و نه یک جنبش مقاومت، می‌شناسد.

بنابراین همچنانکه قاضی نمی‌تواند بدون واردشدن در ملاحظات کاملاً سیاسی، ارزیابی خود را از رژیم ایران ارائه کند، فی‌نفسه **نمی‌تواند مخالفان آن را تروریست توصیف کند و مشخصاً در فقدان دلایل عینی، حکم کند که آنها در هیچ شرایطی نمی‌توانند از حق خود برای مقاومت علیه ستم استفاده کنند.**

در این تردید و به‌همین خاطر، دقیقاً در فقدان داده‌های عینی، واقعی و متقن ، قاعده اساسی جزایی کشور ما (فرانسه) باید اجرا شود و افراد تحت پیگرد، از آن بهره‌مند شوند که در این پرونده **به کنار گذاشتن صفت تروریسم** منجر می‌شود.

پیروزی عدالت
اثبات حقانیت مقاومت ایران
کنفرانس در پاریس
باحضور رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت
۱۳مه ۲۰۱۱ (۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۰)



National Council of Resistance of Iran (NCR) leader Maryam Rajavi (2nd L), attends a news conference with (from L-R) lawyer William Bourdan, French politician and terrorism specialist Yves Bonnet and lawyer Francois Serres, in Paris May 13, 2011. A French magistrate threw out terrorism charges against about 20 members of an exiled Iranian opposition group on Thursday after eight years, the group and a judicial source said. The charges go back to a 2003 crack-down on the People's Mujahideen Organisation of Iran (PMOI), the main faction within the National Council of Resistance of Iran (NCRI), that saw 150 arrests leading to protests across Europe in which several people set themselves on fire. Sign reads, 'Justice is Victorious.'

شرکت وکلای برجستهٔ فرانسوی در کنفرانس مطبوعاتی پاریس با حضور خانم رجوی

ویلیام بوردون رئیس کنفرانس- وکیل تیری لوی-استاندار ایوبونه -فرانسواسر-

فیلپ شامپوتیه-خانم ماری لورت باره

به‌دنبال صدور حکم منع تعقیب و لغو اتهام تروریستی در پروندهٔ ۱۷ ژوئن، در یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس با حضور خانم رجوی و شماری از وکلای برجستهٔ فرانسوی، جزئیات تصمیم قضایی لغو اتهامات تروریستی علیه اعضا و حامیان مقاومت ایران دراختیار مطبوعات قرار گرفت.



هانری لوکلرک



تیری لوی



ویلیام بوردن رئیس کنفرانس



هانری فرانسوا سر



استاندار ایو بونه



ماری لورت باره



فیلیپ شامپوتیه



ژان ایو دوکارا



برنارد بولاک



برنارد دارتوویل



ژان پیر دوبوآ



ویلیام بوردون، وکیل و حقوقدان نامدار فرانسوی، ریاست کنفرانس پاریس را برعهده داشت. وکیل تیری لوی نویسنده و حقوقدان برجستهٔ فرانسه، استاندار ایوبونه نمایندهٔ پیشین مجلس ملی و رئیس ضدجاسوسی فرانسه در دوران ریاست جمهوری فرانسوا میتران، و دیگر وکلای پروندهٔ ۱۷ژوئن فرانسواسر، فیلیپ شامپوتیه و خانم ماری لورت باره، راجع به‌صدور حکم منع تعقیب سخنرانی کردند.

ویلیام بوردون گفت: «اکنون هشت سال از حمله به اورسوراواز می‌گذرد. وقتی سیاست فساد را وارد دستگاه عدالت می‌کند، همان چیزی اتفاق می‌افتد که علیه اعضای مقاومت ایران اتفاق افتاد و همین که سیاست عرصهٔ عدالت را ترک می‌کند، این حقیقت است که روشن می‌شود وخود را بارز می‌کند.

زمان آن فرارسیده بود که عمل شرم‌آور مجرم تلقّی‌کردن مخالفان ایرانی به‌پایان برسد. زیرا کاری که بازپرس بروگیر کرد، این بود که دستگاه قضایی فرانسه را به‌گروگان خواست ملاها تبدیل کرد. به این دلیل است که اکنون باید به قاضی صادرکننده حکم منع تعقیب درود فرستاد.»

سخنرانی رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت

سرانجام، عدالت بر سیاست مماشات و معامله پیروز شد و قاضی تحقیق قرار منع تعقیب تروریسم را صادر کرد. بدین ترتیب یکبار دیگر حقانیت مقاومت مردم ایران برای آزادی به اثبات رسید.

بعد از ۱۰ سال، امروز دستگاه قضایی فرانسه نه تنها اذعان می‌کند که تحقیقات، بطلان اتهام تروریسم را اثبات کرد، بلکه اذعان دارد که از ابتدا نیز هیچ مبنایی برای این اتهام وجود نداشته است.



از همهٔ وکلا به‌ویژه آقایان لکلرک، بوردون، بودوئن، لوی سر، خانم وکیل سنیک، وکیل استازی، دارتویل، خانم باره، وکیل شامپوتیه، موکارزل و دیگر وکلا به خاطر تلاش‌هایشان تشکر می‌کنم.

دستگاه قضایی فرانسه اذعان می‌کند که این اتهام صرفاً متّکی بر نام‌گذاری سازمان مجاهدین در لیست اروپا بود. جالب است که بعد تلاش کردند با همین پرونده، ادامهٔ نام‌گذاری مجاهدین در این لیست را توجیه کنند، ولی شکست خوردند! وانگهی همه می‌دانند نام‌گذاری به‌درخواست رژیم ملایان صورت گرفته بود. علاوه بر این بی‌پایه‌بودن این اتهام در دادگاه اروپا هم به اثبات رسید.



ما از ابتدا گفتیم که این پرونده خالی است و تنها هدف آن برآورده‌کردن درخواست ملاها برای نابودکردن مقاومت ایران بوده است. اما این امر کاملاً شکست خورد، چرا که مقاومت ایران برحق است و ریشه در اعماق جامعهٔ ایران دارد.

آنها اتهامات زیادی زدند و فشارهای بسیاری وارد کردند. حتی تحت‌عنوان «کنترل

قضایی» ما را از دیدار و حرف زدن با یکدیگر منع کردند.

ولی ما از تلاش دست برنداشتیم و بر حقوق‌مان پافشاری کردیم و در این مسیر از حمایت گسترده‌یی در بین مدافعان حقوق بشر، شخصیتهای سیاسی و افکار عمومی برخوردار شدیم.

مانند خانم میتران، که در فردای یورش وحشیانه ۱۷ژوئن ۲۰۰۳، با حضور در دفتر شورای ملی مقاومت گفت که او نیز روزی همراه با فرانسوا میتران، در دوران مقاومت متهم به تروریسم بودند.

کسانی که در تهران قول حمله به دفتر شورای ملی مقاومت در اورسوراواز را دادند، باید امروز پاسخ بدهند.

ژان لویی بروگیر که دستور قضایی یورش وحشیانهٔ ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ را صادر کرد، باید پاسخ بدهد که چرا قضاییهٔ فرانسه را برای جلب رضایت ملاها مورد سوء استفاده قرار داد.

کسانی که برای سرپوش گذاشتن بر معامله با ملاها می‌خواستند به‌خاطر به‌اصطلاح تهدید عاجل تروریسم، سریع عمل کنند، باید پاسخ بدهند، تهدید تروریسم چه شد؟ مبنای این دعاوی جز رژیم ملاها چه کسی بود؟

کسانی که برای همکاری با ملاها، مقاومت ایران را هدف رگبار اتهامات قرار می‌دادند، باید امروز به مردم ایران و به مردم فرانسه پاسخ بدهند، چرا برای خدمت به ملاها، سیاست شیطان‌سازی اپوزیسیون دموکراتیک را در پیش گرفتند؟ من امروز دولتمردان آن روز فرانسه را به‌قربانی‌کردن عدالت و ارزش‌های انسانی متهم می‌کنم.

من آنها را به همکاری با رژیم ملاها در سرکوب مقاومت مردم ایران متهم می‌کنم. من آنها را به‌قربانی‌کردن ارزش‌ها و حیثیت فرانسه متهم می‌کنم. و من همه کسانی را که در مقابل این بی‌عدالتی سکوت کردند، متهم می‌کنم.

شاید آنها هیچ‌گاه به‌خاطر اعمال‌شان در یک دادگاه مورد قضاوت قرار نگیرند. ولی دادگاه وجدانهای انسانی و دادگاه افکار عمومی مردم فرانسه هم‌اکنون تشکیل شده و قضاوتش را خواهد کرد.

امروز، آنها در مقابل این دادگاه قرار دارند و باید پاسخگو باشند. چطور می‌خواهند از همکاری با یک رژیم سرکوبگر دفاع کنند. چطور می‌خواهند از سرکوب یک مقاومت مشروع که چیزی جز آزادی بیان و آزادی انتخابات نخواسته است و می‌گوید حاکمیت از آن مردم و رأی مردم است، دفاع کنند. مقاومتی که جرمش فقط و فقط این است که می‌گوید دیکتاتوری، نه! نه به خمینی! نه به خامنه‌ای و احمدی نژاد!

سخنرانی مریم رجوی در اورسوراواز
جشن پیروزی ۲۴اردیبهشت ۱۳۹۰





هموطنان، اشرف‌نشان‌ها، یاران مقاومت
بزرگترین سرمایه‌گذاری رژیم آخوندی در فرانسه و اروپا سوخت و دود شد.
دسیسهٔ ارتجاعی و استعماری برای از هم‌پاشاندن مقاومت درهم‌شکست.
پروندهٔ ۱۷ژوئن مضمحل شد و ۱۰سال همدستی مماشات‌گران با فاشیسم مذهبی برای



ژان پیربکه شهردار اور سوراواز



بستن راه تغییر در ایران به‌پایان رسید. حالا نوبت تضمین و حفاظت و سلامت مجاهدان اشرف و به‌رسمیت شناختن مقاومت مردم ایران برای تغییر رژیم ولایت فقیه است.

قضات تحقیق پاریس حکم کردند که اتهام تروریسم در مورد مقاومت ایران یعنی

موضوع اصلی پروندهٔ ۱۷ژوئن باطل است. قضات تحقیق اعلام کرده‌اند، که از ۱۰ سال پیش نیز این اتهام هیچ مبنایی نداشته است.

اصل موضوع درباره همهٔ مقاومت و همه نفرات آن از هواداران تا اعضا و مسئولان آن این است که: مقاومت ایران ربطی به‌تروریسم نداشته است. نه مقاومت فرانسه، نه دوگل، نه میتران و نه مقاومت ایران به‌رغم هر اتهامی، هیچ‌گاه ربطی به تروریسم نداشته‌اند.

مقاومت برای آزادی، مقاومت برای تغییر رژیم، مشروع و حق و ضروری بوده و هست و خواهد بود.

تا روزی که بساط نظام ولایت فقیه را از سراسر ایران برچیند.

بر همه شما بر مردم ایران و بر قهرمانان ملت ایران در اشرف مبارک باد.

این تحول از هر نظر پیروزی بزرگی برای مقاومت مردم ایران است.

پیروزی بزرگی برای اشرف و پیروزی برای عدالت و قانون،

و نشانه قاطع دیگری از اعتلای جنبش مقاومت ایران است.

آری، جنبشی را که می‌خواستند نابودش کنند، از زیر بمباران اتهام‌ها و توطئه‌ها، به مراتب مستحکم‌تر و قدرت‌مندتر قد برافراشته است.

اما راستی درس این پیروزی چیست؟ رنج و خون جگر این ۱۰ سال چه رهنمودی دارد؟

راز ماندگاری جنبش ما این است که در دو راهی نابودی و تسلیم، ایستادگی را همواره انتخاب کرده و برمی‌گزینند.

ما محکوم به انتخاب میان ننگ یا انهدام نیستیم. ما فلک تیره‌روزی و اجبار را سقف می‌شکافیم و با فداکاری و نبرد و پیکار راه نویی را خلق می‌کنیم.

راهی بر اساس مقاومت و از خودگذشتگی و راهی به‌سوی پیروزی و آزادی.

اعضای این مقاومت و هواداران‌شان، مجاهدان اشرف و اشرف‌نشانها در سراسر جهان، به قول مسعود «این درس را به خوبی آموخته‌اند که تاریخ خلق و میهن خود را چگونه بنویسند».

بله، ما «عزم جزم کرده‌ایم تا اگر زمانه صدبار از این هم خطیرتر و پرفتنه‌تر باشد، با تأسی به پیشوای آرمانی مان، درسهای جدیدی از مقاومت و ایستادگی عرضه کنیم».

بله ایستادگی و پایداری، این است راز انقراض توطئه و پروندهٔ ۱۷ ژوئن

این است کلید طلایی پیروزی که در دست‌های ماست.

در مورد برچسب تروریستی هم به‌یاد بیاورید که دولت انگلستان بر سر رفع ممنوعیت از مجاهدین، دولت آلمان بر سر خاتمه‌دادن به افترائات اداره حراست، شورای وزیران اتحادیه اروپا بر سر لیست گروههای تروریستی و دولت فرانسه بر سر پروندهٔ ۱۷ ژوئن وادار به پذیرش عدالت و قانون شدند.



پس درآمریکا هم چه بخواهند چه نخواهند، مطمئناً این نام‌گذاری بی‌اعتبار درهم خواهد شکست.

مقاومت مردم ایران در هیچ شرایطی، به هیچ قیمتی و تحت هیچ فشاری از حق آزادی، از حق حاکمیت مردم ایران، از حق مقاومت در برابر دیکتاتوری و فاشیسم مذهبی و از حقوق قانونی خود دست برنداشته و برنخواهد داشت.

در اولین سالگرد حمله ۱۷ ژوئن هم گفتم، اگر مقاومت برای آزادی جرم محسوب می‌شود ما به این جرم افتخار می‌کنیم و هر بهایی را به‌خاطر آن می‌پردازیم، ولی از مقاومت برای آزادی کوتاه نخواهیم آمد. بله از مقاومت برای آزادی کوتاه نخواهیم آمد، ولی هم‌چنان که گفتم ما به گذشته نگاه نمی‌کنیم، بلکه آینده را در نظر داریم.

و سرانجام می‌خواهم هموطنانم در داخل ایران را خطاب قرار دهم.

فرو ریختن پروندهٔ ۱۷ ژوئن پیامی برای شما و به‌ویژه برای زنان و جوانان قیام‌آفرین دارد.

پیام آن این است که تغییر ممکن است، شکستن غل و زنجیرها ممکن است، از هم شکافتن دیوار اختناق و سرکوب ممکن است.

و پیام این است که به زیر کشیدن رژیم ولایت فقیه نیز ممکن است.

و هیچ نیرویی در جهان نمی‌تواند مانع اراده مردمی شود که برای آزادی، برابری و دموکراسی فداکاری می‌کنند.

و قیام کرده‌اند و حاضرند قیمت آن را تا هرچه که باشد، بپردازند.

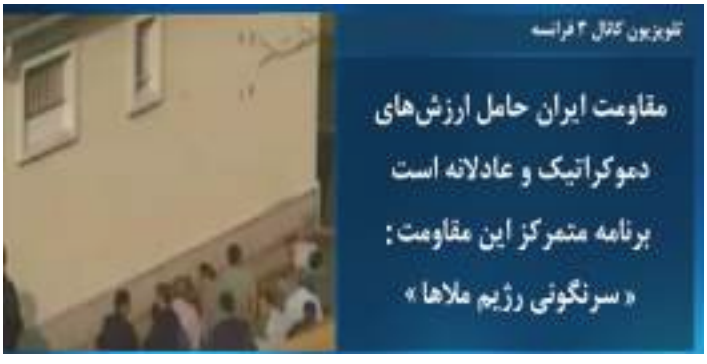


گزارش تلویزیون

در ۳۰خرداد ۱۳۹۲ در دهمین سالگرد ۱۷ژوئن، تلویزیون کانال ۳فرانسه، در مورد حمایت مردم فرانسه از مقاومت ایران، گزارشی پخش کرد: «مقاومت ایران حامل ارزش‌های دموکراتیک و عادلانه است. برنامه متمرکز این مقاومت؛ سرنگونی رژیم ملاها»



۱۷ژوئن ۲۰۰۳، این اقامتگاه در اور سوراواز هدف یک عملیات پلیسی غیر معمول قرار گرفت



گزارش: مقاومت ایران در فرانسه انتخابات رژیم ایران را یک نمایش مسخره توصیف می‌کند. مجاهدین خلق را که در اور سوراواز مستقر هستند، بسیاری از فرانسویان ده سال پیش به‌مناسبت یک عملیات پلیسی چشم‌گیر کشف کردند.

۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، این اقامتگاه در اور سوراواز، هدف یک عملیات پلیسی غیر معمول قرار گرفت، در این یورش بیش از ۱۲۰۰ پلیس و ژاندارم، مریم رجوی، پرزیدنت مقاومت ایران و ۱۶۵ تن از اعضای آن را که مدت ۳۰ سال تحت حفاظت فرانسه بودند، دستگیر می‌کنند. از نظر اهالی اور این یک شوک است و برای بعضی خانواده‌ها، آغاز فعالیت در کنار اعضای مقاومت ایران گردید.

مقاومین ایرانی از سراسر اروپا برای اعتراض به اور سوراواز آمدند و شماری که اغلب زن بودند دست به اعتصاب غذا زدند.

ماری لورت‌گیو، همسایه هوادار مقاومت ایران: «۱۷ژوئن خیلی خیلی تکان‌دهنده بود. اهالی اور ۷۰۰۰تن هستیم، اما در این خیابان دقیقاً ۱۲۰۰ پلیس ریخته بود. آیا می‌توانید تصور کنید....»

«ما خیلی خیلی از آنها حمایت کردیم، همسایه‌ها و اهالی اطراف بودند و در اینجا بود که یک موج بزرگ همبستگی ایجاد شد».



۱۷ژوئن خیلی خیلی تکان دهنده بود. اهالی اور ۷۰۰۰ تن هستیم

ماجرا با صدور منع تعقیب در ۲۰۱۱ به پایان می‌رسد. دشمنان قسم‌خوردهٔ رژیم تهران، مقاومت مستقر در اور سوراواز، قربانی یک معامله بوده است.

ایو بونه، رئیس DST (در سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵): «آقای دو ویلپن می‌رود با همتای ایرانی‌اش این عملیات را معامله می‌کند، و بعد این موج دستگیری گسترده که در تایخچه DST بی‌سابقه است صورت می‌گیرد و در مقابل امتیازهایی برای بعضی شرکتهای فرانسوی منجمله توتال کسب می‌کند».

این جنبش که بطور رسمی تبرئه شده است و از لیستهای سازمانهای تروریستی بیرون کشیده شده است، می‌تواند امروز به‌دفاع از برنامه‌اش متمرکز شود: سرنگونی رژیم ملاها، حال

رئیس جمهور آن هر که می‌خواهد باشد.

دکتر صالح رجوی، از شورای ملی مقاومت ایران: «انتخابات در ایران یک صحنه‌سازی است که به‌طور دقیق برنامه‌ریزی شده است، تا یک مشروعیت ظاهری به رژیم ملاها بدهد، تا مخاطبین خارجی‌اش را راضی نگه دارد.»

ژان پیر بکه شهردار سوسیالیست اور سوراوآز: «آنها یک مقاومت سازماندهی شده را به‌پیش می‌برند! ارزش‌هایی که امروز حامل آن هستند، ارزش‌های دمکراسی و لائیسیته و غیره است که ما می‌توانیم با آن مشترک باشیم. به‌همین دلیل است که به رغم این‌که من یک مجاهد نیستم، اما معتقدم که مبارزه آنها عادلانه است».

فصل پانزدهم

بسته‌شدن کامل پروندهٔ ۱۷ژوئن بادومین حکم‌منع تعقیب

بسته شدن کامل پروندهٔ ۱۷ژوئن
با دومین حکم منع تعقیب

۱۴سال پس از تشکیل پرونده در آوریل ۲۰۰۱ و ۱۱ سال پس از کودتای ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، با صدور دومین حکم منع تعقیب، پرونده به‌طور قطعی بسته شد. این شکست بزرگ رژیم آخوندی در بزرگترین توطئه‌اش علیه مقاومت مردم ایران بود.

قضّات تحقیق پاریس، در یک حکم منع تعقیب ۳۷ صفحه‌یی به تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۴ [۴۹] سرانجام پس از ۱۴سال تحقیق و بررسی میلیونها صفحه اسناد و تشکیل یک پروندهٔ قضایی که به‌طور جداگانه به ۱۰۰ هزار صفحه بالغ می‌شد، بر پروندهٔ شبه‌کودتای ۱۷ ژوئن به‌طور نهایی نقطهٔ پایان گذاشتند. به‌راستی که بروگیر "به‌فرموده" اربابان استعماری یک رکورد قضایی بی‌سابقه در جهان بر جای گذاشت.

از این پیش‌تر، در اردیبهشت سال ۱۳۹۰شورای ملی مقاومت ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و ارتش آزادیبخش ملی از هر گونه اتهام تروریستی مبرا شناخته شده بودند، اما قضّات به تحقیقات پیرامون اتهامات مالی که به‌وسیلهٔ رژیم و همدستان طراحی شده بود، با دقت تمام و به‌طور شبانه‌روزی به مدت ۳ سال و ۴ ماه دیگر ادامه دادند.

قبل از صدور دستور قضّات تحقیق، دادستان پاریس در نظریهٔ خود پیرامون این پرونده تصریح کرد:

«همچنان‌که قضّات تحقیق در تصمیم خود خاطرنشان کرده‌اند، تحقیقات نتوانسته اثبات کند که شورای ملی مقاومت، سازمان مجاهدین خلق ایران یا ارتش آزادیبخش ملی ایران برای سرنگون کردن رژیم ایران از وسایل تروریستی استفاده کرده باشند».

۴۹- ۲۵شهریور۱۳۹۳

COUR D'APPEL
DE PARIS

TRIBUNAL DE
GRANDE INSTANCE
DE PARIS

CABINET DE
M. MARC TREVIDIC
VICE PRÉSIDENT CHARGÉ DE L'INSTRUCTION
EN CO-SAISINE AVEC
MME JEANNE DUYE
VICE PRÉSIDENT CHARGÉ DE L'INSTRUCTION

ORDONNANCE DE NON-LIEU et de RESTITUTION partielle

N DU PARQUET : . **0109939013** .
N INSTRUCTION : . **2272/06/4 & 1401** .
PROCÉDURE CORRECTIONNELLE

Nous, Marc TREVIDIC et Jeanne DUYE, Vice Présidents Chargés de l'Instruction au tribunal de grande instance de PARIS,

Vu l'information suivie contre :

- Mme ALAVI TALEGHANI Zahra - sous Contrôle Judiciaire
Mandat de dépôt : 21/06/03, libérée le 01/07/03, placement sous C.J.: 01/07/03
née le 05/02/50 à TEHERAN de Noreddin et de Robabeh TEYMOURI,
profession : Présidente Iran Aide
demeurant 15 rue Delacour 95300 PONTOISE
ayant pour avocats :**Me Marie-Laure BARRE et Me Juliette GRISET**

Copie certifiée conforme à l'original
Le Greffier

- Melle JAVAHERI SAATCHI Golnaz - sous Contrôle Judiciaire
Mandat de dépôt : 22/06/03, libérée le 02/07/03, placement sous C.J.: 02/07/03
née le 09/01/65 à TEHERAN de Ali Akbar et de KHATIB-SHAHIDI Mahrou,
profession : sans
demeurant chez Mahrow JAVAHERI SAATCHI, 21 avenue Sébastien Bares Bâtiment A 06100 NICE
ayant pour avocats :**Me Thierry LEVY et Me Patrick BAUDOUIN**

- M. REZAEE Aboulghassem - sous Contrôle Judiciaire
Mandat de dépôt : 22/06/03, libéré le 02/07/03, placement sous C.J.: 02/07/03
né le 29/06/53 à TEHERAN de Khalilollah et de Zahra NOWROOZI,
profession : sans
demeurant 7 Square du Diapason 95000 CERGY
ayant pour avocats :**Me Henri LECLERC et Me William BOURDON**

- Melle PEIKARNEGAR Mehrafrooz - sous Contrôle Judiciaire
placement sous C.J.: 23/09/04
née le 25/02/56 à TÉHÉRAN de Feu Reza et de Alamtaj VEISSI,
profession : interprète
demeurant chez Maître DARTEVELLE, 9, rue Boissy d'Anglas 75008 PARIS
ayant pour avocat :**Me Bernard DARTEVELLE**

- M. RANJI KIA SARAÏ Nemat alias MAZLOUMI RAD Mohammad Ali -sous Contrôle Judiciaire
placement sous C.J.: 01/04/05
né le 31/05/60 à RASHT de Ahmad et de Shahrbano ZIAI, profession : vendeur
demeurant 16 boulevard Maillot 92200 NEUILLY SUR SEINE
ayant pour avocat :**Me Marie-Laure BARRE**

- M. MOMEN Ali Mohammad alias BAGHER - sous Contrôle Judiciaire
placement sous C.J.: 29/03/05
né le 23/02/61 à TEHERAN de Mohammad et de RAJABI POUR Mahboubeh,
profession : sans

نهایتاً روشن گردید که محض نمونه حتی یکی از دعاوی و اتهامات و لجن‌پراکنی های اطلاعات آخوندی و مزدوران و پشتیبانانش صحت ندارد. از این‌رو دادگاه به‌بستن پرونده و بازگرداندن قسمتی از دارایی‌ها که صاحبان آن معلوم است و تمام پول توقیف شده حکم کرد.

دستور منع تعقیب یک افتضاح و شکست دیگر برای رژیم آخوندی و وزارت منحوس اطلاعات آن و دولت وقت فرانسه است. سالها تلاش وزارت بدنام و مزدوران گوناگون آن در همکاری با دستگاه اطلاعات فرانسه به‌طور کامل درهم‌شکسته شد و این پرونده با رد یکایک دعاوی آن در جزییات که با ۱۴ سال جستجو و تحقیق و بازپرسی همراه بود، به سند افتخار مجاهدین و مقاومت ایران تبدیل شد.

دیدار خانم رجوی با هانری لوکلرک



اور سوراواز-۲۶شهریور ۱۳۹۳

چهارشنبه ۲۶ شهریور۹۳ - مقر مقاومت ایران در اور سوراواز در شمال پاریس به‌دنبال اعلام تصمیم قضاییهٔ فرانسه، مبنی بر مختومه اعلام کردن پروندهٔ ۱۷ژوئن، هانری لوکلرک برجسته‌ترین وکیل فرانسه و وکیل خانم مریم رجوی، در دیدار با رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت، این پیروزی را اعلام کرد و تبریک گفت.

در این دیدار، خانم رجوی تصمیم قضاییهٔ فرانسه را پیروزی عدالت و مقاومت بر معامله و زدوبند توصیف کرد و از زحمات و تلاشهای هانری لوکلرک و سایر وکلا قدردانی نمود.

خبرگزاری فرانسه در ۱۷سپتامبر ۲۰۱۴ از پاریس گزارش کرد: حکم منع تعقیب عمومی در مورد مجاهدین خلق ایران که در سال ۲۰۰۳ هدف یک تور گستردهٔ دستگیری بسیار رسانه‌یی شده قرار گرفته بودند، صادر شد. این پرونده که توسط ژان لویی بروگیر ساخته شده بود، در سال ۲۰۰۹ تحویل مارک ترویدیک داده شد. منبع قضایی گفت: قاضی ضدتروریست مارک ترویدیک، روز سه‌شنبه حکم منع تعقیب را همان‌طور که قبلاً دادسرای پاریس درخواست کرده بود، امضا کرد.



ویلیام بوردون وکیل شورای ملی مقاومت ایران، دربارهٔ صدور حکم منع تعقیب به خبرگزاری فرانسه گفت: «این حکم، مایهٔ آرامش خاطر ماست زیرا این پرونده‌سازی مصنوعی علیه شورای ملی مقامت ایران محصول آلت دست قرار گرفتن قضاییهٔ فرانسه توسط ملاها بود. و مایهٔ تأسف بسیار است که این حکم منع تعقیب، خیلی زودتر از این داده نشد و صداقت و کرامت جنبش مقاومتی که علیه بدترین استبداد روی زمین می‌جنگد، به‌طور غیرعادلانه لگدکوب شد.



اور سوراواز–۲۶شهریور ۱۳۹۳



ویلیام بوردون افزود: «این دومین حکم منع تعقیب است که صادر می‌شود و بر یک یک داستان‌سازی غیرقابل تحمل قضایی، نقطهٔ پایان می‌گذارد».



رسانه‌های فرانسه در ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۴ [۵۰] گزارش دادند: درحالی‌که پارلمان فرانسه پروژهٔ قانون جدید علیه تروریسم را بررسی می‌کند، روز سه‌شنبه یک حکم منع تعقیب به‌سود ۹ ایرانی عضو یا هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران که به اتهام تأمین مالی تروریسم تحت پیگرد قرار گرفته بودند، صادر شد.





بعد از بیش از ۱۱سال تحقیقات، قضاییه فرانسه هیچ شواهد مادی پیدا نکرد که بتواند اثبات کند، از طریق انجمن ایران اید نزدیک به‌مجاهدین، تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی صورت گرفته باشد.

قاضی تحقیق با صدور حکم منع تعقیب بر سر جرایم تأمین مالی تروریسم، به تحقیقاتی نقطهٔ پایان گذاشت که هیأت دفاع مجاهدین آن‌را نتیجهٔ مماشات بین پاریس و تهران دانسته و محکوم کرده بود.

به این ترتیب تمام لجن‌پراکنی های ۱۴سالهٔ رژیم و طیف مزدوران ایرانی و مستخدمان خارجی آن علیه مجاهدین، به‌طور کامل بر باد رفت. اکنون اتهامات تروریسم، سکتاریسم، قتل های مشکوک، شکنجهٔ مجاهدین توسط خودشان و لجن‌پراکنی های ۶۷۷ روزه در اشرف با ۳۰۰ بلندگو، به خود رژیم و عوامل و مزدورانش برمی‌گردد که از عدالت و قانون و قرار گرفتن در معرض داوری در دادگاه خلق و ملت ایران گریزی نخواهند یافت.

۵۰- ۲۶ شهریور ۱۳۹۳

عدالت پیروز شد، زد و بند و شیطان سازی شکست خورد، حقانیت مقاومت ایران مهر خورد

سرکوب مقاومت ایران توجیهات را از تروریسم واقعی منحرف و بهترین فرصتها را به بنیادگرایان داد

روز گذشته (سه شنبه ۲۵شهریور) قاضی تحقیق هفت تروریسم دادسرای پاریس با صدور دستور منع تعقیب، پرونده ننگینی را که از ۱۴ سال پیش در معامله با رژیم آخوندی علیه مقاومت ایران گشوده شده بود برای همیشه مختومه کرد. پرونده ای که با اتهام مسخره تروریسم و تامین مالی تروریسم شروع شده و در قدمهای بعد در قلدان هرگونه سند در مورد تروریسم به اتهامات مالی مانند پولشویی و تقلب منحرف شد. حال قضاییه فرانسه تصریح می کند هیچ دلیلی برای اتهامهای مالی نیز وجود ندارد به این ترتیب به رغم پمپاژ شهادتهای دروغ و اطلاعات ساختگی، بر کلیه اتهامها علیه مقاومت ایران مهر بطلان زده شد.

خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران، تصمیم قضاییه فرانسه را پیروزی عدالت و مقاومت بر زد و بند و معامله، شکست شیطان سازی و اذعان به مشروعیت مقاومت علیه فاشیسم دینی توصیف کرد و گفت: این پرونده ننگین از روز نخست حاصل یک زد و بند ننگین با فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران بود که هدف آن «منهدم» کردن مقاومت عادلانه و دموکراتیک مردم ایران برای سرنگونی رژیم آخوندی بود. رژیمی که پدرخوانده تروریسم و بنیادگرایی در جهان امروز است.

وی افزود: در روز ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، ۱۳۰۰ پلیس به بهانه سخیف تروریسم به دفاتر شورای ملی مقاومت و منازل خانواده های شهیدان حمله ور شدند. حمله ور شدند و به یک دستگیری گسترده (عفل)، تخریب اموال و اماکن مقاومت، ضرب و جرح افراد حتی پیران و مادران سالخورده و ضبط اموال مقاومت و افراد دست زدند. این حمله به تبعید بسیاری از پناهندگان و کنترلهای قضایی سنگین منجر شد. حال قضاییه فرانسه اذعان می کند مقاومت مجاهدین چه به صورت ارتش آزادیبخش ملی ایران و چه عملیات مجاهدین در داخل ایران یک مقاومت مشروع بوده و شامل تروریسم نمی شود. این حمله در سفر وزیر خارجه وقت فرانسه به تهران برنامه ریزی شده بود و یک قرارداد تجاری بزرگ بین رژیم ایران و فرانسه در مه ۲۰۰۳ پشتوانه آن بود. ارگانهای مختلف رژیم ایران از جمله وزارت خارجه، وزارت اطلاعات و سفارت ملایان در ارتباط تنگاتنگ با سرویسهای فرانسوی به پرونده سازی پرداختند و رییس جمهور رژیم هزینه کلان آن را تامین می‌کرد.

اما به رغم همه اینها و علیرغم ضبط همه اسناد و مدارک دفاتر شورا و شنودهای طولانی مدت مکالمات این دفاتر و مسئولان مقاومت، و درخواستهای رسمی مقامات وقت فرانسه از کشورهای دیگر برای اطلاعات علیه مقاومت ایران، در این پرونده هیچ سندی علیه مقاومت ایران وجود نداشت. برای جبران فضاحت فقدان مدارک، هفت ماهور شناخته شده وزارت اطلاعات به عنوان شاهد به کار گرفته شدند و در دهها جلسه به طور هدایت شده بازپرسی شدند تا مقاومت را به سکت، تروریسم، سرکوب کردها و شیعیان در عراق، پولشویی، اختلاس و شکنجه و قتل اعضای خود متهم کنند.

خانم رجوی افزود: به خدمت گرفتن کلیوها برای شهادت دادن علیه مقاومین به راستی شرم آور است، و مانند به کار گرفتن فرانسوییهایی است که با گشتاپوی هیتلر برای شهادت دادن علیه مقاومت و مقاومین فرانسه همکاری می کردند.
وی افزود: اما صدور دستور منع تعقیب پرونده شیطان سازی رژیم آخوندی علیه مقاومت را نیز با یک شکست سنگین و جبران ناپذیر مواجه کرد و یک بار دیگر اثبات شد که تمامی دعاوی این رژیم علیه مقاومت که در طول سه دهه بلاوقفه و با هزینه های کلان و از طریق مزدوران و لابی های رنگ و وارنگ خود در سراسر جهان بویژه در اروپا و آمریکا پمپاژ می کند مطلقا دروغ است.
رئیس جمهور برگزیده مقاومت ضمن برشمردن برخی از عواقب و تبعات این پرونده، از جمله اعمال محدودیتهای گوناگون مالی و سیاسی برای مقاومت و هدر دادن انرژیها و امکانات آن و فراهم کردن توجیه برای اعدام و سرکوب هواداران در داخل ایران و مجاهدان اشرف در عراق، گفت: اما آنچه مهمتر است این است که این پرونده توجهات را از مبارزه علیه تروریسم منحرف کرد. به جای ایستادگی در برابر رژیمی که در سه دهه پدر تروریسم را چه در شکل حزب الشیطان و چه داعش در خاورمیانه و آفریقا پاشیده است، آلترناتیو آن یعنی شورای ملی مقاومت را سرکوب کردند و سازمان مجاهدین که یک اسلام دمو کراتیک و بردبار را نمایندگی می کند به بند کشیدند. این سیاست غلط تا آنجا به بنیادگرایی میدان داد که امروز به سربازگیری در اروپا روی آورده است.
خانم رجوی نتیجه گیری کرد که: امروز پرونده ای بسته می شود، ولی پرونده دیگری باز خواهد شد. قرار گرفتن مجرمان واقعی در مقابل عدالت، کسانیکه این معامله کثیف را انجام دادند، دستور دستگیریها را صادر کردند، قضاییه فرانسه را بازیچه مطامع سیاسی و اقتصادی خود قرار دادند و باعث از دست رفتن جانها شدند.
لازم به یادآوری است که در یورش ۱۷ ژوئن ۱۶۴ نفر دستگیر شدند که پس از مدت کوتاهی همه آنها آزاد شدند و ۲۴ نفر تحت پیگرد قضایی قرار گرفتند. پس از تجسس دفاتر شورای ملی مقاومت که هیچ عنصر غیر قانونی در آن یافت نشد رئیس وقت دادستان در مقابل این واقعیت گفت ما سلاحی به دست نیاوردیم ولی آنها را «منهدم» کردیم.
قاضی تحقیق در نفی اتهام تروریسم علیه سازمان مجاهدین تصریح می کند: «باید گفت که شورای ملی مقاومت ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و ارتش آزادیبخش ملی ایران همگی یک تشکل جمعی را تشکیل می دهند که هدف آن سرنگون کردن رژیم حاکم بر ایران میباشد» وی سپس تاکید میکند: بر اساس «تحقیقات قضایی» شیوه های مقاومت برای رسیدن به این هدف «یا سیاسی بوده اند (مانند تبلیغات، جلب توجهات، لابی کردن، استفاده از اهرمهای مختلف)»، یا «با استفاده از یک ارتش واقعی، ارتش آزادیبخش ملی ایران » و «با درپیگیرنده عملیات نظامی داخل ایران است که توسط سازمان مجاهدین خلق ایران به عهده گرفته شده است» و «در پرونده سندی دال بر عمل مسلحانه ای که غیر نظامیان را به طور عمدی مورد هدف قرار داده باشد وجود ندارد.» قاضی می افزاید داده های پرونده «اجازه نمی دهد تهاجمات نظامی یا اعمال تروریستی یکی محسوب شود. در حقوق فرانسه یک تهاجم نظامی که منجر به نبرد مسلحانه میان نظامیان شود، نمی تواند به عنوان تروریسم توصیف شود.»

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۲۶شهریور۱۳۹۳(۱۷ سپتامبر۲۰۱۴)

حکم نهایی منع تعقیب در پروندهٔ ۱۷ ژوئن

COUR D'APPEL
DE PARIS

TRIBUNAL DE
GRANDE INSTANCE
DE PARIS

CABINET DE
M. MARC TREVIDIC
VICE PRÉSIDENT CHARGÉ DE L'INSTRUCTION
EN CO-SAISINE AVEC
MME JEANNE DUYE
VICE PRÉSIDENT CHARGÉ DE L'INSTRUCTION

ORDONNANCE DE NON-LIEU et de RESTITUTION partielle

N/DU PARQUET : **0109939013**.
N/ INSTRUCTION : **2272/06/4 & 1401**.
PROCEDURE CORRECTIONNELLE

Nous, Marc TREVIDIC et Jeanne DUYE, Vice Présidents Chargés de l'instruction au tribunal de grande instance de PARIS,

Vu l'information suivie contre :

- **Mme ALAVI TALEGHANI Zahra - sous Contrôle Judiciaire**
Mandat de dépôt : 21/06/03, libérée le 01/07/03, placement sous C.J. 01/07/03
née le 05/02/50 à TEHERAN de Noreddin et de Robabeh TEYMOURI,
profession : Présidente Iran Aide
demeurant 15 rue Delacour 95300 PONTOISE
ayant pour avocats :**Me Marie-Laure BARRE et Me Juliette GRISET**

Copie certifiée conforme à l'original
Le Greffier

- **Melle JAVAHERI SAATCHI Golnaz - sous Contrôle Judiciaire**
Mandat de dépôt : 22/06/03, libérée le 02/07/03, placement sous C.J. 02/07/03
née le 09/01/65 à TEHERAN de Ali Akbar et de KHATIB-SHAHIDI Mahrou,
profession : sans
demeurant chez Mahrou JAVAHERI SAATCHI, 21 avenue Sébastien Bach, Bâtiment A 06100 NICE
ayant pour avocats :**Me Thierry LEVY et Me Patrick BAUDOUIN**

- **M. REZAEE Aboulghassem - sous Contrôle Judiciaire**
Mandat de dépôt : 22/06/03, libéré le 02/07/03, placement sous C.J. 02/07/03
né le 29/06/53 à TEHERAN de Khalilollah et de Zahra NOWROOZI,
profession : sans
demeurant 7 Square du Diapason 95000 CERGY
ayant pour avocats :**Me Henri LECLERC et Me William BOURDON**

LES INFORMONS que les décisions prises par le Premier Président de la cour d'appel peuvent, pendant un délai de DIX JOURS de leur notification, faire l'objet d'un recours devant une commission nationale d'indemnisation des détentions provisoires. Cette commission placée auprès de la Cour de Cassation, statue souverainement et ses décisions ne sont suseptibles d'aucun recours, de quelque nature que ce soit.

Fait en notre cabinet le 16 septembre 2014

Le Vice Président chargé de l'instruction

M. Marc TREVIDIC

Le Vice Président chargé de l'instruction

Mme Jeanne DUYE



Copie certifiée conforme pour notification de la présente ordonnance a été adressée par lettre recommandée aux mis en examen et à leurs avocats le 16 septembre 2014

Copie certifiée conforme pour notification de la présente ordonnance a été adressée par lettre recommandée aux témoins assistés et à leurs avocats le 16 septembre 2014

Copie certifiée conforme pour notification de la présente ordonnance a été adressée par lettre recommandée à la partie civile et à son avocat le 16 septembre 2014

Copie certifiée conforme de la présente ordonnance conforme aux réquisitions de M. Le Procureur de la République lui a été adressé le16 septembre 2014
Le Greffier

بیانیهٔ حقوقدانان برجستهٔ فرانسوی دربارهٔ صدور حکم نهایی منع تعقیب در پروندهٔ ۱۷ ژوئن

همهٔ اتهامات علیه مقاومت ایران بلااستثنا بی‌پایه و اساس بودند

Communiqué de Maîtres Henry Leclerc ; William Bourdon; Patrick Baudouin, Thierry Levy, Bernard Dartevelle, Marie-laure Barre, Francois Serres

---

Les avocats soussignés se réjouissent, bien entendu, du 2ème non-lieu rendu le 16 septembre 2014 par Monsieur Marc TREVIDIC et Madame Jeanne DUYE, magistrats instructeurs à PARIS, qui met un terme définitif à l'exceptionnelle et inacceptable saga judiciaire inaugurée par l'opération menée à AUVERS-sur-OISE en juin 2003. Les dirigeants du CNRI, après avoir été accueillis et protégés en FRANCE, ont été brutalement stigmatisés.

Chacun se souvient du caractère parfaitement orchestré de cette opération menée avec tapage à l'époque par Monsieur Jean-Louis BRUGUIERE.

Il n'avait pas échappé aux observateurs avertis que l'ouverture de cette procédure était en lien direct avec ce qui était considéré à l'époque comme l'agenda politique et commercial de la France.

Les dirigeants du CNRI et leurs avocats n'ont cessé de dénoncer depuis 12 ans l'absence totale de fondement des mises en examen intervenues, que cela soit du chef de terrorisme ou du chef d'un certain nombre d'infractions financières. En effet, on se souvient que le Parquet de PARIS, face à l'écroulement des charges de terrorisme, avait demandé aux juges d'instruction d'élargir leurs investigations à des infractions financières. Dans les deux cas, c'est une ordonnance de non-lieu qui a été rendue. Et dans les deux cas, ont été mises en pièces les soi-disant charges recueillies contre nos clients, alors que, aux termes de la première ordonnance de non-lieu, a été, et c'était une décision sans précédent, reconnu le droit légitime de nos clients à résister contre la tyrannie.

Les préjudices subis du fait de cette procédure sont évidemment considérables. Elle n'a été possible que par la complaisance avec laquelle le gouvernement français de l'époque s'est plié à une stratégie d'instrumentalisation menée par les mollahs au pouvoir à TEHERAN.

Cette décision est un soulagement et source aussi d'un immense regret face à une injustice qui a gravement porté atteinte à l'image, la réputation et l'intégrité d'un mouvement dont le seul objet est d'œuvrer en faveur de la démocratie et de la paix. Cette décision prouve également que toutes les allégations portées contre les résistants iraniens étaient dépourvues de fondement.

هانری لوکلرک
ویلیام بوردون
پاتریک بودوئن
تیری لوی
برنارد دارتوویل
ماری لر باره
و فرانسوا سر
وکلای امضا کننده زیر،

از دومین حکم منع تعقیب صادره در ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۴ توسط قضّات تحقیق دادگاه پاریس، مارک ترویدیک و خانم ژَن دویه که یک نقطهٔ پایان نهایی به ماجرای قضایی استثنایی و غیرقابل قبولی بود که با عملیات صورت گرفته در اور سوراواز در ژوئن ۲۰۰۳ آغاز شد، اظهار خرسندی می‌کنند.

شورای ملی مقاومت ایران که در فرانسه مورد استقبال و محافظت قرار گرفته بود، در این حمله به‌طور خشونت‌باری مورد آزار و ایذا واقع شد.

ابعاد کاملاً ساختگی این پرونده و عملیات مربوطه را که در آن زمان با سروصدای زیاد به‌وسیلهٔ ژان لویی بروگیر انجام شد، همگان به‌خاطر دارند.

برای ناظران آگاه آشکار بود که باز کردن این پروندهٔ قضایی، با آنچه که در آن زمان به‌عنوان برنامه سیاسی ـ تجاری فرانسه و رژیم ایران مطرح می‌شد، ارتباط مستقیم داشته است.

شورای ملی مقاومت ایران و وکلای آن همواره از ۱۲ سال پیش، بی‌اساس بودن کامل این پرونده و پیگردهای قضایی را، چه در رابطه با اتهام تروریسم یا تعدادی جرایم مالی افشا کرده‌اند.

به‌خاطر می‌آوریم که دادسرای پاریس در مواجهه با فروریزی اتهامات تروریسم، از قضات تحقیق خواسته بود تحقیقات خود را به تخلّفات مالی گسترش دهند.

اما قضّات در پی تحقیقات در هر دو مورد، حکم منع تعقیب صادر کردند. در هر دو مورد نیز اتهامات علیه موکلان ما، کاملاً بی‌پایه و اساس شناخته شد.

بر مبنای اولین حکم منع تعقیب که یک تصمیم بی‌سابقه بود، حق مشروع مؤکلان ما برای مقاومت علیه استبداد به‌رسمیت شناخته شد.

خسارات تحمیل شده در این جریان، البته قابل‌توجه هستند. این امر تنها به‌دلیل سیاست استمالت دولت وقت فرانسه امکان‌پذیر شد که به استراتژی آلت دست قرار گرفتن توسط ملاهای حاکم بر تهران تن داد.

ما در عین استقبال از این حکم نهایی، از بی‌عدالتی صورت گرفته در این پرونده‌سازی

برای مخدوش کردن چهره، اعتبار و تمامیت جنبش مقاومتی که تنها هدفش برقراری دموکراسی و صلح بوده، ابراز تأسف می‌کنیم.

صدور حکم منع تعقیب اثبات می‌کند که تمامی اتهامات مطرح شده علیه مقاومت ایران بی‌پایه و اساس بوده‌اند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس

پروندهٔ فرانسوی علیه اپوزیسیون ایران ساقط شد



French case against Iran opposition group dropped

AP

French Terror Case Against Iran Opposition Dropped

PARIS — Sep 17, 2014, 10:08 AM ET

AP

French judges have thrown out terrorism-linked charges against nine members of an exiled Iranian opposition group, closing a case that began 11 years ago with mass arrests that provoked several deaths by protesters setting themselves afire.

The Paris prosecutor's office confirmed Wednesday the case against the Mujahedeen-e-Khalq was closed. The group's leader Maryam Rajavi said in a statement the decision was a "victory of justice and resistance over collaboration" between France and Iran.

Rajavi was among more than 150 detained in a sweep in 2003 around the group's headquarters in Auvers-Sur-Oise, outside Paris. She and 16 others were charged on suspicion of planning terrorist acts and terror financing. Rajavi was later released, and some charges were dropped as the probe progressed.

The identities of the nine were not released.

پاریس، خبرگزاری آسوشیتدپرس ۱۷سپتامبر ۲۰۱۴ ـ قضّات فرانسوی اتهامات مرتبط به تروریسم علیه ۹عضو اپوزیسیون ایران را دور انداختند.

رویترز

فرانسه پروندهٔ علیه مخالفان ایرانی را بعد از ۱۱سال تحقیقات منتفی می کند



پاریس- رویترز ۱۷سپتامبر ۲۰۱۴: قضات دادستانی پاریس تمامی اتهامات مالی به هواداران اپوزیسیون ایران را منتفی کردند.

در سال ۲۰۰۳ سمپاتیزانهای سازمان مجاهدین خلق ایران در حملهٔ پلیس به حومه پاریس دستگیر شده بودند.

تلویزیون کانال ۳ فرانسه

چهارشنبه ۱۷سپتامبر ۲۰۱۴

شما ممکن است به‌یاد داشته باشید در۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، ۱۶۰نفر در یک حملهٔ پلیسی گسترده به اور سوراواز دستگیر شدند. مجاهدین خلق مظنون به تروریسم بودند، ۱۱سال

بعد، قضاییهٔ یک حکم منع تعقیب عمومی صادر کرد. وکیل شورای ملی مقاومت به این تصمیم درود فرستاد. او گفت: «متأسف است که حکم منع تعقیب این‌قدر طول کشید و طی این مدت صداقت و کرامت جنبشی که علیه بدترین استبداد روی زمین می‌جنگد، به‌طور ناعادلانه لگدکوب شد.....





در بزرگترین عملیات ضدتروریستی که هیچ‌گاه در فرانسه سابقه نداشت، روز ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، ۱۳۰۰مأمور پلیس و ژاندارم به اور سوراواز سرازیر می‌شوند. در این شهرک که مقر اپوزیسیون ایران علیه رژیم آخوندها در آنجاست. آنها ۱۶۴نفر را دستگیر می‌کنند از جمله دکتر صالح رجوی را که برادر رهبر مقاومت ایران است او هرگز دستگیری خودش را در ساعت ۶صبح فراموش نخواهد کرد.

حدود ۱۰ژاندارم نقابدار با مسلسل روی من می‌پرند و مرا روی چمن می‌اندازند و دست‌بند می‌زنند و پوتین هایشان را روی دوشم می‌گذارند. همین کار را با دخترم می‌کنند که ۱۷سال داشت طوری رفتار می‌کردند که انگار ما تروریستهای بسیار خطرناک هستیم.

همهٔ دفاتر مقاومت در جستجوی سلاح و پول مورد بازرسی قرار گرفت چرا که این اتهام مطرح شده بود که مجاهدین خلق در تدارک سوءقصدهایی در اروپا هستند. این مقاومین در اعتصاب غذا در کوچه‌های اور سوراواز فریاد می‌زنند دروغ است. بعضی نیز در پاریس و لندن خودسوزی می‌کنند تا بی‌گناهی‌شان را فریاد بزنند.


Auvers-sur-Oise (95) - Juin 2003
PARIS ILE-DE-FRANCE
MONDE


ina
PARIS ILE-DE-FRANCE
MONDE


ina
PARIS ILE-DE-FRANCE
MONDE

در ۲۰۱۱ یک حکم اول منع تعقیب توسط دادستانی پاریس صادر می‌شود، ولی هنوز اتهامات مالی باقی می‌ماند. ۱۰ روز پیش یک حکم دوم منع تعقیب بالاخره کاملاً مقاومت ایران را تبرئه نمود.

۱۱سال گذشته است، ۱۱سال برای این‌که به‌پایان پرونده‌یی برسیم که از ابتدا خیلی افراد، خیلی از ناظران آن‌را یک پروندهٔ سیاسی و نتیجهٔ زدوبند میان دولت وقت فرانسه و رژیم ملاها معرفی کرده بودند.

درحقیقت در ۲۰۰۳ پاریس و تهران مشغول مذاکرات تجاری و نفتی هستند، چانه‌زدنها میان دومینیک دو ویلپن و همتای ایرانی‌اش در وزارت‌خارجه به شرکت توتال اجازه می‌دهد که در ازای این موج دستگیری، در کشور ملاها مستقر شود. ایو بونه رئیس سابق DST و مسئول سرویس ضدجاسوسی همه چیز را در یک کتاب توضیح داده است.

ایو بونه نویسندهٔ کتاب «توطئهٔ بزرگ» رئیس سابق DST: آن‌چه که در این معامله شوکه‌کننده است این است که شکل یک توطئه را به‌خود می‌گیرد. مانع آزادی و فعالیت اپوزیسیونی که دموکراتیک است می‌شود و خدمات بی‌همتایی به رژیمی می‌دهد که یک دیکتاتوری است.

مریم رجوی که ۱۱روز بعد از موج دستگیری گستردهٔ ۲۰۰۳ آزاد می‌شود، مثل همهٔ اعضای مقاومت ایران سالها از بابت تصویر تروریست که ارائه می‌شد رنج کشید. پایان این داستان طولانی سیاسی و قضایی، بالاخره انرژیها را آزاد می‌کند تا بتوان کاملاً انرژیهای خود را وقف تغییر رژیم در تهران نمود.

هفته‌نامهٔ فرانسوی

کانار آنشنه ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴

«سکت بیرحم سارکوزی» تبرئه شد

این پرونده «هیچ بود، خالی خالی بود. فقط باد و بلوف بود!»



Le Canard enchaîné

Délit d'élite

La "secte cruelle" de Sarkozy blanchie

RIEN. Vide. Du vent. Le retentissant dossier antiterroriste monté en 2002 par le juge Bruguière à l'encontre des Moudjahidine du peuple, opposants au régime des mollahs iraniens, vient d'être purement et simplement envoyé à la corbeille par son confrère Marc Trévidic. Ce magistrat, bien peu lacrosse, qui avait hérité de l'instruction en 2009, a rapidement, par un non-lieu général, balayé les dernières accusations portées contre cette organisation. Nicolas Sarkozy, alors ministre de l'Intérieur, et le juge Bruguière, ancien maître dans la fabrication de terroristes, avaient pourtant fait les choses en grand.

Le 17 juin à 6 heures, Sarko lance 1 200 policiers et 80 gendarmes du GIGN à l'assaut d'une organisation qu'il a qualifiée de « secte parmi les plus brutales et les plus cruelles d'islamistes intégristes doublées des derniers vestiges du marxisme le plus intégriste », fermez le ban. Cela fait treize mois que la DST enquête sur les exilés d'Auvers-sur-Oise. Selon elle, l'« organisation terroriste, très menaçante », va passer à l'attaque, y compris en France. Des « cadres militaires » viennent d'arriver de Bagdad, certains militants s'entraînent à devenir kamikazes. La bombe est prête et la mèche allumée.

Près de 170 Iraniens sont interpellés, 17 mis en examen et 11 incarcérés, notamment pour détention de « matériel de type militaire ». « On tremble », cancane « Le Canard » à l'époque (25/6/03), qui relève que cet arsenal est constitué de « paraboles, récepteurs GPS et ordinateurs ». Pour protester contre les arrestations, trois militants s'immolent par le feu. Dont une femme, qui ne survivra pas.

Formidable coïncidence, la France était alors en train de renouer de solides liens avec l'Iran. Dîner annuel de Villepin, ministre des Affaires étrangères, avec son homologue iranien à Téhéran, gros contrats avec Total, Alcatel, Renault. Le Conseil national de la résistance iranienne, monnaie d'échange diplomatique offerte aux mollahs ? « Le Canard » l'écrit à l'époque, rappelant que la France ne vient pas d'arrêter des enfants de chœur, certes, mais les opposants armés à un régime qui a encouragé les attentats sanglants commis sur son sol en 1986.

Un mois après la rafle, tout le monde est relâché, les assignations à résidence et les expulsions sont suspendues par le tribunal administratif. Un fiasco. En 2011, les accusations criminelles s'éteignent. Et, aujourd'hui, alors que le mouvement ne figure plus sur la liste des organisations terroristes, les poursuites pour délits financiers s'effondrent.

Du grand coup de filet d'Auvers-sur-Oise ne restera [illegible] Iraniens, juste pour [illegible] pour Sarko et son [illegible]

S. Ch.

پروندهٔ پر سروصدای تروریسم که توسط بروگیر علیه مجاهدین ساخته شد، توسط قاضی مارک تروییدیک صاف و ساده به‌سطل آشغال ریخته شد.

نیکلا سارکوزی، وزیر کشور وقت و بروگیر استاد جعل تروریست، همه‌چیز را در ابعاد بزرگ تدارک دیده بودند.

دست بر قضا فرانسه در آن موقع در حال بازسازی روابط با (رژیم) ایران بود. شام

دوستانه دو ویلپن، وزیر خارجه با همتای ایرانی خود در تهران، قراردادهای بزرگ با توتال، آلکاتل و رنو. آیا شورای ملی مقاومت ایران وجه‌المصالحهٔ دیپلماتیک تقدیمی به آخوندها نبود؟ (مجلهٔ) ما، کانار (آنشنه)، در آن‌موقع این سؤال را مطرح و یادآوری کرد که فرانسه بی‌شک یکسری کودک بیگناه را دستگیر نکرده است بلکه مخالفینی را دستگیر کرده که علیه رژیمی سلاح برداشته‌اند که در سال ۱۹۸۶ در خاک فرانسه به سوءقصدهای خونینی مبادرت کرده بود. یک ماه بعد از این موج دستگیریها، همه افراد آزاد می‌شوند. دادگاههای اداری اقامت‌های اجباری و اخراجها را لغو می‌کنند. در یک شکست دیگر برای این پرونده‌سازی. در سال ۲۰۱۱ اتهامات تروریستی لغو شدند و امروز در حالی که این جنبش دیگر در فهرست سازمانهای تروریستی نیست، اتهامات مالی نیز نابود می‌شوند.

وال استریت ژورنال ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۴


And the Verdict Is ...

THE WALL STREET JOURNAL.

Fed Cautious As It Maps

فرانسه باقیماندهٔ اتهامات علیه گروه مخالفان ایرانی را برداشت. اقدام پایان دادن به‌تحقیقات درازمدت، می‌تواند شورای ملی مقاومت ایران را اعتلا بدهد

تصمیم دادستانها می‌تواند یک جهش به گروه مستقر در فرانسه و نیروی اصلی آن یعنی مجاهدین خلق بدهد.

ویلیام بوردون وکیل شورای ملی مقاومت و بعضی از اعضای آن‌که تحت تحقیقات بوده‌اند، گفت: «تصمیم امروز شاخص پایان یک تحقیقات غیرقابل تحمل است».



واشینگتن‌پست ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۴: پروندهٔ تروریستی علیه اپوزیسیون ایران مختومه شد.....

فاکس‌نیوز ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۴: دادگستری فرانسه پروندهٔ ۱۱سالهٔ تروریسم علیه اپوزیسیون ایران را منتفی نمود.

روزنامهٔ پاریزین فرانسه ۱۷سپتامبر ۲۰۱۴- اور سوراواز: پیروزی بزرگ مخالفان ایرانی

۱۱ سال است که فعالان منتظر این لحظه هستند، زیرا زخم ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ هنوز باز بود. هانری لوکلرک، وکیل مقاومت با ابراز خوشحالی گفت: «پرونده بسته شد. در سال ۲۰۰۳ از تروریستها حرف می‌زدند. ولی می‌بینیم که هیچ چیزی وجود ندارد. مجاهدین از تمامی اتهامات تبرئه شده‌اند».

کابوس وحشت رژیم از حکم دادگستری فرانسه

رژیم که از ضربهٔ ناشی از صدور حکم دستگاه قضایی فرانسه و مختومه اعلام شدن پروندهٔ ۱۷ ژوئن و درهم‌شکستن کلان سرمایه‌گذاری رژیم علیه مجاهدین و مقاومت ایران، به خود می‌پیچد، عنان از کف داد و در تلویزیون و سایر رسانه‌های حکومتی زوزه‌های وحشت سر داد:

دستگاه قضایی فرانسه در اقدامی همسو با مجاهدین، اعضای این گروهک را که از سال‌ها قبل به اقدامات تروریستی متهم شده بودند، از اتهامات وارده مبرا دانست. . . پاریس سالهاست که از آنها میزبانی می‌کند.

تلویزیون رژیم- ۲۷ شهریور ۱۳۹۳

فرانسه و جبران محکومیت گازی با لغو پروندهٔ تروریستی. در روزی که فرانسه به پرداخت مالی به ایران محکوم شد، دادگاه فرانسوی برای قاتلان ۱۷هزار ایرانی قرار منع تعقیب صادر کرد. . .

این گروهک آزادانه در کشورهای غربی فعالیت می‌کند و مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

خبرگزاری نیروی تروریستی قدس نیز، با هراس و غیظ فراوان نوشت:

«ترور بیش از ۱۷هزار نفر در کارنامه مجاهدین ثبت است.

دادستانی فرانسه اعضای مجاهدین را تبرئه کرد.....

دادگستری فرانسه تمامی افراد بازداشت شده را در سال ۲۰۰۶ تبرئه کرد و فقط بازجویی‌ها از ۹نفر را به‌اتهام احتمالی پولشویی ادامه داد. اما دادستانی فرانسه امروز اعلام کرد که تمامی این ۹نفر از اتهامات تبرئه شدند.



مصاحبهٔ سیمای آزادی

با هانری لوکلرک برجسته‌ترین وکیل فرانسه

دربارهٔ حکم منع تعقیب کامل در پروندهٔ ۱۷ ژوئن

مقاومت یک حق است، حق مقاومت در برابر سرکوب یکی از چهار حق بنیادین اعلامیهٔ حقوق‌بشر است که انقلاب فرانسه از سال ۱۷۸۹ به‌رسمیت می شناسد



● احساسم این است که زمان خیلی زیادی را از دست دادیم؛ قضاییهٔ فرانسه زمان زیادی را از دست داد و تلاشهای زیادی صورت گرفت تا به‌آن چیزی برسد که من از روز اول نسبت به آن متقاعد بودم: یعنی این‌که این پرونده خالی است. تماماً خالی. ایده در نهایت این بود که بگویند، کسانی که در ایران مقاومت می‌کنند، تروریست هستند. و سازمان آنها، خواست آنها برای مبارزه، فقط می‌تواند به پیگردهایی به‌خاطر تروریسم منجر

شود، حال آن‌که من می‌گفتم، اولاً مقاومت‌کردن برحق است، ثانیاً اعمال تروریستی، ماهیتاً اعمال تروریستی هستند و اینجا چنین چیزی وجود ندارد. زمان زیادی طول کشید تا به‌این نقطه برسیم، بدون شک به‌این دلیل که گشایش این پرونده بیشتر دلایل تجاری و اقتصادی داشت تا دلایل سیاسی. دشوار بود و کار به جایی رسید که قضّات تصمیم منع تعقیب را در این پرونده اعمال کنند.

● من در پرونده‌های مختلف مربوط به مسائل حفاظت از حقوق‌بشر، از جمله بعضاً در فرانسه و در بسیاری کشورهای دیگر، به‌دفاع پرداخته‌ام. ولی اینجا ما با پرونده‌یی مواجه بودیم که واقعاً خالی بود. یعنی آنچه که گاهی مورد قضاوت قرار گرفت، اعمال مقاومت و اعمال اعتراضی‌یی بودند که وجود دارد. اعمالی که گاهی سخت و شاید خشونت‌بار باشند، که البته برای مقاومت در برابر خشونت دیگری از سوی حکومت دیکتاتوری است. در این مورد، قاضی فرانسوی چنین چیزهایی در دست نداشت، او فقط فرض می‌کرد. البته اتهام‌هایی از سوی رژیم آخوندها در دست داشت. به‌نظر من اگر وزیر خارجهٔ فرانسه برای عقد قراردادهای تجاری به ایران نمی‌رفت که (رژیم) ایران در ازای آن خواهان دستگیری مجاهدین خلق شد، بدون شک هیچ چیزی اتفاق نمی‌افتاد. این پرونده یک موضوع اصیل در خود داشت، یعنی ما از افرادی دفاع می‌کردیم که خودشان مدافع ارزش‌های بسیار مهمی بودند، ولی همزمان اعمالی که انجام داده بودند، یا به آن متهمشان می‌کردند، حتی به‌صورت جدی تقبیح نشده بود، در این پرونده هیچ‌چیز وجود نداشت، هیچ! به‌طور معمول مظنونان محکوم نمی‌شوند، فقط مجرمین محکوم می‌شوند. بالأخره مجبور شدند به آن اذعان کنند.

● **دربارهٔ اتهامات رژیم به‌همدستی قضات با مجاهدین**: اینها مضحک است! طبعاً بین مجاهدین و قضات هیچ‌گونه همدستی وجود ندارد! قضات تحقیق فرانسوی به‌طور خاص سختگیر هستند و تصمیماتی را ارائه می‌کنند که گاهی دیر اتخاذ می‌شود، ولی در این پرونده در نهایت اتخاذ شد. به‌نظرم امروز مقام‌های سیاسی فرانسه بیطرف هستند. باید هم‌چنین گفت که مسألهٔ ایران در میان مسائل پیچیدهٔ ژئوپلیتیک و نزاع‌های موجود در خاورمیانه قرار دارد، علاوه بر این دخالت‌های مستقیم غرب و.... هم هست. همهٔ اینها مشکل‌ساز است و واقعاً دوستان ما در لیبرتی، امروز بایستی مورد حفاظت قرار گیرند. در هر حال نظر من این است که حکم منع تعقیب در این رابطه، عامل کاملاً مثبتی است. یعنی امروز بعد از ۱۱ سال تحقیق، ۱۱ سال کار و ۱۱ سال بررسی می‌دانیم که کسانی که در این پرونده تحت پیگرد قرار گرفتند، نمی‌توانند به هیچ‌گونه عمل غیرقانونی متهم شوند.

کنفرانس در لیون- ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۴ (۲۸شهریور ۱۳۹۳)



میشل ترو، نمایندهٔ مجلس ملی فرانسه و نایب‌رئیس کمیته پارلمانی برای ایران دموکراتیک:



من می‌خواستم ابتدا صدور حکم منع تعقیب عمومی را تبریک بگویم. این خیلی مهم است که یک مبارزهٔ حقوقی ۱۲-۱۳ ساله به‌نتیجه می‌رسد. آنچه که طی سالیان مطرح می‌شد تا به این مقاومت آسیب برساند، به‌این ترتیب فرو ریخت. هیچ نشانه‌یی از تروریسم در این مقاومت دیده نمی‌شود. هم‌چنان‌که هیچ تبادل غیرقانونی مالی نیز در کار نبوده است پس این برای کمیتهٔ پارلمانی ما یک شادی بزرگ و یک سعادت بزرگ است که این نبرد قضایی که در کشورهای دیگر هم البته به‌پیروزی رسیده بود، مثل آمریکا و جاهای دیگر، بالاخره در فرانسه هم به‌ثمر رسید

ژان پیر برار عضو افتخاری مجلس ملی فرانسه:

آنچه که می‌خواهم بگویم به دوستان ایرانی ما ربطی ندارد ولی به ما فرانسویها ربط دارد چگونه باید اجازه بدهیم که چنین اتفاقاتی بیفتد بدون این‌که از بروگیر خواستار حساب

پس‌دادن بشویم. بروگیر باید به دادگاه کشیده شود و توضیح بدهد که از منافع چه کسانی دفاع می‌کرده و چرا؟ روزی که فرانسه بتواند این کار را بکند فکر می‌کنم که به‌لحاظ بین‌المللی احترام بیشتری برخواهیم انگیخت.



امیل بلسیک عضو افتخاری مجلس ملی فرانسه:

صدور بنیادگرایی اسلامی اهرمی در دست رژیم ایران است. اگر به وضعیت عراق و سوریه بنگرید و یا بحران فلسطین و اسراییل را ملاحظه کنید، متوجه می‌شوید که نقش رژیم ایران برجسته است و مستمراً به آتش این بحران می‌دمد و تلاش می‌کند که این بی‌ثباتی را در کشورهای همسایه زنده نگه‌دارد. رژیم تلاش می‌کند با بحران در دیگر مناطق، از ایجاد بحران در خاک خود جلوگیری کند.



ما به‌عنوان منتخبان جمهوری فرانسه، اصول دموکراتیک‌مان به‌ما اجازه نمی‌دهد که نسبت به وضعیت ایران بی‌تفاوت باشیم. لذا به‌عنوان یک پارلمانتر فرانسوی در کنار قربانیان

این رژیم که برای تغییر وضعیت در ایران مقاومت می‌کنند، قرار گرفته‌ام. من معتقدم که به‌جای افتادن در وادی تصوراتی که می‌خواهد این‌طور القا کند که رژیم ایران قابل اصلاح و تغییر است، باید از برقراری یک ایران دموکراتیک حمایت کنیم، ما تصمیم گرفتیم از کسانی که از ارزشهای انسانی دفاع می‌کنند و ما با آنها شریک هستیم حمایت کنیم. رژیم ایران تغییرناپذیر است، پایه‌های این رژیم مبتنی بر یک دیکتاتوری مذهبی است که ولی‌فقیه در آن حرف آخر را می‌زند.

امیل بلسیک سپس با اشاره به حمایت ۱۴هزار شهردار و منتخب فرانسوی از رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران و هم‌چنین حمایت از مجاهدان اشرفی در لیبرتی گفت: اشرفیها سمبل مقاومت ایران هستند و بسیاری از اشرفیها، قیمت دفاع از آرمان آزادی ایران را با بهای جان خود پرداخته‌اند. هم‌چنین باید بگویم که مرور زمان حق را به ما داده است و بر صحت تعهدات ما در کنار مقاومت ایران صحه گذاشته است.

دکتر صالح رجوی نماینده شورای ملی مقاومت:



حکم دادگاه پاریس، واقعه‌یی بسیار خوشایند است زیرا به‌مدت ۱۱ سال، همهٔ انرژی مقاومت که قرار بود با بنیادگرایی اسلامی و افراط‌گری آخوندها مبارزه کند، صرف دفاع از خود شده بود. این وضعیت به ملاها اجازه می‌داد یک کارزار اهریمن‌سازی علیه اپوزیسیون اصلی ایجاد کنند. مشاهده می‌کنید که سیاست استمالت چه ضایعاتی را برای دموکراسی در ایران به‌همراه داشته است و به رژیم ملاها و فاشیزم مذهبی اجازه داده به فعالیت‌های خود ادامه دهد و برنامهٔ هسته‌یی خود را پیش ببرد.

پیروزی عدالت، حقانیت مقاومت ایران

کنفرانس در تالار تاریخی واگرام در پاریس

۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴ (۲ مهر ۱۳۹۳)



تالار واگرام که گشایش آن در شکل کنونی‌اش به سال ۱۸۶۵میلادی برمی‌گردد، به‌عنوان یک بنای تاریخی ثبت‌شده و در نزدیکی طاق نصرت پاریس واقع شده است، این تالار تاریخی میزبان مراسم و برنامه‌های بسیاری بوده است. در ۱۰ژوئیه ۱۹۴۳ و در بحبوحهٔ جنگ جهانی دوم و اشغال فرانسه توسط فاشیسم هیتلری، فرانسوا میتران رئیس‌جمهور فقید فرانسه، در جلسه‌یی در این سالن، در دفاع از ژنرال دوگل رهبر مقاومت ضد فاشیستی فرانسه سخنرانی کرد.

تالار واگرام در ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴ میزبان مقاومت ایران بود.

خبرگزاری فرانسه ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴: جنبش اپوزیسیون حکومت تهران، روز چهارشنبه «آلت دست قرار گرفتن» ضدتروریسم فرانسه در تحقیقاتی که آنها را از ۱۱سال پیش هدف قرار داده بود، محکوم کرد.

مریم رجوی، رئیس‌جمهور منتخب شورای ملی مقاومت ایران حکم منع تعقیب را به‌عنوان «پیروزی عدالت و مقاومت بر معامله» و «شکست کارزار شیطان‌سازی فاشیسم مذهبی علیه مقاومت ایران» مورد استقبال قرار داد. او در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس، اعلام کرد: «من کسانی را که با دیکتاتوری مذهبی همکاری می‌کنند، به‌قربانی‌کردن مقاومت یک خلق برای آزادی، متهم می‌کنم».

مجاهد
نشریه مجاهدین ★ خلق ایران
2US$ 1.5£ 3SFR 3C$ 2€
MOJAHED
September 2014
مهر ۱۳۹۳ ذیقعده ۱۴۳۵



هانری لوکلرک، برجسته‌ترین وکیل فرانسه
پیروزی عدالت و مقاومت ایران را تبریک گفت

روز چهارشنبه ۲۴شهریور همزمان با اعلام تصمیم قضایی فرانسه، مبنی بر ماهیتبه اعلام‌کردن پرونده۱۷ژوئن، هانری لوکلرک، برجسته‌ترین وکیل فرانسه و وکیل خانم مریم رجوی، در دیدار با رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت این پیروزی را تبریک گفت.

در این دیدار، آقای رجوی تصمیم قضایی فرانسه را پیروزی عدالت و مقاومت بر تعقیب و زیر سیطره توسل و از رسانه‌ها و تلاشهای آقای هانری لوکلرک و سایر وکلا تقدیر کرد.

پیـــروزی عدالت و حقانیت مقاومت

قضاییهٔ فرانسه بر پروندهٔ ننگین ۱۷ژوئن نقطهٔ پایان گذاشت





کنفرانس در تالار تاریخی واگرام پاریس

در کنفرانس می‌گذاریس که به‌مناسبت پایان یافتن پرونده قضایی علیه مقاومت ایران در فرانسه برگزار شد، شمار زیادی از برجسته‌ترین حقوقدانان فرانسوی و همکاران این پرونده و شخصیت‌های سیاسی از جمله گابریل کولتی، رئیس کمیسیون بین‌المللی در جستجوی عدالت، رئیس سابق دادگاه جنایات جنگی یوگسلاوی سابق، رئیس سابق دادگاه جنایات جنگی روآندا، رئیس سابق دادگاه جنایات جنگی سیرالئون، رئیس سابق دادگاه جنایات جنگی تیمور شرقی، رئیس سابق دادگاه جنایات جنگی کامبوج، رئیس سابق دادگاه جنایات جنگی لیبری


مریم رجوی
درس بزرگ و تجربهٔ درخشان ما این است:
پایداری تا هر زمان، پایداری در هر کجا و پایداری به هر قیمت
بزرگترین سرمایه‌گذاری رژیم
ولایت‌فقیه در فرانسه بر باد رفت،
برونده ۱۷ ژوئن فروبپاشید
و کارزار شیطان‌سازی درهم‌شکست،
حقانیت این مقاومت اثبات شد
و پاکی و شفافیتش
احترام همگان را برانگیخت
و جهان برمشروعیت مقاومت
برای سرنگونی رژیم صحه گذاشت

ژان پیر اسپیتزر حقوقدان فرانسوی، متخصّص حقوق اروپا: «می‌دانیم که هیچ چیزی وجود ندارد. این فقط یک بهانه بود. می‌دانیم که در عراق، یک برنامهٔ نفت در برابر غذا بود. ولی برای شما تبادل سازمان مجاهدین خلق با تجارت بود و من شجاعت قضات انگلیسی را به‌یاد می‌آورم که تصمیم دولت انگلیس (در نامگذاری مجاهدین) را فاسد شناختند. با نشان دادن این‌که تا کجا وزیر خارجهٔ انگلستان در آن زمان با همتای فرانسوی خود، باید اسم او را ذکر کرد، آقای دوویلپن، در پایان سال ۲۰۰۱ و سال ۲۰۰۲ به ایران رفتند برای مذاکره دربارهٔ نفت در برابر نام‌گذاری مجاهدین در لیست تروریستی. همه‌چیز از این نقطه شروع شد. این تبادل، من تکرار می‌کنم و همواره تکرار خواهم کرد، این تبادل فاسد....».

ویلیام بوردون حقوقدان برجسته فرانسوی:



«آنچه که در اور سوراواز رخ داد در ۱۷ ژوئن در ساعت ۶ بامداد، هم یک عملیات استثنایی و درعین‌حال متناقض بود. طی دهها سال گذشته، هیچ نمونه‌یی از یک عملیات پلیسی و قضایی نبوده است که با این ابعاد از جنبهٔ نمایشی و سروصدا وجود داشته باشد. عملیاتی که علیه جنبشی انجام می‌شد که شایستهٔ بزرگداشت بوده است، نه سرکوب و شیطان‌سازی. سازمانی که طی سالیان متمادی طرف گفتگوی خاص مقامات بالای فرانسوی بود، اما ناگهان متهم شناخته شد و مورد ستم و بدرفتاری قرار گرفت. این لکهٔ ننگی است که تاریخ قضاییهٔ فرانسه را تاریک کرده است. این لکهٔ ننگی است زیرا در کشور ما این عملیات موهوم و متناقض و بی‌معنی، علیه جنبشی انجام شد که سزاوار تحسین و احترام بود. سازمانی که ناگهان با انگشت‌نما شدن مورد ستم قرار گرفت. به‌طور خلاصه بگویم که این عملیات به‌دلیل عملکرد یک شخص انجام شد، فردی که سزاوار انگشت‌نما شدن است. شخصی که قبول کرد آلت‌دست سیاست قرار بگیرد. یک همدستی شوم و نامشروع که تحت‌عنوان مصالح حکومتی و منافع تجاری انجام شد و این همدستی موجب شد که در اور سوراواز ما شاهد پیروزی پستی علیه دموکراسی بودیم. پیروزی بی‌عدالتی علیه عدالت. پیروزی منافع حکومتی علیه حکومت قانون. شما خانم رجوی به‌رغم تلاشهایتان، هدف این بی‌عدالتی شوم

قرار گرفتید. می‌دانید که سالها مبارزه لازم بود تا ما بتوانیم این دو حکم دادگاه را به‌دست آوریم تا حرمت و حیثیت شما که به‌طور ناعادلانه مورد هتاکی و ستم قرار گرفته بود، اعاده شود.... حکم دادگاه کاملاً متضاد با مطالبی است که آن روز شوم ۱۷ ژوئن در اور سوراواز مطرح شد. مطالبی که آن زمان توسط مردی مطرح شد که در توصیف جنبش شما گفت: " این یکی از خشن‌ترین فرقه‌ها و بی‌رحم‌ترین فرقه‌های اسلام‌گرا و بنیادگرا می‌باشد که علاوه بر این تحت تأثیر عقب مانده‌ترین جنبه‌های مارکسیسم از پس‌افتاده‌ترین نوع آن است". آن شخص نیکلای سارکوزی وزیر کشور وقت بود که تأییدیهٔ خود را بر این عملیات گذاشت و در واقع یک هدیهٔ شوم و مسموم به ملاهای تهران داده شد....

خانم رجوی شما، دوستان شما و جنبش شما که به‌هیچ‌وجه سزاوار این اهریمن‌سازی قضایی و سیاه‌نمایی رسانه‌یی نبودید، به‌درخواست و به‌ابتکار کسانی هدف قرار گرفتید که خودشان سزاوار قرار گرفتن در دادگاه بین‌المللی بودند، یعنی حاکمان تهران که سیاست شوم شکنجه گسترده را پیش می‌برند. سیاستی که هر روز بیشتر قربانی می‌گیرد. چه پارادوکس عجیبی که شما به‌طور ناعادلانه در آن قرار گرفتید....

شما آن آلترناتیوی را نمایندگی می‌کنید که جهان با کمبود آن مواجه است. آلترناتیو یک اپوزیسیون مبتنی بر یک اسلام بردبار و مهربان، اسلام مدره و جمهوریخواه و دلبسته به‌حقوق بشر. شما این آلترناتیو را نمایندگی می‌کنید. این آن چیزی است که امروز مردم ایران بدان نیازمندند و حتی کل بشریت».

ژیلبر میتران رئیس بنیاد فرانس‌لیبرته:



«در سال ۱۹۸۱، فرانسه به زنان و مردانی پناهندگی سیاسی داد که از ایران آمده بودند. آنها در کشور خود با خطر روبه‌رو بودند و حقوق و زندگی‌شان پایمال شده بود. آنها علیه حکومت کشورشان مبارزه می‌کردند، علیه رژیمی که در صدد سرنگون‌کردن آن بودند. آنها بر اساس حق خود و حق طبیعی همهٔ انسانها عمل می‌کردند. حقوقی که توسط بیانیهٔ حقوق‌بشر و شهروندی به‌رسمیت شناخته شده است، حتی توسط منشور ملل متحد. بر اساس این اصل است که آنها از دیرباز به مبارزه خود ادامه می‌دهند. بر اساس کلمهٔ «

مقاومت»، مقاومت علیه سرکوب. مقاومت از طرق سیاسی، دیپلماتیک، رسانه‌یی یا مالی، در اینجا، در فرانسه و جاهای دیگر. مقاومت به‌طور مسلحانه در ایران، در ایران، و نه در هیچ جای دیگر.

من از دانیل میتران نقل‌قول می‌کنم که می‌گفت: «استراتژی آنها به‌خودشان مربوط می‌شود و ما باید به‌آنچه که آنها یک استراتژی مناسب می‌دانند، احترام بگذاریم. یک استراتژی برای به‌زیرکشاندن یک رژیم آزادی‌کش و بنیادگرا در کشور خودشان».

او این موضوع را برای مطبوعات مطرح می‌کرد، در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، او خاطرنشان کرد که نباید عمل تروریستی و عمل مقاومت و دفاع را یکی دانست. در ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ در برابر مقر شورای ملی مقاومت ایران در اور سوراواز که توسط ۱۳۰۰ مأمور پلیس مورد حمله قرار گرفته بود. او این مطلب را بار دیگر در دفتر حقوق‌بشر نوین فرانسه مطرح کرد. زیرا به‌اعتقاد او در آن روز ۱۷ ژوئن، مقامات وقت فرانسه معنی و ارزش کلمات را فراموش کرده بودند. آنها شرایط مجاهدین را فراموش کرده بودند. شرایطی که توضیح خود را در همهٔ جنبش‌های مقاومت علیه رژیم‌های استبدادی و ستمگر در جهان می‌یافت. آنها تاریخ فرانسه را فراموش کرده بودند، به‌ویژه تاریخ معاصر فرانسه را. زمانی که هم یک مقاومت داخلی وجود داشت و هم یک مقاومت خارجی، در برابر فاشیسم و نازیسم. نه قابل تصور و نه قابل‌قبول بود که این ۱۷ ژوئن از انتخاب مقامات فرانسوی نشأت گرفته باشد که تصمیم گرفته بودند، بر اساس افتراهای مطرح‌شده توسط آدمکشان رژیم ایران عمل کنند، در حقیقت آنها می‌بایست مشروعیت مقاومت و حقوق قربانیان و شهرت و حیثیت آنها را مورد توجه قرار می‌دادند.

وقتی که مبارزه ضدتروریستی به آزار قربانیان تروریسم راه می‌برد، طبعاً لازم می‌شود که جنبش مقاومت سیاسی، فرقه و تروریست قلمداد شود. ۱۴ سال روند قضایی و ۱۱ سال از زمان حملهٔ ۱۷ژوئن که به‌شدت رسانه‌یی شده بود می‌گذرد و بعد هم حمله و دستگیریها، به‌ویژه دستگیری مریم و دوستانش و اعتصاب غذا و حوادث دلخراشی که ما در این تصاویر دیدیم، تا این‌که این لکه پاک شود، اعتبار و حیثیت و مشروعیت مقاومت اثبات و بازیافته شود. و حالا فرانسه واژه‌نامهٔ خود را باز می‌یابد، اگرچه نسبت به اروپا و آمریکا تأخیر دارد، اما بالاخره اعتراف می‌کند که مقاومت ایران نامش را به‌خوبی بر دوش می‌کشد و این‌که برچسب تروریستی دیگر فراموش می‌شود، ما در ۲۷ ژوئن در ویلپنت بودیم، همین دیروز بود، حدود ۶۰۰ شخصیت که از بیش از ۵۰ کشور در آنجا گرد هم آمده بودیم و در میان بیش از صدهزار «تروریست»!. و حالا چون سالن کوچک‌تر است، در بین صدها عضو مقاومت هستیم! سازمان فرانس‌لیبرته برای خود این مأموریت را تعیین کرده که باید از این مقاومت حمایت شود. دانیل میتران مرتباً یادآوری می‌کرد که خودش هم با برچسب تروریستی مواجه شده است، اما بعداً به‌خاطر همین، نشانهای افتخار دریافت کرده است. او از ابتدا در کنار شما بود و شما مریم گرامی با او هستید، برای گرامیداشت این روز تاریخی.

آن روز به مطبوعات گفته بود: " من مریم را می‌شناسم، او در فرانس‌لیبرته اعتماد ما را جلب کرده است و چشمان ما را بر روی ستم مردم ایران باز کرده است. این مسئولیت روزانهٔ ماست که حقیقت را بیان کنیم".

در مبارزهٔ شما، یعنی در مبارزهٔ ما برای آزادی، عدالت و دموکراسی. شما مریم با جنبش خودتان و دوستانتان یک شعلهٔ امید بودید. حالا از زمان این تصمیم دستگاه قضاییه که از همهٔ افترائات شما را پاک کرده است، اکنون به نور آن تبدیل شده‌اید».

ناتالی سنیک وکیل دادگستری فرانسه از کابینه هانری لوکلرک:



ناتالی سنیک وکیل دادگستری فرانسه

«من این افتخار را داشتم که طی ۱۳سال، همراه با هانری لوکلرک و در کنار سایر همکارانم، از خانم مریم رجوی و شورای ملی مقاومت دفاع کنم....

از سال ۲۰۱۱ تعقیب‌ها علیه تروریسم به‌طور کامل و به‌سادگی رها شد، بعد از تصمیم بسیار شجاعانهٔ یک قاضی جدید که متوجه شد در مقابل خودش یک مقاومت مشروع علیه سرکوب رژیم آخوندها وجود دارد. باید ۱۳ سال تا منع تعقیب کامل قضایی می‌گذشت، بعد از این حملهٔ شوم پلیسی به اور سوراواز که ما همگی به‌یاد داریم، به‌دلیل این‌که به‌سرعت خود را به آنجا رساندیم. امروز یک پیروزی را جشن می‌گیریم. یک پیروزی انسانی، یک پیروزی قضایی، یک پیروزی پر طنین. پیروزی یک عدالت باز یافته شده، برای شما خانم رجوی، برای یارانتان، برای همهٔ شما که از آغاز به‌مقاومت برخاستید».

آن ماری لیزن رئیس افتخاری سنای بلژیک:


آن ماری لیزن، رئیس افتخاری سنای بلژیک

«من همهٔ کارهای شما و خانم رجوی را طی این سال‌ها دنبال کرده‌ام و یقین داشتم، البته بنا به‌دلایلی که ربطی به‌این پرونده ندارد، روزی شما با وکلایتان پیروز خواهید شد. این یک پیروزی زیبا و بزرگ است که به‌شما اجازه خواهد داد مسیر نوینی را پیشه کنید، زیرا بعد از این جشن‌ها و گرامیداشت‌ها، مسیر باقی مانده هنوز در پیش روی شما است. این مسیر سختی است....

وقتی زنان را می‌بینید که حرف خود را می‌زنند، مطمئن هستید که امیدی برای دموکراسی وجود دارد. این همان دلیلی است که من امروز اینجا هستم، جنبش شما تنها نیرویی است که برای ایران چشم‌انداز پیروزی را ترسیم می‌کند، زیرا در رأس آن یک زن است که می‌تواند شما را به پیروزی رهنمون سازد».

کریستین اوکرنت نویسنده و گوینده مشهور تلویزیون فرانسه:



کریستین اوکرنت، نویسنده و گوینده مشهور تلویزیون فرانسه

«آن چیزی که ما را امروز بعدازظهر گرد هم آورده است، یک لحظهٔ خوشحالی بزرگ است چون موضوع، یک پیروزی است، پیروزی اصول قانون، امروز دیگران به‌صورت شیواتری آن‌را بیان کردند، و پیروزی اصول قانون نیازمند زمان است، ۱۴ سال روند قضایی و پشتکار یک قاضی که باید از او تقدیر کرد، یعنی قاضی ترویدیک که چه دربارهٔ این پرونده و چه دربارهٔ پرونده‌های دیگر به‌خصوص روآندا، از خود پشتکار، شجاعت و شیوه‌یی نشان داد که خوشبختانه با بعضی از اسلافش متفاوت است. این هم‌چنین پیروزی روحیهٔ رزمندگی یک جنبش مقاومت است.

مقاومتی که گزینهٔ درست را انجام داد و آن هم تکیه کردن بر اصول قانون بود. ۱۱ سال مبارزه از زمان آن رویدادهای تراژیک که یادآوری شد، برای من به‌عنوان خبرنگار بسیار هولناک است که تصور کنم طی ۱۱ سال چگونه واژهٔ تروریسم در جوامع دموکراتیک ما تغییر کرده است تروریسمی که بیش از پیش خود را پشت نقاب دین پنهان می‌کند. تروریسمی که امروز به‌اوج وحشیگری خود رسیده است. چه تروریسم (تحت نام) سنی و چه تروریسم (تحت نام) شیعه، فی‌الواقع هر گونه امید برای شنیدن اسلامی که ضرورت جدایی دین از دولت را درک کرده است، اسلام بردباری که شما آن‌را نمایندگی می‌کنید

و رئیس‌جمهور شما با شایستگی، پیگیری ویژه و شجاعتی که از او می‌شناسیم.... به‌نظرم بیش از هر زمانی صدای شما و صدای خانم رجوی ذیقیمت‌ترین صداهایی است که می‌توانیم امروز آن‌را بشنویم».

ژان پیر بکه شهردار اور سوراواز:



«در ۱۷ژوئن ۲۰۰۳، ساعت ۶ صبح، هنوز خاطراتش در ذهنم هست گویا که همین امروز بود، ساعت ۶ صبح تلفن خانه من به‌صدا درآمد، آقای استاندار با من تماس گرفت که بگوید یک عملیات پلیسی در شهر من صورت خواهد گرفت. او هنوز جمله خود را تمام نکرده بود که یک هلیکوپتر بر فراز خانه من به‌پرواز در آمد و طنین صداهایی را در شهر می‌شنیدم. ساعت ۶ بامداد، ۱۲۰۰ مأمور پلیس، در یک شهر ۷ هزار نفری، تصورش را بکنید! ۱۲۰۰ پلیس که ظاهراً برای ردیابی تروریستها آمده بودند و من اطلاعی از آن نداشتم! بلافاصله علیه این عملیات سیاسی ـ تبلیغاتی به‌پاخاستم.

ابتدا حتی برای رسیدن به محل با مشکل مواجه شدم زیرا در چند صد متری خیابان گورد، نیروهای انتظامی مرا متوقف کردند و گفتند که نمی‌توانم وارد محل بشوم، به‌آنها یادآوری کردم که من بالاترین مقام شهر هستم و از این موضع، می‌توانم در شهر خود به میل خودم عبور و مرور کنم. آنها گفتند: خیر! پرسیدم، به‌دستور چه کسی نمی‌توانم به خیابان گورد بروم؟ نیروهای پلیس به‌شدت سردرگم شدند و شروع به‌تماس تلفنی کردند و درعین‌حال کمی مثل یک تروریست روی من سلاح کشیدند تا بگویند نمی‌توانم وارد محل شوم. پرسیدم چه چیزی هست که نباید ببینم؟ چه چیزی هست که شهردار نباید در شهر خود در ساعت ۶بامداد ببیند؟ بعد طی همان روز وقتی با خبرنگاران مواجه شدم پرسیدم، چگونه می‌توان تصور کرد که تروریستهایی باشند که به‌مدت ۲۰ سال توسط ژاندارمری، نیروهای انتظامی و دولت فرانسه مورد حفاظت قرار گرفته‌اند؟ اکنون می‌خواهم این لحظات پر احساس مشترک را بیان کنم و بسیار سپاسگزاری کنم، سپاسگزاری از اعضای شورای شهر که بلافاصله در کنار من در خیابان گورد حضور یافتند، سپاسگزاری از شهروندانی که بلافاصله در آن روز و روزهای بعد همبستگی خود را نشان دادند و قبل از آن ناباوری‌شان را، آخر آنها ساکنان خیابان گورد را می‌شناختند، به‌خصوص که آنها هیچ مزاحمتی ایجاد

نمی‌کردند، هیچ‌کسی باور نمی‌کرد که آنها تروریست باشند، می‌دانستیم که آنها از راه دور با رژیم ایران مبارزه می‌کنند. اما این کار را در آرامش کامل انجام می‌دادند. من پرسیدم: چطور ممکن است اینجا تسلیحاتی باشد، در حالی که ژاندارم‌ها ۲۰سال است وارد محل سکونت آنها می‌شوند. نکند که ژاندارم‌ها سلاحها را وارد کرده باشند؟! این چگونه ممکن است؟! سردرگمی ژاندارم‌ها در محل را به‌یاد می‌آورم زیرا آنها را به‌خوبی می‌شناختند و هر روز به آنها مراجعه می‌کردند. به‌شدت خجالت‌زده بودند که می‌دیدند همکاران خودشان در پلیس ضدشورش علیه کسانی اقدام می‌کنند که آنها از ایشان حفاظت می‌کردند! این یک عملیات سیاسی ـ تبلیغاتی بود. من نمی‌دانستم پشت‌پرده چه می‌گذرد، اما قویاً آن‌را احساس می‌کردم، چون گویا بود که باید چیزی در پشت‌پرده باشد، نمی‌دانم چی، ولی حتماً یک نوع معامله. در هر حال یک چیز ناروشن. به‌هرحال بلافاصله به‌همه گفتم آنها تروریست نیستند. من آنها را به‌خوبی می‌شناختم، بارها با آنها به‌همراه آقای استاندار دیدار کرده بودیم و امنیتشان را سازمان‌دهی می‌کردیم، پس طبیعتاً نمی‌توانستیم اتهاماتی را که علیه آنها مطرح می‌شد باور کنیم.

۱۱سال طول کشید تا این پیروزی قضایی به‌دست آید. اما این یک پیروزی بسیار زیبا که ما در آن شریک هستیم، یک طعم تلخ هم دارد، زیرا ۱۱سال وقت و انرژی نبرد این مقاومت از دست رفت، ۱۱سال انرژی‌ها صرف آن شد که اثبات کنند، خیر، ما تروریست نیستیم! خیر باید آنها را از لیست تروریستی خارج کرد. وکلا که به‌همه‌شان درود می‌فرستم، چون نبرد بسیار زیبایی را پیش بردند، بعضاً در کنارشان بودیم، بعضاً خودمان شهادت دادیم، وکلا این نبرد قضایی را پیش بردند. اما کسانی که آن عملیات را انجام دادند، وزیر کشور وقت، نیکولا سارکوزی، وزیر خارجهٔ وقت، دومینیک دو ویلپن، آنها کاری که توانستند بکنند این بود که وقت و انرژی را تلف کنند و از این نظر به رژیم آخوندها کمک کردند تا (مقاومت) در نبردش برای یک ایران آزاد و دموکراتیک تضعیف شود. آنچه را که ما پشت سر گذاشتیم، من یک فضیحت دولتی می‌نامم، این فضیحت دولتی نیکولا سارکوزی و دومینیک دو ویلپن را افشا کردیم، همراه با دوستانمان در اور سوراواز و منتخبان منطقه که خیلی سریع بسیاری از آنها به من پیوستند، دومینیک لوفور، ژان پیر مولر، ژان پیر استازی و بسیاری دیگر که نمی‌توان از همه‌شان اسم برد و سپس در همهٔ فرانسه، چرا که توانستیم ۱۴هزار شهردار را گردهم بیاوریم، از ۳۶هزار شهر، ۱۴هزار شهردار در مبارزهٔ شما شریک شدند، حداقل در بخشی از نبرد شما. به‌همین دلیل این جنبش تقویت شد و ما از همان روز اول در کنار شما بودیم، تمام‌عیار، در لحظات دشوار و در لحظات شادی. امروز هم اینجا دوباره با شما هستیم و به‌آن ادامه خواهیم داد.

دوستان عزیز مقاومت ایران! شما در قلب شهر ما در اور سوراواز جای داشته و همواره خواهید داشت و در قلب ساکنانش، تا هر زمان که بخواهید. ولی درعین‌حال آرزو می‌کنیم

بتوانید به‌سرعت به تهران برسید و ما هم به شما ملحق شویم».

ماری لورت گیو از حامیان مقاومت در اورسورواز: «به‌عنوان یک شهروند اور سوراواز و همسایهٔ دوستان ایرانی عزیزمان، من با مقاومت از دههٔ ۱۹۸۰ آشنا هستم. در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ در ساعت ۶ بامداد شاهد حملهٔ رسوا در اور سوراواز بودم. بیش از ۱۲۰۰ مأمور پلیس برای این مأموریت شوم وارد صحنه شدند، دستگیری ۱۷۰ عضو مقاومت. من مأموران ضدشورش را دیدم که زرادخانهٔ خود برای یک عملیات بسیار بزرگ را وارد کردند. هلیکوپتر، کشتی و دیگر امکانات، آنها تماماً مجهز و کاملاً مصمم بودند که یک ضربهٔ بزرگ وارد کنند، ما را از هر گونه مداخله‌یی منع کردند، حتی امکان خروج از منزل خود را نداشتیم و تلاش داشتند باور کنیم همسایگان تروریستها هستیم! به مدت ۲۴ ساعت ما هیچ خبری از دوستان خود نداشتیم . در پی آزادی برخی از آنها همسایه‌ها در خانه‌های خود را برای آرامش‌بخشیدن و حمایت از آنها باز کردند، در آن شرایط تأسف‌بار. از آن لحظه یک جنبش پویای همبستگی برای آنها شکل گرفت. اکنون خیلی خوشحال هستم که بالاخره قضاییهٔ فرانسه این پرونده را بسته است. پرونده‌یی که بر اثر سیاست استمالت دولت وقت کشور ما، با رژیم بنیادگرا و افراطی ایران به‌وجود آمده بود. ما از دولت خود می‌خواهیم که دیگر به‌هیچ‌وجه با این رژیم غیرانسانی مماشات نکند. می‌خواهم بگویم دوستان ما در استان والدواز بیش از هر زمان دیگر از مریم و مقاومت ایران حمایت می‌کنند، تا روز بازگشت دوستان گرامی مقاوم‌مان به یک ایران آزاد و دموکراتیک».

استاندار ایو بونه رئیس پیشین سازمان اطلاعات فرانسه:



استاندار ایوبونه رئیس پیشین سازمان اطلاعات فرانسه

«وقتی از طریق یک تماس مطبوعاتی ـ چون آن وقت در فرانسه نبودم ـ از وقایع اور سوراواز مطلع شدم، می‌توانستم البته در سکوت خود فرو بروم، با احترامم نسبت به سرویسی که افتخار هدایتش را داشتم. اما شرایطی هست که انسان شرافتمند حق سکوت ندارد. شرایطی هست که حقیقت باید بیان شود و درست‌کاری یک جمهوریخواه ایجاب می‌کند که سخن بگوییم و من در این کار از جانب کسانی که برایشان احترام بسیار عمیقی قائلم تشویق شدم. کسانی که از همان لحظات اول علیه این عملیات پلیسی زبان به‌اعتراض گشودند. مهم‌ترین عملیات، نه تنها طی ۳۰ سال اخیر، بلکه از زمان حمله ولدیو بوده است.

شباهت‌های عجیبی هم وجود داشت. چون در محل ولدیو بود که ساختمانی که DST در آن دفتر داشت، ساخته شده بود. اولین شخصی که برای او خیلی احترام قائلم و چند لحظهٔ پیش این‌را به فرزندش یادآوری کردم، خانم دانیل میتران است. شما اشاره کردید به میشل توبیانا، پیر برسی نیز یکی از اولین حامیان بود که لب به‌سخن گشود، اسقف گایو و هم‌چنین نمایندهٔ مجلس فرانسوا لونکل که می‌خواستم امروز نامی از او ببرم، هم‌چنین باید یاد کرد از همهٔ قضات دادگاههای اداری که به آنها اشاره نشد. آنها اولین کسانی بودند که در پرونده مداخله کردند و احکام اخراج علیه تعدادی از اعضای مقاومت ایران را لغو کردند و به‌طور خاص اعضای دادگاه اداری سرژی پونتواز. اگرچه باید از قضات جدید تجلیل کرد. آنها کار خود را به‌خوبی انجام دادند و اولین اقدام برای توقف این عملیات که به‌خوبی تدارک دیده شده بود، توسط اعضای دستگاه قضاییهٔ اداری با آن مخالفت شد.

اولین موضوع مربوط به درس‌هایی است که باید از این ماجرا گرفت. ماجرایی که من آن‌را توطئهٔ بزرگ نامیده‌ام. یعنی توطئه‌یی که نه تنها بین فرانسه و (رژیم) ایران تدارک دیده شده بود، بلکه توسط فرانسه، آمریکا و (رژیم) ایران تدارک دیده شده بود. و حمله به عراق و اشغال عراق فصلی از این ماجرا بود. آمریکا در صدد معامله برآمد، برای به‌دست آوردن بی‌طرفی (رژیم) ایران حین مداخلهٔ آمریکا در عراق، طبعاً در قبال یک‌سری اقدامات، به‌ویژه موضوعی که رژیم ایران روی آن با اولویت تأکید می‌کرد، یعنی متلاشی‌کردن مقاومت ایران. می‌دانید که همهٔ رژیم‌های استبدادی از اپوزیسیون خود هراس دارند. من با همکاران خود در دیگر سرویس‌های خارجی تبادل‌هایی داشتم، هیچ‌گاه نباید پذیرفته شود که توافقات و معاملاتی با حریفان یا نمایندگان کشورهای حساس تبدیل به تدابیری علیه اعضای اپوزیسیون آن بشود، مخصوصاً اگر اعضای این مقاومت در خاک آن کشور قرار داشته باشند. این همیشه شرایطی بوده که من با طرف‌حساب‌های خارجی خود مطرح کرده‌ام و گفتم، بله باشد، ما با هم همکاری می‌کنیم، حتی می‌توانیم اطلاعاتی را تبادل کنیم، اما اجازه نمی‌دهم شما حتی به یک تار موی مخالفان خود در خاک فرانسه دست بزنید. البته آمریکایی‌ها فراتر رفتند و بعد هم آن داستان وزیر خارجهٔ وقت در ایران وجود داشت، با آن مذاکرهٔ باور نکردنی که ژان کلود موریس آن‌را در کتاب خود نوشته است پس اولین درس این است "توطئهٔ بزرگ".

ویژگی این توطئهٔ بزرگ در این است که یک ائتلاف باور نکردنی بین دو سرویس وجود داشت که همه‌چیز باید آنها را در برابر یکدیگر قرار دهد. این‌که مسئول سازمان DST وقت بیاید با همتاهای ایرانی خود گفتگو کند، به‌نظرم خارج از چارچوب است، برای این‌که نگویم شوکه‌کننده. اما این‌که بیاید با این سرویس یک عملیات تدارک ببینند که در واقع از تهران هدایت می‌شود، این بیانگر عبور از حد و مرزهایی است که باز هم شوکه‌کننده‌تر است. این درس اول است که باید فرا گرفت».

ماری لر باره وکیل دادگستری فرانسه: «امروز روزی است که احساسات انسان برانگیخته می‌شود، با این رویدادهای خبری دلخراش به‌سختی می‌توانم آن‌طور که می‌خواهم اظهار خرسندی بکنم از پیروزی مقاومت ایران. اما مهم است که بگویم که خیلی خوشحال هستم و تحت تأثیر قرار گرفتم و در برابر شما بلند شوم و این پیروزی را جشن بگیریم. بعد از یک نبرد قضایی بسیار طولانی. با پایداری که شما به‌خرج دادید پایداری شما، مقاومت علیه بی‌عدالتی. خانم رجوی شما اشاره به اعادهٔ حیثیت از دستگاه قضائیه فرانسه کردید. فی‌الواقع مسیر طولانی طی شده. چه از زاویهٔ شرایط شوکه‌کنندهٔ گشوده‌شدن این پرونده و چه از زاویهٔ اعمال ناخوشایند و رسوا علیه مقاومت ایران و چه نقض حق دفاع و نقض اصل برائت. در این روند که ۱۳ سال به‌طول انجامید، زمان آن رسیده بود که این داستان به‌پایان برسد. به‌خاطر می‌آورم بخشنامه‌یی را که توسط سرویسهای پلیس به کمک‌کنندگان به مقاومت ایران توزیع شد که تحریکی بود برای این‌که آنها شکایت کنند[۵۱] یک اقدام کاملاً ناعادلانه از جانب پلیس فرانسه بود که ما افشا کردیم. بر اساس اتهامات دروغین افراد را ترغیب به شکایت در مورد تخلفات مالی کردند، علیه موکلین من انجمن «ایران اید»، انجمن بشردوستانهٔ کمک به قربانیان رژیم ایران. چون چیزی درباره تروریسم نداشتند تلاش کردند آبروی خود را (با این اتهام جدید) بخرند و ۱۳ سال پروسدور را توجیه کنند. ۱۳سال تحقیقات کارشناسی و مخارج هنگفت و ترجمهٔ اسناد، مداخله در زندگی خصوصی اعضای مقاومت و آنهایی که برایش فعالیت می‌کنند. قضائیهٔ فرانسه تلاش کرد حفظ آبرو کند، اما روی تخلفات مالی ادعایی منحرف شد تا به پرونده معنا و مفهوم بدهد. امروز این ماجرا هم خاتمه یافته است و **قضاییهٔ فرانسه اذعان داشت که آلت دست قرار گرفته است.** ما با انرژی که از آن شما بود فعالیت کردیم و اکنون این انرژی از بندهایی که قضاییه فرانسه با گمراهی بر دستهای شما گذاشته بود آزاد شده است. من هم‌چنین یک آرزو دارم و آن این‌که روزی بتوانم از این برکت و سعادت برخوردار باشم که از کشور زیبای شما دیدار کنم وقتی که از دست قاتلان خود رها شده باشد».

مرضیه باباخانی :



۵۱-که کمک مالی به مقاومت ایران نه با رضایت بلکه با کلاهبرداری انجام شده است!

«بعد از ۱۱ سال من امروز آمده‌ام تا بگویم در ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ بر من چه گذشت. اکنون ۴۱۱۲ روز از ۱۸ ژوئن ۲۰۰۳ روزی که من خودم را در اعتراض به یک معاملهٔ ننگین در مقابل DST به‌آتش کشیدم می‌گذرد.

بیش از شش ماه در بیمارستان بودم. مدتها در یک اتاق ایزوله‌شده. مدتی را بی‌هوش بودم و چیزی به‌خاطر نمی‌آورم. مدتی می‌فهمیدم، ولی قادر به تکلّم نبودم. درد را حس می‌کردم، ولی قادر به بیان آن نبودم. دوران بسیار سختی بود. کلمات قادر به بیان آن نیست. می‌دانستم که اگر هم زنده بمانم، با دنیای متفاوتی مواجه خواهم بود. بسیاری چیزها برای من تغییر خواهد کرد.

ولی به‌رغم همهٔ درد و فشار ناشی از سوختگی و نداشتن هیچ چشم‌انداز روشنی برای آینده، حتی برای یک لحظه نسبت به آن‌چه کردم تردید نکردم و امروز هم بعد از ۱۱ سال ذره‌یی به درستی آن‌چه کردم تردید ندارم. این وظیفهٔ من در قبال مردمم بود. این وظیفهٔ من در قبال مقاومت مردم ایران و ۱۲۰ هزار شهید بود. این وظیفهٔ من در قبال برادرانم تقی ۲۱ساله و مهدی ۲۵ساله بود که به‌دلیل اعتقاد به آزادی توسط رژیم آخوندی به جوخهٔ اعدام سپرده شده بودند. این وظیفهٔ من در قبال حمیرا اشراق و سیمین هژبر همکلاسی‌هایم و هزاران دانش‌آموزی بود که حتی نامشان را به این رژیم پلید نگفتند و برای آزادی جان خود را فدا کردند.

من خودم را به‌آتش کشیدم، نه به‌خاطر آن‌که از زندگی سیر شده بودم، نه به‌خاطر شخص خودم، بلکه به‌خاطر یک ملت، به‌خاطر مردمم، به‌خاطر آن‌که می‌دیدم و لمس می‌کردم که حملهٔ ۱۷ژوئن بخشی از معامله با آخوندها با هدف نابودی مقاومت علیه فاشیسم مذهبی حاکم بر میهنم است. هدف، حفظ یک رژیم دیکتاتوری به‌خاطر منافع اقتصادی بود. سکوت جایز نبود. من هیچ‌چیز دیگری جز جانم را نداشتم. مقامات یک دولت دموکرات در حال زدوبند با دیکتاتوری مذهبی بودند. در رسانه‌های عمومی هرچه بود تبلیغات دروغین و شیطان‌سازی بود.

من در اوج عشق به زندگی دست به این کار زدم. من به‌خاطر زیباییهای زندگی خودم را به‌آتش کشیدم. من می‌خواستم زنان میهنم از این آزادیها بهره‌مند شوند. من این کار را کردم تا در میهنم روزی آزادی و عدالت برقرار شود. بله، در میهن من زنان به‌دلیل تبعیض و سرکوب خودسوزی می‌کنند، ایران بالاترین نرخ خودکشی زنان در جهان را دارد. من خودم را به‌آتش کشیدم تا کسانی را که می‌خواستند مقاومت مردم ایران برای آزادی را قربانی منافع اقتصادی خود کنند، افشا کنم.

آن‌چه برای من طی این سالیان بیش از هرچیز دردآور بود، نه درد و رنج ناشی از سوختگی که البته بسیار سخت و جانکاه بود، بلکه تکرار تبلیغات رژیم آخوندها، البته در پوش دل‌سوزی برای من بود که گویا کسان دیگری برای من این تصمیم را گرفته‌اند. این

یک توهین به بارزترین ویژگی انسانی من، یعنی حق انتخاب و تصمیم‌گیری است.

خانم رئیس‌جمهور، خواهر مریم عزیز،

می‌دانم شما با این کار مخالف بوده و هستید. به من هم گفتید که مخالف این کار بودید. ولی من هم‌چنان بر درستی تصمیمی که آگاهانه و با اشراف کامل گرفتم مصر هستم. در زندگی لحظاتی هست که هرکس باید تصمیم بگیرد. به‌نظر من بزرگترین ویژگی انسان قدرت انتخاب، اراده و تصمیم‌گیری است. آن‌چه در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ مورد حمله قرار گرفته بود، تمامیت مقاومت یک ملت بود. شما این مقاومت را نمایندگی می‌کنید. شما سمبل این مقاومت هستید. من در مقابل یک انتخاب قرار داشتم. شوریدن علیه این معاملهٔ زشت یا سکوت. ایستادن یا تسلیم‌شدن در مقابل این معامله. انتخاب من ایستادن بود».

حمید عرفا :



«اسم من حمید عرفا است. در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، من ۲۰سال سن داشتم. جوانی با آرزوها و رویاهای بسیار برای آینده. هم‌چنین با احساسات قوی برای ایران و نسبت به ظلم و ستمی که بر مردم کشورم رفته بود. مانند بسیاری از جوانان ایران، هیچ‌گاه ایران را ندیده بودم، اما همیشه احساس می‌کردم قلبم آنجا است و این‌که نمی توانم درد و رنج مردمم را تحمل کنم و همیشه با آنها درد می‌کشیدم. من هم‌چنین به‌دلیل مواضع این مقاومت و ارزشهایی که از آن دفاع می کردند حامی آن بودم، به‌دلیل این‌که به من و جوانانی مثل من امید یک ایران آزاد را می‌دادند، ارزشهایی مانند پایداری، ایستادگی، حقوق بشر، برابری و بردباری.

در روز ۱۷ ژوئن، صبح زود از خواب بیدار شدم و با بزرگترین شوک طول زندگیم مواجه شدم. رویاهایم بر باد رفتند و احساس کردم دیگر چیزی برایم باقی نمانده است. دولت فرانسه گفت، به این مقاومت، تحت‌عنوان تروریسم، حمله کرده‌اند. اما تنها چیزی که برایشان اهمیت داشت، قراردادهای پرسود نفتی، پول و توافقات مالی با رژیم ایران بود. و البته در ازای آن پیامی برای ما ایرانیان داشتند. به ما می گفتند که دیگر نباید امیدی داشته باشیم، باید مقاومت را متوقف کنیم، باید یک ایران آزاد را از ذهنمان بیرون کنیم و

به آخوندها اجازه بدهیم مردممان را تا آخر حیاتمان به بردگی بکشند. یک احساس مبارزهٔ درونی داشتم که باید تصمیمی بگیرم و کاری بکنم. اما چه کاری، وقتی ندای همگی ما خفه شده بود و هر کاری می‌کردیم، کسی آن‌را نمی‌شنید، چون قراردادهایی که بسته شده بودند بسیار بزرگ بود و مسائل بسیار زیادی برای آنها در گرو بود.

باید تصمیمی می گرفتم که چه کار کنم. یا باید بگذارم همهٔ آرزوها و رویاهایم برای ایران آزاد بر باد بروند و شکنجه و اعدام را برای مردم خودم بپذیرم و همواره ادامه بدهم و حتی به انسانیت خودم دیگر ایمان نداشته باشم؛ و دیگر نتوانم به چشمهای خود یا چشمهای هیچ ایرانی دیگری نگاه کنم.

یا می‌توانستم تصمیم بگیرم که دست به کاری بزنم. احساس کردم این سختترین و دشوارترین تصمیم زندگیم بود. تصمیمی که بابت آن باید بدنم را در معرض خطر قرار دهم و معلولیت دائمی، از دست‌دادن دید و حتی از دست‌دادن جانم را می پذیرفتم. این یک تصمیم بسیار سخت بود و لحظات زیادی طول کشید که به این نتیجه‌گیری برسم. اما تصمیم گرفتم که خودسوزی کنم تا آن پیام امید را به مردم برگردانم. ۱۱سال گذشته است و طی این مدت ۵۶ بار تحت عمل جراحی قرار گرفته‌ام و دردهای بسیاری را همراه با سختیهای غیرقابل‌تصور تحمل کرده‌ام. راه‌رفتن، نفس‌کشیدن، غذا خوردن و حتی خوابیدن را نمی‌توانم درست انجام بدهم. اما عهد کردم، دقیقاً در آن روزی که پس از یک ماه اغما به هوش آمدم، به خودم گفتم که هرگز محدودیتهای فیزیکی جلوی فعالیتهایم را برای این مقاومت نخواهند گرفت، چرا که این مقاومت تمامی امید ما است. با وجود تمام وضعیت جسمی‌ام، احساس می کنم بهبودی‌ام بخشی از مقاومت من است و فعالیت برای این مقاومت، تضمین و انگیزهٔ بهبودی من است.

بسیاری از من می‌پرسند که آیا پشیمان نیستی؟ خیر، هرگز، هرگز! حتی یک ثانیه هم پشیمان نیستم.

مفتخرم که توانستم اقدام کوچکی انجام بدهم تا جانهایی را نجات داده و در گسترش امید و پیام مقاومت نقشی داشته باشم. در طول این سالیان یک نقطهٔ انگیزش بسیار بزرگ در این مبارزهٔ طولانی داشته‌ام و آن مردان و زنان بی‌باکی بودند که شجاعانه علیه تمامی سختیها در اشرف، و بعداً در لیبرتی جنگیده‌اند. من در طول این روند در تمام دردهای آنها شریک بوده‌ام و این نقطهٔ انگیزش و محرک من بوده است و باور ندارم کسی می توانست شرایطی را که من گذراندم بگذراند، الا این‌که چنین مقاومتی و چنین نقطهٔ انگیزشی داشته باشد. امروز خیلی خوشحالم که در میان شما هستم و این پیروزی عدالت را جشن می‌گیریم. پیروزی که همهٔ شما با این مقاومت در آن شریک بوده‌اید. هم‌چنین از همهٔ دوستان و حامیان مقاومت تشکر می کنم که همراه ما ماندند و سمبل همبستگی جهان برای ما و مردم ما بوده‌اند. خیلی خوشحالم که امروز در میان شما هستم و بابت همهٔ کمکهایتان تشکر می کنم».

اینگرید بتانکور کاندیدای ریاست‌جمهوری کلمبیا :



«دیروز وقتی به این معادلهٔ مقاومت ایران می‌اندیشیدم که قادر شد از این افتراها سر بلند بیرون بیاید، رفتم و در اینترنت در جستجوی مسائل مربوط به ایران شدم. تصاویر سخنرانی خامنه‌ای را دیدم در مراسم پایان رمضان، در ۲۹ژوئیه. با مشاهدهٔ تصاویر این مرد سرد که با کلمات گزیده‌شده صحبت می‌کرد و در پی پراکندن کینه به افرادی به‌زانو درآمده در مقابل خود بود احساس کردم که چقدر این نظام شیطانی است.

خانم رجوی شما در سوم ژوئیه ۲۰۰۳ آزاد شدید، من در ۲ ژوئیه ۲۰۰۸ آزاد شدم. شاید باید از جنگل بدطینتی انسان عبور کرد تا منطق یک حادثهٔ دلخراش مثل خودسوزی یک انسان را درک کرد. کسی که برای دفاع از حقیقت جان خود را به‌خطر می‌اندازد. ما نمی‌توانیم بیش از این چشمان خود را ببندیم. دیدن حقیقت بعضاً قیمت دارد، اما حقیقت امروز این است که ما دیگر نمی‌توانیم در تشخیص دشمن خود اشتباه کنیم.... اکنون باید همه با اتحاد بتوانیم با تروریسم مذهبی بجنگیم....

می‌خواهم دیگر نترسیم که شیطان را شیطان بنامیم و بگوییم که (رژیم) ایران اولین حکومتی است که باید مورد توجه قرار گیرد، وقتی که قرار باشد ما از ارزشهای دموکراتیک خود دفاع کنیم. دشمن، رژیم ایران است».

دکتر آلخو ویدال کوادراس :



«چه خوشایند است بهره‌مند شدن از همراهی با شما، به‌ویژه وقتی مناسبتی برای جشن گرفتن به‌خاطر یک پیروزی به این اندازه چشمگیر علیه رژیمی در میان است که جنایتکارترین، مستبدترین و مرتجع‌ترین رژیم روی کره زمین است. روند غیرشرافتمندانه‌یی که یک دهه پیش آغاز شد با کنار رفتن پرده از روی خباثت و بی‌مایگی اخلاقی کسانی‌که آن را به راه انداخته بودند و با صدور قرار منع تعقیب به‌پایان رسید.

اکنون که عدالت اجرا شده است، پس از یازده سال مرارت و صبر، نیروی ایمان و پایبندی به اصول مقاومت ایران به‌درخشش تحسین‌برانگیزی پرداخته و به ما دوباره از نو امید، باور و شعف داده است. مسلم است که حیثیت دادگستری فرانسه با این پرونده‌سازی بی‌پایه علیه یک جنبش مقاومت صلح‌جو، مشروع و دمکراتیک به‌صورت وخیمی خدشه‌دار شد. وابستگی یک دستگاه قضاییه که بر اساس نفوذ قوه مجریه و بر پایه عوامل فراقضایی عمل می‌کند، در تناقض با ساختار یک دمکراسی بر پایه قانون است. با ادعای مبارزه با تروریسم، مقامات دولت وقت فرانسه دست به تقویت رژیمی زدند که مستقیم و غیرمستقیم دست اندرکار همه نوع فعالیتهای تروریستی مانند وضعیت دراماتیک سوریه و عراق است که هر روز بیشترخود را نشان می‌دهد.

سرانجام، خوشبختانه هنوز در فرانسه قضاتی حرفه‌یی و درست‌کار بودند که به عدالت خدمت کردند. اکنون وظیفه دولت فرانسه است که به‌جبران تمامی خساراتی بپردازد که براثر سرکوب شورای ملی مقاومت وارد شده است، جبران سیاسی، جبران اخلاقی، جبران اقتصادی. جبران سیاسی با حمایت از مقاومت ایران نزد ارگانهای بین‌المللی، جبران انسان‌دوستانه با مطالبه از دولت عراق به‌تضمین حفاظت و سلامتی ساکنان لیبرتی و هم‌چنین جبران اخلاقی با عذرخواهی و جبران اقتصادی با بازگرداندن تمامی وجوهٔ توقیف‌شده. اگر فرانسه فی‌الواقع یک کشور مقید به عدالت و احترام به حقوق بشر است، حالا زمان اثبات آن فرا رسیده است».

هانری لوکلرک برجسته‌ترین وکیل فرانسه : «آخرین حکم منع تعقیب که توسط قاضی ترویدیک صادر شد به ۱۲ سال روند قضایی پایان می‌دهد. نمی‌توانیم خاطره‌یی از آن شب هولناک و پرخاطره نداشته باشیم. در کاخ دادگستری پاریس روز ۲۱ژوئن ۲۰۰۳، بعد از خاتمهٔ آن یورش عظیم در اورسوراواز در مقر DST و در جایی که تعدادی از افراد نزدیک به شورای ملی مقاومت ایران تحت کنترل قضایی بودند، در راهروهای بخش ضدتروریسم، آقای بروگیر که آن زمان بر بخش ضدتروریسم حکمرانی می‌کرد. اصلاً نمی‌خواست هیچ‌چیزی را بشنود. ما افراد را معرفی می‌کردیم، یکی بعد از دیگری، و هرچه به او توضیح می‌دادیم که مطلقاً هیچ‌چیز در این پرونده وجود ندارد و افرادی که از آنها دفاع می‌کنیم تروریست نیستند، ولی او ترجیع‌بندهای مسخره و بی‌معنی را تکرار می‌کرد. به‌خصوص موقعی که به قاضی آزادی آنها از بازداشت مراجعه شد. در آنجا ما شاهد یک جلسهٔ باورنکردنی بودیم با

حضور نمایندهٔ دادستانی از پاریس و اظهارات احمقانه و دفاع کردن وی از موارد مسخره‌یی مثل وجود یک نقشهٔ پاریس که به‌خاطر دارم سفارت آمریکا روی آن مشخص شده بود و بازپرس تحقیق به من می‌گفت قطعاً این یک آماده‌سازی حمله به سفارت آمریکاست!! در حالی‌که به‌خوبی می‌دانستیم چنین چیزی نیست و فکر می‌کنم طرح یک مسیر تظاهرات بود. یک چنین موارد کاملاً احمقانه یا ذکر مسایل قدیمی. خوشبختانه حدود ۱۰ روز بعد، بخش تحقیقات پاریس - این را یادم هست چون خیلی نگران بودیم و از این پرونده دفاع کردیم- همه را آزاد کرد و ما اینجا این روند کاملاً وحشتناک را شروع کردیم که در آن اتهامات مسخره می‌زدند، یک بازپرسی را به‌خاطر دارم که طی آن یک نفر را متهم به شرکت در اشغال سفارت آمریکا در تهران در ۳۰ سال پیش می‌کردند.

خلاصه وضعیتی عجیب و غریب بود و نمی‌شد این پرونده را سرپا نگه داشت. سرانجام اتهام تروریسم را رها کردند، ضمن ذکر این نکته که وقتی کسانی علیه استبداد مبارزه می‌کنند، این نمی‌تواند اصولاً یک عمل تروریستی محسوب شود که به‌نظرم بسیار مهم است. حسب‌المعمول تلاش کردند بحث را روی پیگردهای مالی منحرف کنند، یعنی همین آخرین مورد که بالاخره متوقف شد. ولی یک موفقیت داشتند؛ این‌که طی ۱۲ سال بی‌وقفه به مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت تهمت زدند. آنها را "تروریست" نامیدند و باید که توسط دادگاه عدالت اروپا، تصمیم نام‌گذاری در لیست لغو شود. ملاحظه کنید که چگونه رفتار یک دموکراسی غربی به الزامات اقتصادی وابسته شده و در مقطع مشخصی تمایل داشت به مقامات ایرانی لطفی بکند و این امری غیرقابل‌تحمل است. آنهایی که مقاومت می‌کردند، کسانی هستند که علیه سرکوب مقاومت می‌کنند، در کشوری مقاومت می‌کنند که شرایط آن کاملاً وحشتناک است، به‌جای لگدکوب کردن آنها، ما بایستی که هر کاری را برای حمایت از آنها انجام بدهیم».

سلا آذری :



«این پیروزی مرا یاد یک جملهٔ بسیار زیبا انداخت که می‌گوید: "دادگاهی وجود دارد که بالاتر از همهٔ دیوانهای عدالت است و هیچ‌گاه تسلیم فشار نمی‌شود و آن

هم دادگاه پاکدامنی و وجدان انسانی است".

من به‌عنوان یکی ازمتهمان در این پرونده، به شرکت در یک انجمن جنایی و کمک مالی به تروریسم متهم شدم. این اتهامی کاملاً مضحک بود. به شما خواهم گفت چرا؟

اولاً: حمایت از یک مقاومت عادلانه جرم نیست، مقاومتی که آنتی‌تز یک رژیم فاشیست و بنیادگرا است و تلاش می‌کند در مبارزه‌اش برای آزادی مردمش مستقل باقی بماند.

دوم : این‌که این جرم نیست که من در حساب بانکی‌ام کمکهای واریز شده توسط هموطنان و هواداران مقاومت را دریافت کرده‌ام. کمکهایی که تماماً برای مخارج روزانهٔ مقاومت صرف می‌شد. و قطعاً این برای یک مقاومت جرم نیست که بخواهد برای آزادی مبارزه کند و در این مبارزه مستقل باقی بماند. آن‌چه در این روند برای ما اتفاق افتاد باید درباره‌اش سخن گفته شود و ابعاد آن گشوده شود. من خلاصه‌یی از آن‌را می‌گویم.

من مدت طولانی در زندان انفرادی نگه داشته شدم، از ۱۷ژوئن تا ۲ژوئیه. تقریباً بلافاصله یک اعتصاب غذا را شروع کردم و بعد هم اعتصاب غذای خشک. بعداً صدها نفر دیگر به‌طور بی‌سابقه‌یی با این اقدام همبستگی کردند. از آغاز برای همهٔ ما روشن بود که این عملیات پلیسی یک انگیزهٔ سیاسی برای راضی‌کردن آخوندها دارد. در شبها و روزهای اسارت در پایین ساختمان DST به من بی‌خوابی می‌دادند و بازجوییهایی کردند با واژه‌های مبهم که تماماً مشابه سرویسهای اطلاعاتی آخوندها بود. همان روشهایی که گشتاپو علیه مقاومت فرانسه انجام می‌داد. بعد از ۱۱سال تحقیقات، تمامی فعالیتهای حسابهای بانکی من زیر ذره‌بین رفت و دستگاه قضاییهٔ فرانسه اعلام کرد، هیچ سندی پیدا نکرده است. یک ضرب‌المثل معروف هست که می‌گوید: "در عصر فریبکاری همگانی، دفاع از حقیقت یک عمل انقلابی است و سرانجام پیروز خواهد شد". برای من پایداری بی‌سابقه مریم رجوی و اعتقادش به درستکاری و عشق بی‌پایانش به آزادی همان نور درخشانی بود که در دوران تاریکی راه را نشان می‌داد، برای من و برای همهٔ ما، او صدا و وجدان بشریت است. از این‌رو می‌گویم: زنده‌باد آزادی، زنده‌باد عدالت، زنده‌باد رجوی».

احمد حسنی پدر مجاهد شهید ندا (مشعل فروزان) :



«من صحبتهایی را در ذهنم آماده کرده بودم که اینجا بگویم ولی همهٔ صحبتها را خواهر مریم و دیگران گفتند، فقط این را عنوان می‌کنم دوست دارم عنوان کنم که الان خواهرم صدیقه و ندا (دخترم) و فروغ (همسرم) در جمع ما حضور دارند و در این جشن پیروزی شریک هستند.

و با درود و سلام خدا از همین آیه‌یی که از قرآن در ابتدا خواندم که درود و سلام خداست بر مؤمنین که سمبلهای آنها برای ما مجاهدین هستند چه در لیبرتی و چه در هر جای دنیا ....».

پاتریک بودوئن رئیس افتخاری فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر در کنفرانس مطبوعاتی: «این قضیه از همان ابتدا در سال ۲۰۰۳ حین عملیاتی که به‌شدت در مطبوعات سروصدا کرد، من و همهٔ ما وکلا آن را در اولین کنفرانس مطبوعاتی "وقایع اعلام‌شدهٔ یک شکست مفتضحانهٔ قضایی" توصیف کردیم. "وقایع اعلام‌شدهٔ یک شکست مفتضحانهٔ قضایی". چرا که از همان ابتدا هیچ شکی وجود نداشت. چرا که از همان ابتدا می‌دانستیم که این روند چیزی جز بهانه نیست. چرا که این روند در زمانی آغاز شد که فرانسه به‌طور "اتفاقی" در حال مذاکره دربارهٔ توافقات حائز اهمیت با مقامهای رژیم ایران بود. چرا که افرادی که تحت پیگرد قرار گرفتند بیش از ۲۰ سال ساکن فرانسه بودند، بدون این‌که حضور آنها کوچک‌ترین مشکلی را به‌وجود آورده باشد. و این‌که روشن است همهٔ افراد استاتوی پناهندگی داشتند. در حقیقت من فکر می‌کنم که این قضیه بیانگر یک انحراف دوجانبه است. این نمونهٔ منحصربه‌فردی نیست بلکه یک نمونهٔ خنده‌دار و مفرط آن است. اول استفادهٔ ابزاری از عدالت توسط حاکم سیاسی و دوم این‌که این بیانگر انحرافات بالقوهٔ مواد قانونی ضدتروریستی که روز به روز به یک قوهٔ قانونگذاری خاص و استثنایی تبدیل می‌شود.

تحقیقات انجام شد و بیش از ۱۱ سال طول کشید. باید به این درک می‌رسیدند که همهٔ اتهامات اولیه در مورد تروریسم لحظه‌یی قابل‌اتکاء و اثبات نبودند. و ما وکلا البته این نبرد را بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر پیش بردیم، اما ته خط هدف بسیار ساده بود، الا این‌که ما بروگیر را در مقابل خود داشتیم. نیاز بود که قاضی تحقیق عوض شود تا این‌که مسائل رو به جلو حرکت کنند. این در حقیقت یک رسوایی دولت بود. این موضوعی است که بی‌شک در مطبوعات فرانسه به اندازه مکفی در مورد آن صحبت نشده است. اینجا یک تروریسم واقعی وجود دارد که اثبات و نمایان شده است و در طرف دیگر، این به‌اصطلاح اتهامات تروریسم آیا بیشتر حق مقاومت در برابر ظلم و ستم را از بین نمی‌برد؟ نمی‌خواهم یک متن طولانی بخوانم، ولی می‌خواهم اشارهٔ کوتاهی کنم به حکمی که از طرف آقای ترویدیک صادر شد. این آخرین تصمیم نیست. آخرین تصمیم همان بود که بر این داستان نقطهٔ پایان کامل گذاشت و به‌نوعی می‌توان گفت، همهٔ کسانی که به جرم پول‌شویی نیز

تحت پیگرد بودند تبرئه کرد. این حکمی است که به اتهامات تروریسم نقطهٔ پایانی گذاشت. این حکم در سال ۲۰۱۱ صادر شد. این حکم دقیق و با کیفیت عقلانی قابل‌توجهی است. این آقای ترویدیک چه می‌گوید وقتی که حکم منع تعقیب برای اعمال تروریستی را اعلام می‌کند؟ وی به ما تلویحاً می‌گوید که ما از یک سو با یک حکومت مواجهیم که فی‌الواقع یک حکومت تروریستی است و در طرف دیگر بدون شک، هر چند که وی آن را نخواهد گفت و کار وی این نیست، ولی برای ما این جنبشی است که از حق مقاومت در برابر سرکوب استفاده می‌کند. و این یک موضع‌گیری سیاسی نیست چرا که وکلا نیاز به چنین موضع‌گیری ندارند. هرکس می‌تواند هرچه می‌خواهد دربارهٔ این جنبش فکر کند، ولی نمی‌توان این نقش آن را انکار کرد، یعنی نقش مقاومت در برابر رژیم آخوندها که به هیچ یک از آزادیهای دموکراتیک احترام نمی‌گذارد

بنابراین باید درود فرستاد به ۲ قاضی این پرونده که توانستند خود را از هرگونه فشار و پیش‌قضاوتی دور نگه‌دارند. و استقلال خود را اثبات کردند که این در نهایت به عدالت ارزش واقعی خود را باز می‌گرداند.

برای خودمان و برای خودتان یادآوری کنید افتضاحی که در شروع این جریان بود و فشار قابل‌توجهی که روی جنبش آمد و روی افرادی که مورد سئوال و جواب قرار گرفتند، دستگیر شدند، زندانی شدند، البته به‌صورت کوتاه‌مدت، قبلاً این موضوع را گفتیم. ولی صدمه و زیان وارد شد و به‌مدت سالیان طول کشید. از این روند قضایی در فرانسه سوءاستفاده کردند تا تلاش کنند جنبش شورای ملی مقاومت را به‌رغم همهٔ موانع در لیست سازمانهای تروریستی اروپا حفظ کنند. هر یک از این دو عامل از هم تغذیه می‌کردند. امروز، من می‌خواهم، همهٔ ما وکلا می‌خواهیم بعد از نبردی که این همه سال پیش بردیم، پژواکهای حداقل قابل مقایسه‌یی وجود داشته باشد، پژواکهای قابل‌تحسین برای این‌که گفته شود، رهبران و اعضای این جنبش و خود این جنبش در پایان روسفید شدند».

پیر برسی رئیس حقوق بشر نوین فرانسه :



«همان‌طور که یک شاعر می‌گفت، این اتفاق هولناک در شبی عمیق رخ داد. صبح

در حالی که از خواب بیدار می‌شدم و به رادیو گوش می‌کردم، متوجه شدم دوستانی که ۲۰ سال است با آنها هستم در تاریخ ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ بازداشت شده‌اند. و این‌که دستگیریهای گسترده‌یی در کار بوده و چیزی که خیلی باعث تعجبم شد و فکر می‌کردم که به‌خاطر ساده‌لوحی‌ام است این بود که متوجه شدم، دوستانی که ۲۰ سال با آنها بودم، دوستان واقعی نبودند بلکه " تروریستهای وحشتناکی" بودند. بنابراین من نمی‌خواهم آن‌چه را که به بهترین شکل توسط ژان پیر بکه، شهردار اورسوراواز بازگو شد دوباره تکرار کنم. ولی برای من این موضوع شوکه‌کننده بود و کمی تکان خوردم وقتی که یک ساعت بعد فردی به اسم بهزاد نظیری که تنها نفر از مسئولین مجاهدین بود که توانسته بود از دستگیریها جان سالم به‌در برد به من زنگ زد و گفت که پیر، باید یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار کنیم. آیا حقوق بشر نوین می‌تواند این کار را بکند؟ تصور کنید که ترس و وحشتی وجود داشت از برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی برای حمایت از افرادی که دستگیر شده بودند. من طبعاً جواب مثبت دادم و خودم هم زیاد در این باره مطمئن نبودم. و بنابراین بهزاد این کنفرانس مطبوعاتی را برگزار کرد و موضوع جالب این است که این اولین بار نبود که مجاهدین در دفتر حقوق بشر نوین کنفرانس مطبوعاتی برگزار می‌کردند. در دفعات گذشته برای افشاگری جنایتهای هولناک رژیم ایران بود. برای افشای شکنجه‌ها، چشم از حدقه در آوردن‌ها، چهره‌های ورم‌کرده، بدنهای خونین و این موضوعات توجه خبرنگاران را به خود جلب نمی‌کرد. خبرنگاران به این موضوعات علاقه‌مند نبودند. ولی برعکس در آن روز، همه دست و پا می‌شکاندند که در این کنفرانس مطبوعاتی شرکت کنند. شما خواهید دید که وقتی، هرچند که من نمی‌خواهم کلمهٔ بدی را به‌کار بگیرم، وقتی این افتضاح در ژوئن ۲۰۰۳ اتفاق افتاد، آن موقع همه شتاب‌زده شده بودند و می‌خواستند بدانند چه اتفاقی افتاده است. فقط می‌خواهم یاد دوستان اشرف و لیبرتی را زنده کنم که همهٔ آنها در این روز همراه ما حاضرند. هم‌چنین با توجه به این‌که خاطرات زیادی از دانیل میتران گفتیم، و من یکی از اولین داوطلبان و همکاران وی در کارزار انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۹۸۰ بودم و آنها را تا رسیدن به کاخ الیزه همراهی کردم، خواستم یادآوری کنم که این فرانسوا میتران بود که به مجاهدین خلق پناهندگی سیاسی در فرانسه داد. این فرانسوا میتران بود که در ۳۲۰هفته اعتراض و تظاهراتی که من برای زنان آرژانتینی در دورهٔ دیکتاتوری برگزار کرده بودم شرکت کرده بود و اینجا بود که من با مجاهدین خلق آشنا شدم که بلافاصله به حمایت ما در جلوی سفارت آرژانتین آمدند. فرانسوا میتران نیز همراه ما می‌آمد و اگر ما امروز در سالن واگرام هستیم بی‌دلیل نیست، چرا که می‌خواهم یادآوری کنم که در همین سالن در زمان جنگ، وی (فرانسوا میتران) که یکی از اعضای مقاومت بود و خیلیها نیز از این موضوع خشنود نیستند، در برابر سالنی سخنرانی کرد که پر بود از افرادی که با فاشیسم فرانسه همکاری می‌کردند. فرانسوا این سخنرانی را برای افشای فاشیسم و همدستان فرانسوی آن و تأکید بر ارزش پایداری و مقاومت ایراد کرد».

سید احمد غزالی نخست وزیر پیشین الجزایر :



«من صمیمانه‌ترین تبریکاتم را به مردم ایران ابراز می‌کنم. این پیروزی عدالت است ولی همچنین پیروزی مردم ایران است.... حال بایستی یک پرونده برای محاکمه کسانی‌که مسئول جنایات علیه بشریت هستند و من در همین رابطه به دولت مالکی فکر می‌کنم و رژیم ایران باز کرد. زمان آن رسیده که ما برای حسابرسی در رابطه با جنایات علیه بشریت که علیه مقاومت ایران به‌خصوص در اشرف اعمال شده کار کنیم.

من خیلی بر افروخته می‌شوم وقتی می‌شنوم که قدرتهای جهانی فکر می‌کنند که با شرکت رژیم ایران در نبرد با داعش پیروز می‌شوند. این خود مشکلی است که برای پیدا کردن راه‌حل دنبال آن می‌گردند. یا این روباهی است که ما می‌خواهیم به او نگه‌داری از لانهٔ مرغها را بسپاریم. مشکل این است که از منشأ مشکل نخوریم، در غیر این‌صورت هیچ راه‌حلی برای این مشکل وجود نخواهد داشت. و راه‌حل مشکل تروریسم در ابتدا این است که بگذارید خلقها خودشان قوای سرکوبگر را جارو کنند. نه این‌که چوب لای چرخ آنها بگذارند، همان‌طور که برای مقاومت ایران کردند. این مقاومتی است که از زمان دیکتاتوری شاه وجود دارد. همین‌طور آخرین لحظه سبز نشده است. این مقاومتی نیست که در جنگ قدرت با رژیم مذهبی در ایران باشد. مقاومتی است که در کادر مبارزه با دیکتاتوری و نبرد برای آزادی بنا شده است. و آنها اولین قربانیان تروریسم هستند. و تنها تروریسم در ایران، تروریستم دولتی ایران است».

فرانسوا کولکومبه بنیانگذار سندیکای قضات فرانسه :

«چیزی که می‌توان امروز گفت و آنچه به آن اطمینان داریم، این است که تروریسم فقط اسلامی نیست. می‌تواند مسیحی یا یهودی هم باشد و می‌تواند حتی بودایی باشد. ما می‌بایست همه اینها را به‌خاطر داشته باشیم به‌دلیل این‌که ما همزمان هم قربانی هستیم و هم مقصر. ما به‌اندازه کافی توجه نکردیم و به افرادی که نباید، اعتماد کردیم. و همه اینها را باید بدانیم.

و با گذری به خاورمیانه، باید به‌یاد آوریم که این تروریسم سنی (داعش) که امروز ما

را نگران می‌کند، یک ریشهٔ شیعه دارد. به‌دلیل این‌که این رژیم ایران بود که از خیلی وقت پیش این جنبش را راه‌اندازی کرد با همه نکاتی که امروز با آن مواجه هستیم. با صحنه‌های اعدام در ملاءعام، صحنه‌های هیستریک جمعی، و تروریسم که به‌عنوان وسیله انتشار یک طرز فکر استفاده می‌شود.



فرانسوا کولکومبه بنیانگذا قضات فرانسه

من که در ابتدا قاضی بودم، جای این را داشت که دودل باشم. و هم‌چنین به‌عنوان نماینده پیشین از اکثریت (حاکم) فعلی، می‌خواستم موضوعی را یادآوری کنم که امروز مطرح نشد. این خبر که به این نتیجه بسیار زیبا منجر شد، ۱۲ ساله نیست بلکه ۱۴ ساله است. این نشان می‌دهد که از همان ابتدا، این پرونده‌یی بود که در آن جعل و باطل بر حق پیروز می‌شد. من فکر می‌کنم که لازم است تکرار کنیم ، چرا که وقتی مجدداً در پرونده ریز می‌شوم، متوجه می‌شوم افراد زیادی دروغ گفتند. و بعد از گذشت چند صباحی، حتی اگر نیت خوب آنها برانگیخته شد، آنها دروغ گفتند که وانمود کنند حق با آنهاست. این چیزیست که باید به‌یاد آورد و فراموش نکرد برای این‌که تکرار نشود.

سالهاست که دوستان من می‌گویند تو نمی‌توانی به کسانی که این کار را کردند اعتماد کنی. من از چند تن از کسانی‌که شما اینجا دیدید سوال و جواب کردم. و چیزی که مرا تکان داد، این بود که این افراد که با یک رژیم وحشتناک روبرو بودند، جایی‌که افراد را در خیابان دستگیر و بدون پروسه قضایی به‌قتل می‌رسانند، جایی که اعدام و شکنجه وجود دارد، این افراد مطمئن بودند که فرانسه مخالفین را به رژیم ایران مسترد خواهد کرد و حق با آنها بود به‌دلیل این‌که وقتی که مشروعیت زیر پا گذاشته می‌شود، هیچ دلیلی وجود ندارد که متوقف شود. من حتی به این فکر می‌کنم که چه می‌شد اگر این کارزار به نفع شما در آن زمان صورت نمی‌گرفت و آنها باید این را به خاطر بسپارند» .

دومینیک هولار–از شهروندان فرانسوی حامی مقاومت ایران : «به اتفاق کلود می‌خواهیم یک گزارش شهادت بدهیم در مورد یکی از وجوه این پرونده که به‌سرعت لغو شد ولی کماکان مهم است. و آن هم در مورد سوءاستفاده از قضاییه و پلیس فرانسه

به‌خاطر منافع پست تجاری و دیپلماتیک است. در واقع، وقتی مقاومت ایران حساب کودتای ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ را بست به هر حال باید پرونده‌هایی را پر می کردند که معلوم بود خالی از اتهامات قانع‌کننده هستند و این کار را با تولید شکایتهایی از طرف به‌اصطلاح قربانیان مقاومت ایران در فرانسه (دنبال کردند). من نیز مانند خیلی دیگر از دوستانم تقریبا ۱۰سال پیش توسط بخش مالی احضار شده بودم به‌خاطر "مسائلی که به شما مربوط می شود" !

این‌چنین خودم را رو در روی افسر پلیس یافتم که توضیح داد که سازمان مجاهدین یک سازمان تروریستی وحشتناک است که مرتکب اعمال خشونت بار در ایران شده است. هم‌چنین به من توضیح داده شد که سازمان اعضای خود را ترور می کند و در نهایت به من توضیح داده شد که این سازمان خطاکار فرانسویان را گمراه کرده است، شهروندان فرانسوی را فریب داده است تا باور کنند با دادن پولهایشان برای کارهای تروریستی دارند کارهای بشردوستانه می کنند! در مقابل حرفی که این پلیس به من می‌زد و در حالی‌که این واژه تروریست را تکرار می کرد، من به او یادآوری کردم که اکثر فرانسویان به محتوای موضوع پایبند هستند، یعنی چیزی از نظر کسی ممکن است تروریسم باشد اما از نظر فرد دیگری ممکن است مقاومت تلقی شود. چرا که مخالفت با دیکتاتوری منفور و وحشی، هرگز تروریسم نیست. این یک مقاومت مشروع است.

این بارها در تاریخ به اثبات رسیده است، به‌طور خاص در فرانسه در جنگ جهانی دوم. من نیز مانند خیلی از فرانسویها برخی از اعضای خانواده‌ام در آن زمان جانشان را فدا کردند دقیقاً به همین خاطر که تروریسم را با مقاومت اشتباه نگرفتند. من هم‌چنین از این پلیس پرسیدم که اطلاعاتی که به من ارائه می دهد را از کجا به‌دست آورده است. چرا که به او گفتم اگر این اطلاعات از سرویسهای رژیم ملاها آمده باشد نمی توان آنها را قابل تکیه ارزیابی کرد. هم‌چنین به او گفتم که پلیسهای تهران، همکاران او نیستند بلکه مجریان یک دستگاه تزویر و ترور هستند. باید بگویم که این پلیس از حرفهایی که زدم مقداری نگران شد و به من گفت که خود او نیز در ابتدای تحقیقات دچار شک شده بود و سؤالاتی را از خودش پرسیده بود. در پایان استماع، قبل از امضای برگه اظهاراتم، به‌صورت صریح شکایت از نمایندگان مقاومت ایران را رد کردم؛ **کاری که پلیسها از من خواسته بودند انجام دهم.**

همگی ما می دانیم که متأسفانه در همین فرانسه تماسها، رابطها و شبکه هایی است که در خدمت ملاها هستند و به‌طور بدبینانه دروغهایشان را در جهان سیاست، اقتصاد و مطبوعات فرانسه شایع می کنند. بنابراین در مقابل این دروغهای بدگویانه باید مصمم و هوشیار باشیم و بیش از هر زمان باید بجنگیم که با آزادی که امیدواریم بزودی به ایران بازگردد، حقیقت نیز در تهران مانند پاریس پیروز شود».

ژان پیر مولر رئیس کمیته شهرداران فرانسوی مدافع اشرفیها : «فرانسه یک کشور دموکراتیک است. فرانسه یک دولت حقوق است با یک قانون اساسی، با یک عدالت بی‌طرف. ولی باید این را ذکر کرد و امروز عصر چند بار این گفته شد که شرافت فرانسه

زیر پا گذاشته شد، با اتفاقی که افتاد. کلمه "یورش" متأسفانه به‌خوبی به واقعه ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ می‌خورد. کشوری مانند فرانسه، کشوری آزاد با تاریخش، با نگاهی که به آن دارند، کشوری که در جهان به‌عنوان کشور حقوق‌بشر شناخته شده است، نمی‌بایست، با هر دولتی که می‌خواهد سر کار باشد، این ارزشها و شرافتش را تبادل می‌کرد و به قیمت ارزان می‌فروخت. این بسیار ضروری است در چیزی که فرانسه را نمایندگی می‌کند، در ارزشهای منحصربه‌فردش، به‌خاطر نفت و یک بازار بی‌ارزش و این فرانسه ۲۰۰۳ فرانسه ما نبود. شهادتهای امروز عصر تکان‌دهنده بودند. وقایع همان‌طوری که تعریف شده بود اتفاق افتاد. با تمام گفتارهای آلوده. بله وقتی که کسی خود را به‌آتش می‌کشد، یک مقاوم است وشما این را گفتید.



ژان پیر مولر

اولین مقاومی را که دیدم ۱۶ساله بودم و مرا به‌گریه انداخت. او "یان پالاک" بود در سال ۱۹۶۸ در پراگ. چه کسی در این سالن و هر جای دیگر، به "یان پالاک"به‌عنوان یک مقاوم و یک قهرمان که زندگی خود را فدا کرده نگاه نکرده است؟ ما امروز آن را به‌یاد می‌آوریم و گرامی می‌داریم.

بله به‌درستی امروز عدالت و حق را به شما باز می‌گردانند. و این اصطلاح به‌خوبی به آن می‌خورد. سالها و سالها بعد، ۱۱ سال بعد، بالاخره، بالاخره این درست است. عدالت بی‌طرف است و این را اثبات می‌کند حتی اگر زمان زیادی ببرد و اگر نیاز به قضات شجاعی باشد. این قضات هستند و اکثریت را تشکیل می‌دهند. مفتخر از این‌که روزانه بتوانند با هدف احترام به حقوق بشر حرکت کنند....

و من امشب رسماً پیشنهاد می‌کنم، که همه شهردارانی که عضو کمیته ۱۴هزار شهردار هستند، پیشنهاد می‌کنم که همه مثل من در شهر"مانی آن وکسن" اقدام کنند و در هتل شهرشان، یک سالن تهران تشکیل دهند و این مانند نوعی آموزش عمل کند برای این‌که همه بدانند که جنبش مجاهدین خلق ایران چیست و نشان دهند که واقعیت زندگی در ایران چیست. ایران، ایران آخوندها نیست. ایران، شما هستید یعنی آلترناتیو دموکراتیک و الان زمان کم داریم و نمی‌توانیم اینجا تمامی برنامه دمکراتیک پیشنهادی

شما را تکرار کنیم. ولی باید گفت، نه تنها به کل نمایندگان جهان که تعدادشان در کنار شما خیلی زیاد است. ولی من این را برای همه خلقها تکرار می‌کنم. به‌دلیل این‌که آنها اولین حاملین خواهند بود.

من می‌خواهم به شما بگویم و دوست دارم که بگویم.. وقتی رسیدم، شما همواره یک استقبال بیش از گرم از من کردید. استقبال تکان‌دهنده و تأثیرگذار. و این احساسی نیست. من که اشکهایم در چشمانم جمع‌شده بود. به‌دلیل این‌که چند دقیقه پیش که با من مصاحبه می‌کردند، گفتم که مبارز آزادی بودن در پاریس چیز ساده‌یی است و مبارز آزادی بودن در جایی که وحشی‌گری و تروریسم دولتی حاکم است چیز دیگریست....

فروتنانه باید بگویم که می‌دانیم پایداری و استقامت در ایران خیلی سخت‌تر است. و همان‌طور که وکیل بوردون در شروع گفت، می‌گفت که من آرزو دارم.... درست نمی‌دانم چطور می‌گفت، آرزو دارم که از هواپیما در شهر تهران آزاد پیاده شوم، در یک ایران آزاد. بله، من هم برای این لحظه‌شماری می‌کنم. و بی‌صبرانه متنظرم روزی که بتوانیم از روی آخرین پله‌های هواپیما بپریم با اشک در چشم‌ها و شاید هم بیشتر به‌دلیل این‌که آزادی و دموکراسی در ایران برقرار شده است. برای این‌که شما ایران هستید».

پاسکال تراس-نماینده مجلس ملی فرانسه :



پاسکال تراس

«در ۲۰۰۳ من اولین پارلمانتری بودم که شما را در فراخوان‌تان همراهی کردم ، الان کاری که در این ۱۴سال کردیم را بازگو می‌کنم ....

مریم رجوی بهتر از دیگران می‌داند که وقتی در حوزه انتخابی‌ام در آردش گروهی از زنان نزدیک به شورای ملی مقاومت ایران و به مجاهدین خلق را دعوت کردم، آنها را به موزه‌یی به‌نام ماری دوران دعوت کردم، من به مذهب پروتستان اقتدا می‌کنم، این زن ماری دوران به‌مدت سی سال در برج کنستانس زندانی بود و هر ساله پادشاه فرانسه پیغامی به او می‌داد که از مذهب خود دست بردار، او با ناخنهایش در زندانی که بود، روی دیوار این کلمه را حک می‌کرد: پایداری!

کلمه‌یی که امروز همه به آن مقاومت اطلاق می‌کنند، شما رزمندگان مقاومت هستید ولی قبل از هر چیز رزمندگان آزادی هستید، وقتی در ۲۰۰۳ خودم را به‌عنوان پارلمانتر متعهد به آرمان شما کردم البته فشارهای بسیار شدیدی را تحمل کردم که به مبارزات انتخاباتی من نیز کشیده شد تا جایی که پوسترهایی که متعلق به برخی تشکلهای سیاسی بود من را متهم به نزدیکی با محافل تروریستی مسلح و خطرناک می‌کردند، که البته مانع از چهار بار انتخاب پیاپی من در پارلمان نشد، ولی در واقعیت امر کار من در این سالیان در کنار شما بسیار ساده هم بود، ما کمیته پارلمانی برای ایران دمکراتیک را تأسیس کردیم زمانی بود که تنها دو نفر بودیم، بعد ۱۰ نفر شدیم ، بعد ۱۰۰ نفر شدیم و بعد بیشتر از ۱۰۰ پارلمانتر از همه گرایشهای سیاسی که با فشار به مقامات سیاسی، فشار به مقامات دولتی برای یادآوری این موضوع به آنها که تعهد شما در واقع فقط عهد مقاومت برای کشورتان نیست بلکه تعهد یک ملت برای دمکراسی در همه جای دنیاست و برای نتیجه‌گیری می‌گویم: از چند روز قبل به این طرف، هیچ موقع شما به ما یعنی فرانسه این‌قدر نزدیک نبوده‌اید، شما در خانه خودتان هستید، این کشور خود شما است، این را بقیه نیز به‌رسمیت شناختند، ولی در عین حال تعهد شما، عزم شما، قابلیت ما در برانگیختن امروز برای رفتن به فراتر، امروز برای پیدا کردن اصل و جوهره خودتان، تاریخ خودتان، فرهنگ خودتان، مردم خودتان: ایران، این یک رزم است که ادامه می‌یابد، رزمی که من با شما در آن همراه هستم».





فصل شانزدهم

عکس‌العمل پرفضیحت رژیم آخوندی در قبال حکم منع تعقیب

گزارش خبرگزاری فرانسه دربارهٔ عکس العمل پر فضیحت رژیم آخوندی در قبال حکم منع تعقیب در پروندهٔ ۱۷ژوئن و بیانیهٔ ویلیام بوردون

خبرگزاری فرانسه:

تقاضای استیناف عجیب مردی که ۹ سال پیش مرده است

خبرگزاری فرانسه- ۵ دسامبر ۲۰۱۴ [۵۲]

مجاهدین خلق که از یک منع تعقیب در پروندهٔ قضایی(۱۷ ژوئن) بهره مند شده اند، با تقاضای استیناف فردی که به گفته آنها ۹ سال پیش فوت کرده است، حیرت زده شده اند!

ویلیام بوردون وکیل شورای ملی مقاومت ایران در اطلاعیه یی گفت: در تلاشی برای آلت دست قرار دادن دستگاهٔ قضاییهٔ فرانسه، یک تقاضای فرجام توسط فردی که ۹ سال پیش فوت کرده است، علیه تصمیم منع تعقیبی مطرح شد که در پروندهٔ مربوط به مخالفان ایرانی پس از ۱۳ سال رسیدگی قضایی صادر شده بود.

در سال ۲۰۰۱ دستگاه قضایی ضدتروریستی فرانسه تحقیقاتی را علیه سازمان مجاهدین خلق ایران آغاز کرد که با یک عملیات بزرگ پلیسی در سال ۲۰۰۳ علیه

۵۲- ۱۴آذر۱۳۹۳

پایگاهشان در والدواز، همراه بود. آنها بلافاصله آلت دست قرار گرفتن دستگاه قضاییه را افشا کردند که از دید آنها قربانی روابط سیاسی و تجاری با رژیم ایران شده است.

در سال ۲۰۱۱ قاضی مارک ترویدیک صرفنظر کردن از هرگونه جرم تروریستی در پرونده را اعلام کرد. او تحقیقات خود را فقط درباره اتهام تخلف مالی در مورد ۹ تن از ۲۴نفری که از ابتدا تحت تحقیق قضایی قرار گرفته بودند ادامه داد.

اما در سپتامبر ۲۰۱۴ قاضی مارک ترویدیک یک حکم منع تعقیب برای این تخلفات مالی هم صادر کرد که به گفته وکیل ویلیام بوردون با تقاضای استیناف تنها یک شاکی خصوصی روبرو شده است. اما به اعتقاد وکیل، داده های هویدا شده در تحقیقات نشان داد که این شاکی خصوصی عجیب کسی نبوده است جز یک ابزار در دست سرویسهای مخفی رژیم ایران، که بوردون دادسرای کل را از آن مطلع ساخته است.

وکیل ویلیام بوردون ادامه داد: این حقّه بازی اکنون کاملاً برملا شده است زیرا بعد از بررسی اکنون محرز است که شاکی طبق گواهی فوت مورد تصدیق مقامات انگلیسی ۹سال پیش در اکتبر ۲۰۰۵ فوت کرده است.

وکیل خواستار یک تحقیق متناسب شد زیرا به گفته وی وسیعاً نشان دهندهٔ استمرار اقدامات فعال مقامات رژیم ایران در فرانسه به منظور مجرم سازی مجاهدین خلق به ویژه به قیمت آلت دست قراردادنهای بسیار وخیم بوده است.

وکیل بوردون از دستگاه قضاییه خواستار شد تا روشن سازد چگونه فردی که ۹ سال پیش فوت کرده است قادر بوده وسایل قانونی یک تقاضای استیناف علیه یک حکم منع تعقیب را فراهم سازد که به یک تحقیقات ۱۰ساله پایان داده است؟

AFP

« L'étrange appel en justice d'un homme décédé depuis neuf ans
Paris (France) - 05 décembre 2014 18:33 - AFP

372 Mots / Enquête fraude Iran
Les Moudjahidine du Peuple, qui ont bénéficié d'un non-lieu dans une enquête judiciaire les visant, s'étonnent de l'appel de cette décision interjeté par un homme, selon eux décédé depuis neuf ans.

"Dans une tentative de manipuler la justice française, un recours a été présenté au nom d'une personne qui est décédée il y a 9 ans, contre une décision de non-lieu rendue après 13 ans d'information judiciaire dans une affaire concernant des opposants iraniens", s'offusque dans un communiqué l'avocat du Conseil national de la Résistance iranienne (CNRI), Me William Bourdon.

En 2001, la justice antiterroriste française avait lancé une enquête visant l'Organisation des Moudjahidine du peuple iranien (OMPI), marquée notamment par une spectaculaire opération policière en 2003 dans leur base du Val-d'Oise. Ils avaient aussitôt dénoncé une instrumentalisation d'une justice sacrifiée à leurs yeux sur l'autel des relations politiques et commerciales avec l'Iran.

Dès 2011, le magistrat Marc Trévidic avait renoncé à toute incrimination terroriste dans ce dossier, ne poursuivant son enquête que pour des délits financiers présumés susceptibles d'avoir été commis par neuf des 24 personnes initialement mises en examen.

Mais en septembre dernier, il a également rendu une ordonnance de non-lieu pour ces délits financiers, ordonnance qui a toutefois fait l'objet "d'un appel de l'unique partie civile, M. Ziaedin Abdolrazaghi", selon Me William Bourdon.

Pour l'avocat, les éléments apparus durant l'enquête ont démontré "que cette étrange partie civile n'était qu'un instrument des services secrets iraniens".

"La supercherie est maintenant totalement éventée puisqu'après vérifications, il est acquis que M. Ziaedin Abdolrazaghi est décédé depuis 9 ans, soit en octobre 2005, comme en atteste un certificat de décès obtenu auprès des autorités britanniques", poursuit Me Bourdon qui précise avoir informé le parquet général de la cour d'appel de Paris.

L'avocat réclame "une enquête appropriée" tant cette supercherie selon lui témoigne "de la permanence d'un activisme des autorités iraniennes auprès de la France aux fins de tenter de pérenniser, y compris au prix de graves manipulations, la criminalisation" des Moudjahidine du Peuple.

Me Bourdon demande à la justice d'établir "les conditions dans lesquelles une personne décédée depuis 9 ans a pu régulariser un appel à l'encontre d'une ordonnance de non-lieu mettant un terme à une procédure datant de plus de 10 ans".

حکم مردودیت درخواست جعلی وزارت اطلاعات

دادگاه استیناف پاریس صبح روز ۱۶ بهمن ۱۳۹۳ حکم مردودیت درخواست وزارت اطلاعات آخوندها برای جلوگیری از حکم منع تعقیب و بسته شدن پروندهٔ ۱۷ژوئن در جمیع جهات را که به نام یک مأمور مرده وزارت تحت عنوان شاکی خصوصی ارائه شده بود، اعلام کرد.

ابعاد فضیحت و ترفند رژیم و همدستان و مزدورانش در متشبث شدن به اتهام کلاهبرداری مالی علیه مجاهدین به حدی بود که از این پیشتر، دادستان پاریس به صراحت مخالفت خود را با درخواست رژیم و مأموران مرده و مستخدمان زنده اش اعلام کرده و خواستار رد تقاضای آنها توسط دادگاه استیناف پاریس شده بود.

DOSSIER N° 2014/06847
F0109935901/3
ARRÊT DU 5 février 2015

Extrait des minutes du Secrétariat-Greffe de la Cour d'Appel de Paris

COUR D'APPEL DE PARIS
PÔLE 7
PREMIÈRE CHAMBRE DE L'INSTRUCTION

APPEL D'UNE ORDONNANCE DE NON-LIEU

ARRET
(n° 1 , 6 pages)

Prononcé en chambre du conseil le 5 février 2015

Procédure des chefs de : association de malfaiteurs en vue de préparer un ou plusieurs délits punis d'au moins cinq ans d'emprisonnement, usage de documents administratifs falsifiés, usurpation d'identité, complicité d'escroqueries sur personnes particulièrement vulnérables, complicité d'escroqueries commises en bande organisée, recels d'escroquerie sur personnes particulièrement vulnérables et recels d'escroqueries en bande organisée, escroqueries en bande organisée, blanchiment du produit direct ou indirect des délits d'escroqueries sur personnes particulièrement vulnérables et d'escroquerie en bande organisée, subornation de témoins,

PARTIES EN CAUSE :

PERSONNES MISES EN EXAMEN :

ALAVI TALEGHANI Zahra,
née le 05/02/1950 à Téhéran (Iran)
Libre sous contrôle judiciaire, 15 rue Delacour - 95300 PONTOISE,

Ayant pour avocats : - Me BARRE, 8 rue Bayard - 75008 PARIS
- Me GRISET, 38 boulevard des Invalides - 75007 PARIS

PAR CES MOTIFS

LA COUR,

Vu les articles 177, 183, 185, 186, 194, 198, 199, 200, 207, 216, 217 et 801 du code de procédure pénale,

EN LA FORME

CONSTATE QUE L'APPEL EST IRRÉGULIER COMME AYANT ÉTÉ FORMÉ AU NOM DE Ziaedin ABDOLRAZAGHI SANS AUCUN POUVOIR ÉMANANT DE LUI OU D'UN QUELCONQUE AYANT DROIT DE CELUI-CI DÛMENT MANDATÉ

DÉCLARE L'APPEL IRRECEVABLE

DIT N'Y AVOIR LIEU À RECEVOIR LES CONSTITUTIONS DE PARTIE CIVILE DE MESDAMES Molouk et Jahan ABDOLRAZZAGHI DEVANT LA PRÉSENTE CHAMBRE D'INSTRUCTION

ORDONNE que le présent arrêt sera exécuté à la diligence de M. le Procureur Général.

LE GREFFIER

LE PRÉSIDENT

POUR COPIE CERTIFIÉE CONFORME
Le Greffier

6

حکم مردودیت درخواست وزرات اطلاعات آخوندها- ۵فوریه ۲۰۱۵

جلسهٔ رسیدگی دادگاه استیناف پاریس (بخش ۷- شعبه اول تحقیقات) در روز ۱۸ دی۹۳ برگزار گردید و رأی دادگاه پنجشنبه ۱۶بهمن ۱۳۹۳ صادر شد.

اسناد فاش‌شده در دادگاه، ابعاد جدیدی از نقش مستقیم وزارت اطلاعات را برملا کرد و از جمله نشان داد که درخواست قضایی مربوطه از سوی سرکردگان وزارت اطلاعات به وکیل فرانسوی رژیم در این پروندهٔ دیکته شده و دو تن از مأموران وزارت اطلاعات تحت نام حقوقدان و وکیل بود که به‌همین منظور از تهران به پاریس سفر کرده بودند.



BOURDON & FORESTIER

155 RUE DE RIVOLI – 75001 PARIS

WILLIAM BOURDON
LEA FORESTIER
AVOCATS ASSOCIES

SANDRINE RICHER
APOLLINE CAGNAT
AMELIE LEFEBVRE
LAURA MONNIER
BERTRAND REPOLT
AVOCATS AU BARREAU DE PARIS

TEL 01 42 60 32 60

FAX 01 42 60 19 43
01 42 60 25 17
PALAIS R 143

contact@bourdon-forestier.com

Communiqué de Maître William BOURDON - Conseil du CNRI

Une partie civile décédée depuis 9 ans tente de manipuler la justice française

Dans une tentative de manipuler la justice française, un recours a été présenté au nom d'une personne qui est décédée il y a 9 ans, contre une décision de non-lieu rendue après 13 ans d'information judiciaire dans une affaire concernant des opposants iraniens.

Les procédures ouvertes, notamment contre certains membres du Conseil national de la Résistance iranienne (CNRI), il y a plus de 13 ans, se sont soldées successivement par deux ordonnances de non-lieu, rendues conformément aux réquisitions du Parquet.

S'agissant de la première ordonnance de non-lieu, du chef de terrorisme, elle est définitive, aucun appel n'ayant été interjeté.

S'agissant de la seconde rendue le 16 septembre 2014 du chef de différentes infractions financières, contre toute attente, elle a fait l'objet d'un appel de l'unique partie civile, Monsieur Ziaedin ABDOLRAZAGHI.

Monsieur Ziaedin ABDOLRAZAGHI avait excipé en effet, il y a plus de 10 ans, avoir été victime d'une usurpation de son identité par un des sympathisants du CNRI.

Le caractère totalement fantaisiste de cette partie civile avait été largement commenté à l'époque par les avocats des mis en examen.

On soulignera que le magistrat instructeur, le 16 septembre 2014, avait évidemment rendu un non-lieu du chef d'usurpation d'identité, relevant l'incroyable décalage entre les différentes mentions d'état-civil alléguées par ce plaignant et celles du prétendu usurpateur mais également le caractère invraisemblable de la connaissance qui semblait être celle de cette partie civile, des mouvements des mis en examen.

Plus précisément, les Conseils des mis en examen avaient à plusieurs reprises souligné le fait que tous les indices concordaient pour valider le fait que cette étrange partie civile n'était qu'un instrument des services secrets iraniens.

La supercherie est maintenant totalement éventée puisqu'après vérifications, il est acquis que Monsieur Ziaedin ABDOLRAZAGHI est décédé depuis 9 ans, soit en octobre 2005, comme en atteste un certificat de décès obtenu auprès des autorités britanniques.

Les Conseils des mis en examen n'ont pas manqué de souligner auprès du Parquet Général près la Chambre de l'instruction de la Cour d'appel de PARIS l'incroyable manipulation qui réside nécessairement de l'appel de quelqu'un de décédé depuis 9 ans.

Ces faits, à eux seuls, mériteront une enquête appropriée tant ils témoignent de la permanence d'un activisme des autorités iraniennes auprès de la France aux fins de tenter de pérenniser, y compris au prix de graves manipulations, la criminalisation des clients des avocats soussignés.

Ces faits ne sauraient rester sans réponse et il appartient maintenant aux autorités judiciaires françaises de tirer toutes les conséquences de ce qui précède en déterminant les conditions dans lesquelles une personne décédée depuis 9 ans a pu régulariser un appel à l'encontre d'une ordonnance de non-lieu mettant un terme à une procédure datant de plus de 10 ans.

اطلاعیه وکیل ویلیام بوردون

سرانجام قاضی تحقیق ضدتروریسم در ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۴ کلیهٔ اتهامات مالی علیه اعضای مقاومت ایران را که نشأت گرفته از یک معاملهٔ سیاسی دولت وقت فرانسه با رژیم ملایان بود لغو کرد و دستور منع تعقیب نهایی همهٔ اعضا و وابستگان شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران را در این پرونده صادر کرد.

در جریان دادگاه و رسیدگی قضایی، روشن گردید که درخواست استیناف وزارت اطلاعات از طریق یک مأمور مردهٔ اطلاعات آخوندها به‌عمل آمده است که در سال ۲۰۰۳ به‌تشویق بروگیر به‌عنوان شاکی خصوص وارد پرونده شده و با سوءاستفاده از یک تشابهٔ اسمی ادعا کرده بود که مجاهدین از هویت او سوءاستفاده و کلاهبرداری کرده‌اند.

ثبت درخواست استیناف از سوی فرد مرده با تابعیت انگلیسی و اموالی که در انگلستان به‌نام او ثبت شده بود در سپتامبر ۲۰۱۴ صورت گرفت.

نامهٔ وکیل هراسان شاکی مرده!

در مقابل شواهد غیرقابل کتمان ارائه شده از سوی وکلای مقاومت ایران در بارهٔ این ترفند رژیم، یکی از وکلای فرانسوی رژیم آخوندی به‌نام پال ژِلیناس که استیناف را از سوی این مرده ثبت کرده است در وحشت از عواقب این تقلب بزرگ در نامه‌یی به‌تاریخ ۹دسامبر ۲۰۱۴ به دادستان نوشت :« من از سال ۲۰۰۵ هیچ خبر جدیدی از شاکی نداشتم.... بعدازظهر پنج‌شنبه ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۴ دکتر نوری، یک استاد حقوق در دانشگاه تهران به‌همراهی آقای مرتضی زهرایی وکیل در تهران برای ملاقات من آمدند. همان روز آنها مرا به آقای دومنیک اینشوسپه وکیل جزایی کانون وکلای پاریس معرفی کردند. به‌رغم اکراه بسیار زیاد، من فردای آن روز جمعه ۲۶سپتامبر، همراه با وکیل اینشوسپه به دفتر دادگاه استان پاریس مراجعه کردم تا درخواست استیناف را ثبت کنم. در این زمان هیچ‌کس به من نگفت که آقای عبدالرزاقی می‌تواند مرده باشد».

PAUL-A. GÉLINAS
Avocat aux Barreaux de Paris et de Montréal
CARRÉ VAUBAN - 1 RUE BIXIO, 75007 PARIS - FRANCE

Madame Bernadette Anton
Parquet Général
Chambre de l'Instruction de la Cour d'Appel de Paris
4 Boulevard du Palais
75001 Paris

Paris, le 9 décembre 2014

Affaire Parquet : 0109939013
N° RG Cour d'Appel : pas encore connu
Affaire Abdolrazaghi Ziaedin

Madame le Substitut Général,

Je crois savoir que vous êtes en charge de ce dossier.

J'ai interjeté appel de l'Ordonnance de non-lieu prononcé à l'encontre de M. Ziaedin Abdolrazaghi le 26 septembre 2014. Par courrier du 3 décembre 2014, mon confrère, William Bourdon, m'adressait copie d'un document de la High Court of Justice, District Probate Registry at Newcastel Upon Tyne, duquel résulterait que M. Abdolrazaghi est décédé le 10 octobre 2005.

Compte tenu de la médiatisation de cette affaire, je souhaite vous préciser les circonstances dans lesquelles j'ai interjeté appel.

M. Abdolrazaghi m'a consulté en septembre / octobre 2003 sur la recommandation d'un confrère bruxellois. La plainte pour usurpation de nom a été déposée le 29 octobre 2003. Elle a suivi son cours normal puis a été rattachée au dossier principal dont s'occupait le Juge Jean-Louis Bruguière. L'Ordonnance de non-lieu a été rendue par M. Marc Trevidic et Mme Jeanne Duye, le 16 septembre 2014.

Je n'ai plus eu de nouvelles de M. Abdolrazaghi depuis l'été 2005, comme c'est parfois le cas avec les clients.

Le jeudi après-midi 25 septembre 2014, un Professeur de droit à l'Université de Téhéran, le Docteur Noory, accompagné de Me Morteza Zahraie, Avocat à Téhéran, sont venus me rencontrer. Le même jour, ceux-ci me présentaient à Me Dominique Inchauspé, avocat pénaliste au Barreau de Paris.

CHYPRE : GÉLINAS & PARTNERS
CAPITAL CENTER - 9TH FLOOR - MAKARIOS AV. - 1505 NICOSIA -

نامهٔ وکیل هراسان شاکی مرده !- صفحه ۱



2

PAUL-A. GÉLINAS

Malgré ma très grande réticence (ne pratiquant pas entre autres le droit pénal), je me suis rendu le lendemain, vendredi 26 septembre, au Greffe du Tribunal de Grande Instance de Paris, accompagné de Me Inchauspé, pour relever appel.

A ce moment, personne ne nous a indiqué que M. Abdolrazaghi pouvait être mort.

Dans les semaines qui ont suivi, Me Inchauspé et moi-même avons découvert sur internet qu'un certain Ziaedin Abdolrazaghi, résidant à Londres, serait disparu en novembre 2005.

J'en ai alors prévenu mes correspondants iraniens afin qu'ils vérifient ce qu'il en était. A ce jour, je n'ai reçu aucune indication ni confirmation à l'effet que M. Abdolrazaghi serait décédé mais j'attends des précisions sous peu.

Je tenais à m'expliquer auprès de vous tout en vous assurant de ma plus parfaite collaboration.

Je vous prie d'agréer, Madame le Substitut Général, l'expression de mes sentiments dévoués et les meilleurs.

Paul-A. Gélinas

نامهٔ وکیل هراسان شاکی مرده !- صفحه ۲

لایحهٔ ویلیام بوردون

ویلیام بوردون حقوقدان برجستهٔ فرانسوی و وکیل شورای ملی مقاومت در لایحهٔ خود خطاب به دادستان با تأکید بر اینکه استیناف از جانب یک مرده قابل پذیرش نیست یادآور شد:

« این استیناف به‌خوبی در چارچوب مانورهایی قرار می‌گیرد که توسط مقامات ایرانی و کارگزاران آنها در این پرونده از آغاز آن انجام می‌شده است. درحقیقت این مانور، موضوع لوایح متعددی بوده است که در زمان خودش برای قضّات تحقیق ارسال شده است با شهود متعددی که به‌ظاهر بدون مقدمه و فی‌البداهه خود را به سرویسهای پلیس معرفی کرده‌اند، ولی در واقع کارگزاران دولت ایران بوده‌اند.

ما هم‌چنین می‌دانیم که دادستان [وقت] پاریس، و نیز سایر ارگانهای اداری و دولتی، به‌صورت بی‌وقفه توسط دولت ایران مورد مراجعه قرار می‌گرفته‌اند تا بر روی پرونده تأثیرگذاری کنند. در نتیجه این استیناف یک تلاش هزارمین برای استفادهٔ ابزاری و

سوءاستفاده از سیستم قضایی فرانسه توسط یک دولت خارجی [یعنی رژیم ایران] است.»

ویلیام بوردون در نتیجه‌گیری خود تأکید کرد: «این امر، هم‌چنین بی‌نهایت مایهٔ نگرانی است که بفهمیم، یک‌بار دیگر رژیم ایران در خدمت اهداف تبلیغاتیش، تمام تلاش خود را به‌کار می‌برد که قضاییهٔ فرانسه را آلت دست خود قرار داده و مخالفان خود [سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت ایران] را بی‌اعتبار سازد».

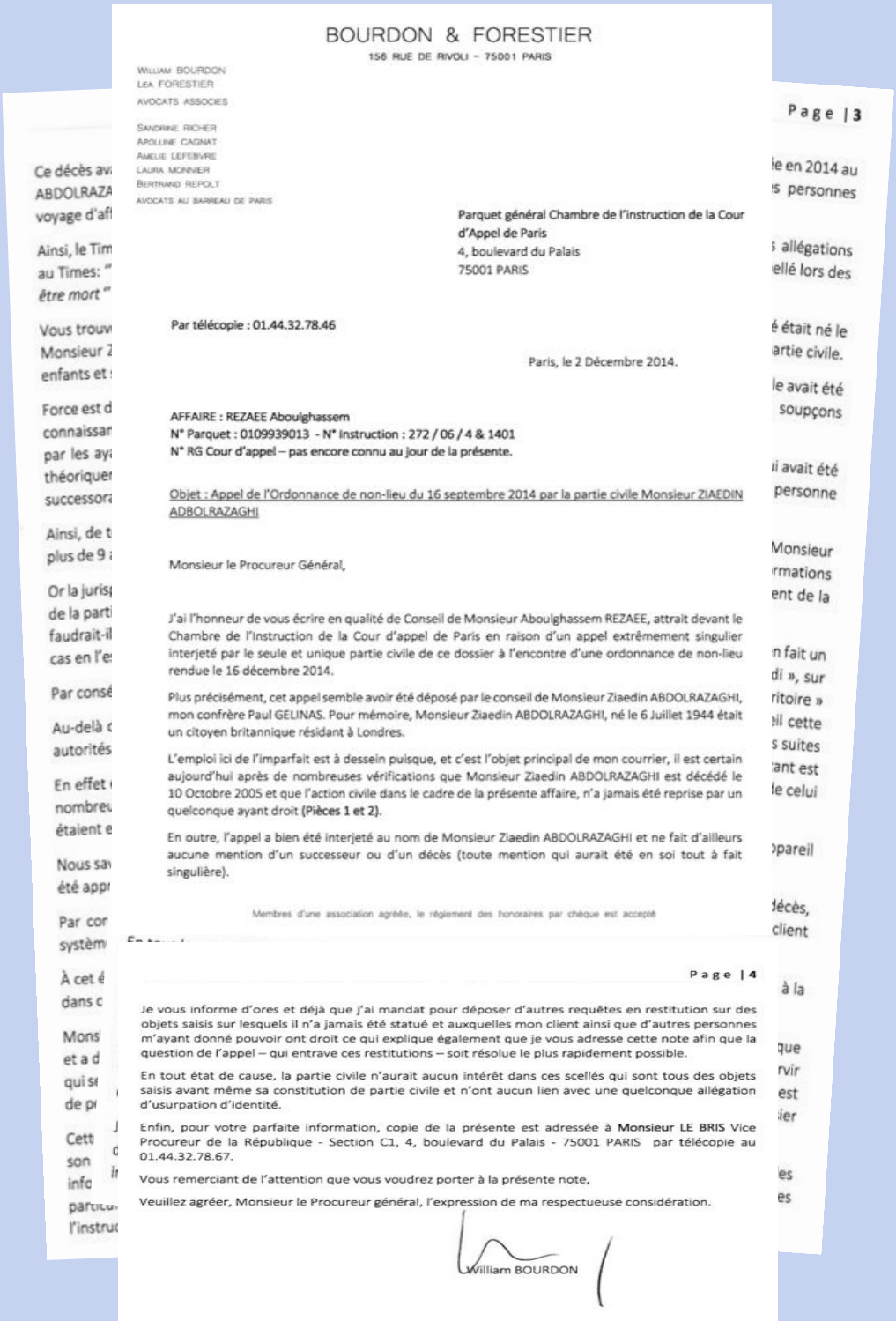
«عبدالرزاقی اذعان می‌کند که ادعای او مبتنی بر حرفی است که توسط یک " عضو سابق سازمان مجاهدین خلق ایران" ابتدا، در سال ۲۰۰۱ به او گفته است. او علاوه براین اظهار داشته است که همان شخص در سال ۲۰۰۳ به او گفته است که می‌باید در این رابطه به‌اقدامی مبادرت نماید.

این به‌اصطلاح "عضو سابق مجاهدین" کسی جز مسعود خدابنده نیست، که یک مأمور رژیم ایران است و در چندین گواهی دروغ به‌عنوان شاهد، اطلاعات غلط در اختیار قاضی تحقیق قرار می‌داده است.

یک تحقیقات مستقل نیز مشخص می‌سازد که او مأمور وزارت اطلاعات ایران است.

عبدالرزاقی هم‌چنین یک قطعهٔ کاغذ به‌عنوان سند به قاضی تحقیق تحویل داده است که یک دستور دیکته شده توسط شخصی بنام ایزدی [از سرکردگان وزارت اطلاعات رژیم ایران] است که بر روی آن آدرس "وزارت کشور-د.اس.ت" در پاریس، نوشته شده است.

این دستور، از عبدالرزاقی می‌خواهد که این آدرس و هم‌چنین گزارشهای مالی ۳ سال آخر خود را [برای نرمالیزه کردن وضعیت مالی خود] به وکیل ارائه دهد و نتایج حاصل از این اقدامات را به شخص ایزدی گزارش نماید. این مدارک، در مورد طبیعت و استفاده ابزارگونه از ثبت شکایت به نام شاکی خصوصی، تردید کمی باقی می گذارد. چیزی که اکنون به خاطر آن [رژیم ایران] " استیناف" خواسته است».



BOURDON & FORESTIER

156 RUE DE RIVOLI – 75001 PARIS

WILLIAM BOURDON
LEA FORESTIER
AVOCATS ASSOCIES

SANDRINE RICHER
APOLLINE CAGNAT
AMELIE LEFEBVRE
LAURA MONNIER
BERTRAND REPOLT
AVOCATS AU BARREAU DE PARIS

Parquet général Chambre de l'instruction de la Cour d'Appel de Paris
4, boulevard du Palais
75001 PARIS

Par télécopie : 01.44.32.78.46

Paris, le 2 Décembre 2014.

AFFAIRE : REZAEE Aboulghassem
N° Parquet : 0109939013 - N° Instruction : 272 / 06 / 4 & 1401
N° RG Cour d'appel – pas encore connu au jour de la présente.

Objet : Appel de l'Ordonnance de non-lieu du 16 septembre 2014 par la partie civile Monsieur ZIAEDIN ADBOLRAZAGHI

Monsieur le Procureur Général,

J'ai l'honneur de vous écrire en qualité de Conseil de Monsieur Aboulghassem REZAEE, attrait devant le Chambre de l'Instruction de la Cour d'appel de Paris en raison d'un appel extrêmement singulier interjeté par le seule et unique partie civile de ce dossier à l'encontre d'une ordonnance de non-lieu rendue le 16 décembre 2014.

Plus précisément, cet appel semble avoir été déposé par le conseil de Monsieur Ziaedin ABDOLRAZAGHI, mon confrère Paul GELINAS. Pour mémoire, Monsieur Ziaedin ABDOLRAZAGHI, né le 6 Juillet 1944 était un citoyen britannique résidant à Londres.

L'emploi ici de l'imparfait est à dessein puisque, et c'est l'objet principal de mon courrier, il est certain aujourd'hui après de nombreuses vérifications que Monsieur Ziaedin ABDOLRAZAGHI est décédé le 10 Octobre 2005 et que l'action civile dans le cadre de la présente affaire, n'a jamais été reprise par un quelconque ayant droit **(Pièces 1 et 2)**.

En outre, l'appel a bien été interjeté au nom de Monsieur Ziaedin ABDOLRAZAGHI et ne fait d'ailleurs aucune mention d'un successeur ou d'un décès (toute mention qui aurait été en soi tout à fait singulière).

Membres d'une association agréée, le règlement des honoraires par chèque est accepté

Page | 4

Je vous informe d'ores et déjà que j'ai mandat pour déposer d'autres requêtes en restitution sur des objets saisis sur lesquels il n'a jamais été statué et auxquelles mon client ainsi que d'autres personnes m'ayant donné pouvoir ont droit ce qui explique également que je vous adresse cette note afin que la question de l'appel – qui entrave ces restitutions – soit résolue le plus rapidement possible.

En tout état de cause, la partie civile n'aurait aucun intérêt dans ces scellés qui sont tous des objets saisis avant même sa constitution de partie civile et n'ont aucun lien avec une quelconque allégation d'usurpation d'identité.

Enfin, pour votre parfaite information, copie de la présente est adressée à **Monsieur LE BRIS** Vice Procureur de la République - Section C1, 4, boulevard du Palais - 75001 PARIS par télécopie au 01.44.32.78.67.

Vous remerciant de l'attention que vous voudrez porter à la présente note,

Veuillez agréer, Monsieur le Procureur général, l'expression de ma respectueuse considération.

William BOURDON

لايحة وكيل ويليام بوردون- ٢ دسامبر ٢٠١٤

به‌دنبال این روشنگری تکان‌دهنده از سوی وکلای مقاومت، دادستان نوشت:

«استیناف مورخ ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۴ توسط وکیل یک شاکی خصوصی که از ۹سال پیش فوت شده، فرموله شده است. چنین استینافی نمی‌تواند قابل‌پذیرش باشد. ازاین‌رو، از دادگاه درخواست می‌شود: استیناف مذکور را غیرقابل‌پذیرش اعلام کند».

در یک افتضاح مضاعف، یک وکیل دیگر مأموران و مزدوران رژیم آخوندی در پاریس، روز قبل از تشکیل دادگاه برای پوشاندن تقلّب فضاحت‌بار قبلی به یک اقدام حیرت‌انگیز دیگر روی آورد و درخواست جدیدی را به‌نیابت از دو زن پیر که ظاهراً خواهران مأمور مرده هستند، به‌نامهای جهان عبدالرزاقی ۸۲ساله ساکن ایران و ملوک عبدالرزاقی ۷۱ساله ساکن ایران، ارائه داد و به‌نمایندگی از سوی آن دو زن ِساکن ایران، در یک استدلال مسخره مدعی شد که:

یک سازمانی که برای دوران طولانی در لیست سازمانهای تروریستی اتحادیهٔ اروپا و ایالات متحده بوده است، از مشابهت نام خانوادگی آنها استفاده کرده و این باعث خسارتهای فوری و شخصی و مستقیم برای آنها شده و اکنون به این خاطر باید شکایت آنها به‌عنوان شاکیان خصوصی از داخل ایران ثبت و علیهذا پروندهٔ ۱۷ ژوئن باز بماند!

طرح این درخواست سخیف چیزی نبود جز یک تلاش مذبوحانهٔ دیگر برای بازیچه قراردادن قضاییهٔ فرانسه و ادامهٔ پرونده‌سازی علیه مقاومت ایران در مقولات مالی که با کوبنده‌ترین روشنگری و جواب و ارائهٔ اسناد درهم شکست.

BOURDON & FORESTIER
156 RUE DE RIVOLI – 75001 PARIS

WILLIAM BOURDON
LÉA FORESTIER
AVOCATS ASSOCIES

SANDRINE RICHER
APOLLINE CAGNAT
AMELIE LEFEBVRE
LAURA MONNIER
BERTRAND REPOLT
AVOCATS AU BARREAU DE PARIS

TEL 01 42 60 32 60

FAX 01 42 60 19 43
01 42 60 25 17
PALAIS R 143

contact@bourdon-forestier.com

COMMUNIQUE DE PRESSE DES AVOCATS DES MEMBRES DU CONSEIL NATIONAL DE LA RESISTANCE IRANIENNE

JEUDI 5 FEVRIER 2015 – 2 PAGES

La cour rejette l'appel formé au nom d'une personne décédée, soulignant la tentative scandaleuse de manipuler la justice française

Ce 5 février 2015, la Chambre de l'Instruction de Paris a rejeté l'appel formé contre le non-lieu prononcé par les juges Trévidic et Duye le 16 septembre 2014 abandonnant toutes les charges et allégations contre les membres du Conseil national de la Résistance iranienne sur des délits financiers.

Les juges avaient précédemment récusé toutes les allégations de terrorisme et de financement de terrorisme, mettant ainsi fin à cette affaire judiciaire politiquement orientée, après 13 années d'instruction au coût exorbitant.

Cet appel scandaleux à l'encontre de l'ordonnance de non-lieu a été fait au nom d'une personne, partie civile dans cette affaire, disparue depuis 9 ans et considérée comme décédée par la justice anglaise dans un acte judiciaire. Cet appel est une nouvelle tentative d'instrumentalisation de la justice française contre l'opposition démocratique iranienne.

Il a été fourni au Parquet la preuve du décès de cette partie civile ; son conseil, Me Paul Gelinas, a reconnu dans une lettre au procureur du 9 décembre 2014 ne pas avoir eu de nouvelles de son client depuis 2005.

Il a également indiqué avoir reçu la visite d'un professeur de droit de Téhéran, le Dr Nouri, accompagné par un avocat de Téhéran, Morteza Zahraie, dans l'après-midi du 25 septembre 2014 pour le présenter à Me Dominique Inchauspé, un avocat pénaliste du barreau de Paris. Malgré de fortes réticences, Me Gelinas a alors interjeté appel le jour suivant.

Il a ainsi fait appel sur les instructions de ces personnes de Téhéran et en aucun cas sur celles de son client, qui aurait été seul habilité à le faire.

Face à la preuve fournie au tribunal par les avocats des membres du CNRI, Me Dominique Inchauspé a fait une nouvelle réclamation au nom des sœurs du défunt pour les faire intervenir à la procédure et prolonger l'affaire. La cour a également rejeté cette requête.

Les membres du CNRI poursuivis dans ce dossier avaient précédemment fourni aux autorités judiciaires françaises des informations démontrant que Morteza Zahrayee est un agent du régime iranien et avait communiqué de fausses informations contre l'opposition iranienne lors de la procédure en France.

De telles tentatives d'instrumentalisation de notre système judiciaire par une des pires tyrannies qui s'est distinguée par d'innombrables et graves violations des droits humains doivent être dénoncées.

Considérant cette manipulation, les avocats, représentants des défendeurs, ont l'intention de porter plainte pour tentative d'escroquerie au jugement.

William Bourdon ***Thierry Levy*** ***Bernard Dartevelle*** ***Marie Laure Barre*** ***Louis-Marie de Roux***

برنارد دارتویل یکی دیگر از وکلای مقاومت ایران در پروندهٔ ۱۷ ژوئن، در پاسخ به این تلاشها خطاب به وکیل دست نشانده رژیم آخوندی نوشت:

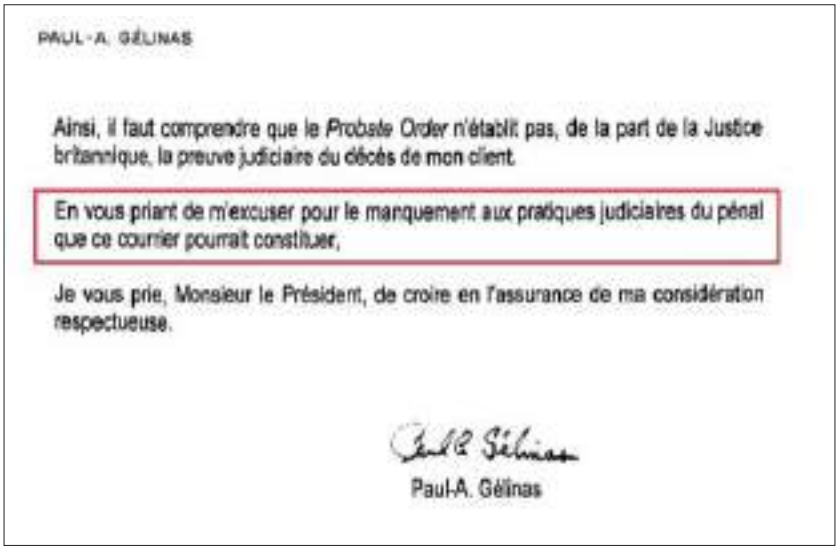
« هدف از این درخواست جدید این است که می خواهید این حقیقت را بپوشانید که به فوت موکل خود آگاهی داشته‌اید. چیزی که هیچ کس را به‌اشتباه نمی‌اندازد درحالی که شما خود می پذیرید که از چند ماه قبل از مرگ موکلتان در سال ۲۰۰۵ کمترین ارتباط و تماسی با او نداشته‌اید.

شما پنهان نمی کنید که موکلِ مرده، دو فرزند داشته که از طریق آنها تأیید مرگ وی را بدون هیچ گونه مشکلی می شد به‌دست آورد. وانگهی شما در اسنادی که به دادگاه داده‌اید، به‌وضوح به دادگاه نشان داده‌اید که به‌طور غیرمعمولی امکان به‌دست آوردن کمک از مقامات حکومت ایران را در اختیار دارید.

شما وانمود می کنید که دو زن ۸۲ساله و ۷۱ ساله را به‌عنوان شاکی خصوصی و خواهران فرد مرده ثبت نموده و در اختیار دارید. پس شما با آنها تماس دارید و روشن است که آنها هر لحظه می توانسته‌اند و باید شما را از مرگ برادرشان مطلع می کردند. اما این کار به‌نحو حیرت‌آوری انجام نشده است.

در نتیجه، سرپا نگه‌داشتن پروندهٔ ۱۷ژوئن و درخواست استیناف برای جلوگیری از بستن این پرونده و لغو حکم منع تعقیب، همراه با ارادهٔ آشکار برای دفاع از این سناریو، به‌نظر نمی رسد با انجام فعالیت معمول یک وکیل، همخوان باشد! »

در پی فراخوان و شکایت مقاومت ایران از فریبکاری رژیم آخوندی و بازی گشتاپوی دینی با مرده و مردار و مباشران مربوطه، پل ژلیناس یکی از وکلای ذیربط در روز ۳ فوریه ۲۰۱۵ سریعاً در یک نامه به رئیس دادگاه استیناف پاریس از نقض پروسدور قضایی و آنچه در این رابطه انجام داده است، معذرت‌خواهی کرد و نوشت: « از شما خواهش می کنم عذر من را به‌خاطر نقض روال قضایی که این نامه می تواند در رابطه با مسالهٔ جزایی ایجاد کند، بپذیرید».



PAUL-A. GÉLINAS

Ainsi, il faut comprendre que le *Probate Order* n'établit pas, de la part de la Justice britannique, la preuve judiciaire du décès de mon client.

En vous priant de m'excuser pour le manquement aux pratiques judiciaires du pénal que ce courrier pourrait constituer,

Je vous prie, Monsieur le Président, de croire en l'assurance de ma considération respectueuse.

Paul-A. Gélinas

نامهٔ عذرخواهی پل ژلیناس وکیل رژیم خطاب به دادگاه

روزنامهٔ فیگارو–۵ فوریه ۲۰۱۵ [۵۳]

ویلیام بوردون، آلت دست قرار دادن قضاییهٔ فرانسه از سوی سرویسهای اطلاعاتی رژیم ایران از طریق وارد کردن یک شاکی خصوصی مرده را محکوم کرد.

وکلای مدافع شورای ملی مقاومت ایران از حکم «دادگاه که درخواست استیناف از سوی یک مرده را رد کرد، استقبال کردند و تلاش رسوای (رژیم ایران برای) آلت دست قرار دادن دادگستری فرانسه را محکوم کردند».

مرده‌ها برخیزید!

هفتهٔنامه فرانسوی کانارآنشنه:

یازده سال بعد از حملهٔ پرنمایش بروگیربه مقر اپوزیسیون ایران در اور سوراوازدر ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳

دیگر هیچ اتهامی نتوانست دوام بیاود، یک ماراتون بی‌پایان قضایی برای هیچ!

قضّات تحقیق ضد تروریست، مارک ترویدیک و ژان دویه، در روز ۱۶سپتامبر یک حکم

۵۳–۱۶بهمن ۱۳۹۳

منع تعقیب در زمینهٔ آخرین روند کشدار - در زمینهٔ مالی- پرونده علیه سازمان مجاهدین خلق ایران اپوزیسیون رژیم شاه و سپس رژیم کنونی در تهران که در فرانسه مستقر است، صادر کردند.

یازده سال بعد از حملهٔ پرنمایش به مقرشان در اور سوراواز در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ که توسط بروگیر با حمایت سارکوزی در وزارت کشور انجام شد، دیگر هیچ اتهامی نتوانست دوام بیاورد. یک ماراتون بی‌پایان قضایی برای هیچ!

در ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۴ وکیل پل آ. ژلیناس به‌نام موکلش علیه این منع تعقیب درخواست استیناف کرد. این فرد در اکتبر ۲۰۰۳ تحت عنوان «غصب هویت» یک شکایت ثبت کرد و قاضی بروگیر تصور کرد که خوب است این شکایت را به پروندهٔ خودش در دسامبر ۲۰۰۴ ضمیمه کند، ولی پس از او، قاضی ترویدیک آن‌را یک چیز بی‌ماده و مملو از اشتباه در مورد هویت فرد، تشخیص داد.

این در حالی بود که عبدالرزاقی (شاکی) یک تاجر فرش ثروتمند انگلیسی- ایرانی، در اکتبر ۲۰۰۵ مرده است!

این در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۲ در دفتر تطابق وصیت‌نامه‌ها در نیوکاسل انگستان ثبت‌شده و وکیل آن‌را به دادگاه عالی عدالت بریتانیا ارائه کرده است.

داستان آن باورنکردنی است: عبدالرزاقی چهار روز بعد از این‌که در اکتبر ۲۰۰۵ به‌همراه نامزدش به ترکیه می‌رود، مفقود می‌شود.... این زن با عجله به لندن برمی‌گردد و اموال عبدالرزاقی را به‌فروش می‌گذارد و اسکاتلند یارد در سال ۲۰۰۶ کارآگاه به ترکیه می‌فرستد....

مرگ عبدالرزاقی که در ماورای دریای مانش بعد از هفت سال قطعی شده است، مانع از این نشد که او نزد دادگستری فرانسه اقدام (به استیناف‌خواهی) کند!

وکیل ژلیناس تمایل نداشت به‌سئوالات «کانار آنشنه» پاسخ بگوید. در حالی که وکیل مجاهدین، ویلیام بوردون توفان به‌پا کرده و صحبت از «تلاش برای آلت دست قرار دادن عدالت فرانسه»! می‌کند.

همان‌طور که در دادگاه استنیاف پاریس باید گفت: مرده‌ها برخیزید!

e particules

s imputables aux

un rien brumeux.

En confrontant ces informations avec ées de pollution aux particules fines es les individus ont été exposés sur rme, ils ont estimé que chaque aug- n de 10 microgrammes par mètre PM2,5 (particules de diamètre infé- ,5 micromètres) se traduisait par une de 6 % du risque de mortalité. En l'on observait 6 % de décès en plus. plus les particules sont fines, plus etrent loin dans l'organisme, des pou- a circulation sanguine, atteignant cerveau.

oque, le programme européen Cafe, 2001, comprend également des re- cherches sur le sujet. Et, sui- vant les conseils de l'OMS, les chercheurs intègrent le facteur de risque de mortalité obtenu par leurs confrères américains dans leurs calculs. A partir du e PM2,5, ils appliquent le facteur de t 6 % pour 10 microgrammes par e, et multiplient le nombre de morts dans l'année par ce facteur. C'est ls sont arrivés, il y a près de quinze 000 morts.

ort ?

s sérieusement remis en question, ce ut aujourd'hui l'objet d'un consensus ommunauté statistique, et la Com- uropéenne surveille de près son évo- ut en peaufinant ses méthodes de ne analyse publiée en octobre, réali- le Clean Air Policy Package suivant ode générale » utilisée par Cafe, es- n 2015 l'exposition aux PM2,5 des leur coûtera 376 600 années de vie, e 35 800 morts. Paradoxe : ça a un se, alors que la concentration en par- nes a augmenté. La preuve que les s statistiques se sont beaucoup af-

Professeur Canardeau

ds Cache crash

mbe-

CINQ mois après le crash au Mali qui a coûté la vie à 116 personnes, dont 54 Français, Air Algérie vient de recevoir le précieux label sécurité « International Operational Safety Audit », remis par l'Association internationale du transport aérien.

Voilà qui ira droit au cœur des familles de victimes, que le pédégé de la compagnie, Salah Boultif, n'a toujours pas jugé bon de rencontrer.

Pour le label compassionnel, il faudra patienter.

LES HISTORIQUES SE SENTENT ABANDONNÉS



Raide comme un mort en justice

LES juges d'instruction antiterroristes Marc Trévidic et Jeanne Duyé ont rendu, le 16 septembre, un non-lieu dans la dernière procédure pendante – sur le terrain financier – contre l'Organisation des moudjahidines du peuple d'Iran (OMPI), organisation marxiste d'opposition au shah puis au régime de Téhéran, basée en France (« Le Canard », 24/9). Onze ans après la descente à grand spectacle à leur siège d'Auvers-sur-Oise, le 17 juin 2003, organisée par le juge Bruguière avec l'appui de Sarko à l'Intérieur, plus aucune accusation ne résiste. Un interminable marathon judiciaire pour rien.

Or voilà-t-y pas que, le 26 septembre, Me Paul A. Gélinas, avocat canadien inscrit au barreau de Paris, a interjeté appel contre ce non-lieu au nom de son client Ziaedin Abdolrazaghi. Lequel avait déposé une plainte, en octobre 2003, pour usurpation d'identité contre d'« *anciens membres des moudjahidines* ». Une plainte que le juge Bruguière avait cru bon de joindre au fond de la procédure, en décembre 2004, mais que le juge Trévidic a trouvée inconsistante et entachée d'erreurs sur l'état civil depuis…

Or Abdolrazaghi, riche marchand de tapis persans anglo-iranien, est mort en octobre 2005 ! Comme l'a établi, le 14 septembre 2012, le District Probate Registry (bureau d'homologation des testaments) de Newcastle upon Tyne, statuant devant la Haute Cour de justice britannique. L'histoire est rocambolesque : Abdolrazaghi a été porté disparu quatre jours après être parti, en octobre 2005, à Istanbul en compagnie d'une fiancée turco-australienne, nommée Berna Ozdogan – Bernadette MacManus, de son nom d'épouse… Cette dernière était revenue dare-dare à Londres mettre en vente les biens d'Abdolrazaghi. Scotland Yard a dépêché, en 2006, des détectives en Turquie, car l'impétueuse Berna(dette) avait tenté d'empoisonner un précédent *boyfriend* australien, dont elle avait également fait mettre en vente le luxueux appartement de Sydney (« The Times », 12/6/06) !

La mort d'Abdolrazaghi, établie outre-Manche au bout de sept ans, ne l'empêche pas d'agir en justice à Paris… Me Gélinas n'a pas souhaité répondre aux questions du « Canard ». Tandis que l'avocat des moudjahidines, Me William Bourdon, tempête et parle de « *tentative de manipulation de la justice française* » !

« Debout les morts ! », comme on dit à la cour d'appel de Paris.

D. F.

ZigZag

Y EN A QU'UN, C'EST JONG-UN !

La Corée du Nord, c'est toujours le royaume du Père Ubu. Selon une chaîne de télé de Corée du Sud, le régime de Kim Jong-un a émis une directive obligeant tous les homonymes du dictateur à changer de nom (« Le Parisien », 6/12) : « La mesure s'applique même rétroactivement aux papiers et aux diplômes, qui doivent être rectifiés. »

Dans les cimetières, tous les Kim Jong-un seront-ils priés de changer de cercueil ?

UN POIL DANS LA MAIN

La Chine a un nouvel ennemi intérieur, ainsi décrit par « Le Quotidien du peuple », cité par « Le Monde » (7/12) : « Beaucoup de jeunes se désignent désormais comme branleurs ("diaosi", littéralement "poil de bite"). Hommes ou femmes, qu'ils aient un peu de succès ou soient paresseux et décadents, tous se battent consciemment ou inconsciemment pour décrocher cette étiquette. Si vous ne l'êtes pas, c'est comme si vous vous détachiez des masses. »

Comme aurait dit Mao : « Que cent branleurs s'épanouissent ! »

ANGELA MERKEL JAMAIS CONTENTE...



DRÔLES DE ZIGS

JOHN MCCAIN, ancien candidat républicain à la Maison-Blanche, critique le choix de Colleen Bell, productrice de télé et future ambassadrice à Bu-

وقتی مرده‌ها شکایت می‌کنند!

مقالهٔ ایو بونه در مدیا پارت

مرده‌ها زندگی سختی دارند، گفته می‌شود در جزیرهٔ کورس، آنها چند سال بعد از ناپدید شدن رأی می‌دهند اما در پاریس، بهتر از آن، آنها به کار عدالت می‌پردازند. و نه در برابر هر نهاد قضایی، بلکه در برابر دادگاه ویژهٔ ضدتروریستی پاریس که در حال حاضر با این‌همه خشونت کار کمی روی دستش ندارد!

....موضوع این شکایت "بسیار خطیر"، "سرقت هویت" است، که در واقع هدف از آن دسترسی به پروندهٔ مربوط به فعالیت‌های ضدتروریستی علیه سازمان مجاهدین در زمان قاضی بروگیر بود.

اما مشکل وکیل ژلیناس این است که، عبدالرزاقی در اکتبر ۲۰۰۵ در شهر زیبای استانبول به مرگی مبتلا شده است که معلوم نیست مرگ زیبایی بوده باشد.

دومین مشکل وکیل ژلیناس این است که موکلش فرصت کرده بود به‌طور ابلهانه، همراه شکایتش یک سند کتبی از آلت دست قرار گرفتن خود توسط واواک را ارائه دهد که اکنون در پرونده قرار دارد. متقلّب این‌طور به‌دام می‌افتد.



http://blogs.mediapart.fr/blog/yves-bonnet/070115/quand-les-morts-estent-en-justice

MEDIAPART

YVES BONNET

Préfet honoraire, Président du Centre international de recherches et d'études sur le terrorisme et l'aide aux victimes du terrorisme (CIRET-AVT)

Le blog de Yves Bonnet

Quand les morts estent en justice

07 JANVIER 2015 | PAR YVES BONNET

Les morts ont décidément la vie dure. On dit qu'en Corse, ils vivent plusieurs années après leur disparition mais à Paris, ils font mieux encore, ils assument en justice. Et pas devant n'importe quelle instance, devant la juridiction spécialisée antiterroriste du TGI de Paris qui ne manque cependant pas de grain à moudre en ces temps de déchaînement de violence. Revenons quelques années en arrière : l'organisation des « moudjahidines du peuple d'Iran » est lourdement mise en cause en juin 2003 dans le cadre d'une opération d'arrestations massives concernant plus de cent cinquante personnes de nationalité iranienne, manifestement « pilotée » par le Vevak, structure officielle des services de répression de la « République » islamique. Neuf années de procédures plus tard, le juge Marc Trévidic rend une série de non-lieux sur un dossier dont aucun élément ne peut être retenu. Les derniers décisions du juge interviennent en septembre 2014 sans échapper à la vigilance ironique du « Canard enchaîné ».

C'est alors qu'un appel est interjeté par un avocat franco-canadien, Me Gelinas, qui prétend agir au nom de son client, Ziaedin Abdelrazaghi, téléguidé par les mêmes services iraniens pour porter plainte contre l'OMPI, en octobre 2003, au motif « gravissime » d'usurpation d'identité, en réalité pour accéder au dossier plus conséquent d'activités terroristes ouvert en son temps par le juge Bruguière. L'ennui pour Me Gelinas, c'est qu'au-delà de cet acharnement bien compréhensible pour un avocat de "sa qualité", le susnommé Ziaedin Abdelrazaghi est mort dont il n'est pas assuré qu'elle fut belle, en octobre 2003 dans la belle ville d'Istanbul. Deuxième ennui pour Me Gelinas, son client avait eu le temps – et l'idiotie – de déposer, avec sa plainte, la preuve écrite de sa propre manipulation par le Vevak, qui figure du même coup, dans le dossier.

Tel est pris qui croyait prendre.

مقالهٔ ایو بونه در مدیا پارت –۷ ژانویه ۲۰۱۵ (۷دی۱۳۹۳)

یک مردهٔ مزاحم!

مرده‌یی که صحبت می‌کند و دست و پا می‌زند....

هافینگتون پست

شما آقای ضیاءالدین عبدالرزاقی را نمی‌شناسید؟ این طبیعی است.

بدون شک، می‌توانستید در لندن و آنکارا یا استانبول با او مواجه شده باشید....

اما اکنون دیگر غیرممکن است، او یک تاجر بود که ۹ سال پیش در شرایط خاصی مرده است.

او اقدامات قانونی در رابطه با سرقت هویتش توسط اپوزیسیون ایران را به‌جریان انداخته بود، تا اینجا همه‌چیز ما را به یک حادثهٔ عادی در مورد یک قربانی که کمتر عادی است، رهنمون می‌کند.

این برای همه‌کس اتفاق نمی‌افتد که در لندن، آنکارا و استانبول زندگی کند، در ترکیه فوت کند و به‌خصوص ۹ سال بعد مجدداً زنده شود، حداقل در نامه‌های وکیلش.

مرده‌یی که تقاضای استیناف می‌کند

مردی که مسئول دفاع از منافع عبدالرزاقی بود یک وکیل فرانسوی -کانادایی بنام پل ژلیناس است که اکنون در سکوت فرو رفته است. البته او حق دارد که از این حوادث معذب شده باشد....

روابط نزدیک عبدالرزاقی با سرویس‌های مخفی (رژیم) ایران در لندن و هم‌چنین مداخلات مکرر این رژیم در پروندهٔ مخالفان ایرانی که توسط ایوبونه رئیس پیشین DST در (کتاب توطئهٔ بزرگ) فاش شده بود، نشان از این داشت که آخوندها قادر به هر نوع معجزه‌یی هستند، به‌ویژه به‌کارگیری یک مرده برای تقاضای استیناف.

http://www.huffingtonpost.fr/bertrand-delais/justice-international-iran_b_6428890.html

LE HUFFINGTON POST



Bertrand Delais
Documentariste, journaliste, auteur de *Iran, un brasier sous les cendres*

Un mort qui parle, qui s'agite... Un mort encombrant

INTERNATIONAL - Vous ne connaissez pas Monsieur Ziaedin Abdolrazaghi? C'est normal. Vous l'auriez sans doute croisé entre Londres, Ankara ou Istanbul... Mais maintenant, c'est impossible. C'était un homme d'affaires qui est mort dans des conditions singulières il y a neuf ans.
Il s'était porté partie civile pour une usurpation d'identité par un des sympathisants de l'opposition iranienne. Jusque-là, tout semble nous orienter vers un banal fait divers pour une victime qui l'est beaucoup moins. Tout le monde ne passe pas sa vie entre Londres, Ankara, Istanbul, ne meurt pas dans ses escapades en Turquie accompagné de sa maîtresse, et surtout, n'est pas ressuscité neuf ans plus tard, au moins dans les courriers de son avocat.

Un mort qui fait appel

L'homme qui avait en charge la défense des intérêts de Ziaedin Abdolrazaghi est un avocat franco-canadien, Maître Paul-A. Gelinas, qui est devenu muet comme une carpe. Il faut dire qu'il y a de quoi se sentir gêné aux entournures... Le 16 septembre 2014, une ordonnance de non-lieu a été prise sur les poursuites contre des opposants iraniens. Les moudjahidines du peuple ont ainsi été blanchis par la justice française après onze ans d'enquête. Les juges anti-terroristes ont également estimé que cette affaire d'usurpation d'identité était non fondée. Et qu'a fait le mort Ziaedein Abdolrazaghi, aidé de son défenseur, Paul-A. Gelinas? Il a fait appel de la décision, il était l'unique partie civile dans l'affaire. Un mort qui a fait appel.
Les proximités d'Abdolrazaghi avec les services secrets iraniens à Londres ainsi que les interférences multiples du régime iranien dans l'affaire des opposants iraniens dénoncées par l'ancien patron de la DST (Yves Bonnet, *Le grand complot* - éditions Jean-Claude Gawsewitch), laissent voir la main des mollahs capables de tous les miracles, y compris de faire interjeter appel à un mort! Cette rocambolesque histoire pose surtout plusieurs questions sur le rôle de cet avocat et sur le rôle du régime de Téhéran prêt à manipuler la justice française pour affaiblir l'opposition iranienne. L'avocat du CNRI (le Conseil national de la Résistance iranienne dont fait partie l'OMPI), William Bourdon, s'est à bon droit offusqué. Il reste que de voir une partie civile pour usurpation d'identité récupérée après sa mort - en usurpant l'identité d'un défunt - pour poursuivre une action en justice est pour le moins singulier. Ziaedin Abdolrazagi est mort, bel et bien mort, et il pourrait devenir un mort encombrant pour les mollahs en dépit de tous leurs efforts pour que parti, il reste partie civile.

هافینگتون پست -۷ ژانویه ۲۰۱۵ (۸ دی ۱۳۹۳)

مریم رجوی

پروندهٔ ۱۷ ژوئن فروپاشید و کارزار شیطان‌سازی درهم شکست

کنفرانس پیروزی عدالت و به‌رسمیت شناختن مشروعیت مقاومت

پاریس–دوم مهر ۱۳۹۳



واقعیت اول در این پرونده، معامله با رژیم است. باز کردن یک پروندهٔ خالی علیه مقاومت در سال ۲۰۰۱ و سپس حملهٔ ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳، علتی جز معامله نداشت. این زدوبندی بود، برای حفظ منافع دولت وقت فرانسه پس از حملهٔ آمریکا به عراق و در آرایش جدید منطقه و هم‌چنین باجی به ملاها برای گسترش تجارت با آنها.

حملهٔ ۱۷ ژوئن، علیه دفاتر شورای ملی مقاومت، پنج روز پس از انعقاد قراردادهای بزرگ تجاری با ملاهای ایران صورت گرفت. مطابق گواهی سردبیر سابق ژورنال دودیمانش، که خود شاهد مذاکرات طرفین بوده، دو ماه قبل از ۱۷ژوئن، دوویلپن وزیر خارجه وقت، در دیدار با وزیر خارجه رژیم در تهران قول این حمله را به وی داده بود.

سه روز بعد از حمله، در یک گزارش داخلی وزارت اطلاعات، تصریح شده بود که سرویس اطلاعاتی فرانسه جزئیات این عملیات را با وزارت اطلاعات تبادل می‌کرده و حتی اطلاع داشته که این سرویس قصد دارد پرونده ۱۶تن از دستگیرشدگان را برای محاکمه تحویل دهد. از هر طرف که نگاه کنیم، جزء به جزء این پرونده به رژیم ولایت فقیه آغشته بوده است.

از این‌روست که پیروزی عدالت و مقاومت و شکست کارزار شیطان‌سازی، موفقیتی برای تمام بشریت به‌ستوه‌آمده از استبداد و بنیادگرایی و افراطی گری و تروریسم است.

واقعیت دوم، آلت دست قرار گرفتن قضاییه، دیپلوماسی و سرویسهای اطلاعاتی در این کشورها توسط رژیم ولایت فقیه است.

در ماجرای حملهٔ فاجعه‌بار آمریکا به عراق، چنان که مطبوعات آمریکا گزارش کرده‌اند، ازجمله این رژیم ایران بود که «با سیلی از اطلاعات نادرست» در «یکی از بزرگترین عملیات جاسوسی تاریخ معاصر»، دنیا را در مورد سلاحهای کشتارجمعی در عراق فریب داد تا جنگ را در عراق برانگیزد. در فرانسه نیز، باز این رژیم ایران بود که با سیلی از اطلاعات نادرست، دولت وقت را دچار یک اشتباه محاسبه فاحش کرد و آن را به حمله بی‌سابقه به دفاتر شورای ملی مقاومت کشاند.

سومین واقعیت در این پرونده، تولید تمام اتهامها در تهران تحت حاکمیت ملاهاست. طی دو سال بعد از حملهٔ ۱۷ ژوئن، کمیته‌یی تحت نظر شورای عالی امنیت رژیم، ۱۵۰۰برگ از اکاذیب و مدارک مجعول را به‌عنوان اسناد، وارد این پرونده کرد.

در سالهای بعد، همین کمیته، هفت مأمور وزارت اطلاعات را به‌عنوان شهود، نزد قاضی پرونده فرستاد که اهم اتهامهای انباشته در پرونده، گفته‌های همین مأموران وزارت اطلاعات است.

برخی مأموران وزارت اطلاعات برای وارد کردن افترائاتشان به پرونده، اغلب پنج بار یا حتی بیشتر مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند و مصاحبه‌ها آشکارا هدایت شده بود. علاوه بر درخواست استرداد توسط خاتمی رئیس‌جمهور وقت رژیم، در سالهای بعد، طبق اسناد موجود، سردژخیم دری نجف‌آبادی دادستان کل رژیم، با فرستادن درخواستهای پیاپی به دادستان کل فرانسه، خواستار استرداد اعضای مقاومت شد. سعید مرتضوی دادستان وقت تهران نیز، اطلاعات و اسناد قلابی درباره اتهام پولشویی به اعضای مقاومت را برای دادستانی پاریس فرستاد.

آنها این پرونده را از افترائاتی هم‌چون سکت، انجمن بزهکاران، تروریسم، خشونت‌طلبی، کردکشی، قتل شیعیان و شکنجه و کشتار و مرگهای مشکوک درونی پر کردند. بنابراین، حرف به حرف این افترائات، با قلم خامنه‌ای نوشته شده و اتهام سکت، کدی است که در پشت آن، فاشیسم دینی، چهره پنهان کرده است. اتهام تروریسم و خشونت‌طلبی، نام مستعار زدوبندهای همین رژیم با مماشاتگران غربی است و شکنجه و کشتار درونی، همان دست‌نوشته آخوندها و وزارت اطلاعات آنهاست، که دارند فرافکنی می‌کنند.

این اتهامات امروز در قضاییهٔ فرانسه، رسوا و باطل شده است. اما از یاد نبریم که دیکتاتوری مذهبی با استناد به همین تهمتهای واهی تا به‌حال ۱۲۰ هزار از بهترین فرزندان مردم ایران را به‌شهادت رسانده و هنوز با توسل به‌همین دروغها به‌دستگیری، اعدام و قتل‌عام ادامه می‌دهد. بر این اساس اگر قرار است عدالت اجرا شود، باید تمام زیانهای مادی و معنوی که بر اثر این پرونده به مقاومت و مردم ایران وارد آمده، جبران شود.

این واقعیت دارد که آخوندها بسیاری را در این جهان فریب داده‌اند و با دارایی ملت محروم و فقرزده ما بسیاری را تطمیع کرده‌اند، این واقعیت دارد که خروار خروار مدارک

جعلی، نوشته‌های دروغ و سایتها و نشریات و کتابهای انباشته از مهملات را علیه این جنبش به‌کار گرفته‌اند. اما واقعیت بسا مهمتر این است که مقاومت ما، بساط شیطان‌سازی و دروغ‌پراکنی رژیم را در یکی از بزرگترین عدالتخانه‌های دنیا افشا کرده و درهم پیچیده است و دیگر رنگی و اثری ندارد.

واقعیت چهارم شفافیت و دموکراتیسم مناسبات این مقاومت است. ۱۱سال پیش در همان روزی که از زندان آزاد شدم، در ۳ژوئیهٔ ۲۰۰۳، در برابر اجتماع بزرگی در اورسوراواز گفتم: اتهام تروریسم از اساس بی‌پایه است و در مورد اتهامات مالی نیز تأکید کردم که اموال و پولهای این مقاومت، مطلقاً و تماماً متعلق به مردم ایران و حامیان این مقاومت در سراسر جهان است و مطمئنم که مقاومت حساب هر سانتیم آن را برای مقامهای قانونی روشن خواهد کرد و شما خواهید دید که مقاومت ایران در این‌باره هم چیزی برای پنهان کردن ندارد.



در این سالها ، قضاییهٔ فرانسه، سرویس اطلاعاتی این کشور و چند نهاد دیگر با بسیج گسترده، تمام کارکردها و گردش‌کار مالی، تشکیلاتی و سیاسی این مقاومت را زیر ذره‌بین قرار دادند. حسابهای بانکی صدها نفر را تحت کنترل گرفتند و به این هم اکتفا نکردند نهادهای قضایی و اطلاعاتی آمریکا، انگلیس، آلمان، بلژیک، لوکزامبورگ، ترکیه، اردن و امارات را هم، به کمک گرفتند. صدها کامپیوتر و انبوه دیسکهای کامپیوتری، میلیونها برگ از آرشیو شورای ملی مقاومت، شنود مستمر و طولانی اعضای مقاومت، و مناسبات درونی این جنبش را به بدبینانه‌ترین شکل مورد بررسی قرار دادند. و پرونده‌یی شامل صدها هزار برگ تشکیل دادند تا این‌که هفته گذشته، قضاییهٔ فرانسه حکم داد که «نه تنها برای اتهام پولشویی بلکه هم‌چنین برای سایر تخلفات مالی تحت پیگیرد» قرار منع تعقیب صادر می‌کند و تأکید کرد که «دلیلی برای پیگیری این پرونده وجود ندارد». یعنی تمام اتهامات و اطلاعات ساختگی و شهادتهای دروغ بالکل باطل شد.



از این پیشتر نیز، قضاییهٔ فرانسه حکم داده بود که سازمان مجاهدین در مبارزهٔ خود علیه رژیم خشن حاکم بر ایران، از حق مشروع خود استفاده کرده و عملیات ارتش آزادیبخش ملی ایران مشمول تروریسم نمی‌شود.

بله، اگر مناسبات درونی و بیرونی این جنبش، در منتهای پاکی و شفافیت نبود، اگر تار و پود این مقاومت از دموکراتیسم و انتخاب آزاد سرشته نشده بود، محال بود که زیر کنترلهای سنگین قضایی بایستد و این چنین پیروز شود. از این‌رو پیروزی عدالت و مقاومت، نه فقط شکستی برای کارزار شیطان‌سازی، بلکه گشایشی برای مبارزه بی‌امانی است که بر آزادی و دموکراسی بنا شده است.

اما **پنجمین واقعیت**، باز کردن راه بنیادگرایی توسط مماشاتگران است. ما بارها اصرار کردیم که بر سر این پرونده، دادگاهی تشکیل شود تا بتوانیم در محضر عدالت حقایق را بیان کنیم. اما وکلای مقاومت در این پرونده، به‌درستی می‌گفتند دادگاه این پرونده، صحنه افشای فاشیسم دینی حاکم بر ایران خواهد بود، بنابراین تشکیل نخواهد شد.....

اما دولتهای غرب، به جای مقابله با این خطر، آلترناتیو بنیادگرایی یعنی این مقاومت را با بمباران، خلع سلاح، پرونده‌سازی، لیست‌گذاری و کارزار شیطان‌سازی به‌زنجیر کشیدند.

هم‌چنان که مسعود گفت سالها پیش، در بلافاصله بعد از ۱۷ ژوئن، گفت: پرونده ۱۷ ژوئن «سیاه‌ترین لکه در مبارزهٔ ضدتروریستی در اروپا و بالاترین مشوق برای دیکتاتوری تروریستی و مذهبی حاکم بر ایران بوده است».

بله آقایان! جرم بزرگ شما این است که جهان را از راه‌حل مقابله با خطر بنیادگرایی محروم کردید. آنتی‌تز ولایت‌فقیه و بنیادگرایی، اسلام دموکراتیک است که توسط مجاهدین خلق ایران نمایندگی می‌شود. اسلام بردبار که با اجبار ارعاب سربریدن و استبداد بیگانه است و بر آن می‌شورد و اسلامی که پیامش برادری، آزادی، رحمت و عدالت است. آری این آلترنایو واقعی بنیادگرایی و افراطیگری و تروریسم است.

و سرانجام **ششمین و درخشانترین واقعیت**، پایداری بزرگ جنبش مقاومت است.

در مقطع حمله ۱۷ ژوئن، آخوندها ۱۲ دولت را برای نابودی این مقاومت با خود همراه کرده بودند. بسیاری از شما به‌یاد می‌آورید، یکی از مقامات وقت فرانسه رسماً می‌گفت هدف حمله، از هم پاشاندن تشکیلات اپوزیسیون است. مقامات وقت فرانسه، خواستار گرفتن اطلاعات علیه مجاهدین از کشورهای دیگر می‌شدند، آنها پروندهٔ خالی را به‌صورتی غیرعادی باز نگه‌داشتند....



آن‌همه رنجها و سوزدلها و فداکاریهای این سالیان. که امروز ثمرهٔ آن را می‌بینیم، هرگز فراموش نمی‌شود. صدیقه و ندا که همواره همهٔ وجدانها را به‌بیداری فرا می‌خوانند و امروز بیش از همیشه زنده و حاضرند.

آن اشکها، فریادها، دستگیریهای پی‌درپی، اعتصاب غذاها، بی‌خوابیها، دلهره‌ها، آن هوادارانی که یکباره کار و زندگی را رها کرده از دورترین کشورها خود را به تحصن اور رساندند، قهرمانانی هم‌چون مرضیه و نادر و حمید و محسن و هادی و محمد و علی و حشمت و سایرین که در آتش توطئه‌ها فرو رفتند، و هنوز از جراحتهایشان رنج می‌برند، اما هم‌چنان مستحکم به‌مبارزه برای آزادی در میهن اسیر ادامه می‌دهند. مادران فقیدمان، هم‌چون مادر کوشالی و مادر آذری، آن اشرفی بی‌قرار، دکتر ماندانا و فروغ عزیزم، مادر گرامی ندا که سلام و درود بر همهٔ آنها و آن «هموطنان محبوب و یاران پاکبازی» که به‌قول مسعود «در روزگار صعوبت و جفای زمانه، در داخل و خارج میهن، رسم وفا و پایداری پیشه کردند. به روی مجاهدین آغوش گشودند و هرچه مجاهدین نداشتند به آنان دادند. (پس) خوشا بر آیینه دل و صافی ضمیر و دستهای نوازشگری که بر یکایک زخمهایمان مرهم التیام نهاد. خنجرها را یکایک از پشت و پهلویمان بیرون کشید و توطئه‌ها را در هم شکست». درود بر همهٔ آنها.

کبودتای نافرجام

فصل هفدهم

پیروزی عدالت و مقاومت

تهنیت به مریم رهایی و ارتش آزادی

مسعود رجوی ــ ۲۵ اردیبهشت ۹۰

پیروزی عدالت ومقاومت
تهنیت به مریم رهایی و ارتش آزادی
مسعود رجوی– ۲۵ اردیبهشت ۹۰

فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الأَرْضِ [۵۴]

سپس اما، کف به کناری می‌رود و آنچه به سود مردمان است در زمین باقی می‌ماند.

تهنیت به مردم ایران، به مریم رهایی و به ارتش آزادی، به‌خاطر پیروزی زرین عدالت و مقاومت بر تارّک همهٔ دستاوردهای سالیان در برابر کودتای ارتجاعی و استعماری.

بله اکنون آخوندها و مزدوران کف بر دهان بور و کور و مات و مبهوت بر جای مانده‌اند! یک دهه یاوه‌گویی و لجن‌پراکنی و دروغ و دغل و دنائت، بسته‌بندی شده در دلارها و یوروهای نفتی، افاقه نکرد و مردم ایران پیروز شدند.

گفته بودیم که پروندهٔ ۱۷ ژوئن «سیاهترین لکه در مبارزه ضد تروریستی در اروپا و بالاترین مشوق برای دیکتاتوری تروریستی و مذهبی حاکم برایران بوده است».[۵۵]

سلام بر صدیقه و ندا و بر زنده شهیدانی همچون مرضیه و محمد و نادر و هادی و محسن و حمید و علی و حشمت و دیگر یارانشان در خارج و داخل ایران

آنان که «وجود خود را به‌شمع‌های فروزان آزادی و مشعل‌های جاودان مقاومت و تاریخ این میهن تبدیل کردند. سلام بر"ذبح عظیم"

۵۴–سورهٔ رعد، آیهٔ ۱۷

۵۵–۲۱آذر۱۳۸۵



ملت ایران در آستان فرشتهٔ آزادی که خلق اسیرمان از یکصد سال پیش سر به پایش نهاده است. آزادی، خجسته آزادی .....

سلام برجگرهای سوخته و لب‌های تشنه و بدن‌های فرسوده و گرسنه در اعتصاب غذای ۱۷ روزه.

سلام بر اشک‌ها و لبخندهایتان، بر غم جانکاهی که شما را در این ایام فراگرفته بود و بر فوران شگرف شادی‌هایتان در لحظهٔ اعلام و شنیدن خبر آزادی رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت. لحظه‌یی که از شکوهمندترین لحظه‌های تاریخ مقاومت مردم ایران در برابر رژیم آخوندی است. لحظه‌یی که تاروپود، بودونبود و عطش سوزان ایران و ایرانی برای آزادی را در انظار جهانیان به‌نمایش گذاشت».[۵۶]

« و سلام بر هموطنان محبوب و یاران پاکباز مجاهدین و مقاومت ایران که در روزگار صعوبت و جفای زمانه، در داخل و خارج میهن، رسم وفا و پایداری پیشه کردند. بر روی مجاهدین آغوش گشودند و هرچه مجاهدین نداشتند به آنان دادند. خوشا بر آئینه دل و صافی ضمیر و دستهای نوازشگری که بر یکایک زخمهایمان مرهم التیام نهاد. خنجرها را یکایک از پشت و پهلوی‌مان بیرون کشید و توطئه‌ها را درهم شکست».[۵۷]

آن‌هم در زمانه‌ای که سنگ را بسته و سگ (آن‌هم سگ هار) را قلّاده گشودند و با انواع مشوق‌ها استمالت کردند.

اما این‌بار داستان با کودتا علیه مصدق بزرگ که یک روز بیشتر طول نکشید، سراپا متفاوت بود. کاش پیشوای نهضت ملی ضد استعماری مردم ایران یک صدهزار از همین مجاهدان آزادی‌ستان و یاران اشرف‌نشان می‌داشت.

به‌یاد می‌آورم که در آبان ۱۳۷۸، آخوند خاتمی پس از سرکوب قیام تیرماه دانشجویان و

۵۶- ۲۱آذر۱۳۸۵

۵۷- ۲۱آذر۱۳۸۵

مردم ایران در همان سال، برای «گفتگوی تمدن‌ها» عازم فرانسه بود. دود و دم"اصلاحات" همه جا را فرا گرفته بود و این تنها مقاومت ایران و شماری دیگر از هموطنان بودند که در برابر شعبدهٔ اصلاحات در رژیم ولایت فقیه، سینه سپر کرده و از همه سو آماج تیرهای زهرآگین بودند.

حرف ما این بود که: «شورای ملی مقاومت ایران معیار تشخیص استحاله‌طلبان قلابی از اصلاح‌طلبان واقعی را تحمیل کردن انتخابات آزاد بر اساس اصل حاکمیت مردم به رژیم می‌داند. پس خاتمی یا هر کس دیگری که مدعی اصلاح‌طلبی است، باید در سر لوحهٔ برنامهٔ خود بر نفی ولایت فقیه و ضرورت برگزاری انتخابات آزاد تکیه کند. کسانی که با شیادی، اعتراضات سیاسی و حرکات نظامی جنبش مقاومت را هم‌سویی با "انصار حزب‌الله" و در جهت تقویت جناح غالب رژیم اعلام می‌کنند، رذیلانه در پی کتمان همین حقیقت‌اند».

اما این حرف‌ها به‌گوش طرفداران"حفظ و نگهداری" رژیم ولایت فقیه و بزک کنندگان آن با اصلاحات کذایی نمی‌رفت. آن‌چنان در زیر قبای اصلاحات موهوم جا خوش کرده و متمتع شده بودند که سرکوب قیام تیرماه دانشجویان در همان زمان را می‌دیدند، اما به روی نامبارک نمی‌آوردند!

از این رو هم‌زمان با سفر آخوند شیاد به فرانسه، سازمان مجاهدین خلق ایران در اعتراض به سفر خاتمی به فرانسه، فراخوان داد و هموطنان‌مان را به‌حمایت از قیام دانشجویان و مردم تهران علیه سرکوب و دیکتاتوری در ایران، به‌یاری طلبید.

هم‌زمان مقاومت ایران، به‌دنبال یک هفته اعتراض علیه سفر آخوند خاتمی، اعلام کرد و تحصن مادران شهیدان در پاریس آغازشد.

ش‌گفتا که تظاهرات و اعتراضات، همگی به‌تمام و کمال و قانونی و مسالمت‌آمیز بودند، اما معامله‌گران و آنان که در پی استمالت خاتمی و دست‌کشیدن بر سر و ریش او، البته با خالی‌کردن جیب مردم ایران و از حساب مقاومت ایران بودند، برنتابیدند و سحرگاه همان‌روزی که قرار بر تظاهرات بزرگ بود به مقر شورای ملی مقاومت و خانه‌های پناهندگان ایرانی ریختند، تا با ضرب و شتم و دستگیری، هرطور شده از اعتراض و تظاهرات ممانعت به‌عمل بیاورند.

اما سخت‌گیری و سرکوب، در برابر عزم جزم هموطنان‌مان اثر نکرد و به‌رغم شدیدترین اقدامات پلیسی و بستن مرزها و دستگیری‌ها و یورش به خانه‌ها، بزرگترین تظاهرات ایرانیان تا آن زمان در پاریس برگزار شد. دبیرخانه شورای ملی مقاومت از زمان یورش‌ها تا سه روز بعد از آن، ۱۸اطلاعیه صادر کرد که اولین آن تلگرام خود من از بغداد به رئیس جمهور فرانسه بود:

اطلاعیه شماره ۱

تلگرام مسئول شورای ملی مقاومت
به رئیس‌جمهور فرانسه
آقای ژاک شیراک رئیس‌جمهور فرانسه

با کمال تأسف، ۴ساعت قبل از شروع تظاهرات مجاز، مسالمت‌آمیز و قانونی ایرانیان در اعتراض به سفر آخوند خاتمی به کشورتان، صبح امروز پلیس به خانه‌های متعددی در پاریس و اطراف آن یورش برده و بسیاری از هموطنان ما را دستگیر و با خود برده است. این اقدام بی‌سابقه که فاقد هرگونه دلیل قانونی است، نقض آشکار و شرم‌آور پرنسیپ‌های حقوق‌بشر و آزادی بیان و اجتماعات و حقوق مقدس پناهندگی مصرح در قانون اساسی فرانسه است که از قربانی کردن این ارزشها در برابر آخوندهای جنایتکار و رئیس‌جمهور استبداد مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران خبر می‌دهد.

علاوه بر این، طبق خبرهای رسیده، بسیاری از هموطنان ما را هم در فرودگاههای پاریس متوقف و دستگیر کرده‌اند. دستگیری ده‌ها تن در فرودگاه شارل دوگل که از آمریکا آمده بودند، از آن‌جمله است.

به‌نام مردم و مقاومت ایران برای آزادی و حاکمیت مردمی، دخالت بی‌درنگ شخص شما و آزادی فوری هموطنانم را همراه با منع هرگونه مزاحمت از تظاهرات قانونی و مسالمت‌آمیز آنان درخواست می‌کنم.

آقای رئیس‌جمهور،

خواهشمندم اجازه ندهید مردم ایران دولت شما را بیش از این در کنار آخوندها ببینند.

مسئول شورای ملی مقاومت

مسعود رجوی-۵ آبان ۱۳۷۸ (۲۷ اکتبر ۱۹۹۹)

رونوشت:

ـ دبیرکل ملل متحد

ـ رئیس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد

ـ کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد

ـ کمیسر عالی پناهندگان ملل متحد

ـ سازمانهای بین‌المللی حقوق‌بشر

اطلاعیه شماره ۲

به‌رغم شدیدترین اقدامات سرکوبگرانه و پلیسی و بستن مرزها و دستگیری‌ها و یورش به‌خانه‌ها

۱۰۰۰۰تن از هموطنان‌مان، در بزرگترین تظاهرات ایرانیان در پاریس، سفر خاتمی به فرانسه را محکوم کردند.

۵۰۰۰ ایرانی دیگر که از کشورهای مختلف برای شرکت در این تظاهرات عازم فرانسه بودند، بر اثر بسته شدن مرزها نتوانستند به پاریس برسند.

ترکاندن بادکنک اصلاحات موهوم در رژیم ولایت فقیه چیزی نبود که خاتمی و همریشان او بتوانند آن را تحمل کنند. از این رو دندان کینه بستند. البته ما قیمت در افتادن با ارتجاع و استعمار را خوب می‌دانستیم و در جنگ ضد میهنی ۸ ساله به‌خوبی آزموده بودیم. اما اگر از سر بریده می‌ترسیدیم، در محفل مشتاقان و عاشقان آزادی و استقلال وطن، هرگز نمی‌رقصیدیم.

از این پیشتر، به‌عنوان پیش‌پرداخت به آخوند اصلاحات، نشریهٔ مجاهد در بهمن ۱۳۷۷ در فرانسه توقیف شده بود. این توقیف ۵ سال تا آبان ۱۳۸۲ به‌درازا کشید و سرانجام با حکم دادگاه رفع ممنوعیت شد.

به‌نظر می‌رسد که به آخوند خاتمی قول‌های سفت و سختی داده شده بود، که در برابر امتیازات اقتصادی و سیاسی که او بی‌دریغ می‌داد، ما به ازاء آن را از مجاهدین و مقاومت ایران، وصول کنند.

در بهمن سال ۱۳۷۹، پرونده علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران، که بعد از حملهٔ ۱۷ژوئن ۲۰۰۳ به همین نام مشهور شد، تحت عنوان تحقیق، چنانکه رژیم می‌خواست،" کلید" خورد. از روی یکی از سایت‌های منتسب به مجاهدین در فرانسه ۷ اطلاعیه مربوط به عملیات داخل ایران را پیدا کردند و این شروع اتهام واهی "تدارک تروریسم از فرانسه" بود. رژیم ولایت آشکارا علیه مجاهدین، دو جایه‌خوری، پیشه کرد: هم ساختن اتهام تدارک تروریسم از عراق با پول عراق، و هم اتهام تدارک تروریسم از فرانسه و انگلیس و آلمان و آمریکا با پول‌های شیاطین بزرگ و کوچک و متوسط!

سپس در ۲۰ فروردین۱۳۸۰ پرونده، رسماً به‌جریان افتاد و تا اردیبهشت ۱۳۹۰ دقیقاً ده سال و یک ماه به‌درازا کشید.

در روز ۲۷خرداد ۱۳۸۲ (۱۷ژوئن) در بزرگترین لشکرکشی در داخل فرانسه که از ۳۰سال قبل از آن سابقه نداشت، از زمین و هوا و از سمت رودخانه حمله کردند. درهم کوبیدند و زدند و بردند.

در سال‌های بعد، علاوه بر اتهامات و احکام دستگیری روز ۱۷ژوئن، یازده کیفر خواست تکمیلی دیگر هم صادر شده است. تار عنکبوتی تنیدند تا مجاهدین و مقاومت ایران هرگز نتوانند از آن خلاصی پیدا کنند. علاوه بر این آقای بروگیر که هیچ‌گاه در صدد بر نیامد اندک پیگیری در مورد قاتلان کاظم رجوی و شهید نقدی به‌عمل بیاورد، تا بخواهید در آمریکا و انگلستان و آلمان و امارات و اردن و ترکیه و بلژیک و سوئیس و دیگر کشورهای اروپایی و آسیایی «نیابت قضایی» صادر کرده بود، تا به نیابت از ملایان حاکم بر ایران، مجاهدین و هوادارانشان را با هزار و یک رشتهٔ مرئی و نامرئی، طناب پیچ و زمین‌گیر کنند. همراه با انبوهی شکایت‌های دیگر علیه رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت دربارهٔ خودسوزی‌ها تا به گردن او بیندازند و شکایت علیه گردآوری پول و منابع درآمد این مقاومت، مضافاً بر شکایت‌های زنجیره‌ای احسان نراقی، شوالریاس و انواع و اقسام مزدوران و اجیرشدگان و «ساندیس خواران» نظام در مورد صیاد شیرازی گرفته تا به‌اصطلاح زخمی‌شدگان غیر نظامی در عملیات مجاهدین در تهران و اهواز و دیگر شهرهای ایران.

بعد از ۱۷ ژوئن هم، برای تکمیل پرونده و سپس در شکایت‌های زنجیره‌ای، نخستین رئیس جمهور مستعمل رژیم هم، جابه‌جا و پابه‌پا، در کنار مأموران اطلاعات، برای شهادت دادن دروغین علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران به‌کار گرفته شد.

در تیر ماه ۱۳۸۶ در بارهٔ وضعیت پرونده ۱۷ ژوئن نوشتم :

«بگذریم که هر چه مسئول مالی (برادرمان ابوالقاسم رضایی) در این ۴ساله. درخواست استماع و بازپرسی نمود، جز یک‌بار او را نخواستند و آن‌چنانکه خودش در برنامه ارتباط مستقیم فاش کرد، همان یک‌بار هم، عمدتا به‌سوال و جواب پیرامون خانواده رضایی‌های شهید برگزار شد.

اما عجبا که بچه جلّادان و ماموران پیشانی سیاه اطلاعات آخوندی به وفور در اطلاعات فرانسه به شهادت فراخوانده شدند!

یک مأمور اطلاعات آخوندها به نام خدابنده و زن انگلیسی او که در شکنجه‌گاه اوین هم، درحال خدمت‌گذاری دیده شده، دست کم ۱۶ بار علیه مقاومت ایران و رئیس جمهور برگزیده این مقاومت، برای اطلاعات فرانسه رقعه پر کرده است.

شگفتا که در این ۴سال، درخواست شهادت‌دادن پارلمانترها و شخصیت‌های سیاسی از کشورهای مختلف جهان، مانند درخواست‌های شهادت‌دادن هموطنان‌مان که کمک مالی کرده بودند، بلاجواب ماند.

سازمان مجاهدین خلق و مجاهدان مستقر دراشرف نیز به‌کلی نادیده گرفته شدند.

این دیگر راز سر به‌مهری نیست. در جریان معاملات پر رشوه و سود نفتی و اقتصادی ،

دوویلپن وزیر خارجه سابق فرانسه و خرازی وزیر خارجه آخوندها در روز ۲۴ آوریل۲۰۰۳، با یکدیگر همه چیز را با جزئیات برای متلاشی‌کردن و سر بریدن مقاومت ایران، صحبت و هماهنگ کرده بودند.[۵۸]

بنابراین فاشیسم دینی، در تبادل مستمر با اطلاعات فرانسه، از قبل حتی از روز و ساعت عملیات و تعدادی که قرار بود بعداً دادگاهی شوند، مطلع بود و برای آن بی‌تابی می‌کرد.

اطلاعات آخوندی پیشاپیش حتی یک نسخه نشریه مجاهد مجعول برای انتشار در روز بعد از عملیات آماده کرده بود.

اما آقای شیراک که زبان تعادل قوا را به‌خوبی می دانست، تا گردآوری سلاح‌های مجاهدین در عراق تا پایان ماه می ۲۰۰۳ احتیاط به خرج داد و دست نگه داشت.

سرانجام چراغ سبز عملیات ۱۷ژوئن، توسط بروگیر، بازپرس شعبه ضدتروریسم دادستانی، داده شد.

چه بازپرس بی‌طرفی که بر روی بمب‌گذاری‌های رژیم در خیابان‌های پاریس در سال ۱۹۸۶ و بر روی تروریست‌ها و بچه‌جلّادان اعزامی، تماماً چشم می‌بندد، اما یقهٔ قربانی را محکم می‌چسبد.

اکنون از هر وجدان منصف و از هر قاضی بی‌طرف، باید پرسید که مسئولیت جان باختن صدیقهٔ مجاوری و ندا حسنی حقیقتاً بر عهده کیست؟

دیکتاتورها و دجالان و جلادان در طول تاریخ، مسئولیت قتل و شکنجه قربانی را همیشه بر دوش خود او بار می‌کنند. در پروندهٔ ۱۷ژوئن هم، رژیم آخوندی و هم‌دستان و مزدورانش، به‌غایت تلاش کردند تا مسئولیت را متوجه رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران کنند.

واقعیت این است که از عهد قاجاریه تا امروز، هیچ حکومتی در ایران، بالفعل به‌اندازه حکومت آخوندی، مورد حمایت کشورهای غربی نبوده است. آن‌چنانکه مخالفانش را وکالتاً سرکوب و بمباران و خلع سلاح و محصور و محدود کنند».

سندیکای قضات فرانسه در نخستین سالگرد ۱۷ ژوئن، علیه «یک دادگستری آلت دست» ملایان برشورید و اعلام کرد: «امروز در حالی‌که تحقیق و پیشرفت در پرونده در نقطهٔ مرگ است، مقام‌های ایرانی از طریق درست‌کردن شاکیان خصوصی هدایت شده، در تلاش هستند که اطلاعات موجود در این پرونده را به‌دست بیاورند. سندیکای قضات سرفرودآوردن دادسرای ضد تروریستی را که می‌تواند از طریق یک روند غیر قابل توجیه، موجب شناسایی مخالفان رژیم ایران گردد و آنها را به خطر بیندازد، افشا می‌کند».

۵۸-ژورنال دودیمانش-۲۲ ژوئن ۲۰۰۳

این پرونده‌سازی‌ها ، یک تمامیت و یک کل به‌هم‌پیوسته و هدایت‌شده، از سوی بیت‌العنکبوت ولی فقیه ارتجاع و رئیس جمهور ان ولایت بود که بی‌دریغ پول نفت را که قرار بود به سفره‌های ملت ایران باز گردانند، همراه با خود نفت به آن سوی جهان سرازیر کردند، تا شاید با آن مجاهدین و مقاومت ایران را بسوزانند و خاکستر کنند. در زمان خاتمی می‌گفتند، بمباران و موشک‌باران و کوبیدن مجاهدین"ثواب" دارد و"اصلاحات" را تقویت می‌کند. در دو سال اخیر، با "خودکار سبز" خامنه‌ای که از آستین آخوند مصلحی (وزیر اطلاعات) بیرون می‌آید، می‌نویسند که بسته‌شدن پرونده‌های مجاهدین و خارج شدن آنها از لیست تروریستی آمریکا، جنبش سبز را تضعیف می‌کند!

و ما هنوز هم نفهمیدیم که یک "گروهک" ناچیز تروریستی، سکتاریستی، بعثی، صهیونیستی و امپریالیستی که به گفته "عظما" و مقلدان و امدادرسانان غیبی او، هیچ پایه اجتماعی در داخل ایران هم ندارد، چرا باید اینقدر مشغله ذهنی و عینی او، و هم‌ریشان و هم‌ریشه‌های او باشد!

چرا باید این‌قدر اسباب ترس و وحشت باشد؟

چرا باید میلیاردها دلار علیه آن خرج کرد؟ و آن را معیار و ملاک سنجش دوست از دشمن در ایران و عراق و منطقه و در سطح جهان قرار داد.

-خرازی وزیر خارجه آخوند خاتمی، در کرسی وزارت، لدی‌الورود «قراردادهای عظیم نفتی را به‌کمپانی‌های آمریکایی پیشنهاد کرد، همان قراردادهای میلیارد دلاری که در حال حاضر نصیب کمپانی‌های اروپایی می‌شود».[۵۹]

- یک سال بعد، همین شخص (خرازی) «خاتمه دادن» به فعالیتهای مجاهدین و مقاومت ایران را «یکی از معیارهای جدی ارزیابی از میزان صداقت کشورهای اروپایی» و عامل «تعیین‌کننده» در «مناسبات آتی» رژیم با آنها اعلام کرد.[۶۰]

- آسوشیتدپرس در همان روز وارد کردن نام مجاهدین در لیست اتحادیه اروپا گزارش کرد: «بسیج و مقابله با مجاهدین خلق، همیشه در صدر گفتگوهای دو جانبهٔ ایران و اتحادیه اروپا قرار داشته است».[۶۱]

-یکی از مخاطبین آخوندها در اتحادیهٔ اروپا گفت: «ملاها ما را ناگزیر کردند بین نفت و دلار ایران از یک طرف، و مجاهدین و حقوق‌بشر از طرف دیگر، یکی را انتخاب کنیم»!

- وال استریت در همان روز نوشت: «اتحادیهٔ اروپا برای جلب رضایت تهران، به‌مخالفان ایرانی برچسب تروریسم می‌زند».

۵۹-تلویزیون سی بی اس-۲۴آذر۱۳۷۶

۶۰-۱۸ اسفند ۱۳۷۷

۶۱-۱۳اردیبهشت۸۱

- رویتر هم گزارش کرد که «این اقدام اتحادیهٔ اروپا یک ژست چشم‌گیر» به‌سمت جمهوری آخوندهاست.

- و در همان زمان، من از منابع موثق در داخل رژیم به‌اطلاع هموطنان‌مان رساندم که «قیمت تجاری و معاملاتی این ژست کثیف و این برچسب سخیف را "قراردادهایی مجموعاً به‌مبلغ بیش از ۷ میلیارد دلار" بازگو می‌کنند. به‌راستی که وقتی حقارت و تجارت سکان سیاست را به‌دست می‌گیرند، جز خیانت به‌تمامی آرمانها و اصول حقوق‌بشر، انتظار دیگری نباید داشت».[۶۲]

یک‌ماه بعد در ۱۶خرداد۱۳۸۱، خبرگزاری رسمی رژیم گزارش کرد که رژیم با اتحادیهٔ اروپا، ۸ دور مذاکره داشته است و به گفتهٔ محمد جواد ظریف، معاون وزیر خارجه آخوندها «قرار گرفتن سازمان منافقین در فهرست سازمانها وگروههای تروریستی.... از جمله نکات مثبتی است که با نقش مثبت و سازنده اسپانیا و در دورهٔ ریاست این کشور بر اتحادیه اروپا، به‌ثمر نشسته است». علاوه بر این رژیم از اسپانیا می‌خواهد «موضوع انسداد دارایی‌های این تشکیلات تروریستی هرچه زودتر عملی شود و از فعالیت اعضای آن در قلمرو اتحادیهٔ اروپا ممانعت به‌عمل آید».

۵ سال و ۹ ماه بعد، یعنی در اسفند ۱۳۸۶، بازهم وال استریت گزارش می‌دهد: «مقامات ایرانی سال‌هاست که سرکوب سازمان مجاهدین را به‌یک اولویت در مذاکراتشان بر سر مسالهٔ هسته‌ای یا موضوعات دیگر با کشورهای غربی تبدیل کرده‌اند. این موضوع بر اساس اظهارات چندین دیپلمات است که درگیر در این گفتگوها بوده‌اند».[۶۳]

در همان سال ۱۳۸۶، رژیم در عراق با آمریکایی‌ها ۴ دور مذاکرهٔ اعلام‌شده داشت. در خرداد و مرداد و آذرماه ۱۳۸۶. در آن زمان حفاظت اشرف هنوز بر عهدهٔ نیروهای آمریکایی بود. آمریکایی ها خودشان به این نتیجه رسیده بودند که گویا رژیم ایران دردی، جز مجاهدین ندارد. چون در هر ۴ دور مذاکره، از ابتدا تا انتها، نمایندگان رژیم از هرطرف و در هر بحثی مانند "گربهٔ مرتضی علی" چهار دست و پا روی مسألهٔ مجاهدین فرود می‌آمدند و به "صحرای اشرف" گریز می‌زدند!

این را هم بگویم که در این سالیان، رژیم برای سرکوب مجاهدین در مجموع، امکانات ۱۲دولت را به‌کار گرفت که هرکدام شرح و تفصیل و پروندهٔ جداگانه دارد. از سوریه تا کانادا و از انگلیس تا آلمان و ترکیه و استرالیا ....

اما از سال ۱۳۶۴ تا به امروز، یعنی به مدت ۲۶ سال، رمز ایستادگی و اعتلای مجاهدین

۶۲-پیام ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۱-نشریه مجاهد شماره ۵۸۲

۶۳-۱۷اسفند۱۳۸۶

و درهم‌شکستن این همه توطئه و دام و سرکوب و خصومت خونین و نفت‌آلود، همانا کلمهٔ طیبهٔ مریم و انقلاب ایدئولوژیکی در صفوف ما بوده است. و الا، نه ۷۰ بار، بلکه ۷۰۰ بار، رژیم پلید آخوندی برای‌مان، جشن ترحیم سیاسی و آرمانی و تشکیلاتی می‌گرفت. مجاهدین را هم، مانند بسیاری دیگر وادار به‌ذلت و تسلیم می‌کرد و در خودش یا یکی از باندهای همین رژیم تحلیل می‌برد.

در آذر ۱۳۸۲ وزارت اطلاعات رژیم به‌صراحت اعلام کرد:

- «هدف محوری جمهوری اسلامی ایران باید حذف صورت مسالهٔ این تشکیلات تروریستی باشد».

- «اثرات ناامنی و منفی این گروهک، نه‌تنها امنیت داخلی، بلکه امنیت منطقه را به خطر می‌اندازد»

- استراتژی جمهوری اسلامی ایران «جداسازی بدنه از مرکزیت و بازگشت و تخفیف برای اعضا.... پافشاری و تأکید بر محاکمه و مجازات عناصر اصلی این سازمان از طریق دیپلوماسی امنیتی»، «مواجه‌کردن منافقین با نیروهای بومی مناطق داخلی عراق، مثل نیروهای سپاه بدر و اکراد».

۸ سال بعد در اردیبهشت ۱۳۹۰، حتی بعد از حملهٔ اخیر و جنایت بزرگ علیه بشریت در اشرف، بازهم صورت مسأله رژیم ولایت فقیه و گشتاپوی آخوندها، همین تشکیلات مجاهدین است و می‌گوید:

-«این نکته حیاتی است که ملل متحد و سایر ارگان‌های حقوق بشری بین‌المللی، به‌خوبی آگاه هستند که تنها موضع حقوق بشری مشروع در خصوص اردوگاه اشرف و ساکنان آن اقدام به منحل‌نمودن فوری و بدون قید و شرط ساختار فرقه‌ای این سازمان است».

-«این مهم تنها زمانی محقّق خواهد شد که رهبران سازمان مجاهدین خلق از اعضای بدنه جدا» شوند.

وزارت بدنام هیچ ابایی ندارد که نقش "لـله" حکومت عراق را هم، بازی کند و بگوید: «عراق یک کشور مستقل است و قادر است تا این مسئله را به‌شیوه حقوق بشری که بازتاب خوبی نسبت به این دموکراسی نوپا داشته باشد، حل و فصل نماید.... وارد شدن گروه‌های حقوق بشری، از جمله بنیاد فرهنگی بلدیه، قطعاً نشانه این است که کشور عراق اعتماد به نفس و توان برخورد با مسئله سازمان مجاهدین خلق را به‌صورت مؤثر و صلح‌آمیز دارد» .

تفاوت این ایام با دههٔ ۶۰ در این است که آخوندها و پاسدارانشان در آن زمان، مواضع قرون وسطایی و فوق ارتجاعی خود را در قبال مجاهدین در قالب «ضد استکباری» بیان می‌کردند، اما از وقتی «جنگ قدس از طریق کربلا» به گل نشست و پاسدار-دژخیمان،

به کار "فرهنگی" و "سردبیری" روی آوردند و همگی "دکتر" شدند (از نوع کردان) دیگر به‌جای حوزه و روضه و مقنعه، به "ان.جی .او" و "بنیاد فرهنگی" و فعالان بی حجاب "حقوق بشر"روی آورده‌اند!

بیچارگان ۳۰سال است خواب متلاشی کردن و انحلال و نابودی مجاهدین را می بینند. مجاهدین اما، هرچه بیشتر در طریق صدق و فدا گام بر می‌دارند، با تمام توش و توان و روح و روان، با پوست و گوشت و استخوان «بیا، بیا» می‌گویند و به‌مقابله و «جنگ صدبرابر» برمی‌خیزند. قیمت آزادی خلق‌مان را هر چه باشد، باید بدهیم، داده‌ایم و خواهیم داد.

این را کسی می‌گوید که در همین حمله ۱۹فروردین ۱۳۹۰، در برابر یک جنایت بزرگ جنگی و جنایت علیه بشریت، ۲۲تن از اجزاء و اعضای بدنِ آرمانی و سیاسی و تشکیلاتی‌اش، به‌زیر چرخ زرهی‌ها رفته، ۲۲۵ بار در معرض اصابت تیر مستقیم قرار گرفته و ۳۶ تن از یارانش جان باخته‌اند و در مجموع ۳۵۰ تن از آنان مجروح شده‌اند، تا حمله زرهی به نفرات بی‌سلاح را متوقف سازند و درهم بشکنند.

فلک را سقف بشکافند و طرحی نو در اندازند....
ذخراً و شرفاً و کرامتاً و مزیدا
سرمایه‌ای و شرفی و کرامتی و زیادتی
ربنا تقبل منا، انک انت السمیع العلیم
بارخدایا رزم ما و شهیدان‌مان را از ما بپذیر، همانا که تو شنوا و دانایی

از آن‌سو مریم را بنگرید: اشرفی نخستین، که در طوفان ضربات و بلاها و ابتلائات، و در محاصرهٔ انواع و اقسام مشکلات و دست‌بستگی‌ها، با ریسمان‌ها و تار عنکبوتی که آن‌چنان گرداگردش تنیده بودند، در مکتب فدا و رهایی، آیت ضد ضربه و نابودی، و بشارت مجسم فتح و پیروزیست. پیروزی «سبز و سفید و سرخ» و «شیر و خورشید» بر ظلمات عمامه پیچِ تیرگی و تاریکی.

دادستان در ادعانامهٔ خود علیه مریم نوشته بود: جرم این است که او «تعادل ژئوپلیتیک بین‌المللی را درهم می‌ریزد و نظم عمومی را مختل می‌کند».

راست می‌گوید! "کوکب مشرق" (عنوانی که بانوی اردنی به‌کار برد) به‌راستی نظم آخوندپسند نرینه سالار را در هم می‌ریزد و انقلاب می‌کند.

در آذرماه ۱۳۸۵، آن روز که نخستین‌بار دادگاه عدالت اروپا به لغو برچسب تروریستی حکم کرد، علمای حقوق که چنین چیزی را نامتصور می‌دانستند، آن را «**انقلاب قضایی**» و «**انقلاب حقوقی**» خواندند.


EU expected to strike Iranian opposition from terror list

AFP

In a statement, Rajavi, who lives freely in France, expressed h
that the "EU council avoids appeasement of the mullahs' regi
abides by court ruling, and officially announces removal of PM
from the terror list." Over the last weeks, PMOI supporters ha
regular rallies outside the European Council buildingin Brus
where the talks will take place. Any move to drop the group w
also increase pressure on the United States, which banned the
as a "foreign terrorist organization" in 2003.

خبرگزاری فرانسه



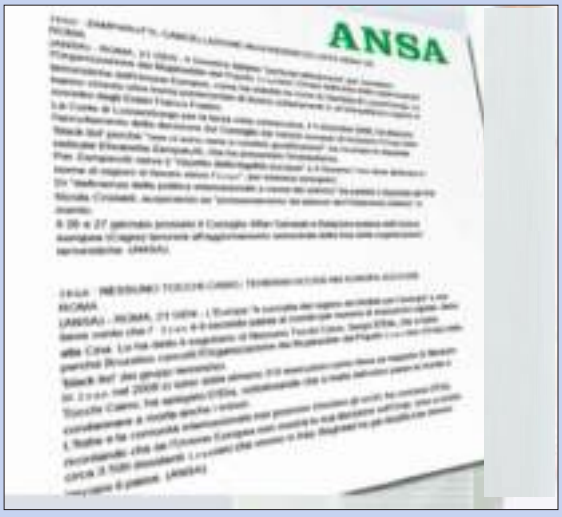
خبرگزاری آسوشتیدپرس



ای دی کرنوس



فاینشال تایمز



خبرگزاری آنسا



بلومبرگ



Iran: Primo Ok Ue a Cancellazione Mujaheddin Popolo Da Lista Terrorismo

adnkronos Agenzia

Bruxelles, 23 gen. - (Adnkronos/Ak) - L'Unione europea e' pronta a depennare l'organizzazione iraniana Mujaheddin del Popolo, Pmoi, dalla listainera Ue dei gruppi terroristici. Salvo sorprese dell'ultima ora, la decisione definitiva sara' presa lunedi' dai ministri degli Esteri europei riuniti al Consiglio Affari generali e Relazioni esterne. Intanto e' gia' giunto il primo via libera del comitato Relazioni esterne' incaricato di preparare i lavori della riunione dei capi della diplomazia dei paesi membri, che ha inserito il caso come punto 'A' dell'agenda dei ministri, dunque da approvare senza discussioni.

آندورس آژانس



Paris veut maintenir l'interdiction des Moudjahidine du peuple

Par Reuters, publié le 23/01/2009 à 13:31

REUTERS

خبرگزاری رویتر



dpa

23. Januar 2009

Brüssel: Iranische Volksmudschaheddin werde von EU-Terrorliste gestrichen

Die "Volksmudschaheddin des Iran" sollen am Montag von einer Terrorliste der Europäischen Union gestrichen werden. Mit diesem Beschluss wollen die Außenminister der EU in Brüssel mehrere Urteile des Europäischen Gerichtshofes umsetzen, sagten EU-Diplomaten.

Der Volksmudschaheddin, die das Regime der Mullahs im Iran bekämpfen, hatten sich erfolgreich gegen die Beschlagnahme ihres Vermögens unter Berufung auf eine UN-Resolution vom September 2001 gewehrt.

Der EU-Gerichtshof hatte zuletzt im vergangenen Dezember die Aufnahme der Organisation in die EU-Terrorliste als unrechtmäßig bezeichnet, weil ein Volksmudschaheddin rechtliches Gehör verweigert worden und die Begründung der Entscheidung nicht nachprüfbar sei. Mit der Liste der EU soll ein Beschluss des UN-Sicherheitsrats vom September 2001 umgesetzt werden.

د پ آ



MIDDLE EAST TIMES

PMOI appears headed for delisting in EU

BRUSSELS, Jan. 23 (UPI) -- The dissident People's Mujahedin of Iran based in Iraq's Diyala province seems headed for delisting as a terrorist group by the European Union, officials said.

The dissident People's Mujahedin of Iran based in Iraq's Diyala province seems headed for delisting as a terrorist group by the European Union, officials said. Milena Vicenova, the Czech envoy to the EU, said the latest version of Europe's list of terrorist organizations did not include the PMOI, Europe's weekly EuropeanVoice.

and NCRI both are considered terrorist groups by a number of nations, including the United States, for their violent opposition to the Iranian regime in the past. Both groups, however, have made significant progress in their efforts to be delisted following a revocation of visitors in 2003.

روزنامهٔ میدل ایست



الزمان

اتفاق أوربي لاخراج مجاهدي خلق من لائحة التنظيمات الإرهابية

وزارة حقوق الانسان

روزنامهٔ الزمان –عراق



الغد

به گفتهٔ مقامات اروپائی بعد از ۳ سال نبرد قضائی، انتظار میرود که اتحادیه اروپا روز دوشنبه نام جنبش "مجاهدین خلق" برجسته ترین سازمان اپوزسیون ایران را از لیست سازمانهای تروریستی خود خارج نماید.

روزنامهٔ الغد –مصر

پس از هفتمین حکم، در هفتمین دادگاه در بهمن ۱۳۸۷ که به‌بطلان این نامگذاری در اتحادیهٔ اروپا منجر شد، در جایی خواندم که پرفسور اریک داوید که از برجسته‌ترین متخصصان حقوق بین‌الملل در دنیای معاصر و از مدافعان شریف شهر شرف است، گفته بود: **«این انقلاب حقوقی که خلق‌های جهان در آینده از آن بسیار بهره می‌برند مدیون مریم رجوی است که با کارزارش حربهٔ حقوق را که در تاریک‌خانهٔ تروریسم زنگ زده بود، صیقل داد، احیاء کرد و به میدان آورد».**

این حقیقت با صدور حکم منع تعقیب در پروندهٔ ۱۷ ژوئن و محتوای قوی این حکم با درخشش بیشتر، اثبات گردید. قضّات تحقیق در فرانسه، که خود طرف دعوا و علی‌القاعده در مقام مدعی هستند، قبل از مراجعه به دادگاه و داوری توسط قاضی و قضات بی‌طرف، که بین دادستان و قاضی تحقیق از یک‌طرف و متهم از طرف دیگر قضاوت می‌کنند، اکنون در حکم خود می‌گویند :

-آیا در مقولهٔ «اخلال در نظم عمومی»، منظور اخلال کردن در یک نظم عمومی و حاکمیت مشروع است که گروهی از افراد یا سازمان در پی مقهور کردن و تروریزه کردن آن است؟ آیا هدف مقهور کردن و تروریزه کردن مردم است یا مقهور کردن یک حکومت، تا واپس بنشیند و از مقهورکردن و تروریزه‌کردن مردم خود دست بردارد؟ اگر چنین است در این‌صورت، آشکارا می‌توان از حق اساسی مقاومت در برابر ستم سخن گفت.

در این حکم تاریخی قضات تحقیق به گفته خود «با دقت نسبتاً زیاد» اعلام می‌کنند:

-صفت تروریسم در این پرونده باید به‌کنار گذاشته شود و از این‌رو دستور منع تعقیب به این اتهام علیه افراد یادشده در پرونده و علیه هرکس دیگر صادر می‌شود.

-مجاهدین از شیوه‌هایی که ماهیت تروریستی دارد، استفاده نکرده‌اند

-ماهیت موضوعی که باید در این پرونده بر سر آن حکم کرد کاملا غیر عادی است.

-وقتی قاضی نمی‌تواند به‌خود اجازه دهد که یک رژیم حاکم را به‌عنوان یک رژیم ستمگر توصیف کند، به‌همین ترتیب نمی‌تواند حکم کند که یک جنبش اپوزیسیون را یک حرکت تروریستی، و نه یک جنبش مقاومت، می‌شناسد.

-بنابراین هم‌چنان‌که قاضی نمی‌تواند بدون واردشدن در ملاحظات کاملاً سیاسی، ارزیابی خود را از رژیم ایران ارائه کند، نمی‌تواند مخالفان آن را تروریست توصیف کند و حکم کند که آنها در هیچ شرایطی نمی‌توانند از حق خود برای مقاومت علیه ستم استفاده کنند.

-در این پرونده، سندی دال بر اقدام مسلحانه‌یی که غیر نظامیان را عمداً هدف قرار داده باشد وجود ندارد.

-در شهرهای ایران، هدفها بطور سیستماتیک نهادهای سرکوبگر امنیتی و انتظامی و نظامی و حکومتی بوده و عملیات در پاسخ به سرکوب و شکنجه و هزاران اعدام و جنایتهای رژیم ایران، انجام می‌شده است

-به گفتهٔ وکلا، این حق طبیعی و تردیدناپذیر مقاومت در برابر ستم، مندرج در ماده ۲ بیانیهٔ حقوق بشر است که توسط منشور ملل متحد نیز مهر تایید خورده است. به‌ویژه که سازمان مجاهدین خلق ایران در مبارزهٔ خود «علیه رژیم خشن حاکم بر ایران» از «حق مشروع خود در کادر احترام به ضوابط و نرم‌های بین‌المللی» استفاده کرده است.

-قضّات تحقیق در این پرونده از همکاری جزایی بین‌المللی با مقامات حکومت ایران به دو دلیل اصولی ممنوع بودند. یکی اینکه حکومت ایران بدون شک، پرونده فرانسه را با چیزهای متعدد پر می‌کرد، تا توصیف تروریستی مخالفان اصلی خود را به‌کرسی بنشاند که در این‌صورت آنچه وارد پرونده می‌کرد، چه ارزشی می‌توانست داشته باشد؟ دیگر اینکه، در صورت همکاری جزایی، اگرحکومت ایران وارد این پرونده می‌شد و اطلاعات بسیار زیاد آن را بدست می‌آورد، امنیت عناصر و افراد این پرونده، به‌دلیل اجرای مستمر مجازات مرگ در ایران، به‌خصوص در مورد اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران، ارتش آزادیبخش ملی ایران و شورای ملی مقاومت ایران و به‌طور کلی، مخالفان رژیم ایران به‌خطر می‌افتاد.

مهمتر از هر چیز، قضات تحقیق به‌روشنی اعلام کرده‌اند :

-ارتش آزادیبخش ملی ایران و عملیات آن مشمول تروریسم نمی‌شود، چرا که عملیات جنگی با استفاده از یک ارتش واقعی، بنام ارتش آزادیبخش صورت گرفته است.

-تجهیزات و تسلیحات نظامی، بعضاً سنگین، که در اشرف وجود داشت، برای این تهیه نشده بودند که هیچ گاه مورد استفاده قرار نگیرند.

-تأسیس یک ارتش بی‌تردید یک عمل آماده‌سازی برای تهاجمات نظامی می‌باشد. اما این امراجازه نمی‌دهد تهاجمات نظامی با اعمال تروریستی یکی محسوب شود.

-در حقوق فرانسه یک تهاجم نظامی که منجر به نبرد مسلحانه میان نظامیان شود، نمی‌تواند عنوان تروریسم داشته باشد.

بالابلندترین فراز در حکم قضات فرانسوی این بود که ارتش آزادیبخش ملی ایران، مشمول تروریسم نمی‌شود، چرا که عملیات جنگی با استفاده از یک ارتش واقعی صورت گرفته و تهاجم نظامی که منجر به نبرد مسلحانه میان نظامیان شود، نمی‌تواند تروریسم نامیده شود.

بگذارید در همین باره توضیحاتی را که ۱۴سال پیش در آبان ۱۳۷۶ به‌عرض رساندم، مرور کنیم:

شکست توطئهٔ رژیم آخوندی و موقعیت پیروزمند مقاومت ایران در کارزار گستردهٔ بین‌المللی

(از پیام رادیو تلویزیونی ۱۱ آبان ۱۳۷۶)



اولاً- مطمئن باشید که هرکس، هر ارگان و هر وزارت خارجه‌یی که در این‌سو یا آن‌سوی جهان، به مقاومت عادلانه مردم ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران برچسب تروریسم می‌زند ،دستش به‌کلی خالی است و هیچ سند و مدرک و دلیل و گواه و گزارش محرمانه، غیر محرمانه‌یی که در آن بتوان اتهام تروریسم را ثابت نمود، وجود ندارد. به‌صراحت می‌گویم که مخصوصاً در وزارت خارجه آمریکا هیچ دلیل و مدرک جدی در این‌باره موجود نیست و اگر هست خواهشمندیم، بلادرنگ آن را افشا نموده و به اطلاع افکار عمومی برسانند . بگذریم که مقامات عالیرتبه آمریکایی صراحتاً تاییدکرده‌اند که این اتهامات و گنجاندن نام مجاهدین در لیست کذایی علت و دلیلی جز «چشمک زدن» به آخوند خاتمی و ارسال پیام «حسن نیت» برای آخوندها ندارد و این البته از دیرباز نخستین خواسته رژیم آخوندی و «پیش شرط هرگونه بهبود رابطه» با کشورهای مختلف بوده ، هست و خواهد بود. این امر تنها حاکی از ترس و تزلزل آخوندها در برابر مجاهدین و مقاومت ایران و اقرار آنها به جایگزینی شورای ملی مقاومت است .

ثانیاً- ما هم چنین می‌دانیم که علاوه بر اکثریت نمایندگان کنگره، در وزارت خارجه آمریکا نیز بسیاری از مقامات و حتی مسئولان ارشد با چسباندن مارک تروریسم به مجاهدین مخالف بوده و هستند.

در هرحال خطاب به کسانی که در آمریکا و غیر آمریکا برچسب «تروریسم» را برای خوشآمد آخوندها نثار مجاهدین کرده‌اند، می‌گویم که به‌راستی عقل سلیم هرگز نمی‌پذیرد که درآن واحد، هم رژیم حاکم بر ایران «پدرخوانده و سردمدار تروریسم بین المللی» نامیده شود و هم اسم مجاهدین- با یکصد هزار شهید آزادی- وارد لیست تروریستی گردد.

نمی‌توان هم جلّاد و هم قربانی را به‌طور متساوی محکوم نمود. چشمک‌زدن به آخوندهای جلادی که تاکنون ۴۰ بار در قطعنامه‌های مختلف ملل متحد محکوم شده‌اند، آنها را جری‌تر و درنده‌تر می‌کند.

به‌راستی چه کسی در ایران به گفتهٔ عفو بین‌الملل «انسانها را نه ده‌ده، بلکه صدصد، اعدام می‌کند؟»[۶۴]. چه کسی زنان را هزار هزار، به‌بهانه بدحجابی دستگیر و شکنجه می‌کند؟چه کسی قلم‌ها را می‌شکند، نویسندگان و روشنفکران را به‌بند می‌کشد و اقلیت‌های ملی و مذهبی را سرکوب می‌کند؟

ثالثاً- به‌خصوص که این مقاومت بارها آمادگی خود را برای شرکت در یک انتخابات آزاد ریاست جمهوری یا مؤسسان بر اساس اصل حاکمیت مردم (و نه ولایت فقیه) تحت نظر ملل متحد اعلام کرده است. یعنی که اگر جامعهٔ بین‌المللی بتواند در این مورد تضمین‌های کافی بدهد، ما بلادرنگ سلاحهای خود را بر زمین خواهیم گذاشت .

رابعاً-دعاوی و اکاذیب رژیم مبنی بر کشتار یا آزار شهروندان توسط مجاهدین را، هیچکس در ایران جدی نمی‌گیرد.

خامساً-ذیل مادهٔ ۴ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو «جنبشهای مقاومت سازمان‌یافته» با مشخصات زیر تعریف شده‌اند:

-این که تحت فرمان فردی باشند که مسئولیت همه‌جانبه دستوراتی را که می‌دهد، به عهده بگیرد.

-این که امضای مشخص و ثابتی را دارا باشد که در یک محدوده به‌رسمیت شناخته شده باشد.

-این که آشکارا سلاح حمل کند.

-و این که عملیات خود را براساس قوانین و رسوم جنگ تنظیم کند.

۶۴-گزارش نیمه نوامبر ۱۹۹۴

- هم چنین براساس تعریف ماده سوم از فصل اول کنوانسیون‌های ژنو«نزاع مسلحانه با ماهیت غیر بین‌المللی» چنین تعریف می‌شود: «طرفی که علیه دولت رسمی دست به‌شورش برداشته، از یک نیروی نظامی منظم و یک مصدر اختیارات برای پاسخگویی در قبال عملکردهایش برخوردار بوده و در اراضی معینی فعالیت نماید و از امکانات لازم برای محترم شمردن و تضمین اجرای کنوانسیون ژنو برخوردار باشد».[۶۵] جالب توجه این‌که در مباحثات کنفرانس دیپلوماتیک ژنو، برای تصویب کنوانسیون ۱۹۴۹ در همین رابطه تصریح شده است که «برخی اوقات در یک جنگ داخلی، آنها که شورشی تلقی می‌شوند، در واقع امر میهن‌پرستانی هستند که برای استقلال و شرف کشورشان مبارزه می‌کنند.... امکان‌پذیر نیست در مورد شورشیانی که اصول انسان دوستانه را مراعات می‌کنند از "تروریسم"، "آنارشی" و "اغتشاش" سخن گفت». [۶۶]

آری، مجاهدین نیز در منتهای انسان‌دوستی، میهن‌پرستانی هستند که برای آزادی و شرف و استقلال کشورشان مبارزه می‌کنند. ملاحظه می‌شود که بر اساس تعاریف فوق، برچسب تروریستی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران بسیار ناچسب و مغرضانه و سخیف است و هیچ پایه جدی قانونی و حقوقی ندارد.

سادساً- حتی اگر تعریف رسمی وزارت خارجه امریکا از «تروریسم» را ملاک قرار دهیم، بازهم این برچسب به مجاهدین نمی‌چسبد. در گزارش سالانه وزارت خارجه امریکا مربوط به سال ۱۹۸۹ که در بهار سال ۱۹۹۰ منتشر شده است، می‌خوانیم :

«از نظر ما "تروریسم" خشونت از پیش فکر شده و با محرک سیاسی می‌باشد که توسط گروههای زیرملیتی و ایادی کشوری زیرزمینی علیه اهداف " نامبارز" (غیرنظامی) انجام می‌شود، تا بر شاهدان آن تاثیر بگذارد. "تروریسم بین المللی" تروریسمی است که اتباع یا اراضی بیش ازیک کشور را شامل می‌شود».

حال اگر کسی برچسب ناسزای تروریستی را برای خوشآمد آخوندها، نثار مجاهدین می‌کند، نه عقل سلیم را می‌پذیرد، نه نظر واتیکان را قبول دارد، نه اعلامیه جهانی حقوق بشر را تأیید می‌کند، نه کنوانسیون ژنو و تعاریف رسمی را قبول دارد و نه حتی تعریف خود وزارت خارجه آمریکا را از "تروریسم". دیگر تنها راهی که به‌نظر من می‌رسد این است که او را باید به خود آخوندها احاله بدهیم.

مگر رفسنجانی نبودکه به مخالفان عرفات و سازمان آزادیبخش فلسطین می‌گفت،

۶۵-کتاب تفسیر کنوانسیونهای ژنو،صفحهٔ ۴۴- چاپ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ
۶۶-همان جا

آمریکایی‌ها و فرانسوی‌ها را،۵ تا ۵ بکشید. [۶۷]

و مگر آخوند یزدی نبود که در مقام رئیس قوهٔ قضاییهٔ همین رژیم آخوندی در مخالفت با پروسهٔ صلح خاورمیانه به فلسطینیها می‌گفت: «نباید فریب این حرف‌ها را بخورید. برای گرفتن حق‌تان جز مبارزهٔ مسلحانه هیچ راه دیگری وجود ندارد».

بنابراین، با این‌همه منطق و بحث و استدلال و شاهد و نمونه و مثال، دیگر واضح است که استفاده از برچسب تروریستی علیه مجاهدین و مقاومت ایران، هیچ‌چیز جز ناز و نوازش دژخیمان پلید حاکم بر ایران، نبوده و نیست.

اکنون برعهده وجدان‌های بیدار و منصف است تا دراین باره به‌قضاوت بنشینند.

امروز پس از ۱۴سال، وجدان‌های بیدار بیش از یک‌میلیارد تن از مردم جهان، قضاوت خود را انجام داده‌اند. اکثریت نمایندگان مردم امریکا و بسیاری از مقامات سابق و لاحق در این شمارند. گفته‌ایم و تکرار می‌کنیم که در هرکجا، یک‌ذره انصاف و قانون حکمروا باشد، مردم ایران، مقاومت ایران، مجاهدین خلق ایران و رشیدترین فرزندان این میهن در اشرف پیروز می‌شوند.

رود خروشان خون شهیدان در پرتو مهر تابان مقاومت و آزادی ایران، ضامن پیروزی محتوم خلق ماست

مسعود رجوی

۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۰

۶۷- ۳۰مرداد ۱۳۷۱